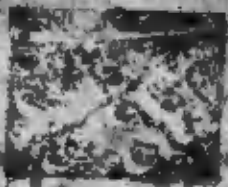


١٣٤
جمال الصالحين





Handwritten text in the upper left corner, partially obscured by a large diagonal stroke.

يا اياك

يا اياك

خادم شريف
عليه السلام



چهارم يا اياك
فرايدت

غرض از اينست كه چون در وقت
تلاوت قرآن

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين محمد وصادق الله عليه وآله
خير خلقه اما بعد جنین کوید احوج عباد الله الى غفران ربهم
عبدالرزاق جصلما الله من التوابين والمستطهرين وجعلها
من عباد الله الصالحين كما ان مجموعته استبهرت بها القلوب
در بیان فضایل آداب و اعمال و حسن اخلاق و افعال که در دنیا
در اکثر اوقات و احوال مراعات آن باید نمود و از امور طبیعت
آن عاقل نباید بود بتوفیق الله و دعوت نوسنت مشهوره و معروفه و از
مومنان که زبان عربی ندانند و استنباط آثار کتب اخبار
نموانند تا ان شاء الله از فضایل آن محروم نمانند و عمل آنها را از
اصول احادیث اخبار و کتب آداب و آثار اهل بیت الطهار
صلوات الله علیهم اجمعین حاصل نمایند تا فی یوم الدین انعام
میشود بجهت آنکه معرفت بسبیل فرایند پیوست نظر بر
کلام بر و اید اعتبار شود در اکثر مواضع تصریح یافته اند و در

و فضائل آن را تا آنکه انقضای مرتبه آن میشود و این مطالب را تا آنکه
در مقام و دوازده باب و فضا که بیان شود و تفصیل آن
در این کتاب است و در هر یک از این فضاها و اینها و مکات
و اینها چند که بر سبیل اجمال باعث رغبت بطاعت و فضائل
اعمال و موجب کراهت معاصی و در ذیل اینها که در این کتاب
در فضایل عقل و علم و مکام اخلاق و صفات و در ذیل اینها
و معاصی و دوازده باب و صفات و این مجموعه انشاء الله
در چهارده فصل بیان شود فصل اول در فضایل عقل
فصل دوم در صفات و سبیل اجمال فصل سوم
در مکام اخلاق و صفات فصل چهارم در برز و اللات
فصل پنجم در مکام و سبیل ششم در حق و اول فصل ششم
در الف و حیت و زیادت مؤمنان فصل هفتم در
آداب ملاقات و محالست فصل هشتم در سکوت و
کلام فصل نهم در اگر اقام و توقیر مؤمنان فصل یازدهم
در سر و روضان و قضای حاجت ایشان فصل دوازدهم
در ذیل معاصی و معاصی بر سبیل اجمال فصل یازدهم در ذیل
معاصی و معاصی بر سبیل تفصیل فصل چهاردهم در ذیل

معاصی و مستیات باب سب دوم در تظیف

و جملہ از کمالات و اجناس ظاہری و باطنی و در

کد و طاعت و احکامات باطنی و این مجموع است و الله در دو فصل

بیان شود فصل اول در فضیلت نفاقت فصل دوم

در آداب تمام رفق و اخلاقیات با اهل بیت علیهم السلام فصل سیم

در فضیلت شارب بر کشتن و تباختن چیدن و آداب آن فصل

چهارم در فضایل اخلاقیات و آنچه متعلق است بآن از آداب

فصل پنجم در فضایل بری ستم کردن و آداب آن فصل ششم

در فضایل سر مرگشیدن و آداب آن فصل هفتم در فضایل

در فضایل سواک کردن و آداب آن فصل هشتم در فضایل

وضو و غسل و آداب آن فصل نهم در فضایل بی خوشتن

و آداب استعمال آن باب سیم

فضایل نماز و متعلقات آن و ذکر بعضی ادعیه مخصوصه بآن

فضایل قرآن و آنچه متعلق است بآن و در باب نهم فصل بیستم

فصل اول در فضایل نمازهای قرآنی و در کتب و در کتب و در کتب

این است سینه فصل دوم در ذکر نماز و در کتب و در کتب

سنت سینه فصل سی و هفتم در آداب پناه‌های و
 فضایل آن و احکام متعلق بآن فصل چهارم در فضایل
 مسجد و آداب آن فصل نهم در کیفیت توجیه نماز
 و فضایل آذین و اقامت و احکام متعلق بآن فصل هشتم
 در کیفیت اشتغال بنماز و آداب آن فصل هفتم در آداب
 باسرا و مقدمات و احوال نماز و ذکر هجده آداب و احکام
 فصل هشتم در فضایل تعقیب و کیفیت آن فصل
 در فضایل اذکار ساعات شبانه روزی و احوال و احکام
 فصل نهم در فضایل و سبیل تفصیل و بیان ذکر آن
 و احوال متعلق بآن فصل یازدهم در ذکر بعضی احوال که در
 آن نماز قرار نگرفته فصل دوازدهم در آداب جماعت
 فصل سیزدهم در احکام سه و شش و غیره و بعضی
 مولودت در وقت فصل چهاردهم در ذکر بعضی دیگر از نمازها
 مفروضه و مندوبه فصل پانزدهم در فضایل قرآن
 و آداب تلاوت آن یا **بسم الله الرحمن الرحیم** چهارم
 در فضایل ذکر و احکام متعلق باقضا و این مجموع الفوائد
 در فضایل آن شود فصل اول در فضایل ذکر فصل دوم

در فضایل مضی ای که مخصوصه فصل سیم در فضایل ذکر است
 و صلوة بر نبیان و بعضی امور مناسب بآن صلوات الله علیهم اجمعین
 فصل چهارم در فضایل دعا و بعضی امور متعلق بآن فصل
 پنجم در فضایل اجابت دعا و بعضی احکام متعلق بآن فصل
 ششم در ذکر جمعی از دعائشان مستجاب شود و بعضی مستجاب
 نشود فصل هفتم در فضایل دعا برای مؤمنان فصل هشتم
 در ذکر بعضی ادعیه و وسائل حاجات فصل نهم در تعویذ
 و حرزها و عاف و مکاره فصل دهم در بعضی ادعیه دیگر
 ما فی ذلک باب پنجم در آداب عبادت و عباد
 احوال و سایر جزئیات و سوانح افعال و این مجموع اقسام
 در دو باب در فصل بیان شود فصل اول در انواع عبادت و آداب
 پوشیدن آن فصل دوم در وقت طعام خوردن فصل سیم
 در اوقات طعام خوردن و آداب متعلق بآن فصل چهارم
 در فضایل بعضی ماکولات فصل پنجم در فضایل آب و آنچه
 متعلق است بآن از آداب فصل ششم در فضایل نباتات
 کردن و احکام متعلق بآن فصل هفتم در آداب مسکن و
 احکام متعلق بآن فصل هشتم در فضایل شجره و آب

خراب و پیداری فصل نهم در آداب بیرون رفتن از خانه و راه
رفتن و سوار شدن و فضایل و آداب حقوق ایشان فصل دهم
در فضایل و آداب مکاسب و معاصیات فصل یازدهم
در فضایل مرض و عیادت مریدین و معالجات امراض و فصل
دوازدهم در سایر جزئیات عادات یا آداب کسب
در حقوق اموال و رعایت احوال عیال و این مجموع است از
دوره فصل پان شود فصل اوله در بیرون رفتن و فصل دوم
در فضایل زکوة و عقوبت منع آن فصل سیم در وصایای
اعلیای طهارت و دوستی طیبین و اتباع ایشان از خوشنشین
سلام الله علیهم اجمعین فصل چهارم در فضایل معروفات
و احسان و فصل پنجم در فضایل صدقه و فصل ششم در
سؤال و رخصت فصل هفتم در رعایت حال عیال فصل
هشتم در احسان مؤمن بطلحکم و پیامه فصل نهم در
فضایل ترویج دادن و احکام متعلق بان فصل دهم در سایر
جزئیات یا آداب هفتم در فضایل بزرگو و احکام
متعلق بان و آداب و فضایل و احکام متعلقان از آداب
و آداب طهارت مجموع است از دوره فصل پان شود فصل اول

در فضایل مطلق یوزده فصل دوم در فضایل روزه ماه حجب

فصل سی و چهارم در فضایل روزه ماه شعبان فصل چهارم

فضایل ماه مبارک رمضان فصل پنجم در آداب صیام فصل

ششم در فضایل عقیقه لفظی و فصل هفتم در فضایل

صیام فصل نهم در انظار کردن برای سر و شوی فصل دهم

در اعتکاف یا سبب هشتم در اعمال شهر

و اعوام و لیالی و ایام و مقصود از این باب در دوازده فصل

انشاء الله بیان شود فصل اول در اعمال روز نوبت و فضایل

آن فصل دوم در اعمال هر ماه که اختصاص باقی ندارد فصل

در اعمال ماه محرم الحرام فصل چهارم در اعمال ماه صفر فصل پنجم

در اعمال ماه رجب و اول فصل ششم در اعمال ماه ذی الحجه

فصل هفتم در اعمال شهر شعبان المعظم فصل هشتم

در اعمال ماه مبارک رمضان فصل نهم در اعمال شبانه روز

عید فطر فصل دهم در اعمال شهر ذی القعدة الحرام

فصل یازدهم در اعمال شهر ذی الحجة الحرام فصل دوازدهم

در ذکر حدیث و فضایل اعمال شهر و اعوام و لیالی و ایام برینیل

اجمال یا سبب نهم در تزیین و استحکام سقا

بآن و مقصود این باب انشاء الله در بیان فضایل بیان شود

فصل اول در فضایل تفریح و کرامت غلبت فصل دوم در

فضایل معنوی و فصل سیم در اخلاص و زویر و عقبات

فصل چهارم در اوقات تفریح و لذت آن فصل پنجم

در آداب زفاف فصل ششم در آداب میاشرت و آداب

و اوقات آن فصل هفتم در طلب فرزند فصل هشتم

در فضایل مل و ولادت و احکام متعلق بآن فصل نهم

در آداب تولد طفل و نام گذاشتن و حقیقه وقت کردن فصل

دهم در فضایل اولاد و تربیت ایشان فصل یازدهم

حقوق زوجین بر یکدیگر فصل دوازدهم در بعضی نواهد

مناسب این باب باب سیزدهم در آداب

سفر و احکام متعلق بآن و این مجموع انشاء الله در فصل

بیان شود فصل اول در بعضی مقدمات سفر فصل دوم

در اختیار ساعات برای سفر فصل سیم در تحصیل رفیق

و تهیه سیاح و بعضی نکات این باب فصل چهارم در

افتتاح سفر و عاقله و فصل پنجم در معایر و مفاد وقت

فصل ششم در آداب سوار شدن و راه رفتن فصل هفتم در

ادب متعلق بمنزل فصل هشتم در ادب سفر دریا فصل نهم
 در مکام اساق و آداب رفاقت در سفر فصل دهم در رجوع
 از سفر یا سبب ^{۱۱} یازدهم در فضایل و عیوب
 و زیارت ^{۱۲} فصل این باب انشاء الله در ده فصل بیان شود
 فصل اول در فضایل و عیوب فصل دوم در زیارت حضرت
 پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فصل سیم در زیارت سائید
 اهل بیت صلوات الله علیهم و سبب اجمال فصل چهارم
 در زیارت ائمه المومنین صلوات الله علیه فصل پنجم
 در زیارت امام حسین علیه السلام فصل ششم در زیارت حضرت
 امام رضا علیه السلام فصل هفتم در ادب و کیفیت زیارت اهل بیت
 طاهرین صلوات الله علیهم فصل هشتم در زیارت و شهرت کتب
 در رجوع و زیارت فصل نهم در فضایل اهل بیت و عیوب
 که در اخذ و دریافت فصل دهم در فضایل زیارت و عیوب
 طیبین و صلوات المومنین یا سبب ^{۱۳} دوازدهم
 احکام متعلق بامرات و زیارت قبور مؤمنان بعد از وفات
 و این مجموع انشاء الله در ده فصل بیان شود فصل اول
 در وصیت صحیفه شهادت فصل دوم در آداب حالت

اختصار و فضایل بعضی اوقات و احوال که وفات در آن اتفاق افتاد
فصل سی و هفتم در تهیه میت فصل اول چهارم در شستن
جسد و وفات و دیدن جنازه و تشییع و تدفین آن فصل پنجم
در نماز میت فصل ششم در کفان و کفن و آداب آن فصل هفتم
فصل هشتم در ثواب و آداب مصیبت و غم و فصل نهم
در ثواب و آداب تضرع و اگر ارام بتم فصل دهم در هدیه
برای میت و اعمالی که با و قطع است فصل یازدهم در زیارت
قبور خاصه در مواضع ضایع و فواید متفرقه مقدمه
در کواخاریت و اخبار و کلمات و اسرار چند که بر سبیل احوال
باعت رعایت لطافت و فضایل اعمال و موجب کمال است
در احوال احوال که بداند که در احادیث اهل بیت علیهم السلام
علیهم السلام است و محقق گشته که خدای عز و جل ایضا ابراهیم
اختصاصی انسان تمت نموده و هر عضوی بر وی از حق احسان
و موهبه متلاذل را واجب گردانید یقین کردن و اعتقاد یافتن
با آنکه خدا تعالی منزله است آنکه او را شریک و نظیر و تشبیه
و وزیر باشد یا احدی در مملکت سلطنت او دخل و تصرف
و تدبیر و تکلفی تواند بود بی اجازه او و مقدر از آن است

که عیب و عار و قهوه و انکار بجانب جلال او کند تواند نمود
و غنی تر از آنکه انچه از او انشاء و معاونت لغیا رب بر او عظیم
و جبروت او را در هر چه از آنکه مکان و زمان و حرکت و
انقال و تصدیق و انکار از او شود و قوی تر
از آنکه ظلم و زور و عجز و نفوذ و جوار قدرت او از دور تو نیم
عبور نماید و التفات نماید باینکه حضرت محمد صلی الله علیه و آله
عظام نبیین و سید مرسلین و افضل اولین و آخرین است
هر چه گفته اتصال و عوام و صدایج و مقام حد الزیادت خدای گشت
و حق و صدق است و باینکه اول است طاعت او عظیم السلام
و انقیاد او و عتقاد خدا و لعالم رساند و انتمه هدایت و هدایت
او افضل جمیع الخلق عالم و اشرف کافه عوالم و انقیاد
و سید فیض و حقیقت و واسطه فضل و نعمت است که در دنیا
و آخرت و هر کس انکار ایشان کرده و غلب حق ایشان نموده
و هر کس لعانت او کرده و راضی بآن بوده کافر و ملعون و منافق
و ملعون است و واجب است بغض او و براد او و نیز بر او
گردانیدن لعنتی و تسلیم نمودن هر چه خدا تعالی در حق او و علیه
و خلفاء او علیه السلام گفته و کرده و خواسته اند و بر زبان واجب

کروند و اگر بدون اعتداف خون بر چهره دل بمان اعتقاد کرده
چنین بر چشم و گوش و دست و پا و هر یک از اعضا طاعتی معنی
و اجبت که معنی اوست را معنی فرموده و در بیان لزوم اعضا
چند کلمه کرده و از آن هر یک که در تفصیل آنها انشاء الله
در قضا صیغت این مجموعه سابق شود و دیگر اخبار بسیار از ائمه
اطهار علیهم السلام روایت شده که صفات خمس را علامات
اسلام و ایمان و صفات دجیم را بعضی علامات نفاق و بعضی
علامت کفر و بعضی علامات ضلالت نامیده اند و هم از ایشان
علیهم السلام روایت که ایمان سه قسمت تمام و ناقص و زیاد
ایمان تمام آنست که از جمیع محرمات و معاصی اجتناب نماید و
جمیع واجبات و فرائض را بعمل آید بحیثی که هیچ معاصی وارد
نشود و هیچ فرائض ترک نگردد و ایمان ناقص آنکه بعضی معاصی بدو
آید یا بعضی واجبات ترک شود و بقصد آنکه واجبات بکسر
و معاصی بیشتر باشد نقصان ایمان بیشتر گردد و ایمان زیاد آنکه
بزیاد واجبات و مستحبات دهند و باات نیز معاصی و گناهان
بمعصیات بکروهات و مذمومات نیز صالحت شود و هر قدر
مستحبات بیشتر و مکروهات کمتر ایمان زیاد تر باشد و هم از ایشان

صلوات الله علیه مرویست که چون کسی مرکب معصیتی شود یا
ترك فريضه نماید و اگر احوال نداند از ایمان بیرون رود و اسم
مؤمن بر او صادق نیاید اما از اسلام بیرون نرود و اگر احوال
نیز نداند از اسلام نیز بیرون نرود و اگر فایده ویم از ایشان بماند
مرویت که اگر کسی ترك فريضه نماید که در آن لذتی و شهوتی
نبود مانند ترك نماز کافر شود زیرا که سبب ترك درین صورت
بجای استخفاف و بیحرکتی باری می باشد پس دیگر نباشد و اگر فایده
بفريضه نماید کافر باشد و امام امام محمد بن علی العیاقری علیه السلام
مرویت که فرمود ای بنابر آیه نیست کسی را که در حق شیعیان
کند و تشیع بر او بخشد و همین که بگوید دوست دارم و اهل بیت
و ائمه کشیده و ناصیت می کند کسی که از معصیت خیار بر می زند
و اطاعت خدا نماید و این جماعت را شون شده و تشیع می کند
و تشیع و امامت و ذکر خدای عزوجل و باید دانستن حداد
مجارى احوال و سوا العمل و غان گذارد و روزی که ببرد و طاعت
والدین تا چند و رضای ایشان جویند و بعد احوال همان مکان
و فقر او را بکن و فرض و دین و ایام نمایند و اطاعت ایشان
و دین ایشان را نمایند و حاجت ایشان بر آرد و راست گوی باشد

و تلاوت قرآن نمایند و زبان از مردمان باز دارند مگر بخیر و
امین قبیل خود باشند پس جابر گفت یا رسول الله صلی الله
علیه و آله و سلم این صفات کسی که میفرماید در این دنیا کار نیست
پس آنحضرت صلوات الله علیه فرمود اینها بر خدایان بقایند
کن و راههای بی منفعت مروا یا این است همین که کسی گوید علی
دوستی دهم و تو را با او میفایم و حال آنکه لطافت او نکند و
فرمان او نبرد پس اگر گوید که رسول الله صلی الله علیه و آله دوست میدارم و حال آنکه
رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بهتر از علی بود و پیروی او نکند
و طریقه او نپیماید و حال آنکه اینها در دنیا و آخرت هیچ سود
ندارد پس از خدا تعالی بپرسید و اطاعت خدای نایبند
تا بداند که حق و قوابل از او شود میان خدا و حق و مالک آن
بندگان حق شود و قرابتی نیست که اعمال در آن کند و تو سلب آن
و دوست ترین مردمان از خدای الهند که همه در کمال طاعت باشند
و عمل بطاعت او بیشتر نمایند ای جابر و الله که نزدیکی بخدای صلی
نشود مگر بطاعت او و برکت کسی از آنکه یار نیست و کسی را بر
خدای محبتی نه هرگز طبع خداست دوستی و هرگز کسی
ستد با او دشمن ما هیچکس این دوستی ما دوست من نباشد که

لطاعت خدا و فرمانبری ما و دوزخ از محبت خدا و از ایمان
و از تمام عالم محبت برین بعد از صلوات علیها السلام نیست که در
اصل هر چند هم و رفع هر است هر کوی و از اینها است و غیبه
حدی غیر میل و تا زود بود و چشم و برف و عقود و انکه که
بدی نسبت با و کرده باشد و تمام بر فقر و تهی احوالها و کان
و از او نفوذ برای هر صاحب عقل و حق بفضل او دشمنان مانند
صلوات بر سر و رفع این است هر چه و از اینها است که کوی و
بخیالی و سخن چینی و از کتاب فقر اشق و معانی ظاهر از این
و زنا و دزدی و هر چه مانند این باشد اینها و معانی پس کوی
دعوی محبت و ولایت ماکند و متعلق بر رفع اعدای مایه
در دعوی خویش کاغذ باشد پس از مجموع اینها ولایت و اعتبار
و مانند این ولایات نیست یا که و کران هر چه در این مقدمه
نکند و واضح و محقق و ظاهر و مبین است که هر کوی بقدر آنکه در
طاعت و تقوی و طهارت و شسته تر باشد نسبتش با ولایت
طهارت و صفت بیشتر و در جلالش و جلالتش و بزرگویش و کوی
بقدر آنکه در صفت و تقوی و طهارت و شسته تر باشد نسبتش
بکانه تر و در ولایت و بدینسان ایشان را نسبتش بیشتر و در طاعتش

[illegible]

هر چه عقل باشد مایل از هم باشد چه هر که عقل است میسر تر میسر تر
چون یک عقل را عقل می نامند و هر آن چند که گفته با آنکه عقل
یک است فضل و عاقبت بعد از تفاوت عقل متفاوت باشد
عابدی مذهب و دوزخ عبادت می کند و غیره و عقل و عبادت
افشا و از کثرت عبادت او تعجب نموده از خدای تعالی می شنود
که مخلوق است و توانش بر سینه چون با وجود در برابر عبادت
تقلیل نباشد پس خطاب بر عید که زود نموده عقلش را عقل
نمای پیش او آمده و صحبت طهارت کرده گفت خوب حالی خوش گوی
در این طایفه گفت علی ای کاش خدا را می بودی تا دین حیرت
رعایت کردی و کتاب و علقه این لطافت ضایع نکشتی پس در مال
این مکالمه دید رجوع نمود گفت مکشدا و آخر نیست پس عبادت
با آن مالش می نموده و مورد نقد عقلش توانش در میان هر چه عقل
نه در خود حوصله این عقل است همانست که لطافت و دست علی
بمقتضای وسعت خود با عباد و مامل کند کسی را که کثرت عبادت
ستایش می نمودند حضرت اما فرمود عقلش چو نیست گفتند عقل
نبست فرمود این عبادت نیز انقدر در هم نیست و امثال این
احادیث و اخبار بسیار است و از حضرت امام علیه السلام پرسیدند

عقل

که عقل کلام است فرموده که در موردین بعین و در کار عینی بنیاد
 و با آن کتاب چنان و اجتناب از این که حاصل شود مردم ازین
 علم که مردم نیست که طلب علم فرماست بر هر مسلم و عالمی که مردم
 و علمش شایسته شود بهتر است از عفا و غلظت عاید و فضل علم
 بر عاید مثل فضل ماه چهارده است بر سایر کواکب و روز قیامت
 خدا و عطا و ایاد ما و نعمت و نعمت که خدا عطا را چه باشد
 از حضرت امام حاکم بن محمد الملقب علیها السلام مرویست
 که فرمود علم شریف و علم باطنی و سبیل الله درین علم
 و وجودش که انبیا از اینج میگویند که از یکدیگر شایسته و شایسته
 و اینان مسلط شوند بر هر کسی از شیعه مگر خود را بدین کار و
 و در میان ما را تعلیم علوم و آداب دین کنند و ارشاد و هدایت
 و موعظه و نصیحت و امر بمعروف و نهی از منکر عاید و فضیلت از
 کسی که با مردم و برادران از هر راه و بار جدا کند چنان و دفع از دین و
 و دوستان و حامی کند و این از اینان ایشان چون کسی راه راست و عمل
 خیر تعلیم کسی کند که او را در تمام علم منتشر شود و هر چه از این تعلیم
 بآن عمل کنند مثل آداب و اینان برای او بیش از دینی آنکه
 از ایشان چیزی کم شود و چنان که اگر ارجی باطل و علم بر تعلیم کنند

گفتند بر این چه میگویند
 چه بود در و در علم

علم را هیبت و استقامت و محبت و موافقت است در محبت و مصاحبت
در غیبت و هم چنین محبت و هم پان خلوت و زینت ارباب و اسرار
اعداد و نور چشم و قوت بدن و حیوة دین و فکر و علم برای راست باطن
و مدار امور اشی باقیام و تعلیم و صدق است و تعلیم و محبت و رضا
و دیگر این تسبیح و عمل بقضای این چهار اکیز و ملائکه با علما
محبت نمایند و برای ایشان دعا کنند و هم ملائق برای ایشان استغفار
کنند حق ماحیان دریا و سبیل و محراب و خولیت شان عبادت است و
علم افضل است از نعمات سلطنت و محراب و نکست عالم افضل است
از نعمات دکنست عابد یکسا عابد پیش و فقیه بن افضل است و
سال عبادت کردن و نظر بر روی عالم افضل است از یکسال الهی
در مسجد المرام و دیارش افضل است از نعمات اوج و هر چه در
ساعتی اعلی انفسیند در چه برایش بلند کنند و خدا یغالی بگفت
فرستد و بهشت واجب کرد و چون کمالی بطلب علم روز دای
نا بهشت برایش گشوده شود و ملائکه بال کشتایند تا برون پاکدارد
و افضل آنست و زمین حق ماحی دریا برایش استغفار کنند و اگر
عالم پاک و حق پاکداران عروق میان او و اشی برده بجای باشند
و بعد هر روز از آن خدا یغالی در بهشت مدینه عطا کند هفت تن

وسیع تر از تمام دنیا و چون عالمی بجز در فرشتگان و جمیع زمین که
در آن مبارک است میکرد و درهای آسمان که اعمال را بالا میرفت
همه بر میگرفت و رخت درین پیدا شود که هیچ علاج نکند و علم را
بخواند و در نهایت چند است از آنکه توحید و ربح و صلاح
طاعت و عمل کردن بمقتضای آن که علم را عمل و در و بال است
همچنانکه عمل به علم حیرت و عجز و انانیت و عجزها در روز
قیامت حیرت عالمی است که دیگران بعلم او عمل ننموده و او را
عجز و عجزمانند نباشد و عجزا دنیا از عجز او عجزها در روز
کمال از عالم آن روز عجز او از حضرت تمام عجز علیه السلام عجز
آیه الله المحجبه الباقیه بر سینه اند و روز قیامت خدای
از آنکه کان شوق کند که خبر حق ما را امید است بیند یا نه اگر گویند
امید نیستیم که بجز اعمال نکرده و اگر گویند امید نیستیم که بجز
تقصیر علم نکرده و عمل کنند پس ایشان را المزم که در دنیا و از آنکه
خضوع و خشوع و خشنود و زهد دنیا و رغبت با آخرت
و حلم و وقار و کلام حق و سکوت از باطل و عمل کمال و عمل
از قایل مرئیت که عالم آنست که فعلش تصدیق قولش کنند
و کسی که چنین نباشد عالم نباشد و از آنکه است سلامت نفس

تواضع هر چند علم بیشتر از آثار چهار است در و پشت از حضرت عیسی علیه السلام
روزی با حواریان گفت مرا با شما حاجت است گفتند یا روح الله
حاجت چیست بلیات مقررین است پس خوانسته پای ایشان نشست
و روایت دیگر بوسیله گفتند یا روح الله این کار با انبیاء بود
سزاوارترین مردم بخدمت و تواضع علی اند و این نهایت مرتبه
تواضع بود چنین کردم تا بدانند که با مردم تا چه حد تواضع باید کرد
و علم را حقوق چند نیز هست اما حق خدای تعالی بر عالم انکسار
ندانان نگوید که اگر ندانستند بگوید ملائکه بر صفت و عذاب هرگز نیست
گفتند و هر کس بقولش عمل کند در دوزخ شریک باشد و آنچه در دوزخ
در مقام لایق و از اهل دوزخ ندارد و گشته چنگ کرده باشد و چون کسی
روای بر او حق تواند و نکند چنانست که در حدیث است کرده باشد
یک نفس را زند کند چنانست که هر نفس را زند کند و بگوید و دوزخ
کردن بعلم افضل است از هر چه زند کرد و چنانچه علم حقیق دل و جان
و تقای با اوید در جان و روح دین و قوت مومنین است و از غیر
پنهان دانسته هر کس حفظ است از پیکانه نکند و مستحق حرمان زیاده
شود و موجب عذاب عظیم و ضلالت مضاعف باشد و هر کس بکفر را
بکشد چنانست که هر نفس را کشته باشد و کشتن بضاعت عظیم

تراست از هر کس کسی از حضرت علی علیه السلام پرسید که بر ما واجب است
 که هر چه ندانیم سؤال کنیم فرمود بلی گفت بر شما واجب است که هر چه
 سؤال کنیم جواب گوئید فرمودند نه هر چه مطلب دانیم گوئیم و علم
 مثل طبیب صادق است و اگر در موضع مناسب استعمال کند
 و از غیر آن نکاهد و اگر در حق عالم بیرون نیست که چون کسی در مجلسی
 جمع باشند داخل شوند و هر ساله کند و عالم را این اقیانوس
 و اگر آن مختصص دهد و بر او پیش نشیند که عالم محتاج روی
 گویند نشود و در علمش نکیر و شایع باشد که سواد سواد
 نماید و خلاف قول او گوید که ظان و فانی چنین گفته اند و بالا
 از هر چه خلاصه ادب باشد اصول آن در حق معظم بر علم آنکه
 بالادب و بر آن باشد و هر چه مناسب او انداخته و در آن نادر و از
 حواشی و بیاناتش اعراض نکند و صیقل علم حیان بلامد و تفاوت
 نکند و در علم هر چه مقتضای شفقت حق است رعایت کند
 فصل در بیان در صفات مؤمن بر سبیل احوال مروجیت
 از اصل است ظاهر علی السلام که در حق نیست که در حق خدا باشد و بر آن
 این دانا باشد و در حق مطلب تا آنکه که گمان و در طاعت خدا است
 از سننک و سندان باشد که رابا تیشه توان شکافت و سستی

برین مؤمن توان یافت با ایشان شکفته و خندان و دلش بخود و کوی
راغب بهاس که از قیاح کویان خاطرش منزه از حسد و کینه
با کمال صفا دل چو آینه نه عیب جوئی بجانش و نه غیبت کوی عالم
کانش نه طالب شهرت و نام و نه خواهان صیت و نشان و نال
از فضل الهی و در غم خویش نیستسته در نعمت شکور و در صیت
صبر نه نعمت جور امورش فرح و فطنت و نه مصیبت باطنش
و خوشتر در غم و مصرم و بفرموده سرور و خلقش موافق و طریق
ملازم و خائش ثبات و بجایش زایل نه در کمالش گذر گذری
و نه از غایت غریبی در و اثری لکن خجسته و خافل نشود و اگر بخند
طیش نکند و شکش بخوبی نسیم و سوالش بر ای قلم کثیر العلم عظام
العلم و کما و عاشق است و استیصال و نه در مقام حق و نکیر و
و ملائکمش از حیف و میل مبتدا و علمش از جمل امور معانی
نقش در دین صفت قرآن سنک و معانی اش شیرین تر از شهد
و نه در نعمت حلالین و نه در فقر و جوع نه مدعی لاف و نه دعوی کدآ
و نه عهدهش و نه است قصور و نه شرطش و اگر وفور یا مردم وصول
و مهربان و محصل نیکاره از ایشان رحمتش کثیر و فضلش قلیل
راضی بقضای خدا و مخالف نفس و هوا از غلبت و در شتی منزه

و از خوض در لایق مقدس ناصرین کجای مومنین و بنای مسلمین
 نه مدح و ستاره در نظرش عیاری و نه از طمع و یا دلش را یکی
 و نه خود را در کفش ازی و نه جاهل را از علمش چیزی قولش را
 فعل و فعلش بر صدق قول علمش و افرورسا و دلش آگاه و
 بیستابا موشان و صول و یا فقر قبول نه در و صلتش خف و
 خلاف و نه در بدانش عقل و اسراف نه معاملش با عیب خف
 و عذر و نه بخاطرش را زنت حیل و مکر نه بی بر به صوب
 موشان و نه را عیب بصورت ایشان معین ضعف و دست گیر
 در ماندگان شیوایش و وصفت خلق پیشش معی و در حال
 خلق نه همتش در عیب قبالش و نه کشف سر قصه و کاش
 با حق و مبتلا و زبانی از شکایت در قفا حفظ غیب پیشه و
 سر غیب اندیشه اش عذر خواهان از این بدید و از عفو و بخشش
 ناکر و خیر خواهی موشان کارش و بر اصلاح موشان مدارش با
 مردم خوشی کمان و نیگو کرد از کرایشان اعیان قوم و قبله و آرا
 با اخلاق جمیل و معتزله ردیه دوستیش برای خدا از روی دلت
 و دشمنیش برای اهل جاهلش مذکر عالم و مغفم جاهل نه
 کس را از بیم آزار و شدت و نه آتش تقب و مشقت هر کس

نظری از وجهت او در پیش خود از همه بدتر هفتین فقر و مصداق
اصل صدق معنی نثر را بود که کل اهل حق به تمام از او بد و بیوکارا
نیکم مهربان با سگین و غمخوار مومنین در هر بلایه امید با و بود
خادنه توقع از او با مردمان خندان و شکفته و غم و اندوه در پیش
نهفته فایده از جنت و جوی عیب گوی و مشغول عیب خوردی
نفسی با مردم پاکیزه اختلاط و در کارها مجرم و احتیاط همت
غیر قانع و از خلق مستغنی حیانتش غالب بر شهوت و معرفت
زاید بر حکم عقولش پشت و جفا کند سخن گوید که خیر
و چشم پوشد از کجایب غیر مرئوس متواضع و در طاعت
حق خاشع و ضائع از ضلای راضی در همه احوال و برضای خلق و اهل
نظری بریت و سکوتش فکرت و کلامش حکمت در هر حال
خیر خواه و از غش و خدعه و در پناه نه از مؤمنان هجرت کند و نه
ایش را عیبست کننده او را از همت و نیاز و فرج و سرور از خدا
تاسف و غم و محزون از شداید ایا موند او را راضی به هر ام غش
همزج با علم و عقلش مرقع بصیرت و بصیرت کمال قریب الامل
دائم التماس قلیل الزل همیشه منتظر اصل دلش دائم در فکر خدا
خاشع نفسش قلیلی قانع کار دنیا اش سهل و خفیف و از هم نماند

مخزون و خیف لذت و شهوتش مرده است بطاعت خداوند مومنان
ازود را مان و او در عقب از ایشان نه گفتن شایسته و نه سخن
شود عجیب و غریب کارهایش محکم و متین نه ماضی و نه آوار از معلوم درین
کلامش نه اندوی حیرت و سکویش نه برای تکبر و دوریش از مردم
تراست و نه خجاش از دوی نعمت نه در دوریش حیرت و
کبر و نه در نزدیکی حیل و مکر پزویکان گذاشته و مقتدای
خوبان آیند نفسش ازود و عقب و مردم آنور در راحت علم
خلیاش و جام و زینش و صبر و صبرش این و نه پند و نگرانی
نه در اعیش و فضل همه و در پادشاهش از خود شرم و صیا که خیر
بند که شود بد که ایشان مغرور نشود اگر چنانست که ایشان گویند
خدا را بران شکر گذارد و گویند چنانست استغفار کند و از غفلت
آن سر بر نیارد و اگر بشیرم که شود از گناه ایشان استغفار کرد
اگر چنانست استغفار کند و گویند چنانست شاکر و یامستند
فصل سیوم در مکارم اخلاق و صفات مروت از
اهل بیت طاهر علیهم السلام که در اسرار طاعت صبر و رضا است در
قصای الهی و حکم او خود موافق خواهش بندم میمند و خواهد بود چون
سر از دین بر خیزد بدن ببارد و چنانست چون صبر را ایمان بر خیزد

ایمان را ابل شود و صبر سه مرتبه است یکی در بلیه و سخت دوم در مشقت
طاعت سیم در توانا که صبر هر کس در بلیه و سخت کند خدا تعالی بر او
پادشاه درجه بلند کند که ما این هر دو درجه مثل ما این زمین
آسمان باشد و هر کس در طاعت صبر کند شصت درجه بلند کند
که ما این هر دو درجه از اطراف زمین باشد تا انتهای عرش و هر
دری که محضیت صبر کند بیست و شش درجه بلند کند که ما این
درجه از اطراف زمین باشد تا انتهای عرش و بیست و شش درجه
بمکانه و طبع و دروز و عفو و طبع بلذات و شهوات هر کس
یک باره صبر کند که داخل بهشت شود و هر کس بی روی شهوات تمیز
کاین دفعه بود چون همین داخل قبر شود نماز در دست و هفتش
آیستد و زکوة در دست چپ و بر سرش سایه کند و صبر کند
کنایه ایستاده گوید شهادت منکر و نیکو امانت چه خد
کنند اگر حاضر آیند من او را دریام و هر کس صبر کند و بقضاء
خدا در دفع و ضرر و خیر و شر رضادهد و غیر از رضا و تسلیم
چیزی بخاطرش خطور نکند خدا تعالی بر او عفو و خیر و امانی شود
و هیچ از خدا نخواهد مگر آنکه مستجاب شود خدا تعالی برای عباد خود
خواهد مگر خیر اگر یکی را با نفع بلا مبتلا سازد خیرش درین باشد

و اگر دیگر یا پادشاه مشرق و مغرب از دست طغش دران بود و مردم
هر کس بقضای حق رضای خود بر لایق محاسب کند و نقای هر اشک
نکند و در دوزخ من از جهنم بدین باشد و هر کس بقضای حق
رضای دهد و قضا را بگذرد و اجرش باطل شود و فرموده هر کس از حق خلق قطع
امید کند قطع بر کین و توکل و اعتماد بکن کند و پناه بکند
و بدین امر بقیش صاف بماند که تمام صفات عارض و اصل
آن در صدد کین و توکل و اعتماد بکن کند و پناه بکند
کنم و هیچ چیز بطور ضد و اگر اعتماد بخلق کند و بکین برایشان
نماید اسباب نجات از قطع کنم و هر چه بر سرش آید پروا نکنم
و حضرت صادق علیه السلام فرمود هر کس خواهد که هیچ چیز از خدا نماند
نکند بگرانگه عطا فرماید باید قطع امید از هر کس نماید و امید
بغیر خدا ندارد و چون خدا قضا را در حقش نماید بر صانع نماید هر چه
سوال کند عطا فرماید و معنی توکل تا نیست که کسی را در هر چه
و کارها کند پیش از کسی که در کار کند مستجاب نشود و چنانکه پادشاه
بیاید بلکه نیست که مکاسب و مصلحت و هر چه مقدور باشد
از طریق حلال میگرداند باشد اما اعتماد بر اهل و بر هیچ چیز غیر خدا

نداشته و غیر از هیچ چیز در جهان و کار ساز ندارد و سعی و معاملا
و غیر آنرا هر واسطه و وسیله چند دایره خفیه ای برای مصلحت
سلطان مطلق مقدور و مقرر تا هر کس کم و رضای او را در آن نگاه
کند و با امر او عمل نماید حق و فضل و ثواب و عقیق بسیار شود
و هر کس مخالفت آن کند عتبات عتبت نفس و هوا و طاعت شیطان
نماید و خیال آنکه خدای خود دست در حرام آن دست توجیب زجر
و عقاب گردد و حضور ^{سایه} حضرت علی علیه السلام بکسی گفت همیشه دعا کن که
خدای تعالی کلام حق را بر زبان تو قرار دهد و از حق تقصیر نپوشد نماید
آنکه گفت صابرین میدانم اما خدا که ایمان معقول بر ایشان عاریت
باید از این سلب شود اما حق خروج از حد تقصیر نیست فرمود
آنکه هر چند صیانت بشدت کن خود را بدان مقصود الهی که می بینی
خدا را چه کم تر خواهی گذارد و خدای تعالی غرضه و تکیه و چهار دست
عمل میکند که اگر کسی در تمام عمر خود صیانت نکند از حق و طاعت او نباشد
هنوز مقصود باشد و حق بندگی و بجا نیامده و در بیکار اعتبار بر آنست
من گفتم و امید به فضل من دانی و همین سخن به او معامله نمایند
که من پیش از آن بنده کان خودم بهر خود من کمان و از من بماند داشته
باشند یا ایشان چنان معامله انجام افتد و امید بر حق خدا آباد

داشت

باشد

که اگر با ترتیب نقلین بمشتر آبی بر غرض نماید و انقدر بر غرض است
عقوبتش بامید و امید که اگر با حسنات شکر آبی قبول نماید
روزی هفتاد و دو سطر از نور نوشته یکی خوف و دیگری جفا که اگر
با هم بخشد شود همچو کلام بقدر رزقه زیادی نکند حضرت صادق
علیه السلام گفت که جمعی از موالی شاهان می کنند و میگویند ما را
بعت خدا داریم فرمود دروغ میگویند موالی ما نیستند و نه جفا
و هر که امید چیزی باشد طالب آن بود و هر که خوف از چیزی
باشد لزان بگیرد و الله که شیعه ماست مگر کسی که طاعت خدا
کند و از معصیت او اجتناب نماید حضرت پیغمبر علیه السلام
روزی فرمود ای بنی عبدالمطلب میگویند که محمد از ما است
او باشد ما نیز با سید و امیر و امامان نیستند و مقتدیان
من عهد شما خواستند و از عهد من برون آمدند و این روز قیامت
شما دنیا و دگران آخرت بروی من بیاورند آید شما را نشاء
و خوشی شما سودمند شد و حضرت امیرالمومنین صلوات الله علیه
روزی خطبه خواند فرمود ای مرغان و اهله من یکدیگر از من شما
نقصان نکند عقیل برادر آنحضرت بر من است گفت مرا وسیله
حبشی را بر آورید می فرمود خاموش باش چاه است از من است یا حبشی

هر کس بقوانین پشت در پیش رفیع تر از حضرت صادق علیه السلام
سوال کند از تقیایه و قدسنا الله احوال این عمل فحشاءه
کجاء منشور ایق روز قیامت منجر اعمال ایشان شویم و چون
غبار بر باد دهیم فرمود والله که ایشان می اند که اعمال و عبادتشان
در خوبی بکمال رسیده و اما این مانع از میان ایشان و مصیبت
بر خیزد اجتناب نمایند پس اعمالشان سود ندهد و از ایشان
علیه السلام رویت که از ماینست کسی که هر روز محاسبه نفس خود نکند
و اما خطه اعمال خود نماید و نه بپند که چه کرده و چه میکند و در قیامت
چناه موقت برای حساب معقول است که هر کدام مقام خوار است
هر کس در دنیا محاسبه کند بقدر دل از این مراقبت حسابی لازم
باشد و هر چند پشت بر غفلت کفارند در اندیشه برای حساب
بپشت توقفش باید پس محاسبه خود کنند پیش از آنکه برای حساب
توقف نمایند و معنی محاسبه آنست که چنانکه با شریک و
خویش از در هر ذلت و دنیا معامله کنی حساب هر ساعت و هر
دقیقه عمر خود از خود طلب غائی هر لحظه را اما اعطای اگر دعوت
و خیر کند اینده خدا را که کنی و توفیق زیاده طلب غائی و اگر دنبال
و مصیبت داشته خود ابر این توفیق و عتاب کنی و استغفار نماید

بود رسد و ملاقی و قرار آن باشی و کاری که شهری دیدار آن
 نایب مماند یا چه **مشت** شد و هر کاری که خواهی اول تا حل کنی
 اگر نفع آخرت یا دنیا بشود که با آخرت مضرت نکند و در میان
 متوجه آن شوی و اگر با آخرت مضرت کند بلکه همین نفع نکند
 از آن بگذری و عذر استغفار آن نداری که مشغول بشفقت اگر چه
 عذاب نباشد همین مضرت او را این بود که مانع خیر و شفقت
 شود که روز قیامت هیچکس از حضرت و ولایت عالی نباشد
 خوبان حضرت اند که چراغ همیشه تر نکرده و با آنرا **مشت** که هر چه
 کرده اند مگر آنکه که بخیل و توفیق آتی بخیل ساسانات عمر عزیز کرده
 و از اصرفت دنیا بطل و بقیاید و محافقت نموده در طاعت و
 عبادت نگذاشته باشند پس خود را از امثال این اعدایان خارج
 سازی و مشغول عبادت و طاعت بجهلا هر چه رضای خدا در آن
 پنی کردنی حکم خود را از باطل و بخیاید برای عبادت و طاعت
 خدا خارج گردانند و این را **مشت** که کاری و داند خدا تعالی دلش را از خود
 خود بیز و توفیق انفاق مملوک گرداند و متکفل بخراب و عاالی شود
 و کار او را بدیگری نگذارد و هر کس برای طلب باطل و مشغول بجهلا
 ترک عبادت کند و آنرا اسامی این داند خدا تعالی دلش را مشغول **مشت**

و عبت آن کوه را و او را انجالت رحمت خود بخود و الذا و لغوز
با به چون کسی باشد با حق و او را انجالت رحمت و کرامات
فیضیبت شود و اگر در آن حال باشد عاقبت در دوزخ محال گردد
مرویت که حضرت یونس علیه السلام را بقدر کجاست و انکذا است
طوبی ما می باشد و نیست عیانت و هر کاری که بخواهد از دنیا و غیر
باطل دنیا برای خدا و بخواهد و توقع رحمت و ثواب او حاصل
گردد که برای هر عمل مقتضای نیست آن باشد اگر نیست خیر و حیرت
الطاعت خدا بود و بخواهد خیر و رضای خدا بود و اگر نیست شروع و عمل
باشد اطاعت شیطان و بخواهد مثل آن بود هر کسی برای خدا
اجرو ثوابش بر خدا باشد و اگر برای غیر خدا کند خدا تعالی او را
را انکذا عمل برایش کرده و انکذا اید و از فضل و رحمت خود محروم گردد
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله سلم فرموده زمانی پاینده که مردم
عبادت و طاعت را برای دنیا و آخرت دنیا کنند پس خدا تعالی
بیعت و بیعت را از دنیا و هر چند مثل هر قیامت دست و پا
و تقصیر و دعا کند مستجاب نشود و مرویت که کجاست و انکذا عمل
مشکل است از اصل کلام که چون کسی عمل صالح مثل صدق و صل
و غیر آن بپنهانی برای خدا کند ثوابش بپنهانی یعنی هفتاد مرتبه

تقصا عفت نویسد و اگر بعد از آن ذکر کند گنیمت گویند و عیال ایندی که مرتبه
نویسد و چون می بیند که روزی که در آن روز خوش است و رویا نویسد
و هر کس خود را برای خدا کند و کارهای خود را برای او و خدا را در آن روز
هم برای او باشد و او را برای خود و خدا را در آن روز و او را در آن روز
حکمت اینست که چون از او عمل خیر کنی بدان فصل بای که عید
که بپایان چشم رود و هر کار که در آن تأخیر شود شیطان را در آن
فرصتی باشد که شاید حمله کند و ممانعت آن شود و بپایان شد که بنده
در رکعت نماز کند یا یک روز روزه گیرد یا تصدق کند و یا عملی
صلاح کند که خدا را از آن خوش آید و بیست و آن همه که هاشم پسر
و گوید بعد از این هرگز گناه مرنویسم و اگر عمل غیر خیر بجا آورم
ترتیب آن است از آنجا که شیطان کام خود گیرد و بپایان شد
که بنده عملی کند که خدا را از آن بداند و فرمایند عزت و جلال
خودم که بعد از این هرگز تو را نیامرزم و خدا تعالی فرموده هر بنده
که اطاعت من کند و رضای من جوید من او را بدگری نگذارم و پوزش
او بگویم و هر بنده که مرا معصیت کند و مخالفت رضای من نماید
او را بجزش و نکذارم و بپوزش کنم هر جا که هلاک شود و حاضر است
محمد باقر علیه السلام فرمود ای مدعیان محبت و ولایت ما فرقیه

مشوید و طاعت خدا کنید و الله که میان ما و خدا قرابتی نیست و ما را
 بر خدا جفا نیست و فقر خدا را نیست ~~و فقر خدا را نیست~~ و پس هر کس
 خدا باشد و عبادت ما او را نافر بود و هر کس معصیت خدا کند و عبادت
 ما او را سودمند است که او را حضرت صادق علیه السلام پرسید که از شما
 حدیثی برایت گفتم که هر کس شیعه را بداند و بداند که چه خواهد کند فرمود
 بل چنین است گفت اگر چه زنا و دردی و شر بنده کند فرمود
 ان الله وانا لیه را یحیی و مردم انصاف ندارند ما خود خطا است
 و عبادت امید بخات و طاعت داریم چون دیگران از انصاف معصیت
 و هم که بی طاعت بعضی محبت ما بخات یا بند بلکه معنی آن محبت
 اینست که هر کس درین باشد اعمال خیر خواه بسیار کند و خواه کم
 که داخل بهشت شود و نیز فرمود خدا بعلی ابا و از او را که عجبی که
 دعوی محبت و کفایت می کنند و در اصل خلافت ایشان باشند
 روز قیامت ایشان را با هم در یک منزل منزل فرماید بخندای کعبه
 قسم که هرگز نشود و نیز از یکی از ایشان علیه السلام مرویست که فرمود
 اگر شیعیان در آخر اهل کیم و نیات و بد ایشان از هم جدا سازیم و هر
 یکی را لعن باشد که اگر ایشان اهل قولند و اهل فعل و می دانند
 بسیار زود است همه بر مسند ها نیک کنند و راحت و تن بردارند

برایند و گویند ما شیعه علیهم السلام شیعه علی نیست مگر کسی که اطاعت
حضرت علی علیه السلام را بکشد از این قولش کنند و همه از ایشان
علیهم السلام فرمودند که افضل عبادات تفکر است و تفکر در معرفت
تفکر و معرفت خدا و علم و فضایل این قسم از معرفت عبودیت
و معرفت انانی و فضل اولی است دویم تفکر در احوال دنیا و بجهت
اعتباری آن و چنانچه از لذت آن و یکساعت این تفکر افضل است
از یکشب عبادت که سبب زهد دنیا و بی رغبتی بآن شود
و عیوب و قصور آنرا ظاهر کند و محبت آنرا از دل بیرون بردد
مشیت آنرا از دست گرفته و از دست بیخالت و عبادت و ترک لذت
مرا و هوس و معصیت و شهوات باشد که پس از دنیا بی رغبت شود
خدا ایتالی دلش را از دنیا محبت و معرفت ملکوتی و از دنیا
بیالهیست پس در تفکر در ایمان که منزه از امن و امان است و محبت
و راحت جاودانست و در حرمت است بهر حال که محلا است
ایمان در پادشاه محبت دنیا از چهره زرد و حضرت علی علیه السلام
فرمود که از هیچ دطلبی نگیرد افضل از تفکر در دنیا و ترک محبت
آن هیچ چیز بعد از معرفت خدا و رسول الله و اهل بیت او علیهم السلام
افضل از انقض دنیا بود که چون مومن از محبت دنیا خالی شود از محبت

پیشود و الثقات ^{در حدیث} و هر چه رضا دادند باید بکنند
ناحسی که اهل دنیا گویند و روانه کنند ^{در حدیث} و حال آنکه
محبت خدا در کار کرده باشد و هم آنحضرت علیه السلام فرمود که از جمله
شرایط ایمان یا پس از آن بود که تو در دنیا بنده اجری عمل کنی و تو را
و اجری وعده نموده بعمل خود و فانی ثواب اجر تو و فاکند و در دنیا
مثل کوفته می باشد که در روز قیامت و چون که فرزند بشود
وقت کشتنش باشد بلکه دنیا را امتثل بی دانی بر سر هر کسی که آنرا
بگذری و هر که تان رجوع نکند و بدانکه روز قیامت در پیش می آید
ایستاده باشی و چهار چرخ از تن خالی کنند چوانی که چه عمل بری
رسانیدی و هر که چه چیزیکه داندی و مالی آنجا کسب کردی آنجا
صفت مندی پس همیای جواب باش و از نعم دنیا فایز باش و
کمال زهد آنست که ترا بر ارامت از خوف عقاب و ترس محال از
هم حساب بکردار و صبر و استقامت و ازین بگریزی نیست ترا آنکه دست
از حرام باز دارد و هر یک را اعتدال و رجالت بلند شود و با هر که
بقدیر عمل معامله نمایند و هر کس از خدا اقلیلی روزی را می شود
خدا نیز از تو اقلیلی عمل را می گوید و هر کس را جاه و مال بسیار
باید و عبادت و اعمال بسیار باید و فرموده شیعیان ^{ما را}

در زمان دولت باطل و کجی و مشی و مغرب دوند زباده از تو
نصیب نهاده و چون انما کسی را زیادتر معیشت برودند
که اگر تمام دنیا در پیش خدا اعتبار بالکس می داشت شش بی آب
ازین بکافری چشاند فقر و مؤمنان چهل خریف پشتر اند
اغنیای ایشان داخل در دنیا نیست مشغول صحبت و نعمت باشند
و اغنیاء و وقت گرفتار حساب باشند و مرویت که با خریف
خزاعام است و با علم هزار سال و هم ایشان علیکم مرویت
که در مشی را با هم بحساب آرند کی غنی و دیگری فقیر گوید
خدا یا تو میدانی که من متصدی می داری که عدلی یا جور کرده و تو
داری که جود یا بخل و دزیده یا نهم فرماید راست می گوید که
ازو بداری پس خلاص گشته داخل بهشت شود و غنی مشغول
بحساب گردد و انقدر و توقف کند که از عمرش چهل شتر سوار
تواند شد پس چون داخل بهشت شود رفیق فقیرش را ورا پند
گوید ای نهم چرا دیر کردی طول حساب گرفتارم داشت خدا تعالی
هرگاه عمل مرا می بخشید عمل دیگرش می آمد تا آخر هر بخشید
و رحمت فرمود که بخاست یافت و مرویت که چون روز قیامت
فصل و درجات فقر مشاهده شود هر کس ازو کند که کاش در

دنیایا داده از غنی خداست و هم ازینان عیلم مروست که
فخرهاست عیبت از خدا در پیش ازینان که در جهان دارد
اگر صایم قائم یابد و هر کس اظهار آن بجا آید خدایین کند شکایت
نقد این من او کرده باشد و اگر بگویند اظهار کند که قادر بر قضای
ساختن باشد و نکند چنانست که او را آگشته باشد و روزی
خدا تعالی من را گوید که از دوستی عدل و خیر می کند بفقیری و زمین
گوید بفرزند خود که من دد دنیا شمار از روی حقارت حقیر کردم
بلکه برای فضل و ثواب و دیانت بهشت کردم امروزه بنید که
تلاقی آن کنم هر یک از شمارا عیبت از مثل آنکه از ابتدای دنیا آفتاب
آن باصل دنیا داده ام عطا فرمایم و هر کس دد دنیا شمارا می دهد
احسانی کرده و تش را اگر شکر جای بهشت خواهید بیاید و هم
ازینان عیلم مروست که کامل ترین مومنان در ایمان کیست
خلقش بهتر باشد و بعد از این جمع عمل بهتر از خلق خوب است
و صاحب خلق خیرش درجه صایم قائم و اگر صایم عیبت و اگر ثامت
بد و خلعت داخل بهشت شوند تقوی و حسن خلق و حسن خلق و خیر
بگذارند چنانکه آفتاب بیخ را و حسن خلق و خیر و عیبت در ازین عمر و
مجموعی بلاد باشد و چنانست است در هر کس باشد اسلامش

کامل و انکه خالص گردد و سر یا پیکانه باشد و خدا از او را می پند
انکه بوده و فلک است یکی باشد و انقباض و انقباض خدا و
مردم می کنند و با اهل خود و سایر اناس خلق باشد و خلق را
فاسد کند چنانکه سر که غسل را و هیچ جرمی خدا دوست تر از فساد
خیر و نیاید یکی جرمی که در کف و دیگری جرمی که در دنیا
بصیرت نماند و هیچ کس چشم فرو نبرد که خدا تعالی در دنیا
و آخرت عزتی بفرماید و چون قادر بر اشغال باشد و چشم فرو نبرد
خدا تعالی اجر شهیدی عطا فرماید و روز قیامت در نزدش از این
و اما با و رضا که در داند و هر کس غضب خود را حفظ کند خدا تعالی
غلب روز قیامت از او بکارد و عیوبش پوشد و خدا تعالی
منایات محضیت هر کسی را که فرمود در حال غضب را بکند و هر کس
در حال غضب تر ایا دکم و غضب کنید هر روز است و ایا ترافا است
چنانکه سر که غسل را و چون کسی بایام منان عهده کند و عهده مالک نازد
شوند و هر کس از ایشان که خواست و نخواست پیشه کند یا و بکنند
هر کس که خرد لایق آنی و زود باشد که جزایش بیاید و باند و دیگر که
صبر و حلم و زود گویند زود باشند که گناهانست و آمرزید و شود و اگر
سلم خود تمام کنی و تو نیز مثل او سفاقت کنی و دشمنان و حشمان

جمع مکافات بجهت این نباشد که انسان معصیت کند و تصویر
 و طاعت خلق و بهترین اعمال دنیا و آخرت است که چون کسی
 بر تو ظلم کند تو عفو کنی و اگر از تو قطع و دوری کند تو وصل و
 بخیر کنی نمایی و اگر قتل ازین و غصبی هر دم سازد و بخیل کند و جور
 و عطا کنی و اگر با تو بدی کند تو کسی و احسان فرمایی و چون بانی
 صفات آراستد بانی خدا بقای عزتت زیاد کند و مصلحت
 بزرگتر نباشد عمل طاعتش تمام نمود و ورنه که او را از معصیت
 باز دارد و مطلق که با مردم مدارا کند و حکمی که بصلح اهلان رافع
 نماید و مدارا با مردم نصف ایمان است و ملائمت با این نصیب
 زندگانی و هر کس را ملائمت نصیب گشت ایمان نصیب گشت و
 برعکس اسلامیت نصیب نباشد مگر آنکه زینتش باشد و برعکس
 ایمان محرم کرد مگر آنکه یار و تکیه بر او جمعی را که ملائمت روزی
 شود روز ایشان وسیع شود و چون آنان بی نصیب باشند بهر
 از ایشان بی نصیب باشد و چون دو کس با هم مصاحبت کنند
 آنکه مدارا و ملائمتش بیشتر بود اگر عظیم تر بود و هر دیت که اگر
 ملائمت خلقی بر تو کم بود و همیشه هیچ خلقی را حق از تو بود و
 هر کس در مشی طاعتش شود ایمان از او محروم گردد و اگر در مشی مخلوقی

ی بود که در این میشتد هیچ اگر کسی تر نبود و هر که برای خدا تعلق
تواضع کند خدا او را بخت کند و هر کس نیکو کند او را بخت کرد اند
و نزد بختی مردم خدا را شرافت اند و خود را برین متکبران برسیدند
که خدا تواضع نیست امام علی را فرمود و بخت بسیار است از آنکه
اینکه کسی خدا را خدیشناست و فرموده از هر تیر خود توقع نکند و بای
چنان کند که بخواهد با او بیفتد و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت
دفع کند و خشم فرو برد و حق گوشت و پاش و بخت و بخت و بخت
تواضع نیست که در مجلس با این ترا خسته خود نشینی و هر که ایلم
کفی و ترک خصومت کنی اگر چه حق با تو باشد و خواهی که تو ایلم
و ناکند و دوزی امام و با علی السلام طاعت و طاعت و طاعت و طاعت
سیاه و سفید را جمع و بوی و بام و در این خوان نشیند و گفت
کاش بفرمانی که برای ایشان طاعت جدا کنند و بوی و طاعت و طاعت
و دین یک و بید و دایمی و جزای هر کس بقدر و طاعت باشد
و حضرت امام جعفر علیه السلام فرمود که گشت که چهار صفت
ضامن شود تا عمر برای او چهار ضامن دهد و بخت ضامن شوم و طاعت
و از فقر ترسد و افتخاری سلام کند و عالم و تر از خود است
اگر چه حق باشد و از انصاف نکند و هر کس با انصاف باشد

و با فقر اقبال موصافه کند بحقیقت همین باشد و خدا بر تعالی عزیزتر
گرداند و نیز فرموده اند سید جمال الدین ~~شیخ الاسلام~~ ~~شیخ الاسلام~~ ~~شیخ الاسلام~~
موصافه و ذکر خدا در هر حال نه همین تنها سبحان الله و الحمد لله
و لا اله الا الله احکام بر استنباط کند و احوال و احوال خدا را بداند
آرد و ذکر صفای خدا را بداند و با شکوه کند و ذکر آن بکند و در هر کس
انصاف باشد و عیبست مردم نکند و در چیزها آنرا اول از خود
حکایت نکند و کسی بدین شوالی تقدیم و تأخیر نکند تا رضای خدا
در آن نماند و در سایه جوش خدا باشد در روزی که هیچکس اینها نمی
نبود و سر کس نزول نکرده و هر چند خدا در روز قیامت کبر
در حال قضیه بی اختیار نشوید تا بریزد دست ظالم کند و کسی چون
در میان میان دو کس داخل شود یکطرف میل نکند و کسی که در
در میان دو نفر از اوصاف حق نکند و در میان اینها نیست
که داخل آن نشوند مگر کسی که اگر بر نفس خود حکم می کند و هر کس
ایمان بخدا و خدا آخرت دارد و بایا و عهد وفا کند که در عهد میماند
نزد نیست که هیچ گناه ندهد مگر و با این هر کس خلاف و عداوت
اول با خدا خلقت کرده و ستم من حفظ او کند تا باشد و حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود از زمانیت کسی که امانت را بگذارد

و امانت جلیب رزق و کجاست جلیب فقر میکند و حضرت تجاویز
فرمود اگر قاتل بدست کشید که آنحضرت را بآن شهید کرده
ببین امانت سپارد هر آنکه از او آید و حضرت صادق علیه السلام
فرموده که اگر قاتل علی ابن ابی طالب طاعت می شود بکند و خیر جیف
و شمشیر بین امانت دهان قبول کرده باشم هر چه از او آید
و چهار صفت است که در هر مؤمن باشد خدا تعالی او را در اعدا
علین و بیالانین غرهای شریف و کرامت عاقل کند و کسبی
یتیم را در دنیا خود آرد و برای او غیر فرماید باشد و بر منصف
ترحم کند و اعانت جرایع ایشان نماید و والدین را بفرقه دهد
و با ایشان ملائمت و ملامت نکند و خدمتی که بمولود خویش
رجوع کند و خود نیز شکر و اعانتش نماید و فصل چهارم
در بر والدین بر و سیت از اهل بیت ظاهرین علیهم السلام که بر والدین
و صلوات سکرات موت آسان گرداند و در تمام عمر پریشانی رفع کند
و بر والد روز قیامت آید و قدرت بقوت تمام فرزند صاحب برآید
بر او است که اهل بیت کند روزی جلالی بخدمت حضرت پیغمبر
علیه السلام آمده گفت جان تو انا ام و شوق جهاد دلم فرمود
جهاد کن که اگر گشته شوی در پیش خدا رنده و از نعمت های بهشت مستر

و اگر بگری بگری و شربت بر خدا باشد که باز کردی که گناهان پاک
 کردی چنانکه از مادر متولد شد بودی گفت چنانکه از مادر متولد شد بودی
 اما والدین من بن آتش دارند و میخورند و در پیش ایشان باشم
 خود را با شربت شربت آتش ایشان با تو بهیچ راست از یک سال جدا دور
 راه خدا و نیز از حضرت راضی الصالحی و اگر و سلم است بود و چنان
 رفتی خدمت آنحضرت آمد چون او را دید شکفته گفت و گفت
 و گفت که چنانچه تا بر آن نشست پس متوجه او گشت ملاطفت
 و شکفته میفرمود چون او رفت بر او نشاند حضرت آن مرد را به
 با او فرمود از سبب آن سوال کردند فرمود آن زن بر من با و الکی
 خود پیش از نیست و کسی حضرت امام جعفر علیه السلام معروض داشت
 که بدیدم بسیار پر شد و چون تقاضای حاجت کسی باید بر او شکر کرد
 فرمود اگر تو ای خود میباشی این خدمت باش که فردا برای تو بجای باشد
 از اقل و دیگری از آنحضرت سوال کرد که والدین من مخالف
 من هستند با ایشان چون کنم فرمود نیکی کن چنانکه با هوای دوستی
 میکنی هر کس یا با والدین باشد از دوزخ ایمن باشد و در بهشت
 مسکن کند و هر کس عاقل باشد از بهشت نوسید شود و در دوزخ ماک
 ناید و هر کس بخاک خشت خاک بر آید کند و حال آنکه ایشان بر خطا کنند

تا از مقبول نشود و چنانکه روی خشت نشینند با آنکه روی
از غرر است و این شریف عالمی و بی روی که زنا کند
و متکبر و حضرت سجاد علیه السلام هر دو را دیده که بر پا و خود تکیه
کرده راه می رفت بر و غضب فرمود و بالا و حرف نزد از دنیا
رفت و هم از ایشان علیهم السلام است که از جمله حقوق والدین است
که صاحب ایشان از آن بگویند و نگذارند که ایشان از توجهی بخواهند
کنند اگر چه مستحق اینند بکنند و قریباً اهل ایشان را
چنان کنی که چیزی نخواهند پیش از سوالی می آید و اگر در آن
بر خاسته است بگوئی و اگر بر نزد ایشان بیگانه دعا کنی و برای ایشان
از هر شیئی و بپوشان نگاه بر روی ایشان کنی که از روی محبت
و مهر وانی و دوزن ایشان بماند کنی و محبت بخواهی محبت
ایشان بخاری و پیش روی ایشان نروی و نشستی و ایشان را
بنام خوانی و برای ایشان دست نام مامی کنی و در هر حال
اطاعتشان کنی مگر در مقصیت خدا و دین و مال و زن و عاری او
ملا نمی کنی و اگر توبه ای که کند که از اهل بیرون روی ببرد
و اگر از دنیا رفت با او است و در وفای او و حج و صدقه و غیر آن
از وجه خیر است برای ایشان بکنی و در این بار ایشان علیه السلام

و هر چندی مثل این نیز برای تو نوشت شود و کسی از حضرت لعالم هم
علیه السلام پرسید که آیا هیچ چیز جزای حق و الله باشد فرمود هیچ
جزای آن نباشد مگر آنکه بنده باشد مجری و آزاد کنی و اگر دین
و محبت نباشد او عالمی و هم از حضرت علیه السلام فرمود که باشد که
کسی در ایام حیات و الدین ایشان باز باشد و بعد از مرگ دین
ایشان را نکند و برای ایشان استغفار نکند خدا تعالی او را
عذاب کند و آنکه باشد که دین ایشان عاقبت باشد چون میماند تا
دینشان را نکند و پس عذاب نماید باز نوشته شود و کسی پرسید
صلی الله علیه و آله و سلم مع من داشت که پیش از آنکه اسلام
مشتی فرمود و حضرتی داشتیم چون جدا می رسید و روزی
زینب بنت جحش بیای بر من و در چاه می افتادیم آیا گفته اند
باشد فرمود و ما در چاه افتادیم است گفت نه فرمود خالوات
زند و است گفت و بی فرمود و او بر روی کن که غمزه را در دست
تا گفته اند آن شود و هم از ایشان علیه السلام پرسید که هر روز از
والدین بیرون می آید و لا اثم است یا ایشان بیرون می آید یا اثم
چنانکه میگویند که ما هست بر او باشد یا ایشان و چنانست
نکند که سبب عفو شود و رحمت خدای بیرون الدین که فرمود

بر بر خود دلزدند و لعنت بخورند و اگر این که فرزند را بر حقوق خود
دارند فیصله پنجم در صلح رحم و بیست از اهل بیت صلح
علیهم السلام تا از جمله حقوق دین صلح رحم است اگر چه یکساله راه
باید رفت و اگر چه بیست آبی یا بیلابی باشد و هر کس چنانچه
بر داشته برود تا صلح رحم کند بخواهم چهل هزار حسنه نویسد
و چهل هزار سینه بخواند و چهل هزار درجه بماند کند و آنست که
صد شهید نویسد و چنان باشد که صد سال عبادت کند
و صلح رحم دفع بلاها کند و حساب قیامت انسان که فایده بزرگ
نیست کند و بخیر استی کرانه و روزی بخیر و مال دنیا کند
و اعمال را پاکیز کند و سبب همواری دیار و نیایدی عمر باشد
تا آنکه گناه باشد که عمر سی سه سال باشد چون صلح کند سی سال
شود و گناه باشد سی سال باشد چون قطع رحم کند سه سال شود
و رحم بعرض او بخفته میگوید خدایا وصل کن بر محبت خود هر کس را
وصل کند و قطع کن از محبت خود هر کس را قطع کند و روز قیامت
رحم و امانت در روایت صراحت استند چون و اصل رحم و مجرد
امانت بگذرد داخل محبتش کنند و چون قاطع رحم و عیان نماید
یکدرد سر از چنان در جهنم افکنند و بسیار باشد که جمیع فاجر

باشند چون با هم بواسطه مواسلت کنند مال ایشان بسیار و
 زلفشان وسیع شود و اگر هر یک از ایشان باشند چون از هم مفارقت
 کنند و قطع یکدیگر نمایند پریشان گردند و بلاد و میان ایشان
 خود کوی بخندست حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم رفت گفت
 خرفشان من باین بسیاریدی و مخالفت میکنند و دشنام
 میدهند من میخواهم که ترش ایشان کنم فرمود اگر این کار کنی خدا را
 دشمنی کنی و از رحمت خود قطع نماید و کسی حضرت امام
 جعفر صادق را از اقربای خود شکایت کرد فرمود و مولا و مواسلت
 کن گفت هر چند مولا را و مهر بانی میکنم ایشان همان بدی میکنند
 فرمود پس میخواهی مثل ایشان باشی تا خدا تعالی بر همه کس اقام نظر
 نکند و دیگر خدمت آنحضرت رفت از برادران و عم زادگان شکایت
 کرد و گفت بخانه را برین تنگ کرده اند فرمود صد کن که خدا تعالی
 تو را از ایشان نجات دهد را میگوید و بانی حادث شد که همه
 ایشان را کشتند پس خدمت حضرت رفت شکایت فرمود
 فرمود فرمود چرا ای آنست که با تو میگردند حال را رضی هستی گردند
 می بودند و همان سلوک میکردند که من می خواهم و نیز میروست که
 هیچ کاری برداشته نشود دوستی تو خدا از دو کام یکی بصفی که

تو هم

۱
 ۲
 ۳
 ۴
 ۵
 ۶
 ۷
 ۸
 ۹
 ۱۰
 ۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

در دهه خدا را مستوی کنی که قطع رحم کرده باشند فصل ششم
در حق جوارحه است از اهل بیت اطهار علیهم السلام که از میانست که
همگی را خوب بکنند خوب کردن همسایگی هر زیاد کند و رزق بفرستد
و سبب محرومی دیار باشد و هر کس ایمان بخدا و آخرت دارد چنانچه
همسایه را بخاند و همسایه را گرامی دارد و چون مکالم کند خیر گوید و
ساکت باشد و هر کس همسایه را بخاند و نیاز از او خدا تعالی روز
قیامت عزرات و خطاهای او را عفو فرماید و حضرت
علیه السلام فرمود که جبرئیل علیه السلام آمد در این صیقه نمود
که کجای کردم مگر او را اوست من خواهد کرد ایند و نیز فرمود که این
بمن نداد کسی که شب سیر بخوابد و همسایه اش گرسنه باشد
و روز قیامت خدا تعالی نظر نکند یا اهل قریه که در میان ایشان
خانه گرسنه باشند و حضرت یعقوب علیه السلام مناجات نمود
گفت خدایا بمن رحم کنی چشم را کوفتی و دو پسر مرا بردی
خدا تعالی فرمود اگر پسر هایت مرده می بودند برای تو زندگ میکردم
اما تو پیاد می آئی که فلان روز گوسفندی ذبح کردی و بریان نمودی
تا اول کردی و فلان همسایه ات صیام بود با و بخش ندادی
بعد ازین هر چاشت و شام منادی حضرت یعقوب علیه السلام

تا که فرج داده ندایم کرد و هر کس کورسینه باشد بخانه یعقوب بیاید و
حضرت امام موسی علیه السلام فرمود خدای عالم هر کس نیست که هفت
آزادگانی بلکه قتل از آزار ایشان گشتی و هر کس یکجوب زمینی یا هسایه
نیک است که خدا تعالی از آقا زمین هفتم در روز قیامت طوق
گرددش کند و هر کس هسایه را بپوشاند بوی بهشت بر او بر شود
و هر کس در این محتاج خانه یا هسایه ضایقه کند خدا تعالی خیر قبول
کند و در روز قیامت از موضع کند و او را بخودش واکندارد و هیچ
عذله قبول نکند مگر آنکه هسایه چیزی بی طریقت میگوید
کند که در وقت توان از موضع خود فصل هفتم در محبت
و محبت و در وقت مؤمنان مرویت از اهل بیت ظاهر علیهم السلام
در ای محبت مؤمنان با یکدیگر الفت و محبت کنید خیریت در
کسی که الفت نکند و یا او الفت نکند بجهی که برای خدا عالم محبت
و دوستی کنند روز قیامت در زمینی از بر جدی بر سر و ساید
عرش از جانب راست بر منابر فرود بنشینند و روی ایشان از آفتاب
روشن تر باشد و هر کس محبت و بغض و عداوت معش برای خدا باشد
از جمله اصفیاء او باشد روزی حضرت خضر علی السلام علیه السلام
از اصحاب پرسید که محکم ترین عزمهای ایمان کدام است گفتند

نار و بعضی صوم و بعضی زکوة و بعضی حج و عمر و بعضی جهاد فرمود
هر یک از اینها را فضل و عظم است اما نه آنست که بر رسیدیم بلکه
ان محبت و باختر است برای خدا و تولا با اولیاء الله و تبری از
اعداء الله و چون دو مؤمن با هم ملاقات کنند که محبتش چنانچه
قدرش غلط بود تر بود و هم از ایشان علیهم السلام رویت کردی مؤمنان
با هم الفت کنند و یکدیگر را زیارت کنند و ذکر خدا و ذکر فضایل
مساکین و یا احدیست ما صحبت دارم که موجب جنة قدس
شماست و هیچ چیز دل الیاس و جز خودش را آنقدر بر اجرت نکند
که زیارت مؤمنان چون شرفی یا پشت تر با هم اجتماع کنند
یا آنقدر جملا که با ایشان حاضر شوند پس اگر دعا کنند امین گویند
و اگر از شهری استعانة کنند دعا کنند و اگر حاجتی مسئلت
نمایند شفیع باشند و چون مؤمنی برای خدمت برای غرض دنیا
برای زیارت مؤمنی از خانه بیرون رود و در صورت او بشناسد
بهر گاهی که بر دارد خدا تعالی برایش حسنة نویسد و سیرت محمود
و در جبهه گرداند و عطا و هزار مالک بر او مومل گرداند تا بخل
خود را محبت کند اگر چه یکساله راه باشد و گویند خوش با سنی
و خوش باشد تو را الهیست و چون در خانه یکدیگر درهای آسمان برایش

گشوده شود و چون ملاقات و مصافحه و معاقد کنند خدا تعالی
متوجه ایشان شود و ایشان بر ملائکه مباحات فرماید و گویای
ملائکه به پند دایم دو بند مراد برای من چون بام حجت میکنند
خادم کنند بر من که بپایند ایشان را باش خدای بکم و چون خانه
داخل شود فرماید ای بنده من تعظیم من و متابعت سنت پیغمبر من
کردی اگر سوال کنی عطا نمایم و اگر دعا کنی اجابت فرمایم و اگر ستا
ی کنی بزرگوار کنم و چون مراجعت کند بعد از هر قضی که کشیده
کامی که بدو داشته و جمله که گفته ملائکه یا او متابعت کنند و تا
آن روز از سال آینده از پلاهای دنیا و آخرت همه غفلت نمایند
و اگر درین سال بپیر و صاحب خانع باشد و چون از خانه بیرون شود
خدا تعالی فرماید ای بنده من که تعظیم من و کردی بخت بر خود
گردانیدم و قدر اسفیج بندگان خود کردم و اگر آنکس نیز من این را بپای
بشناسد برای او نیز مثل این اجر ثبت شود و خدا تعالی رام
بیشتر است که هیچکس داخل آن نشود و مگر کسی از خود انصاف کند
و کسی که زیادت بر او در حق کند برای خدا کسی که بر او در حق راود
خیر بر خود اختیار کند و زیادت بکوشن برای خدا بهتر است
از آنکه ده بند از من آنا د کند حضرت امام جعفر علیه السلام از

کسی پرسید که میان شما و بصره چند روز راه است گفت از دیار
آریا در موافق ما باشد پنج روز از خشکی هشت روز فرمود چه نزدیک است
بوده برادران مومن یکدیگر را می پرسید و عهد ها تازه کشیدند روز
قیامت هر کس را کوهی در کار است که می ماند بر دوشش و کوه
و اگر مومی بقصد زیارت یا برای حاجتی بخانه کسی رود او بخانه
باشد و اذن ندهد در دعوت خدا باشد تا وقتی که پیام ملاقات
کنند و هر کس میان خود و مومی بجهاب و مانعی گذاشت و در میان
او و بهشت هفتاد هزار باره نصب کند که میان هر دو باره هزار
ساله راه باشد و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود شیطان
میان مؤمنان تریاج و فساد میکند پس خدا رحمت کند بر کسی که میان
دو دوست ما الفت و اصلاح کند و حضرت صادق
علیه السلام فرمود میان دو کس اصلاح کنم دوست تر دارم که دو دینار
طلا نقد کنم و فرمود چون دو کس از کار بخش مفارقت و هجرت کنند
یکی از ایشان بگناه باشد هر دو مستوجب لعنت و بر لعنت از دین
شوند کسی گفت جعلی الله فذلك شاید یکی مظلوم باشد و فرمود
باید قصیر را بفرمود نسبت دهد و خدا را می کند و نگذارد که
مهاجرت واقع شود هر هفته دو روز مقرر است که اعمال عباد را بر

خداستای عرض کنند چون میان دو کس رجش و عداوت باشد الحال
ایشان را و اگر اندک تا وقتی در صلح کنند و چون دو کس از هم بگردد روز
هجرت کنند و صلح نکنند ولایت اسلام در میانشان منقطع شود
و روزیست دیگر که هر یک از آن دو روز هجرت کند و در آن روز
اولی باشد و هر کدام سبقت بصلح کند سبقت بخت کند و هر کس
اصلاح میان مرد و زن سعی کند اجر هزار شهید یابد و هر کس که
در میان دو کس که در یک الی عبادت نویسند یا در روزها و

قیام شبها فصل هشتم در آداب ملاقات و مجالست
مرویت از اصل است ظاهر این عالم است که شما بوسیله حال با مردم
بر نیاید بشکفتن و طلاق و چه ملاقات کنید سه صفت است
که هر کس یکی از آن متصف باشد بخت او را واجب شود طلاق است
و چه و الاضاف وجود در پریشانی و نیز مرویت که با خطایع مشورت
و حسن بنیرومجب دخول بخت و محبت و بخل و عبور موجب
دخول نارد و در این از خداست و اول ملاقات سلام است هر
کس که اگر کسی پیش از سلام حرف زند جوازش نکونید و چون دو کس با هم
سلام کنند میان ایشان هفتاد حسنه قسمت شود و شصت و نه
حسنة از آنکه ابتدا کند یکی از آنکه جواب گوید و اگر کسی بگوید که

مسلمین سلام کنند چنانست که بنده آباد کند و سنت است افشای
سلام یعنی هر کس رسد سلام کند اگر چه ظالم باشد که سلام خداوند
از سلب خلیل ترین مردم کیست که در سلام عقل کند مردی که عیال
مردم در نمایند بر خواسته نماز کنند و یا مردم به سلام کنند و عیال
و افشای سلام کنند تا سلامت به همت روید و هر کس در سلام
عقلی بر فقیر اختیار دهد مستوجب غضب الهی باشد و سلام بلند
یا بیگفتن تابشوند و گویند که سلام کردم چنانست که
نشنوائیده باشد و هر چه جواب بلند گویند تا نگویند که جواب
سلام تکلفی و هر کس سلام علی کسی گویند ده حسنه باشد
و اگر رحمة الله نیز اضافه کند بیست حسنه اگر و بر کانه نیز اضافه
کند سی حسنه و مردیست که سلام و دعا عطسه و دعا ای که کسی را
کنند بصیغه جمع بگویند اگر چه بایشان باشد و یا هر کس جمعی را بگوید
باشد و چون بر ملاک سلام کنند ایشان جواب گویند و کسی که
ملاک بر و سلام کند از عذاب خفای سلامت باشد مثل سلام
علیکم و یا حکم الله و عافاکم الله بگویند و ادب نیست که سواره بر
پاده و اسب سوار بر استر سوار و استر سوار بر لایح سوار و
استاده بر نشسته و صفیر بر یکبر و قلیل بر کثیر سلام کنند

بر چند کس سلام بنایه کرد بر سر آب خوار و صاحب طرح و تر دو
جواهر یاقوت و مخش و ساعی که زبان ضیق را بچیند و در بانوار
و کسی که مشغول قضاء حاجت باشد و ندان و کسی که در نماز باشد
و یا در محام باشد و چون سلام یا تحیتی دیگر کنند مستحب است که
تلاهی آن احسن از آن باشد و آتش باشد که هر آن قدر تلاقی کند
و چون کسی سلام علیه گوید احسن آنست که در سجده الله تعالی
و یا آنکه آنکه باشد و بیکانه اضافه کنند و اگر این را
نیز بگویند همین را تمام بگویند و روایتی دیگر آمده که در این صورت
علیک تنها توان گفت تا خود را زیاده ازین مخالفت سنت است
بر ویت کسی حضرت امیر المومنین علیه السلام کرد انقطاع
معفرت و وضو آنکه حضرت او را می فرمود و اگر از کسی سلام
رساند جواب بگوید و علیک و علی السلام و گفتا علیه السلام نیز
جبری بود و روایت که جواب کتابت مثل جواب سلام و آیت
و معنی سلام و جواب نیست که تو ازین سلامتی و یا خدا می گوی
که غیبت تو نکیم و عیب تو نکیم و چون دو مؤمن با هم ملاقات
کنند و مصالحه نمایند که اهان هر دو برینو مثل برت از دست
نا آنکه هیچ مانده و خدا تعالی بایشان نظر کند تا از هم نهانیت کنند

و بعد رحمت بر ایشان فرستند و خود و نه از آن باشند که محبتش بیشتر
باشد و خدا تعالی با او مصافحه نماید و آنکه محبت بیشتر کند و دوست
است ترنگاه دارد اجرش از آن دیگر بیشتر باشد و خدا سلام بر او
و اهل ملاقات بعد از هر غیبی اگر چه برود و در شوق بکشد و ملاقات
چند کام لازم جدا شوند و مروءت کفایت محبت برای مقیم مصافحه
و تمام تسلیم برای مصافحه است و چون در زمین معاقد کنند
رحمت ایشان را فرمود و چون در پیش هم توقف کنند ~~و~~
و غرضی دیشوی در میان ایشان نباشد ملکی ندانند که کجا جان شما
امر دیده شده اعمال را سر گیرید و چون شروع در گفتگو کنند ملاقات
حفظ و با هم گویند یا این بکاری و ویم که شاید ایشان را با هم سری باشد
و اگر غرضی و مومنان یکدیگر را بوسه کنند باید روی هم را بپوشند
و بوسه بر لب نشاند و بوسه بر پیشانی و بوسه بر او دست بوسیدند
نشاید که بوسه بر روی او را بپوشد و بوسه بر او دست بوسیدند
چنانکه که نماز برای او کرده باشد یعنی بنده که او کرده باشد و هر که
در مکانی مجلس کمتر از نیت شرف خود را می شود خدا و ملائکه برود
صلوات فرستند تا وقتی که بر خیزد و در وقت که چون چنانکه می بود
هر را می که کند قبول کنید مگر با لاف نشستن و رواست دیگر آمد مگر

صاحب خانه بگوید بنشینند که عیوب خانه خود را بهتر میدانند
و توافق میان این دو حدیث و الله اعلم و ثم الراحمین فی
العلم باین توان کرد که اگر معلوم باشد که غرض صاحب خانه بعضی
شکلی است بجز این نباید کرد و کثرت لطاعت باید نمود چنانکه
لفظ اکرام و عیوب نشتر است بران و بهترین مجالس آنست
که روی بجنبه باشد و در وقتیکه حضرت خیر صلی الله علیه و آله
نشسته یکی دو روز و دویم آنکه ساقا از زمین بردارد
و دستها را از پیش ساق گذارند و بر ساعد بکشد سیوم آنکه
یکبار بر سر پای دیگر گذارد و احادیث متعدده آمده که بفرمان
الله طاعتی بعلیه السلام باین هیأت نشسته بودند کسی گفت این
وضع تشنگی مکره است فرمودند این قرین بود است که میگوید
خدای تعالی چون از خلق صفات و اوصاف را میفرستد چنین نشسته
که استراحت کنند من برای ملائکه چنین نشسته ام و خدای تعالی
ملائکت می بایستد در وقتیکه بفرستد صلی الله علیه و آله و سلم
هر کس در این تشسته و خدای تعالی هر یک تشنگی را دشمن دارد و مستحق
که اگر بایستد بفرستد و بنشیند او را نیکو کند و چون کسی در مجلس
مجلس نشود تعظیم کند و بیا یک نشاند که تعظیم و مجلس بکشد است

و در وقت رفتن تعظیم کنید مثل غم و در بلادستان میان مردم
در نشستن مقدار یک ذراع فاصله بایکداند است که کمر را از آن کند
و اگر در شاه حرف موعظی در آید چنانست که او را خوار و خوار
و هر کس در وقت نشستن بگوید بسم الله الرحمن الرحیم و علی بن ابی طالب
محمد و آل محمد تعالی علی بروی او عمل کرده اند که در آن مجلس با او از
کردن خط کنند و اگر وقت برخواستن از مجلس بگوید سبحان
رب العزیز عما یصفون و سلام علی المرسلین و الحمد
و رب العالمین گفته اند مجلس باشد و بعد در مجلسی او را حسنه
باشد و خدا تعالی بدین بیشترین کیلها افزاین را کیل کند
فصل پنجم در سکوت و کلام مرویت از اهل بیت السلام
علیهم السلام سکوت بایست از ابواب حکمت و جلال محبت کند
و دلیل هر چیز است و شیعیان ما هلال باشند و کسی حقیقت
ایمان را نشناسد تا زبان از لغوه بندد و بیخاسته و در حفظ
زیانست و زبان کلیل در خبر و نقل است پس زیاده از این بگویند
چنانکه در ممال را هر یک کنید و مؤمن ناسا کت است محسن
شود و چون تکلم کند محسن باشد یا مستی و هر کس کلام از اهل احوال
خود بشنود دعاهاش خطا بسیار باشد و عذابش مهیا بود و هر

کلام خود را از جمله اعمال شناسد حکم کند که اگر نافع باشد و محض
 ابرار و مومنین علوات الله علیه عری کدشت که حرفهای اخراجی باشد
 میگویند و فرمود که ای هر چه میگوئی ملکین بی نویسنده و بر خدا
 تو میگوئی میگوئی ترک پیونده کوئی کن سختی کوئی که نفعی در آن باشد
 و شرم دارا فیکه چون تمام اعمال تو بر خدای معروض شود این نوع
 سخنان درو باشد و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
 میگفت میخواستی چیزی تعلیمت کنم که بآن داخل بهشت شوی
 گفت بل فرمود که سخاوت پیش کن گفت شاید من محتاج تر باشم
 فرمود مظلوم را نصرت کن گفت شاید عاجز تر باشم فرمود
 جاهل را هدایت کن گفت شاید جاهل تر باشم فرمود دیان
 بدین مگر خیر بعد از آن فرمود میخواهی یکی از این صفات در تو باشد
 که تو را به بهشت برود و هم آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمود
 خدا بخالی زبان را خدای کسی که هیچ حضور انگیزد بسیار باشد
 که کلمه لذت بآن بیرون آید که در مشرق و مغرب پهن شود و زخنها
 بآن ریخته شود و فرجهای بآن بی حرمست گردد و سخن گفتن بحت
 افضل است از سکوت در باطل و هر کس زیادتى راست گوید
 عیش پاکیزه شود و هر کس که بتماز و روزه و طول رکوع و سجود

مرد فریفته نشوید که بسیار باشد که عادی باشد ترکش موجب رحمت
 باشد بلکه قدر عقل و صدق کلام و ادا امانتش را نظر کنید
 و مروءیت که بسیارند که افتد است گوید که خدا تعالی **فرمود**
 از جمله صدیقان و سید و بسیارند که افتد در دوزخ گوید که در آن
 جمله کا دین نوشته شود و هیچ بنده لغات ایمان نیاید تا
 دروغ را مطلقا عیب و هزلش را زلت نکند و کذب ایمان را
 خراب کند خدا تعالی بر هر شتری قفلی زده و کلید **فرمود**
 شراب را گردانیده و کذب بدتر است از شراب و رفیق
 از هر کذب سوگند کند مگر سوگند کج آنکه در هر کجیاد با خم
 گویند و بیم آنکه برای اصلاح میان دو کس گفته شود سبب آنکه
 کسی با اهل خود وعده کند و اراده کردن آن نداشته باشد چون
 کسی گوید و الله که خدای قلالی را نیامده خدا تعالی فرماید که است
 که از جانب من قسم بخورد که او این امر را می آورد اگر ندیدم و عمل این
 باطل کردم و اگر کسی را لعنت کنند یا شهادت بر کفرش دهند
 اگر چنان باشد راست گفته و اگر نه بگویند برگردد و اگر مؤمنی
 فحش گوید خدا برکت از زلفش برگیرد و محبتش را فاسد
 گرداند و نظر رحمت و تربیت از او بردارد و اگر در مؤمن کینه

باشد

به بدترین وجهی بخیر و منزه از آن باشد که هرگز بخیر باز نگردد
و همیشه مرده است بر هر فحاشی حیاء که پروا نکند از هر چه کرد
و آنچه گویند و مرویست که چنین کسی را اگر تفتیش کنی و دلالت آن
یا شرک شیطانی باشد و خدا یقیناً دشمن دارد و فحاشی است که در
بدترین مردم کسبست که لذت می زبانش اگر کم کنند و بحالتش را
ناخوش دارند و هر کس از زبانش بترسند عذر زبانش را باشد
بخت این مردم کسبست که طعام خوردنها خورد و عطایش را منع
کند و محاکمش را بسیار بزند و بدتر از کسی که جزایش را امیدوار
از شرش این نباشی و بدتر از فحاشی که چون کسی پیش او مذکر
شود لعن کند و چون او پیش مردم مذکور شود لعنتش کنند و ضحاک
صادق علیه السلام را دوستی بود که هرگز از خدمتش مفارقت نمی نمود
روزی در خدمت آنحضرت برای میرفت و غلامی همراه داشت
چند مرتبه نگاه کرد و او را ندید مرتبه دیگر نگاه کرد و او را ندید مرتبه
دیگر نگاه کرد و آمد بود گفت یا بنی الفاعل کجا بودی پس حضرت دست
بر روی مبارک زده فرمود سبحان الله ما درش را دستنهام
میدادی تو خود را متوجه می نمودی معلوم شد که ورعی نداشته بود
گفت حیلست فلانک ما درش را مشرک است فرمود بایستد میدانی که هر

قوی در میان خود نگا می دارند که خود را از غلبه دارند و در شوار
راوی گویند دیگر او را در خدمت انحضرت ندیدم تا از دنیا رفت
در خدای تعالی دوست دارد و مناجات که بخش در آن بیاستد و مناجات
خالفت و سبب بر و در میان شود و گفت که من را از انحضرت
بخش یا که سبب یا استم از او بپایان من قبیح و باطل است و باید
و آمد و در میان بپایان و در آن استحقاق و ذلت باشد
و سبب من که گفته شود که باشد که کسی که گویند که من را از
که بقدر زمان و من و آن است که در آن است و در
و در آن است که در آن است که در آن است که در آن است
که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است
بر و گفت که در آن است که در آن است که در آن است
و در آن است که در آن است که در آن است که در آن است
تست کند و حضرت امام جعفر علیه السلام فرمود که کسی که خفت
و خفت بسیار باشد و در آن است که در آن است که در آن است
از آن که بپایان که در آن است که در آن است که در آن است
بود و فرمود که در آن است که در آن است که در آن است
که بسیار کرده است که در آن است که در آن است که در آن است

سپیدان هر چه را که نام تو بر زمین مرویست از اهل بیت ظاهر گشت
هر که در نزد اکرام کند اول خطبات اکرام کرده باشد و روی شیطان
سخت گشته و درش حریت شود و هر که بر روی زمین بسم کند برایش
حسن ثبت میشود و اگر کافق از او پیش بردارده حسن ثبت
و اگر بوی بگوید من عیسا بنی قالی تار و زیامت برای او هست
نزدیک و اگر با و خوی از لفظ اهل طاعت کند از خدا جنت عطا
نموده و اگر کسی که در پیشگاهش می ایستد در سینه او دست خدا باشد
و اگر کافق از او زمین بر سر و با جوارق دست چسبیده آید از قرآن
یا دعا که هر جنت از آن ده حسن است و اگر زمین را بچسبند یا مکان
یا امام یا جعفر یا سلام یا غیر آن سلام کنند و اگر نام کند هفت
از جادای که مکلفات آن کند پس خدا تعالی فرماید من نعمته را
ترا بر اهل دنیا حرام کرده ام مگر بر بنی و جی و چون روز قیامت شود
فرماید امر روز اولیاء مرا مکافات کن پس هر و غلمان از هفت
پروین آیند در دست حلقه های پرتو نعمتهای کونا کون سرهای
آن بار و برشهای اولاد و جواهر پوشیده و چون هفت و
نعمتهای آنرا بشتن عقابشان برشان کند و چون جنت باشند
از اهل آن دست خوانند در از که در سوا جانب عرض ندا آید

که هر کس با علم به شرف خود در پنج روی حرام شود پس دست دراز
کرده تناول نکند و هر کس یکی از مؤمنان را خدمت کند یا آنرا
از خدمت بخت عطا فرماید و خادم مؤمنان در طاعت خدا باشد
در قیامت بگذارد بلکه پیش خدا برسد و ایضا باشد و روز قیامت هر کس
مؤمنی را محاسن سفید را تحظیم و توقیر کند از پنج روز قیامت
این کرد و اگر با او استغفافت کند خدا تعالی کسی را با او مسامحت
گرداند که با او استغفافت کند و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
فرمود انما نیست کسی که بگوید ما افریق و بجزیر ما نرقم نکند و هر
کس مؤمن فقیر یا غیر فقیر را تحقیر کند خدا تعالی او را دشمن دارد و
تحقیر کند تا آنکه کرده برگردد و قیامت کند و هر کس مؤمن فقیر را
بسیب فقر تحقیر کند خدا تعالی روز قیامت او را در میان مؤمنان
رسم نکند **فصل بیازدهم** در سر و مؤمنان و فضیلت
ایشان هر دو است از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر یک عبادت خدا
نکرده چیزی را افضل از سر و مؤمن که ادای دینش کند اگر سینه
سیر کند یا غیر این و هر چند چیز عظیم تر بود خواهش عظیم تر بود که
مؤمن را سر و کند خدا تعالی روز قیامت او را سر و کند خدا
و پیغمبر خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم اجمعین را سر و کرده باشد

و همچنین الهی و با آنکه کندی اشیا از دزد کرده باشد سر و کلاه
فرار هزار حسن باشد خدا تعالی در متابعت حضرت موسی علیه السلام
و حضرت یونس علیه السلام و زود و در وقت عمر حضرت
هرگز در وقت راحتم کند خدا تعالی فرستد خلق کند که هزاران
باشد در هر یک هزار و در هر سیر هزار و در هر روز هزار
نخل در هر روز هزاران هزاران هزاران برای آنکه خدا تعالی
تسبیح کند و استغفار نماید تا روز قیامت و هر نسبت که موسی
در مملکت بجاری بود و زبور فطلم او کیفت بدیا و اهل شریک
رفت عشر که او با خدا نبردده معافی کرد چون از دنیا رفت خدا تعالی
فرمود اگر تو مشی به فی بوی ترا در بهشت جا میدادم اما بهشت
بر مشکان خرام است پس بانش در ج فرماید او را ابله زانی و بترس
اما مسنونان و صریح و شام دقش را فرستد راوی گوید پرسیدم
دقش از بهشت آیا حضرت امام علی علیه السلام فرمود که در هر جا خدا خواهد
و هر کسی دفع مصیبت ای یا انشی از مؤمنان کند بهشت او گوارا
شود و هر کسی غمی و سختی از مؤمن ببرد از خدا تعالی عفو و دورت
برایش فرماید بکی را در دنیا تقبیل کند که عمر معیشتش را با او صلوات

ناید و هفتاد و یکی برای احوال روز قیامت تغییر نماید و روز
قیامت مصلحتین خاطر محسوس گردد و هر کس خود را در عین از مومن
پسندد خدا تعالی هفتاد و یک مرتبه در دنیا و آخرت بر او رحمت فرماید
و هر کس قضاء حاجت مؤمنی کند خدا تعالی روز قیامت هزار
ساعتش را بر او کند و او را با این باشد که او را فریاد استنایان
و دوستانش بی هفتاد و یک مرتبه بر او ناصح بنمایند و قضای حاجت
بجاست است از آنکه در دنیا او کند و هر کس حاجت دهد از خدا
فرستد و افضل است از هفتاد و یک مرتبه که در هر روز هزار مرتبه
در دعای او کند که یک طواف کند و هفتاد و یک مرتبه در دعای او
سیصد مرتبه و هفتاد و یک مرتبه در دعای او کند و هر کس حاجت
حاجتی بر او داده شود و چون بر پیش منظر من در هفتاد و یک
در دعای او در هفتاد و یک مرتبه بر او کند و روز قیامت حاجت مومن
افضل است از هفتاد و یک مرتبه که هر کس حاجت مؤمنی را ببرد
و قادر بر قضاء آن نباشد و او را هفتاد و یک مرتبه در دعای او کند
آن و دیگری او را هفتاد و یک مرتبه در دعای او کند و هر کس حاجت مؤمنی
کند هزار مرتبه در دعای او کند و هفتاد و یک مرتبه در دعای او کند
مسلمگان و احباب ایشان از دنیا رفته شوند و هر کس حاجت مؤمنی

مومن بر داند حصه نوشته شود و سید محمد کرد و در جریان شود و اگر
 آن صاحب در دست او بر آید قایل گنج و یکم در داشته باشد یا
 اگر نه روزنه اشکاف در مسجد الحرام داشته باشد و اگر بیاید
 آن صاحب و یک عمر داشته باشد روزی حضرت امام حسن
 علیه السلام در اشکاف بیاموزی نموده از کسی اشکافیت کرد که در باره
 من با او گفتگو کن حضرت برخاسته روانه گشت گفت ایان
 که کماله صلوات الله علیه حکم فرمودی کردی که اشکاف دلیری
 فرمود قلمش نکشیدم هم لما اکتفی سعی و صاحب مومن کند گفت
 که در سال هجری پنجم که در روزها روزه داشته بودیم با
 بخانه خواستد باشد که در اشکافیت و قیامت خداوند تعالی بشارت
 غم و غصه از تو بگوید یکی خدایت و عقبت او و در روز قیامت
 که هر دو حال خود را مانده باشد در هر کس دست حاکم کرد
 بخانه اسبیل یا حاجتی دیگر بر دیگران که بر عباد و بندگان و حق
 رقیه نوشته شود و ملاک بر او صلوات فرستند و هر کس
 عاجزی را گفت که کند خدا تعالی او را بر لغت از نفاق و از
 آتش عذاب از مایه عقبتاد فرار حاصلش را بر او مستغرق
 رحمت کند تا از آن کار قانع شود و هر کس قاور بر قضاء

ساجت مؤمن باشد و نکند خدا و تعالی در قیامی عظیم و
مسلم گردد و آنکه او را امید کنید و باشد تا روز قیامت بعد از آن که او را
بخشد و اگر نه عذابش کند و اگر صاحب حاجت او را بخواهد
حالش دیگر بدتر باشد و روایت دیگر آمد که هر کس حاجت مؤمنی
از خود یا از دیگری منع کند و قادر بر آن باشد روز قیامت
ستیاة ذر و از ذر چشم دستها بر کوفت بسته میشود و شود
پس چون او را ببیند گویند ایست که یا خدا و رسول خدا خیر است
کرده پس در آتش افکند و هر کس قادر بر اجابت مؤمن باشد
و نکند مبتلا با حاجت دشمنان خدا شود و روز قیامت بر او عذاب
باشد و هر کس را خدا نباشد و از مؤمنی محتاج مضایقه کند خدا خالی
فرماید ای ملائکه بر پیشیند که بنده من چون در خانه باشد هر چه بخواهد
و در بد بخت و جلال خودم که هرگز در بد بخت نیکن نکند
فصل در ذرایع معاصی و منافی و سبل ایما
مرویت از اهل بیت ظاهر علیهم السلام که هر کس با حکم خدا و امر او مخالفت
و یا اعتنائی کند خدا بخواهد روز قیامت با او استحقاق و یا اعتنائی
نماید و خدا تعالی در هر روز از باری افزاید چون کسی نام کند ظلمتی
راش بجهنم اگر قویه کند آن ظلمت را مل شود و همان نور خود کند

و اگر چنان معصیت میکرده باشند مرتبه غلط زیاده شود تا
 نوزاد بپوشد و تمام دل سیاه و ظلمانی گردد و چون نفوز
 یا کفر از تن شود هرگز اصلاح نیپذیرد و نجات نیابد و بیایا باشد
 که روز قیامت بنده را بر یک ناله صد سال حس کنند و اهل
 خیال و دوستان خود اینند که در روز قیامت چنان مشغول
 نعمت و عشرتند و هر کس ترک قرعنه یا ارتکاب کبیره کند
 لیلی است شیطان کرده باشد و با او در جهنم خواهد شد و هر کس
 حکم حلال و حرام قرآن و اندو برای محبت و شهنوت دنیاها
 آن کند مستوجب عذاب الهی گردد و یا هر دو تضادی دیگر کند
 باشد و خطئه که در آن معصیت کنند لا ینفست بر خدا تعالی که آنرا
 خراب کند و صاحب هر دو فقر و حاجت و حیران رزق و روزی
 نیست و کفر و خرابی بلا و روزی و طاعت و غنای و فقر و انقار
 باران و طاعت هوا و سایر مکاره و بیایا شود و موجب عذاب
 امراض و اوجاع و اسقام و حسرت و ندامت گردد و تسلط
 اعدا حکم آبی رودها و چشمها و اوقات و خیرات و یا غنای و بیایا
 و معاملات گردد و روز قیامت و بیایا باشد که بنده دعا کند
 و خدا تعالی تقدیر بسیار است آن فواید پس بنده معصیت کند و خدا

کبریا که میگوید که خدای تعالی فرمود
 بفرمودم که بعد از این هرگز آنرا نیاید
 و بیایا باشد

فرمایند من متعزض غضب من گشتند و منسوب حرامان گشتند
چون متعزض کنی و تعزای حاجتش کنی و اگر تعزای منسلح شود
و آبرو اختیار دعا کنند و مستجاب نکرد و هر چه بخواهند
و کند و دست و شفت کرد و یاد می رسد به عقوبت کتاهاش باشند
حق اگر تعزای در بار و بار کی در بدن چند با آنکه اکثر کتاهاست
بفضل و رحمت الهی هفت شود مگر اولیاء الله که بلا یای ایشان برای
زیادی ثواب و در جاست و چون خدا تعالی بایند و در اولیاء
و رحمت داشت باشند کتاها می کند در عقوبت آن اورا به عقوبت
باید خبرد اگر کند تا قیوم استغفار نماید و کتاهاش با هر نزد و اگر با
بند و اراده غضب و عذاب داشتند باشند او استند می کند
یعنی به عقوبت های بی بدی و نوازش نماید تا در حد جبر و مرتبه مرتبه
کتاهاش زیاد شود و مغرور گردد و استغفار و توبه را فراموش کند
که حضرت صادق علیه السلام فرمود من دانست که چند مرتبه از خدا تعالی
مسئلت نمودم و همیشه دعای مستجاب میشد میترسم استیلا
باشد فرمود و الله که اگر حمد و شکر کنی استغفار و رحمت میورد و چون
خدا تعالی بایند و نظر رحمت داشتند باشند عقوبت کتاهاش شود
دنیا با در سکران موت یاد قبر و عالم آخر و عیب تفاوت تمام است

گناهان کند تا روز قیامت از گناه پاک باشد حتی اگر عمر هم داشته
 و اندکی از او بگذرد یا آخری بپسندد در آن تکلیف شود که آنها را
 بپوشاند و عاقل کسی نظر غضب داشته باشد حسنی که کرده باشد
 در دنیا هفت و هشت و غیر این از نیکو مکافات فرماید و تقی
 که نفس را بقیامت گذارد و بسیار باشد که مومن گناهی عظیم کند
 که مستوجب عقوبت دنیا و آخرت شود خدا تعالی برای محنت او
 عفویت اخوت را نیز در دنیا کند و گناه باشد که در دنیا عفویت
 و بلائی بعد از آنکه مقدور شده نفع فرماید و ثواب آن بلا را
 نیز بخیر و روز قیامت کند هیچ گناه را سهل و حقیر نیاید گناه
 مثل آنکه گوید گناه میکنم بعد از آن استغفار خواهم کرد یا گوید گناه
 غیر این گناه نمیداشتم و با کارش همه گناهان من مثل این می بود
 یا غیر آن گناه حقیر آنکه گناه شده امر زید و نشود و هیچ عاقلی
 مقبول نشود لکن کسی که اصرار بر محصیت کند و هر صغیره که
 بران اصرار کند کبیره شود و خدا تعالی هر چند که چهل پرواز
 رحمت پوشیده که کسی بر گناهان و عیوبش اطلاع نیابد چون
 چهل کبیره کند بر او عاصیه برخواست شود پس خدا تعالی ملائکه را
 فرماید که بیاهای خود او را بپوشید و اگر همان معاصی و قبایح

بخیر و نیکو است
 و عفویت اخوت را
 نیز در دنیا کند
 و گناه باشد که
 در دنیا عفویت
 و بلائی بعد از آنکه
 مقدور شده نفع
 فرماید و ثواب آن
 بلا را نیز بخیر و
 روز قیامت کند
 هیچ گناه را سهل
 و حقیر نیاید گناه
 مثل آنکه گوید گناه
 میکنم بعد از آن
 استغفار خواهم کرد
 یا گوید گناه غیر
 این گناه نمیداشتم
 و با کارش همه
 گناهان من مثل این
 می بود یا غیر آن
 گناه حقیر آنکه
 گناه شده امر زید
 و نشود و هیچ عاقلی
 مقبول نشود لکن
 کسی که اصرار بر
 محصیت کند و هر
 صغیره که بران
 اصرار کند کبیره
 شود و خدا تعالی
 هر چند که چهل
 پرواز رحمت پوشیده
 که کسی بر گناهان
 و عیوبش اطلاع
 نیابد چون چهل
 کبیره کند بر او
 عاصیه برخواست شود
 پس خدا تعالی
 ملائکه را فرماید
 که بیاهای خود او
 را بپوشید و اگر
 همان معاصی و
 قبایح

میکرد و عبادت را حدی که فعل قبیح کند و از اجتناب بدارد و توقع
منع داشتند باشند و فرمایند تمام آنکه با طاعت خود را از او بدارند
پس بعد از آن شروع در بعضی و عبادت را از دست نهند و بگویند
و گویا که قنوت یکی از کلمات است که میزدند و میخواندند و آن نماز است که در آن
در دنیا و آخرت آن کرده و کنیم تر و امانت کردی که آن را و او و تو
عقوبت کند پس در آخرت پادشاه و دویم منظر الحیا و اگر کسی
بظلم و ستم و کفر زند یا حیوانی مناجات را در پیشروان فتنای عالم
زند که خدا تعالی البتة انتقام بکشد و مسیوم نامی که کسی کند
از آن توبه نماید و ترسان باشد و امید غفر و مغفرت داشته
باشد حضرت امام علیه السلام فرمود ما نیز مثل خودی و رویتیم
و امید مغفرت داریم و یا اهل معاصی و عیال ایشان که قاف
بروغ آن نباشد نباید شست که میباید غضب و عذاب بر ایشان
فازد شود و او را نیز در آن میان فرو گیرد حضرت امام علیه السلام
یکی از اصحاب فرمود ترا حدی که فلاقی دیدم اینجا میگویند
او خالی نیست از خود و او عصیت خدا میکند یا باید ترس ما
کن و پیش روی و یا پیش خالی و ترس او مانع گفت هرگاه
او میکند من نکم چه ضرر دارد و فرمودی ترس که رو خضی از آن

و تراحم بالی بکیر و نمیدانی که صریح از اصحاب موسی علیه السلام که بیدار
از قوم و صوفی بود چون فرخیزان موسی رسیدند آنوقت ایستاد
که بگوید خدایا انوار غلط بخود پیش حضرت موسی برده چون بدو ایستاد
و رسیدند آب همدگر گرفت و عرق شدند حق آنکه عزت عالی
جعل و اورد و اخراج نماید کند که چون از محل اهل صامی
پروان عزیز و فضیله سیرت صریح و در دنیا با بعضی معاصی
و معاصی بر سبیل فضیله و رتبه اهل بیت عصمت و طهارت
علیهم السلام که هر کس با اخراجی و دنیا فیه سیر شود اگر اختیار برون
کند خدا از او اخراج شود و سیرت اهل بیت پیام زد اگر اختیار
دنیا کند هیچ حسرت او را نباشد که بخواهد او را افسوس شود و اول
چیزی که سبب محبت خدا باشد شستن چهره است چنانچه در دنیا
و حب و دایمت و حب طعام و حب خراب و حب راحت و حب
نسا و کلاه و زنده در کلبه را می انداخت و خور کند که هست دنیا
و جاه و شرف و بزرگی دنیا درین مؤثر ظاهر نیست هر کس دنیا
دنیا کند هر کس الله آن نیز کند و هر کس آنرا بظلمت کند و آن
و هر چه از دنیا بیاورد بر حق و کافیه باشد ظاهر نیست هر کس عیسی
علیه السلام بقرینه کند و شکر از اهل آن و در باب و طبعش هلاک شود

وین نکرده افتاده بودند بر پلندی برآمده بعشائر آواز کردند
از ایشان جواب داد فرمود اعمال شما چه بود که چنین مبتلا شدید
گفت اطاعت اهل معاصی و حب دنیا و طول امل و خوف قلیل و
غفلت از خدا و سهل الهو و لعب فرمود عاقبت شما چون شد
گفت در عین نعمت و عاقبت بودیم ناکاه خود را درها ویدیدیم
فرمودها ویدیدید گفت کوههای آتش که بر ما فروخته اند و جزین
تضییع میکنم که یکبار دیگر ما را بدینیا برین تاندند و در نیم و طعمه
میکویند دروغ میکوشید فرمود پیر او گری غیر تو جواب داد گفت
گفت ایشان هر باطنی بجام کرده اند که سگایه نتوانند کرد و من در میان
ایشان بودم اما از ایشان نبودم مرا عیوبی در دنیا چشم آویخته اند
نمیدانم خوارم افتاد یا بخات خواهم یافت و هر کس ملازم حرام
کسب کند و یا الحقه حرام خورد یا عیال حرام پرورش دهد یا عیال
از وی قبول آفریند فریضه و نه ناهله و بقدر آن و نه زیاده و نه کم
و هر چه از آن مال بعد از او ماند نوشته بجهنم میبرد و هر کس بر او
نکند که مال را از کجا تحصیل میکند خدا نیز بر او نکند از هر جا که
بجهنم رود و هر کس را مقدر گشاید و از ترس خدا در سبک بر دارد
خدا تعالی او را دوست دارد و رحمت خود شامل او کند و از اهل بهشت

کردند و ثلث يك ثلثه حرام بهتر است از دو چهارم است نماز و روزه
يك نماز مال حرام بر است يا هفتاد حج مقبول و نهار خالي
لحق کرده كس كه كسي بدهد و كسي كه كيرد و كسي كه آزار نوسيد
و كسي كه شاهد بر آن باشد و رياء هفتاد جزا است سهل ترين آن مثل
آنست كه كسي يا ماد خود دشمن خود را كند و بگذرد هم رياء
عظيم تر است از هفتاد زنا كه هم از خوشان مثل غم و فساد دين
و حج عبادت افضل از هفت بطن و فرج نيست كه از حرام حفظ
كنند و هر كس از مال قيمتي خورده بد و عقوبت معذب شود
كي در دنيا كند خدا تعالي را و او را در حق مسلط گرداند و دين
آخرت با حق چشم و در همچنان نجات يا زودي يا زنا يا شر
خمر يا ناپاك كردن يك است از لغات ذرايل گردد و عذاب شود و كس
يك شربت فسقري بپاشد و چهل روز نمازش مقبول نشود و اگر
دين تولد نماز كند خدايش مضاعف كند و دين ايام توبه اش
مقبول شود و اگر هر دو كافي باشد و اگر يك يا ديگر بپاشد
خدا تعالي از جزا است و ديني كه در چشم از مخرج زانمان بي آيد باو
پاشان دهند و اگر مداومت بر آن كند مثل سبب پست باشد
و شراب بخورد و زقيمت روسياه و از حق چشم دهش كج شده

لحاج و هفت روزان گشته پیشانی بر آتش پیاپیست و هفت روز
که اهل هفت روزان می مانند و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم
و کسی را در شوال می فروخته کسی که تا کن برایش اند و کسی که
مها فاش کند و کسی که بپوشد و کسی که برایش آمد و کسی که صافی
باشد کسی که برای کسی ببرد و کسی که برایش بیرون و باجم و مشت و
و کسی که قیمتش را بخرد و فروخته و عذاب الهی و عذاب است
و درخت با و منده و از و عذاب و عذاب و عذاب و عذاب
عیادتش میکنند و بر بن خانه اش حاضر شود کسی که فاضل امام
جعفر علیکم بر سعید که روزی از عیاق و مولی شما است اما شما را
می خورد و فرمود اگر عید بر او نماز گذار و هر که شوال یا مسکری دیگر
داخل عرق از عرقش شود خدا متالی آن عرق را پس بصد و شصت
نوع عذاب کند و هر کس با یک قطره شراب یا مسکری دیگر بگوید
خدا تعالی او را از عذاب من بپسنداند و عذاب من نیست که چون
نزدیک آید من نیز بر لب نکند و از شدت عذابش و عذاب
اندازد و هر کس با یک میل سر که شرب یا مسکری دیگر در آن باشد
در شب بکشد روز قیامت میل از آتش کشند و هر کس ترش
شراب کند نه برای خدا که همین برای محبت حق خدا تعالی اند

شکر کند و از حق بخشنوم بفرمانند که شکر است خاصه از شرفی
چون که خطای عالی برش باشد شکر حقوم ساخته و برای خود فرمود
مقرر فرموده که از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که چون حسن
میا است حضرت امام حسین علیه السلام را ایشانم بر دنا برین علیه السلام
فرمود آنرا از او شکر که از او شکر رویش بران آید آید و بر روی
آن شطرنج بر آید و قنار و شامی و در و جام را پیش است
بر روی و پیش است بر آن اگر کسی در آید باید از قنار و شطرنج
استاندارد و هر کس چون قنار و شطرنج را پیش است و بر
برین است کند که با آنش آید آید شود اگر چه مثل است و آید
باشد و آید و نیست که هر شب در ماه میار و رضا و خدا و عالی
جمعی بیاید و آید آید که اگر کسی که آید بر مسکری کند آید
شطرنج یا صاحب بدقی باشد و هر چنان قرار کند مثل آن بود
شیرین بدقی و آید که آید من و آید حضرت الفقیه گفته نرد
شد و آید آن شطرنج و آید شطرنج کفر است و آید
شیرین و آید کبیر و آید و آید بر کسی که آید آید
منصبت نظر بر آید آید که آید نظر بر آید و هر چنان
قرار کند مثل این باشد و آید آید که آید و آید

و هر کس صبح بزند شیطان با او زمین نشو و میلاد بکریزند و از حضرت
اسامه بن ابی اسلمه روایت است که وقتی اندم علیه السلام صلیت و بوالسین
و قایل موت او شد تحت کرده یا هم اسباب ظهور نفس خیر
گرفته بعد از آن فرمود هر چه از قیاس چیزها باشد که مردم از آن
مشتد شوند مثل آن بود و در خانه کسی که چهل روز بیرون نماند
شیطانی مقصد تمام بر او مسلط است و در هر عضو خود
بر عضو او کفر دارد و در بدن او بعد از آن خیریت و حیاء از او
شود تا حدی که زنا کند و بر او انگشت و نواحق نمود و
امثال آن تفانی در دل و دنیا اند چنانکه کتاب کیهان را اهل باطنی دیگر
روایت شده که کتاب را بعلانیه گشت و در آن دقت برینند و
شخصی از اهل حقانیز تفانی در دنیا اند چنانکه آن کیهان را اهل این
جهان از محصیت این نباشند و در ایشان مسباب نشود و خدا
تعالی در ایشان نظیر کند و فرشته داخل شود و خدا از جمله اینها
که خدای تعالی فرموده برای اهل آن عذاب مهین مهین است و
در عقیقت و حقیقت که خدا تعالی فرماید بادر که از حرکت دهد
پس چنانکه هر کس که در دنیا است و در آن است و در آن است و در آن
پس که در دنیا است و در آن است و در آن است و در آن است

ان شنیدن آن محرم باشد و نیز در وقت که کثیران مغنیه طرند
و ملحنانست کسی که از کسی ایشان بخورد و پیشان حرام و
شرای ایشان حرام و تعلیمشان کفر و شنیدن ایشان ضایع
و قبیح است و حضرت سر اعلام عهد باقر علیه السلام فرموده
کوشیدم کسی که عبادت او کرده باشی پس اگر حق گوید و از خدا گوید
عبادت خدا کرده باشی و اگر باطل گوید از شیطان گوید عبادت
شیطان کرده باشی و لذا در پیش بسیاری از بزرگان دعای صوت حسن
ترتیل قرآن بصوت خوش و تخصص ترجمه وارد شده و مثل آن که
خوب نیست صوت حسن و هیچ چیز بصوت نشد و اگر باطل
خوش و مثل آنکه الله اعلم از هر ناس خوش آواز تراند و اگر حضرت
امام اندکی از حسن صوت خود اظهار کند هیچ کس تلبی فی الله
حضرت سجاده علیه السلام چون تلاوت قرآن میفرمود و عادت دین
از حسن صوتش بهوش می افتادند مثل آنکه قرآن بخشنه تلاوت کننده
بجز تلاوت کننده و در قرابت قرآن ترجیح صوت کند و لایق
دوست میداد بصوت حسن را که ترجیح کنند و حضرت نیز فرمود
علیه و آلودنم فرمود قرآن را بحالان عجب بخوانید و بحالان اصل
فوق و کبار بخوانید و بعد از من همی بپایند که قرآن ترجیح خدا

و نیز در جمیع کنند دلهای ایشان و جمعی که ایشان را خوش داشته
برگشته است و کسی از حضرت مجاهد علیه السلام سوال نمود از خردین عالم
طرحش آواز فرمود قصوری ندارد اگر بختری و تو ایاد بخت افتاد
و نیز اخبار بسیار و از هر چه که باکی نیست در کسب مفتیه کرده
عربیه ایاستند نه مثل زمان نیست که مردم بر ایشان وارد شوند
پس از جمیع عیال اعدایت معلوم است که غمزد و قلم است یکی از مردم
و حرام کفایت است و قید است و عقوبات جان و دار بسته
و در جمیع درج و مدار که در سطح و در تحت در شان آن گفته اند
معیار عدال و حریم احوال مختلفه که از اینها بجز این بجز این
ظاهر قرآن مجید و مجموع احادیث و از طریق بابیه و شیطان فرود
است که معیار اول و حرمت حق و باطل است یعنی هر چه حرمت و حرمت
و تصنع و تصرفی که سبب سیر و دوری و غفلت از خدا و رغبت دنیا
و جهان شهوات و لذات دنیوی و از زوهای باطل و ضلالت
فاسد و محمل سبب باطلی باشد محرم و حرام است و هر چه
متناهی است قلب و اشاعه شود در دین از دنیا و شهوات و توفیق
با عزت و باقیان صلوات و محمل سبب حق باشد محرم و حرام
و عدالت است چنانکه بعضی از احادیث مذکور مثل امر تلاوت

قرآن مجید و پیوسته است که در هر صورت امام علیه السلام و امر بالمعروف
عرب و غیر آن که در آن عمل منوط و یا در آن عمل نیست و در هر صورت
در هر یک از این دو ظاهر قرآن و سایر اخبار بسیارین غیر اینها معتبر است
بر آن که اینجمله تعبیر از تعالی حرام بل فقط محرم و لعین و قول زور کرده
قرآن و احادیث بسیار واقع شده و از اینجمله اخبار بسیار که از آن
اطهار علیهم السلام سؤال کرده اند از تعالی فرمودند روز قیامت که خدا تعالی
حق و باطل را از هم جدا کند و حقان کدام طرف باشد سیار گفت
در طریقت باطل فرمودند خود محاکمه نمودی و از آنجهت و محاکمه
علیه السلام از تعالی سؤال نمودند فرمودند شما انقیاد کرده اید که با شما شد شمارا
با باطل چه کار است و احدی از علمای اهل تشیع از این سؤال جوابی نداد
و انستی و آنکه آنچه در حق الله شده در سایر اشخاص گفت چنانکه بعضی
ناقصان توهم میکنند زیرا که اصل ما از مطلقان دین مبین
حرام است و جعلی است از انواع از اخصی نیست بخلاف آنکه
که اصل آن مطلقا حرمش ثابت نیست بلکه در اصل آن حلال
حرام بود و هست چنانکه احادیث مذکور صحیح است و در آن
بسیار فرق میان حلال و حرام با آنچه گفته شد توان نمود و البتة باید
دانست که در حق الله حلال است که با حق و العزیز حرام شود مثل

آنکه مقرون بسا رهو باشد و نظیر این طعام است که اصلش حلال است
و با بعضی حرمت مانده حریم کشیده بداند و عیار رشتن نفس حرمت
حلال و حرام نیست که در اکثر طبایع اول مرتبه طبع حق و باطل کند
اگر چه کما جی در بعضی طبایع یا بسبب عادت و ریاضت خلاف آن باشد
چنانکه در عیار خونی و بدی در طعم و در طبع نیست که اکثر طبایع
اول مرتبه خوش آید یا بد آید و اگر کما جی طبایع را بر سبیل قدرت یا
بعد از عادت از طبع یا از عیون آید یا بد آید مستحب باشد و طبع
رب الطالین و چون زمانه طبع شود حرمت بقا و او با طبع غریب
و قبل از آن در میان ایشان نبوده طبع شود و زانی و نامش ایستاد
شش غریب است کند در دنیا کند از دنیاش برود و بقیه می ماند
شروع و اجاش نزدیاست کرده و سبب آخرت و غضب خدا و سختی
حساب و میلو در آتش و نیز در عیون است که در عیون قرار در عیون
بغیرین کشود شود که شعله های آتش و جهاد و بی و حیاست از
دفع آید و عیون کشود تا بعد قیامت و بعد از آن در عیون برود
و چون در قیامت زانین محسوس شوند بدی انتهایت عیون
الفرج ایشان آید که در عیون است تا ذی شوند و همگیس فاند
مگر که ایشان از این کند و هر کس با نیکو نام حرم مکمل کند بهر حال

که گوید هر سال در روز پنجشنبه که روز واکر زنی بر خیزد و خداوند
هر چه در میان ایشان گذرد و گناهش مثل گناه مر باشد و اگر چه
باشد گناه او نیز بر مرد غنیمت شده شود و هر کس چشم از گناه حرام
پر کند خدا تعالی آن چشم را از آتش پر کند و هر کس زنی نامحرم
در آویزد او را با شیطان در زنجیر آتش کند پس بدانش اندازد و
هر کس از زنان مردم عیفت طلبد مرد می تواند زنان و عیفت باشد
و هر کس از عقب زنان مردم نرود مردم نیز از عقب زنان زنانه
و هر کس با مردم معامله کند مردم با او چنان کنند ^{مصلحت} حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله و سلم فرمود با فلان طایفه تزویج کنید که
زنان عیفت زنان ایشان نیز عیفتند و با فلان طایفه تزویج
نکنید که مردان ایشان عیفتند زنان ایشان نیز چنانستند
و هر کس را خطوبه زنی نامحرم یافتن خطبه از وی بگوید و هنوز چشم بریم
نزد نباشد که خدا تعالی او را ایمانی عطا فرماید که لذتش در یابی
و آنچه العین برایش تزویج نماید و هر کس لواط کند یا زنی حرام را
یا مردی محرم فریضه و فاحشه از وی مقبول نشود و از عفت راجع
او اصل محشر متاخر باشد و کافرا باشد و بر استبداد و
مریضت متشدد کسی که با او لواط کند و هر کس یک زن را

بنامی بکشد چنانست که جمیع نامی را بکشد بکشد و جزایش چنان بود
و خدا تعالی مقتول را از هر کجا هاشم مالک کند و هر را بر قاتل
نویسد و هر کس برین مردم از خدا گنبدت که کسی را بنامی بکشد
یا زنی و اگر اهل جنوات و ارض و قتل مسلمانی باشد و یا آن
را بنی یا نشدند خدا تعالی هر را هر چه بخواهد بدو فرستد و هر کس
بکلام غارت قتل مسلمانی کند بعد از قیامت مقتول از او مطالبه خون
کند و هر کس با یهودی در حاجت رفاقت کند و غیر او و ندان مطلقا
تکند یا خدا و رسول خدا و ائمه اطهار صلوات الله علیهم خیانت کرده
باشد و ایشان روز قیامت با او جداست کنند و هر کس میانش
کاری برای هر ضیاع شود و آنرا ضیاع کند خدا تعالی او را ضیاع کند
و هر کس ولی و یار و یار می شود و اگر چه بدین ده کن باشد و میان ایشان
عدل کند روز قیامت بر سر عدلست و پابسته در سوراخ خاکی
کرده بخت آرد و هر کس که از عدلست و حجاج ایشان رو بپوشان
خدا تعالی روز قیامت از او و از هر بخش او بپوشان کند و اگر کار سازد
ایشان حدیث بگوید خیانت کرده باشد و اگر دو حکم میان ایشان
رشته بگیرد و مشرک باشد و اول کسی که در منل جهنم شود پادشاه
و حاکم است که با رعیت عدالت نکند و صاحب مالی که حق مال او بکشد

و نصیری که کافر باشد و هر کس بر کسی ظلم کند خدا تعالی او را بران دور
و مان یا دور کند یا در عذاب انداختن موافق نماید و ظلم در دنیا عذاب است
در آخرت و بر صراط نیست که همچنان یا مظلوم از آن نتواند گذشت
و هر کس مالی را بظلم و غصب بکشد خدا تعالی از وی رحمت بگرداند
و هیچ طاعت و حسنه از او قبول نفرماید و روزنامه اعمالش ثبت نکند
تا آنکه و تنگ کند و هر کس ظالمی را از ظلم معذور دارد و حمایت کند
خدا تعالی ظالمی را بر او مسلط گرداند و درین حال که مظلوم باشد
و عایش حقانیت نشود و در آن ظلمی که بر او میشود ابر ذاشته بماند
و هر کس عاقلی ظالمی کند و کینه دشمنی بدارد و با او محشور شود
چون کسی که کینه دهد و در آتش کند یا مظلومی برایش نویسد یا کینه
بندد و کسی که از حق ظلم باشد مثل ظالم بود خدا تعالی در زمان پادشاهی
جباریه بخیر و بی فرستادگی و یا پادشاه بگوید که من ترا پادشاه
نکردم که خون مردم ریخت و عاقلان بگیری بلکه مملکت بتو دادیم
که بپاد مظلومان روی و من از مظلومان ایشان خواهم گذشت اگر چه
کافر باشند و هر کس ظالمی را بجهت دلاالت کند یا ظالمی را بظلم
متولی گرداند در عذخ قرین هلاک باشد و هر کس صبح برخیزد
و ظلم کسی در خاطر نداشته باشد که همان امروز حق او را بدهد شود

و هر کس با خدا تعالی در ظاهر و باطن مقاربت کند و ملاقات ایشان نماید
از خدا تعالی دور شود و هر چند با ایشان نزدیکی ترازد خدا
دورتر باشد و خدا تعالی در روز از ایشان بیرون برود و حیران شود
و حضرت صادق علیه السلام فرمود و محبت بر خدا تعالی که مال و دار
آخرت با کسی رفتن که با آنکه زندگانی با او کرده آید و کسی را نصیب
علیه السلام برسد که شیعیان از پریشانی کارها را مثل بنای
عمارت و خنجر و یا خنجر برای مخالفان میکنند فرمود که اگر
ملازمه را بمن دهند که برای ایشان سر کسبه منبند و در مدخل
توبیسم که دعویان ظالمین در روز قیامت در سر برده های آتش
باشند تا وقتی که خدا تعالی میان عباد حکم کند و هر کس صاحب
سلطنتی را برای طمع مدح کند در جهنم قرین او باشند
هر کس پیش صاحب سلطنتی یا خاندانی در زمین برای طمع تذلل و
افتادگی کند خدا تعالی او را ذلیل گرداند و برکت از او بردارد
و اگر با آن خالاج یا عنق رقیه یا شایسته جوه بر کند با حریها را
از ایشان علم الکرم روایات آمده که اگر با خدا تعالی و اهل بیت
صلوات الله علیه رسیدنی آید او را سستی و ذلیل کند و طایب باشد
و روایت دیگر آمده که مالی از ایشان بخوبی دست آید فقرای

شبیعه بد عید تمیز بر ما حلال باشد و کسی بخداست حضرت
امام محمد باقر علیه السلام معروف داشت که صدق در بیان خاقان
حکومت کرده ام هیچ کس نداده داشتند باشند فرمودند تا حق
کسی را به صاحبش نرسائی و کسی حضرت صادق علیه السلام عرض
نمود که من در بیان بی ائمه صدق فرمایند و بودم و ما که
بسیار از آن بدایم گفتند که چشم از ما خدای پوسیدیم ام
فرمود که اگر ایشان فرمایند و خدمت چشم نیابند یکی بر ما
دست یابند و حق ما را غضب کند گفت اولی فرمود ما آخری
داشتند باشند فرمود اگر بگویم میبائی گفت بلی فرمود از هر چه
در آن عمل تحصیل کرده بیرون آی و هر کس را میخواستن ایشان
بده و هر کس را نمیخواستن برایش تصدق کن من برای قصاص
خجست موم پس آنروز رفته چنان که در حق عباسی که در بیان داشت
بیرون کردند تا آنکه ایشان را در میان خود برایش قوت و لباس
توجه کردند و اندک وقت بعد از آن پارسه یکی از اصحاب
انحضرت گوید بعد از آن رفتم خجست باز کرد و گفت والله
که انحضرت بوجه خود وفا نمود و رحلت کرد پس خجست
انحضرت رفتم همین که آمدید فرمود والله که بوجه خود خلائی

وفا کردیم از ایشان علم هم مرده است که اگر کسی بخواهد
مخالفین و طالبین مبتلا شود کفاره اش نیست که خصایص
مؤمنی و وضع ظلم از ایشان و ایصال نفع بایشان کند تا حسنه برابر
سینه باشد و چون ترک امر معروف و نهی منکر شایع شود
خدا تعالی بایشان عار بنماید و حضرت امیر المومنین صلوات
علیه فرموده تمام اعمال بتر و جهاد ددها خدا در پیش امر معروف
و نهی منکر مثل اینست که کسی بروی دریا عظیمی بفت کند و فضل
آن کلام حقیقت که در پیش حاکی جایز گفته شود و چون کیل و وزن
نقصان کنید بفقیر و قطعه جز سلطان مبتلا شوند و چون منع
زکوة کنند زمین منع خیرات و بکافات خود مثل دفع و شمار
و معادن کنند و چون قطع ارحام کنند احوال بدست اشهار
منقل خود و هر کس صورت حیوانی بسازد روز قیامت خدا از شما
غذاش فرماید که بدان حدیث روح بدمد و نتواند و غریبی
که میان سایه دار و خیر این مشهور است اصلش در حدیث معلوم
و هر کس غضب بر او مستولی باشد و بقیه اسلام از او منحل بود
و با اعراب جاهلیت محشور شود و هر کس نکاهی از وی غضب
بخوشی کند که او را بترساند خدا بجهالی غضب خود او را بترساند

و هر کس یک ذره کبر در دلش باشد داخل بهشت نشود و میگردان
بد و نور کلمات به نور مود محسوس شود و اهل محشر را بر این
گذارد و با ایمان باشند و خدا تعالی از حساب خلاص فرماید
شود و در بهشت موضعیت برای متکبران که سقر نام است
از شدت حرارت بختکایت کرد و اندکی خواسته نفس کشید
از نفس او تمام جهنم سوخت و یعنی و سر کس صاحب خود را میکند
تا جهنم ابله پس با خود گفت که یعنی و حسد در میان انسان
افکند که برای می کند با شرک و هیچ چیز یعنی زیادی برتری
نکند مگر آنکه خدا تعالی دلیلش گرداند و حسد ایمان را بسوزد
چنانکه دلش همه را و هر کس بعد از خردی عصیت در دلش باشد
با کفر جاهلیت محسوس شود و هر کس تعصب کند و بفرایمان
اگر دلش متعلق شود و اوست حسب افکار است روزی کس
در خدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام میگفت من فلانم
و صاحب حسد علی و در قوم خود بزرگ و عزیزم فرمود چیت
حسب بر ما نیستی خدا تعالی با ایمان بلند گردانند هر کس
باشد و بکفر دلیل گردانند و هر کس کافر باشد و هیچ کس
فضلی نبود مگر تقوی و هر کس یا مریم بد و در زبان معانی

کند روز قیامت او را دوزبان از آتش بلیت و حضرت امیر المومنین
صلوات الله علیه فرمود اگر ندانم که در چه دینی بودم من از
هر دینی بودم مرویست که همین عیب یوناست آدمی را که یزید
مردم بیند و از عیوب خود چشم پوشد و عیب کند دیگر را
بر صفتی که خود تراشد آن نتواند و هفت مرتبای سبب بر جانند
و نزدیکترین صفات بکفر آنست که عیوب و خطاهای دیگر را
حفظ کنی تا از دین بر آن سر زنی و تعبیر آنست که هر کس بی عیب
مسلمانی نباشد خدا تعالی در پی عیوب او افتد تا او را از دین
و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده عیوب بسیار
داشتند چون از عیوب مردم خاشع شوند و خدا تعالی مردم را
از عیوب ایشان خاجوش کند بلکه مردند و عیبی از ایشان سر
مردم بود و عیب دیگر هیچ عیب نداشتند عیب کوچکی کردند و آنجا
عیب چند از ایشان ملها فرمود که بر زبانهای مردم افتادند تا
از دنیا رفتن و هر کس بدی و معصیتی از کسافت کند چنانست که خود
اگر کرده باشد و هر کس بدی را بر عیبی سر زنی کند از دنیا نرود
چنان خود را بآن مبتلا شود و خدا او را از دنیا و آخرت او را سر زنی کند
و هر کس که عیب از او خطیبت و جلال خدا مخلوق گشته هر کس را

بر وطن ورود کند بر خدا کرده باشد و شراب است شیطان که با او
که اگر کسی بخیر برون را حق کند بدترین و جوی بد و هر کس که
مؤمن چیزی را بگوید کند که با حق تحت او باشد در نظر خدا
خدا تعالی را و از ولایت خود بیرون کند بولایت شیطان
شیطان نیز بفرستد و هر کس در مصیبت برون شتاب کند
از دنیا نروقتا بآن مبتلا شود و هر کس در غیبت کند
چنان نیست که گوشت میخورد و میخورد و روز قیامت از دهنش
آید و بگوید ای یارب من که اهل محشر هم از این عذاب می شوند و از
جمله آنان می باشد که خدا تعالی فرموده جمیع که میخواستند مصیبت
در میان مؤمنان متابع شوند بعد از این الهم صبرا و صبر کنید و هر کس
غیبت مؤمنان را بشنود و تامل بر آن عادت او باشد و نکند
خدا تعالی در دنیا و آخرت ذلیلش کند و او را عذابش کند و
کاهش دهد در مرتبه اش که کسی که غیبت کرده و اما اگر اعانتش
نکرده و غیبت را از او دفع کند خدا تعالی از او دفع بدی در دنیا
و آخرت از او دفع نماید و از آتش آزار او بگرداند و غیبت آنست که
صفت را کرد و بماند و او خود پنهان دارد و مردم ندانند که گنه
و اگر خود پنهان ندارد و غیبت نیاید و اگر آن صفت در دنیا

جهان باشد و هر کس مؤمن یا مومن در این جهان کفر و زندقه است بر
سیریلی از آتش نگاهش دارند آفتند و کفر کنند باک شود و شست
حرام است بر کسی که عیبت مؤمنان گوید و سخن چینی کند میان
ایشان فتنه افکند چهار کس را به جهنم برند و از جهنم بیانشان
که اول جهنم از لاف و غفلت ایشان و از بی کسب و کسب ایشان چه
کنند که قمار با این هر قمار آزار می کنند پس ایشان گویند
آنکه در بار حق افش او خیزد کسیست که لواط و دم بر کوفتش بده
او اگر نه و اگر نه و اگر نه و اگر نه و اگر نه و اگر نه و اگر نه
و درون کشته و از بول اجتناب و در بول است و اگر نه
و خون از دهانش روانست سخن مرعوب است و اگر نه و در میان
ایشان فتنه می افکند و اگر نه و اگر نه و اگر نه و اگر نه و اگر نه و اگر نه
نمای میگرد و هر کس با مومنان بیگانه باشد ایمان در دلش ندارد
مثل نیت در آب و هر کس مؤمن را از احکام برتراند و از حق سزاوار
ضرر و عیب بآید جهنم باشد و اگر نه و اگر نه و اگر نه و اگر نه و اگر نه و اگر نه
الافزون و جهنم باشد و اگر نه و اگر نه و اگر نه و اگر نه و اگر نه و اگر نه
است از آتش برافروخته و اگر نه و اگر نه و اگر نه و اگر نه و اگر نه و اگر نه
از جهنم جدا نشسته محسوس شود یا جهنم بود و اگر نه و اگر نه و اگر نه و اگر نه و اگر نه و اگر نه

و هر کس تا نایاب یا چربی در دست گیرد و پیش حاکم بیاورد
خدا تعالی از او دهای کند که طهارت و عفو از او بماند و روز
قیامت بر او مسلط گردد و خدا تعالی فرموده هر کس مستقر
قسمه را دروغ شود از عسل این بی نصیب باشد و هر کس را
نرسد قسم بغیر خدا تعالی خورد و قسم بخدا تعالی بپای هر طالب
سهلی اگر چه راست باشد نباید خورد که موجب استحقاق
بخطیبت آید خدا تعالی عن ذلالت و هر کس حق و مومن را
حبس کند و بی عفو و تاحیر کند مثل و ذرعت اری بر او کند
و روز قیامت با او عذاب او را برای دلالت تا و دها از
عرقش روان شود و خدا تعالی کند که نیست ظالمی که حق بر او
حسب کرده پس چهل روز و پنجش کشند و پس آتش اهریمن را
و هر کس نیست ادای دین عاقلانه باشد مثل دین برای بود
چنین کسی که تراش زکوة کند و کسی که مهر نراند بر و کسی که
نیت ادای دین نگذاشته باشد در ولایت از جانب خدا برده
موت شود که محافظتش کنند و احاطت نمایند و اگر رئیس از
ادای دین کوتاهی کند ملک بر او بیفتد و آن در احاطت کوتاهی
کند و هر کس در راه خدا کشته شود قطره آوازه از پیش

بریند کفاره همکاران باشد مگر دین کفاره ندارد مگر ادای آن
را از صاحب حق حلال کند یا کسی بپندد خود گیر و صاحب حق
راضی بآن شود و هر صاحب دینی که طلبکارش از پیش او راضی
برکرد و بعد از این و صاحبی در میان صلوات فرستند و اگر آن
برکرد و حال آنکه قاضی باشد هر شیء را که در حق او را بکشد
طلبی بزرگتر کند و در قضای طلبکار نیست که اگر مقدار
خوش را داد کند و اگر مقدار نباشد بملائمت و همواری عذر
خواهی کند و هر کس بر اجیر بر اجیرش ظلم کند بوی بهشت بر او
نمود و هر کس بگوید از انظار میمنه کند کفاره اش بر او باشد
و اگر افسش نشود در توانش شریعت باشد و در دادن اجرت
تجلیل باید نمود و نیست که هنوز عرقش خشک نشده باشد
که اجرتش را بدین صید و پیش از آنکه اجرتش را بقطع کند کار
نیاید و هر چند گوید هر چند بگوید راضی و مضائق ندارم و
نایب و بیع چنین وارد شده هر کس شهادت ناحق دهد یا متاعی
در دولت به هم بخواهد بر او نیند و هر کس که همان شهادت کند
در میان اهل محشر که شش را بخوراند و زبان خود را
ببخورد یا بشد تا آنچه می خورد و خوردن کل مرد است بی عیب

سودا کند و قوت ساق و قدم ببرد و از عبادانی که شکر این میگردانند
در وقت بابت بخت نقصان یا در بیان حساب و فداکاری
و هر کس در معصیت خالق الهی غفلت مخلوق کند و رضای او جوید
از دین خدا ببرد رود و الهی تعالی چنان کند که هر کس مدتی بکشد
مذمتش کند و چنان کند که بهتر است از آنکه بعمل عبادت
عجب و ریزد و کنیز چنین بودی هر که خدا تعالی مومن را بکناه و تیرا
کردی و حضرت امام علی علیه السلام فرمود عبادی و فاسق با هم چه
رنگی چون برون آمدند عباد فاسق و فاسق صدیق بود زیرا که
عباد عبادت خود مغرور و بجهت و فاسق از معصیت
خود ترسان و پشیمان بود و استغفار می نمود و نیز خود عالمی
از عبادی پرسید که عبادت تو چیست گفت کسی از مثل منی
سؤال عبادت کند من چندین سال عبادت میکنم پرسید که ریا
چو نیست گفت باشد از عیشم روانست عالم گفت که خدا را
و ترسان می بودی بهتر از آن بود که مشغول و گویان باشی که چون
کسی بمل خود مشغول و از خود راضی باشد هیچ عمل از او مقبول نشود
این بود که بعضی معاشی و دنیا را آن و بعضی نیز در فضل و عبادت
گذشت و بعضی نیز در مبالغت خود استاء الله بیاید معبود را

[illegible]

و خدا تعالی سزاوارست بتوبه کنندگان عطا فرموده که اگر یکی از این را
تعام اهل آسمان و زمین عطا فرمودی هر جنابت می یافتی و اگر
ایشان را دوست داشته و هم این را خدا دوست دارد عطا کند
و در همه حال که و محله برین عالم بوده برای ایشان استغفا کنند
و دعا و ایشان را الله تعالی بستاند فرموده سیدم آنکه وعد فرموده که
سپاس ایشان را بجهت استقامت چون فرمایم و هم از ایشان بجا بیاورم
که هر کس را گناهی مقدر شود پس خدا بیاورد و از گناه پاک کند
شرم کند و آنرا ترک کند گناهش آمرزیده شود و اگر چه مثل گناه
تمام چنین باشد و هر کس مصیبتی کند پس در دل از خدا تعالی
بترسد و بداند که خدا اقا در است بر عقوبت گناهش و یا هر زد
پیش از آنکه استغفا کند و چون معصیت گناه کند و این آخر امورش
نکند اگر چه بعد از پست حال باشد بیاورد و استغفا کند
شود و چون کار گناه کند بر و از آن نکند و فراموش کند خطی
صادق علیه السلام فرمود که کسی که خدا تعالی بگناه بندد را همیشه
برو کسی پرسید یا حضرت چون شود گناه موجب طرد شد
فرمود گناه کند و بشیمان شود و همیشه ترسان باشد و با حق
دشمن شود و خود را عتاب طرد کند پس خدا تعالی بر او رحم فرماید

بهشت بودم از ایشان جمله کم مر دیت که هر چه بکند و روزی نماید
 بگوید که بایک قطره اشک دریا های آتش را فرو نشاند و کم
 کسی بر امتی گوید که خدا تعالی از به او بران امت رحم فرماید
 و اگر آن اشک چشم پر شود غیا رمذاقت بران نه نشیند و اگر در آ
 شود آب آتش بر آتش حرکم کند و بیرون آید مثل مشک که از احد
 اجزای امت فرماید و بهر قطره در بهشت چشم آب عطا نماید
 که در اطراف آن شهرها و قصر ها ببارد و هیچ قطره پیش خدا
 دوست تر از دو قطره نیست قطره خوبی که در راه خدا بریزد
 و قطره اشکی که در شب تلذیلی از ترس او بچکد هر چشمی در
 قیامت گریان باشد مگر چشم چشمی که از ترس خدا گریسته و
 چشمی که در طاعت او چرخانی گشته و چشمی که از حریم پوشیده
 باشد چینی که از ترس خدا بگریزد و تمامش در روضه اعلی باشد
 که هر کس با ایشان در دنیا شریکیت بود حضرت همن حضرت
 امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله و سلم الطاهرین فرمود یا علی
 چند چیز بود اوصیت میکنم محافظت کنی و از آنجا فرمود از
 ترس خدای که بسیار کن که قطره هزار خانه در بهشت عطا
 فرماید و هم از ایشان جمله کم مر دیت که اگر کسی شبانه روزی

چهل کبره از وضو در شود چون پیشان بگوید استغفر الله
 الذي لا اله الا هو على القوم كل يوم السحرات والارض
 ذو الجلال والاكرام واستغفر الله ان يصلي على محمد وآل محمد
 ان يتوب على مكرها ما انزل امر زيد شود و خیری نیست
 کسی که یک روز زیاده از حد کبره کند و اگر کسی هر روز صد مرتبه
 استغفر الله بگوید مقصد کنا حسن آمرزیده شود و کسی که هر روز
 نهاره از مقصد کناه کند خیری درو بود و نیز روایت که
 کسی که بگوید استغفر الله الذي لا اله الا هو على القوم و
 اتوب اليه کنا حسن آمرزیده شود اگر چه فرار از دست زده
 باشد یعنی از جهاد گرفته باشد که از لعن کبار است و نیز
 روایت که هر کس بگوید اللهم اغفر لي انه لا يقدر الذنوب
 الا انت خاتم الخلق فاما بعد ايها الملك بنده من ميدان که
 کنا حسن راغب من کسی نیامر نه کناه باشد که او را آمرزید
 و کسی که صد مرتبه حضرت خیر علی الله علیه و آله و سلم را زیاده
 کناه شکایت که فرمود بجمعه کن بسیار که بجمعه بصدید
 کناه را بریزد چنانکه بابرک بالاندرخت و روایت دیگر که
 که بابت بجمعه خطبه بخواند و در جوی کند و در روایت که کسی

در پیش امر الهیین صلوات الله علیه گفت استغفر الله اغضبت
فرمود ما دوت بر تو بگریه میدانی استغفار کند استغفار
شش شرط دارد اول آنکه از کردن گناه پشیمان باشی دوم آنکه عزیم
داشت باشی که دیگر رجوع نکنی سوم آنکه حقوق مردم را ادا کنی
تا هیچکس را بر تو مظالم نباشد چهارم آنکه در فیضه که در آن
کرده ثلاثی کنی پنجم آنکه بگوشتی که از حرام در بدنت رسته
بغم و اندوه بگذرانی تا پوست بر اسجوات چسبند و در آن
میان گوشت تازه بروی آنکه چشم الله و مشقت طاقت
بخشائی چنانکه لذت و راحت محضیت چنانچه چندان
شرایط عمل کنی استغفار کرده باشی و بیاید دانست که اگر گناه
حق الناس باشد استغفار و توبه تنها کافی نبود چنانکه چند
حدیث باین معنی در فصل سابق گذشت که فرمودند که اموال
مردم کفاره ندارند مگر آنکه هر که امیشتنای حقش را برسانی
و هر که اغنی شناسی از جانب او تصدق کنی و نیز کسی از حضرت
صادق علیه السلام پرسید که اگر کسی با جاریه دیگری زن کند توبه
در چیست گفت آنکه دیگر از آن عمل نکند و از صاحب جاریه معذرت
خواهد و التماس کند که او را عیال ناید گفت اگر عیال نکند

چون باشد فرمود نافی و خاین باشد کشت بس جهنم و واحد رفت

فرمود شفاعت بر محمد صلی الله علیه و آله و شفاعت جابر علیه السلام

نما و اکتفا نماید بر شفاعت نکند که چون کسی این عمل کند الله

تا ابد عذاب و هول جهنم نبیند شفاعت او را در نیاید و احوال

این احادیث بسیار روایت شده و نیز روایت کرد اگر کسی برای

ظلمی کرده تواند برای مظلوم استغفار و طلب آمرزش کند

کفار و آفا باشد و اگر کسی را غیبت کرده باشد هر چه بخواهد

برای او استغفار کند کفار و آفا باشد و حضرت امیر المؤمنین

علیه السلام فرموده بسا کسی که طلب توبه کند و دستش بآن نرسد

بدر آنست که بر یک گناه کنی و از هم رد توبه قانع باشی و لا حول ولا

قوة الا بالله العلی العظيم یا حسین

تطبیق بدن و جامه از کثافات و اجناب ظاهری و تطهیر

جسد و دل از کدورات و احداث باطنی و این مجموع است الله

تعالی در ده فصل بیان شود **فصل القول** در فضیلت شفاعت

از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت کرده بود بآنکه

بدان و جامه را از برهه های بد که خداوند دشمن دارد کثافت روی

بدن او نیز فرموده شستن بباله و لکری می برد و جامه را بر آن از

بایست که بداند و از اهل بیت کرامت صلوات الله علیهم اجمعین
 مرویت که بایست که در جگر و بدن از کثافت از جمله اخلاقی
 بسیار است و فصل در این امر و آداب حمام رفتن و آنچه در اینجا
 باید بجای آوردن از اهل بیت است علم هم مرویت که چون
 داخل حمام شوی بایستی بپوشی کذا و بسم الله بگویی و بگویی
 اَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الرَّجِیْنِ الرَّجِیْمِ الْحَبِیْثِ الْحَبِیْثِ الشَّیْطَانِ
 الرَّجِیْمِ و هر گاه که در حمام یا غیر آن کنی از نشستن و بوی
 و غیر آن هر چه باشد بسم الله بگویی تا از شرک شیطان آید
 شوی و در وقت غروب آفتاب و میان نماز شام و خفتن
 بجام نباید رفت که شیاطین درین دو وقت در زمین متفرق
 باشند و چون خواهی حمام بدزد کن بگویی اَللّٰهُمَّ اَنْزِعْ
 عَنِّیْ رُبْعَةَ النَّفَاقِ وَ ثَلَاثَةَ اَیَّامِ الْاِیْمَانِ و باید از راه
 بخت نا عورت بپوشیدی و یا شد از حضرت رسالت بنا علی الله
 علیه و آله و سلم مرویت که هر کس ایمان بخدا آورد و قیامت دارد
 باید که از داخل حمام نشود و از حضرت امیر المومنین صلوات الله
 علیه روایت شده که چون بپوشی عورت یا بپوشیدی تا
 شیطان نظر نکند و طعنه نماید و چون بخانه اول حمام روی بگویی

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَأَسْتَعِيذُ بِكَ مِنْ
 إِذْنِهِ وَجَوْنِ بَخَائِهِ وَمِنْ رُيِّ بَكْرِي اللَّهُمَّ أَذْهَبْ عَنِّي
 الرَّجْسَ الْبَحْسَ وَطَهِّرْ حَسْبِي وَقَلْبِي وَقَدْرِي يَا
 كَرِيمُ بِسْمِ رَبِّكَ وَقَدْرِي يَا كَرِيمُ يَا رَزَّاقُ أَنْتَ جَعَلْتَ بَرْدَ
 كِدْمَانَةِ مَاءِكَ سَلَامًا وَطَرَارًا وَجَمَالَ بَغْلَيْنِ وَالْمَاءَ أَرْزَقَ بَرْدًا
 يَرُدُّ وَدَرِينَ خَانَةَ أُنْذِيكَ تَوْفِيقَ كُنْ وَجَوْنِ بَخَائِهِ سَيُومُ رُودُ
 بِكْرِي نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّارِ وَلَنَشَاكَ الْجَنَّةَ وَنَاهَاكَ كَمَا
 دَرَجَاتُ جَانِسِي بِكَ رَجِيمٍ يَا بَكْرِي وَدَرَجَاتُ آبِ سِرِّ نَفْسِي كَيْفَ
 فَاسَدَ كَرِيمُ أُنْذِيكَ سَفَا لِي بِرَجِيمٍ نَالِدُ كَيْفِي يَأْخُذُ وَهَوِّشَ
 جَدَامَ بَاشِدُ وَفُطْرَةَ حَامِ بِرُودِي نَالِدُ كَرِيمُ رُوْمِي بِرُودِ وَكُلَّ مَصْرُ
 بِرُودِي نَالِدُ كَيْفِي خَيْرُشَ وَدِي وَشَ كُنْ وَدَرَجَاتُ كَرِيمُ كَرِيمُ
 عَالِيَيْنِ مَذْهَبِ وَزَنَافَتُنْ كَانِ وَاعْتَالِ إِيْشَانِ بَاشِدُ نَزْدُ
 كَيْفَ بَاعَثَ جَدَامَ شُودُ وَشَانِ بِرُودِي نَزْدُ كَرِيمُ نَالِدُ شُودُ
 بِدِينِ رَابِكِي وَمَانِ نَالِدُ بَاكُ كُنْ وَيَكْرُودُ زَيْنِ مِيَانِ جَدَامُ
 رَفَقَ بَدَنِ وَنَفْسِ كُنْ وَهَرُودُ رَفَقَ مَوْدُ حَلِ بَاشِدُ بِي فُطْرَةَ
 قَرَانِ نَعُوذُ أَمَّا أَرُودُ بِرُودِي نَزْدُ كَرِيمُ بَاشِدُ قَصُورِي نَبَاشِدُ
 بِي فُطْرَةَ آبِ نَزْدُ كَرِيمُ دَرَجَاتُ مَالِكِي بَاشِدُ وَجَوْنِ خَوَارِدُ

بحام رود لقا است چیزی تا آنکه کند که صفر او عورت غلبه کند اما
شکم برنجاشد که مزاج و بدن ضعیف شود و گاه باشد که بجم
حالات مایند و نظر بر عورت سلمانان نکند و فوطه نکشاید که
مرفق عورت او را بپسندد که آن مرد و ملعون باشند و گاهی
نظر بر عورت مسلم کند عشق او را را که لعنتش کنند
و فرزند یابد و بحام نرود که مباد عورت او را پسندد و در حام
مسواک نکند که دندان ضعیف و بی قوت شود و مستحب است
نوزه نخادن و تالکید بسیار در آن وارد شد و شیطان را
دور کند و اقامت و امر این دفع نماید و بدن از کثافت و بوی
و بوی بد پاک شود و از جمله احادیث انبیاء است علیهم السلام و است
که هر دو هفته نوزه بکار برد و یک هفته و سه روز نیز روایات
بسیار رسیده و اگر بیست روز بگذرد و پول نداشته باشد
تجش کند که برای آن قرین بر خدا تعالی است و زیاده از یک ماه نرود
نوزه نباید کرد که فضل و ثواب نماز بسیار یکم شود تا آنکه بگوید
نماز نکرده باشد و روایت شده که هر کس ایمان بخدا و روزی
دارد و موی ظاهر را پیش از فصلی روزه و زنان زناده از بیست
روز گذارند و زیر بغل پیرایش کنند و اگر نوزه بگذارد افضل باشد

وکندن آن چشم و فغانه را ضعیف کند و موی بخیل را اورا زنگند
 که شیطاں در آن پنهان شود و چنان خواهد نوزید بکار برده
 اول با نکتست بر دارد و بوی و بوسه پی گذارد اللهم ارحم
 سلیمان بن داود و محمد امین و ابی النور و تابان را شوزاند
 و چون نوزید کند ادر بخوید اللهم طیب ما طهر منی
 و طهر ما طاب منی و ابدلی شعرا لا یعضیت
 اللهم لی تطهرت ابتغاء سنة للمسلمین و
 ابتغاء رضوانک و معفو عنک فخری و میری
 علی النار و طهر خلقی و طیب خلقی و ذک علی و علی
 من یلقاک علی الحنفیة السجدة منک ابراهیم خلیلک
 و دین محمد صلی الله علیه و آله حبیبک و رسولک
 غاملا بکرایمک تابع السنته بنیاتک اخذ ابراهیم
 متأذنا بحسن تأذینک اولیا شاک الذین عندک
 یاد بک و رزقت الحکمة فی صدورهم و جعلتهم
 معادن طاعتک صلو انک علیهم چون این دعا بخواند
 که خداوند تعالی او را در دنیا از کد و دغا و عیبها و گناهها
 و بداند کند موی او را بوی که پاک کند و بعد از هر موی که درین

و تأذین

او باشد فرشته یا فرشته هم ندانند تسبیح کنند تا روز قیامت
و ثواب آنکه از آنکس باشد و هر یک تسبیح حلالی که بپا راست
یا چپ تسبیح اهل زمین و آسمان که نوره در بدن باشد بسیار
بگوید لا حول و لا قوة الا بالله و بدن نوره و نور چهارشنبه
نوره نگذارد که روز غنیمت است و پیم برین باشد و روز جمعه
نیز در حدیث آمده که نوره گذاشتن موجب پیروی و نماز است
دیگر آمده که روز جمعه روز طهوری است و کفایت طهوری تر از
نوره است و حدیثی دیگر آمده که بعد از نوره حتماً بوی بدن باید
دفع حضرت آن کند و چون نوره در بدن باشد نباید نشست
که علت حق بصر است و بعد از نوره تمام بدن از سر تا پا حتماً
باید و ابتدا از سر تا پایی که حتماً بعد از نوره دفع برینانی و
دیوانگی و پستی و جذام کند و بوی عرق ببرد و دفع علت اکله
نمیاید و اکله دفع الف زخمیت که در هر عضو که حادث شود
گوشت آن عضو را بخورد و یکس الف بخورد و بدن را بکوبند
و امام علیه السلام دانند که درین مقام کدام مراد باشد و محتاج است
در هر هفته تیر تراشیدن و موی را از پنج باید گرفت که چرخ و پیش
کم شود و بدن خوی گردد و همیشه جلایان و جمال بفرایند و ابتدا

از پیش سر انجا نیت راست نماید و بگوید بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَعَلَى
سَلَامٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَلَى اللَّهِ عَلَيْهِ وَاللَّهُمَّ اعْطِنِي بِكُلِّ
شَعْرَةٍ فَرْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَبِاللَّهِ وَبِاللَّهِ وَبِاللَّهِ
زَيْتَنِي بِالشَّقْوَى وَجِبْتَنِي الرِّدَى وَهَرَفْتَنِي بِالْخَطِيئَةِ
بِأُيُومِهِ كَرَامَانَ اسْتَبَدَّ أَلْسِنَتِي وَبِاللَّهِ وَبِاللَّهِ وَبِاللَّهِ
رُوزِي رِيَادَتُهُ وَكَثَّافَتِي بِالْكَفَرِ مَرِئِيَّتِهِ هَرَسِي دُرُوزِهِ
بِنَارِ بِلْكَوْدِهِ وَنَاغَمِ نَجْمِ كِدُوسِ خَطِيئَتِي بِشَوْبِهِ هَمَانَتِهِ
بِهَدْمِ أَرْكَانِهِ حَاسِبَتِهِ وَبِاللَّهِ وَبِاللَّهِ وَبِاللَّهِ وَبِاللَّهِ
وَرُوزِي بِقَرَارِهِ وَخِدَائِهِ عَالِي هَفَاتِهِ دُرُوزِ سَوْسَةِ شَيْطَانِ أَرُوزِ
دَوَكُنَتِهِ وَهَرَسِي هَفَاتِهِ دُرُوزِ سَوْسَةِ شَيْطَانِ أَرُوزِ دُرُوزِ
كَتَاهِنَتِهِ وَهَرَسِي كِتَاهِنَتِهِ دُرُوزِ سَوْسَةِ شَيْطَانِ أَرُوزِ
أَيُّدِ آتِ بِسَمِ دِرِ بِلَايِ رِيَدَتِهِ كَرُوفَتِهِ وَمَانَدَتِهِ بِأَلْبَدِ بَرُونِ
كَتَدُونِ بِسَوْسَةِ خَوَاهِ زَمَانَتَانِ وَخَوَاهِ تَابِ مَسْتَانِ كَلَمَتَانِ
أَرُوزِ دُرُوزِ سَوْسَةِ سَوْسَةِ بِلْكَوْدِ اللَّهِمَّ الْيَسْتَنِي الشَّقْوَى
وَجِبْتَنِي الرِّدَى وَبِاللَّهِ وَبِاللَّهِ وَبِاللَّهِ وَبِاللَّهِ وَبِاللَّهِ
بِكُرْدِ اللَّهِمَّ أَسْتَعِزُّ بِكَ وَأَعْقِبْ فِرْعَوْنَ وَلَا تَجْعَلْ
لِلشَّيْطَانِ فِي ذَلِكَ نَصِيبًا وَلَا كُنْ فِي ذَلِكَ وَصُولًا كَيْفَ تَشَاءُ

فِي الْكَافَّةِ وَتَحْفِظُنِي وَتَكُنْ لِي كِتَابَ عَارِمَاتٍ وَابْتِغَاةَ
 رَوْحٍ عَامِدٍ يَوْمَئِذٍ كَمَا مَوْرَثٌ لِي بِأَمْرٍ وَرَوْحٍ عَامِدٍ وَرَوْحٍ عَامِدٍ
 وَبِخَيْرِ عَامِدٍ بِرِسْمٍ عَامِدٍ بِأَمْرٍ وَرَوْحٍ عَامِدٍ وَرَوْحٍ عَامِدٍ
 اللَّهُمَّ سَوِّغْ لِي بِسْمِ اللَّهِ الْإِيمَانَ وَتَوَجَّعْ بِنَاجٍ الْكَلَامَةِ
 وَقَدْ لَقِيَ حَبْلُ الْإِسْلَامِ وَلَا تَخْلَعْ بِنَقَّةِ الْإِيمَانِ
 مِنْ عُنُقِي وَبِخَيْرِ كَسَى زَاكِرٍ زَمَامٍ بِرَامِدٍ بِأَمْرٍ وَرَوْحٍ عَامِدٍ
 بِكُوفٍ طَهْرٍ بِأَطَائِبِ حَمَاتٍ وَطَائِبِ حَمَلٍ بِرَمَاتٍ
 أَكْرَمِي بِنَاحِيَّتِي كُنْ بِكُوفٍ أَنْعَمَ اللَّهُ بِأَلَّتْ وَأَكْرَمِي بِنَاحِيَّتِي

فصل سی و نهم در فضیلت شادب کوفتن و ناخن چیدن
 و آداب آن که ما از استاذ اهل بیت طهارت علیهم السلام که در جمیع
 شادب کوفتن و ناخن چیدن امانت از دیوانگی و پستی و
 جناب و برص و دفع پریشانی کسید و روزی به فرمود و تا بعد دیگر
 بگویند باشد و اگر ناخن دندان نباشد بدین کار دلبند روایت
 شده که شخصی حضرت امام جعفر علیه السلام گفت مردم روایت
 میکنند که بعد از نماز صبح بر جای نماز نشستن تا طلوع آفتاب
 خیر است برای زیاده روزی از مسافرت و تجارت نمودن
 فرمود که ناخن و شادب که نشستن و دیگر جمیع اینها ازین است

که چند روزی بر حضرت رسالت صلی الله علیه و آله وسلم می آمد
اصحابی را سبب آن سوال کردند و چون وی ازین مجبور شود
و حال آنکه شما را خبر نمی گیرید و بند های انگشتان انگشتان
پاک نمیکشید و ولایت شما که پنهان ترین جاهای شیطان
دران پنهان شود و اگر می دانست که درین ناخنها است
ناخن در آخر اموی آورد از حضرت خیرم علی الصعلبی و آل او سلم
مرویت کرده که من شاد و شاد میگردانم اما نباشد و شاد و شاد را از
مکشید که شیطان دران پنهان شود و ناخن و شاد و شاد کردن
در روز شنبه و پنجشنبه اما نیست از درودهای روز شنبه
و ناخن چیدن در روز جمعه اما نیست از پیش شدت نیست
ناخنها و در روز پنجشنبه اما نیست از درود شنبه و اگر در
روز پنجشنبه ناخن بکشد و ولایت ناخن بر روی روز جمعه گذارد
خدا تعالی پریانی از دفع مالد و روایتی است که روز شنبه
ناخن بچینید و چهارشنبه جام زوید و پنجشنبه خجالت
کنید و جمعه روی خوش بکار ببرد که بر پید از حضرت صادق
علیه السلام که مردم میگویند ناخن و شاد و شاد در روز جمعه
نیکین گرفت فرمود سبحان الله هر روز در روز شود بکشد و شاد

یا روز دیگر و مردان ناخن را از پنج بگیرند و زلفن افند کی بگذارند در آ
بند که برای زینت ایشان بهتر است و هر کس در سجده ناخن
سپارد بگیرد و بگوید بسم الله و بالله و علی سینه و محمد
و آل محمد صلوات الله علیهم هر روز ناخن و موی که جدا شود
چین است که بند و آزاد کرده باشد و هیچ جاری نکشد مگر
پماری که دهن جاری موت او مقدر شده باشد و هر کس
روز چهارشنبه ناخن بگیرد و ابتدا از انگشت کوچک را
و اختتام با انگشت کوچک چپ نماید چشمش بعد از آن
و از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم مرویت که در ناخن
چیدن ابتدا از انگشت سبابه راست کنید و بعد از آن انگشت
میان و همچنین تا انگشت کوچک و بعد از آن انگشت کوچک
و بعد از آن انگشت بیست و پنجم تا انگشت بزرگ راست
شود و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه مرویت
اول انگشت کوچک راست بعد از آن انگشت میان چپ
انگشت بزرگ بعد از آن چپ کوچک بعد از آن سبابه
و دست چپ اول انگشت بزرگ بعد از آن میان بعد از آن
کوچک بعد از آن سبابه بعد از آن چپ کوچک و دست راست

شارب را بسیار گرفتن تا آنکه بر آب لب شود و ریش را بسیار
 بگرفتن هر و نیست که مجوسان شارب را دراز کنند و ریش را
 بسیار بگیرند شارب را که آن کنند تا بایشان شبیه نشود
 اینکه مشهور است احتیاب یقینیه برای ریش اصل این از
 احادیث معلوم نیست بلکه در حدیث همین قدر هست که
 زیاده از قیضه نباشد که زیادی در لبش باشد و موی سفید از
 ریش کنونی مکرر هست روایت شده که موی سفید در اسلام
 نوز است و در روز قیامت و گرفتن موی بینی حلال پذیراند و
 نباید گفتن که چشم را ضعیف کند و محتاج است دفع کردن
 ناخن و موی از هر جا که باشد و چون در ضاک فصلی چهارم
 در فضایل خضاب و آنچه متعلق است بان از آداب از اهل
 طاهرین صلوات الله علیه و آله و سلم که یکدو هم که بر خضاب
 شود افضل است از هزار درهم که در راه خدا صرف شود و چنانچه
 خصلت در خضاب است بوی دماغ نگیرد و پوده چشم جلا دهد
 و دماغ را ملایم کند و بوی دهن خوش کند و گوشت دندان
 کند و پاری و کافوری بر روی سوسه شیطان کم کند و ملائکه
 خشنود شوند و ثمن از خوش آید و کافور از اعتنالت کند و

زینت پفرانید و خوشبوی باشد و اسنان از خضاب قبر بود و منکرو
نیکو را زن شرم دارند و روایت دیگر آنکه اگر وی پفرانید و
باه را فروت دهد و فرزند را نیکو کند و خضاب کردن در پفران
فرز است و اسلام و بسیاری نوز و اسلام و ایمان موجب
در عیب دشمنان و محبت زنان باشد و مستحب است که زنان
سر را خضاب نمایند و حیض بسته را بکشاید و دست این
باید از حنا خالی نباشد اگر چه همین بمالیدن تنها باشد
خواه شوره داشته باشد برای زینت و اگر نداشته باشد
یا پیر باشد برای آنکه دست ایشان شیبید و بدست هر دو
نموده اما استحباب خضاب دست برای مردان چنانکه مشهور است
از احادیث معلوم نیست بلکه از بعضی احادیث استقامت
آن میشود چنانکه از حدیث مذکور و حدیث دیگر روایت شده
که هر وی دست را خضاب کرده بخدمت یکی از ائمه اطهارین
علیهم السلام رفت حضرت فرمود که اگر خدا تعالی دست تریا
ز آن خلق میکرد ترا خوش می آمد گفت نه فرمود پس آن عجیب
داشت که چنین کردی و جنب و جافین نشاید که خضاب کنند
ناشیطان بر ایشان دست نباید گفت بخیر در فضال

موی شانه کردن و آرایش آن از اهل بیت طاهرین علیهم السلام روایت
که هر کس با آنکه آمیزد یا پاکیزه نگاه دارد و هر وقت نماز بخواند
شانه کردن ریش و دندان حکم کند و بسیار شانه کردن سرت
ببرد و روزی بنزداید و قوت مباشرت زیاده کند و بسیار
استخوان شانه کردن تب ببرد و سر را بشانه استخوان کردن
روی سر بویاند و کرم و باغ ببرد و شسته شانه کند که قوت
دل باشد و ایستاده نباشد که ضعف دل آرد و شانه کردن بعد
از هر وضو بر کشانی ببرد و چون سر و ریش شانه کند و شانه بپوشد
فرود آید که دلگیری و تب ببرد و چون هفتاد مرتبه شانه بر ریش
بیکایک بشمارد چهل روز شیطان نزد او نشود و شانه را این
راست بگیرد و بگوید اللَّهُمَّ سَرِّحْ عَنِّي الْهُومَ وَالْغُومَ وَ
وَحْشَةَ الضُّمُورِ وَوَسْوَةَ الشَّيْطَانِ وَسُورَةَ الْمَشْرِحِ
وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بخواند و چون فارغ شود بگوید مُبْحَثَانِ مِنَ الرَّيِّ
الْبَحْثَانِ بِالْحَيِّ وَالْقَلَامِ بِالذَّوَابِّ فَصَلِّ سَلَامًا
در مضامیل سر مه کشیدن و آینه کردن و آرایش آن از اهل بیت
طاهرین علیهم السلام روایت که سر مه کشیدن در روز زینت است
و در شب چشم را نافع باشد و در وقت خواب بماند از زرقانی است

شانه کردن

شانه



و در هر پنجشنبه کند و نفعش تا چهل روز بماند و هر که ایمان بخدا آورد
 قیامت دارد سر بر بکشد و سنک سر بر چشم رجا دهد و روی
 شرکان بر وی اند و قوت دهد و کلمات طول بخورد و در هر شب
 کند و قوت براه بفرزاید و جنتی که ضعیف باشد در وقت خواب
 هفت میل سر بر بکشد چهار میل در چشم راست و سه میل در چپ
 و چون سر بر بکشد بسم الله بگوید و این دعا خواند **اللهم**
اِنِّیْ اَسْأَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَنْ تُعَلِّیْ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَ اَنْ تُجَسِّلَ النُّوْرَ فِیْ بَصَرِیْ وَ الْبَصِیْرَةَ فِیْ دِیْنِیْ وَ الْوَحْدَانِیَّةَ
فِیْ قَلْبِیْ وَ الْاِخْلَاصَ فِیْ عَمَلِیْ وَ السَّلَامَةَ فِیْ نَفْسِیْ وَ السَّعَادَةَ
فِیْ رِزْقِیْ وَ الشُّکْرَ لَکَ اَبَدًا اَمَّا الْبَقِیَّةُ فَفِیْ وَحْدِیَّتِکَ
 نظر در آینه کرد که اگر کفایتی در روی باشد رفع کند تا در نظر
 مؤمنان بگردد نماید و چون آینه بدست گیرد بسم الله بگوید
 و بدست چپ گیرد و چون نظر در آینه کند دست راست بر سر
 و رو بکشد **اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ خَلَقَنِیْ فَاَحْسَنَ خَلْقِیْ وَ صَدَّقَنِیْ**
فَاَحْسَنَ صُوْرَتِیْ لِحَسْبِکَ یَا اَللّٰهُ الَّذِیْ زَاوَانِیْ مَا شَاءَ مِنْ
عَزْمِیْ وَ اَکْرَمَنِیْ بِاِسْمِکَ اَسْأَلُکَ اَنْ تَجْعَلَ لِیْ
حَسَنَتِ خَلْقِیْ خَيْرَ حَسَنَتِ خَلْقِیْ وَ زُرْقِیْ وَ جَوْنِ اَمْرِ اَزْدِیْ

بگذارید بگوید اللهم لا تغیر ما بیننا من نعمک واجعلنا
لا یفصلنا من الشکرین فضا هفتم در بیان فضائل
و آداب آن چون قاضای این دعا ایستودن باید از آنجا که
از اهل بیت طهارت علیهم السلام است که اگر کسی احتیاج به
و غایت کند نمازش مقبول نباشد و چنان باشد که در او اشتباه
باشد و چون اراده آن کند جانی اختیار کند که کسی او را ندانند
و بول بر او ترشح نکند و در سایه ها و جایهایی که مردم نشینند
و قافله فرو نماند نه نشیند که معلوم نباشد و در کنار راهها
و راههای که مردم تردد نمایند و بر در مسجد ها و خانها
نشاید نشست و در پای درخت در وقتی که حیوه درو باشد
نه نشیند که ملائکه در آنجا باشند و در قبرستان و آغراه
ایستاده و خواه روان یم دیوانگی بود و در آب ملائکه ساکن
باشند و در آب ایستاده بول کردن فراموشی آرد و چون جای
مناسب اختیار نمود و خواهد داخل شود پای چپ پیش گذارد
و بگوید بسم الله و یا الله أعوذ بالله من الرجس الخبیث
الخبیث الخبیث الشیطان الرجیم و چون عورت را
برهنه کند بسم الله بگوید تا شیطان نگاه نکند و رو بپوشد

جاد و افعال و ملاحضاتی که بر عورت نماید بنشینند و اگر
سهواری بقتیل آشت باشد و در آن لاشا خیر و از شوهر
تعظیم بقدری بگرداند و از بجای خود برخاسته باشد
که گناهانش آمرزیده شود و ایستاده بول کردن بهم دیوانگی
بود و چون بنشینند بگوید اللَّهُمَّ كَمَا أَطْعَمْتَنِيهِ طَيِّبًا
فِي عَافِيَةٍ فَأَخْرِجْنِي مِنْ خَبِيثَاتِ أَيْمَةِ عَافِيَةٍ و بر هر کس که
موکل است و در روایت دیگر و مملکت وارد شده که کوفتی
او را کج می کند تا نگاه بغایت کند و میگوید ای آقای زارین
رزق نیست که بشقت تحصیل نموده ملاحظه کن تا از نگاه
مهرسانی و اخراج چه میشود پس چون نگاه بران کند بگوید اللَّهُمَّ
أَرْزُقْنِي لِحَالَالٍ وَخَيْرِي الْحَرَامِ و چون بر خیزد و دست
راست بر شکم ببالد و بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَمْسَا طَعْمِیْ
اَلَا تَزِیْ وَهَذَا فِیْ طَعَامِیْ وَشَرِّا فِیْ عَافِیَّتِیْ مِنْ اَلْبَلَوِّ
و در خلا بسیاری توقفت نماید که مودت بواسیر باشد
و در روایت دیگر جراحت بجای بواسیر واقع شود و سر بر نه
نباشد و انگشتی را در دهی که بران نام خدای نقش باشد
در کبیر یا بغل پنهان کند و مازای که در خلا باشد بی ضرورت

با کسی سخن نگوید که هر کس در خلا سخن گوید حاجتش برآید و در آن
 حال قرآن نباید خواند بجز باریه الکبری و بسم الله الرحمن الرحیم
 و اگر آواز مؤذن شنود و کلمات آن توان نمود و ذکر خدا کنند
 در هر حال که باشد و مسواک نکند که محدث بوی دهن باشد
 و چون نظر بر آب کند بگوید الحمد لله الذي جعل لنا الماء طهورا
 و اگر بجهله یقضا و چون خواهد استنجا کند اول استبراء
 نماید باین طریق که از پیش مقعد تا پیش عضو و از اینجا تا پیش
 سه مرتبه دست ببالد و سه مرتبه بر عضو و افسوسه تا قطرات
 بول هر چه ماند میاشند بریزد که چون استبرأ کنند بعد از آن که
 طوطی بیند و هر چند بسیار باشد بول نباشد و نباید شست
 و اعاده وضو نباید کرد و در وقت استنجا بگوید اللهم اغفر
 لغی و اعمی و استر عورتی و حرمتی علی الناس استنجا
 با دست راست نکند و دست راست بر عورت نزنند و
 در دست چپ اگر انگشتی باشد که نام خدا بر او نقش باشد
 بیرون کند و چون خواهد بیرون آید بای راستش گذارد
 و بگوید بسم الله و الحمد لله الذي غافانی عن الخبیث
 الخبیث و اما طهرت لاکرمی فیصل هشتم

در فضایل و مساوات کردن و آداب آن از اهل بیت ظاهرین صلوات
 علیهم اجمعین مرویست که در مساوات دو از ده خصلت است
 که سنت انبیاء است علیهم السلام و در میان رابعت ساز و چشم را بجا
 دهد و صدای را بخی شود و دندان سفید سازد و بیخ دندان محکم
 کند و قوت حافظه بفرزاید و حسنات مضاعف شود و می آید
 خوش آید و مستحب است هر وقت وضو نماز مساوات کردن لا اقل
 با انگشت که دور کت نماز مساوات افضل است از هفتاد و یک
 بار آن و مساوات بخور از ضرر باند کرد اگر دندان سه مرتبه دهی بسوی
 و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم هر شب صد مرتبه مساوات
 وقت خوابیدن و چون از خواب بیدار میشد برای عبادت و وقت
 نماز صبح و غروب که اگر بدانند چه قدر منفعت در مساوات هست
 در وقت خوابیدن نیز آنرا بخوابانند و مساوات را هر چه در
 استخوان نمایند و در حمام و بیت المکلا مساوات کردن مروت است
 و من باشد فصل پنجم در فضایل وضو غسل و آداب آن
 از اهل بیت ظاهرین علیهم السلام و العاکرة مرویست که استعمال طهور
 بسیار کنید که عمر را دراز کند و اگر نتوانید روزی شش مرتبه با طهر
 باشید که اگر کسی با طهارت بپزد و شستند باشد و چون خواهد

و گوشت آنرا قوت دهد
 داشته باشد و چشم
 دفع کند

و منو کند بسم الله بگویند که تمام بدن ظاهر شود همچنانکه گویا اسل
کرده و آن وضو نگاره کناهان باشند تا به وضو بگویند و اگر بسم الله
بگویند همان اعضای که آب رسیده مالک شود و چون دست بآب
نهدند و بسم الله بگویند کناهانی که با دست کرده هر فرویزد
و شیطان دور شود و چون مضمضه نماید خدا یقانی دل و زبان
و اورا بچکست منور کند و چون استنشاق نماید بوی آتش دوزخ
نشست و چون رویشد کناهانی که با چشم و دهن کرده هر
بریزد و در وقت قیامت روی سفید باشد و چون ساعدین بشویند
کناهان از دست و چپ بریزد و غلغله های آتش بر و حرالم شود
و چون مسح سر کند خدا یقانی او را از سیئات مالک کند و چون
مسح پا کند کناهان پا هر بریزد از صراط بگذرد در روزی که
قدمها در آن باغ فرد و چون برای نماز مسح وضو کند کناهان
پا باشد که در آن شب کرده غیر از کبایر و چون برای نماز تسلیم وضو
کند کناهان آن روز باشد سوائی کبایر و اگر وضو داشته
باشد و بی آنکه حدیثی رویت بخشد و وضو کند خدا یقانی او
باشد و بی آنکه حدیثی استغفار رویت بخشد و وضو کند
بر سر خود و ده حسنه دارد و هر کجا خواهد وضو کند چون نظر

بر آب کند بگوید الحمد لله الذي جعل الماء طهوراً و لم يجعله
بخساً و چون دست بر آب گذارد بگوید بسم الله و بالله اللهم
اجعلني من الشرايين و اجعلني من السطوح و اكر من
طشت يا كاسه و من كند مستحب است که آب را بجانب راست گذارد
و اول دستهارا مانند بنوید اگر بعد از خواب یا بول یا سدا بگریزید
و بعد از غایط و مرتبه و بعد از جنابت سه مرتبه و چون
مضمضه کند بگوید اللهم اغفر لي غفرتي يوم القات
و اطلق لياني يدك و چون استنشق کند بگوید
اللهم لا تحرم من طيبات الجنان و اجعلني من
يشم ريحها و طيبها و روحها و چون روی بنوید بگوید
اللهم بيض وجهي يوم تبيض الوجوه و لا تسود وجهي
يوم تبيض فيه الوجوه و در شستن روی شما را بکشاید
که آب وضو چشم رسد که آتش دوزخ نه بیند و چون دست
راست بنوید بگوید اللهم اعطني ثباتي جميعي و اقلد
في الجنان يساري و چون دست چپ بنوید بگوید اللهم
لا تطعن ثباتي يساري و لا تجعلها مغلوله لا امسني
و اعودك من مقطعات الشرايين و مردان آب را

بر پشت دست و ریزند و زمان بر روی دست و چون مسح کنند

بگوید **اللَّهُمَّ عَشِّتَنِي بِرَحْمَتِكَ وَبِرَحْمَتِكَ وَعَقْرِكَ**

و چون مسح پاکند بگوید **اللَّهُمَّ بَلِّتْ قَدَمِي عَلَى الصِّرَاطِ**

يَوْمَ تَزُلُ فِيهِ الْأَقْدَامُ وَاجْعَلْ سَعْيِي فِيْهَا بِرَحْمَتِكَ

عَنِّي يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ چون باین طریق وضو کند

و این دعا بخواند و از هر قطره آب فرستاده خلق شود که خدا را

تسبیح و تقدیس و تحلیل و تکبیر گوید و ثواب آن هر برای کفایتی

شود و چون از وضو فارغ شود الحمد لله رب العالمین و هر کس

بعد از وضو و بعد از غسل جنابت بگوید **سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ**

وَيَعْدُكَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَستغفرُكَ وَه

أَتُوبُ إِلَيْكَ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَأُكَلِّمُكَ

أَنْ عَلَيَا وَلِيَّتَا وَخَلِيفَتَا بَعْدَ نَبِيِّكَ عَلَى خَلْقِكَ

وَأَنْ أَوْلَاهُ خُلَفَاؤُكَ وَأَوْصِيَاؤُهُ كَنَاهَاتِ فِرْوَزِ

مانند برك از درخت و بعد از هر قطره از آب وضو و غسل

ملکی خلق شود که خدا را تسبیح و تقدیس و تحلیل و تکبیر گوید

و صلوة بر محمد و آل طیبینش فرستد و ثواب آن هزار نوبت

بعد از آن خدا تعالی امر فرماید که آن وضو و غسل و بخاتم رب

الغرة مختوم که مانند بعد از آن برین برین بجای کرد دست
دزدان و در میان طین بآن نرسد تا آنکه روز قیامت
باو تسلیم کنند و در پشت الله را آب بدهند که حساب آنرا
بعین از خدا تعالی نماند و کما هائش هر آید شود الله تعالی
ناظر و هدیه شود و آب و منور اگر خشک کنند و ضو بکینه
و بسته باشد و اگر خشک نکنند سی حسد و چون غسل جنابت
از سلاک کنند بعد در قطره خانه از برای او در پشت بکشد
و در وقت غسل جنابت بگوید اللَّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي وَ دِرْجَتِي
وَقَبِّلْ سَمْعِي وَ اجْعَلْ مَا عِنْدَكَ خَيْرًا لِّي و بعد از
غسل دهائی که بعد از وضوء کردند بخواند و در غسل تاکید
بسیار واقع شده برای هر کس مرد و زن آنرا دوبند و حضور
سفر و اگر که ضرورتی یا مانعی باشد و در سفر یا تراخت
ترتیب آن داده اند و کفار و کما هائش که از جمع پیشین باین
جمعه کرده باشد و سه و نسیان و نقصانی که در وضوء و غیره
شد مناسب خدا تعالی آنرا بقتل جمعه تمام نماید اگر بعد از غسل
بگوید أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ
وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ و در وضوء و غسل علی محمد و آل محمد

وَأَصْلُهُ مِنَ التَّوَابِينِ وَأَصْلُهُ مِنَ التَّطَهُّرِ نَهْطَاتٍ

آن غسل تا جمعه دیگر باقی باشد و در یکجا که خان آب در

روز جمعه نباشد روز پنجشنبه برای جمعه غسل کند و اگر روز

جمعه غسل کرده نماز کرده باشد استغفا نکند و دیگر این کار

نکند و غسل با قضا کند و اگر وقت نماز باقی باشد اعاده کند

و اگر ترس غسل همدا نکرده باشد نمازش تمام بود و اگر روز جمعه

غسل مقدور نشود روز شنبه قضا نماید و اگر چند غسل

داشته باشد خواه واجب و خواه مندوب مثل جنابت

و جمعه و زیارت طواف و حیض و نفاس و غیر این چون پیش

غسل کند بدخیت هر کدام که باشد برای هر مجزئی بود و خواه

آن تمامه بخاطر باشد و خواه نه و اگر هر دو این قصد کند

و يك غسل کند برای هر مجزئی باشد و سایرین با مستحب است

که در ایام حیض و غیر وقت نماز وضو کند و در بعضی پاره نشسته

در کعبه کند و مستحب است که وضو و غسل سیراب باشد

آب وضو و تخمینا بقدر یکجا و يك و آن غسل بقدر یک من بود

تیریز باشد و نیز مستحب است که آب پاکیزه باشد و متعفن و

کثیف نباشد و فصل در فضایل بوی خوش و آواز

استعمال آن از اهل بیت صلوات الله علیه و آله علیهم
الجمین هر یک که در آن وقت نماز یا بوی خوش افضل است از
هفتاد رکعت پیش آن و در آن وقت که در وقت مباشرت
افزاید و وقت بر صوم و در هر یک کسی که هر روز استعمال آن بوی خوش
کند و کلاب آبروی زیاد کند و پریشانی ببرد و چون کلاب
استعمال نماید بر روی و دست بمالد و صلوة بر خیزد و اهل
بیتش صلی الله علیه و آله جمین بفرستند و سنت است هر روز
استعمال بوی خوش کردن تا اگر مقدور نشود یک روز در میان
یک هفته پشت تا خیر نیاید کرد و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
را مشات دانی بود که بعد از هر وضو از آن استعمال میفرمود و اگر
بوی خوش غنی داشتند معتقد زن از آب ترمیکرده و بر روی
میمالیدند و فرموده هر کس بخراهد بوی هراشتنود کل سرخ ببرد
و نیز فرموده از عرق من روئید و کل سرخ از عرق حضرت جبریل
و کل زرد از عرق براق و روایتی دیگر آمده که در شب معراج عرق
الخصرت بر زمین چکید کل سرخ از آن روئید و چون کسی را
تکلیف بوی خوش کنند روئید که در زیر آن بوی خوش بگذاشت
و در اگر ام نماید که چهار و اگر یک یا و حیاتی بکسی دهند یک روز و بیشتر

و بر چشم گذارد و صلوة بر پنج رکعت فرستد هنوز از دست
نگذاشته باشد که گناهانش آمرزیده شود و در است و برآمد
که بوسه بر چشم گذارد و صلوة فرستد بعد از این
علاج خدا تعالی برای او حسنات بشت فرماید و سیئات
عمرزاید و علاج بیابانیت که درایت بی نهایت دارد و الله اعلم
بالحق

و در بعضی از عیة مخصوصه سیاحت و فضایل قرآن و این
مجموعه است که الله در پارتو فصل بیان شود و فصل اول

در فضایل نمازهای فریضه یومیه و ذکر جماعت و فضایل این نیست
سینه از اهل بیت طهرین صلی الله علیه و آله و سلم
که بعد از ایمان معرفت صحیح عملی و عبادتی بهتر از نماز نیست و
چون مؤمن مشغول نماز شود خدا تعالی متوجه او میشود و
از اطراف آسمان تا اطراف زمین رحمت بر او نازل شود و ملائکه
او را ملائکه پیش قدمش تا اطراف آسمان ملائکه فرو گیرند و مسلکی
نداند که گوید ای بنده من که مشغول نماز گشته اگر بدانی
که گیسو که متوجه تو شده و یکبار در گفتگویی هرگز از جای نماند
نزدی و یکبار از جهت است از هر آنچه که هر چه بهتر است از نماز

دینا و هر چه در دست از غنای او راحت ها و نماز در میان
عباده ها مانند گوسفند از خدایت که اگر محکم و بر جای باشد بر د
و طایفه ها و میضی که برقرار و خیر برای باشد هر چند که در
زیر آن باشد و اگر ستون بر جای نباشد و تصور و شکستگی باشد
خیر از هم بریزد و قوی تر گیرد و هر چند پاکیزه و نوب باشد و هر چه
که نماز غرض را بجای آورد بعد و مخالفان شیعه ملا می کنند
پست و نماز کنند و برای او دعا کنند تا از نماز خارج شود
و خدا تعالی را فرستد است که هر وقت نماز از خدا تعالی بر آید
میکنی برای نماز کنندگان پس چون وقت صبح شود و مومنان
برخیزند و وضو سازند و نماز صبح گذارند از خدا برات ایستادن
گیرد و در آن برات نوشته است که مضمون خدای پاینده ای که
من شهادت پناه میداد و شمار از حفظ و حمایت خود دارم و
و آنکه نام و کنایان شما آمرزید و مایه شد تا وقت ظهر چون
وقت ظهر شود و برخیزند و وضو سازند و نماز ظهر گذارند
برات ایستادن گیرد و این مضمون که مضمون خدا و توانا ای بتدکمان
من سبب است شما را آمرزیدم و بعد از اینست که موم و شمار
در درو الجلال بجای دارم و چون وقت عصر رسد و وضو کنند

۱۱
فماز عصر بگذرانند برات ایشان بلیغ معصوم گیرد که منم مقابل
بزرگوارای بندگان من جسد شمار از پیش ارم کردم و شمارا
در مسکن نیکن ساکن کردم ایندم و شربیدانه از شما دویدم و در
و چون وقت شام رسد و وضو کنند و نماز شام گذارند برات
ایشان باین معصوم گیرد که منم خدای جبار بزرگ و متعال ایست
بندگان من فرشتگان از پیش شماراضی آمدند حقست برین
که شمارا رضی کردم و روز قیامت آرزوهای شمارا بنهارسام
و چون وقت نطق درآید و منوسازند و نماز نطق گذارند برات
ایشان باین معصوم گیرد که منم خدای که معبودی غیر من نیست
پروردگاری سوای من ندای بندگان من درخاهاى خود خوش
گویند و بخانه من آمدید و مشغول بگوین شدید و حق مرا
شناختید و فرایض من بجای آوردید ای ملک تو و سایر
ملایکه همه گواه باشید که من از ایشان را رضی شدم و هر مؤمن که
نماز و نیت را بجای آورد بعد از آن دعائی که گفته مقتضای باشد
و هر وقت نماز فرستند ناکند و گوید ای مردمان برخیزید
و نماز بنمایند آتشها را که از کناهان بروشن خود افروخته اند
و چون پنج وقت نماز گذاردند کناهان پاک شود و هر کس پنج نماز را

در وقت خود گذارد و در محله قتل شروط ارکان آن نماید آن

نماز از پیش و قریانی یا آسمان بریند و او را دعا کند و گوید

همچنانکه تو مرا احکام قضاوت نمودی و ضایع نکردانیدی خدای تعالی

تو را قضاوت کند و ضایع نکرداند و اگر بر وقت گذارد و دعا

آن نکند مسیاه و ظلمانی برگردد و گوید مرا ضایع کردی خدای تعالی

ترا ضایع کند و هر کس استحقاق بخاز کند و حد و دوا را کان

آیز ضایع کرد اندازد از حقش کوثری نصیب و از شفاعت حق

بیت علیکم السلام محروم باشد و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم

روزی در مسجد بود مردی آمد بشتاب نماز گذارد و در کعبه

و سجود پی تابی کرد حضرت فرمود این مرد مانند کلاغ خواند

ی چیست اگر باین نماز بر میزد برین من نیامد و هر کس غافل

بی تابی و بشتاب گذارد خدای تعالی کوثری ملائکه به پندید

این بنده مرا کمالی دارد که حاجتهای او در دست دیگریت

غیر من که باین شتاب عبادت من میکنند نمیداند که حقش

غیر من کسی شود بر آورد و هر کس عمل ترک نماز کند کافرا باشد

و ملت اسلام از او بیزار شود و افضل نمازها نماز سجده است و بر

هر مسلمی واجب است مگر بر خنک و مریض و مملوک و مسافر و زنان

و اطفال بالغ و در بعضی روایات جمله بین چهار کس دیگرند که
انجی و مجنون و پیر عاجز و کسی که مترشش زیاده از دو فرسخ باشد
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده خدا تعالی تا بعد از
برخاستن و وضو کردن و نیت هر کس آنرا از روی انکار یا استغفار
ترک کند و امام عادل داشته باشد در ایام حیوة یا بعد از
وفات من خدا تعالی جمیعش را پاریشان کند و احوالش را
نظام نهد و کارهایش را مبارک نکرده و نماز و روزه و
ذکوة و حج و هر کار خیر از او مقبول نباشد تا آنکه توبه نکند
و هر کس سه جلد را پی پی علی ترک کند خدا تعالی دشت را
بجای تنقاع مهر کند و روز جمعه ملائکه و مقربین از آسمان نزول
نمایند و اطفال و اهل دیارهای فقره و مسجد ها بر کرسیها
فرو نشینند و نام جماعتی که نماز جمعه حاضر شوند نویسند
بترتیب هر کس پیشتر رود پیشتر نویسند و هر کس دیرتر آید
آخرتر نویسند و روز جمعه هشت را آیین بنهند و زمین
کنند برای جمعی که بنماز جمعه روند و هر کس زودتر رود زودتر داخل
هشت شوند و هر کس بنماز جمعه رود از گناهان پاک شود و هر کس
که نماز جمعه حرکت کند خدا تعالی جمیعش را براتش حرام کند و کسی

در خدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم سکایت کرد
 بچند مرتبه تا آنکه کرم و مقدورم نشد فرمود نماز جمعه بگذار
 که حج مساکین است و هم از آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم
 مرویست که هر کس غسل بکند و صبح زود نماز جمعه روز زیاده
 یا امام نشینند و خاموش باشد و لغو نکند و نگوید چه کار
 که بر دارد و بگذارد اجماعی است یکساله یا بد که همه روزها روز
 باشد و هر شب با عبادت کند و مسافر اگر نماز جمعه بگذارد بسبب
 رغبت و محبتش بآن ثواب صد نماز جمعه مقیم یا و عطا الله
 و کسی که وضو نیکو سازد و در رکعت با امام نشیند و گوش خطبه
 دارد و خاموش باشد از آن روز تا جمعه دیگر و سید روزیاد و غیره
 گفته اند اگر زیاده شود خدا تعالی دو کفیل ثواب می دهد و اگر
 نزدیک نشیند و حرف زد و گوش نکند دو کفیل و زیاده باشد
 باشد و اگر یکی گویند خاموش باش حرف زد باشد و هر حرف
 زد نماز جمعه اش مقبول نباشد و اما آنکه در شهر باشد و بیرون
 امام معصوم شرط است در ثوابت جمعه و سبب حرمان
 کافران اسلام گشته اند فعلا بل این فریضه عظمی و هیبت
 که از حق سبحانه و تعالی در زمان غلبه محمد و طغیان ارباب بغاوت

در وقت نشیندن خاموش
 باشد و گوش کند یک کفیل
 ثواب دهد و اگر حرف

وعدوان نمانی شده و در حدیث که برای این معصومین آمده است که در
قرآن و حدیث هر چه امر فرموده اند و هر چه نهی فرموده اند
مذکور شد یا اینکه محل تقید باشد در صحت ثلاث نداده اند بی
در احادیث که امام عادل وارد شده همچنانکه در نماز جماعت نیز
وارد شده و سنت مؤکده است نماز جماعت گذاشتن بگوشت
یا جماعت بدتر است از بیست و چهار رکعت یا جماعت که هر کس
بیت است از چهل ساله عبادت و هر کس مسجد رود برای اینکه
نماز جماعت کند از هر کجای که بردارد هفتاد هزار حسنه بر او
ثبت نمایند و هفتاد هزار سیئه از او محو کنند و اگر درین حالت
بیمار و خداوند تعالی هفتاد هزار حسنه بر او موکل باشد که او را
در کفر عیانیت کنند و بیادوت دهند و با او موافقت نمایند
و برای او استغفار کنند تا آنکه از قبر بیرون آید و هر کس نماز صبح
و تحقیر جماعت کند در زمان خدا تعالی باشد بر هر کس
بر غلظت کند بر خدا ظلم کرده باشد و هر کس او را حقیر شمارد
تحقیر خدا کرده باشد و هر کس نماز صبح را جماعت نکند و در نماز
نماز بنشیند و ذکر خدا کند تا طایع و اعمای او از رحمت خود
هفتاد و چهار ساله میان هر دو در هر انقیاد رسافت نمایند

که اسب فریب ندارد و سال طی کند و اگر نماز ظهر جماعت
گذارد در جنات عدن بخواهد درجه باشد او را که ما پیش محمد
درجه بخواهد سال کبریا اسب و وند راهوار باشد و اگر نماز عصر
جماعت گذارد اجران داشتند که هشتاد و نه از اولاد
حضرت اسمعیل بن محمد ولادت دادند که هر صاحب خانه
و عیال باشند و اگر نماز شام جماعت گذارد و نوبت کعبه و کعبه مقبول
داشتند باشد و اگر نماز غفران جماعت گذارد همچنان باشد که در
لیلة القدر عبادت کرده باشد و هر کس نماز مغرب و عشاء جمع داد
مسجد جماعت گذارد چنان شد که انبیا اعیان الله باشد و غیرین
صفوف صفت اول است و لطیف ترین مواضع آن آنکه با امام نزدیکی
بود و نماز در صفت اول مثل جهاد است در راه خدا و کسی که در
صفت اول و تکبیر اول نماز بخشد یعنی گذارد و نوبت کند و نوبت
مؤمنان دانسته باشد در دنیا و آخرت و نوبت مؤمنان ان شاء الله
بعد از این بیاید و فصل جانب راست هر صفت بر جانب چپ
فصل جماعت باشد بر فقر و فصل بر غنی و در ذکر و نوبت
و بعد از این صفت سینه از اهل بیت طاهرین صلوات الله
علیهم اجمعین ما ثواب است که خدا تعالی شرم دارد که از عبادت

بنده کما از ملت را قبول نماید باین سبب حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
 اگر چه در شبانه روزی سی و چهار رکعت است و در هر یک رکعت دو سجده که
 دو برابر فرایض یومیه است که اگر در فرایض سه و دو نقصانی میباشد
 خدا تعالی آنرا بر اقل تمام نماید و ترک آن بقدرت و عقربتی
 باشد چنانکه ترک فرایض کفر است و نماز شب کفای مکنای
 روز و هجرت بدان و موجب وسعت رزق است و شرف عزت
 مؤمن است در دنیا و آخرت و هر کس بنماز شب ختم کرد و از اهل
 بهشت باشد و نماز شب موجب رضای خدای است و چشم را باز دارد
 و دور افزونی کند و هر کس هفتاد و شش رکعت عبادت کند برای رضا
 خدا و امید ثواب خدا تعالی گوید ای ملائکه حسنهات بنویسید
 برای این بنده من بعد ده روز اندو برگی و درختی و گیاهی و هر چه
 از زمین روید در شب و هر کس تسبیح عبادت نماید خدا تعالی
 ده دعا از او اجابت فرماید و روز قیامت نامه اعمالش را
 بدو تحفه راستش دهند و اگر من شبی عبادت کند خدا تعالی
 اجر شصت و یک کرد و او خدا صبر بر مشقتها و تقصیرها نموده و به
 صادق خالص جهاد کرده باشد یا عطا فرماید و او را شفیع
 اهل بیت خود گرداند و اگر شصت و شش عبادت کند روز قیامت

عشق

چون از صبر بیرون آید رویش مثل ماه چهارده باشد و هر چه بخواهد
کند از جمله او این فرستاده شود و کفاهان گذاشته اش هر که بخواهد
رود و اگر کسی شیعی عبادت کند یا کبریا هم تلیل علی نبی و آل و صلوات
در هیست همدون کند و اگر رابع شیعی عبادت کند در اول صبح
و چون بادتند از صراط بگذرد و بحساب داخل بهشت شود
و اگر نیک شیعی عبادت کند هیچ فرستاده نماید مگر آنکه در شب
بمیزبیت او و از هر در بهشت که خواهد درون رود و اگر نصف
شیعی عبادت کند هفتاد هزار برابر تمام روی زمین مظلومین
و آب او شود و افضل از آن باشد که هفتاد بنده از او بگذرد
اسمعیل آزاد کند و اگر دویست شیعی عبادت کند بعد از عبادت
پیامان عاج چستانت با و دهند که کوچک ترین آن حسنت
ده مرتبه بزرگتر از که احد باشد و اگر یک شب تمام عبادت
کند آنقدر ثواب با و دهند که کمترین آن این باشد که از کفاهان
بالک شود همچنان روزی که از مادر متولد شده و بعد هر چیز
که خدا تعالی بخواهد چستانت برای او نویسد و در جات بلند
کند و کفاه و خدا از دلش بیرون رود و قبرش خورانی باشد

و از عذاب قیامتین باشد و از آتش دوزخ سزاوارست و در روز
 اینین مبعوث گردد و خدا تعالی گوید ای ملائکه بنشینید
 این بنده مرا این شب را برای رضای من بپوشانید و او را بخت
 فردوس جای دهید و در آن جنت هزار شهر باور دهند که در
 هر شهری هر چه دل خواهد و چشم را از دیدن آنی خوش آید و
 آنچه خاطر و محسوس نگذاشته باشد مهیا باشد و اینها برای
 کرامت و عزیدتی است که برای اوصفیا گشته و خانه گذار
 نماز شب گذارنده برای ملائکه آسمان درختان باشد همچنانکه
 برای اهل دین و هر کس شب ریخته و وضوء کامل بسیار در
 شب صادق و در سلیم خاشع و چشم گریان نماز گذارنده صفت
 ملائکه پشت سر او نماز گذارند که یک قطره هر صقی در مشرق و
 طرف دیگر در مغرب باشد و عدد ایشان را هم کس نداند بجز از
 خدای و چون از نماز فارغ شود بعد از آن ملائکه در جات برای
 او بلند کنند و کسی که نماز شب ریخته و خواب بر او غلبه کند
 بهیشتی که بر است و چوب دهند و در قفسه بسین آید خدا تعالی
 امر فرماید که درهای آسمان بکشایند پس گوید ای ملائکه برپایه
 این بند مرا آنچه مشقت عبادتی که من بدو فرمودم نکردم

مناجات

و بعد از

میکنند بایستد اینکه کناش را با صوم و بخت بد و بدی است که با خود
بفرارم گواه بایستد که هر سه را با و عطا فرودم و هر کس بعد از
غذا شام بنشیند و تعقیب بخواند و یا کسی حق نکوید تا آنکه دو
رکعت نافله بگذارد آن نافله رجبی او در عین نیت نماند
و اگر چهار رکعت گذارد حج مبروری برای او نویسد و اگر نافله
شود قضای آن باید کرد که خدای را خوش آید و مبلعات کند
و گوید ای ملائکه ببینید بنده مرا که عبادتی را که من برو فرست
نکرده ام قضا میکند گواه بایستد که کناش را اگر نکرده و اگر
خواب غلبه کند و برای نافله شب بیدار نشود و چون نوافل قضا
کند و اتمام بقضای آن داشته باشد خدا تعالی بعبادین او را
بیدار کند و عدد نوافل بچشم و چهار رکعت است دو رکعت
نافله شبح و عین الظلم و هشت از عصر و این هفت رکعت بیشتر
از فرضیه گذارده شود و چهار رکعت نافله شام و دو رکعت شسته
و بیره خفق که یک رکعت ایستاده حساب شود و ایستاده افتاده
و اگر ایستاده همان دو رکعت گذارد و این پنج رکعت بعد از فرضیه
گذارده شود و هشت رکعت نافله شب و سه رکعت و ترو و دو رکعت
شفع و یک رکعت را ایتم و ترک کنید و نماز ده رکعت نافله ظهر و عصر

در سفرها قطع شود اما سایر اوقات در سفر و حضر همیشه بحال خود باشد
و اوقات در نشاء راه پیاده و سوار و تریاک ندارد اگر چه ضرورت باشد
و رکوع و سجود را ایستاده کند و ایامی بجهود دست تراست از رکوع
باشد و نشسته تریاک از روی اختیار توان گذارد و اگر خواهد نشسته
ایستاده را بایستاده قرائت را نشسته کند چون با خرسوره بزرگ
بر خیزد و سوره را ایستاده تمام کند پس رکوع کند همان فصل
ایستاده داشته باشد فصل سی و هفتم در اوقات
نمازها و فقهای آن و احکام متعلق بآن از اهل بیت طاهرین
صلی الله علیه و آله جمیع مرویات که هر نماز را دو وقت است و وقت
اول افضل است از وقت دوم آنقدر که آخرت افضل است از
دیکر بهتر است باینکه از فرزند و مالش و اول وقت مضایق
و آخر وقت عفو او و عفو نماید که از گناهی مهمی که از اول وقت
بگذرد تا آخر کند گناهی کرده باشد پس اگر در آخر وقت بگذارد
آن گناه عفو شود و همگس در نخست نیست که بی ضرورتی اخیر
نماند کند که موبع غیب الهی باشد و گاهی چند روز در ترک نشود
خدا را خوشتر آید و وقت هر نماز درهای آسان گشوده شود تا آنها
بندگان را بآید و حضرت امام علی علیه السلام فرمود بخوانم که عمل کنی

پیش از آن بالا رود و نام دیگری پیش از نام من ثبت شود و وقت ظهر
 درهای آسمان گشوده شود و دعا مستجاب گردد پس خوشا کسی که
 در آنوقت از عمل صالحی بالا برند و اول طلوع صبح وقتی است که
 ملائکه شب با آسمان روند و ملائکه روز بر زمین آیند پس کسی که نماز
 صبح را در آنوقت گذارد هر خطای که ملائکه شاهد باشند و آنرا
 در مرتبه ثبت نمایند و هر کس تاخیر نماز صبح کند تا آنکه ستاره ها فرو
 باشد و هر کس نماز عصر کند تا آنکه اقباب زرد شود یا غروب کند
 در پشت موقوف باشد یعنی اهل و مال نداشته باشد و هر کس نماز
 شام را تاخیر کند بجهان فضیلت تا آنکه ستاره بسیار شود و
 بهم دهد اهل بیت علیهم السلام از پیران باشند و هر کس بخوابد و
 نماز خفتن را تاخیر کند تا آنکه نصف شب شود ملکی بر او ایستد
 نفرینش کند و گوید خواب نصیب چشت نشود چون بیدار شود بگوید
 ما نذاقنا کسدا و آترو زرا زوده دارد بعقوبت این عمل بسیار
 وقتها اینکه وقت اول نماز صبح از طلوع صبح صادق است تا آنکه شش
 صبح در آسمان پهن شود و وقت دومیش تا طلوع آفتاب و وقت ثلث
 ظهر از زوال آفتاب است تا آنکه سایه دو قدم زیاده شود و وقت
 دومیش تا آنکه همدار چهار رکعت نماز آفتاب باشد و وقت اول عصر

تاخیر

بعد از قدر چهار رکعت از اول زوال است تا آنکه سایه چهار قدم
 شود و اگر نداشتش قدم تا آخر کند نصیب نماز کند باشد و وقت
 دومیش تا غروب آفتاب و وقت اول شام از غروب آفتاب است
 تا آنکه سرخی مشرق مغرب زایل شود و اگر غروب آفتاب اندکی تا
 کند تا آنکه سرخی مشرق زایل شود افضل باشد و وقت دومیش تا
 آنکه ربع شیب بگذرد و تا ثلث شب و نصف شب نیز و اقل است
 و وقت اول تحقق از زوال سرخی مغرب است تا ثلث شب و وقت
 دومیش نصف شب و هر چند نمازها با اول وقت نزدیک باشند افضل
 باشد و وقت نوافل شب از نصف شب است تا طلوع صبح صادق و هر
 چه نزدیک باشد افضل است و نوافل صبح بعد از نماز است تا آنکه
 سرخ صبح نمایان شود و نوافل ظهر از اول زوال تا آنکه دو قدم
 سایه زیاد شود و نوافل عصر بعد از غروب ظهر تا آنکه چار
 سایه زیاد شود و نوافل شام تا آنکه سرخی مغرب زایل شود
 و بعد جمیع چهار رکعت بر نوافل ظهر عصر بقرآن و مجموع است
 رکعت در پیش از ظهر بگذارد باین ترتیب چون آفتاب پهن شود
 بخش رکعت و چون بلند شود نزدیک دو وقت باشد بخش رکعت
 و نزدیک بظهر بخش رکعت و وقت زوال دو رکعت و اگر در آن

یک مرتبه نیز یکبار در مجرای بود و صیانت از او افضل همین که وقتش بگذرد دیگر
اینکه از قیاضه باید کرد و نافله را بعد از آن قضا کنند و اگر نوافل ظهر
و عصر بگذشت و در وقت نماز گذارده شود تعدیه را از خود زود بگذارد
اگر چه وقت بگذرد و اگر وقت نماز نماند باشد صبح بسیار
نزدیک باشد اول نماز شفع و و ترک گذارد پس اگر هنوز صبح طلوع
نگردد باشد نماز شب را بگذارد و اگر طلوع کرده باشد نافله صبح
بگذارد و نماز شب را بعد از قیاضه قضا کند و اگر چهار رکعت از
نماز شب گذارده بود که صبح طلوع کند بقیه نماز از خود زود تمام کند
و افضل اینست که نافله صبح را بگذارد و قیاضه را قضا کند تا قیاضه
از وقت نگذرد اما استاختن وقت ظهر و عصر و نوافل اینست
که چوبی راست بر زمین مستوی هموار نصب کنند و معتقد گردانند
که از زمین مرتفع است بر بالای زمین هفت قسمت نمایند و هر قسمی
یکبار بگردانند و اثنای هر یک طلوع کند سایه پیرهاد که کمال درازی
باشد و آهسته آهسته کم شود تا وقت ظهر چوبی برسد که از آن کمتر
نشود آن حد نشان کند همین که از آن حد شروع بنیای کند اول
ظهر باشد پس آخر نیاید شود بقدر دو قدم چون رسد وقت ظهر
نافله نماز باشد و چون بقدر چهار قدم رسد وقت عصر و نافله عصر

باشد و سائیدان طاهر که نهایت حد کوتاهی بود داخل صابن باشد

فصل چهارم در فضایل مسجد و آداب آن از اهلیت

طاهر بن حیل الله علیه السلام جمیعین مرویست که کعبه را در مسجد اقصی

برابر است با صند نماز و در مسجد کعبه با پست و پنج نماز و در مسجد

باز اربعه نماز و از ده نماز و چون کسی مسجد و در هر چه موضع قدم نکند از

مکانیکه موضع نماز برین هفتم برای او تسبیح کند و کسی که در خانه خود

طهارت گیرد و مسجد رود از کسانان مالک شود و زیارت خدا

گردید باشد و حقیقت بر سر خود که اگر علم زیارت نماید و هرگز مسجد

نرود نماید خدا تعالی یکی از هشت نعمت باو عطا فرماید یا برادر

مؤمنی یا علم نازد یا آیه محکم یا کلمه در بر او راستی او را هدایت

کند یا رحمت نازد که پیش از آن نبوده باشد یا کلمه که او را از

مهلکات نجات دهد یا ترک کنای کند از ترس خدا یا از روی شرم

و حیا و بهتر از آنها مساجد است و بهترین اهل مساجدانانند

بیشتر داخل شوند و پست تر بیرون آیند و مرویست که هر کس از

آذان در مسجد بشنود و نماز نکند از ده بیرون رود منافق باشد

مگر آنکه اراده رجوع داشته باشد و بهترین مساجد برای زمان خاتما

است و بیست و یکمین خانه افضل است از اصل خانه و اصل خانه

افضل است از اودان و اولان افضل است از حسن خانه و حسن افضل است
از بام و چون متوجه مسجد شود و از خانه بیرون آید بگوید بسم الله
الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ وَالَّذِي هُوَ يُطَهِّرُنِي وَيُنْفِقُنِي
وَإِذَا أَمَرْتُنِي فَهُوَ يَنْفِقُنِي وَالَّذِي يُسْتَعْتَبُ أَفْعَابُنِي
وَالَّذِي كُطِمْتُ مِنْهُ نَفْسِي يَهْدِي إِلَى خُطْبَتِي يَوْمَ الدِّينِ رَبِّ
صَبِّحْ بِنُحْمَاكَ وَالْمُحَقِّقُ بِالْبَصَائِرِ الْحَبِيبِ وَاجْعَلْ لِي لِيْلَانِ
سِدْقِي فِي الْأَغْرِبِ وَاجْعَلْ لِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّبِيِّينَ
وَاجْعَلْ لِي كَرَمًا مِنْ أَيْنَ يَكُونُ عِدَايَ تَعَالَى أَوْ بَابِ إِيْمَانٍ وَحَسْبُ
هُدَايَتِكَ كُنْتُ وَازْطَهَّرْ وَاسْتَرْبِضْ بِكَرَمِكَ اللَّهُ وَكَلَامُكَ كَلَامُكَ
بِأَمْرِهِ وَخَدَايَتُكَ مَوْثِقٌ رَامِلٌ مَوْثِقٌ سَهْمٌ لَمْ يَجُورْ رَامِلٌ حَقٌّ
سَعَاكَ اللَّهُ وَهُوَ خَطِيئَةٌ كَرَمٌ بَارِعٌ بِأَمْرِهِ وَكَوْجَرٌ بِأَمْرِهِ
كَفْتُ دِرْيَا بِأَمْرِهِ وَدَعْلَمُ بَارِعٌ عَطَا بِأَمْرِهِ وَبَعْلَمُ بَارِعٌ كَذِبُهُ
أَيْدِيَهُ بِأَمْرِهِ مَأْزُودٌ وَآوَرٌ أَزْجَلُ صَادِقَانِ ثَبَتٌ نَابِدٌ وَمَنَابِدُ
كَرِيمٌ وَرَحِيْقَةٌ هَيْمٌ يَا كَرِيمُتُ فَرَمَايِدُ وَكَلَامُهُانِ بِدَرَمٍ وَهَادِ
بِأَمْرِهِ وَحَسْبُ خَوَادِ وَاجْعَلْ مَجْدِي شَوْكَةً لِقَبْلِ رَمَلِ الْخَطِّ نَابِدُ
كَفَايَتُ وَكَلَامُهُ نَابِدٌ تَدْبِيرُهُ بَارِعٌ وَبَارِعٌ بِأَمْرِهِ
بِكُونِهِ بِسْمِ اللَّهِ وَبَارِقُهُ وَبَارِقُهُ وَبَارِقُهُ وَبَارِقُهُ وَبَارِقُهُ وَبَارِقُهُ
بِكُونِهِ بِسْمِ اللَّهِ وَبَارِقُهُ وَبَارِقُهُ وَبَارِقُهُ وَبَارِقُهُ وَبَارِقُهُ وَبَارِقُهُ

کَلَامُ اللَّهِ وَكَانَتْ عَلَى اللَّهِ لَحْزَمٌ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْتَحَ لِي الْبَابَ رَحْمَتِكَ وَتَوَكَّلْتُ
وَأَغْلَقْتَ عَنِّي الْبَابَ مَقْصِدَتِكَ وَأَجْعَلْ بَيْنِي وَبَيْنَ رُؤُوسِكَ
وَعَارِضَاتِكَ وَمِنْ بَيْنِ يَدَيْكَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمِنْ
أَيْدِيكَ هَمَزِي فِي صَلَاتِهِمْ خَائِعُونَ وَأَذْهَبْ عَنِ الشَّيْطَانِ
الرَّجِيمِ وَصَلِّ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ الْخَيْرِ وَجْهِي دَاخِلُ مَقْصُودِ
بِكُورِ اسْتِغْنَاءِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَاللَّهُ
أَكْبَرُ كَبِيرًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا
وَلَا تَحْزَنْ وَلَا تَحْزَنْ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ بِرَأْسِ بَابِ مَقْصُودِ
وَأَوَارِدَةُ نَسْتَقِمْ دَانَتْ شَيْئًا شَدِيدِي طَهْلَتِ دَاخِلُ شُؤْدُ قَوْلِ
شَعْرُ بَابِ خَرَانْدَكِ أَرَكْسِي فِي مَسْجِدِ سَمْعِ مُحَمَّدٍ رَوَايَتِ شَدِيدِي
بِكُورِ فَضْلِ اللَّهِ فَالْتَمِسْ خَيْرَ دَعْوَةٍ دَانَتْ شَيْئًا شَدِيدِي
أَنْفَاطِغْنَ فِي مَسْجِدِ حَقِيقَةِ اسْتِغْنَاءِ شَدِيدِي كُنْزِ كُنْزِ
بِرَأْسِ عَظِيمِ مَسْجِدِ آيِ دَعْوَةٍ وَفَرُوقِ دَعْوَةٍ بَرَاءِ
حَقِيقَةِ نَسْتَقِمْ دَانَتْ شَيْئًا شَدِيدِي طَهْلَتِ دَاخِلُ شُؤْدُ قَوْلِ
شَعْرُ بَابِ خَرَانْدَكِ أَرَكْسِي فِي مَسْجِدِ سَمْعِ مُحَمَّدٍ رَوَايَتِ شَدِيدِي

مَسْجِدِ سَمْعِ مُحَمَّدٍ رَوَايَتِ شَدِيدِي

و خداوند مبعوث شود و نامه‌هایش را از دست راست دهند

و حرف باطل و گفتگوی دنیا نکند که مسجد جای عبادت است

و جستجوی کم شدن نمکند و بیت کعبه او بگوید لا ادر الله بعلیک

یعنی خدا بخلی نباشد ترا بتور می‌بخشد و آواز بلند نکند و اطفا

و دیوان خان و میج و شر از مسجد دفع کنند و اگر کسی در مسجد بپا

کشد او بگوید لا ارجع الله تجار تکت یعنی خدا بخلی بقرات

تو را سود ندهد و هر کس چربی در مسجد روشن کند تا روشن سازان

باقی باشد جلوس و ملائکه برای او استغفار کنند و هر کس مسجد را

جاروب کند ثواب آن دارد که بیده آزاد کند و اگر بیدد دزد که در

چشم آمد کتافی بیرون بر خدا بخلی دو کمال از دست باور دهند

و اگر روز پنجشنبه و شب جمعه جاروب کند و بعد روزه بگیرد

کنند کتافت بیرون بروی کاهانش آمرزید شود و چون خواهد

مسجد بیرون آید بر در مسجد بایستد و بگوید اللهم دعوتی

فاخبت دعوتک و صلیت مکونیتک و انتشرت

فی ارضک کما امرتنی فانکلت من فضلت العسل

بطاعتک و اجتناب خطایک و الکفایت من الزم

برحمتک و در بیرون آمدن پیش کلاه رو بسم الله بگوید و صلوة

بر من و اهل بیت من صلی الله علیهم وعلیٰ آله و سلم و کرمه اللهم اغفر لی
 و افرح لی انی اواب فضلتك و فصل یحیی و کرمیت توبه عباد
 و فضائل الذان و لغامت و احکام متعلق بان انا عبد رب طاهرین
 صلی الله علیهم اجمعین مرویه کرمه چون برای توبه باز بر خیزد
 بگوید اللهم یارب السموات و الارض و من فیهن انت الحق
 و ان اخرجت الحق و قولك الحق و لقائک الحق و کلمتک
 حق و الشايع و الساعه حق اللهم لک اسلمت و یدک
 امنت و علیک توکلت و الیک انبت و یدک ما مضی
 و الیک ما کنت فاعفر لی ما قدمت و ما اخرت و ما استررت
 و ما کفلت انت الهی لا اله الا انت و چون بر خیزد و خواجه
 مشغول نماز شود بگوید اللهم انی اقدم الیک محمد مصطفی الله
 علیه و آله بن بدی حاجتی و اتوجه الیک فاصبغنی بهم
 و جهم فندک فی الدنیا و الاخره و من المقربین و احصل
 سلوکی بهم مقبوله و دینی بهم معفو و اولیائی مستجاب
 انک انت العفو الرحیم و اگر نماز شب بر خیزد بگوید
 اللهم انی اتوجه الیک بنسبتک نبی الرحمة و الله و هم
 اقدم من بدی حاجتی فاصبغنی بهم و جهم فی الدنیا

و الله اعلم
 و الله اعلم

وَالْأَخْضَرُ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي وَلَا تُعَذِّبْنِي بِصِيغَةٍ
 وَأَهْدِنِي فِيهِمْ وَلَا تُفْضِلْنِي وَأَرِ قَلْبِي وَأَقْضِ لِي حَوَائِجِي
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَجُونَ دُونَ
 بِقِيَّتِي بِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَلْبَسْتُ تَوَحُّشَتُ وَمَرَضَانِكَ
 طَلَبْتُ وَتَوَاقَبْتُ ابْتِغَيْتُ وَبَايْتُ أَمَنْتُ وَعَلَيْكَ
 تَوَكَّلْتُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَفِخْ مَصْلَحَتِي
 قَلْبِي لِيُفَكِّرَكَ وَتَنْتَبِهُنِي عَلَى ذُنُوبِي وَذِينَ تَنْبِيَاتِي
 وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً
 إِنَّكَ أَنْتَ الْوَاقِبُ وَجُونَ خَوَالِي مُرِيدٌ دُرْغَزِي بَرَايَتَا
 فَرَضِي أَذَانٌ وَأَقَامَتِي بِكُلِّ كَاكُوسِ أَذَانٍ وَأَقَامَتِي هَرْدُوكِي
 دَرُوصِ أَنْزَلَاكِي دَرُوبَتِ أَنْزَلَاكِي وَكُلُّ أَقَامَتِي تَهْمَا بِكُلِّ
 بِكُصْفِ كَهْمِي أَرْشَقِي نَالْمُغْرِبِ وَمَوْقِي كَدِّ بَرَايَتَا أَذَانِ
 كَرِيمِ تَبَادُؤِي أَخْرَجْتِ وَيَا رُؤُوفِي دَرُوبَتِ دَرُوبَايِي تَكَلُّفِ
 مُشَاكَلِي بَايَسْتِي وَدَرُوبَانِ لِفَانِ وَأَقَامَتِي اِجْمَاعِي شَهِيدِي كَدِّ
 رَاهِ خَوَالِي خَوَالِي عَطِيدِي بَابِ خَدَايَا عَطَالِي بَابِ خَدَايَا كَدِّ
 رُؤُوفِي لِي اللَّهُ عَلَيْهِ وَكَدِّ رُؤُوفِي دُرْغَزِي دُرْغَزِي دُرْغَزِي
 وَفَرَضِي عَطِيدِي خَدَايَا عَطَالِي وَكَدِّ رُؤُوفِي دُرْغَزِي دُرْغَزِي

که اذان گفتن را از روی تکبر یا بغضا و اکذارند و گوشت ایشان را
بر آتش حرام گردانیده و کسی که برای خدا اذان گوید خدا تعالی او را چهل بار
شمارد و چهل هزار صدق باو عطا فرماید و چهل هزار گناه کار در شفا
او بهشت برود و چون استهذان لا اله الا الله بگوید هفتاد هزار فرشته
برای او دعا کنند و استغفار نمایند و روز قیامت در سایه پرش
خدای باشد تا حساب مردم تمام شود و چون استهذان بخواند
رسول الله صلی الله علیه و آله چهل هزار فرشته ثواب از او بپذیرند و اگر یکبار در غل
از شهرهای اسلام اذان گوید نفاش همه آمرزید شود اگر چه مثل
کوه احد بلند و بهشت او را اولنج شود و اذان تا قی و بلند بآید
که آوازش به رخسار وقت نماز که رسید برای او شهادت دهد و هر
قد بلند شود آفت کائناتانش آمرزید و هر دو هم کس با آواز
اذان در ثواب او شریک باشد و بعد ده کس که با آواز او نماز
گذارد برای او حسنه ثبت شود و خدا تعالی باری بر اذان هر کس
گردانیده که آواز آنرا با آسمان برود چون ملائکه بشنوند گویند
این آواز امت محمد صلی الله علیه و آله وسلم که توحید خدا
و یس برای ایشان استغفار کنند تا آنکه از نماز فارغ شوند
و در خانه اذان بلند گویند شیطان را دور کند و برای اطفال

نیکو باشد که صدای اذان وصیت ایمان همیشه بشنوند و بجاری و
 بر نیای زایل کند راوی گوید من و اهل خانه همیشه علیل می بودم و
 گاه میشد که هیچکس نیامد که ما را خدمت کند تا این حدیث را
 شنیدم و آن عمل بودم بجاری و گوشت از خانه من زایل شد و بگری
 از بجاری و بفرزندی خدمت حضرت امام رضا علیه السلام گشت
 کرد فرمود در خانه خود اذان را بلند بگوی چنین کرد بجاریش زایل
 گشت و اولادش بسیار شد و اقامت را آهسته و رو به
 گویند و هر مرتبه که نام حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
 بگویند کوفته و بشنوند و صلوات فرستند و اذان نشسته
 و سواره و در راه و بی طهارت و بغیر قیله اگر در گفتن سهوا
 و بقیله باشد توان گفت اما الله محمدا ابن ابیطه و هشت
 نماز بگوید و در اثناء اذان و اقامت حرف زدن جایز است
 اما ترکش افضل است بخصیص در آشنای اقامت و چون قد
 قامت الصلوة گفته شود اما دست وارد شده که حرف زدن
 حرام شود بر مؤذن و سایر جماعت هم بمر آنکه برای امامت
 کسی را گویند پیش بایست و بعضی از علمای اخوت بر حرف زدن
 برای سایر چیزهایی که مستحق نماز نباشد نیز نموده اند و اکثر

زنده اقامت را عاده کند و اگر چیزی از اذان یا اقامت را فراموش
 کند رجوع نماید و اذان کامل بگوید تا آخر و اگر داخل نماز شود و خطبه
 رسد اقامت تکفیر صلوٰه بر منبر صلی الله علیه و آله وسلم بفرستد
 و اقامت بگوید بعد اذان نماز کند اگر هنوز شروع در رکعت کرده
 باشد و روایت دیگر آمده که اگر رکوع نکرده باشد رجوع نماید
 و اذان و اقامت بگوید و برای زبان اذان و اقامت اقتدر
 نکند نداند اما افضل اینست که بگوید و میان اذان و اقامت
 خطبه فاصله ندهد قلش اینکه نغزی بگوید یا الحمد یا سبحان الله
 بگوید یا نشیند یا سجده کند و اگر بنشیند بگوید اللهم اجعل
 قلبی باذناً و ذریقی داراً و اجعل لی عند قیامت نبیاً
 صلی الله علیه و آله و سلم و الحمد لله و اگر سجده کند بگوید
 لا اله الا انت ربی سجدت لک خاضعاً خاشعاً
 ذلیلاً فصل علی محمد و آل محمد و اعزهم فی و آخرهم
 و تنفی علی انک انت التواب الرحیم بعد کناهان
 او را بپا مرد و اگر میان اذان و اقامت شام بنشیند چنان
 که در کتب خود او حق خود غلطیده باشد و در ظهر و عصر
 بخش رگمت نافذ ریش از اذان بگوید و در رکعت را میا اذان

و اگر در رکعت اول
 و اگر در رکعت دوم

واقامت و اگر جمعی باشند که مؤذن اذان گوید جماعت هر نشینند
 و چون قدامت الصلوة گوید همه برخیزند و بایستد و چون
 مؤذن اذان گوید کسی که شنود هر چه مؤذن گوید آهسته بگوید
 روزیش زیاد شود و چون مؤذن شهادتین گوید شنونده بگوید
 اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللهِ اَكْتَفَى بِهَا عَنْ اَيِّ وَحْيٍ وَ اَعْيُنُهَا
 مِنْ اَقْرَبِ وَ شَهِدَ بَعْدَ ذَلِكَ كَشَافَاتٍ دَادَهُ و اِيْمَانِ آورده
 و هر کس انکار نموده و ايمان نیاورده بحر و ثواب داشته باشد و روا
 آمد که چون مؤذن حمله گوید شنونده حمله گوید و چون اذان
 صبح و شام شنود بگوید اَللّهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِاِقْبَالِ
 هَارِلَهِ وَ اِدْبَارِ لَیْلِکَ وَ حُضْرِ هَکَالِکَ وَ اَصْوَابِ
 دُعَائِکَ وَ سُبْحِ مَلَائِکَتِکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلَیْ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ
 تُنَزِّلَ عَلَیْ اُمَّتِکَ اَنْتَ التَّوَابُ الرَّحِیْمُ و در شام بخواند
 اِقْبَالَ هَارِلَهِ وَ اِدْبَارِ لَیْلِکَ بِاِقْبَالِ لَیْلِکَ وَ اِدْبَارِ نَهَائِکَ
 و اگر در آن روز در آتش ببرد تا سب و شهید باشد
 فصل ششم در کیفیت استغفار بخاند و ادای آن
 اهل بیت نبوت صلی الله علیه و آله و سلم است که هر کس

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ

اذ اكد داخل ما ذكره بكونه اللهم افي اوتوه اليك محمد
 وال محمد وأقدم بين يدي صلواتي وأتقرب بهم
 اليك فأجعلنيهم وبينهما في الدنيا والآخرة ومن
 المعصين مننت على يعرفهم فأختم في بطاعتهم
 ومنع قهرهم ولا يترهم فأعنا السعادة اختم في بطاعتهم
 أنك على كل شيء قدير ما اوردناك بفضل تعقيب
 انشاء الله بيايد محمد وآل محمد بائد على الله عليهم فليكن
 تازيك تكبير واجلست وبه تكبير افضل وبمخرج افضل
 اذن وجهت افضل از هو كي از بختك كبر احرام واجلست
 وباقي مستحبات وبعاد از تكبير سيم بكونه اللهم أنت الملك
 الحق لا اله الا أنت سبحانك وبحمدك علمت سوء او
 علمت نقي فأعترف في انه لا يغفر الذنوب الا أنت
 وبعاد از تكبير هم بكونه لكنايك وسعدنايك والفر في
 يدنايك والشركين اليك والمهدي من حديث
 عبدنايك وابن عبدنايك بين يديك لا تسلموا ولا تسلموا
 ولا تسلموا منك الا اليك تسلموا وتعاليت سبحانك
 وحسانيك سبحانك رب السموات والارضين ومن از تكبير

سدره غافله بكونه اللهم اجعلني مع
 محمد وآل محمد في كل عافية وصلاح

احرام بگوید یا احسن قد اناک المسبی وقد خففت الحسن ان
یجاء و زعم المسبی و است الحسن و انا المسبی و قد خففت
والله عیون علی محمد و آل محمد و جاهد عن بیج ما
تلقم منی خدا تعالی بگوید که گواه باشید که ما هاشم را غفور
کریم و هر کس بر او حق یا مظلمه داشت از دامن من پس اگر تکبیر
هضم را قصد احرام کند این دعا را پیش از آن بخواند و بعد از
تکبیر هضم بگوید وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَ
الْأَرْضَ عَلَى مِلَّةِ آبَائِهِمُ الَّذِينَ هُمْ وَرِثُوا عَنْهُمْ وَ مِنْهُمْ هَاجِرٌ عَلَيَّ
وَالْأَيْمَانُ بِالْأَشْهُدَةِ مِنَ الْمُحْسِنِينَ عَلَيْهِمُ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ
خَفِيفًا مُبِينًا وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ اِنَّ صَلَواتِی وَکَلِّی
وَحِجَّتِی وَنَمَاسِی یُورِثُ رَبِّ الْعَالَمِینَ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَیْ مُحَمَّدٍ وَبَنَاتِهِ
اُمُرْتُ وَاَنَا مِنَ الْمُسْلِمِیْنَ اَللّهُمَّ اجْعَلْنِی مِنَ الْمُسْلِمِیْنَ
و در حال ایستادن و رکوع کردن یا هاء الزم بکناید بقدر سه
آنکست تا یکویب و زمان در هر دو حال بهم نزدیک گذارد تا قائل
نباشد بعد از آن از شیطان رحیم پناه جدای برده بگوید اَعُوْذُ
بِاللهِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِعَدَارَةِ الْحَمْدِ
و سوره درود گفت اول هر نماز بخواند و افضل آنست که در اول

عصر و مغرب و رهای کوتاه بخواند مثل از اسماء و الحمد المکمل
و در نماز ظهر و خفتن متوسط مثل الشمس و سبح اسم و در نماز
صبح ازین حد از ترسل هم بپایان و در ایتیک حد بیت
الغاشیه و در ایتیک علی الانسان و در رکعتهای دوم قل هو الله
احد زیرا که بعد از آن قنوت خواند میشود و دعا و بعد از
خواندن قل هو الله احد مستجاب است و در نماز شام و صبح
جمعه سورۃ جمعه و قل هو الله احد و در نماز خفتن آن جمعه
و سبح اسم و در نماز جمعه یا ظهر آن جمعه و منافقین و در نماز
عصر آن جمعه و قل هو الله احد و هر وقت که هر سوره که بخواهد
فضل و ثوابش بخواند بخواند و اگر بجای آن انا انزلنا و قل
هو الله احد بخواند همان ثواب داشته باشد یا ثواب این
دو سوره لهذا در نماز جمعه و ظهر آن سوره جمعه و منافقین
باید خواند که افضل است و بعضی از مشایخ رحمهم الله واجب
دانسته اند و اگر چنانچه از یکدرد و قل هو الله بخواند فرشته ندا
کند و بگوید ای بنده خدا تو از جمله نماز کنندگان نیستی و مردان
باید که رکعت اولی نماز شام و خفتن و نماز صبح را بلند قرائت
نمایند همچنین نماز جمعه و دو رکعت اول ظهر جمعه را اگر چه

منفرد باشند و باقی رکعتها و نمازها را اهیست و اگر نمازها را
اختلاف یا اضافی را چه کنند باطل باشد و اعلا و ایلک
و حد اهیست که خود بشنود اگر اهیست نماز آن باشد
نمود و حد بلند آنکه بسیار بلند و آواز شنیده نبرد یکصد
و سبط باشد و چون نمازهای جمعی را بلند بخواند آنقدر که آواز
برسد آنش و فوج از دور و در شود و بر صراط بگذرد و روز قیامت
مسرور و خوشحال باشد تا آنکه داخل بهشت شود و بعد از تمام شدن
الحمد و چهل مرتبه بعد از سوره بقره را آنکه نفسی توان کشید بگوید
شود و چون از قراءت فارغ شود ایستاده بگوید و رکوع کند
دستها را بر زانو گذارد و انگشتان را بکشد چنانکه زانو در دست
گیرد و زانو را عقب میل دهد و **بسم الله الرحمن الرحیم** بخواند و رکوع کند
قطره ای بر پشتش بریزد و اگر کند و بگوید **بسم الله الرحمن الرحیم** نکند
و کعبه را دراز کند و سر را راست بگیرد و باطن را بهم بکشد
و اعضا بر یکدیگر تکیه نکند و زبان دستها را بالا ترازد و لفظ
یکصد مرتبه قاسم را بخواند و اعضا را بهم جمع تر باشند
و سه مرتبه بیانی بگوید **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ**
تسبیح رکوع و سجود را یک مرتبه بگوید یکصد و شصت نماز کرده باشد و اگر

دو مرتبه در وقت و اگر هیچ تکبیر هیچ نماز نکرده باشد و پنج مرتبه
 این **سوره** و هفت مرتبه **افضل** از آن و هر چند پیشتر گوید افضل
 هر وقت که هر کس رکوع را تمام کند از وضو قیامین باشد
 و چون سر از رکوع بردارد راست بایستد و هر کس بعد از رکوع
 راست نکند نماز نکرده باشد و ایستاده بگوید **سبح لله من عظم**
الحمد لله رب العالمین افضل الحیر و رب و اگر بگوید **والعظم**
لله رب العالمین پس همچنان ایستاده تکبیر بگوید و سر را بر
 سجود رود و هر دو دست را با هم پیشتر از آفرینش گذارد
 چنانکه بر آید و زانو باشد و انگشتان هم چسبیده بر آید
 قبله باشد و ساعدها را از زمین بردارد و با هم بکشد چنانکه
 عضو بر عضو دیگر تکیه کند و زنان اول نشینند و زانو پیش
 از دست بر زمین گذارند بعد از آن سجده کنند و اعضا را جمع
 دارند و ساعدها بر زمین بخواهاند سجده طهت عضو باید
 که پیشانی و کف دست و زانو و دو انگشت بزرگ
 پا و سر بر پنج هفت اول واجب است و آخر سنت هر وقت که
 کسی پیشانی را بر پنج پیشانی میگذارد نگذارد نمازش صحیح باشد
 و مستحب است کف دست را بر چوبی گذاشتن که سجده و

بران صحیح باشد تا روز قیامت عمل بران نکند اند و در سجده
 بگوید یا حی یا قیوم یا ایاست برکبیر بگوید سبحان ربی اکبر
 یا قیوم و کسی که سجده را طول دهد ایاست فریاد کند و گوید ای
 اول طاعت کرد و من معصیت نمودم و او سجده کرد و من سرگشته
 کردم و مستجاب است که سجده بر تربیت حضرت امام حسین علیه السلام
 باشد که در میان بنده و خدا تعالی جمیع اشیاء است و تا زمین
 نوزد کند و چون سر از سجده بردارد پشت راست کند و بر چپ
 چپ نشیند چنانکه هر دو پا از جانب راست بیرون آید و پشت
 راست بر کف پای چپ باشد و شسته تکبیر بگوید پس بگوید
 استم اعظم الله بلی و اتوب الیه پس همچنان شسته تکبیر بگوید
 و سجده و دیگر چنان دست بکشد و چون سر بردارد تکبیر بگوید
 و نشیند پس بر کف دیگر بکشد و از سجده راست بر پای بر
 خیزد که آن بدعت جبار است و در وقت برخاستن هر دو
 کف دست بر زمین گذارد و بگوید حویل الله و قومه واقعد
 و اگر خواهد بگوید اللهم ربی حویلک و قوتک اقوم واقعد
 و اگر خواهد و از کعب و آنجا نینداید که چون از قنبر
 گفت دوم فارغ شود تکبیر بگوید و دست مبارک داشته قنبر

اقوم

خوانند هرگز و دعائی که خواهد مجرب باشد افش آنکه سه مرتبه
 سبحان الله بگوید و هر چند طول بپوشد و روز قیامت
 محشر بپوشد و افضل تا زنا نیست که قنوتش طولی باشد
 و از جمله ذکرهای قنوت کلمات فرج ثواب بسیار دارد و
 کلمات اینست که لا اله الا الله العظيم الحليم الكريم لا اله الا الله
 العلي العظيم سبحان الله رب السموات السبع
 رب الارضين السبع وما بينهما وما بينهما ورب
 العرش العظيم والحمد لله رب العالمين بعد از آن بخواند
 بفرغ و الت ش بفرستد و هر حاجت و مطلب دینی و دنیوی
 و رحمت و مغفرت برای خود و دیگران که خواهد بطلبد و از
 جمله ادعیه مأثوره که معنی هر لغز باشد اینست اللهم انی
 اسئلك فی وکوالدی و ولدی و اهل بی و احوالی
 المؤمنین و المؤمنات فیك الیقین و العفو و العافاة
 و الرحمة و المصونة و العافیة فی الدنیا و الاخره
 و در نماز صبح این قنوت مستحب است خواندن اللهم من كان
 معك و معه و معاه غفرک و انت یقین و ربانی
 یا ارحم من سئل و یا ارحم من استنجی ارحم ضعفی و

مُسْكِنِي وَقِلَّةَ حَيْلِي وَأَمْنِي عَلَى يَدَيْكَ وَفَاكِ رَيْبِي
عَنِ الشُّرُوعِ عَاقِبِي فِي شَيْئِي وَفِي خَبِيرِي أَمُومِي وَرَحْمَتِي
الْأَرْحَمِ الرَّاحِمِينَ وَدَرِّمَارِجَةَ دَقِيقَتِ نَجْوَانِي دَرَكْتَ أَوَّلَ
أَرْكَوْعٍ وَدَرَكْتَ دَوِيمَ عِبَادِ أَرْكَوْعٍ دَرَقَوْتَ أَوَّلَ كَلَامِ نَجْوِي
نَجْوَانِي وَبَعَاثَانِ بَكْوِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا هَدَيْتَنَا
إِلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا كَرَّمْتَ اللَّهُمَّ
أَجَلَنَا بِمُحَمَّدٍ أَحْمَدُهُ لَدَيْكَ وَخَلَقْتَ لِحَسَنَاتِكَ
اللَّهُمَّ لَا تَرْخُ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا
مِنْ كَذَلِكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَقَّابُ وَدَقِيقَتِ
دَوِيمِ بَكْوِي اللَّهُمَّ تَمَّ نُورُكَ هَدَيْتَ فَلَاكَ الْعَمْدُ
رَبَّنَا وَسَّطْتَ يَدَكَ فَأَعْطَيْتَ خَلْقَكَ الْخَيْرَ رَبَّنَا وَ
سَّطْتَ يَدَكَ فَأَعْطَيْتَ خَلْقَكَ الْخَيْرَ رَبَّنَا وَعَظَمْتَ
سَيِّدَكَ فَفَقَوْتَ فَلَاكَ الْخَيْرُ رَبَّنَا وَجَهَكَ الْكُورُ
الْوَجْرَةُ وَجَهَكَ خَيْرُ الْجَاهَاتِ وَعَظَمْتَ أَفْضَلَ
الْعَظِيَّاتِ وَأَفْضَلُهَا شَطَاعُ رَبَّنَا أَفْشَرُ وَلَوْصِي
رَبَّنَا أَفْضَلُهُمْ لِي سَمِعْتُ يُحِبُّ الْفُضْلَ وَكَثُرَ الْإِيجَابُ
وَكَثُرَ التَّقِيْمُ وَتَجَنَّبَ مِنَ الْبُكَرَةِ الْعَظِيمِ لَا يَجْزِيهِ

يَا لَيْلَتِكَ أَحْمَدُ وَلَا يَحْضُرُ قِيَامُكَ قَوْلَ قَائِلِ اللَّهُمَّ إِلَيْكَ
 رُبِّي الْأَبْطَارُ وَتَوَلَّيْتَ الْأَقْدَامَ وَمَدَدْتَ الْأَحْشَانُ
 وَأَنْصَبْتَ الْأَيْدِي وَأَنْتَ دُعَيْتَ بِأَلْسِنٍ وَإِلَيْكَ سُبُحٌ
 وَبُحٌهُمْ فِي الْأَعْمَالِ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْعِ بَيْنَنَا
 وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِقِينَ اللَّهُمَّ إِنَّا نَكُونُ
 إِلَيْكَ غَنِيَةً نَبِيًّا وَسَيِّدَةً الرِّمَانِ عَلَيْكَ أَوْ قَوْعُ الرِّقْرِ
 نَبَا وَقَطَامُ الْأَعْدَاءِ وَكَثْرَةُ عَدُوْنَا وَقِلَّةُ عَدُوْنَا
 فَأَفْرِجْ ذَلِكَ يَا رَبِّ بِخُجْرٍ مِنْكَ تُفْعِلُهُ وَضَمِيرُ مِنْكَ
 تُعْزِرُهُ وَإِلَهُنَّامُ عَدْلٍ تُظْهِرُهُ إِلَهَ الْحَقِّ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 وَأَرْحَمُ رِيتِ إِمَامٍ هَامٍ عَلَى بَرٍّ مَوْسَى الرِّضَا عَلَيْهِمُ السَّلَامُ رَبِّ
 كَرَامَتِي بِصَبْرِكَ نَدَا وَبِحُجْرٍ قُرُونٍ مِغْوَانِي كَهْفِ تَقْوِيمٍ
 مِغْوَلَتِي حَضَرَتْ فَرَمُودَ الرِّقْرِ تَوَلَّيْتَ بَحْرَانِ اللَّهُمَّ أَصْلَحْ
 عِبْدَكَ وَخَلِيقَتَكَ يَا أَصْلَحْتَ بِهِمْ أَسْيَاءَ لَيْلَتِكَ وَ
 رَمَلَتِكَ وَحَقَّرْتَ بِمِلَا شَكَايَتِكَ وَأَيَّدَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ
 مِنْ عَيْنِكَ وَأَسْلَكَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَصَدَّقَهُ
 بِالْحَقِّ مَلُومَةٍ مِنْ كُلِّ سُوْرَةٍ وَأَيَّدَهُ لَدُنْ بَعْدَ حَقِيقَةِ آمَنَاتِنَا
 بِعَيْنِكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا وَلَا يَحْضُرُ إِلَّا بِحَدِّكَ مِنْ

خلفت علی و لیت سلطانا و اذن که در جهاد علیه
بر عتوه و اجملنا من انصارم انک علی کل شیء
و بعضی از شاخ رحیم الله قتل کرده که در قنوت دستها را
برابر روی کند و چنانکه انگشتان برابر قید و بهم چسبیده
باشند و چون از قنوت فارغ شود تکبیر رکوع بگوید و بعد از
جود بیانی که قبل ازین مذکور شد بنشیند و تشهد این
طریقی بخواند بسم الله و یا الله و الحمد لله و خیر
الکمال لله أشهد أن لا اله الا الله وحده لا شریک
له و أشهد أن محمدا عبده و رسوله از مسکه یا الح
بسمک و بذر این یدی الشاعره أشهد أن ربی
عزیز الکریم و ارحم الراحمین اللهم صل علی
محمد و آل محمد و قبل قبضه روحه و ارفع درجه
و بعد از آن دو بار یا سه بار الحمد بگوید و چون خواهد برخیزد
کف دستها را بر زمین گذارد و بگوید یا علی و قنوت
اقوم و أقعد یا بگوید یا محمد الله تعالی الو قویم اقوم
و أقعد و در رکعت بیوم و چهارم احادیث بسیار است
که تسبیح و الحمد هر دو مساویست مگر آنکه خواهند بخوانند

اما آنحضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه و سلامه و رحمة
الله علیه و آله و سلم در وقت تسبیح را منع کرد و فرمود ای جوان
یا کسی که بسیار میگوید پس بنابر این حدیث احتیاط اینست
که بعضی وقت تسبیح بخوانند و چون خواهد سلام بگویند چنین
بگویند السَّلامُ عَلَیْكَ أَیُّهَا النَّبِیُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکَاتُهُ
السَّلامُ عَلَیْ أَیُّهَا اللَّهُ وَرُسُلُهُ السَّلامُ عَلَیْ جِبْرِئِلَ
وَإِسْكَانَئِلَ وَالْمَلَائِكَةِ الْمُرْسَلِينَ السَّلامُ عَلَیْ مُحَمَّدٍ
عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِیِّینَ لَا نَبِیَّ بَعْدَهُ السَّلامُ عَلَیْ الْأَنْبِیَّ
الْهَادِیْنَ الْمُهَدِّدِیْنَ السَّلامُ عَلَیْنا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الْمُحْسِنِیْنَ
و سلامی که نماز آن تمام شود سلام آخر است خواه امام باشد
خواه مأموم و خواه مقفرد و باین سلام حضرت پیغمبر را دعا کردند
و آنست ظاهرین صلوات الله علیه و آله و سلم و اقصا کنند و
سلامهای دیگر مستحب است و اگر امام باشد بعد از سلام نماز
خطاب بعامومین کند و بگوید السَّلامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ
وَ بَرَکَاتُهُ و مأمون بعد از سلام نماز و سلام بگوید ای جواب
اللهی و اگر دوستان دستش میبایست او را نیز قصد کند و بگوید
چشم کردی که میباید و اگر نباشد این سلام در کار نباشد

فصل هفتم در اشاره بابرار مقدمات و اعمال تازه
و در بقیه آداب و افعال آن ملائمه ظاهرین صلوات علیهم
اجمعین بر ولایت کبیرترین جامها و بر زینت ترین لباسها برای
مؤمنان لباس تقوی و پرهیزگاریست از هر چه خدا تعالی حرام
کرده اند و از آنکه کرده داشته و لباس ظاهرین خفیت کتمان
فرموده تا عورات بدن و اعضا و عیوب و قیاح آن بیان پوشیده
شود و مستور گردد و قوی و تقوی کرامتست که احسان فرموده
تا کتمان باطن و مساوی اخلاق و هووسهای غاصد و از خود کما
باطل باطن پنهان گردد و عظمی مانع از بی چون عیوب و عیوب ظاهر
از خلق پوشیده داری و پیشتر که اظهاری آن نیازی شرم دار آن
امر این و ذوق باطن را در پیش خدای جلوه دهد و هیچ آرزوی
نیازی و مستراح را از آن چه مستراح گفت نکند و در اینجا
از ثقل خیالات راحت یابد و آنکه کرامت کثافات است و حجت
نمایند پس روشن چون بیت که لطیف ترین نعمتهای دنیا و لذتین
لذتهای آن باین نزدیکی عاقبتش می شود باید دانست عبرت
و تکرار و دوست از جمع کردن آن یازد دارد و دل از تشویش آن
فارغ سازد تا جمیعیت خاطر مشغول بعبادت خدای شود

و تحصیل سعادت باقی نماید چنانچه حالت است که در آنجا است دنیا
خاک و بدن را از کرامت آن راحت دهد و در کمال و وسوسه آن را ببرد
ساری و از تشویش اندیشد آن نیروی و خدا میگوید که این ظهور
کردن اینده تا خلاصت و بقا است بآن نشوئی و از کدورت احداث
و کثافات نبرد یابی و جید دل و قیود استغفار و جاری ساختن
تا بخاستن ذوق و مشاات بآن تطهیر دهد و از شناعة آثار
و خطیبات و اریحیج ندانیشی که تا از این نجاسات ظاهر نکنی
و دست و رو در و تشوئی قابل آن نباشی که روی بدن بقبله
کردنی و با عتقای ظاهر و داخل سپرداری و بر حجاب نشینی
و باز یان و دهان تسبیح و مناجات ثانی پس از این نجاسات
بدن تا غرور و وظایف از حدت محبت باطل شست و شسته داده
و نیست برای خالص نگردانیدن بیک گوشه بقی آن باقی که روی
سوی خدا کنی و بر لب اطرب و کرامت نیکبائی و در حضرت
حسرت اسرار سرایی و بمسواالت دندان از کثافات آثار طعم
جلاد و دهان از کرامت بوی آن صفای می چکونه جلوع را از
نجاسات حصیان و مخالفت خدا و در از لطافت شیطان
و محبت دنیا بقتل و خشوع و انابت و خضوع طهارت ندی

و چون متوجه قبله شوی و بر پای ایستی روی از هر چه جزایم کردانی
 روی دراز و سوسه دنیا نکردانی و ایستادن و وقت ^{بهر حال}
 هوایک تن خضایت اسرار یکنی چون اندان نماز شوی از نماز
 روز قیامت یاد آید و چون روی یکدانی روی دراز هر چه خیزد
 یا ز آرد و چون بر پای ایستی از روی کمال خضوع و خشوع بایست
 و هر چه خیزد است چنان پندار که نیست در خدمت خدا است
 و یا حضرت او در مکمله دانایست که هر طاهر و پنهانی داند
 و توانا نیست که هر چه ظاهر کندانی تواند پادشاهیت که
 آسمان و زمین در رسمت مملکت او دره ایست و هر دو
 جهان از بجا خزان رحمت او قطره در خدمت او چنان باشد
 که ضعیف ترین بنده در خدمت عظیم ترین پادشاهی که کبریا
 بخار رخسار او کردش ^{و هر که} نگیرد کمال و خراب آلوده
 و سستگین بر میزند که این جمله از صفات منافقانست و با او
 و دست یازی کن و انگشتانی و در میان یکدیگر میارم
 از نماز نقصانست و دستها بر سینه مگذار که این عمل شیوه
 مجوسانست و خیاره بادهن و اعضا مکن که از جمالت
 شیطانست و اگر کسی در نماز انگشتان بشکند و انگشتش از

نمازهای باشد چنان تکبیر کوئی بزرگ و عظمت خدا را پدید آرد
و چنان است در پیش بزرگی او و سبیل و غایت شمار که اگر اول یا
دویم و داری و دیگر بر این بزرگتر شای خدا تعالی گوید ای دروغ
گوی مرا میفری بر بنیان الله اکبر میگوئی و دل بد یکی میدی
بغریت و جلالت خودم که از سیرت تذکره نش محرم است سازم و
از نزدیکی خباب خود و از لذت مناجات بی نصیب و محروم
گردم و در نماز دستها را بر روی ران بلند دار و انگشتان
هم چسبیده باشد و سر و گردن مکر راست بگیر و بطرف
میل و چیزی تکبیر کن و زنان و ستمها را ایستاده پس اینها
تا به پستان متصل شود و بلند می پس گان نماید و در آشنای
نماز آب من و صانع مینماید که هر کس برای تعظیم خدای در
نماز آن فرو برد خدا تعالی او را از وقت حیات صحت بدن
کرامت فرماید و پاهارا را بر هم بگذارد و پیش و پس نباشد و
پس ضرورت چیزی بر بدن نیست که نقصان نماز بود و نظر از
موضع سجده بر مدار و با طراف انصاف کن که هر کس در نماز
با هم است نگاه کند خدا تعالی گوید ای بنده من یکی انگاه میکنی
و کرامت طلبی آیا خدای خدق میخواهی یا جواد غیر من میخواهی

منم که مرا که بین و منم که بود الا بعدین و منم که بین و منم که بود
منم که انقدر و جواب و منم که ترا که هیچ کس قدر آن نداند و منم که
منم که بین و منم که بود و منم که بود و منم که بود و منم که بود
رومی بگرداند و منم که ترا شود کناه لایحه کرده بود زایل شود
اگر باز لشعات بطریق نماید خدا تعالی همان مکالمه فرماید و
محبت بین با چهار مرتبه و مرتبه چهارم خدا تعالی روی از بگرداند
و ملائکه روی بگردانند و فرمایند ای بنده من و الا فاشتم تو را
میخواهی و روایت دیگر آمد که در مرتبه سیم خدا تعالی رو
بگرداند و بعد از آن هر کس و نظر نکند نعوذ بالله من ذلالت
و در غایت دل با خدای دارد و خیال غیر از قیام میار که گفت
ناز با فکر غیر است از قیام لیل و هر کس دور است ناز کند ارد
و بداند که چه میگوید میان او خدا هیچ کلاه ناند مگر اینکه از
شود و هر قدر از ناز کند بآن باشد محاب و هر چه از آن غافل
باشد بر هم چسند و بر روی صاحبش بخزند و در کعبه چشم را
پوشد یا نظر در میان هر دو پایدارد و در از گریز کردن در کعبه
مخیش نیست که کردن از بند که خدا تعالی کنم و سر از کعبه
اوتد و اگر چه که در کعبه نزنند و هیچ بنده روغنی بحقیقت نگردد

مگر آنکه خدا تعالی امور این دنیای خویش عزیز گردانیده و در میان
کسی که خود بناهاش داده و خلقت به اختیار او پوشانیده
و رزق ادب است و اطاعت و سجود قریب است و عزت کسی که
ادب ضایع کند اهل بیت قریب نداشته باشد و سیر به سجده
کدامش معین است که خدا یا اصلین همین خاک ضعیف و بیگانه
که هر کس پا بر او گذارد و چون سر بر دارد یعنی سر از این خاک افروخته
و از خاک بر داشته و چون سجده دوم کند یعنی بار دیگر سر را
بجای آن و یا خاک یکسان گردانی و چون سر بر دارد یعنی مرتبه دیگر
مرا از خاک گردانی مرده است که و الله که نشان نکرده کسی که سجودی
بحقیقت کرده اگر چه در تمام عمر دیگر تپه لایند و سوز خفته کسی که
چون آن ضایع نموده و می مانند فریبندگان غافل از توبه ساجدان
با خدا خلوت نموده هرگز از خدا دور نشود و کسی که در سجود بجای
دست از خود بردارد و سجود اینکار که بخت بسیار دور و گریختن
نزد خدا نکرده کسی که حرمت سجود ضایع کند و در آن حال دل
بغیر خدا دهد عارفی گفته رکوع دعوی بندگیست و سجده
تسلیم آن دو شاهد بران و چون قنوت بخوانی و آداب آن رعایت
کنی و با لکجه میگوئی و با کد در گفتگوئی بشنود هر چه بر زبان رانند

بدینند هر چه در دل گذرانی پس احتیاط من تا آنچه مطلبی میسر
 یغاثت باشد و زبان در دعا و دل با غیر خدا نیاشد که در عالم
 غافل مستجاب نکرده و چون تشهد خدای اقرار و پادشاهی و
 یگانگی خدا گفتم و اعتراف بر سالت و نبوت خیر و انانی و عهد
 بندگی و طاعت خود تجدید سازی و چون صلوة بر خیر و الشکر
 ایشانرا شفیع خیرش گردانی پس چنانکه بزبان اقرار میکنی و لوا نیز با
 زبان موافق دار و از آنچه میکنی غافل مدار تا مانند فریبندگان
 باطلت نکذیب ظاهر تجاید و در پیغام ذکر حدیثی دیگر گفتیم که
 مشقت بر فضایل افعال نماز آداب و امر آرد آن مرویت
 از حضرت سید امام حاتم بن علی العسکری از ابای کرام خود از
 حضرت خیر محمد بن اسماعیل بن اوس که فرمود چون بنده مؤمن
 متوجه محلائی خود شود تا نماز گذارد خدا تعالی گویای ملائکه
 بدینند این بنده را که در خلایق برین و بیامید رحمت و
 شفقت من روی نیاز من آورده گواه باشید که او را رحمت
 و کرامت خیرش حضور کرد نام و چون دست بردارد و نماز
 گوید بفرماید که بدینند که چون تیر او بزاری می نمایانند و چون
 سرایت و شبیه و نظیر برای من چنانکه اعدای من نسبت میکنند

علیهم السلام

و مردان بزرگ و منزه میدارند کواه با شنید که او را از آثار
 کناه پاک سازم و در محاکمات بزرگی خود بزرگ گردانم و از
 جادات به نجات دهم و چون الحمد و سوره دیگر بخوانی فرماید
 بر پند بنده مرا چون از قاعدت کلام من نکفت می یابا کواه یا شنید
 که در دنیا است یا و بگویم که بخوان در بهشت کلام مرا و با او رود
 بر روی جات جهان پس بعد دهر هر چه می خواند و درجه از عطا و
 درجه از فقره و درجه از ثلوث و درجه از کوه و درجه از برزخ
 سایر و درجه از نهر و سرخ و درجه از درخت العنقوت یا از رود
 چون رکوع کند فرماید بر پند که چون تواضع میکند در پیش من
 و عظمت من کواه با شنید که او را در کمال الجلال و عزت خود
 بزرگ گردانم و چون سر از رکوع بردارد فرماید بر پند که چون
 بر این من ترفع میکند همچنانکه بر این من تواضع می نماید و در خدمت
 راست می ایستد کواه با شنید که علی بن ابی طالب علیه السلام
 در بهشت خورشید ماوی عطا فرمایم و چون سجده نماید فرماید
 بر پند که چون تواضع میکند و میگوید اگر چه در دنیا مکن و
 جلیتم اما چون حق و عظمت تو بین ظاهر شود حقیر و ضعیفم
 کواه یا شنید که او را بحق بلند فرمایم و باطل را با و دفع گردانم

و چون سر از سجده اول بردار و فرماید به پشید چون میگوید
 همچنانکه در پیش عظمت تو واقع نمودم در حضرت خداوند
 برای سنده کی و طاعت بقدرت و ذلت راست گشتم و در عین
 ظاهر عبارتی از کلمات آن حضرت افتاده و گویا این مضمون باشد
 که اورا غریب و سگوارانم و بر محبت خویش اختصاص دادم و چون سجده
 دوم کند فرماید به پشید بنده مرا چون تو واقع من عود غنود گواه
 باشیدی که رحمت خود را بدو اعاده فرمایم و چون برای دهم بگردد
 از جای برخیزد فرماید ملائکه به پشید چون برخاستی نماز او را
 از مذلت بردارم و بقرت بلند گردانم و هر کس که کلام خدا را
 همچنان فرماید تا آنکه بدین حد نشیند خدا بختی فرماید ای ملائکه
 بنده من خدمت و عبادت مرا بجای آورد و اکنون نشسته و مرا شایسته
 میگوید و بر من پر از من صلوات میفرستند من نیز در ملکوت میروم
 و این اورا شاکرم و روح خود را در او صلوات فرستادم
 بر این المومنین صلوات الله و سلامه و دعا از صلوات فرستد فرماید این
 را صلوات فرستم همچنانکه بر تو صلوات فرستادی و او را شفیع گردانم
 همچنانکه تقاضای شفیع خود خواستی و چون سلام باز دهد خدا تعالی
 و ملائکه بر او سلام کنند و در روایت دیگر آمده که سلام بعد از نماز است

بگویم که هر که از خداوند است بر سر هر که الله علیه و آله و سلم را بفرستد
و بگوید عجاای آرد اما نیست ای الزیلائی عینا و عذابا ترست
و مخفی نماید که در این صلوة بر امیر المؤمنین صلوات الله علیه است
که بعد از صلوة بر پیغمبر صلوات الله علیه و آله و سلم و بر آل و نیز فرستد
زیر که آل او امیر المؤمنین و فاطمه و یازده علم امام و دیگران علی الله
علیه السلام جمیع و احادیث دیگر وارد شده که سلمان فارسی و سایر
شیعیان نیز از جمله آل انبیا هستند و در صلوة بر ایشان شهادت
نیز باید قصد نمود و فصل هشتم در فضایل تعقیب و کیفیت
آن از اهل بیت طاهرین علیهم السلام مرویست که هر که بعد از نماز
فرستد یا وقت نماز و بگوید تعقیب بخواند ملائک خدا می باشد و حق آن
بر خدای که مطلق است در اکرام فرماید تعقیب بخواند بعد از نماز
و بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب برای وسعت رزق و طهارت است از
تساقوت و نجاست و عفو و پاکیزگی و احادیث دیگر آمده که هر که
رزق و بجا آورد است و پاکیزه و عفو و غیر این و تعقیب بخواند
بعد از نماز فصل است از قافله گذاردن و طهارت را و این را
غیر توکل و امید باشد و هر که بعد از نماز صبح بخواند
تا طلوع آفتاب تعقیب بخواند خدا تعالی او را از آتش دفع

کتابخانه

کردند و کتابان گذشته از آن فریده شود و چنان باشد که کار
 حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم کرده باشد و اگر بعد از ایشان
 در اخبار یمن شود و بدعت یا جاهل بدعت نماز بگذارد و کتابان
 گذشته از آن فریده شود و او را بدعتی دانسته باشد و اگر بعد از
 آن زمان تمام تعقیب حق و امانت و حرمیت نماند تا آنکه بدعت نافله
 بگذارد و این نافله را در عیالین ثبت نمایند و اگر چنانچه
 نماز بگذارد و جمیع مقبولی برای او ثبت کنند و فصل تعقیب عیال
 و روضه و تعقیب عیال تا نافله مثل فصل و روضه است بر نافله و در
 وقت تعقیب و تعقیب باشد و هر چند که هر چه از کتب
 تعقیب نیز صحت داشته باشد و اگر آنکه ضرورت و هر کوی روی بعد
 تا با احوال باشد و تعقیب باشد این بود میان فصل و تعقیب
 سبیل باشد و آداب آن اما تعقیب و بقیع اینها نیست که
 از اهل بیت ظاهرین صلوات الله علیه و آله و سلم که هر کس بعد از
 سلام نماز دست بردارد و هر چه از کتب بر بگوید بعد از آن
 بگوید لا اله الا الله وحده لا شریک له لا یغیر و عدله و نصر عبده و
 اعز ذریه و عزله و عزایب و خداه فکرم الله و له
 الحمد حق و یمنیت و هر کس که در حق و قدیر

فند

شد که واجب است بر وی بپوشیدن یا مثل اسلام و غیره آن
 بعد از آنکه باشد و هر کس بعد از آنکه تهنیت تسبیح حضرت فاطمه
 زهرا صلوات الله علیها بگوید و بعد از آن یک مرتبه لا اله الا الله بگوید که عافیت او از هر چیزی که شود و عفو است دیگر
 آنکه که همیشه در آن عبادت از وضو می کند و نماز نمیکند و آنکه
 تسبیح بگوید و بعد از هر نماز که این تسبیح بعد از آنکه
 هر روز از آنکه نماز دارد و هر کس این تسبیح را بخواند و آنکه
 هر کس تسبیح را بخواند و هر کس تسبیح را بخواند و هر کس تسبیح را بخواند
 پیوسته علی علیه و آله و سلم آنرا همیشه فاطمه صلوات الله علیها
 عطا میفرمود و وصفت است که تسبیح از حالت عفو است
 امام حسین علیه السلام یک روز تسبیح می خواند و آنکه از آنکه
 بعد از آنکه تسبیح می خواند و آنکه تسبیح می خواند و آنکه تسبیح می خواند
 هر روز تسبیح می خواند و آنکه تسبیح می خواند و آنکه تسبیح می خواند
 کند و آن تسبیح می خواند و آنکه تسبیح می خواند و آنکه تسبیح می خواند
 دیگر آمده که اگر تسبیح از این ترتیب عبادت است و آنکه تسبیح می خواند
 عفو است و هر کس تسبیح می خواند و آنکه تسبیح می خواند و آنکه تسبیح می خواند
 عفو است و هر کس تسبیح می خواند و آنکه تسبیح می خواند و آنکه تسبیح می خواند

[illegible]

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ لَا تُقَدِّمُ عَلَيَّ وَلَا تُؤَخِّرُ عَلَيَّ وَلَا تَجْعَلْ لِيْ
 شَرًّا مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَتَكُنْ لَكَ وَجْهًا كَمَا كُنْتَ لَكَ
 وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ خَدَايَا خَيْرُهَا وَأَخْرَجَتْ
 بِلَايَ اَوْجَعُ نَائِدًا وَكَرَامًا وَنَحْوًا لِيْ فِيْ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَا يَسُرُّ
 الْمُسَابِقَ وَآيَةَ الْكُرْسِيِّ وَقُلْ اَللّٰهُمَّ مَا لَكَ الْمَلِكُ يَا بَحِيصًا يَا جَوَادًا
 خَدَايَا خَيْرُهَا يَا بَعْرَتَ وَجَلَالِ خُدَمِ كَرَمٍ وَنَجْمِ سَهَابِ
 خُدَمَتَا دُرِّ تَبَرُّ وَنَظَرِ كَرَمٍ وَهَرَمِ تَبَرُّ هَضْمَا حَاجَتِ اَوْ اِبْرَامَ
 وَاَوَايَا هَرَقْدَرِ كَنَاهُ كِه دَارِ يَقُولُ تَمَامِ وَدِدِ دَوَايِ وَيَكْرَمِ
 كِه هَرَقْدَرِ هَضْمَا حَاجَتِ اِبْرَامِ كِه كَرَمِ اِنَّمَا مَقْبُورَتِ كَاهِلِ
 بَاشَدِ وَدَرِ خَظِيرَةِ قَدَسِ خُوشِ جَايِ اِيْزِدَمِ وَبِرْدِ شَمْعَانِ
 نَضَرِشِ دِمِ وَنَزَرِشَانِ بَسَا مَشْتِ دِلَمِ وَبِهْجِ مَانِ رَفْلِشِ
 هَيْشَتِ نَبَا شَدِ مَكْرُومَتِ يَعْنِي كَلِمَةُ مَوْتِ مَقْدَرِ يُوْجِيْشِ
 بِهْ هَيْشَتِشِ يِ بَرَمِ وَدِدِ عَاقِبَتِ دِلْمِ شَدِ كِه كَرَمِ بَعْدِ اَزْ هَرَقْدَرِ
 آيَةُ الْكُرْسِيِّ بِنَوَانْدِ اَزْ نَضَرِ حَيَوَانَاتِ زَهَرِ دَارِ اِيْمَنِ بَاشَدِ
 هِجْ جَبَرِ مَانِ هَيْشَتِ رَفْلِشِ اَوِيْنَا شَدِ مَكْرُومَتِ وَهَيْشَتِ
 مَوَاطِنَتِ بَرَانِ كِه مَكْرُومَتِ يِ يَا عَابِدِيْ وَهَرَمِشِ نِجَانِ بِنَدَا
 دُرِّ وَرِ قِيَامَتِ دَارِ دُرِّشِ خَوَانِ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَسَدُ بَعْدِ اَزْ مَكْرَمِ

نکند که خدا تعالی خیر دنیا و آخرت برای او جمع فرماید و بخواهد
او و والدین و برادران و خواهرانش را با سرزد و هرگز بعد از
هر فریضه دوازده مرتبه قل هو الله احد بخواند و بعد از آن دست
برداشت بگوید **اللهم انی اسئلك باسمک** **لکنونی**
الغنی الظاهر الطاهر الباری **واسئلك باسمک**
العلیم **وسلطانک القدیم** **ان تصلى علی محمد**
وال محمد **واحب العطاء یا یا مطلق الاسرار یا ذا**
الرقاب **من العز** **اسئلك ان تصلى علی محمد و آل**
محمد **و ان تعق رقبתי من النار و تحبیبی من الدنیا**
سلیما و تدخلی فی شئی امینا **و ان تحضد دعائی اوله**
فارسا و اوله کطیفا **و اخره صلاحا** **انک انت**
علام النبوی چون از دنیا بیرون رود از کاهان خاص
باشد مانند طلای شمس و همگی برو مظلمه نباشد
و بعد از هر نماز فریضه این دعا بخواند **اللهم انی اسئلك**
بکرم القدیر و رافعت بریتک **اللطیف**
و سلطنتک بصیغرت حکمتک **و قدرتک بیزتک**
البحیل **صل علی محمد و آل محمد** **و اخی** **فلو بنا یدکر لت**

وَاصْبِرْ لِدُؤُنَا مَغْفُورَةً وَعَيُوبَنَا مَسْئُورَةً وَقَرَأْنَا
مَسْكُورَةً وَتَوَافَلْنَا مَبْرُورَةً وَقُلُوبُنَا بِكَ كُورَتْ
مَغْفُورَةً وَنَفُوسُنَا بِطَاعَتِكَ مَسْرُورَةً وَهَقُورُنَا
عَلَى تَوْجِيدِكَ مَحْبُورَةً وَأَرْوَاحُنَا عَلَى دِينِكَ مَقْفُورَةً
وَجَرَاحُنَا عَلَى خِدْمَتِكَ مَقْفُورَةً وَأَسْنَاءُنَا فِي
حَرَاضِكَ مَشْهُورَةً وَحَرَاجُنَا لَدَيْكَ بِمُسُورَةٍ
وَأَذْقَانِنَا مِنْ خَرَائِكَ مَذْرُورَةً أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ
إِلَّا أَنْتَ لَقَدْ فَازَ مَنْ وَالَاكَ وَمَحْدَمَنْ تَالَاكَ
وَعَزَمَنْ تَادَيْكَ وَظَفَرَمَنْ رَكَاكَ وَغَمَمَنْ نَقَصَكَ
وَرَجَمَنْ تَاجَرَكَ وَهَرَمَنْ بَعَاذَ هَمَاهُمَا بِكَ يَأْمَنُ
لَا يَنْفَلُ سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ يَأْمَنُ لَا يَنْفَلُ لُطْفٌ عَنْ لُطْفٍ يَأْمَنُ
لَا يَبْرُمُ الْمُلَاحَظَةُ الْمُطَهَّرِينَ أَوْ قُبْنِي بَرْدٌ عَفْوِكَ وَحَلَاوَةُ
رَحْمَتِكَ كَمَا هَازِلُهُ أَمْرٌ زَيْلُهُ شَبَابُهُ بِرَدِّهِ تَارَةً تَسَانُ
بِأَشَدِّ وَقَطْرُهُ بِأَيَّانٍ وَمَالِكٌ نَعِيمٌ وَبَيْنَ بَابَانِ بِأَشَدِّ
بَعْدَازِهِ نَارُهُ نِصْفُهُ بِكَ يَا خَيْرُ نَفْسِي وَمَا لِي وَوَلَدِي فِي كَلْبَةٍ
وَدَارِي وَكُلِّ مَا لِي مَتَى يَا قُدُّوسُ الْوَاحِدُ الْكَاهِلُ الْمَسْمُومُ
لِلَّذِي كَرَّمَ بِلَادَهُ لَمْ يَكُذِّمْ وَلَمْ يَكُنْ كَلْبٌ كَفَقَا أَحَدٌ وَاجْتَبَى

لَفَتْنِي وَمَالِي وَوُلْدِي وَأَهْلِي وَدَارِي بِكُلِّ مَا هُوَ مِنِّي
يَا إِلَهَ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الْقَمَدِ الَّذِي بَرَبْتَ الْفَلَكَ بِرَبِّ
تَجَرَّ مَا خَلَقْتَ تَاخِرُ سُوْرُهُ وَبَرَبْتَ النَّاسَ تَاخِرُ سُوْرُهُ وَ
بِإِلَهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ تَاخِرُ آيَةُ الْكَرْبِيِّ أَوْ
وَحَانَهُ وَمَالٍ وَأَوْلَادُش أَزَافَاتٍ مَحْفُوظَاتٍ كَرْدُ وَنِزَاعَاتٍ
نَارُ فَرْغِهِ بَايْدُ كَعْتِ رَحْمَتُ بَارِيهِ رَبِّي وَنَحْمُ نَبِيِّ
وَبِالْإِسْلَامِ دِينَا وَبِالْقُرْآنِ كِتَابَا وَبِعَلِيٍّ وَلِيِّ
وَالْمُسْلِمِينَ وَعَلِيٍّ مُحَمَّدٍ وَجَفِيٍّ وَمُوسَى وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ
وَعَلِيٍّ وَالْمُسْلِمِينَ وَمُحَمَّدٍ ثَمَّةَ اللَّهُمَّ وَلِيَّكَ مُحَمَّدٌ
لَسْنَا فَاحْفَظْنَا مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ
وَعَنْ شِمَالِهِ وَمِنْ قُدْرَتِهِ عِزَّتِهِ وَفَاوَدْنَاهُ فِي عَمْرِهِ
وَاجْعَلْ لِقَائِهِمْ بِأَمْرِكَ وَالْمُسْتَضِيرَ لِدِينِكَ وَأَرْبَهُ
مَا يَحِبُّ عَيْنُهُ فِي نَفْسِهِ وَدُرِّيَّةَهُ وَلِيَّهُ
أَهْلَهُ وَمَالَهُ وَفِي شَيْعَتِهِ وَفِي عُدُوِّهِ وَأَرْبَهُ هِنَهُ
فِي خَدْرِهِ وَأَرْبَهُ فِيهِمْ مَا يَحِبُّ وَيَهْرَبُ عَيْنُهُ
وَالْهَفِيَّةَ صَدَقَاتُهَا وَصَدَقَاتُهَا وَفِي مُؤْمِنِينَ وَهَارِسَ
بَيْنَ أَيْدِيكَ دَاخِلُهَا مَا تَشَاءُ بِكَوْنِ اللَّهِ إِنْ أَوْجَرَ إِلَيْكَ

عُمِدٍ وَالْمُحَمَّدِيَّةَ الْخُرُوعَ عَلَى نَدْوِ فَضْلِ كَيْفِيَّةِ اسْتِغْنَاءِ بَارَكَةِ
وَبَعْدَ أَنْ تَكُونِ الْمُسْلِمَةُ أَجْمَلِي مَعَ مُحَمَّدٍ وَالْمُحَمَّدِيَّةُ كُلُّ
عَافِيَةٍ وَبَلَاءٍ وَأَجْمَلِي مَعَ مُحَمَّدٍ وَالْمُحَمَّدِيَّةُ فِي كُلِّ
مَنْوَى وَمُنْقَلَبٍ اللَّهُمَّ اجْعَلْ عَمَلِي خَيْرًا مِنْ خَيْرِهِمْ وَعَمَلِي
مَعَهُمْ وَأَجْعَلْ مَقَامِي فِي الْمَوَاطِنِ كَمَقَامِ الْأَوَّلِينَ
يَسِّرْ وَيُسِّرْهُمُ أَتَانًا عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا بِأَعْدٍ وَالْمُحَمَّدِيَّةِ
عَلَيْهِمُ الْوَسْمُ بَأْسُهُمْ بَعْدَ أَنْ تَكُونِ الْمُسْلِمَةُ رَضِيَّةً بِأَعْدٍ
وَبِأَعْدٍ مُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَيَا أَسْلَامَ دِينًا وَفِرْقَانًا كِتَابًا وَ
بِالْكَفِيَّةِ قِسْمَةً وَبِعَلِيٍّ وَآلِ الْأِمَامَةِ وَبِالْحُسَيْنِ
الْمُسَيَّبِ وَعَلِيٍّ وَطُحَيْفَةِ وَجَعْفَرٍ وَمُؤَمِّلِيٍّ وَعَلِيٍّ وَطُحَيْفَةِ
وَجَعْفَرٍ وَطُحَيْفَةِ وَطُحَيْفَةِ وَطُحَيْفَةِ وَطُحَيْفَةِ وَطُحَيْفَةِ
الْقَائِمِ لِلْمَلَكِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَمَّا هَؤُلَاءِ فَهَؤُلَاءِ
لَمْ أَقْلَبْ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا بِأَعْدٍ وَالْمُحَمَّدِيَّةِ
أَكْرَبُ بَعْدَ أَنْ تَكُونِ الْمُسْلِمَةُ أَهْدَى مِنْ عَيْنِكَ وَتَكُونِ
عَلَى مَنْ فَضْلِكَ وَأَفْضَرُ عَلَى مَنْ رَحْمَتِكَ وَأَنْزَلِي مَنْ
مِنْ بَرَكَاتِكَ رَوْضَةً مَشْرِقِيَّةً بِرُكْنِهِ سَعْدًا
أَزْهَرُ كَأَمْزَاجِ أَهْلِ سُدُورِ حَضْرَتِ صَلَواتِ اللَّهِ عَلَيْهِمُ

از جمله حقوق مبارز و نستان و شیعیان ما اینست که چون از نماز
 فرض فارغ شوند برضیعتان این دعا بخوانند اللهم انی اسئلك
 یا سبک العظمی و سبک الثقلات العظیم العظیم ان تصلي
 علی ائمتنا سید الطاهرين و ان تصلي علیهم صلوٰة تامة
 و ان تدخل علی محمد و آل محمد و اولیائهم حیث كانوا
 و ان كانوا فی سهل او جبل او بر او بحر من بركة
 دعائی ما تقریر عینهم احفظ الامر لای الخاشین
 منهم و اردد هم الی اهل البیت سلیمان و نقص عن
 المهومین و قرح علی السکر وین و اکثر العارین
 و اشبع الجائشین و آزر الضامین و ارض قریب
 العارین و زوج العارین و اشعب المریض و ادخل
 علی الاموات ما تقریر عینهم و انصر للظالمین
 من اولیاء الله علیهم الصلوة و السلام و اطفئ ناره
 الخالین اللهم و ضاعف و یا سبک و نکالک و عذابک
 علی الذین نکرانک و خوارک و انما انبتک
 و یا نباء و خلا عقه فی وصی سید العقده
 خلیفه من بعده و ادعی مقامه و غیر احکامه و بدلا

گفتند

سنة وقلبا دينه وصرافه اذ رحمت وبادا عليهم وطرفا
طريق القدر عليهم والكرامات عنهم والفتل لهم
وانعاج العرب عليهم ومن خلفك من سعة الشكر
وتقويم العرج وتثقيف الاقدار واصفاوا الاخلاق
اطهار دين الاسلام واقامة حدود القرآن والعقوبات
وانتبهما وكل من طاع مملكتهم وحدادتهم وسلك
طريقهم وتصديدهم لغنا لا يقدر بسا الى
يستعين الله اهل الشراء اللهم اني بقولك فاشح
امره وكما الى ولايتهم وسلك في ضميرهم من
الاولين والآخرين وهم الان حضرت عترة الله عليهم
مرويت كذا جمله حقوق ما ربيعيان انت كذا بعد از فضله
دست بر رخ بكريد و سر ته بكريد يا رب محمد و آل محمد
ال محمد يا رب محمد اخذت حبيب محمد يا رب محمد
الحمد والثناء محمد مولف اين مجموعه كويد چنانكه انزان بين
والسادات اهل بيته طاهرين عليهم السلام است و همچنانكه
در ان نيت است كه من دعا و هر دعاي كه بياين مضبوطا
بقي مشغول باشد بر ولايت اهل بيت عليهم السلام و دعاي ايشان و شيئا

و بر اوست و لغت بر اعدا و غاصبان حق ایشان افضل است از همه
 ادعیه و تضرعات و اجاسته از جمیع افعال و اعمال زیرا که ایمان باین
 تمام است و اگر نعم زیاده درین تصویر باشد هیچ عبادتی بقدر
 ذره سودمند و حرویت که چون از فرض فارغ شود باین برای
 لغت کنید بجای نرود و نیست که در آسمان فرشته است که
 هزار هزار سر دارد و در هر سری هزار هزار دهن و در هر دهن هزار
 هزار زبان و با هر زبان هزار هزار لغت خدا را تسبیح میکند
 و قیامت بقلب لغت کند که ای کس از بیگانگان تو باشد که مثل
 من عبادت کند از اعجاب جواب رسیده که در زمین مرا
 بنده ایست که تسبیحش بیشتر است و ثوابش عظیمتر آن نوشته
 رخصت بداند آن بنده یافته آمد و سه روز با او بود زیاده برین
 عبادتی افزونید که بعد از هر نصد آن تسبیح میگفت
 سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 وَسُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 وَبِحَمْدِهِ نَبِّئُكَ أَنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ
 وَبِحَمْدِهِ نَبِّئُكَ أَنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ
 وَبِحَمْدِهِ نَبِّئُكَ أَنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

تفسیر این حدیث آنست که هر کس
 صد مرتبه این دعا را بخواند
 و آن دعا را
 و آن دعا را

عَبْدُ اللَّهِ أَنْ يُلْكَ وَكَمَا هُوَ أَهْلُهُ وَكَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ جَبِّهِ
وَعِزِّ جَلَالِهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكَمَا
يَحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُكَبِّرَ وَكَمَا هُوَ أَهْلُهُ وَكَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ
جَبِّهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَلَهُدِّ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ
إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ أَنْتُمْ هِيَ عَلَى
عَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ مَنْ كَانَ أَوْ كُنْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ
أَلَّهُمْ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتُسَلِّمَ
خَيْرَ مَا أَرْجُو أَوْ خَيْرَ مَا لَا أَرْجُو أَوْ أَكْثَرَ ذِيَاتٍ مِنْ شَرِّ
مَا أَحْذَرُ وَتَحِيَّ شَرِّ مَا لَا أَحْذَرُ وَلَمْ يَكُنْ بَعْدَ ذَلِكَ
شَيْءٌ مَرْتَبَةً بِكُونِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَلَهُدِّ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
وَاللَّهُ أَكْبَرُ سُبْحَانَ سُبْحَانَ سُبْحَانَ سُبْحَانَ سُبْحَانَ سُبْحَانَ
جَانِبَانِ دُرَّةٍ وَغَرِينِ بُوَيْجِي بَدْنِهَا خَوْشٍ وَمَلِيحَةٍ كَدَرَانِ
نَازِلِ شُودِ اِيْمَنْ مَابَشْدِ وَمَرْهَبِ كَدَرِ مَسْخُولِ حَسَاتِ مَا
بَعْدَ هَذَا زَكَاةً فَصَرِّفْ مَرْتَبَتَهُ خَوَانِ نَارِشِ بَانَ تَامِ شُودِ
وَلَمْ يَكُنْ بَعْدَ ذَلِكَ شَيْءٌ وَتَامَ بِشِ ارَاكَ حُرُوفِ زَيْدِ وَبَارِ اَرَاكَ
وَصِفِي كَدَرِشِ تَعْيِيرِ دَعْدِ مَرْتَبَةً بِكُونِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ صَدَقَ بِلَا اَرَاكَ

دفع شود که سهل ترین برص و جذام و شیطان و سلطان باشد
 و اگر هفت مرتبه بگوید **بسم الله الرحمن الرحيم** یا دفع شود که سهل ترین این
 جذام و جترق و برص باشد و اگر نهی باشد از دیوان اشقیاء
 محو گردد و در روز **سه شنبه** ثابت شود و اگر بعد از نماز جمع صد مرتبه
 بگوید **باسم اعظمی که در دنیا و آخرت باشد از سیاهی چشم بسفیدایش و**
اسم اعظم در آن داخل باشد و اگر بعد از نماز جمع و شام پیش از آنکه
 حرف زنی و کسی و بار ابرها را بگوید **اِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ**
يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ
سَلِّمُوا تَسْلِيمًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَذُرِّيَّتِهِ خَدَائِعِ
صَدَاحَتِ او را بر او هفتاد و دینیاوی در آخرت
 و اگر بعد از نماز جمع و شام بگوید **اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِرَحْمَةِ مُحَمَّدٍ**
وَالْحَسَنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلِ النُّورَ
فِي قَلْبِي وَاجْعَلْ لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي فِي رَحْمَتِكَ وَاجْعَلْ لِي فِي رَحْمَتِكَ
وَالسَّعَةَ فِي رَحْمَتِكَ وَالسَّلَامَةَ فِي رَحْمَتِكَ وَاجْعَلْ لِي فِي رَحْمَتِكَ
وَالسَّعَةَ فِي رَحْمَتِكَ از در چشم این شیخ در بخت دنیا
 و آخرت برای او جمع شود و اگر بعد از نماز جمع و ظهر بگوید **اللَّهُمَّ**
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلِ لِي فِي رَحْمَتِكَ وَاجْعَلْ لِي فِي رَحْمَتِكَ

والحمد لله بیکال گناه بر تو نیستند و اگر بعد از این دعا زبکویید
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَجَبَلْ فَرَجَهُمْ أَرْضِيَا
 نَفْسَهُمَا بِخِدْمَتِ حَضْرَتِ صَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ
 برسد و اگر بعد از نماز صبح پیش از آنکه حروف نزلد بگوید یا ربِّ صَلِّ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهْلِ بَيْتِهِ خُدا تعالی رهی اورا از ناپی انتش
 نگاه دارد و اگر بعد از نماز صبح ده مرتبه بگوید سُبْحَانَ اللَّهِ
 الْعَظِيمِ وَيَعْلَمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ
 الْعَظِيمِ از کوری و دیوانگی و جنای و پریشانی و ضعف
 پیری ایمن گردد و اگر بعد از نماز صبح این دعا بخواند هر حاجتی
 که خواهد بر آورده شود و خدا تعالی کرامت معاشش فرماید
 بِسْمِ اللَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
 إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ قَوْلَهُ اللَّهُ شَتَاتٍ
 مَا مَكَرُوا إِلَّا إِلَهُ الْأَنْسِ حَسْبُكَ اللَّهُ كُنْتُ حَمْدًا
 الْعَالَمِينَ فَاسْتَجِبْ لَهُمْ وَجَنِّبْهُمْ مِنَ النَّعَمِ وَكَذَلِكَ
 نَجَّى الْمُؤْمِنِينَ حَسْبُكَ اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ فَأَقْبِلُوا
 نِعْمَةً مِنَ اللَّهِ وَظَنُّوا بِمَغْسِقِهِمْ سَوْءًا مَا شَاءَ اللَّهُ وَ
 لَا تَحْزَنْ وَلَا تَقْوَءَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ مَا شَاءَ اللَّهُ

لَا مَا شَاءَ النَّاسُ مَا شَاءَ اللَّهُ وَإِنْ كَرِهَ الْغَافِلُونَ حَسْبِيَ
مَا رَزَقَ مِنَ الْمَرْبُوبِينَ حَسْبِيَ الْمَالُ مِنَ الْخَالِقِينَ
حَسْبِيَ الرِّزْقُ مِنَ الْمَرْزُوقِينَ حَسْبِيَ الَّذِي لَمْ يَزَلْ
حَسْبِيَ مَنْ كَانَ مَعَكَ حَسْبِيَ حَسْبِيَ اللَّهُ الَّذِي
لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كَلَّمْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ
وَمَنْ هُوَ رَبُّ عِدَا زَمَانٍ عَصَى كَيْدِ اسْتَعْفِ اللَّهُ الدُّنْيَا
لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْخَبِيرُ الْحَكِيمُ ذَا الْجَلَالِ
وَالْإِكْرَامِ وَاسْمُهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَى تَوْبَةِ عَسَاكِرِ
خَالِجٍ فَقِيرٍ يَأْتِي مِنْ مَسْكِينٍ مُسْتَجِيرٍ لَا يَمْلِكُ لِقَائِهِ
تَقَعَا وَلَا ضَرَّ أَوْ لَا مَيِّوَةً وَلَا مَوْتًا وَلَا نُشُورًا كُنْ
مَلِكِينَ دَاخِلًا مَلِكًا مَلِكًا هَانِ أَوْ أَمْرًا جَدِيدًا دَرَسَ
بُورَانَهُ وَمَنْ هُوَ رَبُّ عِدَا زَمَانٍ عَصَى كَيْدِ اسْتَعْفِ اللَّهُ
عَقْدَ كَيْدِهِ وَاسْمُهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَى تَوْبَةِ عَسَاكِرِ
سَابِقَةٍ أَوْ كِتَابٍ بِرِشٍّ أَمْرٍ زَيْدٍ شُودِ كِيٍّ أَوْ ابْنِ زَوَارِثِ
وَأَلِ أَوْ ابْنِ زَوَارِثِ الْأَقْرَبِ وَالْأَقْرَبِ هَسْبِيَ عِبَادُ
نَارٍ عَصَى دَهْ مَرْتَبَةً أَوْ كِتَابًا بِرِشٍّ أَمْرٍ زَيْدٍ شُودِ كِيٍّ
رَأْيٍ أَوْ حَسَنَةٍ نَبِيٍّ وَرَأْيٍ دَكْرٍ كَيْدٍ مَثَلِ أَعْمَالِ

خلایق برای او ثبت نمایند و روایت شده که دو آیه سوره
 امن الرسول بما انزلنا اخر سوره با خدا تعالی از کجاست
 فرستاده و هر سال پیش از آنکه خلایق را بپای فریند است
 خود نویسد هر کس بعد از نماز خفتن بگوید بخیر می باشد
 او را از قیام لیل و هر کس روز جمعه بعد از نماز صبح پیش از آنکه
 حروف زند بگوید اللهم ما قلت فی جمعی هذه من قولی
 او خلقت فیها من خالف او نذرت فیها من نذر
 فمسیبک بین یدی ذلک کلمه کما شئت منه ان
 یكون کان وما لم تشأ منه لم یکن اللهم اغفر لی
 ورحمونی اللهم من صلیت علیک فصلى علی عیلتی
 ومن لعنتی فلعنتی علیک ففارک کما امرانی باشد که در
 هفته کرده و هر کس بعد از عصر روز جمعه هفت مرتبه بگوید
 اللهم صل علی محمد و آل محمد و لا تنزل علیهم من فی السموات
 یا فضل صلواتک و یاربک علیهم یا فضل برکاتک
 و السلام علیهم و علیهم ورحمة الله وبرکاته خداوند
 برای او صد هزار حسنه ثبت نماید و صد هزار سیه از او محو نماید
 و صد هزار درجه بدهد و صد هزار حاجتش را بر آورد و بعد

عزیز چنانچه

هر کس او را حبه باشد و اعطایش در اثر و مقبول گردد و چون
روز قیامت بیاید میان هر دو چشم نوری رخشان باشد
و چون از نماز و تعقیبات آن فارغ شود صفت مولا که
سجد و شکرت کردن بر او واجب است و موجب رضای خدا
باشد و ملائکه از آن خوش آید و خدا تعالی بجاوار زمین
او ملائکه بر دارد و گوید به پند بند من عبادت من
بجای آورده و اکنون سجده میکند مرا شکرانه اینکه تو رفیق
داده ام پس عزای خود بجا بیاورد ملائکه گویند خدا یا رحمت تو
فرماید دیگر چه باشد گویند بخت تو گوید دیگر چه گویند گفت
سمات و محبت خدا تعالی سوال کند و ملائکه جواب گویند
تا آنکه چیزی نماند ملائکه گفته شود باز سوال فرماید گویند
خدا یا ای ایزد علم ما وفا نکند پس خدا تعالی فرماید شکر او کنم
چنانکه او شکر من میکند و بفضل خویش روی باو کنم و جمال
خود باو نمایم و نیز فرمود است که خدا تعالی حضرت موسی علی نبیا
و آلاء علیه السلام و می فرمود و گفت میدانی چه سبب ترا بمنجا حاکم
و کلام خود اختیار نمودم گفت خدا یا انا هم فرمود همه بندگان خود را
بجستجو کردم و امتحان فرمودم هیچکس نتوانست تر و ذلیل نفس تر

از تو نیافتیم زیرا که چون نماند آری هر دو روی خود بر خاک نهی و
سجده شکر چنین کنند که هر دو ساعد و میخند و شکم ملائمت
را بین باشند و در سجده اول صد مرتبه بگوید الحمد لله شکر
و هر ده مرتبه بیکبار بگوید شکر الله العلی و چون صد مرتبه تمام
شود بگوید یا ذا المن الذي لا ينقطع ابدًا ولا ينقصه
غيره و یا ذا المعرفه الذي لا يتفقد ابدًا یا کریم
یا کریم یا کدیر پس حاجتی که خواهد طلبید بجا آید
لک الحمد ان اطعک و لک الحمد ان عصیتک
لا تصعب لی و لا تعیرنی فی اخیان منک الی فی حاله
تفستیه یا کریم یا کریم صل علی محمد و آله و سلم
و صل جمیع ما سألک من فی مثاقیق الارض و معا
یها امن المؤمنین و المؤمنات و ابدانهم و من فی ربک
و حق روی راست بر زمین گذارد ~~و الحمد لله~~ لا تسکینی
ما انعمت به علی من و لا ینفک و ولا یتهمی و ال
محمد علیهم السلام پس روی چپ بر زمین گذارد و همین بگوید
پس بار دیگر سجده کند و صد مرتبه بگوید شکر الله العلی و
دیگر آنکه در سجده اول بگوید استکبر حق جبریات محمد

صلواتك عليهم واليه الا بدلت سنياتي حسناتي وطاعاتي
حسابا يا خير افعول ربي راست بر زمین گذار و بگوید آتشک
حق حبیبک محمد صلو اناک علیه والیه الا کفیتنی مؤنة
الدنيا وکل هو لیه دو تو الجنة همچون روی چپ بر زمین
گذار و بگوید آتشک حق حبیبک محمد صلو اناک علیه
والیه کما غفرت لی الکثیر من الذنوب والصلوات
وقلت من عمل اليسیر و چون مرتبه دیگر سجده کند بگوید
آتشک حق حبیبک محمد صلو اناک علیه والیه کما
ادخلتني الجنة وجعلتني من سكاها و کما غفرتني
من سقطات النار بر محبتک و اقل سجده شکر است
که سه مرتبه بگوید شکر الله و چون سر از سجده بردارد
سه مرتبه بگوید بسم الله الذي لا اله الا هو عالم الغیب
والشهادة اللهم انی ارجو انی اذبح عنی الحکم
والخرق و هر مرتبه دست راست بر موضع سجده بمالد و بر سجده
چپ روی بمالد پس بر روی بکشد تا بجانب راست که هم مؤمن
زایل کند و چون از جای نماز برخیزد بگوید سبحان ربک رب
العزّة عما یصفون و سلام علی المرسلین و الحمد لله رب

الْعَالَمِينَ که هر کس از کلامش این بود خدا تعالی بر بهترین کیلها
او را ثواب دهد و بعد از هر مسلی برای او خطبه ثبت نماید
فصل نهم در فضایل اذکار ساعات شبانه روز و اول
صبح و شام و ذکر فضایل خیر و خیر و خیر و خیر و خیر و خیر
در میان لیالی و ایام از آنکه است طاهر صلی الله علیه و آله
هر رست که هر روز بر پی آدم وارد بشود مگر آنکه گویند ای ایضا
من روزی تازه ام و شایسته اعمال تو ام پس تا من یا تو ام هر چه
کوی خیر کردی و هر چه کنی خیر کن تا روز قیامت شاهد تو باشم
و هر چه از تو اجدا شوم دیگر تو را من دست رس نباشد
هم از ایشان علیه السلام هر رست که شیطان لعنه الله علیه هر روز از
طالع صبح تا طلوع آفتاب و از غروب آفتاب تا غروب
مغرب و از طلوع خود در زمین منتشر سازد برای ضلالت
مردمان پس درین دو وقت که در آنجا است خود را
خود را بخت پناه دهید و استعاذه بنمایید تا از گزند شیطان
محافظت فرمایید در این دو ساعت حفاظت و هم از ایشان
علیه السلام هر رست که خدا تعالی فرماید یک ساعت از صبح و یک ساعت
بعد از عصر را که کنی تا من کفایت منافع شما نمایم و بفرموده

بحر افقاب زدوشد در خدا کشید و اگر با جمعی باشد که شمارا
بمشغول سازند ایمان ایشان بر خیزد و مشغول ذکر و دعا
شود و در وقت طالع صبح بگوید الحمد لله فائق الاصباح
سبحان رب العالمین و رب المصباح اللهم صل على
محمد و آل محمد و عافیه و سرور و قرة عين العالمين
انك تنزل بالليل والنهار مائتة فائز و علي وعلى
اصحابي من بركة السموات والارضين و زكاة كل ليلة
تسببني به عن جميع خلقك و از جمله اعضا و حسن و صبر و صفا
يئت عظيم الفضائل حسبكم القوا صل تسبب للصابين
منسوب حضرت امير المؤمنين صلوات الله عليه اللهم ان
دع لي ان العلاح بطن بطنه و سرح و طع السيل للظلم
يضاهي بطنه و اذن صنع القالك الذوار في مقام
يخرج و يمشي ضياء الشمس يورثنا جبهه يامن ذلك
على ذات يدانية و من عن عجايبه مخلوقة و جميل
من ملائكة كنفية يامن قريب من كل طير الطنون
و بعد من ملائكة الطون و علم بما كان قبل ان يكون
يا من ارق في في منها و آمنه و كفايه و انقطني الى ما

مَعْنَى يَرْبِي مِنْ مَتْنِهِ وَلِغَايَةِ مَعْنَى كَفَّ السُّوءَ
عَنْ يَدِهِ وَسُلْطَانِهِ صَلِّ اللَّهُ عَلَى الدَّائِمِ الْيَاكُ فِي السَّيْلِ
الْكَثِيرِ وَالْمَتْنِ مِنْ أَسْبَابِ الْبَيْتِ الشَّرِّ وَالْأَوَّلِ
وَالشَّيْءِ الْحَسْبِ فِي حَذَرِ الْكَامِلِ الْأَعْبِلِ وَالْغَائِبِ
الْقَدَمِ عَلَى رَحْمَةِ الْفَيْضِ الرَّحْمَنِ الْأَوَّلِ وَعَلَى أَيْدِ الْأَخْيَارِ
الْمُصْطَفَيْنِ الْأَبْرَارِ وَافْعِ اللَّهُمَّ لِي مَطَارِجَ الصَّالِحِ
بِمَقَارِجِ الرَّحْمَةِ وَالْفَلَاحِ وَالْبَيْتِ بِأَفْئِدَةِ الْهَدَايَةِ
وَالصَّلَاحِ وَأَعِزِّهِ اللَّهُمَّ لِعَظَمَتِكَ فِي تَرْبِيَةِ جَنَابِي
سَلَامِي لِحُشُوعِ وَأَجْرِ حَيْثُ بَدَأْتَ مِنْ أَمَانِي زَكَرَاتِ الدُّنْيَا
وَأَوْدِ رَقِّ الْحَرْقِ مَقِّ بِأَذْمَةِ الْقُفُوعِ الْحَمْدِ إِنْ كُنْ
تَبَدَّلَتْ رَحْمَتُكَ مِنْكَ حُسْنُ التَّوْفِيقِ فِي الْإِلَاحِ فِي الْيَاكُ
وَالصَّحِّ الطَّبِيقِ وَإِنْ أَسْأَلْتُكَ أَمَّا لَكَ الْفَائِدَةُ الْكَامِلِ
وَاللَّيْ قَدْ لَقِيتُكَ عَنَّا قَدْ كُنَّا لَهْوِي وَعَيْنُ حَلَاكِي
نَقَمْتُكَ عِنْدَ حَاوِيَةِ النَّفْسِ وَالشَّيْطَانِ فَقَدْ وَكَلَنِي
خَدَاكَ لَكَ إِلَى حَيْثُ النَّصْبِ وَالْعُرْمَانِ الْحَمْدِ أَرَأَيْتَ لَكَ
مِنْ حَيْثُ الْإِلَاحِ أَمْ عَلِقْتُ حِمَاكَ جِنِّ بِالْعَدَدِ دُونِي
مِنْ دَلِيلِ الْوَصَالِ قَيْسُ لِنُطْقَةِ الَّتِي أَمْنَطْتُ نَفْسِي مِنْ

قَوَاهِي مَا لَمْ يَسَوِّتْ لَهَا غَوْفَهَا وَمَتَاهَا وَتَبَاهَا
لَمْ تُقِمْ عَلَى سَهْدِهَا وَمِنْ لَهَا الْخِيَرَةُ رَحِمَتِكَ
سَيِّدِ جَانِي وَمِنْ سَيِّدِ الْيَتَامَى مِنْ قَطْرِ اَهْوَالِيهِ
وَعَلَقَتْ بِطَرَفِ جَبَلِكَ اَكَامِلَ وَلَا تَقْصِرْ اللَّهُمَّ
عَمَّا كَانَ مِنْ ذَلِي وَخَطَائِي وَأَقْبَلْنِي مِنْ صِرَافِي كَرَامَتِكَ
سَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمُعْتَمِدِي وَوَسِيلِي فِي مُقْبَلِي وَمَشْرِأِي
وَأَنْتَ غَايَةُ مَنَائِي الْوَكَيْفُ بَطْنُ مَنِيكَ كَلَامُ الْيَدِ
مِنْ الدُّوْبِ حَلَالِي أَمْ كَيْفَ تُخَيِّبُ مَنْ تَرْضَى قَصْدِي
إِلَى جَنَابِكَ سَاعِيًا أَمْ كَيْفَ تَرُدُّ ظَمَانًا وَرَدَّالِي
مَحْيَا نِكَ لَارِبَا كَلَامًا وَحَيَا نِكَ مَعْرُوفِي ضَرَاكَ
أَهْوَالِي وَبَابِي مَفْتُوحٌ لِمَطْلَبِي وَالْوَعْدُ وَأَنْتَ غَايَةُ
التَّوَكُّلِ وَغَايَةُ الْمَأْمُولِ الْخِيَرَةُ أَرْزَمَةُ نَفْسِي عَقْلُهَا
يَعْقِلُ مَشِيئَتِكَ وَهَذِهِ أَعْيَانُ ذُرِّيَّتِي دَرَاهِيْرُ حُرَّتِكَ
وَهَذِهِ أَكْفَوَاهُ الْمُحْتَكَ وَكُلُّهَا إِلَى جَنَابِ لَطْفِكَ
فَاجْعَلِ اللَّهُمَّ صَبَاحِي هَذَا نَارًا لَعَلَّ رِضَايَا الْهَدَى
وَالْتَّلَامِي فِي الدِّينِ وَالْأَنْبِيَاءِ مَسَافِي جُودِكَ مِنْ كَيْدِ
الْعِيْدِ وَوَقَايَةٍ مِنْ مَرَدِّ دَائِي الْمَوْتِ لِيَكُنْ عَلَيَّ الْغِيْثُ

يَا زُهَيْرَ حَدِيثِ اللَّهِ مَلِكِ الْمَلِكِ قُوَى الْمَلِكِ مِنْ
 كَلَامِهِ وَتَوَجَّعَ الْمَلِكِ مِنْ كَلَامِهِ وَتَعَزَّزَ مِنْ كَلَامِهِ وَتَوَلَّى
 مِنْ كَلَامِهِ بِيَدِكَ الْخَيْرَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ تَوَجَّعَ
 الْفَيْلُ فِي الْقَهَارِ وَتَوَجَّعَ الْقَهَارُ فِي الْقَبْلِ وَتَوَجَّعَ الْقَبْلُ فِي مِرْتِ
 الْمَيْتِ وَتَوَجَّعَ الْقَبْلُ فِي مِرْتِ الْقَبْلِ وَتَوَجَّعَ الْقَبْلُ فِي مِرْتِ
 الْحَيِّ مَنْ ذَا يَعْرِفُ قُدْرَتَكَ فَلَا يَخَافُكَ وَمَنْ ذَا يَعْلَمُ مَا
 أَنْتَ كَلَامُكَ الْفَتْحُ يُعَذِّبُكَ الْفَرْقُ وَفَلَقْتَ رَحْمَتَكَ
 أَلْفَلَقَ وَأَنْزَلْتَ بِكْرَ مَلِكٍ دِيَارِ الْعُسْكَانِ وَأَهْلَتْ لِلْيَاءِ
 مِنَ الْعَمْرِ الْقِيَامُ عِنْدَ عُنْدِهَا وَأَنْزَلْتَ مِنَ الْقَهَارِ
 مَا أَوْجَحًا وَجَعَلْتَ الْقَهْرَ وَالْقَهْرَ لِلْبَيْتِ سِرًّا وَجَعَلْتَ
 مَا جَاءَ مِنْ عَيْنِ عَارِسٍ فِيمَا أَيْدِيكَ عَنْ الْفَرْقِ وَالْجَلَالِ
 فَيَا مَنْ وَجَدَ بِالْعِزِّ وَالْبَقَاءِ وَقَهْرَ عِبَادِهِ بِالْمَوْتِ وَ
 الْقَهْرِ مَسَلْ عَلَى الْعَمْدِ وَالْإِلَهِيَّةِ وَأَسْمِعْ بِنَاءَهُ وَنَقَا
 وَأَسْمِعْ دُعَائِي وَحَقِّقْ بَيْضَاتِ أَمَلِي وَرَجَائِي يَا حَيُّ
 مَنْ دَعَى لِكُشْفِ الصُّرُوحِ الْأَمْوَالِ كُلِّ غَيْرٍ وَلَيْسَ بِكَ
 كُنْتُ حَاجَتِي فَلَا تَزِدْ فِي مَنِّ مَوَاهِبِكَ خَاسِبًا
 يَا كَرِيمًا كَرِيمًا كَرِيمًا كَرِيمًا كَرِيمًا كَرِيمًا كَرِيمًا كَرِيمًا

عَلَى أَيْمَنِ خَلَقَهُ وَمُظَاهَرَةِ أَحْضَرِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا
 كَثِيرًا سَكَنَ لَكَ وَبَنَازِينَ دَعَا لِرَحْمَتِكَ كَامِلَةٍ مَرَّجَ عَوَازُكَ
 كَرَّمَ فَضَائِلَ بَعْدَ وَفَرَّجَ لَكَ سُبُوحَ وَعَدَدَ دَارِ الْخُلُقِ بِفِيهِ الَّذِي
 خَلَقَ النَّسْرَ وَالنَّهَارَ بِقُدْرَتِهِ تَاخِرُ وَبَنَازِينَ صَاحِبِ إِنْ تَعْلَمُوا
 كَرَّمَ وَبَنَازِينَ هَامِلِينَ مَوْسَى جَسْرَ الْكَاطِمِ وَعَلَى بَنَازِينَ
 الرِّضَا عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ ذُرِّيَّتِي
 وَكَرَّمْتَهَا قَدْ خَلَقْتَ وَنَحْنُ عِنْدَكَ وَجَّهْتَنِي عَنْ
 اسْتِثْمَالِ رَحْمَتِكَ وَبَاعَدْتَنِي عَنْ اسْتِجَابَةِ مَغْفِرَتِكَ
 وَلَوْلَا تَعَلُّقِي بِأَلَمَتِكَ وَتَمَسُّكِ بِالرَّجَاءِ لَمَا وَعَدْتَ
 آمَنًا بِي مِنَ السُّرُوفِ وَأَسْأَلُكَ مِنْ الْخَاطِئِينَ بِقَوْلِكَ
 يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ
 رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ
 الْغَفُورُ الرَّحِيمُ وَحَدَّثْتَ الْفَاسِقِينَ مِنْ رَحْمَتِكَ
 فَقُلْتُ وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ
 ثُمَّ تَذَكَّرْتُ بِرَحْمَتِكَ إِلَى دُعَاؤِكَ فَقُلْتُ ادْعُونِي
 اسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ
 جَهَنَّمَ كُلًّا خِزْيًا لَهُمْ لَمَّا دَخَلُوا عَلَى مُسْجِدٍ وَافْتَرَقُوا

أَنْ رَحِمْتَ بِي مَا حَقَّ الْبُحَى فَمَا وَعَدْتَ الْحَسَنَ فَلْتُمْ
بِكَ كَوَاكِبًا وَوَعَدْتَ لِسِي فُلْتُمْ بِكَ كَحَبَابِ الْهَي وَوَعَدْتَ
أَمْسَكَ رَمَقِي حَسَى الظَّن بِكَ فِي لَوْحِي رَقَبَتِي مِنَ الشَّارِ
وَتَعْمِيدُ لِي وَأَقَالَةَ عَنِّي وَقُلْتَ وَقَوْلْتَ الْحَقُّ لَكَ
لَا مُخَالَفَةَ وَلَا تَبْدِيلَ يَوْمَ تَدْعُوا أَهْلَ آثَانِي بِأَمَامِهِمْ يَوْمَ
الْقُيُومِ إِذْ لَمْ يَكُنْ فِي الصُّورِ بَعْدَ رَمَتِ الْقُبُورِ الْكَلْبُورُ فِي الْقُبُورِ
وَأَسْمَعُ وَلَمْ تَكُنْ وَلَا تَحْجِدُ وَأَسْمَعُ وَظَهَرُ وَأَعْلَنُ
وَأُطِيقُ بِأَنْتَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ
لَكَ وَأَنْ مُحَمَّدٌ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَأَنْ عَلِيٌّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ
وَسَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَوَارِثُ عِلْمِ السَّيِّدِينَ وَقَالَ الشَّيْخَانِ
وَأَمَامَ الْمُتَّقِينَ وَبِحَاجَةِ الْفَائِزِينَ وَالْمُطَرِّسِينَ وَ
الْمَارِفِينَ أَمَامِي وَحُجَّتِي وَعَرْشِي وَصِرَاطِي وَدَلِيلِي
وَحُجَّتِي وَمَنْ لَا أَلْفَ بِالْأَعْمَالِ وَإِنْ ذُكِرْتَ وَلَا أَرَامَا
مُخَصَّصَةً لِي وَإِنْ صَلَّيْتَ إِلَّا بَعْلَانِيَّةً وَالْإِبْرَاهِيمَ
وَالْأَهْلَ أَرِيقُضَائِلَهُ وَالْقَبُولُ مِنْ حَمَلَتِهَا وَالسَّلَامُ
لِرُؤُوسِهَا أَلْفُ مَرَّةٍ وَأَوْصِيَانِي مِنْ أَبْنَائِي أَمْسَعُ
نُوحًا وَأَدَكُ وَسَرَّحًا وَأَعْلَامًا وَمَنَارًا وَسَادَةً وَ

أَنْزَلُوا مِنْ بَيْنِهِمْ وَجْهَهُمْ وَظَاهِرَهُمْ وَالْظَاهِرَهُمْ
 وَجْهَهُمْ وَمُتَبِعَهُمْ وَشَاهِدَهُمْ وَغَايِبَهُمْ لَا تَكُنْ فِي
 ذَلِكَ وَلَا يَرْتَابُ لِي عَنْهُ وَلَا انْقِلَابَ فَادْعُنِي
 بِحُجَّتِي وَتَسْمِعْنِي بِإِيمَانِهِمْ وَأَحْشُرْنِي فِي دَعْوَتِهِمْ
 وَأَكْتُبْنِي فِي أَصْحَابِهِمْ وَأَجْعَلْنِي مِنْ آخِرَتِهِمْ وَأَنْقِذْنِي
 بِهِمْ مِنْ حَرِّ النَّارِ وَإِنْ كُنْتُ زُرْقِي رُوحَ الْبَشَرِ فَإِنَّكَ
 إِنْ أَهَمَّتْنِي مِنَ الشَّارِكِينَ كُنْتُ مِنَ الْفَائِزِينَ اللَّهُمَّ
 وَقَدْ أَهَمَّتْنِي يَوْمِي هَذَا وَلَا تَقْهَرْنِي وَلَا تَوَسَّأْ
 وَلَا تَفَرِّجْ وَلَا تَمْلِكْ وَلَا تَمْلِكْ لِي غَيْرَ مَنْ تَوَسَّلْتُ بِهِمْ
 إِلَيْكَ اللَّهُمَّ رَسُولُكَ وَاللَّهُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَسَيِّدِ
 فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ الْمُسَيَّدَةِ سَاءَ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَعَلِيٌّ
 وَمُحَمَّدٌ وَجَعْفَرٌ وَمُوسَى وَعِيسَى وَمُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ
 وَمُحَمَّدٌ وَالْحُسَيْنُ مِنْ بَعْدِهِمْ أَجْمَعِينَ الْمَسْتَوْرَةَ مِنْ وَلَدِهِمْ
 وَالْمَرْجُو لِأَمَتِهِ مِنْ دُرِّيَّتِهِمْ وَخَيْرَتِكَ صَلَوَاتُكَ
 عَلَيْهِمُ اللَّهُمَّ فَأَجْعَلْهُمْ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ وَمَا بَعْدَهُ حُجَّتِي
 مِنَ الْمَكَلَامِ وَمُعَقَّلِي مِنَ الْخَافِزِينَ وَحِجَّتِي بِهِمْ مِنْ كُلِّ عَدُوٍّ
 وَطَائِفٍ وَفَاسِقٍ وَبَاغٍ وَمِنْ شَرِّ مَا أَرَفْتُ وَمَا أُنْكِرُ مَا اسْتَشَرْتُ

وَقَدْ

وَقَدْ

عَلَى وَمَا أَبْصَرُ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَّبِّي أَعْلَمُ مِثْلَ مَا
 رَّبِّي عَلَى الصِّرَاطِ مُسْتَقِيمٌ اللَّهُمَّ فُتِّحْ لِي بَابَ
 وَتَقَرَّرْ لِي بِحَبَّتِهِمْ وَتَقَرَّرْ لِي بِأَمَانَتِهِمْ أَوْفَعْ عَلَى فِي هَذَا
 الْيَوْمِ أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَأَنْشُرْ عَلَى رَحْمَتِكَ وَمَعْرِفَتِكَ
 وَجَنِّبْنِي إِلَى خَلْقِكَ وَجَنِّبْنِي عَذَابَهُمْ وَبِقَضَائِهِمْ إِنَّكَ
 عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ وَلِكُلِّ مُوسِّلٍ وَأَوْبٍ وَلِكُلِّ
 ذِي شَفَاعَةٍ حَقٍّ فَأَيُّ شَيْءٍ مِنْ جَعَلْتَهُمْ إِلَيْكَ سَبِيحِي
 وَقَدْ مَنَعْتَهُمْ أَمَّا طَلَبِي أَنْ تُصَدِّقَنِي بِرَحْمَتِي هَذَا
 وَشَهْرِي هَذَا وَعَامِي هَذَا اللَّهُمَّ فَهَمَّ مَقَرِّي وَمَعُولِي
 فِي سِدَّتِي وَرِعَائِي وَعَافِيَّتِي وَبِلَائِي وَتَوَكُّلِي وَيَقْظِي
 وَمَطْعِي وَأَقَامِي وَعُسْرِي وَيُسْرِي وَعِلَاجِي وَسِرِّي
 وَصَبَاحِي وَمَسَائِي وَمُنْعَلِي وَمُنَوَّاهِي اللَّهُمَّ فَلَا
 تُخَيِّبْنِي بِهِمْ مِنْ نَائِلِكَ وَلَا تُخَيِّبْنِي بِهِمْ مِنْ نِعْمَتِكَ
 وَلَا تُقَطِّعْ رَجَائِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَلَا تُؤْيِسْنِي مِنْ رَوْحِكَ
 وَلَا تُنْقِصْنِي بِإِنْفِلَاقِ أَبْوَابِ الرِّزْقِ وَالنِّدَاءِ مَسَالِكُهَا
 وَأَرْتَاجُ رَمْدَ أَهْلِهَا وَأَوْفَعْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً فَتَعَا
 يَسِّرْ أَوْ اجْعَلْ لِي مِنْ كُلِّ ضَلَالٍ مَخْرَجًا وَإِلَى كُلِّ سَعَةٍ

سُبْحًا بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِلْمَلِكِ وَالشَّهَادَةِ
 مُخْتَلِفِينَ عَلَى بِرَحْمَتِكَ وَمُعَاوَاةً لَكَ وَمُسَاوَةً لَكَ وَلَا تَقْرِئَنِي إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
 وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَيُكَلِّمُكَ فِي سِرِّهِمْ مَنْ يَشَاءُ
 که برای شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام این دعا و
 مثال این افضل هر ادعیه و اوراد و احکام و وسائل و ادعیه است
 بسبب احتمال آن بر توسل جبریل البتین ولایت و تمسک
 یقین و نفی لغایت ایشان که معیار هر شرف و سعادت
 و مدار قبول عبادت است و هر کس جبریل روز بعد از نماز صبح
 این دعا بخواند از جبریل الصبا حضرت صاحب الزمان صلوات الله
 علیه و علی آله الطاهرین باشد و اگر پیش از ظهور آنحضرت
 بخواند در زمان خدا تعالی زنده گرداندش و بعد از هر کلمه
 هزار حسنه عطا فرماید و هزار سیئه بخواند دعا اینست
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ رَبِّ السَّمَوَاتِ الْعَظِيمِ
 وَرَبِّ الْكَرْسِيِّ الرَّفِيعِ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْمَجِيدِ وَرَبِّ
 السُّورَةِ وَالْأَنْجِيلِ وَالزُّبُورِ وَرَبِّ الْقُلُوبِ وَالْمَعْرُورِ
 وَمَنْتَ الْفَقْرَانِ الْعَظِيمِ وَرَبِّ اللَّائِلَةِ الْمُقَرَّبَةِ

وَالْأَنْبِيَاءُ وَالْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ
وَبِنُورِ وَجْهِكَ الْبَاسِمِ وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ يَا حَيُّ
يَا قَوْمُ اسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَفَ بِهِ السَّمَوَاتُ
وَالْأَرْضُونَ وَبِاسْمِكَ الَّذِي يُصَلِّحُ بِهِ الْأَتَوَاتُونَ وَالْأَخْيَارُ
يَا حَيُّ بَيْنَ الْأَحْيَاءِ وَالْمَيِّتِ وَالْمَوْتِ وَمَيِّتِ الْأَحْيَاءِ يَا حَيُّ
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَخَلِّ اللَّهُمَّ
وَجْهَهُ اللَّهُمَّ بَلِّغْ مُوَكَّلِي الْأَمَانَةَ الْهَادِي الْمُهْدِي الْحَقَّ
أَهْلًا بِأَمْرِكَ عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي مَلَأَ
الْأَرْضِ وَمَلَأَهَا وَسَهْلُهَا وَجَبِلُهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا
وَحَبِشِهَا وَمَتْنِهَا وَعَنْ وَالِدَيْهَا وَهَلِيهَا وَخَلْقِهَا
وَوَلَدِهَا الصَّالَوَاتُ وَالْعَلَامَاتُ بِقَسَمِكَ وَعَدَّتْ
كَلَامِكَ وَمَا لِحْضَائِكَ كِتَابِكَ وَأَخَاطِيرِكَ اللَّهُمَّ
إِنِّي أُجِدُّكَ وَكَذَلِكَ فَصِيحَتِي فِي هَذَا مَا عَشْتُ فِيهِ مِنْ
أَيَّامٍ عَمُودِي عَمْدًا وَعَقْدًا أَوْ بَعْدَ لَهُ فِي عَشْقِي لَا
أَحِلَّ عَنْهَا وَلَا أَرْوُلُ أَبَدًا اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ مِنْ أَضْيَافِهِ
وَأَعْوَابِهِ وَالذَّاهِبِينَ عَنْهُ وَالْمُسْلِمِينَ فِي خَوَائِجِهِ وَالْمُقْتَلِينَ
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ الْعَلِيمِ

مَعَهُ وَالْحَمْدُ لَهُ خَيْرٌ مِنَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بِبَيْنِ يَدَيْهِ اللَّهُمَّ فَإِنْ
خَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ
حُكْمًا مُقْضِيًّا فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِ قَبْرِي مُؤْتِرًا لِقَبْرِي شَاهِدًا
سَافِرًا مُجَرِّدًا أَقْبَانِي مُلْتَبِسًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ
وَالْبَادِي اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي طَلْعَةَ الرَّسِيدَةِ وَالْعُرَّةَ
الْمُسْتَدَةِ وَالْكُلَّ مَرْمِيًّا يَنْظُرُهُ مِنَ الْبَيْتِ وَحِجْلُ مَرْجَةٍ
وَسَيْفُ عَمْرٍو وَكَأْسُ مَنَاجِدٍ وَاسْتَلْكَمِي بِحَقَّتِكَ وَأَنْفِدِ
رَحْمَةً وَأَسْأَلُكَ أَرْزُقْهُمْ وَقَوِّمْهُمْ وَطَوِّلْ عُمْرَهُ وَاعْمُرْ أَلْفَهُ
بِهِ بِإِلَادِكَ وَأَخِي بِهِ عِبَادَكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ
الْحَقُّ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي النَّبِيِّ وَالْعَبْدُ عَاكِفٌ بِأَمْرٍ نَاسٍ
فَاطْلُوه اللَّهُمَّ كُنْ أَوْلِيَّكَ وَأَبْنُ وَلِيِّكَ وَأَبْنُ بَيْتِ
نَبِيِّكَ أَلَسْتُ بِأَرْسَلُ مِنْ رَسُولِكَ سَكَوَاتُكَ عَيْنُهُ وَالْهَيْفَةُ
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ حَتَّى لَا يَنْطَفِرَ شَيْءٌ مِنْ أَلْبَابِهَا إِلَّا
مَرْقَةٌ وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْحَقِّ وَبِحَقِّقَةِ اللَّهِ هُمْ وَاجِبُهُ
مَقْرَعًا لِلْعَالَمِينَ مِنْ عِبَادِكَ وَنَاصِرًا لِلْمُؤْمِنِينَ لِلْمُجِدِّ لَهُ
نَاصِرًا عَيْدَكَ وَجَدِّكَ دَائِمًا غَطْلًا مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ وَ
مُسْتَدِ الْبُأَرِ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ وَسُنَنِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ

صَلِّ اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَاجْعَلْهُ اللَّهُ مِنْ حَصَنَةِ مَنْ بَارَكَ
 الْمُتَعَبِّدِينَ اللَّهُمَّ وَسِّرْ نِيَّتَكَ لِمُحَمَّدٍ أَصْلَوْا أَمَّا كَ
 عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَتَّبِعْهُ عَلَى الدَّعْوَةِ وَاجِبِ انْتِظَارِ
 مِنْ تَعْبِيدِ اللَّهِ أَصْلَوْا كَسَيْفَ هَذِهِ الْفِتْنَةِ عَنْ هَذِهِ
 الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ وَعَجَلِ الْمَمَلِكَةِ لَهَا ظُهُورُهُ أَمَّا بِرُؤْيَا
 بَعِيدٍ أَوْ تَرْتِيلِهِ قَرِيبًا بِرَحْمَتِكَ يَا أَدْنَى الرَّاحِمِينَ
 بعد از آن سه مرتبه دست بر زانوی راست زند و بگوید
 الْعَجَلُ الْعَجَلُ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ الْغَوْثُ
 الْغَوْثُ الْغَوْثُ صَلَّوْا اللَّهُ عَلَيْكَ أَفَاسْطُظِرُّكَ
 حَتَّى يُمَكِّنَنِي اللَّهُ مِنْ دَوْلَتِكَ وَسَعَادَتِكَ وَيُمْنِكَ
 وَيَرْكَبَنِكَ يَا مَوْلَايَ الْعَجَلُ الْعَجَلُ الْعَجَلُ السَّاعَةَ
 السَّاعَةَ السَّاعَةَ بعد از آن بسیار بگوید یا صاحب
 الزَّمَانِ الْأَمَانُ الْأَمَانُ الْغَوْثُ الْغَوْثُ الْغَوْثُ
 الْغَوْثُ أَذِرْكُمْ بِحَقِّكَ وَبِحَقِّ آبَائِكَ الطَّيِّبِينَ
 الطَّاهِرِينَ الْمُعْصُومِينَ الْمَكْرَمِينَ واز اصل بیست طاهرین
 مرویست که سجدت است که هر چه از آن اسماء را بخواند خاتم
 صَلِّ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از یکایک میراث گرفته اند و آن است

که هر روز میگوید اللهم انی استلک اعلنا شیئاً شریفاً
قلی و نفیاً حتی اعلم انک لا یضیی الیها ما کتبت
لی و رضاً بما قسمت لی و در بعضی روایات ابن عباس
نیز زیاده بر آن آمده حتی لا احدث فی کل ما احدثت
ولا تاخیر ما تجلت یا حی یا قیوم بر محنت استغیث
اصح فی شائی کله و لا تکلنی الی فیه طرفة
عین آید او صلی الله علی محمد و آله و هرگز هر روز پیش از
طلوع آفتاب بگوید الله اکبر الله اکبر الله اکبر و بعد از آن
الله بکرمه و احسب و الحمد لله رب العالمین گویم
لا اله الا الله و صلی الله علی محمد و آله فرشته از آید
و در میان بال خورشید گذاشته با آسمان رود و چون با آسمان
رسد ملائکه گویند یا خود چه داری گوید این کلمات را که من می
گفتم پس ملائکه دعا کنند و گویند خدای تعالی بر این ثبوت
رحمت کناد و کذا هافن را با امرها و همچنین بر آسمان که رسد
ملائکه آسمان همین دعا کنند تا آنکه حاملان عرش رسد
ایشان نیز این دعا کنند و گویند بر این کلمات را بخیزند در آن
اقوال مؤمنان بسیار را دارد و این خزینه ثبت نمایند که این دعا

خزینہ است و هر کس در صبح و عصر سه مرتبه بگوید اللهم صل على
محمد و آل محمد في الاوائلين و صل على محمد و آل محمد
في الاخرين و صل على محمد و آل محمد في الملائكة الاوائلين
و صل على محمد و آل محمد في المرسلين اللهم اعط محمد
الوسيلة و الفسحة و الشرف و الرفع و الدعة
الكبيرة اللهم اني امنت بحمد و كرامه فلا تخزي
يوم القيمة رؤيته و ازرني محبته و توقني على
ملكته و اسقني من ماء حوضه منبريا و يا ثلث
عقبات لا اظلم بعدك ابدا انك على كل شيء قدير
اللهم و كما امنت بحمد و كرامه فخرني في الجنان و
اللهم ملئ روح محمد و آل محمد بحبته نيرة و سلامك
قوي و زود خطاه و اشر محكمه و سر و رش دايم شود و بر
ضررت يابد و اسباب خيرات براي او مهيا شود و از
بر اين روز رش و سيع گردد و در بهشت از رفقای محمد و آل محمد
صلی الله عليهم باشد و از حضرت امام جعفر بن محمد الصادق
عليهم السلام روايت كند سفي كه واجبات است در طلوع و بيش
از غروب اوقات و مرتبه خواندن اين تحليل لا اله الا الله

وَمِنْهُ لَا شَرَّكَ لَهُ لَكُمُ الْكُفَالُ وَلَكُمُ الْكُفَالُ وَبِمَنْتِ وَ
مَنْ لَا يَمُوتُ سَيِّدُ الْخَيْرِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَهُوَ
دِه مرتبه این استعاذه آغوش یا الله السميع العليم من
همز کتبت الشیاطین و آغوش یا الله ان یحضر من ان الله
هو السميع العليم و اگر فراموش شود قضا کند همنا که ناز
قضا میکند و در روایت دیگر آمده که هر کس این تهلیل را
ده مرتبه پیش از طلوع و غروب اذان بخواند کفاره گناهان
از وی برداشته باشد و هر کس پیش از طلوع و غروب اذان صد
الله اکبر بگوید همنا است که صد بنده آزاد کند و هر کس
صبح و شام سه مرتبه بگوید قَسْبُحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَ
حِينَ تُبْشِرُونَ وَلَهُ الْمُلْكُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ عَزَّ وَجَلَّ
و حِينَ تَطْلُبُونَ رِزْقًا مِنْ رَبِّكُمْ فَتَلْبِسُونَ رِزْقَ بَعْضِ الْبَاقِي
نَشُود و صبح شری با و زبرد و هر کس صبح و شام چهار مرتبه
بگوید الحمد لله رب العالمین شکران شبانه روزی بسیار
آورد و باشد و مرویست که کسی با بود و گفت ائمه ائمه
و خانه ات سوخت که من نسوخته و دیگری آمد همین خبر
آورد و دیگری نیز آمد همین آورد همین جواب شنیدند و

معلوم شد خاتمای حوالی خانه او هم سوخته بود و خانه او در میان
سالم مانده بر سر سید خداجین دانستی که خانه است سوخته گفت
از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم شنیدم که هر کس
بگوید یا الله انت ربی لا اله الا انت علیک
توکلنت وانت رب العرش العظیم لا حول ولا قوة
الا بالله العلی العظیم ما شاء الله کان وما لم یشاء لم
یکن اعلم ان الله علی کل شیء قدیر وان الله قد
احاط بكل شیء علما اللهم انی اعوذ بک من شر
نفسی ومن شر کل دابة انت اخذت بناصيتها انت
ربی علی صراط مستقیم و ان یسبانه و یرج اف
او یسب و من این رکعت بودم و نیز هر صبح و شام این دعا
سه مرتبه بخواند اللهم مقصوما بین ملک المنیع
الذی لا یحاول ولا یطاول من شر کل غاشیه و ظالم
من سائر ما خلقت و ما خلقت من خلقت النار
و الناطق فی جنته من کل مخوف یلایس شایسته
ولا هو اهل بیت نبیک علیه السلام محتجاً من
کل قاصد فی الخ اذ یتوجه بحوائجهم الی الله

فِي الْأَعْيَادِ لِيَجْعَلَهُمُ وَالْقُلُوبَ جَمِيعًا مُرَوِّقًا أَنَّ الْحَقَّ
 مَعَهُمْ وَفِيهِمْ وَبِهِمْ أَوْ كُنِيَ مِنْ ذَاكَ أَوْ أَمَّا لَيْسَ مِنْ بَانُوا
 فَصَلِّ عَلَى الْعَتِيدِ وَالْمُحَمَّدِ وَأَعِذْ فِي اللَّهِ عَمَّ مِنْ شَرِّ
 كُلِّ مَا أَتَيْتُ بِهِ عَظِيمُ حُجْرَتِ الْأَعْدَى عَمِّي يَبْدُوعِ
 السَّعَاتِ وَالْأَرْضِ إِنْ أَجَلْنَا فِيهِ أَعْنَاقَهُمْ أَغْلَالًا
 قِيَامِي إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمُ مُقْسُونَ وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِمْ
 وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ
 وَدُرُفَتْ شَامُ حَيَايَ أَصَحْتُ لَمَسْتُ كَبُودِ الْأَهْلِ
 عَنَّا وَفِي مَكَلَاهِ الْبَيْنِ مَشُودَ لَنَا اللَّهُ تَعَالَى وَانْصَرَفَتْ
 أَسْمَاءُ جَعْفَرِيَّةَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ رَوَيْتُ ذَاكَ رَجُلًا
 تَرَكَ كَمَا إِنْ دَعَا لَمْ يَرْجِعْ وَنَامَ تَرَكَ مَكَانَ اللَّهُمَّ إِنْ أَصَحْتُ
 اسْتَعْفِرْتُ فِي هَذَا الصَّبَاحِ وَفِي هَذَا الْيَوْمِ لَا أُغْلِي حُجْرَتَكَ
 وَأَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنْ أَهْلِ لَمَسْتِكَ اللَّهُمَّ إِنْ أَصَحْتُ أَبْرَأُ
 إِلَيْكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي هَذَا الصَّبَاحِ مِنْ بَيْنِ بَيْنِ
 ظَهَرْتُمْ مِنْ لَشِيْخٍ كَبِيرٍ وَمِمَّا كَانُوا يَعْبُدُونَ انْقُصُوا
 كَانُوا أَوْفَى سَوَادٍ فَوَيْتُ اللَّهُمَّ أَجْعَلْ مَا أُوَكِّلْتُ
 مِنَ الْمَشْرِقِ إِلَى الْأَرْضِ فِي هَذَا الصَّبَاحِ وَفِي هَذَا الْيَوْمِ

بِعِزِّكَ وَأَمْسِرْ قُرْبِي مُسْتَجِيرًا بِعِزَّتِكَ وَأَمْسِرْ دُجْهِيَ الْهَامِي
 الْبَاقِي مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الدَّائِمِ الْبَاقِي اللَّهُمَّ الْيَسِّنِي
 عَافِيَتَكَ وَغَشِّبْنِي بِرَحْمَتِكَ وَجَلِّلْنِي كَرَامَتِكَ وَفَنِّ
 شَرَّ خَلْقِكَ مِنَ الْخَيْرِ وَالْإِنْسِ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ
 وَمُرْسِيَتُكَ دُرُوقَتُكُمْ كَهْنُ ابْنِ تِسْعٍ رَا حَافِظَتُ نَهَائِي
 حَيْثُ أَنْتَ جِئْتُ خُورِدَ رَا حَافِظَتُ مَكْنِي سُبْحَانَ اللَّهِ وَلَا إِلَهَ
 إِلَّا اللَّهُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ الَّذِي كَرَّمَ جَنَّتَهُ وَلَدَّ أَوْ لَمْ يَكُنْ لَهُ
 شَرٌّ يَكُنْ فِي الْمَلَكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَفِي مِنَ الدَّلِيلِ وَكَثِيرُهُ
 تَكْثِيرًا وَلَمَّا أَفْضَالَ شَبَابُهُ رَوْحُهُ وَأَوْرَادُ آوَرِيَّتِ
 أَزْهَلِيَّتِ طَلْعُهُنْ حُلُوتِ اللَّهِ عَلَيْهِمُ جَمْعُ كُلِّ رَوْحِ أَفْضَلِ
 طَلُوعِ كُنْتُ أَفْضَلُ أَزْوَاجُهُ وَسَيِّدُ رَوْحِهَا اسْتَغْنَى
 دُرُوقَتُهُ جَسَنَاتِ مَضَاعِفَتُ كُنْتُ وَسَيِّئَاتِ مَحْوَئَاتِ
 وَدَرَجَاتِ بَلَدُ كَرْدَانْدِ وَدَهْوَاتِ لُجَابِ فَرْهَادِ وَبَلِيَّاتِ
 رَفْعِ كُنْتُ وَحُلِيَّاتِ عَظِيمِ بِرَاوَدِ وَرَحْمَتِ وَفَضْلِ زِيَادِ كَرْدَانْدِ
 وَهَبْ كُنْ دِينَ رَوْحِ دَعَا كُنْتُ وَطَلْعِ مَضْعُفَتِ نَهَائِي وَحَالِ
 أَنْكَرِ وَحَرَمَتِ ابْنِ رَوْحِ اسْتَنْسَاجِ كُنْتُ خَدَائِي لَا زَمَ
 بَاسُ كُنْتُ أَوْرَازِ أَتَشْ أَرَا كَرْدَانْدِ بَسْ كُنْتُ دُرُوقَتُهُ يَا شَبِيبُ

آن عید دشمنید باشد و از عذاب قبر و آتش دوزخ ایمن باشد
و هر قدر بتواند درین روز طاعات و عبادات و مسایر
خیرات درین روز زیاده کند که ثواب حسنات مضاعف
باشد و تراک معاصی و مناجی و جمیع ملامتی نماید که عقوبت
شیات مضاعف گردد و بسیار است که مومن دعا کند و قدی
تا خیر اجابت آن کند تا روز جمعه برای فضیلت آن روز و شب
نیز در فصل و شرف مثل روزش باشد و خداوند تعالی هر چه
از اول شب تا طلوع صبح از بالای عرش ندا فرماید و گوید ای
بنده مومن که حاجت دلری برای دنیا و آخرت طلب نمای
تا اجابت کنم و اگر کنای کرده استغفار نمای تا قبول نمایم
و اگر معاش تنگ شود سوال نمای تا زیاده فرمایم و اگر بطوری
دعا کن تا شفا دهم و اگر محبوس و مفقوم باشی استغاثه کن
تا بجات دهم و اگر مظلوم باشی استغاثت نمای تا نصرت
دهم و در ثلث آخر شب و در شب جمعه از اول شب تا طلوع صبح
ملکی را فرستد تا از جانب جناب او ندا کند و گوید هر کس را
حاجتی باشد ~~در این شب~~ تا اجابت شود و اگر کنای کرده توبه
نماید تا مقبول گردد ای طالبان خیر مشغول خیر شوید و ای

طالبان شریک شود نمایند و چون جمع طلوع کند بمقام
رود و در ملکوت ساجد نماید و مستحب است در روز جمعه
بجمله عیال و اطفال میوه و تخم نازک که در روزهای دیگر
نبوده باشد آورد تا درین روز شاد و خوشحال باشند و
محبتشان با نروزی زیاده گردد و هر کس استخفاف بحجرت این
روز کند و حق آن را ضایع گرداند برخلاف آنکه باشد که او را بجمعه
برسد مگر آنکه توبه کند و اگر درین روز یک است بشعر بخواند
نصیبش از فضایل آن همان باشد و افضل اعمال در شب آن روز
جمعه صلوات فرستادن است بر پیغمبر و آلش صلی الله علیه و آله
و سلم چون عصر بخشیمه شود ملائکه از آسمان نازل شوند و
بعدد مورد با قلمهای طلا و لوحهای نقره و تابش شنیده
کارشان همین باشد که هر کس صلوة فرستد نویسند و این
ملائکه در روزهای دیگر نازل نشوند و سخت است روز جمعه
هر از مرتبه و سایر روزها صد مرتبه صلوة فرستادن و هر کس
هر شب جمعه نود و نیاستراتیل بخواند از اصحاب حضرت صاحب
الزمان صلوات الله علیه کرد و هر کس در روز جمعه
بعد از عصر سوره کاف بخواند تا جمعه دیگر محفوظ باشد و اگر هر

شب جمعه بخواند و در روز جمعه ایستاده بخشود
و کفاره کند هفتاد و نه مرتبه از جمله سابق تا این جمعه و هر کس شب جمعه
یا هر شب عید نظر و انقیاد هر مرتبه بگوید یا دَائِمُ الْفَضْلِ
عَلَى الْبَرِيَّةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالْعَطِيَّةِ يَا صَاحِبَ
الْمَوَاسِبِ السَّنِيَّةِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ خَيْرَ الْوَرَى
يَحْيَاهُ وَآخِرُكُمْ كُنَّا يَا ذَا الْعِلَى فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ
هزار هزار حسنه براي او ثبت نمایند و هزار هزار سيئه محو نماید
و هزار هزار درجه بلند کند و روز قيامت يا ابراهيم
خليل عليه الصلوة و السلام در مجلس فرامخت نماید و روزه اي روز
برابر است با ده روز فرائي در خشان که بر روزهای دینا شبیه
بنود و مستحب است روز جمعه زیارت حضرت خفیه و اهل بیتش
صلی الله علیه و آله و سلم بکند و چون خواهد زیارت کند غسل کند
و جامه های پاک بپوشد و بجا آید و در روز
دیگر بیام خانه نیز آمده و چهار رکعت نماز بگذارد پس روی بقبله
بایستد و بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَیْكَ اَيُّهَا النَّبِيُّ وَصَلِّ عَلَیْهِ
وَعَلَّاهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَیْكَ اَيُّهَا الرَّسُولُ وَوَصَلِّ عَلَیْهِ
اَلْمُرْتَضَى وَالسَّيِّدُ الْكَرِيمُ وَالسَّيِّدَةُ الزَّهْرَاءُ وَالتَّيْمَانِ

الْمُنْقِبَانِ وَالْأَوْلَادِ الْأَعْلَامِ وَالْأَمْثَلِ الْمُنْقِبُونَ
جِئْتُ أَنْقِطَاعَ السَّيِّئِ وَإِلَى أَبَانِكُمْ وَلَوْلَاكُمْ
لَخَلَفْتُ عَلَى بَرْكَهَ الْحَقِّ فَتَبَيَّنَ لَكُمْ مَسَلَمٌ وَنَصْرٌ فِيكُمْ
مُعَدَّةٌ حَتَّى عَزَمْتُ لَدَيْهِ فَعَمَّكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ
عَدُوِّكُمْ إِنِّي لَمِنَ الْغَائِلِينَ بِفَضْلِهِ مُقَدَّرُ رَجْعَتِكُمْ
لَا أَكْرِيهِ قُدْرَةً وَلَا أَدْرِي إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ سُبْحَانَ اللَّهِ
ذِي الْمَلَكِ وَالْمَلَكُوتِ يُسَبِّحُ اللَّهَ بِأَسْمَائِهِ جَمِيعُ
خَلْقِهِ بِالسَّلَامِ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ
وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَصَلَّيْتُ رُوحَكُمْ أَنْوَاعَ تَطَهُّرَاتٍ
وَتَطَهُّرَاتٍ بِمَا تَقْصِيهِ دُرِيَابِ دِيْمِ بَانَ شَدَّ وَطَبَّيْنِ
بَاهَاكُمْ مَقْدَرُ بِيَانِ بِيَانِ بِيَانِ بِيَانِ بِيَانِ
مَسْجِدُ شَدْنِ وَجُونِ خَيْرِ نَارِ كَرْدِ مَسْجِدِ مَسْجِدِ بِيَانِ
اللَّهُمَّ مَنْ هَيْتَ وَهَيْتَ وَأَعَدَّ وَاسْتَعَدَّ لِيُفَادِيَ إِلَى
عَنَاقِي رَجَاءِ رِقْدِهِ وَطَلَبِ قَائِلِهِ وَجَوَائِزِهِ وَقَوَائِمِهِ
فَالْيَا بِي يَا سَيِّدِي وَفَادِي وَهَيْتَ وَهَيْتَ وَهَيْتَ وَهَيْتَ
وَأَسْتَغْنِي رَجَاءَ رِقْدِكَ وَطَلَبِ قَائِلِكَ وَقَوَائِمِكَ
فَلَا تَخْشِبِ الْيَوْمَ رَجَائِي يَا مَنْ لَا يَخْشِبُ عَلَيْهِ سَائِلٌ

وَلَا يَنْقُصُهُ نَاقِلٌ فَإِنْ كُنْتَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدِمْتَ
 وَلَا شَفَاعَةَ مَخْلُوقٍ رَحْمَةً وَلَكِنْ أَنْتَ مُقَرَّبٌ إِلَى الْعَظِيمِ
 وَالْإِسَاءَةُ لَا تَحْتَسِبُ وَلَا تُعْذَرُ فَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ أَنْ
 تُعْطِيَني مَسَائِلِي وَتَقْلِبَني بِرَغَبِي وَلَا تُرَدِّني
 بِغِيوِي وَلَا تُفَاجِئَني بِالْعَظِيمِ بِالْعَظِيمِ أَرْجُو
 لِلْعَظِيمِ أَسْأَلُكَ يَا عَظِيمُ أَنْ تُعْزِمَني الْعَظِيمَ لَا
 إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْني مِنْ
 هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي شَرَفْتَهُ وَعَظَمْتَهُ وَأَعْلَمْتَهُ فِيهِ
 مِنْ جَمِيعِ دُنُوبِي وَخَطَايَايَ وَارْزُقْني مِنْ فَضْلِكَ إِنَّكَ
 أَنْتَ الْوَهَّابُ وَدُرُودُ رَجْعَةِ دُوسَاعَتِ اسْتِ كَهْ دَعَادَانِ
 الَّتِي مَسْجَابُ شُودِي وَفَتْ رِوَالِ وَدُومِ الْخُرُورِ مَا الْكَلَامُ
 غُرُوبِ كَنْدِ وَمَسْجَبِ اسْتِ الْخُرُوبِ رُوزِ حَرَادِنِ دَعَايِ سَمْتِ
 مَرْدِ سَمْتِ الْفَضْرَتِ لِمَامِ هَامِ مُحَمَّدِينَ عَلَى الْبَاقِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ
 كَرَامِ دَعَايِ زَعِيمِ مَكْتُونِ وَخُزُونِ عِلْمِ سَمْتِ سَمْتِ بَرَايِ حَايَاتِ
 وَهَلَاكِ دُشْمَانِ مَا خُرَانِدِ وَيَا طِفَالَ دُوسَقَهَا وَطِلْمَانِ
 وَمَنَاقِلِ الْخَلْقِ كَيْفِ دَاكِرِ قَمَادِ كَمِ كَسَمِ الْعَظِيمِ دِينِ
 دَعَايِ اسْتِ رَاسْتِ كَهْ سَمْتِ وَدَعَايِ اسْتِ اللَّهُ أَفِي أَسْأَلُكَ

در ساعت ۱۲

بِأَمْرِكَ الْعَظِيمِ وَالْأَكْبَرِ الْأَعْزِزِ الْأَكْبَرِ الَّذِي إِذَا
 دُعِيتَ بِهِ عَلَى مَعَالِقِ أَبْوَابِ السَّمَاءِ وَالْفَلَاحِ بِالرَّحْمَةِ
 الْمَحْفُوتِ وَإِذَا دُعِيتَ بِهِ عَلَى مَضَائِقِ أَبْوَابِ الْأَرْضِ
 لِلْفَرَجِ أَنْفَرَجَتْ وَإِذَا دُعِيتَ بِهِ عَلَى الْعُصْرِ الْيُسْرِ
 تَبَسَّرَتْ وَإِذَا دُعِيتَ بِهِ عَلَى الْأَمْوَاتِ لِلنُّشُورِ انشَبَّتْ
 وَإِذَا دُعِيتَ بِهِ عَلَى الشَّيْءِ الْبَاسِ أَوْ الضَّرِّ الْكَثِفِ
 وَجَلَّانِ وَجْهَكَ الْكَرِيمَ أَكْثَرُ الْوُجُوهِ وَأَجْمَلُ الْوُجُوهِ
 الَّذِي عَمَّتْ لَهُ الْوُجُوهُ وَخَفَّتْ لَهُ الرِّقَابُ وَخَفَّتْ
 لَهُ الْأَمْوَاتُ وَوَحِلَتْ لَهُ الْقُلُوبُ مِنْ مَخَافَتِكَ
 وَيَقُولُكَ الْإِنِّي تَسْلُكُهَا السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ
 إِلَّا بِأَمْرِكَ وَمَسِيكَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْ تَرَوْهَا
 وَمَسِيَّتِكَ الْإِنِّي دَانَ مَا الْعَالَمُونَ وَيَكَلِّمُكَ الْإِنِّي خَلَقْتُ
 بِهَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلْتُكَ الْإِنِّي وَضَعْتُهَا الْإِنِّي
 وَخَلَقْتُ بِهَا الظُّلُمَةَ وَجَعَلْتُهَا لَيْلًا وَجَعَلْتُ اللَّيْلَ
 سَكَنًا وَخَلَقْتُ بِهَا النُّورَ وَجَعَلْتُهَا نَارًا وَجَعَلْتُ السَّمَاءَ
 نُورًا مُبْصِرًا وَخَلَقْتُ بِهَا الشَّمْسَ وَجَعَلْتُ الشَّمْسَ
 ضِيَاءً وَخَلَقْتُ بِهَا الْقَمَرَ وَجَعَلْتُ الْقَمَرَ نُورًا وَخَلَقْتُ

بِالرَّحْمَةِ

وَلِيْنِ زَلْزَلَاتِهَا
 مِنْ أَمْرِكَ

فِي الْكَوَاكِبِ وَجَعَلَهَا نُجُومًا وَرُفَعًا وَصَوَائِحَ وَدَنِينَ
 وَرُجُومًا وَجَعَلَتْ لَهَا مَنَارِقَ وَمَغَارِبَ وَجَعَلَتْ لَهَا
 مَطَالِيعَ وَمَجَارِي وَجَعَلَتْ لَهَا فَلَكَ وَمَسَاجِدَ وَقَدَرَهَا
 فِي السَّمَاءِ مَنَارِكَ فَأَحْسَنْتَ تَقْدِيرَهَا وَصَوَّرَهَا
 فَأَحْسَنْتَ تَصْوِيرَهَا وَأَجْمَعْتَهَا بِأَسْمَائِكَ إِخْلَاصًا
 وَدَبَّرَهَا بِحِكْمَتِكَ تَدْبِيرًا فَأَحْسَنْتَ تَدْبِيرَهَا وَخَرَجَ
 بِيْطَانُ اللَّيْلِ وَسُلْطَانُ الشَّهَارِ وَتَرَقَّتْ لَهَا عِدَّةُ اللَّيْلِ
 وَاللَّيَالِ وَجَعَلَتْ رُؤُوسَهَا لِكُلِّ مَجْمَعِ النَّاسِ مَرَّةً أَوْ لَمَّةً
 وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِحَبْلِكَ الَّذِي كَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَرَبَّ
 رُسُلِكَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمَقْدَسَيْنِ
 فَوْقَ إِيْلَاسِ الْكُرُوبَيْنِ فَوْقَ عِمَارَةِ النُّورِ فَوْقَ نَابُوتِ
 الشَّهَادَةِ فِي عَمُودِ الشَّارِ وَفِي طُورِ سَيْنَاءَ وَفِي
 جَبَلِ حُرَيْرَتِ فِي الْوَادِ الْمُقَدَّسِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ
 مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ مِنَ التَّجْدَةِ وَفِي أَرْضِ مِصْرَ
 بَيْنَ آيَاتِ بَنَاتِ وَيَوْمَ فَرَّقْتَ لِبْنِي إِسْرَافِيلَ الْهَرَمَ
 وَفِي الْبُخَيْرَاتِ الَّتِي خَسَفَتْهَا الْعَجَائِبُ فِي بَحْرِ
 سُورٍ وَعَقَدْتَ مَاءَ الْبَحْرِ فِي قَلْبِ الْهَرَمِ كَالْحَمَارَةِ وَ

وَالسَّامَاءِ

صد ما وعدك

9
الاعظم الاعظم

جاؤت بسبي اسرائيل البحر وتمت كلمتك الحسنى
عليهم بما صبروا واورثهم مشارق الارض ومغاربها
التي باؤت منها للعالمين واغرقت فرعون وجنوده
ومراكبه في البحر وباسمك العظيم الاعظم الامير
الاهل الاحقرم ومحمدك الذي جعلت به
لنبي طيممك عليه السلام في طور سيناء وهداهم
خلائك عليه السلام من قبل في مسجد الحيف وه
لا ترضى صفيتك عليه السلام في بئر سبع وليعقوب
ينسبك عليه السلام في بيت ايل واوقيت لابراهيم
عليه السلام بميثاقك ولا ترضى عليه السلام بحلواتك
ولييعقوب عليه السلام بشهادتك وللمؤمنين بوعداك
وللذاعين باسمائك فاجبت ومحمدك الذي طهر
لمؤمنين عنان على قبة الزمان وبأيدك التي
وقعت على ارض مصر محمدك العزة والفكره بايات
عزيمه ولسلطان القوية وبعزة القدرة وبثان
الكلمة الناقية ويجلاناك فمستلهمنا على اهل
السموات والارض واهل الدنيا والاخرة وبرحمك

وما انت

الَّتِي مَنَنْتَ بِهَا عَلَىٰ أَجْمَعٍ خَلْقِكَ وَاسْتَطَلَعْتَكَ الَّتِي
لَا تَمُوتُ بِهَا عَلَىٰ الْعَالَمِينَ وَمُؤَدَّكَ الَّذِي قَدْ خَرَجَ مِنْ فَرْعِهِ
طُورُ سَيْنَاءَ وَلِعَلَّكَ وَجَلَّ إِلَاحُكَ وَكَبِيرُ بَائِلِكَ وَبِعِزَّتِكَ
وَجَبَرُوتِكَ الَّتِي لَمْ تَسْتَقِلْهَا إِلَّا زَمَنٌ وَانْخَفَضَتْ لَهَا
السَّمَوَاتُ وَأَنْزَجَتْ لَهَا الْعُيُودَ الْأَكْبَرُ وَوَلَدَتْ لَهَا
الْجَوَارُ وَالْأَنْهَارُ وَخَضَعَتْ لَهَا الْجِبَالُ وَسَكَنَتْ لَهَا
الْأَرْضُ مِيمَاتِهَا وَانْسَلَتْ لَهَا الْخَلَائِقُ كُلُّهَا وَهِيَ
خَفَقَتْ لَهَا الرِّيحُ فِي جُزْأِهَا وَحَدَّثَتْ لَهَا الْقِيَمُ
فِي أَنْطَاقِهَا وَبَسْطَاطِكَ الَّذِي عُرِفَتْ لَكَ بِهِ الْعَلِيَّةُ
وَقَرَّ الذُّهُورُ وَحَدَّثَتْ بِهِ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ وَبِكَلَامِكَ
كَلِمَةُ الصِّدْقِ الَّتِي سَبَقَتْ لَا شَيْءًا لَهَا وَوَرِثَتِهَا بِالرَّحْمَةِ
وَأَسْأَلُكَ بِكَرَمِكَ الَّتِي غَلَبَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَتُغَوِّدُ بِجَهَنَّمَ
الَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ لِلْعِبَادِ بِجَعْلِكَ كَمَا وَخَّرَ مُوسَىٰ صَعِيدًا
وَيَحْيَىٰ لَكَ الَّذِي ظَهَرَ عَلَىٰ طُورِ سَيْنَاءَ فَكَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ
وَرَسُولَكَ مُوسَىٰ بْنَ عِمْرَانَ وَبَطَلْتَكَ فِي سَائِمِ بْنِ مَرْيَمَ
فَوَجَّهْتَ فَارَاقَكَ بِجَوَابِ الْمُنَادِيَةِ وَجُودَ الْمَلَكَةِ
الضَّالِّينَ وَخَوَّعَ الْمَلَكَةَ الْمُسَيِّغِينَ وَيَبْرُكَ كَالِكِ الَّتِي

بَارَكْتَ فِيهَا عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ فِي أُمَّةٍ مُحَمَّدٌ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ
وَبَارَكْتَ لِأَخِيكَ صَفِيكَ فِي أُمَّةٍ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ
وَبَارَكْتَ لِعَقُوبِ إِبْرَاهِيمَ إِبْرَاهِيمَ فِي أُمَّةٍ مَرْيَمُ
عَلَيْهَا السَّلَامُ وَبَارَكْتَ لِحَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ
أَبْنَيْهِ وَخَيْرَتِهِ وَوَرِثَتِهِ وَأُمَّتِهِ اللَّهُمَّ وَكَمَا غَضِبْتَ عَنْ
ذَلِكَ وَلَمْ تَنْهَهُ وَأَمْسَاهُ وَلَمْ تَرْهَ صِدْقًا وَعَدًا
أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُبَارِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
آلِ مُحَمَّدٍ وَرَحِمَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا تُصَلِّيَ عَلَى
وَبَارَكْتَ وَرَحِمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ
حَسْبُ مُحَمَّدٍ فَحَالُ الْيَارِبِ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
وَمُرَاجَاتُ خَوَاصِهِ وَهُدَى وَبَعْدَ أَنْ يَكُونُ اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ هَذَا الدُّعَاءِ وَبِمَنَافَاتِ مَنْزِلَةِ الْأَنْبِيَاءِ
وَبِمَا يَسْتَوْلِيهِ كَلِمَةُ التَّضْيِيرِ وَالْمَذْهَبِ الَّذِي لَا
يُحِيطُ بِهِ إِلَّا أَنْتَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْتَ
تُجْعَلُ رَجْمُكَ عَافِيَةً وَتَهْلِكَ أَعْدَاؤُهُمْ فِي الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ وَأَنْ تَرْفَعَهُمْ خَيْرًا لِمَا اسْتَوْجَبُوا وَخَيْرًا لِمَا لَمْ يَسْتَوْجِبُوا
وَلَقَرَبَّ بِهِمْ عَنَّا شَرًّا مِمَّا نَعْتَدُ رَوْسًا مِمَّا نَعْتَدُ أَلَدًا عَلَى لَهْ

کتاب فی قدیمات اکرم الاکرمین فصل

پنجم در نوافل یومیه بر سبیل التفصیل و بیان ذکر اوقات
ادعیه متعلق آن مرویست از اهل بیت طاهرین صلوات الله
علیهم عجیبین که افتتاح نوافل بوقت تکبیر و ادعیه آن در سه
موضع باید نمود اول نوافل ظهر و اول نوافل شب و یک رکعت و در
و در نوافل بعد از الحمد هر سه که خواهد بخواند اما افضل آنست
که در رکعت اول نوافل ظهر قل هو الله احد و در دوم قل یا
ایها الکافرون و در اول نوافل عصر اذ الحله نصر لله یا
الحکم الشکاش یا منلی آن سوره های کوتاه و در اول نوافل مغرب
قل هو الله احد و در دوم قل یا ایها الکافرون و در رکعت دیگر
آمده در اول سوره قل هو الله احد و در دوم قل یا ایها الکافرون
و در رکعت سوم قل سوره حدید تا هو علیم یا فاطم الصمد و در
و در چهارم آخر سوره حشر تا اتر لنا هذا القرآن تا آخر و در
اول و پنجم سوره المائد یا سوره واقعه و در دوم قل هو الله احد
و در اول نوافل شب قل هو الله احد و در دوم قل یا ایها الکافرون
و در رکعت دیگر آمده که هر کس در دو رکعت اول نوافل شب
در هر رکعتی سوره قل هو الله احد بخواند میان او و خدا تعالی هیچ

تا می خواند مگر آنکه گهرزید شود و در رکعت های دیگر مستحب است
 خواندن سوره های طویل مثل کهف و یس و مائده آن اگر وقت
 وفا کند و اگر وقت تنگ باشد در هر قل هو الله احد کافی بود
 و در رکعتی شفع معوذتین و در رکعت و ترقل هو الله احد
 که هر کس درین سه رکعت این سه سوره بخواند فرستاده نکند
 که ای بنده من خون خمره باد تو را که و تترت معبودی گشت و روایت
 دیگر آمده که در هر سه رکعت قل هو الله احد بخواند تا در سه
 رکعت و تترحم قرآن شده باشد که قل هو الله احد ثلث
 قرأنت و در روایت دیگر آمده که حضرت امام رضا علیه السلام
 در هر باب ازین سه رکعت سه مرتبه قل هو الله احد و در رکعت
 سیوم بعد از قل هو الله احد یک مرتبه معوذتین میخواند و در
 رکعت اول نافله صبح قل یا ایها الکافرون و در دویم قل هو
 احد و هر بیت که هر یک سوره اذ انزلت در نافله بخواند
 باشد هرگز نازل نمیشود و نازل و بصاحقه و صبح
 رفتی از آفات میزد تا آنکه باجل مقدر از دنیا رود و در
 وقت موتش رسیده فرشته گری از پیش خدای آید و بر پیشانی
 نشیند و گوید ای ملک الموت یا ولی خدا ملائمت

و مدارا تا کمر بسیار یا دو میل کرد و سوره اذ از زلزلت بسیار
 میخوانده و سوره نیز همین مکالمه نماید پس حالت الحوت گوید
 من از جانب الهی مأمورم که لطاعت او نمایم و تا اذن ندهد
 قبض روحش نکنم پس حجاب از پیش نظرش برگیرد تا من از دل
 خویش در بهشت ملاحظه نماید پس اذن دهد و قبض روحش
 نماید با کمال ملائمت پس هفتاد هزار فرشته مشایخ استسجند
 را داخل بهشت شود و هر کس سوره والعصر در نوافل بخواند
 در روز قیامت نورانی باشد و شکفته و ثامن بهشت رود
 و هر کس سوره انا اعطینا در فرایض و نوافل بسیار بخواند
 خدا تعالی اگر ترائش دهد و مقامش در سایه طوبی در پیش
 حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم باشد و فضایل الهی
 دیگر از سوره قرآن در فرایض و نوافل انشاء الله بعد از این
 مذکور شود و در هر نوافل اکتفا با کمترینها بخیزد و بخواهد
 اگر وقت تنگ باشد یا مشغول ضروری باشد اما تقصیر است
 و اگر نوافل بیانش آنکه بعد از هر دو رکعت نافله ظهر گوید
 اللَّهُمَّ إِنِّي ضَعِيفٌ مُضَعِفٌ فِي رِضَاكَ ضَعِيفٌ وَخَدَّ
 إِلَى الْخَيْرِ بِرِضَايَتِي وَأَجْعَلْ الْإِيمَانَ مُنْتَهَى رِضَايَتِي

وَبَارِكْ فَمَا قَبِيتَ لِي وَبَلِّغْنِي رَحْمَتِكَ كُلَّ لَيْلَةٍ أَرْجُوَنَّكَ
وَأَجْعَلْ لِي وَدَّ أَوْسَدُورِ الْمُؤْمِنِينَ وَعَهْدًا عِنْدَكَ
وَأَكْرِمْ جِدَّةَ الْفَرِيقِ الْمَقْرِبِ هَرَبَ وَبَعْضَهُمْ حَرَسَ حَبِيبَةَ
هَفَّتْ مِنْهُ بِكُودِ الْأَهْمَرِ لِي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْأَكْرَمِ
وَبِأَسْمَائِكَ الْعَظِيمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُعَفِّرَ
عَنِّي الذَّنْبَ الْعَظِيمَ كَمَا هَانِي أَمْرِي بِهِ شُؤْدَ وَبَعْدَ نَهْدِ
رَكْعَتِ نَوَافِلِ سَبْكَوَيْدِ الْأَهْمَرِ لِي أَسْأَلُكَ وَكَلِمَتَانِ
مِثْلَكَ أَنتَ تَوْضِيعُ مُسْتَلْكَ السَّائِلِينَ وَمُسْتَهْدِي الْمَغْتَنِي
الرَّاحِينَ أَدْعُوكَ وَلَمْ يُدْعَ مِثْلَكَ وَأَرْغَبُ إِلَيْكَ
وَلَمْ يُرْغَبْ إِلَيَّ مِثْلَكَ أَنتَ حَبِيبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ
وَأَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ أَسْأَلُكَ بِأَفْضَلِ الْمَسَائِلِ وَالْأَحْجَاوِ
أَعْظَمِهَا يَا اللَّهُ يَا أَهْلَ بَارِحِيهِ وَيَا سَامَكَ الْحُسْنَى
وَأَسْأَلُكَ الْعُلْيَا وَتَعَالَى الْفَوْقِ لَا تُعْصِي وَيَا أَرْحَمَ
أَسْمَائِكَ عَلَيْكَ وَاجْتَمِعَا إِلَيْكَ وَأَقْرِبَا مِنْكَ وَ
وَسَبِّحْهُ وَأَسْرِفْهَا عِنْدَ الْغَضَائِزِ وَابْعَثْهَا إِلَيْكَ
وَأَبَاوَلَسْرِفْهَا فِي الْأُمُورِ الْجَلِيلَةِ وَيَا سَامَكَ الْكَفَرُونَ
الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ الَّذِي هَبَّ وَهَوَّيَ

وَرَضِيَ بِهِ مُحَمَّدٌ دَعَاكَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَائِهِ وَحَسْبُ عَلَيْكَ
أَنْ لَا تَقْصِرَ مَا سَأَلَكَ وَلَا تَرُدَّهُ وَيَكُلَّ اسْمُ هَوْلِكَ
فِي التَّوْزِيَةِ وَالْإِجْبَالِ وَالزُّبُورِ وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ
وَيَكُلَّ اسْمُ دَعَاكَ بِهِ حَمْدُ عَرْشِكَ وَمَلَأَ عَمَلُكَ
وَأَنْبَاءُكَ وَوَسَائِلُكَ وَأَهْلُ طَاعَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ أَنْ
تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُعْجَلَ فَرَجَ وَلِيِّكَ يَا
وَلِيَّكَ وَتُعْجَلَ خَيْرَ أَغْدَاثِهِ وَتُعْجَلَ مِنْ أَصْحَابِهِ وَه
أَنْصَارِهِ وَرُزْقَائِهِ رَجَاءً أَوْ تَسْتَجِيبَ بِهِ دُعَاءَ مَا
وَبَعْدَ ذَلِكَ هَتَمَ بِكُودِ اللَّهِ إِلَى أَشْأَلِكِ بِحُرْمَةِ
مَنْ عَادَيْكَ وَبِجَا إِلَى عَرْشِكَ وَاسْتَظْلَ بِفَيْضِكَ وَأَعْتَصَمَ
بِحَبْلِكَ وَكَوْنُكَ الْإِلَهِيَّةِ الْإِجْبَالِ الْعَظِيمِ يَا مُطْلُو الْأَلْهَاءِ
يَا مَنْ سَمِيَ نَفْسُهُ مِنْ جُودِهِ وَهَابًا أَدْعُوكَ رَغْبًا وَرَهْبًا
وَعُوقًا وَطَمَعًا وَتَحَاكًا وَلِئَالًا فَانْصَرَعَا وَتَمَلَّقَا
وَقَالَمَا وَقَاعِدًا أَوْ رَاكِبًا وَسَاجِدًا وَرَاكِبًا وَمَالًا
وَدَاهِيًا وَسَائِيًا وَفِي كُلِّ أَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُعْجَلَ مِنْ فَضْلِكَ خَيْرَ مَا سَأَلَكَ
سَائِلٌ وَأَعِزِّي بِرَحْمَتِكَ مِنَ السُّعَادَةِ مِنْهُ عَائِدٌ

ويعبدونك كما يعبدون الله تعالى فاعلم انك في هذا الليل
المتضرعون وقد صدقت فيه الفاضلون واشك فضلك
ومعروفك الظالمون ولك في هذا الليل نقاشات و
جواثر وعطايا ومواهب ممن بها على من كشاً من عبادك
ومنعها ومن لم يسبق له العناية منك وما اذا نقيت
الفقير اليك الموتى فضلك ومعروفك فان كنت
بالمولاى تفضلت على احد من خلقك وعدت عليه
بما تدبر من عطفتك فصل على محمد وآل محمد الطيبين
الطاهرين الخيبرين الفاضلين وجد على بفضلك
يطولك ومعروفك وصبرك ما يارب العالمين
ومل على محمد خاتم النبيين وآله الطاهرين الذين
اذميت الله عنهم الرحمن وطهرتهم تطهيراً انك حميد
مجيد اللهم انى ادعوك كما امرتني فاستجب الي
كما وعدتني انك لا تخلف البعاد ودقنست
وتزكيد لا اله الا الله المخلص الكريم لا اله الا الله
العل العظيم سبحان الله رب السموات السبع ورب
الارضين السبع وما فيهن وما بينهن وما تحتهن

وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ مُورِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَنْتَ اللَّهُ رَزِقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَنْتَ اللَّهُ جَالُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَنْتَ اللَّهُ عِمَادُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَنْتَ اللَّهُ قَوَامُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَنْتَ اللَّهُ صَرْحُ الْمُسْتَضِيعِينَ وَأَنْتَ اللَّهُ غِيَاثُ الْمُسْتَغِيثِينَ وَأَنْتَ اللَّهُ الْخَارِجُ عَنِ الْمَكْرُوبِينَ وَأَنْتَ اللَّهُ الْخَارِجُ عَنِ الْغَمَمِ مِنَ وَأَنْتَ اللَّهُ مُجِيبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ وَأَنْتَ اللَّهُ إِلَهُ الْعَالَمِينَ وَأَنْتَ اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ وَأَنْتَ اللَّهُ كَارِيهُ الشُّرُوكِ وَأَنْتَ اللَّهُ بَارِكُ مُنْزَلِ كُلِّ حَاجَةٍ يَا اللَّهُ لَيْسَ بِكَ غَضَبُكَ إِلَّا حِلْمُكَ وَلَا يَنْجِي مِنْ عَذَابِكَ إِلَّا رَحْمَتُكَ وَلَا يَنْجِي مِنْكَ إِلَّا التَّضَرُّعُ إِلَيْكَ فَصَلِّ إِلَيْهِ كَذَلِكَ يَا إِلَهِي رَحْمَةً تُغْنِيَنِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي بِهَا أَحْيَيْتَ جَمِيعَ مَا فِي الْبِلَادِ وَبِهَا أَنْشَرْتُمْنِي مِنَ الْعِبَادِ وَلَا تَهْلِكْنِي عَمَّا أَحْيَيْتَ لِي وَرَحْمَتِي وَتَغْنِيَنِي إِلَّا سَجْدَةً فِي دُعَائِي وَتَرْزُقْنِي الْعَافِيَةَ إِلَى مَمَاتِي أَجَلِي وَأَقْلَبْنِي عَذْرَتِي وَلَا تُسَمِّتْ بِي عَذْرَتِي وَلَا تَمْلِكْنِي فِي رَقَبَتِي اللَّهُمَّ إِنْ رَضَيْتَنِي لِمَنْ وَالَّذِي يَصْعَقُنِي وَإِنْ

وَصَغَفَنِي مَنْ ذَا الَّذِي يَرْفَعُنِي وَإِنْ أَهْلَكَ مَتَى مَنْ ذَا الَّذِي
يَحُولُ بِنَاكَ وَيُنِي أَوْ يَتَعَدَّنِي أَنْ يَنْتَهِي مِنْ أَمْرِي
وَقَدْ عَلِمْتُ أَنْ كَيْسَ فِي صُحُوكَ ظُلْمٌ وَلَا فِي نَقْمَتِكَ
عِجْلَةٌ إِنَّمَا يَفْعَلُ مِنْ خِثَاثِ الْعَوْتِ وَإِنَّمَا يَحْتَاجُ
إِلَى الظُّلُمِ الضَّعِيفُ وَقَدْ نَعَاكَ عَنْ ذَلِكَ يَا أَلْهِى فَلَا
تَجْعَلْنِي لِلْبَلَاءِ عَرَضًا وَلَا لِلنَّقْمَتِ نَصَبًا وَمَهْلِكًا وَ
تَقْصِي وَأَقْلِبْنِي عَذْرَتِي وَلَا تُشِيعْنِي سِبَالًا عَلَى الرُّبَالَةِ
فَقَدْ رَى صَغْفِي وَفَلَّهِ حِيلَتِي أَسْتَعِذُّ بِكَ الْيَسِيدَةَ
فَاعِذْنِي وَأَسْجُدُ بِكَ مِنَ الشَّارِ فَأَجِرْنِي وَأَسْأَلُكَ
الْجَنَّةَ فَلَا أَجْرَ مِنِّي لِعَبْدٍ إِنْ دَسَّهَارَ الْفَكْرِ بَلَدٌ كَرِيهُ
وَيَكُونُ دُجْمَتٌ وَجَحِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ خَفِيفًا
مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الشُّرَحِ كَيْفَ إِنْ صَلَوَتِي وَتُسْلِي وَحَيَا
وَمَا فِي يَدَيْكَ الْعَالَمِينَ لَا تُشْرِكْ لَكَ وَبِذَلِكَ أَمَرْتُ
وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ
عَلَى مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَأُولَى الْعَرْشِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ
وَالْأَنْبِيَاءِ الْمُتَّقِينَ وَالْأَئِمَّةِ الَّذِينَ أَسْمَدُوا أَوْ لَوْحِهِمْ
وَآخِرُهُمُ اللَّهُمَّ عَذِّبْ لِقَوْمِ الْكِتَابِ وَجَمِيعِ

الْمُسْلِمِينَ فَمَنْ ضَارِعَهُمْ مِنْ السَّائِفِينَ فَأَنَّهُمْ يَتَقَلَّبُونَ
 فِي نَعِيمَاتٍ وَيَجْعَلُونَ الْحَمْدَ لِقُرْبِكَ فَتَعَالَى كَيْسُ
 عِبَادِكَ لَوْ أَنَّ عَمَّا يَصِفُونَ عَلَمًا كَبِيرًا اللَّهُمَّ الرَّؤُوسَا
 وَالْقَادَةَ وَالْإِتِّبَاعَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ الَّذِينَ
 صَدَّقُوا عَنْ سَبِيلِكَ اللَّهُمَّ أَنْزِلْ بِهِمْ بَأْسَكَ وَتَقْنِكَ
 فَأَنَّهُمْ لَكَدْ بَوَّأُوا عَلَى رُسُوكَ وَبَدَّكَ كَوَائِفَكَ وَأَفْضَلُوا
 عِبَادَكَ وَحَرَقُوا كِتَابَكَ وَغَيَّرُوا اسْمَكَ نَبِيَّكَ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ
 وَعَلَى أَتَمِّهِ لِمُحَمَّدٍ الرَّاسِخِينَ الْمُتَهَدِّينَ
 بعد از آن برای چهل کس از مؤمنین دعا کند بفرمایند یا فرما
 هر چه بخواهد بخردی بود و بعد از آن دعا چهل مؤمن دعا کند
 برای خود کند مستجاب شود بعد از آن دست چپ را باز
 دارد و با دست راست تسبیح بشمارد و عشاء هر چه بگوید
 اَسْتَغْفِرُ اللهَ وَاَكُوْبُ الْكِبْرَ كَهَرَسْ یکسان در قنوت
 و تبرع عشاء است عفا رمد او مت ناید از جناب الهی مقدر
 کنهانش واجب شود و از جمله مؤمنانی باشد که خدا تعالی
 در قرآن مجید وصف نموده و فرموده وَلِلّٰهِ تَسْتَغْفِرُ بِالْاِخْلَاصِ

العين ۳

اللهم العنهم واتباعهم
 واوليائهم واعدائهم
 وحبشهم واکثرهم و
 اتباعهم الى يوم الدين

۵

فهمان قنوت ۳

وَجَوْنِ اَزْوَاجِ سِرِّ دَارِ اِيَسْتَلِمُ بِكُوَيْدِ هَذَا مَقَامِ مَرْتِ
حَسَنَاتِهِ لِقَمَةِ مَنَّاكَ حَسَنَاتِهِ لِقَمَةِ مَنَّاكَ وَذُنُوبُهُ عَظِيمٌ
وَشُكْرُهُ قَلِيلٌ وَلَيْسَ لَكَ اِلَّا الْعُقُولُ وَرَحْمَتُكَ
الْحَيُّ الْمُبِيتُ وَالْأَمَلُ وَذُخَايَتُكَ اِلَّا الدِّيَارُ وَمَا كَفَ
الْعِصْمَ قَدْ تَعَطَّلَتْ اَلْعَمَلِيَّةُ وَمَذَاهِبُ الْعُقُولِ قَدْ
سُحِبَتْ اَلْيَاثُ فَانْتَ الرَّجَاءُ وَالْيَاثُ لِلْمَجَانِ اَكْرَمُ
مَقْصُودٍ وَاَيُّ اَجْوَدَ مَسْئُولٍ مَرِئُ اَلْيَاثُ تَقْبَلُ اَلْمَجَانِ
اَلْمَارِئُ بِاَقْصَا اَلْمَدْنُوبِ اَحْمَلُهَا عَلَى ظَهْرِ اَلْأَمَلِ
اَلْيَاثُ سَاوِيَا سَوَى مَعْرِفَتِي اَنْتَ اَقْرَبُ مَنَّاكَ
اَلْيَاثُ لِلْفُطْرَانِ وَآمَلُ مَا لَدُنِيهِ الرَّاعُونَ يَأْتُونَ
اَلْعُقُولُ بِمَعْرِفَتِهِ وَاطْلُقْ اَلْأَلْسُنَ بِحَيْدِهِ وَجَعَلْ مَا
اَمْتَنَ بِهِ عَلَى خَلْقِهِ كَفَاءً لِنَادِيهِ حَقِّهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَاَلْحَمْدُ وَلَا تَقْصِلْ لِلْمُهْمُومِ عَلَى عَمَلِي سَبِيلًا وَلَا
لِلْبَاطِلِ عَلَى عَمَلِي سَبِيلًا اَللَّهُمَّ اَنْتَ قُلْتَ فِي عَهْدِكَ
سَكَنًا لِي عَلَى اَلْيَاثِ نَيْبِكَ لِمُرْسَلِ عَمَلِي وَاللَّهُ
اَلْسَلَامُ كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اَللَّيْلِ مَا يَجْعَلُونَ وَيَا اَسْطَوْرَتِ
لَيْسَ تَعْرِفُونَ طَلَّ اَلْجُحْمُ وَقَدْ قِيَامِي وَهَذَا السَّحَرُ وَاَنَا

اسْتَغْفِرُكَ رَبِّ اَسْتَغْفِرُكَ مِنْ لَآ عَمَلِكَ لِنَفْسِ نَفْعًا
 وَلَا ضَرًّا وَلَا مَكْرًا وَلَا حَيَاةً وَلَا مَوْتًا وَلَا نُورًا وَلَا ظِلًّا
 سَلَامٌ وَعَدٌ وَيَكُونُ اَنَا ذِيكَ يَا مُوْجِدِي كُلِّ مَكَانٍ لَعَلَّكَ
 تَسْمَعُ دُعَائِي فَقَدْ عَظُمَ جُرْحِي وَقُلْ يَا مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ
 اِنِّي اَكْثَرُ اِلَآهًا اَتَدَّ كُرْسِيَّ اِيَّهَا الْبَنَى وَكُلُّهُمْ يَكُنْ اِلَآ
 لَوْنُ لَكُمُ الْكَيْفَ وَمَا بَعْدَ اللَّوْنِ اَعْظَمُ وَاَذْهَى مَوْلَايَ
 يَا مَوْلَايَ حَتَّى مَتَى وَاِلَى اَمَتِي اَقُولُ لَكَ الْعُسْبَى مَرَّةً بَعْدَ
 اُخْرَى اَلَمْ تَلْجِدْ عِنْدِي صَدَقًا وَلَا وِفَاءً فَيَا اَعُوْذُكَ
 نَشْرًا وَاَعُوْذُكَ بِكَ يَا اَللهُ لَنْتُمْ هَوَى قَدْ خَلَسَ وَمِنْ
 عُدُوِّ قَدْ اسْتَكْبَلَ عَلَيَّ وَمِنْ دُنْيَا قَدْ تَنَقَّيْتُ لِي وَمِنْ
 نَفْسٍ اَتَارِدُ بِالسُّوْرِ اَلَا لِمَا رَحِمَ رَبِّي مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ
 اِنْ كُنْتُ رَحِمْتَ مِسْلِي فَارْحَمْنِي وَاِنْ كُنْتُ قَبْلَكَ
 مِسْلِي فَاقْبَلْنِي يَا قَابِلَ السَّعْدَةِ اَقْبَلْنِي يَا مَنْ لَمْ اَزَلْ
 اَتَعَرَّفُ مِنْهُ لِنَفْسِي يَا مَنْ يُعَذِّبُنِي بِالنِّعَمِ صَبَاحًا
 مَسَاءً اَرْضَعْنِي يَوْمَ اَمْنِكَ فَرْدًا اَسَاحِصًا اِلَيْكَ بِصُرْبِي
 مَقْلَدًا اَعْمَلِي قَدْ تَكَبَّرَ جَمِيعُ الْخَلَائِقِ مِنِّي نِعَمًا اِنِّي وَاَقْبَى
 وَمَنْ كَانَ كَلَامِي وَصَحْفِي قَابِلًا لَمْ تَرْحَمْنِي فَمَنْ يَرْحَمْنِي

وَمَنْ يُؤْمِنْ فِي الْقَبْرِ وَحْشَةً مِنْ نَبْطٍ لِيَأْتِي إِذَا انْخَلَتْ
 يَعْلَمُ وَسَأَلْتُ عَنْ ذَلِكَ أَغْلُو حَتَّى كَانَ قُلْتُ لَكُمْ
 فَأَمِنَ الْمُعَرَّبُ مِنْ ذَلِكَ وَإِنْ قُلْتُ لَمْ أَفْعَلْ قُلْتُ
 أَلَمْ أَكُنِ الشَّاهِدَ عَلَيْكَ فَقَعُوكَ عَقُوكَ يَا مُوَلَايَ
 قَبْلَ أَنْ تُلَيِّنَ الْأَبْدَانِ سَمِ اسْمُ الْقَطْرِ أَنْ عَقُوكَ
 عَقُوكَ يَا مُوَلَايَ قَبْلَ أَنْ تَعْلَلَ الْأَيْدِي فِي الْأَصْفَادِ
 يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَخَيْرَ الْغَافِقِينَ وَبِعَبْدَانِ تَقْلُجِ
 مَتَابَعَتِ كِبَرِيَّاتِ رَأْسِ رُؤْيِ قَبْلَ تَكِيدِ كَيْدِ خَالِدِ مَتَابَعَتِ
 دَرْجِدِ ضَاوِدِ وَدَسْتُ رَأْسَ بَرِزِ رُؤْيِ بَلْكَارِ دَوْخِ الْيَمَةِ
 أَرْسُوهُ الْعَمْرَانِ أَرَى فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مَا أَلَدُ
 لَا يَصْلُفُ لِلْبِعَادِ هُوَ أَنْفَاسِ بَكْوِدِ أَسْفَلَتْ يُعْرَفُ
 الْوُثْقَى الَّتِي لَا انْقِصَامَ لَهَا وَأَعْتَمَّتْ بِحَبْلِ اللَّهِ الْمُنِينِ
 وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ سَرِّ قَسْفَةِ الْعَرَبِ وَالْعَمْرِ وَمِنْ سَرِّ
 قَسْفَةِ الْجَنِّ وَالْأَنْسِ رَبِّي اللَّهُ رَبِّي اللَّهُ أَمْسَتْ بِأَفْئِدَةٍ
 تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ لَا يَجُورُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ
 عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ
 لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا حَسْبِيَ اللَّهُ وَلَعَلَّ الْوَكِيلَ اللَّهُمَّ

بَقِي

من أصبح وكل حاجته الى مخلوق فان حاجتي ورضيتي
اليك وحدك يا محمد بن عبد الله ارحم الراحمين الرب الصالح الخلد
لغياق الامم صباح الحمد لنا نزل الامم الاحمد لغاير
المعاير الحمد لله جامع السبل اسكت او الشمن و
التمج حسبا باذ لك تقدير العزيز العظيم اللهم
صل على محمد وآله محمد واجعل لي قلبي نور كوني
بصري نور وعلى لساني نور وامن بين يدي نور وامن
خلفي نور واكرم عيني نور وامن ثماني نور وامن قلبي
نور وامن عني نور واعظم لي النور واجعل لي نور
امتي في الناس ولا تخير مني نورك يوم القسامة
وهرن بعد از نافله حج صد مرتبه صلوة بر خیر علی الله علیه وآله
وسلم والش فرستد خدا تعالی روی او را از حرارت دوزخ
نکاه دارد و اگر صد مرتبه سبحان ربك العظيم و بحمد
استغفر الله و اتوب اليه خاتمه در هیئت برایش بنا کند
و اگر بیست و یک مرتبه قل هو الله احد بخواند خاتمه دیگر بنا کند
و اگر بیست و یک مرتبه بخواند که هائیک یا مازد و چون از سجده
سپیده رکعت نماز شب فارغ شود این دعا را صحیفه کامله

بخواند اللهم يا ذا الملأين المستأين بالخلود والظلال
تا آخر دعوانه لا ياتك الضرر من شيء فقال که در
انشای نماز تو انکه در هر وقت از اهل بیت طاهر علیهم السلام
که در انشای نماز در هر آنجا که باشد هر چه دعا و مناجات
با خدا او ذکر خدا و ذکر حضرت خیر مصلی الله علیه و آله وسلم
باشد تو این که در نماز خارج نباشد و هر کس در انشای هر فعل
از افعال نماز مثل رکوع و سجود و غیر آن بگوید صلی الله علی
محمد و آل محمد آن فعل مضاعف نوشته شود و اگر در نماز
ذکر آن حضرت بگذرد و صلوٰه فرستد ده حشره نوشته شود
همچند فرستد و بگذرد که هر کس در انشاء نماز صلوٰه فرستد
بجانب او بیست و یک بار که هر کس امر انصیب باشد ثبت کنند
و هر حاجت که خواهد برای دنیا و آخرت در انشاء نماز خواست
خواست مخصوصا در سجده که بنده در سجده نذر کند که
خدا یا تعالی از جمیع احوال و کرب و گرفتاری در نماز آن بنده و او را
شوق خفت و خوف نماز تو چشم من و افضل اعمال است
برای ذکر اموات نماز اقطع کند و اگر در انشای نماز عطسه کند
یا عطسه دیگر برایش شود حمد و صلوٰه فرستد و اگر کسی بر سر

۱۵
بگوید

جواب بگوید همان لفظ که او گفت سلام علیکم یا السلام علیکم
و آواز بلند کند مگر اگر توانا باشد بگوید و بجا نیاید و با آنکه
اشاره کند اما روایات آمده که چون کسی نماز باشد و سلام
نکند فصل در آداب جماعت و آن دو قسم است
یکی آداب منطلق با امام دوم آداب ملحق با مردم و چون امام یا آدمی
خود اعرف است از آنکه دین بحسب وجه حاجت بندگانش از کثافت
بندگرو آداب ماعوم نموده گوئیم هر وقت از اهل بیت ظاهرین
علیه السلام اگر کسی نماز یا نفراد کرده باشد بعد از آن جماعتی بود
افضل نیست که احاده کنند که خدا تعالی هر کدام را دست
دارد بقرضه و آن دیگر بر این افاضه حساب کند و اگر گفت
یا نفراد کرده بود نیست نافله کند و سلام دهد پس نماز
جماعت بگذارد اگر یک رکعت گذارده باشد نیست نافله کند
نموده یک رکعت دیگر آن هم کند و سلام دهد و اگر تمام مردم
یک نفر باشد در پهلوی راست امام یا میستند و اگر یک زن باشد
در پشت سر یا میستند بجا این راست و اگر یک مرد باشد و زن
خواه یکی و خواه بیشتر مرد در پهلوی راست زن در عقب
بایستد و اگر زیاد از یک مرد باشد همه در عقب بایستد

و اگر ما موم در پهلوی امام ایستاده باشد و در أثناء نماز
دیگری برسد یا امام پیشتر رود و موم بپایان آید و اگر این موم
آخر بعد از رکوع و کلمات آخر رسیده باشد امام پیش رود و نه ما موم
پس آید بلکه این موم بیست امام بنشیند و چون امام سلام
دهد برخواستند و خود را تمام کنند و میان امام و صف اول
و همچنین میان هر دو صف فاصله زیاده از آنکه سجده تواند کرد
نباشد مرویت که اگر فاصله بیشتر باشد آن امام برای ایشان
امام نباشد و اصل هر صف دوش بدوش یا بیست و پنج و پس
نباشند و در میانه فوج خالی نگذارند تا شیطان را نشان
دهد نباید و اگر در صف بیشتر موضعی خالی بیند بروقت آن موم
بگیرد اگر چه در أثناء نماز باشد مرویت که هر گاه کسی پیش خدا
دوست تر از گاه می نیست که برداری تا صف خطی و اگر کسی امام را
انشاء نماز بصف عقب شوالین رفت مگر آنکه جائزگی کند که در وقت
بر پیش و پس هر جا و سعی گمان کند تواند حرکت کرد و یا شاکس
تنها در صف نایستد مگر آنکه در صفوف جلایا بیک درین وقت
تواند آنها ایستاد اما چنان ایستد که محاذی امام نباشد
و اگر امام در زمین می ایستد یا ایستد و ما مومین در وضو می ایستند

مثل بام یا سکنی بایستند چنانچه بود اما عکس آن جایز نبود
اینکه بگویند سر از تو باشد که بعضی موضع بقیه ریان انگشت
یا که بیست و نوبت تر باشد که در توفیق جایز است و امام
برنج بلند بایستد و میان امام و امام اگر برده یا دیواری یا
باشد نماز مأموم جایز نباشد مگر کسی که در برابر او باشد اما
سطوح که در مساجد میان صفوف واقع میشود ضرر ندارد
و چون امام قرائت کند مأموم را بخواند قرائت کرد
مرویت که اگر کسی با امامی که او را می باشد و اقتدا میکند
قراءت کند چون بیرون بر غیر فطرت اسلام محسوس شود بلکه
از نماز انقطاع باشد مأموم برای خود ذکر کند و اگر جمعی باشد
و صدای امام بشنود اگر چه در همین همه را بشنود و تکلیف است
عین کند که در آن ذکر و اگر جمعی باشد و صدای امام حتی هر
هم نرسد انقطاع نیست مگر مأموم خواست قرائت کند و اگر
انقطاع است امام نیز کند بجز آنکه بود و سایر اوقات و افعالی را
خوبیها اقتداء و نباید در افعال قیام و قعود و رکوع و سجود
تابع امام باشد و پیش از آنکه پیش از نماز ذکر و تشهد
که اگر امام تشهد بطول دهد و مأموم را خبر و زنی باشد تواند

اگر پیش از امام سلام دهد و بر دوشها موم بپاشد ادعیه و اقرار را
 گوید و صدای خود را بلند تر سازد و چون امام از قرائت مرعوف
 شود و همچنین چون همگی از رکوع سمع الله صلی الله علیه و آله گویند یا موم
 بگویند الحمد لله رب العالمین و یا موم سمع الله صلی الله علیه و آله گویند
 و اگر موم در آغوش نماز یا امام رسد تکبیر اتمام بگویند و قرائت
 نماز شود هر جای که نماز باشد پس اگر رکوع را یا امام در یا یا الله
 حساب کند و اگر بعد از رکوع امام در سجود یا تشهد در حال نشود
 آن فصل را یا امام بجای پیار و اگر سجده الشریقه یا تشهد آخر نماز
 یا تشهد که فصل جماعت را پایان در یا یا الله یا آخر هر رکوع حساب
 نکنند و آن قرائتی باشد که در سجده و چون امام سلام دهد
 او سلام نداده بر خیزد و هر چه از نمازش مانده تمام کند
 و اگر سه و اسلام دهد ضرر ندارد بر خیزد و نماز تمام کند اگر چه
 بعد از سلام دعا خوانده زده باشد یعنی سلامش از روی
 سهوشده ضرر ندارد و بعد از نماز سجده سهو کند و اگر رکوع
 رکوع را از امام نشنیده باشد احتیاطا اینست که در آن
 رکوع داخل نشود بلکه چون امام سر بردارد و تشهد شود و ظهر
 امام تشهد خواند و نیز بخواند اگر چه در موضع تشهد خود تشهد بخواند

تسبیح بخواند

که تشهد برکت است بعد از هر صورت بر سر پاشیند و در
 بر زمین نه نشینند چون موضع تشهد بخودش رسد نشسته
 تشهد بخواند و روزه بر خیزد تا با امام ملحق شود و اگر رکعت
 دوم امام برسد با امام قنوت بخواند و همین قنوت از قنوت
 خروجه عجزی بود و اگر یکمسیب دوم و چهارم امام اول و دوم و
 باشد پس اگر امام پنج گوید یا خود الحمد و سوره بخواند و اگر
 امام رکوع کند و فرصت سوره خواندن نشود همان الحمد عجزی
 بود اما اگر امام قنوت کند نماز اخفای باشد و قنوت
 نکند و اگر عجزی باشد چون نماز تمام را نیشود و خود قنوت
 کند و اگر کسی از دو رکعتی باشد و پیش از تمام در رکعت یا رکوع
 میرود و ترسد که تا نصف نرسند آن امام سر بردارد و همانجا
 باشد رکوع کند خواه مجوز یا نه بکشد بعد از آن برخواستند
 نصف ملحق شود و اگر پیش از آنکه امام سر از رکوع یا مجوز بردارد
 ما موم سر بردارد باز سر بکشد تا با امام برخیزد و اگر کسی با
 امام رکوع کند و بسبب کثرت و از چهارم مجوز نتواند
 کرد تا آنکه داخل رکعت دیگر شود درین رکعت با امام رکوع نکند
 و بنیت رکعت سابق مجوز با امام کند که آن رکوع باین مجوز

اگر کسی در نماز باشد و رکوع را نیشود و خود قنوت نکند و اگر کسی از دو رکعتی باشد و پیش از تمام در رکعت یا رکوع میرود و ترسد که تا نصف نرسند آن امام سر بردارد و همانجا باشد رکوع کند خواه مجوز یا نه بکشد بعد از آن برخواستند نصف ملحق شود و اگر پیش از آنکه امام سر از رکوع یا مجوز بردارد ما موم سر بردارد باز سر بکشد تا با امام برخیزد و اگر کسی با امام رکوع کند و بسبب کثرت و از چهارم مجوز نتواند کرد تا آنکه داخل رکعت دیگر شود درین رکعت با امام رکوع نکند و بنیت رکعت سابق مجوز با امام کند که آن رکوع باین مجوز

مجموع یک رکعت شود و اگر سجده سببیت همین رکعت کرده باشند این
 سجده هیچ رکعت حساب نشود بلکه سجده دیگری سببیت رکعت
 سابقه کند تا آن تمام شود و اگر سببیت از تمام رکوع نیز از رو
 بوقت شود تنها رکوع سجده کند بعد از آن با امام مطلق شود و اگر
 از نماز جمعه یک رکعت را با امام در ایام چون امام سلام دهد
 یک رکعت دیگر تنها بگذارد و اگر بعد از رکوع آخر با امام رسد چنانچه
 رکعت نماز ظهر بگذارد فصل پنجم در احکام
 و شک و غرض از تفسیر احادیث و صفات لغوی احکام مهم و و شک
 بدانکه احادیثی است که علم حکم و احوال علی کلام در احکام
 اختلاف عظیم دارند و لکن الله آنچه را بخواهد و لکن الله
 یا حی یا قیوم باشد درین فصل بیان نماند و پیش از شروع
 در مطلب شرح این الفاظ نموده گوشه سه و آنست که یقین دانست
 که چیزی که از یاد ما کم کرده و شک آنست که غلط و نادر و باشد
 میان دو چیز یا بیشتر یا بیشتر است که هیچکدام را بر دیگری ترجیح
 نماند و از وطن آنست که بعضی را بجهان دهد و گمانش بر آن
 بیشتر باشد اما یقین نماند و وطن در جمیع احکامی که مذکور
 خواهد حکم یقین دارد باین معنی که هر جا یقین داشته باشد چه

باید کرد اکنون داشته باشد همان کند چون ایضاً دانستی بدانند
سه و شش در نماز و تعلقست بیکم در رکعات یا باجزای نماز
اما اگر در عدد رکعات باشد پس اگر یک رکعت یا پیشتر نماز
نقصان کند خوله نماز دور رکعتی و سه رکعتی باشد خواه پیشتر
اگر هنوز روز از قبلین نکرده باشد باشد هر چه نقصان شده
بجا بیاورد تا نمازش تمام شود اگر چه فاصله بسیار شده باشد
و اگر چه روزه زده باشد یا حدی قمری کرده باشد اما اگر حروف
زده باشد بعد از نماز بخند و سهو کند و اگر حدیث کرده باشد
و ضرر سازد و اگر روز قبلین کرده باشد باشد احتیاط اینست که
نماز را اعاده کند و اگر یک رکعت یا پیشتر در نماز تعیین داد که
زیاد شد و هر نماز که باشد پس اگر در رکعتی که سلام یا نیست و
تشهد خواند باشد نمازش تمام بود و چیزی بر او لازم نباشد
و این زیاده اگر یک رکعت باشد اگر خواهد یک رکعت دیگر با آن
ضم کند تا نافله شود و اگر در آن رکعت تشهد خواند بلکه رکعت
زیادی را متصل نماز متصل کرده باشد نماز را اعاده کند و اگر
نداند تشهد خوانده یا نه بنشیند و تشهد و سلام بگوید پس اگر
دو رکعت نشسته بگذارد و آن رکعت را ایضا اضافه کند تا نافله شود

و هر این حقوق در صورتی است که سه رکعت تمام شدن رکعت نایب
بخطا و سه رکعت اگر میان سجده خطا باشد احتیاط اینست که
سین تفصیل عمل نماید اگر بعد از رکوع یا پیش از آن خطا باشد
سلام دهد و احتیاط سجده سهو کند و اگر شاک کند که نماز کم
یا زیاد شده و باشد یلشاک کند که تمام یا کم یا زیاد شده و هیچکدام
یقین ندارد سلام دهد و سجده سهو کند و اگر در نماز دو رکعتی
خروج و خواهجهت و خواه نماز سفر و همچنین در نماز شام و عین
دو رکعت اول نماز چهار رکعتی شاک کند چه پیشینی که یقین ندارد
که دو رکعت تمام گذارده افضل و اقرب با احتیاط اینست که
نماز انشاء کند اما اگر در نماز چهار رکعتی دو رکعت تمام یقین
داند و شاک کند میان دو و سه یا نهی که رکعتی تمام شده
نماز که دوم بود یا سوم یا میان سه و چهار یا میان دو و چهار
یا میان دو و سه و چهار شاک کند بنا بر آنکه اگر دو یا چهار
رکعت تمام کند و سلام دهد بعد از آن اگر شاک میان دو و سه
یا میان دو و چهار باشد دو رکعت احتیاط ایستاده بگذارد
و اگر میان سه و چهار باشد دو رکعت نشسته و اگر میان دو
و سه و چهار باشد دو رکعت ایستاده و دو رکعت نشسته

نماز تمام باشد رکعت‌های احتیاط فاضله حساب شود و اگر کم باشد
برکت احتیاط تمام شود و در رکعت‌ها احتیاط هر یک بر اثر کم بود
و الحمد تنها خواند و در هر یک کلام ازین بقول مجده سه و نباید
و اگر شاکت سه و در افعال نماز باشد پس در هر فعل که سه و باشد
کند و محل آن فعل نگذشته باشد آن فعل را بجا یابد و اگر
بعد از آن بخاطر رسد که تن فعل کرده بوده است این زیاده
ضرر نکند هیچ بر نیاورد و محل کبیر احرام تا وقتست که شاکت
در قرائت کند و محل قرائت و قنوت تا وقتی که برای رکوع
دست‌ها برانورسد و اگر هنوز دست برانورسیده باشد
اگرچه شده باشد محل یا قی بود و محل رکوع تا آنکه برای سجده
سرازیر شود اگرچه هنوز سر سجده نرسیده باشد و محل
سجود و تشهد و سه و تا آنکه در رکعت دیگر بر رکوع رود و اگر
قراءت و قنوت کرده باشد و در شاکت تا آنکه راست یابند
اگرچه شروع بقراءت نکرده باشد و اگر محل فعل گذشت باشد
و شاکت کند اعتبار ندارد همچنانکه هست نماز تمام کند
و اگر بعد از آن چیزی بخاطر رسد حکم سه و دارد چنانکه بیان
میشود اما اگر سه و کرده باشد و بعد از گذشتن محل بخاطر رسد

پس اگر سهو در نیت یا تکبیر یا کبر یا رکوع یا در دو سجده یا هم در
یک رکعت کند نماز را اعاد کند و اگر در قنوت حمد یا سوره یا آخر
باشد و بعد از رکوع بظاهر رسد نماز صحیح بود و تلاقی ندارد و
اگر بعد از سوره پیش از رکوع بظاهر رسد که حمد خوانده بخواند
ظاهر اینست که بعد از آن سوره را اعاده باید کرد و اگر کلمه یا آیه
از سوره قلم پیش کند پس اگر خواهد به حاجت خوانده اکتفا نماید
و اگر خواهد آنرا که قلم پیش کرده در میان بگذارد و تمام
تمام کند و اگر خواهد رجوع بسوره دیگر کند هر سه شی صحیح باشد
و اگر قنوت را قلم پیش کند بعد از رکوع بخواند و رکوع را اعاده
نماید کرد و اگر بعد از نماز بظاهر رسد اگر چه از نغای خود برخاسته
و رفته باشد هر جائی بظاهر رسد و بقیه بخوده قنوت بخواند و اگر
در رکعتی باشد سجده را استغما هم بکند و مجلس نشسته باشد
آن سجده را قضا کند و اگر تشهد را استغما بکند در رکعت دوم
بعد از نماز سجده استغما بکند و ظاهر احادیث اینست که هر چند
که در سجده خوانده میشود کافی باشد محتاج بقضای تشهد
دیگر نباشد اگر چه اگر عمل اقتضای اوجاب دانسته اند و اگر تشهد
آخر را استغما کند همان مکان اگر نزدیک است باشد و گرنه در مکان

یا یکی هرچا باشد ششست نشسته بخواند و در صورت سجده
سهو نباید کرد و اگر در کلماتی نماز سهو و اکل غیر ذکر و دعا
بگوید سجده سهو کند اما در سایر افعال نماز مثل ذکر رکوع
سجود و سلام و غیر آن اگر سهوی شود سکی ندارد و نماز صحیح بود
و روایت دیگر آمده که هر چند در نقصانی در نماز واقع شود
نشستن و برخاستن و قرائت کچن و غیر آن سجده سهو
و این روایت اگر چه ضعیف است اما چون صریح معاضد دارد
اگر آن عمل نمایند و قصوری ندارد و اما آنکه در میلان فتنها
مشهور گشته که زیارتی و نقصان در رکعت سهو و عمد ابطال
نماز و موجب اعاده است اصلش در حدیث و اخبار اهل بیت
صلوات است علیهم السلام معلوم نیست بلکه حقیقت آن بر وجه
موافقت طحاوی روایات احتیاط بنحویست که تفصیل مذکور
شد و الله اعلم بالصواب و اگر مسافر نماز را تمام کند پس
اگر نمانسته باشد که قصر واجب است نماز تنجیح بود و اگر نمانسته
باشد اعاده کند خواه وقت باقی باشد و خواه نه و اگر سهو
تمام کند پس اگر وقت باشد اعاده کند و اگر گذشت باشد
صحیح باشد و در فائز و رکعت احتیاط سهو و نشان اعتبار

و در آن سجده سهو و رکعت احتیاطی باشد و همچنین کسی که شاک
بسیار کند التفات بان نکند و آنچه را که شاک کرده در سجده
کند اگر چه وقتش باقی باشد هر چه بخت که شاک از شیطان است
خبیث را بخود راه ندهد و بسوسه خود را غافلند مدهد
که هر چند بیشتر لطاعتش کند بیشتر حرکت کند و در صورت
و چون بداند که محض الفتنش میکند و لطاعتش نمی کند دست از
شکایا زنی دارد و گاهی از بسیاری شاک خیزد حضرت رسول الله
صلی الله علیه و آله وسلم شکایت نمود فرمود چون داخل از
شوی بگو انکنت شهیاداً و است ران چپ را بفشار و بگوید
بسم الله و یا هو یا کونکنت علی الله لا اعوذ بالله السميع
العالم من الشیطان الرجیم شیطان دو صورت دارد
و بسوسه او این کردی انشاء الله و کسی در حضرت امام
علیه السلام شکایت کرد از سهو در نماز مغرب فرمود بعد از حمد
قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون خیران چنان کرده
نجات یافت و کیفیت سجده سهو آنست که دو سجده کند
و در هر سجده بگوید بسم الله و یا الله الله قبل علی
و الحمد یا بگوید بسم الله و یا ضیال السلام علیک

أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وبعد از هر دو سجده
تشمین خفیف بخواند یا این طریق **أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**
وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ الْأَمْسَ سَمِعَ عَلِيٌّ
وَأَلِ عَقِبِي و سلام دهد و اگر امام یا بانی چون سرسجده نگذارد
و چون برود در تکبیر گویند تمام آموم بدانند که سه رکوع و وقت
سجده سه رکوع از نماز است بفاصله پیش از حرف زدن و اگر در نماز
شود هرگاه بخاطر رسد و لذا احکام حوادث در نماز اگر در نماز
نماز حدیثی خارج شود که وضو یا باطل کند یا سخن از وضو یا از وضو
دیگر آید یا قیام پس اگر بی انگشتان حرف زند یا بتمام بدن
روان قبله بگرداند تواند وضو یا از آن نجاست کند و تجمه نماز
هر چه ملاند تمام کند و اگر بعد از حرف زند یا در قبله تمام بدن
بگرداند نماز را سرگیرد و اگر درین عرض سهوا حرف زند سجده
سهوا کند و از سر بنیاید گرفت و اگر حرفی کم باشد بجاری نشود
محتاج شستن نباشد بلکه بجز قریب چیزی دیگر پاک کند و نماز را
تمام کند و الحمد لله **فصل چهارم** در بعضی دیگر
از نمازهای مخصوصه و مندوبه اول نماز کسوف و خسوف
و زلزله و آیات مثل بلدهای عظیم و ظلمتهای شدید و غیر آن

که سبب خوف اکثر مردم شود و این نماز دو رکعت است یک رکعت
 و سلام در هر رکعت پنج رکوع و دو سجده و هر دو رکوع یک قنوت
 که در هر سجده رکوع پنج قنوت باشد و قرائت آن بعد از
 جایز است یکی آنکه در هر رکعت یا الحمد یخواند و بعد از آن یا
 سوره را بخواند یا تسبیح یا از هر رکوع یک سجده بخواند که مجموع
 نماز دو رکعت دو سوره خوانده شود و سجده دوم آنکه
 پیش از هر رکوع یا الحمد یا سوره تمام بخواند که مجموع دو الحمد
 و دو سوره باشد و هر بار که بر رکوع رود و هر بار که بر سجده آید
 بگوید و بعد از آن رکوع سمع الله لمن حمده نیاید گفت مگر در رکوع
 پنجم و دوم که بعد از این دو رکوع تکبیر نیاید گفت و سمع الله لمن
 یاید گفت و چون سجده رود تکبیر بگوید و مستحب است این را
 در زیر آستان گذاشت که سقف نباشد و چنانچه گذاردن و
 طول دادن بقدر آنکه ایست محلی شود و اگر زود تر از نماز خارج
 شود مستحب است اعاده کردن تا آنکه محلی شود و مستحب است
 که قدر رکوع و سجود و قرائت همه با هم مساوی باشند و در
 کسوف و خسوف اگر نماز نکرده باشد تا آنکه قمری محلی شود
 پس اگر تمام قمری گرفته باشد و خبردار باشد و در نماز تقصیر کرده

بگزاره آن غسل کند و نماز را قضا کند و اگر خبر نداشته باشد
 نماز را قضا کند و غسل نگیرد کرد اما اگر بعضی وقت گرفته باشد
 و تقصیر کند نماز را قضا کند و اگر خبر نداشته باشد قضا ندارد
 و اگر این نماز در وقت فريضة واقع شود پس اگر وقت فضیلت
 فريضة شک نشد و باشد اول نماز را بگذارد و بگوید انا لله
 یا شک کند وقت فريضة شک شود نماز را قطع کند و فريضة را بگذارد
 بعد از آن هر چه از آن نماند تمام کند و از سر باید گرفت
 چون برای زلزله گذارد بعد از آن سجده کند و بگوید یا قیوم
 یا قنیم یا قیاسک التسموات و الارض ان لا اله الا انت و لا اله الا انت
 ان کنت کما من احمد من بعدک اثم کان جلیما غفورا
 یا من یمسک السما ان تلک علی الاکفین الا یا ذین
 آمین عتالاً **یا قنیم یا قیاسک التسموات و الارض ان لا اله الا انت و لا اله الا انت**
 نماز امیر المؤمنین صلوات الله برکون این نماز را بگذارد و گناه
 بابت شود چنانکه از نماز فوت شده و حاجتش برآورده شود
 و آن چهار رکعت است در هر رکعت بعد الحمد قل هو الله احد چهار
 مرتبه و مستحب است تعقیب این تا باین تسبیح که مرویست
 از آنحضرت علیه السلام سبحان من لا یبغی مع الله سبحان من لا

تَنْصُرُ حُرَّائِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا أَصْحَالَكَ لِخَيْرِهِ سُبْحَانَ
مَنْ لَا يَنْقُذُ مَا عِنْدَهُ سُبْحَانَكَ يَا بَارِكُ يَا مُبْدِي
فِي كَرَمِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ وَإِنْ نَارُ أَهْرِ قَتِمْ
تَوَانِ كَلَارُ دَوِ الْخَضَلِ إِفْقَاتِشْ شَبَانُ وَ زَجَجَتْ وَمَا مِبَارِكُ
رَمَضَانَ اسْتَكْرَحْنَاكَ مَضَاعَتِ بَانَدُ سَيِّمُ حَرِ
نَا زُحْرَتِ خَالِ زَهْرِ لُصُوفِ اَللَّهُ عَلَيْهَا هَرِ كَرِ بِنِ نَارِ بَلَدُ
مِيَانِ اَوِ غَدَا تَعَالَى مَسِجُ كِنَا نَمَانْدُ مَكْرَانِ كُزْ زِيْدِ شُوْدِ اَن
دُورِ كَمِتِ اسْتِ دِرِ اَوَّلِ بِلَادِ اَلْهَدَى مَدْرَتِ اَنَا اَنْزَلَا وَ دَرِ قِمِ
صَدْرَتِ قَلْبِ اَوِ اَللَّهُ اَحَدُ وَ بِلَادِ نَارِ تَسْبِيحِ اَنْخَضَرْتِ عَلِيَّ اَلْهَدَى كَرِ
چهار روز نماز تسبیح و این نماز است که حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله و سلم جمیع تقریب این غائب عطا فرمود و فرمود اگر کسی
نماز اهر و نهار شب یا هر دو روز یا هر هفت یا چهار یا هر یک
یا هر وقت که خواهی بگذاری هر گناهی که درین میان کرده باشی
هر امر زنده شود و هر کس این نماز بگذارد گناهی که از او زنده
شود آنچه مثل ریلان سپایان عالم یا مثل کفت دریا باشد
و در او زنده هر چه برایش نویسد که بکشد و یا مثل
آنکه باشد و آن چهار رکعت است باید و سلام در رکعت اول

بعد از آنکه از زلزله و در دریم اذیعاء و در سیوم انا انزلناه
 و در چهارم قل هراهم احد جنات و در زوایت دیگر در ویم
 و العبادیات و در سیوم اذیعاء و ارد شده در هر رکعت بعد از
 قرائت یا ترده مرتبه سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله
 و الله اکبر و در رکوع و بعد از رکوع ایستاده و در هر
 سجده و بعد از هر سجده نشسته ده مرتبه در مرتبه بگوید
 هر رکعت هفتاد و پنج مرتبه و در تمام نماز سیصد مرتبه باشد
 و اگر خواهد این نماز را بگذارد و بنوافل بسیار تر و حسان کند
 و اگر دو رکعت گذارده باشد که حاجتی یا هر کتی ساخته شود
 برود و چون فارغ شود دو رکعت دیگر بگذارد و اگر شتابی
 داشته باشد نماز را بی تسبیحات بگذارد و تسبیحات را
 بعد از آن بگوید و منجبت است کردن سجده آخر این نماز بعد از
 تسبیحات بگوید **سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ الْهَرَمُ وَالْوَقْتُ**
سُبْحَانَ مَنْ كَعَطَفَ الْجَنَدُ وَكَرَّمَهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا
يَتَّبَعُ النَّبِيَّ إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ مَنْ أَخْصَى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ
سُبْحَانَ ذِي الْكُرْ وَالْقُدْرَةِ سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ
وَالْكَرَمِ سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ وَالْعِزَّةِ سُبْحَانَ ذِي

ذِي الْقُوَّةِ وَالْعَظَمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَارِفِ الْعِزِّ
مِنْ عَرْشِكَ وَمُسْتَهَيِّ الرِّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَبِأَمْرِكَ
الْأَعْظَمِ وَكُلِّ ذَلِكَ الشَّانَاتِ الَّتِي تَمُوتُ صِدْقًا
وَعَدًا أَنْ تَصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ
بِي وَمَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَهَرَجَاتِ كَوَارِدِ عَوَاهِدِ نَجْوَى
لِعَدَائِنِ مَا تَوَادَّ مِنْ بَيْنِ دَعَا سُجَّانٍ مِنْ لَيْسَ الْعِزِّ
وَرُدِّي بِمِ سُجَّانٍ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْحُجْدِ وَتَكْرَمَ بِحُجَّاتٍ
مَنْ لَا يَسْبِقُ الشَّيْءُ إِلَّا لَهُ سُجَّانٍ مَنْ تَهَيَّأَ حَتَّى
تَسْمُوَ بِعِلْمِهِ وَتَحْكُمَ بِقُدْرَتِهِ سُجَّانٍ ذِي الْمَنِّ
وَالْتَعَزُّ سُجَّانٍ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْكُرْمِ اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ بِمَعَارِفِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُسْتَهَيِّ الرِّحْمَةِ
مِنْ كِتَابِكَ وَبِأَمْرِكَ الْأَعْظَمِ وَكُلِّ ذَلِكَ الشَّانَاتِ
الَّتِي تَمُوتُ صِدْقًا وَعَدًا أَنْ تَصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ وَأَنْ تَجْمَعَ لِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
بَعْدَ عَمْرِئِكَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ
الْقَائِمُ الْوَاقِعُ الْحَيُّ الْمُبِينُ الْبَدِيعُ السَّابِقُ
الْقَادِرُ الْكَرِيمُ وَأَنْتَ الْغَدُّ وَالسَّابِقُ وَأَنْتَ الْخَبِيرُ

وَاللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لِمَا هُوَ شَاءَ قَادِرٌ إِنَّ رَبَّكَ لَظَهِيرٌ لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا هَذَا الَّذِي كُنَّا نَعْتَقِدُ لَنَا أَنَّهُ مُتَّكِفٌ عَلَيْنَا مَثَلٌ بَلْ أَنزَلْنَاهُ بِلَدِّنَا لِنَسْلُبَ مِنَّا بَأْسَ ذَلِكَ النَّارِ أَلَمْ نَجْعَلِ لِّلشَّيْطَانِ أَتَمَّ مَقَامًا مِّمَّا يَتَّبِعُ النَّاسَ إِنْ أَفْتَقُوا بَيْنَهُمْ يَنْتَظِرُونَ أَن يَكُونَ لَهُمُ غَنَاءٌ زِينَةً دُونِ النَّارِ فَتَقَطَّ عَنِ عُنُقِهِمْ مَتَلَطِّعْتُهُم بَيْنَ يَدَيْهِمْ وَأَنزَلْنَا فِي قُلُوبِهِمُ الْقَنَاطَاطَ الَّذِي هُوَ أَلَمٌ لِّكُلِّ نَفْسٍ مِّنْهُمْ وَبِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا

يُنْجِي مَرْجُومًا مُسْتَجَابًا دُعَائِي مَعْفُورًا إِلَى يَا أَرَمَ الرَّاحِمِينَ
يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ قَدْ عَظُمَ الذَّنْبُ مِنْ عِبَادِكَ
فَايَسِّرْ الْعَفْوَ مِنِّي يَا حَسَنَ الْخَائِزِ يَا وَاسِعَ الْخَفَرِ
يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ يَا رَحِيمَ يَا مُنْقِصًا بِالْخَيْرَاتِ يَا مُعْطِيَ
السُّؤَالَاتِ يَا فَكَالَكَ الرَّقَابِيسِ مِنَ الشَّارِصِ عَلَى عَمَلِي
وَالْمُحْتَمِدِ وَفَاكُ رَقَبَتِي مِنَ الشَّارِ وَأَعْطِنِي سُؤْلَكَ
وَأَسْجِبْ دُعَائِي وَارْحَمْ مَرْجُومِي وَنَصْرَتِي وَنِدَائِي
وَأَقْضِ لِي حَوَائِجِي كُلَّهَا الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ
مَا ذَكَرْتُ مِنْهَا وَمَا لَمْ أَذْكُرْ وَاجْعَلْ لِي فِي ذَلِكَ
الْخَيْرَ وَلَا تُرَدِّدْني خَائِبًا خَائِرًا وَأَقْلِبْني مُفْلِحًا
يُنْجِي مَرْجُومًا إِلَى دُعَائِي مَعْفُورًا إِلَى مَرْجُومًا يَا أَرَمَ
الرَّاحِمِينَ يَا مُحَمَّدُ يَا أَبَا الْقَاسِمِ يَا رَسُولَ اللَّهِ يَا عَلِيَّ
يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَتَا عِنْدَكَ حَافِدًا وَمَوْلَا كُنَّا
غَيْرَ مُسْتَكْبِهِ وَلَا مُسْتَكْبَرٍ بَيْنَكَ خَاضِعٌ ذَلِيلٌ
عَبْدٌ مُقَرَّبٌ مُتَمَتِّعٌ بِحَبْلِكَ مُقْتَصِرٌ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ
يُؤَلِّمُكَ اقْتَرَبَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِحُبِّكَ وَأَتَوَسَّلُ
إِلَى اللَّهِ بِحُبِّكَ وَأَقْدَمُكَ لِي بِدَعَايَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ

وَجَلَّ فَاسْتَعَاثَ فِي كَمَالِكَ رَقِيبَتِي مِنَ النَّارِ وَعَفَاكَ
دُرُوبِي وَإِجَابَةِ دُعَائِي اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ
تَقَبَّلْ دُعَائِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ پنجم نمازی که حضرت
رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم با عرابی عطا فرمود و
که هر شومین و بیستم که روز جمعه این نماز بگذارد من برای او
ضامن بهشت شوم و هنوز از جای برخاسته باشد که
کتابها را او و والدینش همه امرزیده شود و آن ده رکعت است
چون روز بلند شود اول دو رکعت باین سلام گذارد و در اول
بعد الحمد قل اعوذ برب الفلق هفت مرتبه و در دویم
قل اعوذ برب الناس هفت مرتبه و بعد از سلام هفت
مرتبه آیه الکرسی بخواند بعد از آن هشت رکعت بدو سلام
بهشت نماز ظهر و عصر در هر رکعت بعد از الحمد از اجزاء
نصفه یک مرتبه و قل هو الله احد بیست و پنج مرتبه بخواند
چون از نماز فارغ شود هفتاد مرتبه بگوید سُبْحَانَ رَبِّ
الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَلَا تَمُوتُ وَلَا تَقْوَى إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ
الْعَظِيمِ ستم نماز غنیمه و آن دو رکعت است در
ساعت غنیمت میان نماز شام و خفتن مرویت کردین است

دو رکعت نماز بترک نکنید که مورد دایرگراست است و گوی
 اول بعد از نماز آیه و ذالنون اذ ذهب مغاضبا فقلن
 ان كن نقدر عكبة فنادى في الظلمات ان لا اله الا
 انت سبحانك انى كنت من الظالمين و بخت
 من الغم وكذا لست بجزى المؤمنين و در رکعت دوم این
 آیه و عنده مقام الغيب لا يعلمها الا هو ويعلم
 ما فى البر والبحر وما تسقط من ورقه الا يعلمها
 ولا تحصى فى الظلمات الارض ولا رطب ولا يابس
 الا فى كتاب مبين و این قورت بخواند اللهم انى
 استألت مقام الغيب الذى لا يعلمها الا انت
 ان تصلى على محمد و آل محمد و ان تجمع لى خير الدنيا
 و الآخرة و اگر خواهد بجاى این فقره بعد از صلوة بر محمد
 و آلش هر حاجت خواهد طلب بعد از ان بگوید اللهم
 انت ولى نعمتى و القادر على الطلبى تعلم حاجتى
 فانك بحق محمد و اهل بيت محمد صلو على محمد
 كما فضلتها لى و هو خير و الله و الله كما مستجاب شود
 عفو نماز و صحت و است که حضرت فرموده الله اعلم

فرموده وصیت میکنم شمار اید و رکعت در میان شام و خفتن
در رکعت اول بعد الحمد اذا قلت سبزه مرتبه و در رکعت
قل هو الله احد پانزده مرتبه و همین این نماز را در سال یک مرتبه
گذارد از جمله محسنین نوشته شود و اگر در نماهی یک مرتبه گذارد
از جمله متقین و اگر در هفته یک مرتبه از جمله مصلین و اگر در شب
بگذارد در بهشت با من مزاجت کند و ثواب از هیچکس نماند
بجز خدا تعالی هشتاد و هفت مرتبه میان نماز شام و خفتن
در شب بخشنید و در رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد الحمد
آیه الکبری و قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد و متوجه
هر یک از این مرتبه بخواند و بعد از نماز پانزده مرتبه استغفار کند
و بخواهد را بوالدین بخشد یا بکند حق ایشان را بجا آورده باشد
همه مرز و نیست که هر کس وقت خوابیدن و بگویند چنانست که
تا وقت بیدار شدن در عبادت باشد پس اگر در آن شب
برخیزد و ذکر خدا کند خطاهایش همه ببرد و اگر آن شب
برخیزد و در رکعت نماز کند پس حمد و ثنا خدا کند و صلوٰه بخواند
و آنش فرستد هیچ چیز از خدای بر او نماند مگر آنکه عطا فرماید
یا هانز العین یا جلال از آن در بهشت عفو دهد

در هر یک روز و رکعت نماز گذارد هر وقت باشد در هر رکعت

سُحُوت مرتبه قبل هوا لله احد بخواند میان او و خدا بی خطا هیچ گنا
نماند مگر آنکه اگر نیده شود و در روایت دیگر قبل هوا لله احد
در هر رکعت یک مرتبه وارده شده و بعضی دیگر نماند های مخصوص هر یک
در جای خود انشاء الله مذکور شود **فصل یازدهم**

در فضایل قرآن و آداب تلاوت آن هر وقت از اهل بیت
طاهرین صلوات الله علیهم بحسبین که روز قیامت غلای می
صف صفا ایستاده باشند قرآن با بهترین صورتی بخوانند
چون بر صف سلیمان گذرد و او را پندار گویند این مرد است
و صف می شناسیم و میدانیم که از جمله مسلمانان اما عبادت و
طاعتش بیشتر بوده است که این نور و جمال او را عطا شده و
ما را نصیب نیکو شده بر صف شهدا گذرد بگویند این را می شناسیم
که از جمله شهداست اما مصیبتش عظیم بوده که این نور و جمال
و جمال که اوست یافته و همچنین بر صف انبیاء و رسل گذرد و
مثل این گفتگو کنند یعنی همه صفات و جمیع کشف صفات
رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ابد گویند این کیست
ما نمیدانیم آنحضرت صلوات الله علیه و سلمه فرماید این

حجت خداست بر بندگان پس سلام دهد و از اینجا گذشته
بر صفت ملائکه بصورت ملکی مقرب گذر و ملائکه دیگر
چنان گفتگو نمایند پس از اینجا گذشته تا پیش عرش رسیده
بسیجده در آید پس خدا تعالی گوید ای حجت من وای کلام
صادق و ناطق من سر بر دار و هر چه خواهی سوال نمایی و هر که
خواهی شفاعت کن که هر چه طلب کنی با جاست مقبولست پس
سر بر داشته گوید خدایا بندگان تو بعضی را حفظ نموده
و بعد طاعت خود حرمت من داشتند و حق من رعایت کردند
و بعضی حرمت من نداشتند و حق مرا ضایع کردند پس خدایا
فرماید بعزت و جلالت که هر کس تو ازور اخی جاش بیژای رضا
تو ما و در سام و او را از تو راضی گردانم هر کس تو ازور اخی
بیژای انتقام تو از او بکشم پس بصورت جوانی که اهل محشر
نشناختند پیش شیعیان آید و گوید منم آنکه شما بشغله
تلاوت من شبها بجای خواب بیداری کشیده و روزها
بعوض آب شربت تشنگی چشیده اید در دنیا بسبب من
مستحقها آید و از دشمنان مصیبتها رسیده پس ایشان
برداشتند پس خدا تعالی بر دو گوید خدایا اینان بندگان تو اند

و توانا از جهت شناسی و دانی که در محاسن و رعایای
چهارگوشه اند این فرماید تا ایشان برده حلهای ^{نابین} بخت در
پوشند و باجهای کرامت بر سرشان بکشند پس بقرآن نمایند
و گویند این اگر کم که با اولیاء تو کردیم راضی شتی گوید خدایا
مرا با ایشان پیش ازین توقع احسانت خدای تعالی فرماید بخت
و جلال خودم که احسان بسیار با ایشان کنم و تو را از خود را
کردم پس هر یک از ایشان را دست بر پیش راملو امان
و رضوان دست پیش راملو محبت و مخلود در جان کرد
و والدانش را با زای تعلیم قرآن که بفرموده کرده اند
از بخت پوشانند و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که هر کس در
نماز نشسته قرآن بخواند بعد در هر حرف برایش پنجاه حسنه
نوشته شود و پنجاه سیه محو گردد و پنجاه درجه بلند گردد
و اگر ایستاده بخواند بعد در هر حرف صد حسنه نویسد و
صد سیه محو کند و صد درجه بلند گردد و اگر در قیام نماز
بخواند در هر حرف صد حسنه نویسد و صد سیه محو کند و صد
درجه بلند گردد و اگر خود تلاوت نکند و گوش بگذارد
دیگری دارد در هر حرف یک حسنه عطا فرماید و یک سیه محو نماید

و یکدیگر بلند گردانند و چون قرآن را ختم کنند او را دعا می بخند
بود و اگر ختم در روز واقع شود تا سب و اگر در شب واقع شود
تا روز ملائکه برود صلوٰه فرستند از حضرت امام علیه السلام
پرسیدند که این فضایل برای کیست که قرآن داند فرمود
خدا تعالیٰ بکرم است هر کس آنچه می داند و هرگاه ختم کند
چنانست که ختم قرآن کرده باشد و این فضایل باو عطا
فرماید و هر کس در مکه معظمه از جمعه تا جمعه یا کمتر یا بیشتر
ختم کند و ختم در روز جمعه واقع شود از جمعه اول دنیا تا جمعه
آخران برای او ثواب و حسنات نویسد و همچنین اگر در
روز دیگر باشد از مثل آن نامثل آن و هم از دنیا تا عید کرم
مرویت که هر کس در شبی ده آیه بخواند او را از جمله غافلین
نویسند و اگر چاه آیه بخواند از جمله ذاکرین نوشته شود
و اگر صد آیه بخواند از جمله قانتین و اگر دولیت آیه از جمله
خاشعین و قرآن در روز قیامت با او خاصیت کند
و اگر سیصد آیه بخواند از فائزین و اگر با صد آیه بخواند
از عابدین و اگر هزار آیه بخواند یک قطار ثواب برایش نویسد
و قطار را برآورده هزار منقال است و این منقال بیست چهار بار

قیراط و کوچک ترین قیراط مثل کوه احد است و بزرگترین
از زمین تا آسمان و کسی که قرآن بمشقت بیاموزد ثوابش
مضاعف باشد و در خانه که قرآن خوانند و ذکر خدا کنند
ملایکه حاضر شوند و شیاطین دور شوند و برکت دنیا
شود و اخلاص برای اهل آسمان نورانی باشد مثل ستاره
برای اهل زمین و خانه که قرآن خوانند و ذکر خدا کنند
ملایکه بیرون روند و شیاطین حاضر شوند و برکت
کم شود و سه چیز را اهل خود بخند اشکایت کنند مسجدی
در آن نماز نگذارند و عالمی که قدرش نداند و قرآن در خانه
که تلاوت نکند تا غبار گیرد این بود بعضی از فضایل
جلد قرآن و هر یک از سوره و آیات را نیز فضایل جداست
روایت شده که حوصله این رساله اگر چه وسعت حکایت
هم آن ندارد اما چون از همه آن محروم نیز میتوان گذشت
بروایت بعضی مشرف گردانیم و گوئیم هر مومن که بسم الله الرحمن الرحیم
بگوید بعد از هر حرف او را حسنه عطا فرماید که هر حسنه
چهار باشد از تمام دنیا و نعمتهای آن و خدا تعالی کارهایش
مبارک و تعالی کرداند و اگر گوش کند که دیگری بخواند ثلث

ثلث ثواب خوانند. داشته باشد الحمد هر کس از روی قنوت
و اعتراف بخواند خدا تعالی نعمتهای آخرت او را اضافه
نعمتهای دنیا گرداند و بلاهای آخرت را با اضافه بلاءها
دنیا دفع کند رحمت وافر و عطیة کامل احسان فرماید
و روز قیامت حسنائش را اسان کند و حسناتش را قبول فرماید
و سیئاتش را محو فرماید و ثوابی کرامت فرماید که همه مخالفین
بران حسرت ببرند و در شایید کارها معین و دستگیر
باشد و پیراه راست و طریقه اهل بیت علیهم السلام هدایتش
کند و چنانست که دو ثلث قرآن خوانده باشد و پهر مئین
و مؤمنه صدقه داده باشد بقدره و آل عمران هر کس بخواند
روز قیامت مثل دو پاره ابر از حرارت آفتاب بر سرش سایه
کنند پس هر کس بخواند کنهاتش اضرزیده شود و چنانست که
دوازده مرتبه ختم قرآن کرده باشد و اگر کسی در روز بخواند
شب محفوظ و مرزوق گردد و اگر پیش از آن بخواند بخواند
هر از ملک بر و مومل شوند که از شیاطین و افات نفسش
کنند و اگر در انشب عمیر دسی هر از ملک در غسل حاضر شود
و برای او استغفار کنند و تا قبر مشایعتش نمایند بعد از آن

در قبرش ساکن شوند و عبادت خدا کنند و ثوابش برای خود
شود و تا چشم کار کند قبرش وسیع گشت و از فشار قبر این
تا روز قیامت قوی از قبرش تا اطراف آسمان درخشان باد
و چون از قبر بیرون آید ملائکه با او مشایعت نمایند و مشرف
خیر و رحمت دهند تا آن میزان و صراطی که در پیش ^{و پس} است
در مقامی باز دارند که هیچکس نزدیکتر از خود نباشد که
ملائکه مقربین و انبیاء و مرسلین و ائمه ظاهرین عالم کم
و بالایشان باشند و از هر خوف و حزن این باشد پس خدا تعالی
گوید ای بند من هر چه خواهی بپا کن تا عطا نمایم و هر که خواهی
شفاعت نمای تا العبادت فرمایم و از مذلت موقت این باشد
و هیچ خطیه ملائمت نه بینند تا آنکه هر کس گویند **سُبْحَانَ اللَّهِ**
این بند خدا هیچ خطائی نداشته پس از جمله رفقاء حضرت محمد
صلی الله تعالی علیه و آله و سلم باشد و روایت دیگر آمده که هر کس
در مدح عمر بگوید این سوره بخواند بعد از هر خلقی در دنیا
و آخرت برایش دو هزار هزار حسنه زیستند و دو هزار هزار
سینه محو کنند و از جنون و جنام و اوقات و احوال این کرد و دو
سکرات موت بر او مانان شود و خدا تعالی خود متوجه قفسش

شود و وسعت معیشتش دهد و روز قیامت پرخصل باشد
و انقدر ثواب باو دهد که راضی گردد پس جمیع ملائکه آسمان
و زمین گوید برای این بندامن استغفار کنی که من از تو راضی
گشتم **صل** هر کس بخواند خدا تعالی بوزن هر کس که مسخر
حضرت داود کرده بود حسنات عطا فرماید و هر کس جمیع
بخواند انقدر ضرر دنیا و آخرت باو دهد که هیچکس نداند
نکستی هر مسل و مملکت مقرب و او را هر کس را خواهد از اهل
بیتش حتی خادمش اگر چه از عیال و اهل شفاعت او نباشد
به بهشت برد و واقع شده حضرت امیر المومنین است
هر کس هر شب بجمعه بخواند از رفقای آنحضرت باشد و از اوقات
و بکاره دنیا این کرد و هر کس هر شب بخواند پیش از آنکه بخوابد
رویش در روز قیامت مثل بد تمام باشد **حقیق**
هر کس بخواند حضرت عیسی علیه السلام او را دعا کنند و برایش
استغفار نمایند تا در دنیا باشد هر کس باین سوره دفرایض
و نوافل مداومت نماید در صفت و ملائکه و انبیاء هر سئو
باشد **صل** هر کس بخواند جزایش بهشت و حریر بهشت
و اگر نماز جمیع دو شنبه بخواند از شر و راز و ایمن گردد و اگر

صبح بخشنید بخواند در خدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
 باشد و هشتصد بکر و چهار هزار ثوب از خدا العین باو عطا
 کند جمعه هر کس بخواند بعد از هر کس نماز جمعه آید و هر کس نیاید
 در دیار اهل اسلام باشد ده حسنه باو عطا کند منافقین
 هر کس بخواند از نفاق بری شود **صبح** اسم هر کس بخواند
 بعد از هر حرف که حضرت ابراهیم موسی و محمد صلی الله علیه و آله
 نام کنند ده حسنه عطا فرماید و هر کس در نافله فریضه
 بخواند روز قیامت گویند از هر یک که خواهی داخل بهشت شو
 و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده بر شیعه واجب
 و لازم است که شنب جمعه نماز بسوره جمعه و **صبح** اسم و قطعه
 جمعه و منافقین ندارند و هر کس چنین کند چنانست که عمل
 رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم کرده باشد و جز این نیست
 الحاقه برای معامله حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
 و آله نماز کشته هر کس در فراغ و فوافل بسیار بخواند از روز
 مسلوب نشود تبارک هر کس بخواند از عذاب قبر امن شود
 و اگر در تافق بخواند همان خدا تعالی تا بیج و روز قیامت
 تا کند داخل بهشت **طهاره** اسم هر کس بخواند امام حسین

و محبوب علیه السلام

علیه السلام هر کس در قرائت و توافل بخواند با اختصاف در یکصد مرتبه
از هفت باشد و هر کس در ده شب ذی الحجه بخواند کتاهانی
اخر زیده شود **آیا انزلناه** سوره اهل بیت ظاهرین علیهم السلام
هر کس بخواند چنانست که ماه مبارک رمضان را در ده گرفته
و لیلة القدر را الحیا داشته باشد و هر کس یک مرتبه اخسته
بخواند چنانست که در راه خدا دوزخ خود غلطید ما باشد
و اگر یک مرتبه بلند بخواند چنان است که در راه خدا شخص
انقلاب کشید ما باشد و اگر ده مرتبه بخواند هرگز از راه حق
شود و اگر در نماز فریضه بخواند مناوی ندانند که اهل را از
سر کبریا کتاهت هر افریده است و فضایل این سوره زیاد
از آنست که در هر صله این سوره بخواند و بعضی از آنرا نیز در
سباحه سابقه گفته و بعضی نیز دیگر در جای خود افتاده
تعالی بیاید و التین هر کس بخواند خدا تعالی در دنیا عاقبت
و یقین و در آخرت بعد از هر کس این سوره را خواند به ثواب
یک روز و زده باو عطا فرماید و هر کس در قرائت و توافل بخواند
هر جای هفت که خواهد باو عطا کنند و العادیات
سوره حضرت امیر المومنین هر کس بخواند آن خدا و مت کند

از رفقای انحضرت و در پناه او باشند الممکن المکثر المکرم
چنانست که هر رایتی از قرآن خوانده باشد و خدا تعالی بفرستد
که در دنیا با و داده او را بخاسته بفرماید و اگر در قیامت بخواند
محصل صفت ملائکه با او افتد کند و اجر صد شهید داشته
باشد و اگر در نافه بخواند آخر چاه شهید محجل هر که بخواند
چنانست که روح قرآن بخواند باشد و ششیا طین او بر شوند
و لا شریک بر یک کرد و از فرج الکیرا عین کرد و هر کس سوره محمد
و توحید در فضیله از او این بخواند کناحان او و والدین و اولاد
ایشان هم مرزیده شود و اگر شقی باشد از دیوان اشتیاق
کند و در دیوان سعادت است شود و در زیر و ایشان محسوس
توحید هر کس یک مرتبه بخواند چنانست که ثلث قرآن خوانده
و بعد در هر روز ده مرتبه عطا کند و چون سه مرتبه بخواند ختم
قرآن کرده باشد و هر کس یک مرتبه بخواند خدا تعالی بر او برکت و
رحمت زیاد کند و اگر دو مرتبه بخواند بر او و بر اهلیتش و اگر سه
مرتبه بخواند بر ایشان و بر همسایگانیش و اگر دوازده مرتبه بخواند
دوازده قصر در بهشت عطا فرماید و چون حضرت پیغمبر ﷺ
علیه السلام بر سعد بن معاذ نماز گذارد دید که هفتاد هزار

ملک که چیریل از آنجا بود بروغانه گذارند و از آنجا چیریل برسید
که سعد به چنین سخن این کرامت گفته گفت باینکه در جمیع
احوال شمشق و برخواستن و آمدن و رفتن و سواره و پیاده
همیشه قل هراکه احد بخواند و از آیه هر کس بخواند چنانست
که با حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در رخ که حاضر باشد
و اگر در رفیق باشد یا ناخود بخواند بر همه دشمنان نصرت یابد و در آن
از قهر بیرون آید و از همه بیم و احوال آن ایمن گردد و در دنیا
انقدر با سیایب خیر و مفتوح شود که هر کس حاضر شد گفت
و آرزویش نداشت باشد و چون روز قیامت محسوس شود بر
هم چیر نکند دیگر آنکه او را از رفیق خیر دهد تا داخل بهشت شود
محققین هر کس بخواند چنانست که جمیع کفایه که بر انبیاء
علیهم السلام نازل گشته خوانده باشد آیه الکرمین هر کس
یک مرتبه بخواند خدا تعالی هزار مکره در دنیا که سهل ترین آن فقر
و غراره مکره در آخرت که سهل ترین آن عذاب قبر باشد
از دفع فریادین و رجوع الی التخلیل بعضی سوره ایات قرآنیم
و بسیاری نیز در مباحث سابقه گذشت و بعضی نیز در مباحث
مناسبت الشاعره تعالی میاید اما در هر آن در هر مصلحت

رساله در زیاده لها ادب تلاوت قرآن و بعضی دیگر احکام
 متعلق بآن آنکه چون کسی آیه یا سوره از قرآن پاموزد و یاد
 گیرد و باید مداومت بآن کند تا فراموش نشود که اگر فراموش
 شود آن سوره یا آیه خود را در بهشت بصورتی جمیل و درجه
 رفیع با و نماید و بر و سلام کند پس او گوید چه غیب بحق تو
 چیستی و از کیستی کاش از من می بودی گوید من فلان سوره
 یا آیه ام اگر گواهم نمیکروی باین درجه است میرساندم
 و مخفی نماند که ظاهر این حدیث آنست از یاد گرفتن عکس
 یا الفطش یا غلط گرفتنش و هر سه معنی حق صحیح است
 و درجه اش در رفعت و عظمت مختلف و هر کدام درجه اش
 و غیره حدیثی بر تسیان عظمت و هم اندیشان علیهم السلام
 مرویست که مؤمن را سزاوار است که هر روز خصوصاً صبح و عشاء
 قرآن از تعقیب ویدی از قرآن تلاوت کند و اول چاه
 آیه و افضل اعمال آنست که کسی همیشه قرآن بختم کند و باز
 از سر گیرد و محسوب است که مدتی ختم قرآن کند از یکماه باشد
 تا بتدبیر و فکر تواند خواند اما در ماه مبارک رمضان هر
 شش روز و سه روز یا هر چه مقدور شود و ختم شده و نایل

فی الجمله
 تلاوت

بجزن و حسن صوت در باب سبای گذشت و قرآن را بشتاب
 بی نانی نشاید خواند و مقصود نباید آخر سوره و جزو باشد
 بلکه بتدریج و تانی و تفکر و تأمل باید تلاوت نمود و در وقت
 که آیات قرآن خزان جواهر معرفت و حکمت است هرگز نباید
 که بکشتاید از جواهر آن غافل بگذرید و نیز غریب است که کسی
 که قرآن خواند و قرآن از پیروی کند بلکه با دل آگاه و از
 روی خضوع و خضوع تلاوت باید نمود و چون بآیه مستغفر
 و رحمت قدر کنیم جنت رسی و غایت بآن نموده از حق تبارک
 از خدا مسئلت کنی و چون بآیه عذاب و ذکر عقوبت و سزا
 رمی اندیش کنی و از آن استغفار و تانی و از منافی و معاصی
 توبه و استغفار کنی و چون بموعظه و نصایح مروی و موعظه
 و نصیحت گیری و چون بحکایات و قصص بگذری از آن عبرت
 گیری و برین قیاس بجز آنکه درسی مناسب آن حالت عمل نمایی
 و اگر مقدر و بایستد الحاق قرآن از انصاف و سلیس ادا کند و بدین
 که قرآن از احسان بخواند که عرب بخواند و اگر مقدر و بایستد انجم
 تواند ترک نکند و عربیست که چنان قرآن را نمی خوانند و سلاطین
 آنرا عربی بالا بوند و آنچه از آداب آنکه با طهارت و مکان خلوت

والطمینان خاطر و روی بقبله بدو از نشسته تلاوت کند
 و در اثنای تلاوت با کسی گفتگو نکند و افضل اینست که اگر در
 مصحف تلاوت کند عذاب و الدین بقیف یابد اگر چه
 باشند و نظر بر خط قرآن عبادت است و اگر در جای تلاوت
 کتد باید ساکت بود و گوشت داشت و چون قرآن را برای تلاوت
 برگزید بگوید **اللهم انی اشهد ان هذا کتابک اللز**
من حیدرکم علی رسولک محمد بن عبد الله کلامک
الناطق علی لسان نبیک جملته عادیامینک
الی خلیفک و حبل مقصلا بمنابینک و بین
عبادک اللهم انی تشرت محمدک و حکمت انک
اللهم فاجعل نظری فی عبادک و فی امری فی ذکرک
و فی عکری فی اختیارک و جعلی ممن یقسط بیان
مواظفات فیہ و یجتنب معاصیتک و لا تطیع
عینہ قرأتی علی قلبی و علی سمعی و لا تجعل علی
بصری غشاة و لا تجعل قرأتی قرأه لا تدبر
بها بل اجعلی اندک لایة و احص کلامه الخیر
و شریع دینک و لا تجعل لکرم فی عقلت و لا فوائ

بسم الله الرحمن الرحیم

هَكَذَا أَنْتَ الْوَعْدُ الْوَعْدُ الْوَعْدُ وَجَنِّهِمْ
وَرَبَّكَ وَتَكُنْ أَوْسَاوَرِ شَيْطَانٍ وَغَفَلْتَ قَلْبُكَ وَأَوْ
أَنْ تَبَاهُ بِعَذَابِ عَالِي يَمِينِهِ بِكُونِ الْوَعْدِ بِاللَّهِ الْمُسْتَبِيعِ الْفَلَسِ
مِنْ الشَّيْطَانِ الْوَعْدِ الْوَعْدِ الْوَعْدِ الْوَعْدِ الْوَعْدِ الْوَعْدِ
بِشَيْءٍ وَجَدَهُ كَمَنْ يَدْعُوهُ بِكُونِ الْوَعْدِ الْوَعْدِ الْوَعْدِ
حَقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَعْلَمُ مَا قَصْدُ يَمِينِ الْوَعْدِ الْوَعْدِ
عَبُودِيَّةٍ وَرَبِّكَ سَعَدَتْ لَكَ يَا عَزِيزُ الْوَعْدِ الْوَعْدِ
لَا مُسْتَعِينًا وَلَا مُسْتَعِينًا يَا أَعْلَى الْوَعْدِ الْوَعْدِ
خَالِصًا مُسْتَعِينًا وَبِعِزِّهِ الْوَعْدِ الْوَعْدِ الْوَعْدِ
يَا قَدْ قَرَأْتُ مَا قَصَدْتَ مِنْ كِتَابِ الْوَعْدِ الْوَعْدِ
عَلَى نَبِيِّكَ الْمَلَكِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَكَانَتْ لَكَ الْوَعْدِ
رَبِّ الْوَعْدِ الْوَعْدِ الْوَعْدِ الْوَعْدِ الْوَعْدِ الْوَعْدِ
وَبِزْمَانِ الْوَعْدِ الْوَعْدِ الْوَعْدِ الْوَعْدِ الْوَعْدِ
وَأَنْتَ فِي حَقِّهِ دَعَايَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ كُلِّ الْوَعْدِ
دَرَجَةٍ فِي أَعْلَى الْعِلْمِ الْوَعْدِ الْوَعْدِ الْوَعْدِ
إِنْ دَعَاكَ صَبْرًا كَمَا صَبْرًا الْوَعْدِ الْوَعْدِ الْوَعْدِ
كَيْتَابِكَ يَا عَزِيزُ الْوَعْدِ الْوَعْدِ الْوَعْدِ

در فضایل ذکر و دعا و احکام متعلق باها و این مجموع انشاء الله
در دو فصل بیان شود فصل اول در فضایل ذکر و دعوت
از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر کس ذکر خدای بسیار گوید
از نفاق و از آتش دفع این کلام و حضرت امام جعفر علیه السلام
فرمود دلهاء خود را بکفایت کنید و بعد از آنکه از نماز دارید
و بترسید از آنکه غافل بنقص عرصه ایمان در دل شما آید
بمچون دل آنکه گزند و یا در غافل شود نه مؤمن باشد
و نه کافر مثل بنام بکنند و استخوانی پوسیده پس بدین
حالت خدا را یاد کنید و از فقر عهد بترسید که چون
در این چنین حالتی روز دهد پس اگر خدا بآیند باشد او را پیشتر
داشتند باشند ایمان در دلش اندازد و کبره فقر خدا بپای
فرموده ای بنی آدم تو در دل خود مرا یاد کن تا من در دل خود
تو را یاد کنم و تو در مجالس خود مرا یاد کن تا من در مجالس
تو را یاد کنم و خانه که در آن ذکر خدا و تلاوت قرآن کنند
برکت بسیار و ملائکه نزدیک است و مشیاطین دور شوند
و آنگاه برای اهل شان خداوندی باشد چنانکه مستاده بر
اهل زمین و شیطان بهر دلیلی از حقته چون ذکر خدا کند از او

دور شود و چون ترک ذکر کنند گمراهی کنند و خدا تعالی فرستد
سال بسیار گناهان را افزايش کند و ترک ذکر من قنات
دل آورد و هر کس خدا را در دل یاد کند ثواب آنرا غیر خدا کسی
ندانند و هر کس در میان خافلان و مشغولان ذکر خدا کند
خدا تعالی هزار رحمت برایش نازلید و روز قیامت پامرز
آمرزشی که بخاطر هیچکس نرسد و چنانست که در معجزه که هر
کس خجسته باشند ثابت قلم ایستاده با اعدای خدا محاکمه کند
و بهشت او را واجب شود و صومین بفرمانه مبتلا شود و کسی
مشغول ذکر خدا باشد بصالحه مبتلا نشود و هر چه در مجلس
مشغول ذکر نشوند مگر آنکه جمعی ملائکه یا ایشان نشسته
شیرایت سوزده بگیرد ایشان گریه کنند و دعا سازان امین
گویند و منادی از آسمان ندا کند که سیئات شما هر امر زید شود
و بیحسنت بدل محک شسته و اگر کسی در میان ایشان باشد
و ذکر نکند او نیز بسبب جمالت یا ایشان امر زید شود و حضرت
موسی علیه السلام سوال نمود گفت خدا یا ایلا نزدیکی تا مناجاة کنم
یا دوری تا آواز سامع فرود من همنشینم یا کسی که ذکر من کند
و هم حضرت مناجاة نمود گفت روزی که هیچکس را نیامی شد

در پناه رحمت تو که باشد فرمود انا که ذکر من کنند من ذکر
 ایشان کنم و برای من بام محبت کنند و من بایشان محبت کنم
 ایشان تنگد اگر خواهم بر اهل این عذاب فرستم چون ایشان را
 بیاد آورم عذاب باز گیرم و نیز عذاب نوزده گفت خدایا اگر
 بعضی حواله من را بده که ذکر تو کنم فرمود در هیچ حال پیکر من
 که ذکر من در هر حال خوبست و بیاید و هست که ذکر بر قیمت
 تو که با این بعضی خدا را بپایاد داشتن است و باز این مثل پنج
 قلیل و تلاوت قرآن و مذاکره مسائل دین و ایمان و امر
 معروف و نهی از منکر و غیر آن هر چه خدا را بیاید آورد و با عفو
 و ارکان مثل عبادات و طاعات و ترک مناهج و سیئات
 و افضل هر چه که بپایاد است که معنی نیست شهادت ازل
 و ذکر بادل بمنزله رحمت و ذکر بازبان و ادکان بمنزله بدین
 و چون قول و فعل بپایست خدا و با او می باشد مثل صورتی
 باشد بی جان و این جهت است که احوال را و اغراض دنیا
 و محبت عبادات و عافین و غافین مثل مستان و
 اطفال مقبول نباشد خدا تعالی فرموده من هر که بگوید
 قبول کنم بلکه نظریه اش کنم اگر بیاد من و برای من کرد و بفرم

و دل با خدا داشتن

و اگر زبان و اندامم که برای او کرده و حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله وسلم فرموده نیست مؤمن بعد از است از عالمی عمل
بی نیست مقبول بود و یا نیست اگر عمل مقدر و نباشد همان
یابد چنانکه هر بیت که وقتی در مدینه نقطه شد که روزی
در محرابه تلخاکی گذاشت گفت کار اینهمه کردم بودی تا
بردم دادی این خیر حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم
رسید فرمود همان ثواب را یابد و بگوید دیگر نیز از ثواب
نیست روایت شده که این مقام ذکر آنها نیست و نقد رباب
سابق گذاشت که هر قدر از نماز کند یا آگاهی دل باشد یا لا اله
و هیچ آن باشد بر مچیده و بر روی صاحبش نیند
و نیز در معجزه و تقوی گذاشت که ذکر خدا این سبحان
و الحمد لله نیست بلکه ذکر است که در افعال و اعمال
هر چه رود خدا و یابد کنی اگر رضا خدا باشد او نکاتی
و اگر رضا جنتا میباید و امثال این اختیار و اظهار است
و بعضی از آن گذاشته و بعضی نیز در مباحث خود انشاء الله
بیاید و افضل هر از کار است که ذکر دل و زبان و آن کار
بامع شود و همچنین که در افعال و اقوال خدا منظور باشد و خوا

او شود و آن جمله گفته شد بحمد الله بجا و واضح است و توقی
 که در حق این را درین مقام باشد با آنکه کسی تمام این را معنی
 کند باین معنی باشد که هر روز هفتاد تلیل میگوید و دیگر
 نیز فرقی آن شوند در نهایت سخاوت چنانکه از آن گشت
 و سایر احادیث که در محبت و کرم و غیر آن مذکور شد
 در نهایت وضوح و الحمد لله **فصل دوم**
 در فضایل بعضی ائمه مخصوصه مرویات از اهل بیت طاهر علیهم السلام
 که جماعتی از ائمه اجداد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
 معروض داشتند که احتیاج گذارند و بنده کار را دانستند
 و صدقات دهند و جهاد کنند و ما از جمله پیغمبر و ائمه
 که کسی صد مرتبه الله اکبر بگوید افضل است از آنکه صد مرتبه
 از او کند و اگر صد مرتبه سبحان الله بگوید افضل است از
 صد مرتبه که قرآن کند و اگر صد مرتبه الحمد لله بگوید
 افضل است از آنکه صد مرتبه یا زین و یا جام و مردان بران سوار
 بجهاد فرستند و اگر صد مرتبه لا اله الا الله بگوید عاقل تر
 روز افضل از هیچ نام باشد مگر کسی که بیشتر گوید و هم
 آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که من تسبیح را بر

بگوید بعضی هوان درخت درخت برایش نماند شود گنجینه
یا رسول الله درخت بسیار درخت است و اینم فرمود علی اما انشی
نفرستید که هر روز بسوزد هر کس بگوید اگر از چینی قیامت کند جان
بگوید هر کس از آن مخلوق شود تا روز قیامت خداوند سبحان کند
و ثواب آن هر که از وی باشد و همچنین بگوید لا اله الا الله یا الله
یا الله احب بگوید هر کس لا اله الا الله یا الله بگوید گنجینه
او را واجب شود تا روز قیامت که از وی باشد و روز قیامت
و سبحان الله لعل عذر آن که بگوید و الحمد لله یا الله یا الله
ولا اله الا الله ما بین زمین و آسمان را و هر کس لا اله الا الله
بگوید درختی برایش درخت است و ثواب آن درختی است که از وی
و شیرین تمام شد و خوشبوی تر از مشک است که یا آن مثل
بستان و عذر آن که بگوید هر کس از آن عذر آن که از وی باشد
بخت و هر کس بگوید الحمد لله یا الله یا الله کتاب آسمان است
از نوشتن آن و هر کس بگوید خداوند خدا یا ما ندانیم که توان این را چه
قد تو نسیم خدا یا خدای تو یا بد شما گفتند او را بخوبی میدانم
چه قدر ثواب و هم و هر کس بگوید سبحان الله و حمد لله
سبحان الله العظیم و حمد لله چه قدر ثواب نوشته نویسد

سه هزار سیه بخوانند و سه هزار درجه بلندتر باشد و طایری
 در بهشت خلق شود که خدا را تسبیح کند و برایش ازو باشد و
 هر کس روزی ده مرتبه بگوید **اَسْتَغْفِرُكَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**
وَعَدُكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَ
صَلَاتِكَ وَوَعْدِكَ وَأَسْأَلُكَ بِأَجْمَلِ وَبَعْضِ رَحْمَتِكَ فَتُغْفِرَ لِي
 پنجاه مرتبه محو گردد و چهل و پنجاه از درجه بلند شود و
 در آخر روز حمد بفرماید شیطان و دوسوه و سلطان و
 کیی و دامن گیر نشود و چنانست که در آن روز در بهشت
 ختم قرآن کرده باشد و خانه در بهشت برایش بنا کنند هر کس
 هر روز بگوید **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**
عَمُودٌ تَرَوْهَا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِنَّمَا أَتَى النَّاسَ بَيْعًا
 خدا تعالی از وی **كُفْرًا** منوبه او شود و ذکر هزار و یک
 تا داخل بهشت شود و هر کس بگوید **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**
 خدا تعالی فرماید ای ملائکه بنده من کارهای خود را بپوش
 گذاشت و اعتراض بجز و نا توانی خود نمود و حاجتش را بپوش
 و هر کس سه مرتبه بگوید **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**
وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ فرد روز نوع بلا از وی شود

که سبیل تین آن مرید همچون باشد و هر یک یکید آشهد آن
 لا اله الا الله و آشهد ان محمدا رسول الله دو هزار
 حسنه ثبت شود فصل سیم و در فضایل ذکر اهل
 و صلوة بر ایشان و بعضی امور مناسبان صلوات الله علیهم
 مرویت از ایشان صلوات الله علیهم که هیچ مجلس نیست که جمعی بنشینند
 و ذکر خدا تعالی و ذکر ما نکرده و صلوة بر پیغمبر صلی الله علیه و آله
 نفر ستاده بر خیزند سگرا نیکی آن مجلس روز قیامت بر ایشان
 حسرت باشد و نیز فرموده اند که ذکر ما ذکر خداست و ذکر
 اعدای ما ذکر شیطان که دشمن خداست و چون دو مرتبه
 را هر ۴۰ بار تکرار نمایند و ذکر خدا و ذکر فضایل ما کنند هر کس
 که در روی البیاض است بگوید تا آنکه روحش از شدت نظم بالا
 آید و ملائکه آسمان و خزان جنان از آن مطلع گشته و هر
 ملائکه قهر بن او را لعنت کنند و حضرت امام رضا علیه السلام
 علیه فرموده هر کس در مجلسی بنشیند که فضایل و اخبار ما
 مذکور شود و و لایق حق ما را بخلق زند و باشد دلش
 نگیرد و در غفلت که دلها آلوده باشد و حضرت پیغمبر صلی الله
 علیه و آله و سلم فرمود هر کس ذکر فضیلتی از فضایل علی ابن

ای طالب کند و اگر ارباب داشته باشد کناه گذشته و آیند
اخر زید و شود و اگر چه مثل کناه چن و انرا باشد و هر کس
از فضایل او را بشوید تا اثری از ان باقی باشد ملائکه را
استغفار کند و هر کس فضیلتی از فضایل او را بشنود کناه
که با گوش کرده اخر زید و شود و هر کس نگاه بر نوشته فضیلت
از و کند کناهای که با چشم کرده اخر زید و شود بعد از ان فرمود
نظر بر علی ابن ابیطالب کرم الله وجهه عبادتست و ذکر او
عبادت است و ایمان به بند و قبول نشود مگر بولایت او
و بر اوست از اعدای او و حضرت امام حسن علیه السلام فرمود هر کس
درد دل با محبت دارد و بادست و زبان نصرت ماکند ملائکه
غرضه را باشد و هر کس درد دل محبت دارد به زبان نصرت کند
یکدل و جواران پس تربلشد و هر کس محبت عا دارد و بادست
و زبان نصرت کند ده بهشت باشد حضرت امام جعفر
علیه السلام فرموده هر کس با زبان اغانت ماکند خدا تعالی بداند
قیامت را باقی را بجهنم کویا کند و هم از ایشان علیه السلام
مرویت که هر کس بکریمه صلوات بر حضرت پیغمبر صلی الله علیه
و آله وسلم فرستد خدا تعالی یا اهر او صف ملائکه هر یک

صلوة برو فرستند بعد از آن جمع بخواند تا آنکه هر یک برود صلوة
 پس هر کس باین نعمت رغبت نکند جاهل و مغرور باشد خدا
 و رسول و اهل بیتش صلی الله علیه و آله از او پرتاب باشند و هیچ چیز
 در میزان ^{قاصد} ستمگین تر از صلوة بر محمد و آلش نباشد چون اعمال
 مؤمنان را در میزان کفالدل اگر حسنات سیك و سیئات
 ستمگین باشد آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم هر صلوة که
 برو فرستاد باشند بر سر حسنات کفاره تا بر سیئات زیاد
 کند پس به محبت ببرد و صلوات بر آنحضرت صلی الله علیه و آله
 کنایه از اینست که آن آقا نشی را و نیز مرویت که هر کس
 قادر بر کفاره کنایه آن نباشد صلوات بر آنحضرت و آلش
 علیه و آله و سلم نیستند که صلوة بر ایشان کنایه از اینست و
 صلوة بر ایشان بابر است یا تسبیح و تحلیل و تکبیر و هر کس
 نام آنحضرت در پیشش نهد کور شود و صلوة نفرستد راه نیست
 برو خطا شود و هر کس دعا کند و دعایش محبوب مانده بالا
 نرود تا صلوة فرستد و آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرود
 در وقت دعا بر امثال کوفه مسا فرمود اینک در چون اسباب
 بار کنند بعد از هر کوزه و در عقب بار آورند که هر کای نشسته

بردارد بلکه هر دو را اول و میان و آخر دعایا بکشد و نیز فرموده
که هر کس برین صلاه پیشتر فرستد روز قیامت بمن نزدیک
باشد و هر کس از خدا تعالی حاجتی بطلبد اگر بعد از آن صلاه
فرستد حاجتش اجابت شود و ثواب آن صلاه نیز داشته
باشد که حضرت امام جعفر علیه السلام گفت چون از خانه که
بیرون می آیدم دعائی بخوانم تا حاجتم غیر صلاوات بر نیاید
علیه و آله وسلم فرموده هیچ کس بخوبی تو بیرون نیامده و هر کس
در صلاه بر حضرت و آلش را یاد او شریک گرداند درهای
آسمان گشوده شود و گناهانش مثل برکت از درخت بریزد
و ملائکه هفتاد و صلاه بر او فرستند و خدا بقا و امان داد
اگر شاهد صلاه بر بند من فرستاد ^و هفتاد و صلاه
بر او فرستم و اگر بر آتش صلاه نفرستد بوی جهنم نشنود
و حال آنکه بوی جهنم را از آنجا صد سال راه توان شنید و میان
او و آسمان هفتاد و چهار قطب نصب شود و خدا تعالی از او باری
سازد که دعای این بند را بالا میارید تا با عترت من بخیر صلاه
نفرستد و هر یک که هر کس بگوید صل الله علی محمد و علی اهل بیت
تقریب صد نوشته شود و فضایل دیگر برای صلاه و بعضی صلاوات

در صلاه
نفسه
نفسه

مخصوص در مباحث تعقیب و اعمال جمعه و غیر آن گذشت
 فصل چهارم در فضایل دعا و متعلق بیان حر و دیت
 از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین که دعا افضل
 عبادات است و خداوند تعالی هیچ چیز را دوست تر از آن ندارد
 که بنده از او مسئلت حاجت کند هیچ چیز را دشمن تر از آن ندارد
 که استکبار کند و ترک مسئلت نماید و در قرآن مجید فرموده
 اگر نه این بود که شما دعا میکنید خدا هیچ اعتنا بشما نمیکرد و
 دعا سلاح مؤمن و عمود دین و نور سموات و ارضین است
 و قضای مبرم بدعا رد شود و تا بدعا در قضاء حاجت
 پیشتر است از نایبستان و گوشت از حضرت امام جعفر
 علیه السلام پرسیدند که دو کس با هم در نماز گردند و با هم قانع شوند
 یکی دعا بشتر کند و دیگری قرائت فرمود آنکه دعا بیشتر کرد
 افضل است و هر یک که بر کسی نازل شود و خداوند تعالی در پیش
 اندازد که دعا کند آن بلیت را نازل شود و اگر در دعا خیر
 شود بلیت بطول کشد و چون بنده دست بعد نماز را در دعا
 شرم آید که آنرا خالی رد کند و دعا را حست که سهالی گشت
 و عشا و مثل آنست که علامه کند فصل پنجم

بعضی امور

شرع ۳

در اسباب اجابت دعا و بعضی احکام متعلق اسباب اجابت
 دعا که در اینست از اهل بیت ظاهرین علیهم السلام سه قسمت اول احکام
 و صفات دایمی مرد است که جمیع خیرات کی از آنجا ظاهرین علیهم
 السلام گفته اند یا بن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم خدا تعالی فرموده که
 دعا کنید که من اجابت میکنم و ما دعا میکنم و مستجاب میشود
 فرمودنهای ثانی سبب ده چیز مرده است دعوی خداشناسی
 میکنید و اطاعت خدا نمیکند و دعوی محبت رسول الله
 صلی الله علیه و آله و سلم میکنید و با او دشمنی دارید و عداوت میکنید
 و قرآن میخوانید و عمل بحکم آن نمیکند و دعوی عداوت
 شیطان میکنید و بی رویش میکنید و دعوی محبت هست
 میکنید و برائی او سعی نمیکند و دعوی دایمی دوزخ میکنید
 و خود او را بی می انگیند و مشغول عیوب دیگران میشوند
 و از عیوب خود چشم می پوشید و دعوی بغض دنیا می کنید
 و دست از آن نمی کشید و اقرار بعت میکنید و تقیه آن سفر
 نمیکند و اموات خود را دفن میکنید و از آن عبرت نمیکند
 از نیستی که دعای ثانی مستجاب نشود و روایت دیگر آمده که
 کسی که خود را از حلال کند تا دعای ثانی مستجاب شود که چون کسی

پیر و پیش

این اقامه حرام خورد چهل روز دعایش مستجاب شود و خدا تعالی
فرموده دعای هیچ کس از من محبوب تر از کسی که فرمودم خورد و
اجابت کنم دعای کسی را که مظلومی از زندگان من پیش او باشد
و تا بدان مظلوم نکند و اخل خانه من نشود و مراد کسی که در غار
باشد اورا الفت کنم و کسی از بنی اسرائیل سه سال دعائی کرد
مستجاب نشد آخر مستجابات کرد گفت خدایا ایام من از تو
دورم که او از من نبردسد یا نزدیکی و اجابت نمیکنی خدای تعالی
کسی افرستاد با او گفت باز یافتمش و دلی الوده سر کشی
و نیت مغشوش دعایم کنی مستجاب نمیشود و نیز مروریست
که یا دعوی کسی با تقدیر دعا کافیت که نمک در طعام
و غیره اوقات مخصوصه که دعا را در آن غنیمت باید دانست
و فرصت باید شمرد و از آن جمله وقت زوال در هر روز خصوصاً در
روز جمعه تا وقتی که امام انبیا فرود آید و ساعت آخر روز
جمعه و تمام شب جمعه و از نصف هر شب تا ثلث آخر شب
درین ساعت هیچ مؤمنی دعا نکند مگر آنکه البته مستجاب شود
و وقت بحر طالع اعیان درین ساعت درهای آسمان گشود

شود و ذوق مردم محبت کرد حاجتهای عظیم مستجاب شود و میان
اذان و اقامت و بعد از هر قیامه خصوصاً بعد از نماز صبح و ظهر و عصر
و در قنوت نماز و تر و بعد از تلاوت قرآن و وقت وزیدن باد
و نزول باران و غیر آن از اوقات که بعضی بقریبات گذشته
و بعضی نیز در مقام خود انشاء افق بسیار است و سیر و حرکات
که در حال اشتغال بدعا و بعد از فراغ رعایت باید نمود از جهت
وضو یا غسل داشتن و لباسهای پاک پوشیدن و بوی خوش
بکار بردن و صدقه دادن هر قدر که مقدور شود و مسکاتین
متبرکات مثل مسجد یا غیر آن اختیار کردن و دست بپاشیدن
بر داشتن که خداوند تعالی کو میست شرم دارد که در محبت مؤمن را
خالی رد کند و حاجت و بخت و نام بخون که خداوند انوار
اگر چه حاجات همگی را میداند و در دعا اجتماع نمودن که هر
چهل مؤمن در دعا اجتماع نکنند مگر آنکه البته مستحب است
و اگر چه یک کس نباشند چهار کس چهل مرتبه دعا کنند و اگر
چهار کس نباشند یک کس چهل مرتبه دعا کند و روایت دیگر
آمده که هر چه از مؤمن در دعا اجتماع نکنند مگر که بی حاجت

مقرب شود و کسی که این کوید در دعا شریک باشد و از آنجا
آنکه ابتدا بحد و ثناء خدا کند کسی بحضرت امام جعفر علیه السلام
معروض داشت که خدا تعالی فرموده دعا کنید که من اجابت
میکنم ما دعا میکنیم و مستجاب میشود فرمود چنان داری که
خدا تعالی خلقت و بعد که گفت که گفت پس چرا مستجاب
نمیشود گفت نمیدانم فرمود کسی که طاعت آخر خدا کند و از او کسی
می باید دعا کند البته مستجاب شود گفت را حقین کدام است
گفت اول من خدا بود که نعمتهای الهی کند و خدا را بر آن شکر کند
صلاة بر پیغمبر و آلش فرستد و کفایان خود کند که رسا زد و
الحمد لله و استغفار از آن کند بعد از آن حاجت بخواند و دعا
شود و سید بن طاووس نقل میکند است بحضرت پیغمبر و آلش
صلی الله علیه و آله و سلم و مرویست که کسی گفتا در غریب در دفع
ماند بعد از آن که ایضا فرموده گوید خدا یا ابن محمد و اهل بیتش که بر من
رحم کن پس خدا تعالی فرمود که ایضا که بعد از آن که بر من
و کوید حضرت محمد که اگر حق ایشان سوال میکنی که در بسیاره انش
می ماندی اما من بخود واجب گردانم که هر کس حق ایشان سوال کند
اجابت فرمایم و این مضمون در اهل بیت بسیار آمده و مرویست که

دعا از اسباب محبوب است و صلوة بر انحضرت و التماس علیهم السلام
فرستد و نیز مرویست که صلوة بر ایشان رو نشود پس چون در
اول و آخر دعا صلوة فرستد خدا را شرم آید که او را دعا و آخر
بگوید و باید و میان را رو کند و از جمله اسباب اینست که دعا را
عام کند و بگوید از او آنچه می طالبد یا خود شریک سازد بلکه
ایشان را مقدم دارد و ذکر برای ایشان و برای خودش هر دو مستجاب
شود بعضی از علما در بعضی نکته گفته اند که ذکرش مناسب مقام
اینکه خدا تعالی بنده کائن خود را فرموده که چون چند چیز را
با هم بپایستد هیچ کسند بعضی را نگاه دارند و بعضی را انداخته
و دعا برای مؤمن غایبانه البته مستجاب است چنانکه باید
چون خود را یا دیگری در دعا جامع کند یا حق تعالی جلالت او خود
که چیزی بنده کائن را منع فرموده و خود را بگذارد و از جمله اسباب
اینکه در وقت دعا دل خیر دارد و رقیق و محزون باشد که دعا
دل عاقل و صحت و فحشاء مستجاب شود و خدا تعالی دل را
دوست دارد و چشم کران باشد و اگر گریه نیاید سبب کند
خود را برگیرد دارد و چون اشک آید دعا را نصیحت باید داشت
اگر چه بعد و هر کسی باشد که خدا تعالی چشم کران را دوست دارد

و بگریه باریکس طارقی بفرماید و از جمله گفتار اندی ادب و انصاف
 سوال کند مثلا رتبه انبیا و ائمه علیهم السلام سوال کند و چیزی که از
 حوصله و مرتبه او بیرون است طمع نکند که مستحق حرام شود از جمله
 اینکه لطیفان و حسن خلق با اجابت داشتند باشند که خدا پیشین
 بنده حق است هر چه بخواهد داشته باشد چنان کند و مرویت
 که چون دعا کردی حاجت را بر در خانه ندان و از جمله اینکه پیش از
 وقت در حال عافیت و در قافیت همیشه دعا میکرد و بلند
 تا چون در بلیه و شدت دعا کند مستجاب شود و از ائمه مجرب
 نماید و اگر مثلا بگوید بر اجابت دعوات موقوفند گویند این چه
 احوال است که غیبتنا سیم و این کیست و پیش ازین کیا بود که
 بدینگاه الهی رجوع نمی نمود و از جمله اینکه در آخر دعا بگویند ما شاء الله
 لا حول و لا قوة الا بالله که خداستصلی الله علیه و آله ای ملائکه
 این بنده را بر آید و اعانت کنید و حاجتش را بر آید که
 کارهای خود را بمن و خواستش مرا تسلیم کرد و اعتراف کرد
 که غیر من هیچکس اجابت حاجتش نمواند و چون از دعا قانع نشود
 هر وقت خود بر سر و در و دیوار است دیگر بر سر و در و دیوار
 نمالد که دست دعا بر خواسته از رحمت خالی نباشد و ان شاء الله

دعای الحاج کند که خدا را خیر آید و البته اجابت فرماید و نیز هست
که بسیار باشد که بنده دعا کند و خدا تعالی از او اعراض نماید باز دعا
کند و اثری نمی فرماید پس در مرتبه چهارم و بیست و یکم در مرتبه
سیم فرماید ای خدا که بنده من مکرر دعا کرد و اعراض نمودم همان
دعا می کنند می دانند که گناهش غیر من کسی یا مرز و کوله باشند
که او را اعراض ندهم و اگر در اجابت تأخیر شود مایوس و نومید
نباید شد که خدا تعالی فرموده از رحمت من نومید نباشید که
کفار و کفران و بسیار باشد که بنده دعا کند و خدا تعالی
برای آنکه دعا و مناجات او را دوست دارد در اجابت تأخیر
نفرماید تا پشت دعا و تضرع کند و دعای مومن را دوست دارد
و اگر در هر چه خواسته محصلت یابند همان است که اگر بلیه
مقدم باشد که رفع آن ضرورت نباشد خود را از آن خیر ندارد آنرا
رفع فرماید و اگر محصلت نباشد در پشت اعتقاد و اعتقاد
عین دهد و روایت دیگر آمده که اگر در آنچه خواسته محصلت
نباشد کفاره گناهانش شود و اگر دعا روز مسخاب شود
مشغوف و مغرور باشد که شاید استدرج باشد
چنانکه در باب اول گذشت و بسیار باشد که بنده دعا کند و خدا

رای آنکه از او از او بدارد زود اجابت فرماید تا الحاح او را نرسد
نمک اگر زد شود و شکست و محروم و اگر دیر شود صبر و تحمل باید کرد
و در هر حال تقصیر و غایت و تعلق و اطاعت باید نمود
فصل ششم در توبه و رجوع که دعائیان مستجاب شود و رجوع
دعائیان مستجاب شود و رویت از اهل بیت ظاهرین صلوات
علیهم اجمعین که چند کسند که دعائیان مستجاب شود و از خدا توبه
محبوب مانند و درهای آسمان برایشان شود و ثواب عرش و رسید
اصل حج و عمره و جهاد پس مترصد احوال عیال ایشان باشند
و سعی در حجاج ایشان نمایند و مریض پس او را امر نمایند و تمام
عادل و ولد صالح برای والدین و ولد صالح برای ولد صالح
تا و حق که اخذ کنند و مؤمنی که برای مؤمنی غائبانه دعا کنند و
مرویت که هیچ دعا نیست اجابت این دعا نیست و دعا به
مظلوم بنظاکم که خدا تعالی فرماید دعایش را یا لا اله الا الله
خدا میگوید یا شقام تو یکشنبه که هر چه از مدتی باشد و دعای
والد بروی که برنده تراست از شمشیر و جعد کسند که
دعائیان مستجاب میشوند کسی که دست از کسب و سعی کشیده و در
نشیند و دعا کند خدا تعالی فرماید من راه سعی تحصیل بر تو نمودم

۱
راه سرت و سعی نای تا حاجت بر ارم و کسی که خدا را تعالی مایا باود ا
و در باطل صرف کرد چون دعا کنند فرماید روزیت دانم
ضایع کردی و کسی که زن یا بنده یا همسایه را نفرین کند فرماید
که خلاصی نموده ام زن را طلاق کنی و بنده را بفرموش و از
جور همسایه نقل کن و کسی که بی شاهد و یقینه بکسی حق دهد
فرماید یا ایست شاهد و یقینه بگیری تا مالیت باطل نشود و کسی
که زبیر و در ارتشکسته بپشتاب نزود و او را در مهلکه احتیاج نکند
فرماید یا کفنه خودم که خود او را در مهلکه میفکند تا هلاک نکند

فصل هفتم در فضایل دعا برای مرشدان و صوفی
اول بیت طاهر بن علی هم کم که کسی منی را غایبانه ذکر کند و دعا
کند ملائکه گویند چه خوب برادری تو که برادر خود را غایبانه
و دعا میکند خدا تعالی دور بران ترا خطا فرماید و در مثل آن
تو را مدح فرماید و اگر دعا ید و ذکرش کند گویند چه بد برادر
تو بر خود رحم کن و ترک این گفتگو کن و نیز مراد است که دعا
ممن برای خود بکند عاقل است که چون برای برادری غایبانه دعا کند
از انسان نقل مکنی تا آنکه صد نفر از مثل آن ترایات دعا آسمان
روم نماند کنند که ترا دوست فرار مثل آن باشد و چنین تا انسان

۱
همه را مدد فرما و بر سر این دعا نازل نماید تا از فرموده منم غنی گردد
فقر نشوم ترا هر روز مثل این دعا فرمایم و هر مؤمن که برای
مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات احیاء و اموات ایمان
و عاقلند خدا تعالی بعد از هر مؤمن و مؤمنه از اول دنیا تا آخر دنیا
حسن برایش ثبت کند و بعد از هر کس مثل آنچه دعا کرده یا دعا
فرماید و اگر روز قیامت او را بدوزخ امر کند و میکشند و
تا بدوزخ برند مؤمنین و مؤمنات اجتماع نموده گویند خدایا این
درد را دنیا ما را داد عاقل کرد و امروز ما را اشقیع او که جان خدا را
شقاقت آید از اهل قبول فرموده او را نجات دهد و هر کس هر روز
بست بسم الله الرحمن الرحیم اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات
والمسلمین و المسلمات بعد از هر روز میگذشته و آینده تا روز قیامت
برایش حسنه ثبت کند و حسنه بخواند و در جنت نیکو کند
فصل هشتاد و نه در بعضی دعای و سایر حاجات هر روز
و کلمات حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه سلامه
نموده که حاجات دعای در پی شود فرمود چرا دعا سریع الاجابة
نمیشود گفت عباد الله کدامست فرمود اینست اللهم انی استنک
بائیمان العظیم الاعظم الاعظم الاکبر اکبر الکون

النور الحق المبرهان المبين الذي هو نور مع نور و نور
 من نور و نور في نور و نور على نور و نور فوق كل
 نور و نور على كل نور و نور تضيء به كل ظلمة
 و تفسد به كل شدة و كل سلطان حديد و كل جبار
 عبيد و لا تقهر به أرض و لا تقوم به سما و لا تأمن
 به كل خائف و يستعمل به سر كل ساحر و يبيد كل
 باغ و يحص كل طامع و يتصدع بعظمته البر
 و البعد و يستعمل به الملك حين يتكلم به الملك
 فلا يكون للرج عليه سبيل هو أسكن الأعظم الأعظم
 أكمل الأكمل النور الأكبر الذي به شئت هذا
 واستويت به على عرشك و ألقه اليك محمد و أهل بيته
 و استقلت بآيت و بهم أن فصل كل محمد و آل محمد
 و حاجي كدوى طلب ناي و مروت از حضرت امام جعفر
 عليه السلام كدوى كمر اسامى رده و بناه حضرت محمد
 عليه السلام بده غسل كند و در كمت نازكدار و مثل نماز
 و روضه كند و تشهد خواند و بعد از سلام قرأت انوار
 من حضرت علي عليه السلام و آله و سلم حد و مودة كود آتت لك

وَمِنْكَ السَّلَامُ وَالْيَاكُوتُ رَجَعَ السَّلَامُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَالْحَسَنِ وَبَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ مِنَ السَّلَامَةِ وَأَرْوَاحَ الْأَعْمَدَةِ
الضَّالِّينَ سَلَامِي وَرُدُّهُ عَلَى مَنْهُمْ السَّلَامُ السَّلَامُ عَلَيْهِ
وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ اللَّهُمَّ إِنَّ هَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ
هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَإِنِّي عَلَيْهَا
مَا أَمْسَلْتُ وَرَجَوْتُ فَيَاكَ وَفِي رَسُولِكَ يَا وَكِيلُ الْمُؤْمِنِ
بعد از این سجده کند و چهل مرتبه بگوید یا حَاجِي یا مُؤْمِر یا حَاجِي
یا مُبْرِتُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا أَرَمَ
الرَّاحِمِينَ بعد از آن روی راست را بگذارد و همین را چهل مرتبه
بگوید بعد از آن روی چپ را بگذارد و چهل مرتبه بگوید بعد از آن
سر برداشته دستها بردارد و چهل مرتبه بگوید بعد از آن دستها را
پایین کر و در چپارد و نکست سبانه را بخوی که چیزی اشاره
کنند و در تضرع نگاه دارد و چهل مرتبه بگوید بعد از آن
محاسن را با دست چپ گرفته کوبه گمان و اگر کوبه نیاید خود را با
ساعه بگوید یا عَسَدُ یا رَسُولُ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ وَكَائِلُ
حَاجِي وَاَلْحَمْدُ لَكَ الرَّاشِدِينَ حَاجِي وَبِكُمْ أَوْجَحُ
وَاللَّهُ فِي حَاجَتِي بعد از آن سجده کند و بگوید یا عَسَدُ یا رَسُولُ اللَّهِ

تا غرض نماند شود وصل علی محمد و آل محمد و افاض حاجتی و حاجت
خواهد من تمامم که هنوز از جای خود برخواست باشد که حاجتش
آورده شود و هم از آنحضرت علیهم السلام مرویست فرمود ما را
چون مرضی عارض شود بطیب رجوع کنید و با و تکلفات نمایند
و چون حاجتی باشد بخانه سلاطین روید و بپایان زمان زنوها
دهید پس اگر مرضی یا حاجتی یا شدنی ساخته شود پناه بخدا آید
برده طهارت بسیارند و چیزی تصدق کنید هر چه مقدور شود
پس مسجد رفته دو رکعت نماز گذارید بعد از آن حمد و تسبیح خدا
گویند و صلوٰه بر پیغمبر و اهل بیت صلی الله علیه و آله و سلم فرستید
و حاجت خود طلب کنید البتة مستجاب شود و این یحیی است که
بر خدا تعالی واجب است اجابت آن و هم از آنحضرت علیهم السلام
مرویست که هر کس راشدنی و حاجتی باشد غسل کند و دو رکعت
نماز گذارد پس دست راست بر زیر روی راست گرفته بخواند
یا مَعْزُزُ كُلِّ ذَلِیلٍ یا مُدْکِلُ كُلِّ غَرِیزٍ وَ حَقِّقْ لَقْدَسَیْ
عَلِیَّ کَذَا وَ حاجت را بگذراند کور سازد مستجاب شود و از حضرت
ساجد الزمان صلوٰات الله علیه مرویست که هر کس حاجتی باشد
سب جمع بخواند نصف شب غسل کند و بمصلای خود رفته دو رکعت

نار ندارد و در هر کفست آنچه بخواند و چون بایاتک تعبیر و
ایاتک تسخیر رسد این ایت را صد مرتبه تکرار کند و در مرتبه
آخر سوره را تمام کند بعد از آن قل هو الله احد بخواند و تسبیح
ربیع و مجود ا هفت هفت مرتبه بگوید و چون سلام دهد بگوید
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْحَمْدِ لَكَ وَإِنْ عَصَيْتُكَ
فَأَجْزَلُ لَكَ مِنْكَ الرَّحْمَةُ وَمِنْكَ الْقُدْرَةُ وَسُبْحَانَ
مَنْ أَنْعَمَ وَشَكَرَ سُبْحَانَ مَنْ قَدَّرَ وَغَفَرَ اللَّهُمَّ
إِنْ كُنْتُ عَصَيْتُكَ فَقَدْ أَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ
وَلِيَّتِي وَهُوَ الْإِيمَانُ بِكَ كَمَا أَخَذْتُكَ وَكَدَاؤُكُمْ
أَدْعُ لَكَ شَرِيكَامِنْكَ بِعَلَى لَا تَسْتَأْذِنِي بِعَلَيْكَ
وَقَدْ عَصَيْتُكَ يَا إِلَهِي عَلَى عَيْرِ وَجْهِ الْمَكَابِرَةِ وَالْمَرْجُوحِ
عَنْ عِبَادِي بِكَ لَا أَجُودُ لِيُؤَيِّتِيكَ وَلَكِنْ أَطَعْتُ
هُوَ أَوْ أَرَى الشَّيْطَانَ فَالْتَجَأْتُ عَلَى الْإِيمَانِ فَإِنْ
تَعَذَّرَ لِي مَعِدَتِي فِي عَيْرِ ظَالِمِي وَإِنْ تَعَذَّرَ لِي وَرَقَتِي
فَأَتَاكَ جَوَادُ كَرِيمٍ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ
يَا أَسْلَمَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَكُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ خَالِفٌ حَسْبُكَ
أَسْأَلُكَ بِأَمْنِكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَخَوْفٍ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ أَنْ

تُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَعْطِيَنِي أَمَانًا لِنَفْسِي وَأَهْلِي
أَوْ وَلَدِي وَسَائِرِ مَا أَلْفَمْتُ بِهِ عَلَى حَتَّى لَا أَخَافَ وَلَا
أُخْذَ مِنْ شَيْءٍ أَبَدًا إِنَّكَ عَلِيمٌ بِكُلِّ شَيْءٍ وَ قَدِيرٌ وَ
تُسَبِّحُ اللَّهَ وَتُحَمِّدُ اللَّهَ وَتُكَبِّرُ اللَّهَ يَا كَافِي أَيْرَاهِمُ تَرْفَعُ يَا كَافِي
مُرُورِي فِرْعَوْنَ اسْتَلَمْتُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَأَنْ تُكَفِّبَنِي سَرَّ فَلَانِ بْنِ فَلَانٍ وَكَمْ كَرَاهِيَتُ وَخُوفُ دَاشْتِ
بِاسْتِثْنَاءِ بِيَرِدِ بَعْدَ اَزَانِ سَجْدَه كُنْدِ وَان رُوي تَضَرُّعِ حَسْرَتِ
بَطْلِيهِ هَكَه جَمْعِ مَثُونِ وَ مَثُونِ بَيْنِ طَرِيقِ بَاخِلِ عَمَلِ كُنْدِ مَكْرَكَنْدِ
درهای آسمان برای اجابتش گشوده شود و همان وقت سجد
شود و هر چه طلب کند بعد از آن فرمود این فضل از خدای است و
ویرش عیان ما و هر کس در یک مجلس هزار مرتبه بگوید یا الله
توفیق حج یا بدرودیت که ابر القمقام مردی بوده می طالع که
بکاری غیرفته که از آن خیر پسند حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
نکایت نمود فرمود بعد از نماز صبح ده مرتبه بگوی سبحان الله
الاعظم و سبحانه و قاسم تقیر الله و استا که بمن فضل الله
گویند اندک زمانی نمی نگذشت که از جای که جمع گمان نداشته اند
مراغنی که دانند یکی از اصحاب رسول الله علی و آله و سلم

ندی بخدمت آنحضرت توفیق بعد از آنکه رفت بر مسجد جریما
 که پیش ما می آتی گفت باری و پریشانی فرمود این کلمات بگوید که
 هر دو نایل شود لا حول و لا قوة الا بالله و کانت علی الحی
 الذی لا یعرف و الحمد لله الذی لم یضئ و کذا و کذا بکن
 شریک فی الملائک و کذا بکن که مولا من الملائک و کذا بکن
 کما حضرت امام جعفر علیه السلام دعای خواند برای روز جزا
 بگوید اللهم انی من فضلك الواسع الحلال العظیم
 و زقا و اسع الحلال العظیم بالحق اللدنی و الایم و صبا
 و صبا هیتا مریتا من غیرک و لا یمین من بعدک
 من خلقک الا تستع من فضلك الواسع فانک قلت
 و انت الوافق من فضلك انک الی من عطیتک انک الی
 و من یلت الذی انک الی راوی کبیر برای این مطلب صحیح
 بیانی مثل این دعا ندیدم و حضرت محمد صلی الله علیه و سلم
 حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه گفت برای ادای دین
 بگوید اللهم اغنی عنی محلا الذی عن حركات و فضلت
 عین سوا الذی که در مثل کبیر دین داشتند یا نهی او اسود
 کوهیت درین کدر ای بلاد اعظم از آن کوهی نیست و هم از حضرت

صلی علیہ و آلہ وسلم بدیگری فرمود و رکعت نازیکدا بعد از آن
ایده المالك بخوان بعد از آن بکوی یا الرحمن الدنيا والآخرة
و رخصتها المعطى منها ما تشاء و تمنع منها ما
تشاء و افقره حق ديني كما رسل الله نبيين طلائين و اشيا
اد اشود و كس حضرت امام جعفر علیه السلام شكايت نمود
چند بر مردم داور و صول نموده و فرمود بکوی الله خطه
من خطائك تيسر على انحرمانى بها القضاء و تيسر في
الاقتضاء انك على كل شيء قدير و ثم ان حضرت
عليه السلام فرمود كه هر كند دعا بموت الى هر روز حاضر
بگويد استغفر الله الذي لا اله الا الله الرحمن الرحيم
الحق القیوم یقیع السموات و الارض و الجنایا و
الاكابر یجمع طلحی و جرحی و انحرافی و عملی القیوم و ابوب
الکیر خداوند عالم بسیار با علم بسیار عطا فرماید و هم
از حضرت علیه السلام فرمود كه هر غیر یا اهل بیت محمد علیه
و آله استغاث عطا فرود و غیرها اصل الله علیه و آلہ وسلم دو دعا
مستجاب عطا فرود یکی برای شفا یامور و آن اینست
یا ذا الجلال و الاکرام یا ذا الجلال و الاکرام یا قیوم صل علی

محمد و آل محمد و افضل الی کذا دویم برای حاج و قضای
و آن اینست یا من یکنی من کل شیء و لا یکنی منه شیء
یا الله یا ربیب صلی علی محمد و آلہ و اقص عینی الذین و افضل
فی کذا دویم از حضرت علیهم السلام در بیت که هر کس میخواست
شود یا حاجتی از عالم دنیا و آخرت باشد این شعر را بخواند
سفید بر لبش بخواند اسرار را بر او عطا شود و بیدار
باین شکل خطی کند **خ** در وقت طلوع آفتاب در آن
جاری اندازد بترسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی
اسئلك المبین من العبد الذلیل الی المولی الملیل
سلام علی محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسین و علی و محمد
و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و الحسن و القائم سید
المرسلین و صلوات الله علیهم رب انی مسنی الضر و الموف
ما اشفع بری و امن خفی عن محمد و آل محمد و بحلی و بری
و حسینی و شهیدان صلی علی محمد و آل محمد یا ارحم الراحمین
اسئعوا لیا ابدی بالشان الذی علم عند الله فانکم
عند الله شافعون الشان قد سنی الضر و المبدی و الله
ارحم الراحمین فافعل الی یارب کذا و کذا و غیره و بیک

چون کسی حاجتی باشد بحضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه
 بنماید و این عرض را نوشته بر قلبی که از آن ظاهرین صلوات الله
 علیه برین بگذارد یا بچیده و کوشیده و بخت و بخت ساخته و کوی یا
 کوفه و در هر جای عمیق یا آب بسیار یا اطراف که بعضی حضرت صاحب
 الزمان صلوات الله علیه می رسد و آنحضرت خود متوجه نما
 ان من بعد قسّم الله الرحمن الرحيم كنت يا مولاي صلوات الله
 عليك مستغيثا و مستكوثا فانزل لي مستغيثا و مستكوثا
 ثم ياك من المرقود و هبني و فضل علي و لحال كاري و سلكي
 بعض ربي و غير خطير نعمة الله عني و اسلمني عن غيبي
 ورده الخليل و تبرأ مني عند ترائي اقباله الي الحميم و عجزت
 عن دفعه خيلتي و خانتني في تحمل صدي و قوت في فبات
 فيه الهلاك و توكلت في المسئلة الله جل ثناؤه و هو علي الخليل
 في نفاعه عنى علي بكائك من الله رب العالمين و الي العليم
 و مالک الاهور و انك اياك في المسارة في الشفاعة الخليل
 جل ثناؤه في امری مستغثا لاجابة تبارك و تعالی بياك
 باعطاء الشؤلي و انت يا مولاي جدير بتحقيق حلي و تصدي
 املي فيك في امری كذا و كذا و حاجت را بنویسد و بعد از آن

ليجعله ولا يصبر لي عليه وإن كنت مستحقا له ولا اعتاقه ببيع
فعالي ونفري بطي في الواجبات التي على الله تعالى فاعتقتني
يا مولاي صلوات الله عليك عند التوقف وقدم المسئلة
لله عز وجل في أمري قبل حلول التلذذ وشهادة الأعداء
فياك بسطت النعمة على ولسال الله جل جلاله لي بضرا
عزير أو فحقا قريبا أتوخ الأهل وخير المبادي وخواتم
الأعمال والأهل من المناوئف كلها في كل حال إنه جل ثناؤه
لما يشاء فعال وهو حسبي ونعم الوكيل في المبداء والمآل
ودروقت المداخن عريضة بركة الزنا بيان انخفضت صلوات
عليه كد زمان غيبت مغري بوجه اندك عثمان بن سعيد
عمري يا بصرى محمد بن عثمان يا حسين بن روح يا علي بن محمد
يا محمد بن حمزة سبل شد بكويده يا فلان بن فلان سلام عليك
أشهدان وقللت في سبيل الله وأنت حي عند الله عز وجل
وقد خلطت بك في حياتك عند الله عز وجل وهذه قصتي
وحاجتي إلى مولانا عليه السلام فسلمها إليه فانت الثقة
الأمين بعد از ان عريضة را بيقينك كه ان شاء الله برآورده شود
وهم از ان حضرت صلوات الله عليه حيث كه چون خواهي بر آيد

فبارد من مرام نام و قلم

مطلبی و حاجتی کسی باشد یا رتبه نویسی اول یا علم یا مداد بر سر
بنویسد که شهادت الله العزیز العظیم ان الله وعد الصابرين
المخرج مما یكفون والرزق من حیث لا یحسبون جیلاً
وآیا که من الذین لا یخوف علیهم ولا هم یخرفون را وی گوید
بعد از آنکه این حدیث شنیدم هرگز برای مطلبی نامه ننوشتم
مگر آنکه با حاجت مفروض گشت فصل پنجم در تعویذ و
حرز از عداوت و مکاره از جمله وسایل بسیار مرویت
از اهل بیت طاهرات صلوات الله علیهم درین باب چند چیز
که اهم باشد انشاء الله ذکر کنیم خوف از سلاطین کسی
بحضرت امام جعفر علیه السلام معروفی داشت که سلطان را
طلبیده و من اندیشیده دارم فرمود چون از خانه بیرون روی
قل هو الله احد از پیش رو و بجانب راست و پشت سر و بجا
یا الله و زیر پا بخوان که در اثر و زحمت برای تو از سلطان
و شیطان و نیز مرویت که چون بسلاطین ملاقات کنی
هفت مرتبه هسته بگویش خیر لك یا بن عینیك و ترك
تحت قدمیك و یا الله استعین علیك اللهم اكفیك
بما شئت فایة لا اله الا انت و چون از غضب ایشان

استرسند

ترسد بگوید اَلْفَاكُ غَضَبَكَ يَا اِلَهَ الْاَلَمِ هُوَ عَلَيَّ

تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ و چون نظر ایشان

افتد سه مرتبه قل هو الله احد بخواند و با دست چپ آنکست بشمارد

تا وقتی که از انجا بیرون آید مکرر بخواند باشد و نیز مرویت که

کسی را سلطان بعتاب طلبید حضرت امام جعفر علیه السلام

قدری تربت حضرت امام حسین علیه السلام فرستاد و فرمود

یا ویرسانید که امانت از هر خوف و نیز حضرت علیه السلام

از دهانه سلطان میگذاشت دید که کسی را عقوبت کرد چو بیرون

آمد فرمود اگر آنکست ترعیق ما خورد میداشت ازین حادثه

این می بود خوف اعداء حضرت امام زین العابدین

علیه السلام فرمود که اگر تمام انس و جن بر من جمع شوند چو این بگویم

بگویم یا اَلتَّ نَدَا شَتَابَا سَمِ بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللهِ وَ مِنْ اللّٰهِ وَ لِلّٰهِ

وَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُوْلِ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اَلْبَايَاتُ

اَسَلْتُ نَفْسِي وَ اَلْبَايَاتُ وَ جَنَّتْ وَ جَنَّتْ وَ اَلْبَايَاتُ اَلْبَايَاتُ

ظَهَرَتْ اَلْبَايَاتُ فَوَضَّحْتُ اَمْرِي لَلّٰهُمَّ اَحْفَظْنِي بِحِفْظِ

الْاِيْمَانِ مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَ مِنْ خَلْفِي وَ عَنْ يَمِينِي وَ عَنْ

شِمَالِي وَ مِنْ قَوْفِي وَ مِنْ تَحْتِي وَ اَلْبَايَاتُ وَ اَدْعُ عَنِّي

يَوْمَئِذٍ وَقُوتُكَ خَائِفَةٌ لَا يُخَفِّدُكَ وَالْقُوَّةُ الْإِلَهِيَّةُ وَبِرَّكَ حَضَرَتْ
إِمَامُ مَرْحُومِي عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَمَوْا كَجَدِّهِمْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ
جَوْنِ ابْنِ دَعَا مَوْجِدًا بِرَّحْمَتِهِ لَكَ شُكْرِي حَالِي بِكَ وَكَرَامَتِكَ مُنْهَرَجًا
وَإِنْ دَعَا كَهَاتِ بِلَايَا اسْتَثْنَيْتَ بَابَكَ أَسَاوِدُ وَبَارِكْ لِحَاوِلِ
وَبَارِكْ لِحَاوِلِ وَبَارِكْ أَصُولُ وَبَارِكْ أَنْصَرُ وَبَارِكْ أَمُوتُ
وَبَارِكْ أَخِي أَسْلَمْتُ لِقَبْضَتِكَ الْيَا كَيْفَ وَقُوتُكَ أَمْرِي إِلَيْكَ
لَا تُخَفِّدُكَ وَالْقُوَّةُ الْإِلَهِيَّةُ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ أَنْتَ
خَلَقْتَنِي وَرَبَّيْتَنِي وَتَزَوَّدْتَنِي وَعَنِ الْعِبَادَةِ بِالْجَلْبِ
مَا خَوَّلْتَنِي أَغْنَيْتَنِي إِذَا أَهْوَيْتُ رَدَّدْتَنِي وَإِذَا عَزَلْتُ
قَوَّيْتَنِي وَإِذَا أَمْرُكَ شَفِيتَنِي وَإِذَا دَعَاؤُكَ اجْتَبَيْتَنِي
يَا سَيِّدِي ارْحَمْنِي فَقَدْ ارْتَضَيْتَنِي خَوْفًا وَطَمَعًا
بِكُودٍ وَقُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يُدْرِكُونَ
أَيَّامَ اللَّهِ بَصِيرِي قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ وَإِذَا أَمْرُكَ
الْقُدْرَانُ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ
رَجَا بِلَعْنَتِكَ وَأَجْعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ
يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَفِي عَيْنِهِمْ لَهْمًا لَا يُبْصِرُونَ
يَا حَسْبِيَ إِذَا لَحَاؤُكَ لَحَى لَوْ أَنَّكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا

إِنَّ هَذَا الْأَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ سَبَّحَ أَوْصَرْتِ إِمَامَ جَعْفَرٍ
 عَلَيْهِ السَّلَامُ عَرَبِيَّتِ كَمَا بِسَبَّحَ مَلَأَاتِ كُنَى دُرُوشِ الْإِسْلَامِ
 بِحُجَّانِ وَخَطَابِ بَاوْمُودِ بَكْوِي عَزَمَتْ أَلَكِ بِعَزْمَةِ اللَّهِ
 وَعَزْمَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَزْمَةِ سُلَيْمَانَ بْنِ
 دَاوُدَ وَعَزْمَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَالْأَهْلِ
 مِنْ تَعْلِيدِهِمْ كَمَا أَنشَاءَ اللَّهُ رُكُودَ دَائِدِهِ بِرُودِ رَاوِي كَوِيدِ جُونِ
 جُونِ بِرُونِ أَمْدَمِ سَبْعِي رُومِنِ كُودِ أَيْنِ عَزَمَتْ بِرُودِ خَوَانِدَمِ
 بَعْدَ إِذْ لَكُمْ إِلَّا أَخْنِيتَ عَنْ طَرِيقِ الْمَيْمَنِ دِيدَمِ سِرْبَرِ
 أَفَكَنْدِهِ ثُمَّ بَيَانِ بَايِ كُفْرِهِ رُكُودَ دَائِدِهِ وَضُرُورِ زَسَانِدِهِ
 عَقَرِ بِي وَبَايِ كُزَنْدَكَانِ حَضَرْتِ إِمَامَ مُحَمَّدٍ بَاوْعَالِهِ السَّلَامِ
 فَرُودِهِمْ وَفَتِ شَامِ بَكْوِيدِ أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ
 الَّتِي لَا يَجْأُزُّ عَنْ بَرٍّ وَلَا فَاجِرٍ مِنْ شَرِّ مَا ذَرَعَهُ وَمِنْ شَرِّ
 مَا بَرَّهَ وَمِنْ شَرِّ مَا ذَرَعَهُ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ هُوَ آخِزٌ
 بِسَاقِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى الصِّرَاطِ مُسْتَقِيمٌ كَمَا رَجَعِ عَقَرِ بِي
 وَكُزَنْدِهِ أَوْرَانِ كُزَنْدَجِ وَنِيْصِرُ وَبَيْتِ كُزْ وَدُجُوبِ الْبَارِئِ
 وَكُزَنْدِهِ كَانَا دَفْعَ كَنْدِ كَيْكِ وَفَتِ خَوَانِدَمِ بَكْوِيدِ الْهَسَا
 الْأَشْوَدِ الْوَتَابِ الَّذِي لَا يَسَالُ إِلَّا عُلُقًا وَلَا يَسَالُ إِلَّا عُلُقًا

من ضامنه

ولا بما باعتم عليكم باسم الكتاب ان لا تؤذي وبعث
الحان يذهب الليل ويوزب الضجج بما ايت كزك د
وقت خوابدن بر قفلهما وخلقها بخواند قل ادعوا الصالحين
الذين اتوا من قبلهم في اسرايل واذكرا وكنيزي براي اين مطلب
در فصل راب خواب انشاء الله بياید اثنای مسقط
حضرت امام رضا عليه السلام فرمود همچنان وقت خوابدن اين آيه
بخواند كه سقف بر وفرو آيد ان الله يمسك السموات
والاارض ان ترفلا وكن ذا لسان ان امسكها من كل
من يعبد وانه كان حليما عفورا وحشيا هشت
حضرت امام علي عليه السلام فرمود هر كس بگويد بسم الله و بالله و
توكل على الله انه من يتوكل على الله فهو حسبه
ان الله سامع اعمر و قد جعل الله لكل شئ قدرا اللهم
اجعلني في كفلك وفي جوارك واجعلني في ليلتك
وفي منعة اهلك وحتي در شب و روز اين باب
و فرمود حكايه كنند كه مري سي سال اين را بخفته بگفت ترك
كرده عقرش زنده هلاك و بلامر و ليت كه هر كس بسم الله الرحمن
بر در برون خانه نويسد هلاك شد اين باشد اگر چه

باشند و مردیست که فرعون بر در خانه خود نوشته بود چون حضرت
موسی علیه السلام برای خلاص شدن استجاء الصیحه و خدا تعالی فرمود تو
بگفتن نظر میکنی و من اینجا بر در خانه نوشته شد جمیع کارها
از حضرت امام رضا علیه السلام مرویست که هر کس در ایام طفولیت
هر شب سه مرتبه قل اعوذ برب الفلق و سه مرتبه قل اعوذ به
رب الناس و صد مرتبه قل هو الله احد اگر خواند بخواهد مرتبه
بخواند یا دیگری برای او بخواند از جمیع امراض صبیان و آسایش
و عطا از محبت اوست که چون عارض شود صاحبش هر چند آب
خورد و سیر نشود و از غذا و معده و غلبه خون محفوظ گردد و تمام
که این مداومت کند تا آنکه از دنیا برود حوادث از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که فرمود چون پیش حضرت
رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم متفرم شد خدا تعالی این
کلمات را فرستاد که در سنان نیز خود جای دهد بعد از آن
هر که پیش آن حضرت را فریفت از دنیا دو من دوست می
دارد که دشمن این را هرگاه شمشیر یا زین نکند تا یاد رحمت خود
داشته باشد تا از حوادث لیل و نهار محفوظ باشد اللهم
یا هو یا من هو هو یا من لا اله الا هو یا حی یا قیوم یا ارحم
الرحمن

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ يَا نَبِيَّ
 النَّبِيِّينَ وَالْأَطْهَارِينَ وَأَوْعِيزْ وَأَذْكُرْ بِرَأْيِهِ لِمَنْ وَاصِلُ
 وَرَبَابِ عَادَاتِ انْتِزَاعِهِ بِيَامِهِ **فصل** در بعضی
 ادعیه منبر که ما فزده هر بیت از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
 که هر کس این دعا بخواند اگر ملائکه گفت آسمان و زمین جمع شوند تا
 روز قیامت تو لب آتش را نشوند و تو آتش را نشوند و تو آتش را نشوند
 و تو آتش را نشوند و تو آتش را نشوند و تو آتش را نشوند
 که او را و والدین و برادران و خواهران و اهلیت و اولاد
 و همایکاش ظاهر و از آتش آزاد گردانم و او را شفیع هر کس
 گردانم که همه مستوجب دوزخ باشند و هر یک این فقرات
 دعا را قضا عظیم و ایستاده که ذکر هر آن دین مختصر کند
 يَا مَنْ أَظْهَرَ الْحَسَنَاتِ وَسَتَرَ الشُّبُهَاتِ يَا مَنْ كَرَّمَ الْوُجْهَاتِ
 يَا بَجِيَّةَ وَكَمَلَتِ السَّيِّئَاتِ يَا عَظِيمَ الْعُقُوبَاتِ
 يَا مُؤَيِّدَ الْوَاوِيحِ لِلْفَقِيرَةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ
 يَا صَاحِبَ كُلِّ جَنَّةٍ يَا مَنْ شَوَى كُلَّ شَيْءٍ يَا كَرِيمَ الصَّفْحَةِ
 يَا عَظِيمَ الْكَرَمِ يَا مُبْتَدِئَ الْبَرَاءَةِ قَبْلَ اسْتِقْفَائِهَا يَا زَيْنًا
 يَا سَيِّدَ نَافِئِ الْأُمُورِ يَا أَعْلَى رُغْبَةٍ اسْتَلْكَ يَا قُدُّوسَ

و در بعضی
 از ادعیه منبر
 که ما فزده
 هر بیت از
 حضرت پیغمبر
 صلی الله علیه و آله
 که هر کس این
 دعا بخواند
 اگر ملائکه
 گفت آسمان
 و زمین
 جمع شوند
 تا روز
 قیامت
 تو لب آتش
 را نشوند
 و تو آتش
 را نشوند
 و تو آتش
 را نشوند

در بعضی از ادعیه منبر که ما فزده هر بیت از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر کس این دعا بخواند اگر ملائکه گفت آسمان و زمین جمع شوند تا روز قیامت تو لب آتش را نشوند و تو آتش را نشوند و تو آتش را نشوند

آنکه استخوان خاکی یا آتش را در مزار حضرت علی علیه السلام
مرویت که فرموده بشی که بفرج رستم بر حجاب قدس این دعا
نوشته و در هم مری بخواند درهای آسمان برایش گشود شود و
کرامت او در دالین و همسایگانش ایزد شده شود و حاجت رفت
از در و یاقوت بنگارند و خیر دنیا و آخرت برایش جمع فرماید
و اگر بمشاک و زعفران بنویسند و بر زمین دهند مغایرند و اگر
بر لطافال بپزند آن را در عقیق و کمان محفوظ است و اگر
کسی نوشته باشد از او بیع ایمین شود و اگر برای مطلبی بخواند
آسان شود و اگر بنویسد و ملاک و هر از مثل اینها جمع شوند از
اول دنیا تا روز قیامت ثواب آن خواننده نوشت اللهم انی اعطک
یا امن اکر که بالعید و بیکر کل مقبول یا امن مجده کل مقبول یا
من یفزع علی کل مقبول یا امن یطلب مقبول کل مقبول
یا امن سائله غیر مردود یا امن یا یزید عن سؤل غیر مستند
یا امن هو غیر منصرف ولا یخلف و یا امن عطله غیر
ممنوع و لا منکون یا امن هو لمن دعا علیه ببعید و هو
قرب المقصود یا امن صاع صیاده جمید مقبذ و یا امن لیس
بوالد و لا مولود یا امن شیهه و میله غیر مزبور یا امن

كرمه وفضلته غير معدود يا من خلق برة الانام مودود
 يا من لا توصف بقيام ولا اقعود يا من لا يحصى عليه
 حركة ولا محمود يا الله يا من يا رحيم يا ودود يا
 راحم الشيخ الحكيم يعقوب يا غافر ذنب
 داود يا من لا يغفل الوعد ويعفو عن المعصية
 يا من يدبر ريسه وخالصين ممدود يا من هو ملجأ
 كل مقصي مطرود يا من دان كل خليج خلق بالشهود
 يا من ليس عن سبيله وجود احد مضكود يا من لا يصف
 في ملكه ويحكم عن الظالم المعنود ارحم حبيب المخلص
 كرمك بالعهود انك قاتل لما تريد يا تبارك يا ودود
 صل على محمد خير مبعوث دعا الى الخير ممدود وعلى
 اهل الطيبين الظاهرين اهل السمك ورم والجود
 سلما انت اقله يا ارحم الراحمين ودم ان حضرت صلى الله
 عليه وآله وسلم مرويت كرهين اين دهر اخوانه اكرامه
 هفت ارمان وزيين مع شويده تار وزيانست خواب انرا از هفت
 جزوي نرساند بيان نمود و از عید الهی من سلام مرويت گنجی
 انفضال این دعا که در صورت است ایست که هر کس خطاب علی

بفضل و منت خود این کلمات را در دلش جا دهد هر روز و مرتبه
یا ویرملا یکصد بار گفت و بگوید و نورانی از او نفعش در خشتان شود
و از عذاب قبر و فتنه و حال و رفع اکبر و جود و قیامت آید
که باشد و روز قیامت که هر کس ترسان و محزون باشد او را فرخ
و خرم این باشد و چون محسوس شود و دلش مکن و مطمئن باشد
و هر مطلب که دعا سوال کند خدا تعالی عطا فرماید و فضایل دیگر
بسیار است که این رساله حوصله آن ندارد یا الله یا الله یا الله
أَنْتَ أَلَمْ تَخْلُقْ مِنْكَ بَيْنَ خَلْقِكَ يَا نُورُ الْكُورِ أَنْتَ الَّذِي
أَحْبَبْتَ ذُو قَوْلِكَ فَلَا يَذَرُكَ ذُو قَوْلِكَ يَا اللهُ
يَا اللهُ يَا اللهُ أَنْتَ الرَّفِيعُ الَّذِي أَرْبَعَتْ قُوَى عَرْشِكَ
مِنْ قُوَى سَمَائِكَ فَلَا يَصِفُ عَظَمَتَكَ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ
يَا نُورُ النُّورِ قَلْبُ الشَّامِ رُبُّكَ أَهْلُ سَمَائِكَ وَطَبَقَاتُهَا
يَقُولُونَ أَهْلُ أَرْضِكَ يَا اللهُ يَا اللهُ يَا اللهُ أَنْتَ الَّذِي
كَأَنَّكَ غَيْرُكَ لَمَّا كُنْتَ عَنْ أَنْ يَكُونَ لَكَ كَمِيتٌ وَتَحْتَ
عَلَى أَنْ يَكُونَ لَكَ وَكَأَنَّكَ كَمِيتٌ عَنْ أَنْ يَكُونَ لَكَ
شَيْءٌ وَتَحْتَ عَنْ أَنْ يَكُونَ لَكَ شَيْءٌ فَلَمَّا كُنْتَ اللهُ
الْعَمُودُ بِكُلِّ لِيَانٍ وَكُنْتَ الْمَعْنَى بِكُلِّ مَكَانٍ وَأَنْتَ الْكَوْنُ

فِي كُلِّ أَوَانٍ وَمَنْ يَنْبَأُ التَّوَكُّلَ كُلَّ تَوَكُّلٍ مَدَّ لِيُزَكَّ يَا
 مَلِكَ كُلِّ مَلِيٍّ يَفُوقُكَ يَا دَاهِيَهُمْ كَمَا مَجَّيْتُكَ
 غَيْرَكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ الْفَقِيرُ الرَّحِيمُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ
 تُطْفِئُ بِهَا غَضَبَكَ وَتَكُفُّ بِهَا عَذَابَكَ وَأَرْزُقُنِي
 بِهَا سَعَادَةً مِنْ عَمَلِكَ وَتُعَلِّمُنِي بِهَا دَارَكَ الْبَقِيَّةِ حِكْمَهَا
 غَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِ سَيِّئَاتِهِمُ الرَّاحِمِينَ يَا مَنْ أَظْهَرَ الْحَقَّ
 وَسَتَرَ الْبَاطِلَ يَا مَنْ كَرَّمَ لَوْ لَمْ يَكُنْ بِالْجَزِيرَةِ وَكَمْ يَهْدِيكَ السَّبِيلَ
 يَا عَظِيمَ الْعَفْوِ يَا حَسَنَ الْبَعْدِ يَا مَسِيحَ الْغَفْرِ يَا بَاسِطَ
 الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ الْمُنَاجِبِ كُلِّ جَوْدٍ يَا مُنْتَهَى كُلِّ كَلْبَةٍ
 يَا مُقَوِّجَ كُلِّ كَرْبَةٍ يَا مُنْقِذَ الْعَذَابِ يَا إِلَهَ الصُّفْحِ
 يَا عَظِيمَ اللَّزْقِ يَا مُتَدَيِّ التَّعَبِ قَبْلَ اسْتِعْظَامِهَا يَا دَاهِيَهُ
 يَا سَيِّدَاهُ يَا أَمْلَأَهُ يَا أَعْلَى عِزِّهِ يَا أَسْطَلَّ بَلَدٍ وَتَهْتَدِي
 وَعَلَى وَقَائِدِهِ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَعَلَى مُحَمَّدٍ وَجْهٍ
 وَمَوْلَى وَعَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى مُحَمَّدٍ وَالْحَقُّ وَالْحَقُّ الْقَائِمُ أَنْ يَصِلَ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْحَقُّ وَأَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ أَنْ لَا
 تَنْوِي خَلْقِي فِي الشَّرِّ وَأَنْ تَعْفُو عَنِّي وَلَوْ أَلَدَيْ رَحْمَتِكَ
 يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَأَنْ تَكْتُبَ لِي حَيَاةً يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ

وَالْآخِرَةُ

قَدِيرٌ وَكَفَى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَهُوَ الْخَضِرُ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ
وَالْوَاسِعُ وَبَيْتٌ كَذَلِكَ مِنْ دَعَا لِحُجَّتِهِ طَلِبَ عَزَائِدَ بَازِلِ اللَّهِ
بِأُورْدَةٍ شُودُ وَكَوْجِلِ سَبِيحَتِهِ عَزَائِدَ مَالِي مُنَادِي عَالِي حُجَّتِهِ
تَانِدُ كَرْدِ بَاهِزِ دَكُجِي سُلْطَانِ جَاوِي دَوَلِشُورِ لَانْدِ وَجِلِ
شُودُ عَزَائِدِ عَزَائِدِ سُلْطَانِ لَانْدِ شُغُوفِ وَمِهَابِ كَرْدَانِ لَانْدِ
وَعَالِي اللَّهِ هَمَّ أَيْ أَشْكَاتِ يَا مَنْ أَنْجَبَ شُعَاعَ نُورِ دَهْنِ
نُورِ طَوَلَةِ يَا مَنْ بَشَّرَ مَلِكِ الْأَجَلِ وَالْعِظَمَةِ وَالشُّوَرِ
بِالْعَبْرِ فِي قُدْسِهِ يَا مَنْ تَعَالَى بِالْجَلَالِ وَالْكَرَامَةِ
تَفَرَّدَ عِبَادِهِ يَا مَنْ أَنْصَابِ الْأُمُورِ بَارِئُهَا طَوْعًا
لَا هَرَمَ يَا مَنْ طَامَتِ السَّمُوكُ وَالْأَنْفُوسُ عَجَبَاتِ
لِدَعْوَتِهِ يَا مَنْ رَزَقَ السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَالْعَالَمَ وَجَعَلَهَا
هَلَاكِهَا خَلْقَ الْبَرِّ أَمَّا الْعَبْرُ لَمْ يَزَلْ فِي سَوَادِ اللَّيْلِ
الْمُظْلِمِ بِالطُّفْرِ يَا مَنْ أَمَلَا النَّفْسَ الْهَبِيَّةَ وَجَعَلَهَا مَعَكَ
لِأَلْفِهِ وَجَعَلَهَا مُعْرِفَةً بِالنَّسْلِ وَالنَّهَارِ وَالْمُعْظِمِ
يَا مَنْ اسْتَوْجِبَ الشُّكْرَ وَبَشَّرَ حَرَابِ نَعِيمِهِ
أَشْكَاتِ عَمَّا قَدِ الْعَبْرُ مِنْ عَرِيكَ وَمِنْ نَهْيِ الْخَفْرِ
مِنْ كَيْتَابِكَ وَكُلِّ سَمٍ هُوَ الْكَتْمُ بِهْ نَفْسَاتِ

وَسَتَّارَتِمْ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ مِنْكُمْ وَبِكُلِّ اسْمٍ هُوَ أَكْثَرُ
أَنْ تَكُنْ فِي كِتَابِكَ أَوْ أَنْتَ فِي قُلُوبِ الْمُتَّقِينَ
الْحَاقِقِينَ حَوْلَ عَرْشِكَ فَتُجِيبُ الْقُلُوبَ إِلَى الْفَهْمِ
عَنِ الْبَيَانِ بِإِخْلَاصِ الْوَحْدَانِيَّةِ وَتَحْقِيقِ الْفَرَادِيَّةِ
مُقَرَّةً بِالْعُبُودِيَّةِ وَأَمَّا أَنْتَ اللَّهُ أَنْتَ اللَّهُ أَنْتَ اللَّهُ
الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَحِلَّتْ
بِهِ الْكَلْبَةُ عَلَى الْجَبَلِ الْعَظِيمِ فَلَا بَدَأَ لَكَ نُورُ
الْجَحِيمِ كَمَا أَنَّ الْعَظْمَةَ حَرَّتِ الْجِبَالَ مُتَدَكِّكَةً
تَعْلَمُكَ وَجَلَالُكَ وَهَيْبَتُكَ وَخَوْفُكُمْ
سَطَوَاتُكَ رَأَيْتُكَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَلَا إِلَهَ
إِلَّا أَنْتَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَاسْأَلُكَ بِالْأَسْمَاءِ الَّتِي
فَقَّتَ بِهَا رُتَبَ عَظِيمِ جُفُونَ عِيُونِ الْغَائِبِينَ الَّذِينَ
بِهِ تَدَبَّرُ مَكْنَسَاتُكَ وَسَوَاءُ دَجٍّ أَيْلِيَا ثَلَاثُ بَعْرُوكَ
يَقْطَعُ الْقُلُوبَ وَأَنْتَ فِي عَمَلِ مَنْ سَرَّكَ مَعْرُوفَاتُ
الْعُيُوبِ أَسْأَلُكَ بِعَرَفَةِ ذَلِكَ الْأَسْمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُقَرِّبَ عَنِّي جَمِيعَ الْأَغْيَابِ وَالْغَائِبَاتِ
وَالْأَفْرَاضِ وَالْأَفْرَاضِ مِنَ الْأَفْرَاضِ وَالْأَفْرَاضِ مِنَ الْأَفْرَاضِ

وَالشِّرْكُ وَالْكُفْرُ وَالنِّفَاقُ وَالشِّقَاقُ وَالضَّلَالَةُ وَالْهَضَلُ
وَالْمَقْتُ وَالْعُصْبُ وَالْعَصْرُ وَالصُّقُ وَقَادَ الصُّمُ
وَحَاوِلَ النِّقْمَةِ وَشَبَّاهُ الْأَعْدَاءِ وَعَلَبَةُ الرِّجَالِ
أَنْتَ مَبْنِي الدُّعَاءِ لَطِيفُ الْإِثَاءِ وَمِنْ أَنْصَرَتْ
بِقُدْرَتِهِ عَلَى السَّعْيِ وَالْإِسْلَامِ مِنْ هَيْبَتِهِ كَرِهَ بِدَعَايِ إِمَامِ مُؤْمِنِينَ
عَلَيْهِمُ السَّلَامُ دَعَا كُنْدًا أَنْصَرَتْ مَحْشُورٌ شُورٌ وَأَنْصَرَتْ تَفِيعُشْ
بِأَسَدِ وَخَدَائِجِهَا كَرِيشَ بَاقِجٍ دَهْدٍ وَدِيشَ إِدَاكَنْدِ كَمَارِشْ
أَسَانِ كَرِيشَ وَبَرَاهِشْ هِدَايَتِ فَرَايِدِ وَبَرَاغِدِ الْفَضْلِشْ
دَهْدِ وَهَدَايَتِ سَتَرِشْ نَكَنْدِ وَبَايَمَانِ شَرْحِ صَدَقِشْ عَمَلِشْ
وَدَرْوَقِشْ بِرُونِ رَفِيعِ رُوحِ شَهَادَتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
تَأْقِيشْ كَنْدِ وَبَيْنِ دَعَا رَاهِدارِ نَازِبايِدِ خَوَانِدِ وَهَرِشْ بِدَعَا
عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ دَعَا كَنْدِ بِأَنْصَرَتْ مَحْشُورٌ شُورٌ
وَهَجْزِشْ هَرِشْ بِدَعَا هَرِشْ أَزْأَحْمَدِ طَاهِرِشْ تَاصَاحِبِ الزَّمَانِ
صَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ دَعَا كَنْدِ بِأَوْ مَحْشُورٌ شُورٌ وَبَيْنِ دَعَا
دَعَا لَتِ مَسْرُوبِ بَابِشْ دَعَا إِمَامِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِتَرْتِيبِ أَوَّلِ السَّلَامِ
أَنْتَ أَسْأَلْتُ بِكُلِّ نَازِلٍ وَمَعْلُوقٍ عَرِشَتِكَ وَسُكَاةٍ
سَمَوَاتِكَ وَأَرْضَتِكَ وَأَنْبِيَاءِكَ وَرُسُلَتِكَ أَنْ تَجْعَلَ

يَا مُحَمَّدُ رَفَقَتِي مِنْ أَمْرِ عُسْرٍ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَالْحَسَنِ أَنْ تَجْعَلَ لِي مِنْ عُسْرِي لَيْسَ
 يَا أَكْشَمُ يَا دُيُومُ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا كَاشِفَ الْغَمِّ
 يَا فَارِجَ الْهَمِّ يَا بَاعِثَ الرُّسُلِ يَا صَادِقَ الْوَعْدِ صَلِّ عَلَى
 مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ سَيِّدِي
 إِنْ كَانَ لِي عِنْدَكَ رِضْوَانٌ وَوَدٌّ فَأَغْفِرْ لِي وَلِمَنْ
 اتَّبَعَنِي مِنْ أَهْلِي وَشِيعَتِي وَطَيْبِ مَا فِي صُلْبِي
 وَصَلِّ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلِّ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ
 بِمَا حَرَّمَ وَكَوْنَا مِنْ عِزِّ مُتَوَكِّلِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اجْعَلْ
 لِي شِيعَتِي مِنَ النَّاسِ قَاءَ مُحَمَّدٍ رِضَاءً وَغُفْرَانًا
 وَلِيَبْرَأَ أُمُورَهُمْ وَأَقْضِ دِيُونَهُمْ وَأَنْتَ عَزِيزٌ أَرْحَمُ
 لَهُمُ الْكَافِرَ الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُمْ يَا مَنْ لَا يَخْفَا الْغَيْمُ
 وَلَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ اجْعَلْ لِي شِيعَتِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ
 قَرِيبًا وَمُخْرَجًا بِحَسْرَةٍ يَا خَالِقَ الْخَلْقِ وَيَا بَاسِطَ الرِّزْقِ
 وَقَاتِلَ الْحَبِّ وَبَارِئَ الشِّمِّ وَغَنِي الْمَوْتِ وَمُسْمِتَ
 الْأَهْلَاءِ وَدَاشِمَ الشَّيْبِ وَمُخْرِجَ النَّبَاتِ افْعَلْ بِي
 مَا أَنَا أَهْلُهُ فَإِنَّكَ أَهْلُ الشُّعْرِ وَالْهَيْلِ الْمَعْقُورَةِ

يَا أَنْتَ أَهْلُهُ كُلُّكَ تَفْعَلُ بِي

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ أَطْلُقْ لِي الْهَدْيَ وَتَسْبِيحِي عَلَيْكَ أَمَّا آمَنُ
مِنْ الْهَرَّةِ وَالْعَلَقَةِ وَالْجُرْنِ وَالْجَمْرِ أَنَا أَهْلُ الثَّقَلَيْنِ
وَأَهْلُ الْغُفْرَةِ هَسْجَمُ الْهَمَّةِ يَا مَنْ لَا سَبِيكَ
وَلَا مِثَالَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَلَا خَلْقَ إِلَّا
أَنْتَ تَقْنِي الْخَلُوقِينَ وَتَبْقَى أَنْتَ حَلَمْتَ عَنْ عَصَا
وَفِي الْغُفْرَةِ رِضَاكَ هَسْجَمُ يَا نُورُ يَا نُورَ هَانِ يَا نُورُ
يَا مَبِينُ يَا رَبِّ الْكَفَى شَرُّ الشُّرُورِ وَأَقَاتِ الدُّهُورِ
وَأَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ هَسْجَمُ يَا عَزِيزُ
فِي عَذْرُو مَا أَغْرَعْتَ الْعَبْرَةَ فِي عِزِّهِ يَا عَزِيزُ
أَعِزِّي بِعِزِّكَ وَأَكْبِدِي بِتَضَرُّعِي وَاطْرُدِي عَنِّي هَمَزَاتِ
الشَّيَاطِينِ وَأَوْفَعِي عَنِّي بِرَفْعِكَ وَأَمْنَعِي عَنِّي مَنَعَتِ
وَأَجْعَلِي مِنِّي خَيْرَ خَلْقِكَ يَا وَاحِدُ الْخَلْقِ يَا فَصْلُ
يَا صَمَدُ يَا مَنْ كَلَّمَ بِلَا دَوْلَةٍ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُو الْعَبْدِ
يَا هَمُ يَا نُورُ الْبُورِ يَا مَدِيرَ الْأُمُورِ يَا مُبَاعِثَ مَرْيَمَ فِي
الْقُبُورِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ لِي وَلِيًّا
مِنَ الصِّبْيِ هَمَزَاتِ يَا هَمُ يَا هَمُ يَا هَمُ يَا هَمُ
وَأَطْلُقْ لِي مِنَ الْفِتَنِ مَا يَفُزُّجُ وَأَفْعَلْ بِنَا مَا أَنْتَ

أهل الدنيا كريمين ويزين دعائهم جليل القدر رفيع المنزلة
مرويت از حضرت صاحب الزمان صلوات الله عليه
اللهم ارفعنا من فوق الطاعة وبعك للعصية
صدق الشية ويزن فان الحرمة واصر منا بالهدية
والاستغفار وسدد السنين بالصواب والحكمة
وامننا قلوبنا بالعلم والمعرفة وظهر رطونا من
الحرارة والشمسة وكف ايدينا عن الظلم والشرقة
واخفض ابصارنا عن الفجور والخيانة واسد اذاننا
عن الغرور والغيبة ونفضل على عملنا بالزهد
والنصيحة وعلى المسلمين بالجهاد والوعبة وعلى
المتبعين بالاتباع والموافقة وعلى اعدائنا
بالسماوة والمصرة وعلى موتانا بالرافة والرحمة
وعلى مسايضنا بالوفاء والشكينة وعلى الشباب
بالإيمان والمؤمنة وعلى الدنيا بالحياة والعفة
وعلى الأعداء بالتواضع والسعة وعلى الفقراء بالخير
والقناعة وعلى الغرارة بالنصر والفكرية وعلى
الأشرار بالخناس والراحة وعلى الأمل بالعدل

وَالشَّعْفَةَ وَعَلَى الرَّعِيَّةِ بِالْإِصْبَافِ وَحِينَ السَّيْرِ
الْأَمْرُ وَالزُّوَارِفِ فِي الزَّادِ وَالنَّفَقَةِ وَأَتَقَرُّ مَا
أَوْجِبَتْ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ بِفَضْلِكَ يَا ذَا جَمَلٍ وَرَأْفَةٍ
يَا **سَيِّدُ** خَيْرِ دَرِأَيَاتِ عِلَادَاتِ وَ
مَجَارِي أَعْوَالِ وَسَائِرِ جَرِّثَاتِ وَمَوَاضِعِ أَفْصَالِ أَيْنِ مَجْمُوعِ
إِنْشَاءِ اللَّهِ دَرِ دَوَارِدِهِ فَضْلُ بَيَانِ شُودِ فَضْلِ أَوَّلِ
دَرِ أَوْرَاقِ لِبَاسِ وَأَوَابِ پوشیدَنِ آنِ صِرَاطِ اِزْهَالِ بَیْتِ
طَاهِرِ بِنِ عَالِمِ کَمِ که خدا را خدای جمیل است و دوست دارد و جمال را
چون بگویم حق عطا فرماید دوست دارد که آثار آن نعمت
از وظاهر باشد پس اگر احوالها را آثار نعمت کند شکر آن کذا و
بود و گفته که آن کبریا باشد و بجهت آن لباسها پذیرفته است که
لباس حضرت خضر را بلباس او سه سالوات است علیهم و
لباسی که موجب خضوع و تواضع و افتادگی بود و بدین لباسها
آنکه موجب کبر و عجب بود و معروفیت آن حضرت اصنام
زین العابدین علیه السلام روزی جامع فخر پوشیده از خانه
بیرون رفت طبعی نگاهداشت سرعت امری که فرموده از دیدن
بیرون کرد جامع و دیگر پوشید و فرمود که ایمن دین جامها

وَالشَّعْرَ عَلَى الرَّعِيَّةِ بِالْإِضَافَةِ وَحِينَ السَّيْرِ
لَهُمُ وَالزُّوَارِ فِي الزَّادِ وَالنَّفَقَةِ وَأَقْصَرُوا
أَوْجِبَتْ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحِجِّ وَالْعُمْرَةِ هَذَا مَا يَأْذُرُكُمْ
يَا أَيُّهَا النَّاسُ خُذُوا بَازِيَكُمْ وَأَبْذُلُوا
مَجَارِي بَازِيَكُمْ وَسَائِرَ جَرَنَاتٍ وَسَوَاحِ أَعْيَالٍ مِنْ مَجْمُوعِ
أَنْشَاءِ اللَّهِ دَرْدُو زَدَهُ فَضْلُ بَازٍ فَضْلُ الْوَلَدِ
دَرِزْنَجِ لِبَاسٍ وَأَوَابٍ بُوَشِيدِينَ أَنْزَلَتْ لِبَاسٍ
طَاهِرٍ عَلَيْهِمْ كَمَا خَدَا حَوَالِ جَمِيلٍ لَنْتَ وَدُوسْتِ دَرِزْنَجِ
چُونِ بَكُوَافَتِ عَطَا فَرَمَايدِ دُوسْتِ دَارْدِ كِه أَتَارَانِ نَجْمَتِ
از وَظَاهِرِ بَازِ دَاسِ اَكْرَظْهَا رَاغَا دَهْتِ كَنْدِ شَكْرِ كَنْدَارِ
بُودِ كَنْ كَفَرَانِ كِرْمَ بَاشِ دُوسْتِ لِبَاسِهَا بِذِ لَنْتِ
لِبَاسِ خُشْرِ دَازِ لِبَاسِ دُوسْتِ دَازِ لِبَاسِ دُوسْتِ
لِبَاسِ كِه دُوسْتِ خُشْرِ دَازِ دُوسْتِ دَازِ دُوسْتِ
اَكْهَ دُوسْتِ كِبَرِ دُوسْتِ دُوسْتِ دُوسْتِ دُوسْتِ
زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رُوزِ جَامِعِ فَاخِرِ بُوَشِيدِ اِنْخَالِ
بِرُونِ رَفْتِ طَهْرِ كَدَاشْتِ سَبْعَتِ مَرَّةً خُشْرِ دُوسْتِ
چُونِ كِرْمَ جَامِعِ كِرْمَ بُوَشِيدِ دُوسْتِ دُوسْتِ دُوسْتِ
دُوسْتِ دُوسْتِ دُوسْتِ دُوسْتِ دُوسْتِ دُوسْتِ

علی بن الحسین بن موسی و هم از حضرت علیکم فرموده چون بدن
 جامه نازک پوشد سرکش شود و از حضرت یاه العباس علیه السلام
 مرویت که جامه نازک میکشید و تا طراوت روی نایل
 شود بعد از آن می پوشید و هر کس جامه برای تکبر و شهرت
 پوشد روز قیامت حق تعالی جامه از آنش درو پوشد و در جحیم
 قرین قرارین باشد از حضرت امام جعفر علیه السلام پرسیدند
 که حد تکبر در لباس کدام است فرمود آنیکه چون جامه خوب پوشی
 خواهی که مردم بدینند و لباس طلا و حریر بپوشد آن حرام است
 و هر کس در دنیا حریر پوشد در آخرت از آن محروم باشد
 و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم حضرت ابی موسی علیه السلام
 فرمود حریر پوشش که خدا تعالی روز قیامت بدنت را با آن
 بسوزد و لطیف ترین و نیکو لباس سفید است و سیاه لباس
 بی العباس است و سیاهی در لباس مذموم است مگر در
 و موزه و روایت دیگر عامه نیز وارد شد و از حضرت ابی
 بنی امیه و قمر بنی اسفطان و معصفه لباس اهل بیت علیکم
 است و نقش نه در لباس آنهاست و چشم را قوت دهد و
 دلگری ببرد و همیشه خوشی کند شود و قوت مباشرت دهد

و از حضرت ابی موسی علیه السلام مرویت که جامه نازک میکشید و تا طراوت روی نایل شود بعد از آن می پوشید و هر کس جامه برای تکبر و شهرت پوشد روز قیامت حق تعالی جامه از آنش درو پوشد و در جحیم قرین قرارین باشد از حضرت امام جعفر علیه السلام پرسیدند که حد تکبر در لباس کدام است فرمود آنیکه چون جامه خوب پوشی خواهی که مردم بدینند و لباس طلا و حریر بپوشد آن حرام است و هر کس در دنیا حریر پوشد در آخرت از آن محروم باشد و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم حضرت ابی موسی علیه السلام فرمود حریر پوشش که خدا تعالی روز قیامت بدنت را با آن بسوزد و لطیف ترین و نیکو لباس سفید است و سیاه لباس بی العباس است و سیاهی در لباس مذموم است مگر در و موزه و روایت دیگر عامه نیز وارد شد و از حضرت ابی بنی امیه و قمر بنی اسفطان و معصفه لباس اهل بیت علیکم است و نقش نه در لباس آنهاست و چشم را قوت دهد و دلگری ببرد و همیشه خوشی کند شود و قوت مباشرت دهد

و گفته بهید هنوز گفته نشده باشد که خدای تعالی بکمال مانی
محظوظ از کج خلق سیاه لباس جبار است و چشم را ضعیف
کند و صورت غم باشد و بمیان صورت خروکند و این لباس
اهل قمار است نشانه که مؤمنان به پوشند تا بآن قمار کنند
و مؤمنیت که با آن نباشد دستی که در آن انگشت تراشیده شد
و حضرت امام جعفر علیه السلام فرمود که عقیق سرخ و زرد
سفید سه گوشت در جهت عقیق سرخ مشرف است و خا
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و سفید برخانه اهل حق
علیه السلام و زرد برخانه حضرت عیسی علیه السلام و خدا را
تسبیح و تقدیس و تحمید میکند و برای دوستان اهل حق
علیه السلام است و میکند همگان را شیعیان که یکی از آن است
انگشت که کند بخیر و خوبی و وسعت روزی و سلامت
از جمیع انواع بلا نه بپند و سلامت از سلطان و از جمیع مکاره
و عجاوین و دفع بریشانی کند و اتفاق ذرا که فرزند هیچ کس
بدعا برداشته نشود دوست بر پیش خدا العز و مسکن که با انگشت
عقیق بردارد و سلامت یا سلامت مقرر نباشد و خدا را تعالی
نظر برین افکند و از فرزندش عقیق افزاید پس فرمود قسم

بذات خودم که غلبه کنم دستی با کمال و لایست علی انکس تحقیق
 داشت باشد و روایت دیگر آمده که چون خدا تعالی که چهار
 آفرید و لایست اهل بیت علیهم السلام را بر ایشان عرض کرد اول
 یا قوت و تحقیق قبول کردند پس ایشان را فضل و شرف عطا فرمود
 و روایت دیگر آمده که عقیق سرخ اولی که هست که اقرار و صفا
 خدا فرمود و نبوت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم و وصیت
 امیرالمومنین و اولاد و طاهری و صلوات الله علیهم اجمعین و بیعت
 برای او و جسدی برای آنها در ایشان نموده و در حدیثی که برای ایشان
 بر این است با هزار رکعت و کوه که هجده ای ماه و علی و ابی العباس
 نقش کرده اند که شکر کنند از فیاض و مکر بر فطرت ایمان و علی
 در سفر جاری زده بود و جمله حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
 و آله وسلم شکایت نمودند و فرمود بایست که در تحقیق با خود
 و از یکدیگر جدا نیست و جمیع کما و حدیث دیگر نزدیک این
 در فصل آخر تعریف و تکذبات بود یکی از ملازمان حضرت
 امام علی النقی علیهم السلام گوید که من بعد از دست آنحضرت که برای
 زیارت حضرت امام رضا علیه السلام عرض نمودم فرمود که کمتر
 عقیق نزد ما خود را که بیاورد و ما شاهد و شاهد و لا قوة الا

شیعیان

یا الله استغفر الله و بر روی دیگرش مجروحی نقش باشد که آنرا
رویه ۶۷ و به جهت حفظ این جهت و برای سلامت تمام تر
و آنکه تر دیگر فیروزه برد آنکه بر رویش الله الملك و بر روی
دیگرش الملك الله الواحد القهار نقش باشد که همانست از
سیناء و طهارت است و در حجاب چون لایقش بود یکدای شیری
سرو راه گرفته قافله منع کند و در پیش رفته خاتم ابا و جهای
و بگوید که مولای من میگوید که اندامها کنار رو برین چهره
آنکست تر از آنکه فرموده بود بر داشتیم و حکایتش آنکه فرموده بود
گذشت و چون از زیارت مراجعت نموده بخدمت آنحضرت
رفته حکایت واقعه نمودم فرمود این حکایت دیگر مانند آنکه
شاید من فراموش کرده باشم فرمود علی بنی و در پیش قبر مقدس
آنحضرت خوابیده بودی که جماعتی از جن بر او ت آمدند بودند
و چون آنکست را در دست نوییند بر زمین کرده نشستند و ایشان
به سپاری داشتند و لاند سقا یافت و آنکست در دست راست
تو بود ایشان در دست چپ کردند چون بیدار شدند و آنجا
کردی و سپس را انداختی و در پیش من پیاده یا قویله یا قویله گذاشتی
ما خود داری حقیقت ایشانست برای تو آورده اند از اسیران از او

بهشت است دنیا طایفه ای که در پیش از این از این بهشت بهشت
فرود آمد و از حضرت امام جعفر علیه السلام مرویست که
که شیعیان ما را کفایت داده است با سید ائمه بر این نیست هیچ
فقر و غنی که اختلاف باشد با خداوند این بهشت است و فرزند
مؤمنان را خوش آید و محتاج نشود دستی که فقره در آن باشد
و چشم و دل و قوت دهد و خداوند تعالی شرم دارد که نومید کند کسی
که با فقره بدعا بر فقره و حله و جستی همیشه در دست نکند
بلکه با خود دارد که سر کشان چون و انش و اد و رک و چون و انش
و انش و انش است که در دست نکند که شریک از انفع کند
و در جهت است که هر کس از آن است که هر کس که بر آن کند
با آنکه توانش مثل ثواب باشد و او را بود و کوه و بیست
سعد و شعیان می بود که می خواهد غنی شود و هر کس که
قیمت از اینان می کرد که هیچ در آن و فایده و در دست
جرج یابی که از این میمانی که در دست هیچ است و انفع
برای ما پیش باشد و در دست نماز و است و انفع
نماز نماز است و در دست و جامه و دست از این است و انفع
علم است که در ما حد و شریک و در دست و هر کس که در دست

تا شیطان شریک نشود و هر کس جامه نپوشد و وضو نکند در رکعت
ناروارد در هر رکعت الحمد لله و آیه الکبری و قل هو الله احد
و انا انزلنا و خواند و بگوید الحمد لله الذي كسا في منا
اكراري به غوري في قاتل محمد به في الناس و هو خير
بگوید در آن جامه مصیبت نکند و بعد در شسته از آن و شسته
برای او دعا و استغفار و از حد استغفار طلب حجت نماید و اگر
الحمد لله الذي كسا في من اللباس ما اعجل به في الناس
اللهم اجعله قوت برکت اسمی و فیه یخضع لك
آخراً به مساجد گناهانش امروزیه شود و بدان جامه
مکرمی بنهند و اگر کوزه نری آب کند و در دیوارت دیگر
و بخمیزد انا انزلنا و خواند و بطن جامه باشد تا شسته از آن برای
بود در رکعت و دعا هیت باشد چون جامه بپوشد و فارغ
شود بگوید اللهم ربك استغفرت و عليك توكلت و
بان انت صفت و عليك توكلت انت تقى و انت
رجائي اللهم اني ما اتمني و ما الا اتمني و ما لم
اتمني به و ما انت اعلم بي مني عز جارك و جل ثناؤك
ولا تغفرك اللهم زدني التقوى و اغفر لي ذنبي

و یحقی الخیر حیثما نوجعت و چون عامه بر سر دنیا

انگشتر دودست کند بگوید اللهم سقینی نال

در فضل ادب حاجم گذشت و عامه ایستاده بند و در دست

که هر کس عامه بند و وقت الحاق بنده اگر می بیند که دولتی

نداشته باشد عار است بگوید که خود را حضرت امام جعفر علیه السلام

فرمود عجب دارم از کسی که تحت الحاکم است حاجتی رود

چون حاجتش بر نیاید و دین زمانه که بسبب فقر از انبیا

دنیا بند چنانکه بعضی بکنند اما مسمای این سلف بگویند

معشوق باشد چون کفش پوشد ابتدای سایه راست کند و بگوید

بسم الله الرحمن الرحیم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجه

علی محمد بنی و آل ائمه و یسبحهم علی الصراط و یومر بهم

آلا قدام و چون بکند این دعا را بگوید و بگوید

بسم الله الرحمن الرحیم الذي رزقني ما اوتي به قد

من الله على الله نعمته ما على الصراط ولا يزلهم

عن صراطك السوي و یا یکنای کفش را بگوید که اگر چون

یا شمری از جن و شیاطین عارض شود زود زود عارف نکند

و چون جامه از بدن بیرون کند تا که ندانند که کفایت و کفایتی

تمام شد و شیطان نبود و چون عامه از سیر یک بطاف
 داشتند در میان این کفار و تاشیطان بر سر نهاده
 و فصل در سیر در وقت طعام خوردن مرویت از اهل
 طاهرین علیکم عنان بار و ده هفت طعام خوردن مرویت از اهل
 روزه و بسیار خوردن در راه صحت و ظلماتی که در جمیع سائر و از
 خدا دور و غافل گرداند و درین پیرو که غفلت و بیاد
 بر آنکه از دو نفس را بر کش و عقلی و ازین و شیطان را اجازت
 و دین را قاسم کند و من جمیع اینها نباشد و هر کس در دنیا
 سیرت در روز قیامت که صفتی باشد و بر سر سیرت خود
 مروت برین شود و دشمن ترین حالات در نزد خدا است که
 شکم پر باشد و دوستی و محبت با اهل است که خفیف و ضعیف
 بود این تقریر و در وقت خوردن افضل است از بخت سعادت
 کردن و هر کس خدا را بشناسد دهن از کلام و شکم از طعام
 منع کند تا ضرر و آفت و کسر سنگی از دهن و عفتی و کفر
 و قوت دل و صحت بدن است و در جمیع آثار و احوال تیرت
 و مرویت که حی علی نبیایا و علیکم لوزا بلیس پسید که هیچ
 صفتی در دهن نمی گذرد و خوش آنکه گفت بلی آنکه چون سب

چیزی

افطار یکی چیزی پیش از تناول ناهانی و باین سبب بعضی عیالهاست و
طاعات در سبب از توقف شود فرمود من عمره بخدا
هر که سبب حضورم و این با وجود آنست که مرویت که طعام افطار
عالم و کماهی بوده که حیوانات حضورند و ماکل خود را از ایشان
احتیاز نیکداشته و حضرت عیسی علیه السلام علیه السلام
فرمود بعد از من جمعی آیند که در خدمت من خواهند نشست و در خدمت
تر میت یابند و محتشای غنای لؤلؤ الطهر و اشیر بر خود می
در مجلس سخن گویند از هر طریقی تحسین میشوند ایشان بدترین
امت نباشند و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه
فرموده هر که همشما هست که داخل شکم میشود قیامت
که بگویند میرود و نیز مرویت که هر کس شکم را برای طعام
بگذارد و شکم را برای آب و شکم را برای نفق و خود را
فریبکند چنانکه خوک را برای فیج فریب کنند و وقت را
تقلیل طعام و در این کثرت آن عیالها گوشه کار زیاد دارند
که درین مختصر که بعد از فصل سبوح در اوقات طعام
خوردن و آشامیدن متعلق بآن مرویت از اهل بیت ظاهر است
که بهترین اوقات برای اکل دو وقت است یکی صبح و مرویت که

هر که غم از او اهل چاه خفت باز خورد و خورد و هم بعد از آن خفت
در وقت شای انبیا است علیهم السلام در وقت که خفتن البته بایه
چیزی شاول خورد و خورده و پیران او ترک نباید کرد که اصل خراب
بدن و فساد صفت و سبب صفت مزاج و قوی است و یکی در
بدن است که غرق عشا گویند اگر کسی شب چیزی نخورد آن صاحب
نفرین کند و گوید خدا تو را سیر و سیراب نکند چنانکه مرا کرده
است و نشسته گذاشتی و دیدن میانه دیگر چیزی نشاید خورد که محو
اوجاع و امراض و فساد بدن باشد و روایات بسیار درین
تنها خورده آمده که شیطان شریک و طعام بی برکت شود
و علامت کبر و غفلت باشد و کلاه باشد که مداومت برین شود
کبر و غفلت شود و **سیر** سیر در طعام مرچ زیاده است
بر وجهی که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم شکایت کردند
که طعام میخورم و سیر نمیشوم فرمودند که طعام بخورید با هم
جمع شوید و بسندم الله بگویند تا برکت زیاد شود و پیرا و است
طایفه و نفره اکل و شرب طعام است که هر چه چشید که دانه و دروغ
در شکم چشید زنده و در دست نیست چشید از طعام و بعد از آن پخت
دفع کند و روزی تفراده و در آن کند چشید و اهل مجلس

هم در این کتب است بشویند و تا بر نشود یا هر چه را می نشوند

سزینند که خلقشان نیکو شود و حیثیتشان مستدام

شستن پیش از طعام ابتدا با صابون می کنند و بعد از آن با آب

راستش بشویند بترتیب و بعد از طعام ابتدا با آب می چسب او کنند

و با وضو نمایند یا ابتدا با آب می دست و در غایت نکند هر کس باشد

و چون پیش از طعام دست بشویند خشان نکند که تا طهریت دست

باشد برکت بگیرد و چون خزان حاضر شود و بگوید یا حی یا قیوم

اللهم اجعلها نعمة مشكورة تفصل بها انفسهم

الجنه و چهار هزار مالت در وقت طعام حاضر شوند پس

اگر در وقت شروع بسم الله بگویند ملائکه گویند خدا بدارد

برکت بر شما نماید و شیطان چیزی از خود را گوید و بپزد

که شمار از این نصیحتی نیست و اگر بسم الله بگویند ملائکه بپایند

نیز نصیحتی دارند پس بپایند و شریک شوند و اگر بعد از آن

بسم الله بگویند شیطان آنچه خورده باشد فی کف یمن اثر

مشا و کفش را میل شود و هر کس طعام صلا می خورد و در اول

بسم الله و در آخر الحمد لله گویند روز قیامت او را از این طعام

سوال نکند و هر کس بگوید بسم الله و الحمد لله رب العالمین

هنوز لغه بدین نرسیده باشد که گناهش ابرارند و شود و اگر چند
بار بخواند این دعا در هر یک اسم الله بگوید و اگر فراموش کند
که در هر یک بگوید و در اول بگوید بسم الله علی او و آخره و
حضرت امیرالمومنین صلوات الله علیه فرمود بسم الله بگویند
و هر چه خواهد بخورد بدین ضامن که ضرر نکند مالمعوفی گفت
بسم الله گفت جلاله خردم مضطر رشدم فرمود چند بار بخواند
خوبی و در بعضی بسم الله نکفتی گفت بلی فرمود آن ضرر کرد
و بگوئی گفت من بسم الله گفتم و ضرر یافتم در انشاء طعام
خوب زدی و بعد از آن بسم الله نکفتی گفت بلی فرمود آن نفقه
ضرر کرد و مر و نیست که هر کس عیال خود را جمع کند و در این دعا
بسم الله و در آخر بگوید الله بگوید گناهانش ابرارند و شود
و اگر با محترم یا صاحب بگوید طعام خرد و بگوید بسم الله نفقه
باقیه و نوحه که لا اله الا الله و مر و نیست که حضرت امیرالمومنین
حضرت امام حسن صلوات الله علیه فرمود و هم بقول کرم بامام
و هم شربت آب خوری مگر در پیش از آن بگوئی اللهم الله
استقامت فی اهل و شر فی السلامه من و حکمه و القوه
بر علی طاعتک بگوئی و شکرک فیما بقیت من بک

وَإِنْ تَجْعَلْنِي بِقَوْلِهَا عَلَى عِبَادِكَ وَإِنْ تَأْتِيَنِي حَسَنَاتُ
الْقُرْآنِ عَنْ مَعْصِيَتِكَ فَأَنَا لَكَ خَلِيقٌ ذَلِكَ لِيُحْيِيَ
وَعَالِمُهُ كَمَنْ ابْنِ بَكْوَى از حضرت ابی ایمن کردی و مرویست
که در طعام دوازده خصلت است که بر هر مسلمانی لازمست داشتن
آن چهار خصلت فرض است دانستن اینکه آن هفت از خدا بیگانه
و راضی بودن بآن و بسم الله گفتن و شکر کردن و چهار خصلت
دست داشتن پیش از طعام و بر جان و چنانچه شستن نهان کردن
خوردن و انگشتان بپسیدن و چهار خصلت ادب از پیش خود
خوردن و لغز را کویا کردن و بسم الله گفتن و در روزگار
نگاه نکردن و مرویست که بر طعام از روی ادب و تواضع باید
نخستین و آخری آنکه بنده گمان نشیند بر هیچ و یکبار با پای پا
و یکبار و یکبار کرده چنانکه متکبران نشینند و یکبار داشت اما
دست بر زمین گذاشتن بر وجهی که نیکه و تکبر نباشد مقصور
ندارد و از بعضی اشخاص این علم را که مرویست که چنین میکنند
و بادوا نکشت نباید خورد که شیوه متکبران است اما با اهل
انگشتان مقصور ندارد مرویست که حضرت امیر المومنین علیه السلام
علیه خیانت میکرد و بادوست چنانچه خورد که از حضرت روایت

و از بالای طعام نباید خورد که برکت از بالا آید بلکه از اطراف باید
خورد و مستحب است افشاح و اختتام جهات کردن که معناد و
دوایع بلاد دفع شود که از افعال جنون و جهل و برص باشد و اگر بر
لقمه اول نماند بپاشند نقطه های سفید و مسیاه که در رویا شد
زایل شود و هر دینست که اگر مردم بدانند که در نهان چه قدر
محتاج به نیال یعنی تریاک فاروق نشوند و در روایت دیگر آمده
که افشاح و اختتام بیکر مثل باشد است و روایت دیگر آمده
که ما اهل بیت افشاح جهات و اختتام بیکر نمائیم و هر دینست
که سر که عقل زیاد کند و ولی آید که داند و گوشت و فغان محکم
کند و صغیر بشکند و نان با سر که خوردن کرم مخدیه بکشد و
شیرین نه قطع کند و هر دینست که سر که در خانه مانده است
که دعای برکت و دوست بر نیال آید که کشته شود مستحب است
که سبزی در سفره باشد که زینت سفره است و هر دینست که روزی
در سفره حضرت امام موسی علیه السلام سبزی بنویسد و میل بطعام
نفرمود تا آنکه سبزی آوردند و فرمود که در سفره که سبزی نباشد
من طعام نخورم و در اثنا طعام حمد و ذکر خدا بجا آورد و باری
و لغوی ادبی نه گفت که هر چه کست طعام روز قیامت شهادت

دهد و طعام بسیار گرم نباشد که بی حرکت بود و شیطان شریک
شود و بر طعام پخت نکند که برکتش برود و نیز از صحت و سستی
بر طعام آب و بر روی صفت و بر موضع سجود پخت نباید کرد
و استغفار از آن گوشت بسیار خالی نباید کرد که نصیب اجنه است
و مرغ نیست که هر کس چنین کند طبعش از آن اجزای از خانه اش کم شود
و چون جمعی در سفر باشند اگر کسی زود تر سیر شود دست نکند
که مباد از فقرا غفلت شوند و اگر نیست و مانند هر کس قاصدا
بلیست چنانست که مثل از اصدق کند و هر کس انگشتان را
بلیست خدا تعالی فرماید باریک انگشتان و خرم و نیکوای
که از جوان رغبت نمایند از جنون و خدام و بر عمل صغیر
و خلق باری تعالی رحمت و مهر و رحمت است و اولاد بسیار
و نفی فقر کند از اولاد و اولاد و ولدش تا هفت پشنت
اما اگر در محراب و پرده خانه باشد ریزهای خوان را نباید برد
هر چند بسیار باشد که نصیب طيور و حیوانات است و هر کس
پاره نانی از سر راه بردارد و بخورد و هفتصد حسنه باشد و اگر
از میان بخت است بردارد و بشوید و کناری گذارد و هفت حسنه
بود و اگر بخورد و هفت است او را واجب شود و هر کس پاره نانی از محراب

بلکه عزیز از نعمت های هر چه باشد افتاده پسند بخورد و هنوز لاش
چون در خدمت باشد که کما فیضی از بریده شود و بخت واجب کرد
و چون از طعام فارغ شود بگوید **اللهم أنت الله الذي طعمنا في**
جائتنا نحن وسقانا في صلبنا نحن وكسانا في عابنا نحن
في صلبنا نحن وحملنا في رجلينا نحن وأثابنا في ضامننا
وأخدمنا في مابيننا وفضلنا **على كل خير من الطمان**
وورقنا من غير حرقنا و **أحمد لله الذي أطعمنا** و **فقد**
و **ورقنا من غير حرقنا** و **أحمد لله الذي أطعمنا** و **فقد**
کناء باشد و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم هرگاه پیش
شاول فرمودی کنی **اللهم بارک لنا فيه و زددنا منه**
و چون مای تناول فرمودی کنی **اللهم بارک لنا فيه و زددنا منه**
خیر **اللهم** چون خوان بجاورد بگوید **الحمد لله رب العالمین**
اللهم اجعلها نعمة مشحونة و صاحب طعام را
بعاکند و بگوید اللهم بارک لهم فیما رزقهم و اغفر لهم
و ارحمهم اللهم أطعم من طعمنا و اسق من سقانا
و بعد از طعام دست را از جری پاک بشوید که اگر جری در دست
ماند و بخوابد از کون اجنه ایمن نبود و چون بعد از طعام دست

دست بر آید و با الله می بخیزد بگوید **اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ بِحَسَنِ الْجَعْلِ لِنَفْسِیْ**
اَلْخَضِرِیْ از من چشم این کرد و اگر دست بر روی دکلفت آید
ایلی کند و سبب زیاد می زند و چون دست بر روی می آید
بگوید **اَللّٰهُمَّ اَلَّذِیْ هَدَانَا وَاَطَعْنَا وَاَوْسَقَانَا وَحَمَلَنَا**
بِلَا اِصْلَاحٍ اَوْ لَا اَنَا وَاَكْرَمُوهُ فَبَرِّئْنِیْ بوسه و بر چشم گذارد
و بگوید **اَللّٰهُمَّ حَسْبَا اَرِیْنَا اَوْ کُفَا فِی عَافِیَةٍ قَارَا**
اِخْرَافِی عَافِیَةٍ و نیز بگوید **اَللّٰهُمَّ بَارِکْ کُنْ اَوْ فُجِّرْ**
وَبَارِکْ کُنْ اَوْ فِی هَدَیْتَنَا وَبَارِکْ کُنْ اَوْ فِی صَلَاحِنَا وَبَارِکْ
کُنْ اَوْ فِی مَدَنَانَا و چون تناول کند بگوید **اَللّٰهُمَّ حَسْبَا اَطَعْنَا**
اَوْ کُفَا فَاَطَعْنَا اِخْرَافَا وَبَارِکْ فِی فِتْنَتَا وَمُسْتَحِیْسَتَا
از آنکه چنانکه درین اطفال دهد **حَسْبَا اَطَعْنَا** که میوه را بنویسد
که هر میوه زهر برسد و آنرا بعد از طعام بخورد آن گاه نفع است
دهن خشبوی و دندان را حکم کند و سبب زیاد می ریزی باشد
و هر که از جمع چنین افتد و نداند باید که از طعام که در دندان مانده
و بدوی می ماند بپاشد و حضرت پیغمبر علیه السلام می فرمود که اگر
فرموده که خدا تعالی هست کند بر هر کس در وضو و طعام بخورد
از دست من و هر که از آن است که **اَللّٰهُمَّ حَسْبَا اَطَعْنَا** که در دندان

والتخطي خلافت است که سرکه در خانه دارند و مختلطین نامند
که لا یکنند و هر چه با خلل از دندان بیرون آید با اینها سخن
و اگر با زبان جدا شود فرو برند و با چوب میخام و اما خلل نکند
که در جفایان حرکت از دو کسکه باقی خلل کند هفت روز بخاش
میخام نشود **فصل چهارم** در فضایل بعضی انواع
اما گوشت مرغ است از اشجاط این عالم که ما و شیعیان از آن
مخلوق گشتیم ازاوست که خلل است و دوست داریم خیر مرغ است
که مؤمنانند و شیرین است لذیذ و شیرین را دوست دارند و مرغ است
که شکر تاش دوست و مرغ مرغ است و مرغ است و مرغ است
همچو مرغ نکند اما خدا را استعمال آن در سعادت یا ناکشت
و مساکنت و ما می گویند مرغ آن را دوست دارند که مرغ است
و مرغ است که مرغ است مرغ است مرغ است مرغ است مرغ است
که مرغ است که مرغ است مرغ است مرغ است مرغ است مرغ است
باشد هم قابل است و غیر آن نافع و دوست داریم که ما مرغ است
خیر ما دوست داریم و شیعیان ما از طایفه مرغ است مرغ است مرغ است
دوست دارند و مرغ است مرغ است مرغ است مرغ است مرغ است مرغ است
دارند و مرغ است مرغ است مرغ است مرغ است مرغ است مرغ است مرغ است

مخلوق گشته و هر کس هر روز هفت و اشعور که نوع است از شما
باشد تا بهمن روز در آن روز از هر روز و شیطان این باری خدا که
وقت خوابیدن بخورد و کم معده را بکشد و در ویست که اگر ام
کنید تا آنکه خدا بخالی بر کات سموات را برای او از انوار
بر کات این پیرین آورد و او از سرش تا ارض در آن عمل نموده و
از جمله اگر این نیست که با کار دین پند و زین پاکیزند و چون
بر سر حاضر شود و شفا صبری دیگر نفرمایند و زین پاکیزند
مرویت که دایمال علیه السلام بگفتی بانی نانی داد که او را در گشتی
نشاند تا از اید و در آن وقت و گفت این را چه کم این در پیش مادر
بانی نهاد ما است دایمال درست برداشته گفت خدا یا دیدی که
بانی چه کرد و چه گفت تا آن را اگر منم خدای بانی فرمود
که باز آن از آسمان بیاید و کیهان از زمین نرسد و قطب صایع
گشت تا حدی که رفتی و بی با دگری گفت پیا تا امر فرزند
مرا با هم بخوریم و فرزند تو را از روز آن طفل را با هم
خوردند و روز دیگر مادر طفل دیگر بخوردن فرزند خود را
نشد و آنکه دایمال بر دهنه گفت که ارشاد با چار سید
پس دعا کرد که خدا یا اگر دکن و بکته امان بکدام گشتی بانی خدا

مکن و اینان رحم فرمای پس باین آمد و قطار ایل گشت و ازین
علیه السلام مرویت که فضل نان جو بر سایر نانها مثل فضل مال است
بر سایر ناس و دایم عبادت است و صاحب دل را هیچ چیز نافع
از نان برنج نیست و ذریایات بسیار آمده که ما اهل بیت کثرت
بسیار زیاد کنیم و بسیار دوست داریم و دوست داریم که کسی که
گوشت دوست دارد و سید عالمها گوشت است در دنیا و آخرت
حکم در چهل روز گوشت بخورد بعد از خلق بنوعی پس در کتب ائمه از آن
باید گفت و تحقیق است هر سه روز گوشت بخورد و یک روز در
مرتبه نباید خورد و بهترین گوشتها گوشت گوسفند است و
مرویت که اگر هفت روز از آن بوزی خدا تعالی آنرا قوی حضرت
احمید فرستادی و گوشت گوسفند را دفع کند و بهترین و
اعضای حیوان الهی بدین است و مذکورترین اعضای که در وضع
بر آن نزدیک است و سید عالم گوشت و برنجت و برنج و سبزی
قطع کند و برین را نافع بود و هر ایسه مانده است که در بعضی
نازک گوشت و چهل روز عبادت افرایند و عدس در لایق
که دانه و اسکنان روغن کنند و با آنکه و ساقین را قوت دهد
و خون صالح از آن قوت شود و پنبه و گردان هر یک تنها کثیر

و با هم نافع باشند و روایت دیگر آمده که پیروز در روز ضرر کند و
شب نافع باشد و از حضرت امام جعفر علیه السلام مرویست که
فرمود چه خوب است که بخت بیدار در باغی علم و خوشبختی کند
و طعام هضم نماید و اینست که آورد و هر کس اول ماه پیروز خورد
که کار و انعام دعایش رد نشود و خوشبختی و ایش بخت است
و شیرینیش رحمت و برکت لقول الله تعالی و هذا اهل الجنة یسعدون
و هذا اهل النار یسعدون کرد و نافع است تا باید خورد که معروف است
و انکور از فی از میوه های هفت است و انکور سیاه تخم زایل
کند و هر کس هر روز ناشناخته است و یکانه میوز سرخ بخورد از
جمیع اهل الجن این کرد که حق الموت و مرویست که خدا تعالی
صد و بیست نوع میوه بشمارد و اگر کسی در ماه رست و قناری
نیکو کند و اگر کسی بخورد و سیاه شود و اگر بر سر طعام بخورد
کند و در هر ماه از آن هفت است و از بخت اهل الجنة است
و تمام باید خورد تا دانه هفت فروخته نشود و هر کس بای انعام
بخورد خدا تعالی چهل روز شیطان را از دور کند و اگر دو
اما بخورد صد روز و اگر سه انا بخورد یک سال و هر کس یک سال
از دور شود گناه نکند و هر کس گناه نکند بخت رو و قوت

دیگر آینه که هر کس بگذارد آنرا بخورد دل و انوار می کند و چهل روز
شیطان و وسوسه را بپاک کند و هیچ دانه آنرا داخل شکم مقرر نشود
مگر که دواي چهل کوفت باشد و سبب بجز در هر دو سینه
و بطن و بیاور عاف و شب را دفع کند و حضرت امام جعفر علیه السلام
فرمود ما اهل بیت پاران خود را به سبب و آب سرد میده ایم
لما فیهم جان خود را به سبب بدید که هیچ چیز نافع تر از آن
را ندید که اهل بیت همه پاری بودند ایشانرا سبب دادیم
صحت یافتند و خوردن سبب نداشت امده را قوت دهد
و نه هر جا خورد هیچ نافع از آن سبب نیست که پاک کنند و گشت
آرد سبب در عاف نیز نایست شده و بپا معده و در
قوت دهد و زنگنه را ~~بپا~~ کند و بپا را دلی کند و قوت دهد
چهل کوزه آنرا خصوصاً اگر ناکست بخورند و هم پاری و هم ناکست
عرق پشائی لمان کند و دل و چشم را جلا دهد و عقل بفرماید
و محبت دهد دل زیاده بکشد و هر کس بپا به بخورد یا به تعالی
زبان را بکست جاری گرداند و اگر سه روز ناکست بخورد و من
صفایابد و دل از غله و عقل مملو گردد و از کید ابلیس محفوظ
محفوظ گردد و آخر ~~و~~ در اوقات دهد و معده را بپا بکشد

و دستهای اندرون را تسکین دهد و بر سر طعام نافع تر است
و در کبریه ببرد و آنجیر شبیه ترین میوه ها است به
طیست و بواسیر و فم را قطع کند و بوی دهن ببرد و اسهال را
گردانه و هر علی را نافع باشد و محتاج هیچ دوا نباشد و اگر
دماغ را قوت دهد و عقل را زیاد کند و حضرت پیغمبر صلی الله علیه
و آله وسلم چون در خانه مبارک طعام خستندی و فرود می
آمد و دنان بسیار کنند و چقدر در برافزاره نهی می
و بر آن غرق بنام را قطع کند و بر ساق هیچ چیز افشاند آن
و برادر نافع باشد و موجب خواب و استراحت ایشان بود و
الم در آن خود و از آن احترام باین نمود که هیچ سوراخ
و شکم امانت از قبح و کسب و در میان هر
باشد و با بخت امانت از هر و امانت نافع بود و
در آن نباشد و در هر ما و کرم با پرو جان را موافقت کند و پستان
بایم ببرد و بخن صاف کند و دهن خوش بگرداند و عقل بفرزاید
و اعصاب محکم سازد و جماعت الهانت کند و گوشت دندان را
که داند و فریست که چون داخل بلائی شود یا زبانش زخمی
تغیر کند و او را نافع است و کتافا سید بنیاد است

هفت قطره آب بنفش بران درید و بسیرق قطع کند و در حق خشک براند
و با دوا بشکند و اما است از جناب کمی که اگر بان مداومت نماید
و چون سوزن بخورد و سیرق در واقع باشد و کاسنی مسید
سبز یا است هر روز قطره هفت بران ریزد پس نباید از افتادن
و شستن و سیرق حضرت پیغمبر است صلی الله علیه و آله و سلم و
اولا که کوب بسیار کند و حرارت که فضل آن بر سایر و سیرق
مطلی فضل ما است بر سایر و این و وای خراعت است و هر وقت
خواهد هفت برک از آن بخورد و انبیا از قیام این باشد و اگر در
جمعیش از نماز هفت برک بخورد از اهل بیت شود و مسموع کند
که اگر خم کاسنی با یکارند و از آن دو مرتبه دست نشان کنند
لطیف و شیرین شود و وای که در ج که بخورد با دود بخورد و
سیرق حضرت ام المومنین است علیه السلام و اهل بیت ازین خوا
بان نمایند و اما است از جناب و از هفت و حضرت امام و سیرق
فروید که دو دست دانه پیش از طعام از آن بخورم که سیرق بشکند
اشتها آید و سیرق و چون پیش از طعام بخورم بعد از آن هر چه خورم
پروا نکند و اگر بعد از طعام بخورم هضم طعام کند و دفع قتل نماید
بری خوش کند و بر اثر توب طعام ناهضم کند و با دعا قوت نماید

و بول براند چش بلم قطع کند و کسی که در شب چش چرخ بخورد که فکر
ش تیر کش کند جنام و ریحی بیرون و با هم و صفر قطع کند و هفتاد
نوع بلاد رفع کند و اگر در هفتاد طعام خورند معین هضم باشد و در وقت
و یکو آمده که هر دهان قاف و دست باشد که خورند که ایشانرا مضرب است
و اگر هفت مرتبه بایب بشینند و بعد از آن در قیاح و یکو نیز تفتاب
بیرون و تقویت ساق و قدم کند و کسی که چش سر سام مبتلا است
حضرت امام جعفر علیه السلام فرمود قاف و دست جو یا شامید
در مرتبه شب ترینا شامید که شفا یافت و قاف و دست عدس نشکلی
بیش از و معدله با قوت دهد و همچنان خون را ساکن کرد اند
و حرارت اندرون بنشاند و در دای هفتاد علت بود و در وقت
که زنی را حیض غلبه کرده بود تا آنکه ~~بسیار~~ بر مهت شده بود حضرت
امام جعفر علیه السلام فرمود قاف و دست عدس بپاشانید چش تفتاب
و کسی که در چشم مدام و مبتلا کند او را در شب بسیار شود و مایه
بسیار خوردن بدن را لاغر کند و اگر کسی شب خواب خورد و بر
آن چند دان خرما یا اصل بخورد هم فالج بود و چرخ گوشه
چرخ که در بدن داخل شود انقدر که کوفت بیرون رود و در وقت
دواست و هر وقت که چرخ کمی بر چاه سال شد شب بخوابد و

و در غن خورده باشد که موافق مزاج ایشان نیست فصل پنجم
در فضایل آب و آنچه متعلق است بدان از آداب مرویت از اهل
طاهرین علیهم السلام که سیدنا شیرین حضرت آب است و هر کس از آب
ملقذ شود خدا تعالی او را از اثر بدیعت ملتذ ذکر داند و کوبا
معنی ملتذ شدن از آب اینست که قدر این نعمت و تفضل
الهی در اعطای آن بداند و یکی از لطایف حضرت امام موسی علیهم السلام
را از آب خوردن منع کرده حضرت فرمود چرا منع میکنی آب
طعام را هضم کند و صفا میکند و لطفا و حرارت کند و غضب
ببشاند و عقل بفرماید اما افراط نباید کرد و ناشتایی نباید
کرد و قیامت آن که ماده هر علت است و بسیار ارضی از آن
شود و سؤر مؤمن خواه آب بخورد غیر آن شقای هفتاد و سه سال
و هر کس جوهر مؤمن را برای تبرئه پاشاند خدا تعالی فرشته تعلق
کند برای ایشان استغفار نماید تا روز قیامت و آب زمزم
دوای همه بخواست حضرت امام جعفر علیهم السلام احوال بیمار
پرسید که چونست کی گفت که او را بگویم که از منم فرمود که اگر
من بجای شامی بودم آب میز آب یعنی تا و دان که به معطل ماند
میدادم راوی گوید آئین میز آب با و دادیم همان ساعت طاعت یافت

واب باران بدن را از آلودگی پاک کند و تب و سوزش بطلان دفع نماید
و ایمان را بعد از ثبات گرداند و اب فرمت دوتا و دانی از بهشت
میریزد و فرشته هر شب از اسنان آید و سه منقالات از منان بهشت
در آن ریزد و در دوی زمین هری مبارکتر از آن نیست و آب شربت
بهر علتی نافع است و هیچ چیز ضرر نکند و اگر آب ریخته باشند که
حقت جوش بریزند پس بطرف دیگر کنند و بنوشند تب ببرد و قدم
و ساق را قوت دهد و باجهای گرم که بوی کبریت کند و باجهای
تلخ بچشم مداوا نمایند که در کتب طوفان ابابیت حضرت روح علیه السلام
نکرند پس امار العن فرمود و مردی روزی عباد او را متوجه چنین
ابی بود حضرت امام حسن و امام حسین علیهما السلام ملاقات
نمودند و چون مکان نیست که خبری از آن خدا تعالی اعجاز کرده باشد
شفا در آن گذاشته است زیرا که چند چشمه واجب حضرت صالح
علیه السلام نکرند و ملعون گشتند و تلخ و شور شدند و روایت
دیگر فرمودند ابی که هر روز سه مرتبه آنکس که ولایت مامی کند مداوا
بان میکند زیرا که خدا تعالی ولایت مام را با جهای عرض فرمود
هر کس که بگوید فرمود و عذیب و طیب شد و آنرا نکند که تلخ و
شور گشت اما ادا اب انشا می دهند آنرا که روزی استاده

فی القادرین و غیر محتمل و علیهم السلام و تسبیح و تکریم
 بر حجتک یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ و مریدیت که حضرت امام جعفر علیه السلام
 روزی آب انشامیدن چو چشم مبارکش بر اشک گشت و گفت
 لعن الله قاتل الحسين پور محمد و هر کس بعد از آب خوردن حضرت
 امام حسین و اهل بیت علیهم السلام را یاد کند و بر قاتلش لعن کند
 خدا تعالی برای او صد هزار حسنه بفرستد و صد هزار سیئه ببرد
 و صد هزار درجه ببلند کند و چنان باشد که صد هزار ربنده
 آزاد کند و چون روز قیامت محسوس شود جگرش خندد و بگوید
 و تشنگی و حرارت نداشته باشد و محتاج آب نباشد
 پوشیدن که شیطان کوزه پوشیده و لگنتاید فصل
 ششم در فضایل حیاض کردن و احکام متعلق بآن و مریدیت
 از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون همان داخل خانه شود در
 یا اواز آسمان آید و چون طعام خورد که اهل خانه افتخار
 شود و حضرت امام جعفر علیه السلام را صاحب پرسید که
 شیعیان را هیچ دعوت میکنی گفت هیچوقت طعام غرورم مگر که
 دوسه و یک روز یا ده ترازیان بامن باشند و هر روز فصل
 روایت است از فضل تبرائشان گفت من این را از اهل علم می

و بخانه خودی آوردم و فضل ایشان پشت تراست خرم و بطی چون داخل
خانه نشوند بامغفرت تو و عیال تو داخل شوند و چون بیرون
روند کنایان شمار بیرون بروند و هم از ایشان علیهم السلام مرویت کرده
مؤمنی را سید کند همچو کسی اجر آن ندانند ملک و مقرب و نه پیغمبر
مگر خدا تعالی و مغفرت کنایان را لازم کرد و بهشت و بهشت
و از نعمتهای بهشت عوض یابد و بهتراست از آنکه دل افق از
مرحم آزاد کند پس بداند که افق چه قدر است فرمودند و نه فرمایند
پشت و هر کس در حق را با بقره شیرین کند تخلف و عیال است
بهشت و فضایل تمام مؤمن بتفصیل در باب دیگر ان شاء الله تعالی
بیاید و هر کس مؤمن باشد را آب دهد خدا تعالی او را از ریحون
سیراب گرداند و اگر در جای آب دهد که آب نباشد چنانست که
بانت بنده آزاد کند و بهر آنکه شربت آب عطا و فراغت عطا
فرماید و اگر در جای آب نباشد چنانست که ده بنده آزاد گردانند
از او لا و حضرت اسمعیل علیهم السلام و نفی راوند و گرداند و هر کس کفین
زنده گرداند چنانست که تمام ناس را زنده گردانند و هر کس جر
نشنه را از حیوان یا انسان آب دهد در ضایع بر خدا باشد
در روزی که چسبی را پناهی بود و هم از ایشان علیهم السلام مرویت کرده

هر کس لیسان مجذبا و روز قیامت دارد معانز اکرام نماید چون کسی را
کسی وارد شود باید طعام بر روی میز کند و اگر میل نکند آب بکشد
و اگر رغبت نکند آب بنوشد و هر چه دارد و نباید گذاشت همان توجیه
خدمت و کاری شود و مردیست که حضرت امام رضا علیه السلام آمدند
وارد شد در شب خواست که فیتله بر او راستی بزند حضرت منع
فرمود و خود متوجه آن گشت و فرمود ما اهل بیت معانز ایستاد
ننگاریم و مردیست که چون معان داخل شود در آوردن رخت و
اسباب او را میدکند و چون بیرون رود میکند و از جمله اکرام
معان اینست که خلال برایش میبکشد و با او در طعام خوردن
رفاقت باید کرد اما او دست نکند دست نباید کشید و اگر معان
خود وارد شود برایش تکلف نباید کرد بلکه هر چه در خانه باشد
اقتضایاید نمود و اگر در محوطه مکرمه باشد تکلفی که مقتضای
باشد نمود و مردیست که معلوم نیست که کدام عجب تر باشد معانی
که میزبان را بر تکلف دارد یا میزبانی که برای معان تکلف کند
و نیز مردیست که محال شود میزبانی که آنچه در خانه دارد برای
میزبان حقیر شمارد و معانی که آنچه برایش آرند حقیر انگارند و
روایت بسیار آمده که محبت دوستان با هم ایستادن دانست

که طعام یکدیگر را از روی رغبت و انبساط و شکم خورند یا از
روی کراهت و کفر کی از آنجا که یکی از اصحاب امام جعفر علیه السلام
گرفت روزی خدمت آنحضرت رفتم فرمود طعام آورند قدری
خوردیم و دست کشیدیم فرمود بخور که هم خوردم پس است فرمود
و دیگر بخور ندانی که محبت دوستان باین معلوم شود که طعام یکدیگر
از روی انبساط و رغبت خورند پس با آنکه گفت میانه طعام جمع
مینمود و من بخوردم و امثال این روایات بسیار آمده و چون فرمود
گو را دعوت کند اجابت باید نمود که لعادت بسیار آمده که
اجابت دعوت مؤمن از جاهل حقوق واجب است که مؤمنان نابار
یکدیگر نایب است حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود
میکنم حاضر و غایب خود را که است دعوت مسلم کنند
اگر هیچ میل باید داشت که اجابت دعوت مسلم حقوق دین است
اگر در مجالسی که مصیبت کنند و طعامهای حرام و مشبهه بخورند
طعامی که اغنیاء در آن باشند و فقر انباشند اجابت نباید کرد
که درین نیز لغیا بسیار آمده و نمی بایستند که امثال این روایات
موجب مصیبت و دوری از خدا و قنوت قلب و محبت دنیا
باشد و اگر کسی بطلیحده چون بشود که در جاهای طعمای هست برود

هر چه آن بخورد چنانست که پاره انس بخورد و چون کسی از طعامی
دعوت کند و دیگری را از دعوت دیگری را بخورد و دعا بخورد
و هر چه خورد حرام باشد مگر جو که جهت احتیاط و ربط در میان
انسان بکسانی رسیده باشد و بکسانی از میان ایشان مرتفع
باشد و بکسانی ماضی و عتدی از اجانب صاحب طعام نباشد که درین
صورت ایشان را رسد که بی اذن در خانه یکدیگر طعام خورند و یکدیگر
نیز دهند فصل هفتم در آداب مسکن و احکام متعلق
مردست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که در شهر و مکانی که عبادت
خدا چنانکه باید مقدور نشود توطن و اقامت نباید نمود بلکه فر
ایست چنین موضعی نباید کرد و خدا تعالی بفران مجید فرماید پس
قیامت باشد که ~~در عبادت~~ ~~تقصیر کردید~~ گویند و در کتاب
که ما بودیم مقدور نبود پس بر سبیل عتاب و توبیخ فرماید که روزی
خدا شاک بود که نتوانستید نقل خود پس ما را ای ایسان بهم باشد
مگر بگو که ضعیف و عاجز نایستد و قلا در ~~این~~ و خویش نباشد که
ایستاق معذور باشند و باین سبب است که در هم کهستان و حرم
آتشینان و همچنین حرمی که در بلاد مخالفین توطن کنند و اولاد
ایشان و همچنین جمعی که در گوشه نشینند و یا عمل او را

تزو کنند از آثار و مراسم دین و آداب و معظّمات این چنین باشند
بجمل محب دنیا و اخلاق و صفات سیّاع و حیوانات در ایشان
غالب باشد و این سبب است که اینها را کید و حسد و زیارت و لغت
و محالطت مومنان وارد شده چنانکه شمع ذان در باب اول گفته
و نیز انوشیروانی از اشیاء ظاهری علیهم السلام پرسید که بعضی مردم خلوت اختیار
کنند و ترک تزو در میان مردم گیرند فرمود پس دین خود را چون بخت
می آید و نیز اختیار بسیار آمده که چون کسی تنها باشد شیطان بر او
دست یابد و شیطان با تنهایان باشد و هم از ایشان علیهم السلام فرمود
که از جود سعادت خود و وسعت قری خانه است و خوبی همایه و
شامت خانه تنگی قضا است و بدی همایه و فرمودند اول همایه
اختیار کنید بنمایان خانه و بنا را که زیاده رکعات باشد و در وقت
بر صافش و بال بود و هر کس زیاده رکعات بنائی کند برای میانه
و تقاضا بر همایان و مومنان روز قیامت لشانه را با این چنین
آتش کنند شعله و آتش که درفش گردانند پس در قعر فروزن افکند
یکم آنکه توبه کند و هر کس زکوة مال نهد و مال را از حرام کی کند
خدا تعالی اب و کل را بر او مسلط گرداند تا باطنهای زیاده کنار
آید و بر ویال شود و فرشته مومل است که هر کس از قنای سقف

خانه را زیاد از هشت دفعه کند یا گوید ای فاسق کجایم و ی
 و هر چه زیاده از هشت دفعه بود شیاطین و جن و انس
 و اگر خانه زیاده باشد در آن زیاد ای ایة الکرسی نبیند
 تا دفع جن و شیاطین کند و در خانه که سبک یا صورت باشد
 یا حیوان یا خلقی که در آن بول کنند باشد ماله که داخل شوند اما
 اگر صورت در فروش و چیزهای باشد که بایران گذارند باکی نبود
 و در سقاچریب و خانه عنکبوت و زحانه نگذارند که هر دو قمار
 شیطان باشد و مردیت که خانه را جاروب کنند تا شنبه بود
 بشوید و جاروب کردن خانه دفع فقر کند و خاک رو برادر خانه
 و نزدیک خانه نباید گذاشت که شیاطین جمعیت کنند و حضرت
 امام جعفر علیهما السلام فرمودند **خمس سفید و سمن و پوست**
 مؤمن است و خر و سمن و سفید فرفی یعنی آنکه تا بخش دو بار هرگاه
 خانه صاحب خود و هفت خانه حوالی از اجاعت کند و میان بالا
 افشاند که بگویند خدا را بخت تراست **لا اله الا الله** خر و سمن و سفید فرفی
 و خانه که کبوتر در آن باشد فقر و گداز این باشد و جن دفع شود
 و اهل خانه را آنکه از ایشان نرسد و مردیت که کبوتر پر پا
 در خانه نگاه دارند که قاتلان امام حسین علیهم السلام میکنند

وودستانه که در تبع خدایت ترا زهر چهر کند و دوستدار اهل بیت

علیهم السلام صاحب کثر اللغة گوید در شان کبوتر صحرانیت و صفا

اختیارات گوید بفارسی مرغ الهی گوید صفا خست در خانه تبار

داشت که صاحب خانه را افزین کند چون کسی خواهد خانه تبار کند

مستحبات که کوفندی نفع کند و طعانی ساخته صریح مکن

کند و بگوید اللَّهُمَّ اِنِّیْ عَرَفْتُکَ وَ عَرَفْتُکَ اَهْلَیْ وَ وَلَدِیْ مَرْدُو

الْبَحْرِ وَ الشَّیْطَانِ وَ بَارِکْ لَیْ فِیْهِ بِرُفْقِیْ که اینها ^{خاطرات} قول گوید

عطا فرماید فصل هشتم در وظائف شب و آداب خواب

و بیداری و هیبت اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هنوز آفتاب

غروب نکرده باشد چراغ روشن کنند که دفع فقر کند و وقت غروب

خوش کنی و چون وقت صبح بیدار کنی بعد از طلوع آفتاب

بردارد و بی چراغ خانه تاراج نباید ^{و در صبح} و در صبح بی چراغ نباید

افزودن و چون چراغ حاضر شود بگوید اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا نُورًا

فَیْ تَخْرِیْجِیْ فِی النَّاسِ وَ یُخْرِجُنَا نُوْرَکَ یَوْمَ نَلْقَاکَ اللَّهُمَّ

اجْعَلْ لَنَا نُورًا اَنْتَ نُورُکَ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ وَ چون غروب کند

بگوید اللَّهُمَّ اَعْرِضْ عَنَّا مِنَ الظُّلُمَاتِ اِلَى النُّوْرِ وَ در هیبت که

حضرت غریب علیه السلام در تابستان روز بخشنید

از خانه بیرون میرفت و چون خواب میبرد همیشه روزی بعد از آن می
آمده و در روایت دیگر هر دو در یکجا خواب میبردند و هر یکی بر
پای خود میخوابید که چنانچه این خواب را اگر عارضه روزه و غیره در
سلامت نکند و بجز کمتر از یک وجب نباشد و چون کسی در خانه
بخواهد بایستد در راه را برپوشد یا برده یا ویزد تا شیطان داخل
نشود و نتواند بجای خوابید که اکثر اجزای شیطان و قیست که
ادبی را تشنه میبند و مردیست که کسی با دست چوب یا شمشیر
یا ایستاده و در آب نهد که بگوید ایستاده و شیطان پاشا آمد پس
عارضه ازین روزه و مفارقت نکند و اگر کسی در راه خواب
مضطرب شود تا آنکه خدا بیاورد و وقت خوابیدن خود را
تسلیش خلاف قانع سازد که سید صحت و راحت بدین است که
با وضو بخوابد چنانکه تا وقت بیدار شدن نماز کند و باشد
اگر در میان جائی که خطر رسد که وضو ندارد بخوابد که در آنجا
باشد نیم کند بخوابد و خوابیدن چهارم است خواب بسیار
و خواب مومن بسیار است و خواب که بسیار است و خواب
شیطان بر او که کسی بزرگ خوابد باشد باید پیش از آن که خواب
میان نماز شام و صبح و چون روزه و نماز است

تینین مذکور و مکرر هست و موجب برمان محو خبر نیست و

گفته اند که سگ اول شب بیدار باشد تا صبح و چون صبح شود بخوابد

و حیوانات دیگر همه اول شب خواب کنند و صبح بیدار شوند حتی آنکه

بخرید شده که اطفال در طفولیت تا بر خلقت خود با قیادت اول

بخوابند و صبح بیدار شوند و چون بچادات و رسوم اهل دنیا را

باطلان بر آیند بصفت سگ در آیند پس مؤمنان باید اول شب

بخوابند و نصف شب بیدار آیند کی بپوشند و در برتر بیدار شوند

و روایات بسیار آمده که خدا تعالی اول شب را برای استغاثه

آفریده و آخر شب را برای ذکر و عبادت و از طالع صبح تا طلوع

آفتاب از راقی بی اتم واقعت کنند هر کس آنوقت در خواب باشد

از نصیب آنروز خود محروم می شود و من و سلوی برخی استراحت

درین ساعت هر روز از آن میستند و هر کس در خواب می بیدارد آنروز

محتاج بکدافی می بوده و خواب این ساعت خواب خوبی است و هر که

در شوم زمان از خواب بیدار شود و بگوید اول روز است و سبب

نظای و بی برگی کارها شود و بعد از عصر صورت حماقت باشد

و خواب قیام که پیش از ظهر است مبارک است و آنکه شنبه

خواب و شطرنج را در خواب نصیب نباشد و سبب زوال دنیا

و قوت حافظه باشد و بسیار خواهد نسیب فقر باشد در روز
قیامت و دین و دنیا را از دست بیرون برد و خدا تعالی دشمن دارد
که کسی به آنکه بنده را بکشد باشد خواهد و هر کس در وقت غرض
دست راست در زیر روی راست گذارد و بگوید بِسْمِ اللَّهِ
وَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و در زیر چپ دست
و لا یمن افترق الله طاعت ما شاء الله کان وما لم
یکان لم یکن از روزه و فروتن آمدن خانه محفوظ کرد و دو ملائکه
برایش استغفار کنند و اگر بگوید بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الحمد
لله رب العالمین صد هزار حسنه برایش نویسد و صد هزار عفو
کند و صد هزار درجه بدهد و آنست و حضرت امام محمد باقر علیه السلام
فرمود چون گوید یا محمد یا علی بگوید بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
أَسْأَلُكَ نَفْسَ الْيَتِيمِ وَوَجْهَكَ وَجْهَ الْيَتِيمِ وَجْهَ الْيَتِيمِ
أَمْرِي إِلَيْكَ وَالْعِبَادَةُ ظَهْرِي إِلَيْكَ وَتَوَكَّلْتُ عَلَىكَ
رَهْبَةً مِنْكَ وَرَغْبَةً إِلَيْكَ لَا مَلْجَأَ إِلَّا بِكَ وَلَا عِجْزَ إِلَّا بِكَ
مَقَرَّ مِنْكَ إِلَّا إِلَافَتَكَ أَمْسَتْ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ
وَبِرَسُولِكَ الَّذِي أَرْسَلْتَ بِنَسْجِ حَصْرٍ فَاعْلَمْ عَلَيْهَا
بگوید که هر کس وقت خواب این تسبیح بگوید از جمله حسنات است که خداوند

مدح فرموده باینکه در بسیار کنند و هم از ایشان علیهم السلام مرویست
در وقت خواب گفتن این تعویذ را اثر نیاید که اعوذ بقنی
و ذریعتی و اهلی بنی و مالی بکلمات الله الثمات
من کل شیطان و هامة و من کل عین لاقمة و هر کس سه
مرتبه وقت خوابیدن بگوید بفصل الله ما شاء یفعل و یرید
و یحکم ما یرید بعد از چنانست که هزار رکعت نماز گذارد و یا
و اگر سه مرتبه بگوید الحمد لله الذی علا فقهر و اذل
الذی یعلن فخره و اذل الذی ملک فقد ر و المکرم
الله الذی یخفی الموتی و یخفی الاکخیاء و هو علی کل شیء
قدیر از گناه پاک شود و مثل روزی که از مادر متولد شده
و اگر آیه الکبری بخواند از فالج ایمن گردد و تا وقت بیدار شدن
او و چنانچه سایه اش محفوظ باشد و سه است که در کس بر میآید
حضرت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم آمده تعلیم فرمود
هر روز در وقت خوابیدن تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بگوید
بعد از آن آیه الکبری بخواند و چون از شهر بر میخیزد و فرزند جمعی در زمان
ایشان از اتفاق گردیدند در منزلی فرمودند و زمان غلامی
حاضر بود و آن غلامی از ایشان پاره غلام مرا بخت کرده

همچون را ندیدیم و در دیوار دیدیم هر چند بر درش کستم راه
درون شدن نیافتم کفشدن سپیده دروغ میگوئی خود بخواب
رفتند شنیدی موافق بودی یا نه چون صبح شد دندان پیش
ایشان آمده قضیه شکیسته نقل کرده از احوال استفسار نمودند
ایشان حکایت خود بیان کردند و کفشدن بر کتبه لا تعلیم الغفرت
صلی الله علیه و آله وسلم از شما این کشته در دوزخ بیرون قطع
کرده بر او خورد رفتند و اگر در وقت خواب انشورده کف بجواند
تا مسجدا الحرام نوری تابان شود که در میان آن نور ملائکه باشند
برای او استغفار کنند و اگر قل یا ایها الکافرون و قل هو الله
بجواند ان شریک بری شود و حضرت یحیی علیه السلام و آله وسلم
بحضرت فاطمه علیها السلام فرمود وقت خوابیدن نایبها کار
کنی بخوابی ختم قرآن کنی و شریک را بجمع انبیاء استغفار خود کنی و همه
مؤمنان از خود راضی سازی و حج و عمره گذاری گفت این همه را در
یک ساعت چون کنم فرمود سه مرتبه قل هو الله استخوان ختم فرم
کرد و سستی و صلوات بر من و انبیاء حضرت همه شمع تو باشیم در روز
قیامت و بر روی مومنان استغفار کن تا همه از نور راضی شوند و
سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله با کبریا و عظمه

گذارد و میباید و اگر قبل از ولادت احد و عهودین هر یک سر مرتبه بخواند
 ختم قرآن کرده باشد و بعد از آن از قرآن نواب خجری باید و آن
 کناه پاک شود مثل روزی که متولد شود و اگر در انشب بخیر و
 شهید باشد البته و اگر یارده مرتبه یا از قرآن بخواند نوزده
 خلق شود و نوزده ناعری که عرض شد و وسعت هوا باشد و در
 هر تبیان هزار ملک باشند هر یک با هزار زبان با هزار زبان
 هزار لغت بگویند او استغفار کنند تا ضعف شیب بیداران
 آن نوزده سیئه او بگذرانند تا روز قیامت و اگر آیه شهادت
 بخواند هفتاد هزار ملک خلق شود که تا روز قیامت بپوش
 استغفار کنند و اگر اهل حکم التکلیف بخواند از عذاب برآید
 و اگر سه مرتبه بگوید **اَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لاَ إِلَهَ إِلاَّ هُوَ**
اَحَدٌ الْقَدُّومُ الرَّحِيمُ الَّذِي لاَ يَمُوتُ کند او را سر زده شود اگر چه
 منکر یا منکر دینا که در دیار یا رب مرتبه بخواند و اگر بخواند
 هفتاد و سه مرتبه خواب نبرد بگوید **سُبْحَانَ اللهِ ذِي الشَّانِ**
وَأَكْبَرُ السُّلْطَانِ عَظِيمِ الْبَرِّ هَانِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ
لَا تَسْبِيحُ الْبَطُونِ الْجَائِعَةِ يَا كَارِسَى الْجَوْشِبِ الْعَادِيَةِ
يَا مُسْكِنَ الْعُقُوقِ الْمُضْلِيَةِ يَا مُنْقِذَ الصُّيُوفِ الشَّاهِقَةِ

سَكَنَ عَرُوقِي الضَّارِيَّةَ وَأَذِنَ لِعَيْنِي نَوْمًا عَلِيمًا وَكَرِهًا
 آيَةُ الْكُرْسِيِّ جَوَانِدُ وَيَكُونُ إِذَا نَفَسْتُمْ كُمْ النَّعَاسَ لَمْ
 يَنْهَهُ وَجَعَلْنَا أَنْفَ كُلِّ سَبَائِفَا وَأَكْرَدَ غَوَابٍ بِرَسَدِ وَقْتِهَا
 دَهْرُهُ بِكَوْنِهِ أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ مِنْ غَضَبِهِ وَمِنْ عِقَابِهِ
 وَمِنْ شَرِّ عِبَادِهِ وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَنْ يَقْبِضُنِي
 وَكَرْهَاهُ مَعُوذَتَيْنِ وَآيَةُ الْكُرْسِيِّ جَوَانِدُ إِذَا نَفَسْتُمْ نَاخِرًا
 وَأَكْرَأَ مِنْ يَمِينِهِ بِكَوْنِهِ إِنَّ رَبَّكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَى اللَّيْلُ
 الْمُهْلِكَةُ يَطْلُبُهَا خَفِيفٌ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مَسْحُوتٌ
 بِأَمْرِهِ أَلَا كَلَّمَ الْخَلْقَ وَأَلَامَهُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ
 وَأَكْرَأَ خَلْقَهَا أَنْ يَشْكُرَكَ بِكَوْنِهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ
 الْخِتَالِ وَمِنْ سُوءِ الْأَحْصَاءِ وَمِنْ أَنْ يَتَلَاخَسَرَ فِي
 الشَّيْطَانِ فِي الْيَقْظَةِ وَالْكَثَامِ وَرَوَايَاتِ بَسْبَاطِ الْكَمْرِ
 بِسَبَابِ يَوْمٍ يَهْرَبُ يَهْرَبُونَ أَيْ خَرَفَتِ جَوَانِدُهَا
 كَخَوَافِهَا بِدَارِ شَوْءٍ وَبِمَارَاضِهَا تَنْفِيزِ عَلَى الْعَمَلِ وَالْأَسْمِ
 حُرُوفِهَا بِكَوْنِهَا جَوَانِدُهَا بِكَوْنِهَا لَا تُؤْمِنُ بِمَكْرُهَا
 وَلَا تَسْتَفِي ذِكْرُكَ وَلَا تَقْبَلُ مِنْ الْغَايِبِ أَقْوَمَ سَاعَةٍ

بِكُونِهِ

کذا و هر ساعت که خواهد مذکور سازد و تا بحال ملک و ملک و ملک
 در آن ساعت بیدار نشد و مشایخ رحم الله و رکت خود ذکر
 کرده اند که اگر کسی را سحر حق باشد یا سحر باطل شود یا طاعت
 در این صلاوات پاک بخواند و بی باور نباشد و در وقت خواندن
 الشمس و الليل هر يك را هفت مرتبه بخواند بعد از آن بگوید اللهم
 اني استعني بك في هذا الامر يعني هذا امر عظيم و عظيم جدا و در شب اول و آخر
 یا چشم ما چشم کسی را در خواب ببندد که شیطان و وی از آن برایش بخاید
 راوی گوید مرا صدای عظیم بود که از علیح این عاجز گشته بودم باین
 عمل خودم در شب اول دیدم که دو کس آمدند پیش من نشستند و در میان
 دست بر سرم مالید و موی پستانان دادند که حماقت کن از رخ را
 حماقت کردم شفا یافتیم و بد بسطی مردم نیز گفتم و شفیع شد
 و ایضا مشایخ رحمهم الله نقل کرده اند که اگر کسی خواهد که یکی از
 انبیاء را یا انجم علیهم السلام را یا سایر مردم را در خواب ببندد و بگوید
 الشمس و الليل و قد و تجود و الخ لا من و مع و ذین بخواند
 بعد از آن صد مرتبه توحید بخواند صد مرتبه صلاه بر پیغمبر و ان الله
 اعلم بالذکر و سلم بفرستد و یا و عنو بی جانب مراست بخواند که هر کس
 خواهد دانست الله در خواب ببندد و سوال و جوابی که خواهد میباید

این کتاب از خواجگان است و در آنجا آمده است

درین باب
چهارم
در بیان
نعمت
و کرم
و کرم
و کرم

مکه خود را در خواب دید که آمد و کد این طریقه را گفت شب با یک
بعد از آنکه این دعا خواند و باشد آنچه است الحی الذی لا یوموت
و لا یموت و یعرف به من بدت اکسایه و المیث
تعود و ما أشمل منها لکن ملأه و مخاها و ما الأدب منها
که کن که ملأه و لا یخاف منک الا البک فاسألک
یا الله الا انت فاسألک باسم الله الرحمن الرحیم و یحق محمد
سید البقین و یحق علی خیر الوصین و یحق فاطمه
سیدة النساء العالمین و یحق الحسن و الحسین اللذان
جعلهما سیدی شباب أهل البکة اجمعین
ان انفسی علی محمد و آل محمد و ان یربونی فلا تأویض
روایت کرده اند که اگر خواهیستی راز خواب پند و بین دعا
شها بوند و در آخر کرم که بر من میشتی نعم الخلال
القی هو منها و هر مرتبه که در آن خواب از خوابی بگری
بگو حرکت کند بگوید لا اله الا الله الحی القیوم و هو
علی کل شیء قلیل سبحان رب العالمین و رب
و سبحان رب السموات و الارض و رب العرش
المکین و سلام علی المرسلین و الحمد لله رب العالمین

و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام سوال نمودند که تا آنکه خداوند تعالی
فرمود که اندک از شب بخوابید که مستند فرموده اند که تمام شب
میخوابید اما هر مرتبه که حرکت بکنید میباید آنکه خود را بگوید لا اله الا الله و الله استکبر و چون خواب بدید بگوید انما
الغیور من الشیطان و حرکت الدین امنوا لو کین نصایرهم
تستأذینا ان الله عذبت لنا عذات و بدید که الله
المقتربون و انبیای المومنین و عباد الله الصالحین
من شتر ما را نیست و من شتر الشیطان را از همه چیز و از هر لوی که
خواهد بیدار لوی دیگر بفرماید و خواب را بکشد و بگوید که خداوند تعالی
ان شاء الله این کرد و هم ایشان علم بر هر بیت خواب می بینند
بگویند دوست دراز و نیک کند و خواب است که در نصف از جز
بنوت است بخوابد و دیگر چهل جز و خواب می بیند بر بالای سرش
مضمر و در دماغش تا آنکه بیدار کند بیدار خوابی که بیدار
خواب را چون عاقل و جاهل با یکدیگر تا آنکه بیدار کند
و نیز هر بیت که خواب در وقت راست باشد اگر باطل هارت
در دگر خدای خواب را باشد یکی وقت قبل و یکی بعد از آن
نصفی خواب و هم بعد از نصف شب که وقت نزول ملائکه است

وخواهد بود بسیارند که وقت بچان خندان است و شادمان
دیگر نکند و کیفیت امر و قیام بیکدیگر از بسیاری احادیث اشراط
علیه السلام و دلالت بر این عقل منور و محقق است که هیچ
از طیف مملکت افزیده شده و در هر شش از جنس و هر ملکوت
مملکت مخلوق است و باید خبر در مقامات و فصل زوایا
الفست و انسانی باین قوی و احتیای بدن که در عقل
تدبیر نظام مملکت بدین و بجهت این اشغال امور حیوانیه و از
در بدن و شنیدن و خوردن و سایر و ادوات حواس و قوای مانع
قوی و الطاف او به عالم خور شده و سبب غیبت این عالم دینی
و دانستن که در اجتناب مملکت های ضلالت و اعلی در این اصل است
کنند و هرگاه که اندک فرصت بختیست به سبب این علایق و مواقع اول
حاصل شود رجوع به عالم خود نموده با انبای جنس و غیره نماید و
اهل مملکت اعلی الفست کرد و موافقت نماید و از سخات و کلمات
نامتناهی که از فضل جود و رحمت الهی بر اهل انعام در هر یک
چون است و بخت بقدر استعداد خود استفاده نماید و بهره
گیرد و اینها که اعیان رجوع به عالم اعلی استفاده از فضل
مملکت عالم اولیا و اوصیاء خدا را از شدت متابعت حق می

و کمال امتثال احکام و خروج مستقیم و زهد در دنیا و ترک پیری
هرس و هو و نفس عالیه **الکمال** و مشهورات و عواید و تحصیل
فقر و بخل و کمال بدن و اعضای خود و کمال فقر و فضیلت عاقل
و مشایب پاکیزه ساخته و این در نشان از کمال کد و در کمال
باطل ضیاعهای فاسد عراج و مادیات پرورانه و جوهر و حشاش
از تیرگی و کمال استغفار باین دنیا و فی جلال یافته و بر قوت
افعال که تمام نور و ضیاء است بر صفحه قابلیتش یافته و کمال
تسلط بر نفس خود و قوای آن بهر ساینده انداخته همیشه
مستعد و وابسته خواهد در خواب و بخواه و بیداری و خواب و بیداری
اینان یکسان باشد چنانکه حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
فرموده **تَبَاهُ عَيْنِي وَلَا تَبَاهُ قَلْبِي** یعنی اگر چشمم کا می
سرخ شود خواب می کشد اما دلم همیشه بوی خدا پیدا است و
از چینه است که انبیاء علیهم السلام بر قضا خواهند زیرا که همیشه مشغول
نمودن و می باشند چنانکه در احادیث آمده و لباس تاثیر
مومنان بحسب اختلاف مرتبه و قابلیت کاه و آه و ایام
که بدن از عقل و فضیلت و عمارت غذا حیث و دل از زهد
سختی خیالات باطل دنیا خالی و روح از مشغولیت عقل پدید

و قوی فارغ گشته و اینست خاطرشان بنور یا کمال و صفایافته
باشد و چون خواب روند و بر سر آمدن از مشاغل محسوسات
قرین حاصل شود و ایشان از نشوونش و آباد است عالم ظاهر را
یا شمع حال خود بردارد و متوجه عالم باطن گردد که ملکوت عالم اعلی است
شود و روحشان را با اهل انصاف که مومنانند بر حال حادثان و
مدبران نظام گایانند ارتباط و اختلاط رود و در آن زمان
علوم و معارف ایشان که هر صدق و حقیقت از خزین علم الهی
بر ایشان احسان شده بران روح بحسب مناسبت حال او
یا این که در عالم جنتم و کون و قوای روحانی
مشاهده آن علم و معرفت یا چیزی که متعلق باحوال او یا غیر
او باشد نماید و چون هنوز روح از مصاحبت بدن و قوای بدن
خلاص تمام حاصل نگشته بلکه آثا و اس و قوای بدن خلاص
تمام حاصل نگشته بلکه آثا و اس و قوای بدن هنوز در جوارح
راخ و ناپیشت مشاهده است و روحانی هر یک بصورت و کیفیتی
که مناسبت با آنست در نظرش جلوه کند و آن مشاهده روحانی
چنان پندارد که جوهری بدنی واقع شده و اینحال است
مشاهدات روحانی و ارتباط با اهل عالم بالا و اهل عالم اعلی و استقامت

از ایشان بعضی از مومنان را نیز که باشد که ارشادت نهد و تقوی
و ورع و طاعت خداست عظیم بر ضبط حواس و قوی حاصل نماید
باشد در پنداری نیز احیانا اتفاق افتد که اگر دل و روح در زباله
تشویشات ضایعاتی باطل و فکرهای فاسد و رفتن غفلت و هوا
دار و زوهای زایل و حاصل ظلماتی گشته و بکلا دورت فضیلت
و بخارهای ماکل و مشاریب سیاه و تیره شده باشد هر چند
بخواهیم رود که فرصت و قابلیت آن ندارد که راهی به عالم نور
و صفا و قربی با اهل ملا اعلی تواند یافت و همچنین اگر بدین
بسیب قتل و زیادی غذا محتاج بود و در این حال که در این
روح را که مدتی بدست مهلت آن نداده که به عالم دیگر تواند
بروخت اما اگر بعضی اخلاط مثل خون یا صفرا و غیر آن یا
خارام غذا در بدن غالب گشته و همچنان نمودارند چون چرک
روان خلط و بخار بصرفی القوی که مناصیب آن باشد و غفلت
جاوه کند و چنان بنده که چیزی در دهان نشیند و منافع و ضرر
بصرف تائیس و شفقتهای الوان و سودا و بخار بطوریت ابرها
و بخارهای سیاه و ظلماتی جاوه کند و همچنین اگر در مدار سیاه
سرمه کوی و خیال غالب گشته و تسلط یافته باشد چون بخار رود

[illegible]

حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم هرگز از خواب بیدار نمی شد
مگر آنکه بگوید: میگردانید چون خدا از سجده نشینان بگوید: حسنی
الوقت من العباد حسنی الذی هو حسنی منذ کنت
حسین الله و فی هذا الوقت و حضرت امام جعفر علیه السلام
همواره که از خواب بیدار میشد: یا ارباب دنیا که اهل خانه
میشنید: الله می گفت: الله اعنی علی احوال المصلح
لو شیخ علی المصنوع و از رفتن خیر ما قبل الموت
و از رفتن خیر ما بعد الموت و چون نظری بر اطراف انداخت
گفت: بگوید: الله که لا یورای عنک کل حاج
لا سماء ذات ابراج و لا ارض ذات مهاو و لا ظلمات
تعضها فرق یحیی و لا یقتریحی تدبیر بین یدی المولی
من خلقت نعم خاتمة الابدین فما تخفی الصدور
غایب القوم و غایب العیون و انت الحق القوم
لا تأخذک سنة و لا نوم سبحان رب العالمین
والله المستطین و الحمد لله رب العالمین الی فی خلق
العلماء و الامراء و اختلاف السبل و التفرع انما
لا تخلف البقا اذا سوه ال عمران و چون از غیبه مارتاج شود

بن بصلای خود کند و بعلای شسته کن دعا بخواند که حضرت
 امام زین العابدین علیه السلام نصف شب برآمد خواب و بیدار
 میخواند و الهی غایتی بخونم که تو را و نامت بشنوی
 آواز من و هداکت که تو را عبادت و انعامات و
 غلقت الملوك علیها ایواها و طاف علیها حرکها
 و احببوا عن ربها اللهم باحة منهم فائدة و انت الهی
 حتی تقوم الا ما خذك سنة ولا نوم ولا اشتغال فاعلم
 عن شیء ابواب سمواتك لمن دعاك مقتضات و
 عزائمك عن مسلمات و ابواب رحمتك عن عجزات
 و قواشك لمن سألکها عن عجزات بلهی مبتدأ
 و انت الهی اکرم الذی لا ترد سائله من المؤمنین
 ولا یحجب عن احدیهم ارادته و عزائم صلات
 لا یحجز عن احدیهم ذنبا و لا یفصلها احد علیک
 الهی و قد تراءیت و توفی و ذکر معانی من یدیک و علم
 سیرتک و تطلع علی ما فی قلبی و ما یصلح به کفری
 اخبرنی و درنا الهی ان ذکرک الموت و حقول
 الطلح و الوقوف بین یدیک لعنونی و منی

والتحکم

وَأَخْضَى بِنْتِي وَفَقَدْتَنِي مِنْ دِيَارِي وَمَنْعَتَنِي رِقَابِي
وَكُنْتُ نِيَامُ مِنْ حُلُومِ بَيَاتِ مَلِكِ الْمَوْتِ فِي حُلُومِ
الْكَفِيلِ وَطَوَارِقِ الشَّهَارِ بِلِ كَسْبِ نِيَامِ الْعَاقِلِ وَ
مَلِكِ الْمَوْتِ لَا نِيَامُ لَا بِاللَّيْلِ وَلَا بِالنَّهَارِ يُطْلَبُ قَبْقُوعُ
رُوحِهِ بِالْبَيَاتِ أَوْ فِي أَنَاءِ النَّشَاغَاتِ بَعْدَ إِذْانِ حَقِّكَ
وَرَوَى مِيَاكُ بِخَالِدٍ مِثْلَ شَيْءٍ وَمِثْلَهُ كَسَلْتُكَ الرُّوحُ
وَالْأَرْحَاحُ عِنْدَ الْمَوْتِ وَالْعَقُوقُ عِنْدَ حَيَاتِ الْعَالَمِ بَعْدَ إِذْانِ
مَشْرِقِ نَارِ الْعِلْمِ شَوْهَرِ مِجْمَعِشِ الْأَرْكَانِ كَيْفَ أَمْرُ بَيْتِ الْمَكَّةِ
عَقِيقُ دَأْبِ بَيْتِ الْمَكَّةِ نَشْرُوكُ دَسْتِ بَكْرَةِ دَائِبِشِ الْأَنْزِلَانِ
بِحِرَابِهِ وَيَكُونُ أَمْسَتْ يَا اللَّهُ وَخَدَّ لَا شَرَّكَ لَهُ كَدَامَتْ
بَيْتِ الْمُحَمَّدِ وَعَلَانِيَتُهُمْ ضَائِعَاتُ أَرْوَاقِ الشَّامِ أَوْدَادُ
خَطَرِ حَرْبِشِ دَارِ فَصْلُ خَمْرِ دَرِ آدَابِ بِيْرُونِ
وَقَدْ أَزْهَانُ دُرَاهِ رَقْعِي وَسَوَارِشْدَنْ وَفَصَائِلُ دَوَابِ جُوهَرِ
أَنْبَانِ عَرِيشِ أَرْهَابِ طَاهِرِينَ عَلِيمِ كَمِ دُجُونِ كَيْ خِرَابِ
أَرْخَانِ بِيْرُونِ رُومِ بَرْدِ رَحَاذِ مَالِيسْتَنْدِ وَيَكُونُ اللَّهُ أَكْبَرُ
اللَّهُ أَكْبَرُ يَا اللَّهُ حَرَمَتْ وَيَا اللَّهُ دَخَلَتْ وَهَلَّ اللَّهُ تَوَكَّلْتُ
وَهَلَّ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

وَاللهُ أَكْبَرُ أَفْعَلِي فِي دِينِي هَذَا بِمَنْ يَخْتَارُ لِي خَيْرٌ مِنِّي
شَرُّ كُلِّ دَايِمَةٍ أَنْتَ أَشَدُّ بِنَاكِهَا إِنَّ دِينِي عَلَى الصِّرَاطِ
مُسْتَقِيمٌ وَفِيهِ تَكَلَّمَ نَارُكَ مَا جِئْتَ كُنْتُ وَهَرَسَ مِنْ
خَانَةِ بَعْرُونَ أَيْدِ شَيْطَانٍ بِرَسُولِ عِزِّهِ بِنِ الْكَرِيمِ وَفِيهِ
رَفِيقٌ بِكُونِ نَسَمِ اللَّهِ لَمَسْتُ بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ
مَا شَاءَ اللَّهُ لَا يَحْزَنُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ مَا لَكُمْ شَيْطَانٍ
يَزِيدُ وَرُو كُنْتُمْ كَوْنُ شَاهِدٍ أَرُو سَقِي نَسَمِ كَذَنَامِ تَدَارُ
وَالْوَالِيَانِ أَوْدَعَهُ وَبِرُو تَوَكَّلْ حَكْرَدَه وَتَوَدُّ وَكَارِهَا
تَوَدُّ لِقَائِهِ وَفِيهِ أَوْ سَبْرَدَه بِنِ شَيْطَانٍ دَوْرُ شَوْنُ وَبَا
بِكَلَاكِرُ كَوْنُ مَلَا بِوَجْهِ فَرَاخِمْ كَرُ كَرْدَا كَفَا بَسَتْ وَهَذَا نَقِشُ نُوْدَه
وَمَحَا قَطَنُشْ فَرَمُودَه وَكَرُ وَفِيهِ بَكُونِ أَعُوْدَه
بِمَا غَاوَرْتُ بِهِ مَلَا نَسَمِ اللَّهِ مِنْ شَرِّ هَذَا الْيَوْمِ
الْجَدِيدِ هَذَا الَّذِي إِذَا غَايَسْتُ نَفْسَهُ كَمْ تَعْدَى مِنْ شَرِّ
نَفْسِي وَمِنْ شَرِّ عَيْنِي وَمِنْ شَرِّ الشَّيَاطِينِ وَمِنْ شَرِّ مَنْ
نَصَبَ كَرُ لِنَاءِ اللَّهِ وَمِنْ شَرِّ الْحَمْنِ وَالْأَمْنِ وَمِنْ شَرِّ
السَّبَاعِ وَالْحَوَارِثِ وَمِنْ شَرِّ رُكُوبِ الْهَوَايِمْ كَالِهَا الْجَلَمِ
نَقِشُ بِاللَّهِ مِنْ كُلِّ شَرِّ خَدَايَا كُنَا هَا نَسَمِ بَامَرْزُو وَتَوَدُّ شَرِّ

فرماید که غایت محقق خواندن این سرود و مکاشفه در پناه خود
دارد و هر ویست که اگر بخواهد در سبقت توانستی یافت این
که در وقت بیرون رفتن از خانه در حلقه سرافرازا از زنانه خواند
که زود مراجعت نماید و اگر برای حاجتی و مطلبی بیرون رود
صبح شنبه و صبح جمعه بیدار طلوع افتاب بیرون رود که
روایات متعدده آمده که این دو صبح برای حوائج مبارکت
و روز سه شنبه نیز روایات بسیار آمده که روز قضای
حوائج و اسائی کارها است و خطای خالی دین روز آخر باران
حضرت داود علیه السلام نرم کرد که نده ساخت و در وقت بیرون
رفتن چای از اخراش عمران ان فی خلق السموات والارض
تا انک لا تخلف الميعاد و آیه الکرمیه و انا انزلناه و الحمد
چونند که حوائج دنیا و آخرت دین آیات است و در راه رفتن
زنان باز کناره های راه بروند و میان جاده راه را بر روی هر
واگذارند و مردان از میان زنان نگذرند و بر روی شیطان
ایستاده باشند پس چون بریل دست بگویند بسم الله
اللهم ادر عني الشيطان الرجيم يا شيطان و در شود
اما فضایل و حقوق و ادب کتاب سوار و مردست و ان شاء الله

طاهرین علیهم السلام که در کربلا در آنجا که کشتن با خداست و شفاعت
 و توبه از شایسته و نه عشر ذوق است که هر کس که داشته باشد
 و هر کس که کربلا را دیده و تقضای خواج خود آن کند یا دفع شای
 نماید هر روز یک مرتبه از محو شود و شش حسنه ثبت گردد که
 اسپنجیب کاه دارد که آن جهاد کند و دفع اعدای دین کند
 هر روز سه مرتبه بخیر شود و باز ده حسنه ثبت گردد و اگر اسپنجیب
 بخیر کاه دارد هر روز دو سیه محو گردد و هفت حسنه ثبت
 گردد و حضرت امام علی النقی علیه السلام از کسی پرسید که چه بگویم که
 سواری یک کوفی الاغی بسیرت در دنیا هر روز دهام فرمود این از جمله
 است آنست که الاغی را با این قیمت بگیری چه اسپ بگرفتی که
 اسپ بیشتر است فرمود کسی که مؤمن است الاغ میدهد مؤمن است
 اسپ هم می تواند داد غنیانی که کسی که غنی است بگوید و اسپ
 نگاه دارد و منتظر فرج می آید و اعدای ما را منکوب سازد
 روزی رابع فرستاد و سینه اش را با ایمان مطالعه و از روزگار
 را بر آید همین خواجش بایستد و خیر از پشانی اسپ تابان است
 تا روز قیامت هر کس در راه خدا اسپ را فقیر دهد جانشین
 او است که کشته شود و بایستد که باز بخرد و مؤمن است که حضرت

امام المومنین علیه السلام چهار اسبه تقدیم نمودند حضرت سید
علیه السلام آورده بود بر گنبد که اوصاف اخبار ایمان نامی
یکی اشقر یعنی کمر روشن است دست چپ سفید فرمود آنرا بر
من بنگاه دار گفت دوی دیگر گنبد یعنی کمر میاهفت دست و پانصد
فرمود آنرا هم بدوش یعنی امام حسن و امام حسین علیه السلام بده گفت
یکی دیگر ادم یعنی کبودی نشاء است فرمود آنرا بر گوش و نفق عیال
خود کن پس از آن فرمود که میمنت است در آن است که نشاء عیال
خود داشته باشد نیز صورتی که هر که اسب یا شتر که در پیش
سفیدی داشته باشد و اگر آن سفیدی کشیده باشد بهتر بود
و در دست و پایش نیز سفیدی باشد نگاه دارد آن اسب در
ملک او و در خانه او فقر و غلام در آن خانه راه نیابد و نیز صورتی
که دانه را بر صاحبش چند صفت اینکه بر پیش چوب نزدیک و داغ
نکند که روی و آید حمد و تسبیح خدا کند و زیاده از حد رطافت
نراند و بار نکند و پشتش را جلین نکند و صفت ندارد و بار
نگاه ندارد و در سفر هر جا که آب رسد آب بروی عظمی کند و چون
در منزل فرود آید اهل خانه آب و عاود او کند بر آب برود و ننگ دارد
و هر دو را از یک طهرت نیاورند و یکدیگر بر یک طهرت نکند و بر شستن

خوانند و چون دم کنند از کمر بزنند در خال ایشان آید که در نظر ایشان
 نیاید و اگر با خرد و سکندری خورند و بگویند بسم الله و در شام بخورند
 که گویند میان من و تو هر کدام معصیت پیشتر کرد و چنین باشد
 و لغزش نکند که خدا تعالی او را لعنت کند و هر کس را بد بگوید
 دعا کند که خدا را صراحتی شفق و مهربان عطا فرماید که مرا
 سیر و میراب دارد و زیاد و بر طاقم باز نکند و مر ویت کرد
 هر چه بخواهد یا شیطانی باشد چون خواهند بطاعتش کنند بسم الله
 بگویند و اگر در طاعت کرد دنیا سوار شدن یا غیر آن سر سختی و جانی
 کند این آیه در گوش راستش بخواند **أَفْعَزِدُّنَا اللَّهُ بِعُتُوِّ**
وَلَهُ أَسْلَمْنَا مِنَ الْغُتُوِّ وَالْأَنْزِلِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَالْأَمْرَ
وَالْحَقُّ وَنَزَّكَوْهُ اللَّهُمَّ تَحَرَّهَا وَابْلُغْهَا عَنِّي عَنِّي وَالْمَ
وَأَنَا أَرْزَا بِخِرَانَدِ وَهَر كَسِ دَرْقَتِ سَوَارِشْدَن بَسْمِ اللَّهِ
 بگویند فرشته با او رقیف شود که محافظتش کند تا آنکه فرود آید
 و اگر بسم الله نکند شیطان را در وقتش و گویند خوانندگی و غنا
 کن اگر کوه غنی نام گویند از زوهای باطل کن بس همیشه در از زو
 باطل باشد تا آنکه فرود آید و اگر وقت سوار شدن بگویند بسم الله
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ هَذَا

وَمَا أَتَانَا مِنْهُدُ عَلَمًا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ سُبْحَانَ الَّذِي فِيهِ
تَحَرَّكْنَا هَذَا أَوْ هَذَا كَمَا تَحَرَّكُنَّ أَوْ تَحَرَّكُنَّ هَذَا وَتَحَرَّكُنَّ
بِأَنَّ مَا تَحَرَّكُنَّ وَتَحَرَّكُنَّ وَتَحَرَّكُنَّ وَتَحَرَّكُنَّ وَتَحَرَّكُنَّ
أَهْلُ بِلَادِهِ وَبِلَادِهِ وَتَحَرَّكُنَّ وَتَحَرَّكُنَّ وَتَحَرَّكُنَّ وَتَحَرَّكُنَّ
تَحَرَّكُنَّ وَتَحَرَّكُنَّ وَتَحَرَّكُنَّ وَتَحَرَّكُنَّ وَتَحَرَّكُنَّ وَتَحَرَّكُنَّ
بِرَأْيِ أَهْلِيَانِ مَلْعُونَتِ وَتَحَرَّكُنَّ وَتَحَرَّكُنَّ وَتَحَرَّكُنَّ وَتَحَرَّكُنَّ
يَا عِبَادَ اللَّهِ احْبِسُوا أَنْشَاءَ اللَّهِ بِأَنَّ مَا تَحَرَّكُنَّ وَتَحَرَّكُنَّ
دَرْفِضَالِ وَأَوْدَى مَكَاسِبِ وَمَقَامَاتِ مَرَدَمِ بِلَادِهِ
طَاهِرِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ كَمَا عِبَادَتِ هَذَا وَتَحَرَّكُنَّ وَتَحَرَّكُنَّ
طَلَبِ حِلَالِ اسْتِ وَتَحَرَّكُنَّ وَتَحَرَّكُنَّ وَتَحَرَّكُنَّ وَتَحَرَّكُنَّ
وَتَحَرَّكُنَّ وَتَحَرَّكُنَّ وَتَحَرَّكُنَّ وَتَحَرَّكُنَّ وَتَحَرَّكُنَّ وَتَحَرَّكُنَّ
شَبَّحُوا رَحْمَةً بِأَنَّ مَا تَحَرَّكُنَّ وَتَحَرَّكُنَّ وَتَحَرَّكُنَّ وَتَحَرَّكُنَّ
رَأْيِ خِيَالِ خُودِ نَجَادِ اجْرُشِ عَظِيمِ تَرَامِشِ أَنْ كَمَا كَدِ رَدْلَهُ خَدِجًا
كَدِ وَتَحَرَّكُنَّ وَتَحَرَّكُنَّ وَتَحَرَّكُنَّ وَتَحَرَّكُنَّ وَتَحَرَّكُنَّ وَتَحَرَّكُنَّ
بِخُصْرَتِ دَاوُدِ وَتَحَرَّكُنَّ وَتَحَرَّكُنَّ وَتَحَرَّكُنَّ وَتَحَرَّكُنَّ وَتَحَرَّكُنَّ
بِتِ لَمَّا لَمَّا لَمَّا لَمَّا لَمَّا لَمَّا لَمَّا لَمَّا لَمَّا لَمَّا لَمَّا لَمَّا لَمَّا لَمَّا لَمَّا
أَهْلُ رَأْيِ كَدِ دَانِدِ كَدِ زَرَهُ مِيسَاقَتِ وَتَحَرَّكُنَّ وَتَحَرَّكُنَّ

خدا تعالی بفرموده خود و از برای بکار و سعادت و نجات و رستگاری
روزی که هر کس را از حلالی قنعت کرد و بگویند بر فرموده خدا از حرام پس
هر کس به یک تنه و از حرام تم اجتناب نماید خدا تعالی رزق او از حرام
برساند و تا بقدری برای او مقدر فرموده تمام نکند از دنیا نرود
و اگر هفت حرام اهل نماید و هر یک حرام شود هر قدر از حرام
خمس کند افتد از حلال کم کنند و روز قیامت مواخذ
و مطالبه نمایند و امثال این اخبار در فضایل کسب حلال و احتراز
از حرام زیاده در آنست که درین مختصر کجند و هر روست که شجره
رزق در بقا است و دیگر در سایر کارها و بقا است عقل
زیاد کند و ترک آن دو ثلث عقل کم کند و زراعت کردن کیمیا
اگر است و روز قیامت لعل زراعت نزدیکترین مرد منتهی
و مقام ایشان بهترین مقامها است و بهترین کارها زراعت
که انسان و حیوان منتفع شوند و گیاه و بدان بطور بر یکدیگر
گیاه بخورند برای زراعت استغفار کنند و اگر بدان بخورند
هر چه خورند ایشانرا لغت کنند و زراعتان اهل و کلند که غم
افشانند و کوکل جردا کنند و منتظر فضل و رحمت او باشند
و از این حساب و معاملات هر یک که چون کسی خواهد بخار

کند اول سایل و اهل بیت را پاسبان و حلال و حرام بشناسد
که دیار معاملات خفی است از نقش پای سود و برسد و نیاز
و یکدوم دبا عظیم تر است از هفتاد نه که هر باخویشا محرم
باشند و با ترکیب معامله نباید کرد که دست را تا مفرق در
دهن از دهانی بهتر است از آن که با ترکیب معامله کنی و
اول روز برای معاملات و حاجات مبارکت خصوصاً روز
شنبه و پنجشنبه که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم
دعا کرد و گفت خدایا هیچ خیز این دو روز بر امت من مبارک
گردان اما پیش از طلوع آفتاب مشغول کارهای دنیا نباشد
که انصاعت عبادت و ذکر است و بنمودن جان در اطراف برای
اخلال انسان متفرقند و چون کسی داخل بازار شود بگوید
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ اللَّهُ الْمَلِكُ وَكَهُ
الْمُحَيِّي وَالمُمِيتُ وَهُوَ الْحَيُّ لَا يَمُوتُ بَيِّنَاتٍ الْخَيْرُ
وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ هزار هزار احسنه ثبت کند
و هزار هزار بگویند و هزار هزار در جهر بلند کند و اگر
بگوید اَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَالِخِزْجَانِ که در فصل دخول
گذشت برابر است با این پنج و هم چون داخل دکان خود شود

رِزْقًا وَبِرِزْقِهِ لَا يَكْفُرُ بِنُورِهِ بَرَكَةً لَّنَا كَمَا أَنْشَأَ اللَّهُ آدَمَ
مُسْتَفْعٍ شَدِيدًا وَكَرِيمًا وَبِحُجْرَةٍ بَكْوِيهِ اللَّهُمَّ يَا رِزْقُ فِيهِ
وَاجِبُهُ طَوِيلُ الْعُمُرِ كَثِيرُ الرِّزْقِ وَكَرَارُ الْخَيْرِ
دَائِمٌ كُنْدَسْ مَرْتَبَةً بِكْوِيهِ اللَّهُمَّ إِنْ كَانَتْ عَظِيمَةُ الْبَرَكَةِ
فَاضِلَةُ النِّفْعِ سَيِّمُوتُهُ الشَّاصِيَةِ فَلَيْسَتْ فِي شَرِّ أَوْهَا
وَإِنْ كَانَ عَزِيزُ ذَلِكَ فَاصْبِرْ فَيُغْنِي عَنْهَا إِلَى الدَّخْلِ وَخَيْرِ
لِي مِنْهَا فَإِنَّكَ تَعْلَمُ لَوْلَا أَعْلَمُ وَتَقْدِرُ لَوْلَا أَقْدِرُ
وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ وَجَوْنُ بَحْرٍ دَرَجَانِ بِحَبِيبِ أَوْبَانِ
وَكَأَنَّ بَشَانِشِ رَابِدَتِ رَاسْتِ بِكْوِيهِ وَالْحَمْدُ لَهُ وَقُلْ هُوَ
أَحَدٌ وَمَعُودَتَيْنِ وَلَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى الْخَرَسِ سَوْفَ يَحْشُرُ
قُلُوبَ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ مَا اخْرَسُوهُ بَنِي إِسْرَءِيلَ وَإِنَّهُمْ
يَرْسُخُونَ بِنُورِهِ أَنْشَأَ اللَّهُ آدَمَ إِرَافَاتِ يَمِينِ كَرِيمٍ وَجَوْنِ كَسِيهِ
إِرَافَاتِ كُنْدَاوَلِ بَكْوِيهِ آدَمَ دَرْدَسْتِ كَبِيرٍ وَرَوْبَقِدِ
الْبَيْتَادِ سِدْرُ مَرْتَبَةٍ بِكْوِيهِ مَا أَنْتُمْ تَزِدُّونَهُ أَفْخَنُ الرَّاغِبِينَ
بَعْدَ إِرَافَاتِ سِدْرُ مَرْتَبَةٍ بِكْوِيهِ بَلِ اللَّهُ الزَّالِمُ بَعْدَ إِرَافَاتِ بِكْوِيهِ
اللَّهُمَّ احْبِثْ حَبَابَتَنَا كَمَا وَارَدْنَا فِيهِ السَّلَامَةَ
بَعْدَ إِرَافَاتِ بِقِشَانِ وَهَرِ كَسِيهِ نَزَاعَتِ كُنْدَاوَلِ نَحْتِ سَلَامَتِ

يا هر حال بگويد سبحان الباعث الوديع هيجان ازان
 نکند از حضرت خضر صلی الله علیه و آله وسلم مرويت كند و برادر
 عيسى بر شمر غمگشت اهل اين شهر نكبات كردند كه ميره هاي
 ما را هر سال كرم مي زنند گفت سببش اينست كه چون خدا رخت نشاند
 اول در بخت خالك ميرزيد بعد از ان آب ميدهيد چنين
 مكيند بلكه اول آب بريزد بعد از ان خالك چنان كردن از ان علت
 بخالت يافتند و اگر در مرقع يا بستان بيم افت كرم باشد
 از ان افسون را بر چهار پاره كاغذ بنويسد و در ميان چارغاه
 بگذارد و در چهار جانب فرعي يا بوستان جاده خدا مضرت
 جانور اين شود ان شاء الله ايها الدواب و الطوام و اللوات
 اخرجوا من هذه الارض و الزرع الى الخراب كما خرج ابن مخي
 من بطن الخوت و ان لم تخرجوا ارسلكم عليكم شيطان من نار
 و نحاس فلا تنصرون ان امرت اليه الذين خرجوا من دياره
 و هم الووف حذر الموت فقال لهم الله موتوا فانما اخرج
 منها فانك اجمع فخرج منها خائف ان يترقب سبحان الذي
 اسرى عبده و ليس له من المسجد الحرام الى المسجد الاقصى كما انهم
 يوسف لم يلبسوا الا عشية او ضحاها فاحرنا هم

من جنات وعتون ووزوع ومقام کریم و نعمة کانیوافها
 فاکهین فما یکت علیهم السماء والارض وما کواضطرین
 اخرج منهم مذکوما مدحورافلنا یتهم بجنود لا قبل لهم
 بها ولتخرجهم منها اذله وهم صاعقون واکرم اکت نکات
 باشد این صورت نوشته در کوزه آب ندیده کداسته در چهار
 جانب مزرعه بنهان کنند بدین صورت

بسم الله الرحمن الرحیم حق لا اله الا الله محمد رسول الله علی و آله
 عفت بلاد البر و افریض مزرعة فلان من اربعة حداه عافیکم
 وهو المسموع انما امره اذ الودان يقولون فیکون قنسان لادی
 ملکوت کل شی والیترجون الدتران الله یرحمی سعایا ثم یولف
 یسند ثم یصله کلما افری الودق یخرج من اللاله و یزل من
 السماء من جبال فیها من برد فیصیب بمن یشاء و
 یحرق بمن یشاء یکاد سنابرقه یرهب بالابصار
 سبحان رب الغرة عما یصفون و سلام علیک
 المرسلین و الحمد لله رب العالمین سلام علی نوح فی
 العالمین انا کذاک یخبری الحسنین نوح نوح اللهم ارفع بلاد البر

عن عبد الله بن محمد و آل محمد و آل محمد المرسلین و الملائکة المقربین

و چون کسی را غلبه غلبه و سایر ماکولات که عامه الناس در معاش
 محتاجند نشاید که احتکار کنند یعنی با شطار که رانی نگاه دارند
 که اگر دزدی کند بجهت است از آنکه چهل روز احتکار کند و رقت
 دیگر آمد که معلوم است کسی که در وسعت و ارزانی پیش از چهل روز
 و در تنگی و کوفی پیش از سه روز احتکار کند **فصل یازدهم**
 در فضایل امری و عیادت مریض و معالجات امری اما فضایل
 مریض مریض است از اهل بیت طاهرین علیهم السلام و چون مریض مریض
 شود و این که مریض کند بر نوشتن اعمال او هرگاه با سال و صد
 خدا تعالی انبیا را سوال فرماید که این بنده من در ایام مریض
 نوشته اید گویند شکایت فرماید انصاف نباشد که من بنده را
 چنین کتب پس از شکایت متعش غلام هر چه از عیادت و طاعات
 در ایام صحت برای او نوشته اید در ایام مریض نیز همانرا بنویسید
 و درین ایام هیچ سبب بر او ننویسید و غلام مریض تسبیح
 فریادش تهلیل است و غلطیدنش در میان جاچنانست که
 در راه خطا نشیند و بنده پس چنان صحت یابد اگر ترک معاصی کند
 و بجهت بازگشت نماید که آهانش آفرینده شود و اگر خبردار نشود
 همان خطا سابق باشد و ای برادر و برادرش و نیز مریض که

...
 ...
 ...

چون من یکشنبه کند کلاه هر کنا هاشن باشد و بخوابد است
با یکسان عبادت و دوشب یا دوسال و سه شب یا هفتاد و
و یکشب صانع هر خطایا را بریزد بغیر از کلاه و یکشنبه جزایی
بسیب مری یا وجی برش عظیم تر است از یکسان عبادت و
خطایا را فرموده چون بنده مؤمن را بر مری یا بالایی مبتلا کنم
و یکی شکایت نکند هر یک از گوشت و پوست و خون و مویش را
بدن نایم بپزند از آن کبابان کناه نکرده باشد پس اگر شکایت کنم
هیچکدام بر نکند از هم و اگر قبض روح کنم بخوار حجت خود برم و
هر مؤمن که یکشنبه اند روز مریض شود و شکایت کند با این ایتم
مبعوث شود و چون برق کلامع از من را بگذرد و هر کس را شب
مریضی و آلتی داشته باشد و از او شکر کند و قبول نماید این شکایت
نکند شصت ساله عبادت برایش نویسند پرسیدند که حد
یک کدام است حضرت امام علیه السلام فرمود این که کوفی آید
یا از آری کشیدم که هیچکس نکشیده اما اگر کوفی بت کرم یا
چغوا بی کشیدم و مثل این و راست کوفی شکایت نماید
و چون طفل مریض شود کفاره کناه و الدنیش باشد و محتجب است که
چون کسی را مریضی عارض شود و دوستان را خبر کند تا بیاید و شفا بخشد

و اگر چه بگوید که در این نیستند و در دست میگویند و در دست
 بلند کرده اند و امت اضافیل و اداب عبادت مریض و سعی در آن
 او و در بیت که هر کس شومی را عبادت کند داخل رحمت شود و چون
 پیش او بنشینند رحمت او را فرماید و چون مراجعت کند خدای
 همواره در ملک بروی او که در آنکه مشایعش کنند و با او فرقی
 نباشند تا آن ساعت از روز دیگر برای او دعا و استغفار نمایند
 و گویند خوش باشی و خوش باد ترا هست و مکانی در بهشت
 عطا فرماید که چهل روز ناله سوزی باشد و روایت دیگر آمده
 که هفتاد هزار ملک مقرر فرماید که بخانه اش آیند و تا وقت قیامت
 تسبیح و تقدیس و تهللیل و تکبیر گویند و نصف عبادت ایشان
 برای او ثبت شود و یک ملک مقرر فرماید که او را در قبر عبادت
 کند و تا روز قیامت بر اثر استغفار نماید و موجب است که چون
 عبادت مریض روزی بیاید و محمل تحفه برای او بنزد و تا
 آن تسلی نماید و شکفته شود و در پیش او بسیار وقت بماند
 که مباد ابرو دشوار باشد و هر کس عبادت مریض روزی این کلمات
 برای او دعا کند مگر آنکه البته شفا یابد اگر موثر باشد و شفا باشد
 آمین اللهم العظمه رب العرش العظيم ان شفیت

و چون از پیش او بفرستد بگوید کشف الله عنک و عظم قدرک
 و حفظک فی دینک و بدایت الی امتهی اسما
 و مریض نیز برای ایشان دعا کند که دعای مریض برای کسی که
 بعد از آن روز مستجاب است و هر کس بکشد و در چهار داری کند
 با ابراهیم خلیل علیه السلام معصوم شود و چون برقی از صراط
 بخورد و هر کس در حاجتی برای مریض می کند خود را آورد شود
 و خواهد که از گناه پاک شود مثل روزی که از مادر متولد شد
 کسی پرسید یا رسول الله صلی الله علیه و آله سلم اگر مریض از اهل
 اینک باشد تو این عظیم باشد فرمود بلی و هست اهل ایات
 ابراهیم که مرگ است از اهل بیت طاهرین علیهم السلام دو قسمت یکی که
 تأثیرش از راه توکل و انقطاع بخدا و التماس او و قبول بود که
 و شفقت اهل بیت علیهم السلام است و از طبیعت و مزاج را
 در بند خلی نیست و اگر در بعضی از آن اندک دخل هم باشد
 بی تاثیر و یقین تأثیرش مثل سایر اودیده باشد و هر کس از این
 اخلاص و یقین و التماس حقیقت باشد ازین قسم محال است البتة
 مشفع شود چنانکه در زمان حضور خدمت ایشان علیهم السلام
 حکم بامتناع یا امتناع واسطه نوشتید و عملی فرمودید

تخصیص

مجموعه

از این عظمی و مرصی نمیدوید که منتفع میشدند و چون از منته که
بسیب و قورمعه ای و شیوع منافی و غلبه حرص و تشوش دنیا
و در لطمه احوال منسوب به این و چون معشوش داشت کشته نماند
باشد که او در آن روزی انعامی و یقین دعائی کند یا بمعاجزه
عمل نماید و یا از احیای و صحت محروم نیاید و صدق این کشته شد
از مضامین بسیاری احادیث که ذکر آنها موجب الطناب
و خروج این باب است و از این جهت این حدیث که مذکور میشود
ظاهر و واضح است حضرت امام صادق علیه السلام فرمود در روزی
عیسی علیه السلام با یکی از اصحابش در خدمتش برای میرفتند
بدینا رسیدند حضرت عیسی از روی یقین بسم الله گفت
و بر روی آب روان شد آن مرد نیز از روی یقین بسم الله گفت
بر روی آب روان شد و همایان حضرت ملحق شد و پیچیدارش
رسید و با فافت حلقه است میان من و شما خدا
آب فرو رفت حضرت عیسی علیه السلام نگاه کرد و فرمود از این چاه
رسیده است قنارین استغفار که همان بر روی آب روان شد
قسم دوم آنکه تاثرش از این عراج و طبع است و این قسم
از احادیث معتبره است و از هر چه و اما کن و از هر چه

شود و بسیار هم سبب آنکه فرق میان این دو قسم کم و اندک
 اند و بعد از این مخالف آخر چه نامناسب استعمال کرده اند
 موجب فساد و هلاک گشته چنان سبب مادی تمام انکشاف
 بد که قسم اول نماند اما از جهت که این رساله از شرف روایت تمام
 محرم نباشد چند دوازدهم بر صفحه روایت نگاریم و عهده
 ملاحظه موافقت و احتیاط را بر طرفه که که معالج کند که دانیم
 قسم اول و آن دو نوع است نوع اول صدقه و ادعیه مرسته
 که چنان خود را صدقه محال کند که صدقه مرسته و بلا و ادعیه
 کند و سبب است که چنان بدست خود صدقه دهد و سبایل کویت
 او را دعای کند که دعای سبایل برای معطلی مستجاب است توفیق
 قضای صدقه ان شاء الله بعد از این باید و اما ادعیه و انکشاف
 بسیار است بدو نظری از آن اخضا کنیم بجهت جمع امرین
 و اجمال بقول و نیز آن قدر آن ما هو شفاء و وجه المؤمنین
 و دست بر آن موضع بالدم رویت که همگی از روی انکشاف چنین کنند
 که اگر شفا یابد ایضا بر هر حالت و وجه شفا در مرتبه اول خواهد
 رویت که اگر بر مرتبه دوم بیفتد و روح بدانش هیچ کند عجب نباشد
 که روحی که با کمال شفا نیاید هیچ چیز شفا نیابد ایضا بر هر حالت

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين
 حسبت الله ونعم الوكيل تبارك الله الحسن الجمال
 ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم و دست بران
 موضع بالدر روی گوید که در کوفی عارض شد که اطبا اضرع الیه ان
 اعتراف می نمودند از خدا و اما یون کشند پس من از غایت
 حزن و اندوه کتابی برداشتم که مطالعکم در پشت آن کتاب
 این را دیدم و نیست از حضرت جعفر صادق علیه السلام چون باز
 صبح گذاردم باین عمل نمودم هنوز نیست بودم که آن علت
 صحت یافت و میترسیدم که مباد ایا از غم و کندی سه روز صبر
 کردم و باین عمل می نمودم بعد از آن بد رخورد اخبر کردم شکو
 نموده طبیبی صادق یهودی آورد و حکایت قضیه را و نقل کرد
 چون ملاحظه نمود و مشاهده ایمان آورد تسبیح و دعا
 بند بپوشانید و سرید روی که بران برده اند و آیت
 بگوید و هفت مرتبه الحمد بخواند راوی گوید من تسبیح داشتم چون
 چنین کردم گویا از بندی رهائی یافتم طبیب دیگر اول صبح
 پیش از آنکه با کسی حرف زند هفت مرتبه الحمد بخواند و اگر صبح نیاید
 روز دیگر صبح را و مرتبه بخواند حضرت صادق علیه السلام فرمود من بعد

تسبیح بخواند

ازین خاصن سخای اوم طریقه دیگر کسب کند که بوزن و برنج
 یعنی است اندکی پسته بگیرد و بر پشت بخوابد و کندم را بر روی
 ریزد و هر چه که ریخته شود بگوید **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَمْرِكَ**
الَّذِي إِذَا أَسْأَلْتُكَ بِهِ الْفُضْلَ كَسَفْتَهُ مَا يَهْمُ مِنْ خَيْرٍ وَ
مَكْنَسَةٍ كَدُّ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْتَ خَلْقَكَ عَلَى الْخَلْقِ
أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى الْمُحْتَدِ وَالْإِهْدِ وَأَنْ تُعَارِفَنِي مِنْ عِلْمِي
 پس راست بنشیند و کندم را از اطراف سر کند و همین دعا بخواند
 پس چنان قسمت کند و همین دعا بخواند و هر چه ریخت بسبکی دهد
 راوی گوید چون چند کرم کویا از منی بیخات یا شرم طریقه دیگر
 مادر چار و دیکت نماند دارد و در حضور بگوید **اللَّهُمَّ إِنَّكَ**
وَهَبْتَ لِي هَذَا بَلِّغْهُ لِي شَيْئًا فَهَبْهُ لِي هَبْهُ جَدِيدَةً
 راوی گوید من جاری شد دید داشتم حضرت صادق علیه السلام بدین
 چون خرج مادر مرا دید باین طریقه تعلیم فرمود چون
 صباح شد هر سه رخت بپوشید و بوزن من نیز یا ایشان شکر گفت کرم
 و این طریقه در روایت دیگر چنین آمده که هر دم آمده بودند که
 برخازند من حاضر نباشند حضرت صادق علیه السلام مادر مرا فرمود
 که غسل کن و بر بام خانه در زیر آسمان دو رکعت نماز کن و بعد از آن

عمل کن

بگویند اللهم انك وهبت لنا هذه الدنيا اللهم اني استودع
 عليك مميتي وناجزيني بطريقك ما دبر يا رب العالمين
 بام رفته مقنع از سر بر دار و موی موی آسمان کنوده سجده کند
 و بگوید اللهم اعطيني و انت وهبتني فاجعل هبتك
 اليوم جديدة انك قادر مقتدر هنوز سر بر داشت باشد
 که فرزندش سفلیا بد طلب دیگر با خود بگوید اللهم ارحم عبادك
 الرقيق و عظمي الدقيق و اعوذ بك من قوة الحرق بالكم
 ملهم ان كنت انت بالله فلا تأكلني اللهم ولا تشركني
 اللهم ولا تقزني من القوم و اشهدني اني من يزعم ان مع الله
 الها اخر فاني اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك
 له و ان محمدا عبده و رسوله حضرت صادق علیه السلام فرمود
 که هر کس این دعا بخواند هرگز مکرر سفلیا نم و مستجاب است که در این دو
 ایام مرگش مکرر بگوید لا اله الا الله وحده لا شريك له اللهم
 اني استودعك مميتي و ناجزيني بطريقك ما دبر يا رب العالمين
 سبحان الله رب العالمين و البلاء و الحمد لله حمدا كثيرا
 طيبا مباركا فيه على كل حال و الله اكبر اكبر اكبر يا
 ربنا و سبحان الله و قد روي عن كل مكان اللهم ان كنت امرضا

لَقَدْ بَقِيَ رُوحِي فِي حَرْمِي هَذَا فَأَجْعَلْ رُوحِي فِي الْأَوَّلِ مَنْ بَقِيَ
لَمْ يَكُنْ لِحَسَنِي نَسَبٌ لَوْزِي بِرِسْمِ يَارُكَ أَغْدَى بُولِيد
وهر روز یکی را با کلامی شسته بنویسد بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
مطاط مطاط مطاط همه سفاک من الله العزيز الحكيم
یعنی اطاط اطاط هل ترضى اطاط اطاط هل ترضى اطاط اطاط
هل ترضى ایضا بر نه مغز بادام بنویسد وهر روز سه عدد ناشتا
بخورد روز اول بر یک خط بسم الله و بر طرف دیگر سوما بنویسد
روز دوم الرحمن بر طرفی و اسوما بر طرف دیگر و روز سوم
الرحیم بر جانبی و اسوما بر جانب دیگر ایضا بر سه باره کلام
یا اقله بار یک چنانکه مؤمن خواند بنویسد بِسْمِ اللَّهِ ذِي الْعَرْشِ
وَالْكُرْسي وَالتَّوَرِ وَكَأَنَّهُ لَمْ يَدْعُ بِسْمِ اللَّهِ وَهُوَ رُوحِي لَانْشَأَ
بخورد و پنج سبزه بر آن از دهنی بکشد و بنام این بر یکی بنویسد
طوبی و ما ویرد یکی او حوما ویرد یکی ابراسوما و در آن رویت
تسبیح بر دست راستش بنویسد بِسْمِ اللَّهِ جَبْرِئِيلُ وَبُرْجِدَتْ
بِسْمِ اللَّهِ مِکَائِيلُ وَبُرْجِلَ بِسْمِ اللَّهِ اسْرَئِيلُ وَبُرْجِلَ
بِسْمِ اللَّهِ إِيْرُونُ قِيَمًا تَمَسَّا وَلَا كَرَمًا تَزِيْرًا وَبُرْجِلَ
چون که کیف بِسْمِ اللَّهِ العزيز الجبار طریقه دیگر که اغدی بنویسد

نویسد

نویسد

نویسد

نویسد

نویسد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
یا ذی الله ویا ای ان کاغذ هفت مرتبه بنویسد خاتم سلیمان و
کاغذ را بنویسد بعد از آن ریشمانی که آب و آری من میبارد
باشد که بر آن زندیس بر جانب راستش چهار کره و بر جانب چپ
سه کره نهد و در وقت که زدن ریشمان از پیش رو برد و هر کره
الحمد و معوذتین و قل هو الله احد و آیه الکرسی بخواند و بر یازدی
راست بندد و آیه الکرسی بخواند و با آن جامع کند و جمع
در هر محوی که باشد بگوید بسم الله و دست بر آن عضو بالادو
بعد از آن هفت مرتبه بگوید اعوذ بعزة الله واعوذ بقدرته
الله واعوذ بجلال الله واعوذ بعظمته الله واعوذ
بجمع الله واعوذ برسول الله واعوذ باسمه الله من
شر ما احدثه ومن شر ما اناأت علی نفسی و من شر
کون کنت بران گذارد و هفت مرتبه بگوید اعوذ باهل البیت
سکن کما فی السموات و ما فی الارض وهو السميع العليم
در در شقیقه دست بر آن جانب گذاشته سه مرتبه بگوید
یا ظاهر موجود او یا باطن غیر مفعول از در و علی عبدک
الضعیف یا فیک الحمد و اذهب عنه ما هم از دی

موضع بر چهره

در هر محوی که باشد

در در شقیقه

یا ظاهر موجود او یا باطن غیر مفعول از در و علی عبدک

الضعیف یا فیک الحمد و اذهب عنه ما هم از دی

از

اِنَّكَ رَحِيمٌ قَدِيرٌ ^{در چشم} يا عفا وشفاعة الكرى ^{بخواند}
 شفا يا اية نور يا الله وان يكاد را با نیت حضرت امام
 حسین علیه السلام واجب و حریم بجای نویسد و جام را بشوید و در
 کف یا مایل در چشم بندد ایضا از بعضی صلی اعتقولات که در خواب
 کسی با او گفت که بوی اُعیذُ تُور یُصری بِیور الله الذی لا
 یطغی او هست بر چشم باله و اینه الکری بخواند چنین کرد شفا
 یافت و مکر و تخریب نیکو ده اند سنن کبیری گوش دست بر کف گذارد
 و بگوید لوانزلنا هذا القرآن تا آخر سوره حشر ^{در چشم}
 آنکست سیاه بر کف گذارد و بگوید بسم الله و بالله استلک
 بعزاک و جلالک و قد ربک علی کل شیء ان مریمکم
 بالذبح عیسی روحک و کلک ان تکشف ما یتلغی
 خلافت فلانی من الضر که خونش از بینی و از هر عضو که
 بگوید بسم الله الرحمن الرحیم ما قطعتم من لیسه او
 ترکتموها فاقمته علی اصولها فیلن الله و یفری
 الفاسقین و بران موضع بیدمد ^{در چشم} من دست بران گذارد
 و بگوید بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الذی لا یضر من
 یحمله و اء اعوذ بکلمات الله الّتی لا یضر معها شیء

در چشم

سنن کبیری گوش

در اندام

فصل از بیضا

در چشم

در چشم

در چشم

قُدُّوسٌ قُدُّوسٌ قُدُّوسٌ اسْمُكَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ الظَّاهِرِ
 الْقُدُّوسِ الْمُبَارَكِ الَّذِي مِنْ سَمَائِكَ بِمِ اعْطَيْتَهُ وَمَنْ
 دَعَاكَ بِمِ اجَبْتَهُ اسْمُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ أَنْ تَعْمَلَ
 عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَاهْلِ بَيْتِهِ وَأَنْ تُعَافِيَنِي مِنْ أَحَدٍ
 فِي فَمِي وَفِي رَأْسِي وَفِي سَمْعِي وَفِي بَصَرِي وَفِي بَطْنِي وَفِي
 ظَهْرِي وَفِي يَدَيَّ وَفِي رِجْلَيَّ وَفِي جَوَارِحِي كُلِّهَا اذ
 سِيفَتِ ابْنِ دُجَيْنِ مَقْهُومٌ مَشْهُودٌ كَبْرِي دُرْدَمٌ حَضْرَتَانِ
 خَوَافِ دُرْدَمِ الْوَسِيَّةِ ابْنِ آيَاتِ رَبِّهَا خَوَافِ دُرْدَمِ
 لَكُنْ أَبْغِيضًا مِنْ هَذِهِ لَكُنْ لَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ سَيِّئُهُمْ اِجْمَعُ
 وَيُؤَلِّقُونَ الذُّبُرَ بِالسَّاعَةِ مُوَعِدْتِهِمُ وَالسَّاعَةَ أَهْوِ
 أَمْرُ ابْنِ اللَّهِ عَمِلَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْ تَرَوْا لَوْ كُنْ
 رَاكِبَانِ أَمْسَكْتُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ جَلِيلاً
 عَقُوبَتِي فِي شُكْرِ قَدْرِي كَبْرِي بِاسْمِهِ بَعْدَ أَنْ يَكُونَ
 يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا رَبِّ الْأَرْبَابِ
 يَا إِلَهَ الْأَلْهَةِ يَا مَلِكَ الْمُلُوكِ يَا سَيِّدَ السَّادَاتِ اشفِني
 بِسُفَاتِكَ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَتَقْصِمِ قَاتِي عَمَلَاتِي وَأَنْ عَمَلْتُ
 أَتَقَلَّبُ فِي بَعْضِكَ دُرْدَمِي يَا دُرْدَمِي دُرْدَمِي

در سینه قول

در شکم

در تپه

و سه مرتبه بگوید اَعُوْذُ بِعِزَّةِ اللهِ وَقُدْرَتِهِ عَلَى مَا يَشَاءُ مِنْ شَيْءٍ
 مَا اَجِدُ ابْنًا دَسْتُ بِاللَّهِ وَ سَهْمِيْكَ يَكُوْنُ بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ
 مُحَمَّدًا رَسُوْلًا اللهُ وَلَا تَحْوِلْ وَلَا تُفَوِّدْ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ
 اَللّٰهُمَّ اَنْجِ عَنِّيْ مَا اَجِدُ فِيْ خَاصِرَتِيْ **در زیارت**
 بر آن کذا در بگوید مَا كَانَ لِنَفْسٍ اَنْ تَمُوْتَ اِلَّا بِاِذْنِ اللهِ
 كِتَابًا مُّوَجَّهًا وَمِنْ يَرْدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا ثَوْبَةً مِنْهَا وَتَجْزِي
 الشَّاكِرِيْنَ وَصَفَتْ مَرْيَمًا اَنْزَلْنَاهَا جَنَاحًا **در زیارت**
 دست بر آن کذا در سه مرتبه بگوید وَ اِنَّهُ كِتَابٌ عَزِيْزٌ لَا يُلَاقِي
 اِلَّا بِاِذْنِ مَنْ يَّيْنُ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفَةٍ تَنْزِيْلٌ مِنْ حَكِيْمٍ
تحمید **در زیارت** در آب کرم بنشیند و دست بر موضع درد
 گذاشته بگوید اَوْكُنْ بِرَ الذِّكْرِ كَقُرْ اَنَّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ
 كَمَا تَتَارَفَا فَتَقْتَضِيْهُمَا وَجَبَّ لَنَا مِنْ لَّئِنَا كُلُّ شَيْءٍ وَحِيْدٍ
 اَفْلَا يُؤْمِنُوْنَ **در زیارت** دست چپ بر آن کذا در سه مرتبه
 بگوید بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ عَلٰی اَمْرِ اَسْمَ وِجْهَةٍ وَهُوَ
 حَمِيْنٌ فَلَهُ اُخْرَةُ عِدْرَتِهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ
 يَحْزَنُوْنَ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ وَجْهَیْكَ اَلْبَیْضَ وَوَضْعَ اَمْرِیْ
 حَمِيْنًا اَمْلِیْ اَوْ لَا تَعْطِلْ اِلَّا اَلْبَیْضَ **در زیارت** وقت

در زیارت

در زیارت

در زیارت

در زیارت

در زیارت

خوابیدن سه مرتبه و چون بیدار شود بگوید اللهم تسکون الله له
 ملك السموات والارض وما بينهما من دون الله من
 ولي ولا نصير فممن شكر بگوید بسم الله الذي لا يخذل المحسنين
 غلبه و كماله موسى تكلم يا يوسف محمد اباالحق قنبر ابدان
 سه مرتبه بگوید يا ربي اخرجني يا ذن الله يا حيدر بعد از نماز
 شب بگوید اللهم ما كان من خير فنيات لا يخذلني فيه
 وما كان من سوء فقد حذرته لئلا يخذلني فيه اللهم
 اني اعوذ بك ان اشكل على ما لا يحل لي فيه وامن بما لا
 عذر لي فيه بواسير بگوید يا جواد يا حميد يا رحيم
 يا قريب يا محيى يا باري يا ذا رحم صلي على محمد وآله
 جو اردد على لسانك واكفني اخر وجهي طريقه و كبر سورتي
 يا حميد يا قاسم يا شمس يا شمس منك منانه و قال
 در جود نماز شب بگوید اللهم اني ادعوك دعاء الدليل
 الفقير الدليل ادعوك دعاء من استندت فاقته
 وقلت خيلته وضعف عمله والتم عليه البلاء فالح
 وقولك و بادهاي مفاصل الحمد و قل هو الله احد و معوذتين
 بران خواند بر استخوان شامه يا ربك يا ربك اعوذ بك يا ربك

نوع بخم

زهر

لا ابر

سنگ شانه

فممن شكر
 و كماله موسى
 تكلم يا يوسف
 محمد اباالحق قنبر
 ابدان

على الصلوات جميعا منته براب بخواند بريد الله بكم
 اليه ولا يترككم العصر اولكم ير الذين كفروا ان السموات
 والارض كانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء كل شيء
 حي افلا يؤمنون آب رايا ساعد دست بر بكم بالدطرية
 دكرهت منته براب بخواند بريد الله للصلوات الذين
 لا يعملون فاعوذون فوق عليين يا كلون فون طريرا
 يشكون صاجهم من الثور العلوي كذا لث ينفى فلابن
 فلانة بعدانك دعني برن آب بريند و چون غروب شود بر بكم
 بالله ساعد جس البول هر دو بار بنويد و بر اقص
 بنويد ففتن ابواب السماء عيا و مدعها من كاهن
 من شوازي بول بكون ربنا الله الذي في السماء ففتن
 الله اسمك في السماء الله والارض اللهم
 كما رحمتك في السماء رحمتك في الارض اغفر لنا
 حونا و خطايا فانك انت رب المتقين ازل رحمة
 من رحمتك وشفاء من شفائك على هذا الوجه فليبر
 من كل نفس بعدانك بكون يا ارحم من اعطي و يا خد من
 شك و يا ارحم من استرح ارحم من لا يرحم

حسن النور
 در نور

در نور

مِنْ وَجْهِ رَحْمَتِي سَلَامٌ هَتَ مِنْهُ بَرَانِ بَرَوَندَ أَفَلَا مَا أَتَوَاكَ
 مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَلَكِنْ يَجْعِدُ مِنْ ذُنُوبِهِمْ لِقَدْ
 هُوَ رَحِيمٌ بَرَانِ جَوَانَدَ أَفَافَقْنَا نَاغَزِنَا حَكِيمًا
 هُوَ يَزِيدُ وَكَفَتْ يَادُوتِ بَرَانِ كَذَابُ جَانَدَ سَاكِلَمُ كَتَبُوكُمُ
 بِسْمِ اللَّهِ وَبِأَمْرِهُ وَمَا قَدَّرُ اللَّهُ حَقَّ قَدَرِهِ وَلَا تَرْضَى جَمِيعًا
 قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَالسَّمَوَاتِ مَطْوِيَاتٍ جَمِيعًا
 سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ وَهَمَزُ دَرِغَاهِ بِلَدِ كِتَابِ
 جَوْنِ بَرَايِ نَاغَزِنِ وَخُونَدِ بَرَانِ نَاغَزِنِ نَاغَزِنِ بَرَانِ جَوَانَدِ
 لَا تَزَلْ هَذَا الْقُرْآنَ مَا آخِرُ سُوْرَةِ حُشْرِ عَرَقِ الدَّاءِ دَسْتِ بَرَانِ
 وَكَوَيْدِ بِسْمِ اللَّهِ وَبِأَمْرِ كُفُوْدِ بِسْمِ اللَّهِ السَّكِينِ بِأَمْرِ كُفُوْدِ
 بِسْمِ اللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ عَرَقِ نَقَارِ وَنِشْرِ شَرِّ النَّارِ
 سَكِلْ سَرْمَهْ بِكَوَيْدِ يَا اللَّهُ يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ وَيُسَيِّدِ السُّلُوكِ
 وَيَا إِلَهَ الْإِلَهِهِ وَيَا مَلِكَ الْمُلُوكِ وَيَا جَبَّارَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
 أَرْسَلْنِي وَمَا أَنِي مِنْ دَلَالِي هَذَا أَقَالِي عَيْدِكَ أَفْعَالِي قَبْضَتِكَ
 وَأَمَّا سَبِيحَتِي بِدِكَ خَافِي بَرَانِ دَرِغَاهِ وَهَمَزُ دَرِغَاهِ بِكَوَيْدِ
 يَا مَرْفُوقُ يَا رَحْمَنِي يَا رَبِّي يَا سَيِّدِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
 عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَأَمَّا مَنْ عَلَيَّ بِرَحْمَتِهِ دَرِغَاهِ نَاغَزِنِ دَرِغَاهِ بَرَانِ بِكَوَيْدِ

يا الله يا ارحم الراحمين يا سامع الاصوات يا منبسط الخيرات
اعطني عين الدنيا والآخره ورفقني بشر الدنيا والآخره
واذهب عني ما احبب فقد غاب عني واكثرني طريقه
يكسره من باطل بياحي نوحه وشسته بيا منبسط
وجوحت حين بياض غراب رو ديكون اعوذ بوجه العظيم
وكل اية الشايات التي لا يحاوه من بركه ولا فاجر من كبر
كل ذي شر جوتهن انكست سبابه را بران كذا در
دوران بگرداند و هفت مرتبه بگويد لا اله الا الله العظيم
الكريم و در مرتبه اخر انكست بفسر بولك بكاره نك
بر داشته بمان بالاد صحت به ران خواند و لوا تو را نه المان
نا اخر و غان را دي تو را زو و سرعت بركه و طر به
يك چين ماه دي هفت الشعاع باشد هفت و نه چو بر دارد بر هفت
هفت مرتبه بخواند اذا وقعت الواضحة فاهما مستبدا و اين
ايه و يك شكون عن الجبال فقل ينقها دني تنفت
فيلدوها فاعاصفصفا لا ترى فيها عوجا ولا اممنا
بعد از اين را يك بار خواند و بعد از آن دانه را بخورد پس در پاي چو
بسته صند بندد و در چاه او بخواند ان شاء الله و راوي كذا

در روز هفتم هاشم مثل کف دست شده بود صبح الحسد
و معوذتین بودند آب بخوانند بر سر روی مصرع و باشند طهر
و دیگر بر مصرع بخوانند غرمت علیک یا دلیج یا العزیز الملی
عنزم لها علی ابن ابی طالب و رسول الله صلی الله علیه و
آله علی ارجین وادی الصفرة فاجابوا او اطاعوا لکما اجبت
واطعت و خرجت عن فلان ابن فلان عرق مدلی که بخاری
رشت که نیکو بشم شتر را بی که مقرران کنند یا بربند بکدام از ایشان
بکنند و زیباتی تابیده و هفت کوه بران زنند و بر هر کوه سه مرتبه
بخوانند بعد از آن سه مرتبه این دعا را بر آنکس بخوانند و بشم الله
اکبیر العزیز العبد القریب یلنا بعد الطاهر عن الولد
العالی عن آن یولد المخریما و عده العزیز بلا عده المخری
بلا مده کم یلاد و کم یولد و کم یکن که تلفوا احد یا خالق
الحقیقه یا عالم السر و الخفیة یا من السموات یقدر
مرجاة یا من الارض یسخره مدحوة یا من الجبال یاراد
مرئاة یا من بحری صاحب العزیز من کل امة و بلیس
صلی علی محمد و آل محمد و خیر خلقک و اشف الهم فلان
من مضر فاعلم قد اورد و اینک دعا از من بلا مالک

اِنَّكَ قَادِرٌ عَلَىٰ مَا تَشَاءُ وَاَمَّا اَرْحَمُ الرَّاحِمِيْنَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى
مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَالْاٰلِ وَطَرِيقِهِ وَيُكَرِّمُ شَرِيْعَهُ جَاهِدَن كَمَنْ
مَنْوَرِ بَرْدٍ نِيَامُهُ بَاسْتِدْرَاكٍ نَبِيْسِدْ وَيَسْتَاكُوْنُكَ مَعِي
الْحَبَالِ تَاوَلَا اَمْسَا جَا نَكَمَ قَبْلَ اَيْنَ كَدَشْتِ وَصَبْرِي اِنْ بِالْمَدِّ
غَلِبَ بُولُ اِنْ حَوَالِبِ بِرِجَامِ لَوِي بِاَزْعَفَرَانِ نَبِيْسِدْ بِسْمِ اللّٰهِ
الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ وَاِنْ اَيْتَرَ اَكْمَرِ نَبِيْسِدْ اَهْدِيْ رُكْبَانِي بِرِشْدِ
اِنَّ اللّٰهَ يُمِيسُكَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ اَنْ تَزُولَا وَلَوْ كُنَّ
رَاٰلَا اَنْ اَمْسَا كَمَا مِنْ اَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ اِنَّكَ كَانَتْ جَلِيْلًا
غَفُوْرًا اِنْ يَابِ سِرْدَشُوْبِدْ وَنِكَاهُ دَارِدِ بَعْدَانِ اِنْ بِرِجَامِ
اَوْسْتِي بِاَمْدَادِ نَبِيْسِدْ هِيْنَ اَيْتَرَ اَوْ الْحَمْدُ وَسِعَتْ رَحْمَةً قُلُوبَهُ
اَسْمُهُ وَمَعُوْدَتِيْنَ وَاِيَةَ الْكُرْسِيِّ وَلَوْ اَنْزَلْنَاهُ هَذَا الْقُرْآنَ تَا الْخَرِ
سُوْرَةِ وَقُلْ اَدْعُوْا اللّٰهَ اَوْ دَعُوْا الرَّحْمٰنَ تَا الْخَرِ سُوْرَةِ بَعْدَ اَنْ
نَبِيْسِدْ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ اِنَّ اللّٰهَ يُمِيسُكَ تَا الْخَرِ اِيَةَ
بِسْ نَبِيْسِدْ يَا اَمِنْ هُوَ كَذْ اَوْ لَا هُوَ كَذْ اَعِيْرَهُ اَمْسَا لَكَ
عَنْ قَلْبَانِ بِنِ فَلَانَةِ مَا يَجِيْدُ مِنْ غَلْبَةِ الْبَوْلِ بِسْ اَكْمَرِ شَيْءٍ
اِنْ تَقْوِيْدَرِ اَدْبِشْتِ نَهَارِيْ بِرُكُوْشِ بِنْدُوْكَ اَرْزَقْ بِاَسْتِدْ
بِرِزَالُوْاشِ بِسْ قَدْرِيْ رَغْفَرَانِ اَوْ دُوْرِيْ اِنْ هُوَ كَذْ اَوْ لَا هُوَ كَذْ اَعِيْرَهُ اَمْسَا لَكَ

بگوید و سدر الزهر بر صاف کند و هر دور با هم با غسل بی مردم
 همچون ساختن کلاهها بسازد و در وقت خوابیدن بکشد و کلاه
 از آن همچون و قدری از آن آب بنوشد و درین ایام آب بکشد
 و چون علت و ایل شیعیان بود را بکشد این که جسد المول نبشود
 آید این شکل بنویسد و بر آویزد و اگر برین نیامد باید

| | |
|--------|-------------|
| ۳۳ | در المعجزات |
| از حسن | السر السحر |
| از حسن | با حسن |

سایر امر این در زیر آسمان که سقف نداشته باشد دستها برداشته
 بگوید اللَّهُمَّ عِزَّتْ أَقْوَامًا فِي كِتَابِكَ فَقُلْتُ قُلْ أَدْعُوا
 الَّذِينَ أَنْتَ رَعِمْتَ مِنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ
 عَنْكَ وَلَا الْخَوْبَةَ مِنْكَ لَا يَأْتِيكَ كُفْرٌ مِنْهُمْ وَلَا هَوْلٌ
 هَمٌّ أَجِدُ خَيْرَ صَلَاحٍ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ وَكَشْفُ ضَرْبَةٍ
 وَخَيْرٌ لِي إِلَى مَنْ يَدْعُو مَعَكَ يَا أَهْلَ الْإِسْلَامِ أَشْهَدُ أَنَّ
 لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ كَرِيمٌ جَانِدٌ هَفْتُ مَعَهُ الْجَمْعُ وَانْدَحَضْتُ
 بِرُوحِي عَلَى السَّعْدِ عَلَيْهِ وَالْوَسْمُ رَادٌّ نَارَ عَقْرَبٍ كَرِيمٍ جَانِدٌ
 فَالْعَمَلُ شَدَّ عَقْرَبٍ بِالْعَمَلِ كَرِيمٍ وَدَرَّ نَارَ عَقْرَبٍ كَرِيمٍ
 بِرُوحِي نَارَ عَقْرَبٍ بِالْعَمَلِ كَرِيمٍ وَدَرَّ نَارَ عَقْرَبٍ كَرِيمٍ
 سَوْحَتِ نَارَ عَقْرَبٍ بِالْعَمَلِ كَرِيمٍ وَدَرَّ نَارَ عَقْرَبٍ كَرِيمٍ

وَكَيْفَ الْبَاسُ اِسْتَعِثَّ اَنْتَ الشَّاقُّ لَا شَاقَّ فِي الْاَلَا اَنْتَ نَسِيَانٌ
عَرَفْتَهُ اِنْ دَعَا مَدَامَتِ نَامِيهِ وَوَلَيْتَ كَيْفَ كَلِمَةٍ مَكْرَافَةً
بِالْ بَرَقْدِي بِالْ بَرَقْدِي وَبِالْ بِلَانِ بِلَانِ بِلَانِ بِلَانِ بِلَانِ
بِلَانِ بِلَانِ بِلَانِ بِلَانِ بِلَانِ بِلَانِ بِلَانِ بِلَانِ بِلَانِ
اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ وَلَمْ اَسْأَلِ الْعِبَادَ مِنْكَ اَسْأَلُكَ بِحَقِّ
مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ وَابْنِ اِيْمَانِكَ وَصَفِيكَ وَ
مُؤَيِّدِ كَلِمَتِكَ وَنَجِيَّتِكَ وَغِيْثِ كَلِمَتِكَ وَرَوْحِكَ
وَاسْمِكَ بِصُغْفَرِ اِيْمَانِهِمْ وَتَوْرَةِ مُوسَى وَذِكْرِ دَاوُدَ
وَالْإِنْجِيلِ عِيسَى وَقُرْآنِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِكُلِّ وَحْيٍ
أَوْحَيْتَ وَقَضَاةٍ أَمْضَيْتَ وَحَقٍّ قَضَيْتَ وَغِيْثٍ
أَمْضَيْتَ وَضَلَّالٍ هَدَيْتَهُ وَسَائِلِ اعْطَيْتَهُ وَأَسْأَلُكَ
بِأَسْمَاءِكَ الَّتِي وَضَعْتَ عَلَى السَّيْلِ فَاطِمَةَ وَبِأَسْمَاءِكَ الَّتِي
وَضَعْتَ عَلَى الشَّهَارِ فَاسْتَنَارَ وَبِأَسْمَاءِكَ الَّتِي وَضَعْتَ
عَلَى الْأَرْضِ فَاسْتَقَرَّتْ وَدَحَمَتْ بِهَا الشَّجَرَاتُ فَاسْتَقَلَّتْ
وَوَضَعْتَ عَلَى الْجِبَالِ فَرَسَتْ وَبِأَسْمَاءِكَ الَّتِي قَبَّلْتَ
بِهَا الْأَرْضَ وَأَسْأَلُكَ بِأَسْمَاءِكَ الَّتِي حَتَمْتَ بِهَا الْمَوْتَ
وَأَسْأَلُكَ بِأَسْمَاءِكَ الَّتِي دَفَنْتَ بِهَا الْأَنْبِيَاءَ فَاجْعَلْ

أَمَّ وَأَنْبِيَاؤَكَ فَغَفَرْتُمْ لَهُمْ وَرَحِمْتُمْ وَوَسَّلْتُمْ بَيْنَهُمْ
أَنْزَلْتُمْ فِي كِتَابِكُمْ وَيَا سَمِيعُ الَّذِي اسْتَقَرَّ بِكَ عَرْشُكَ
وَيَا سَمِيعُ الْوَالِدِ الْأَعْدَى الْفَرْدِ الْوَلَدِ الْمُتَعَاكِفِ الْوَلَدِ
يَمْلَأُ الْأَرْكَانَ كُلَّهَا الظَّاهِرِ الظَّاهِرِ الْمُبَارَكِ
الْمُقَدَّسِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ نُورِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْكَبِيرِ الْمُتَعَاكِفِ وَكَتَابِكَ الْمُنْزَكِ الْحَقِّ وَكَلَامِكَ
الْثَامَاتِ وَتُورِكَ الثَّامِ وَيَعْظُمَتِكَ وَأَرْكَانِكَ وَ
أَسْمَاكَ بِمَعَارِقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُسْتَهَيِّ الرَّحْمَةِ
مِنْ كِتَابِكَ أَنْ تَصْعَلِي عَلَى عَرْشِكَ وَأَكْثَمِي وَأَنْ تَرْزُقِي
خِطِّ الْعُلَمَاءِ وَأَهْلِي الْعِلْمِ وَأَنْ تُلْبِسِي قُلُوبِي وَ
سَمْعِي وَبَصَرِي وَأَنْ تُخَالِطِي بِهَا لِحْيَ قَدَمِي وَعِظَامِي وَنَجْجِي
مَسْتَعْمِلِي بِهَا لَيْلِي وَنَهَارِي بِرَحْمَتِكَ وَقُدْرَتِكَ فَلَا
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ طَرِيقُكَ دِكْرُكَ
قُوَّةُ حَافِظِي زَوْلِي سُبْحَانِي دَعَا طَلِبِي بِخَوَانِي رَيْتَا لَا تَوَاحِدُنَا
يَا أَرْسُورَةَ الْبَقَرِ مَوَاطِئُ نَامِي بَعْدَ أَنْ يَكُونَهُ الْأَهْمَامُ لَا
تُفْسِدُنِي مَا أَقْرَأَنِي يَوْمِي هَذَا إِيَّاكَ فَلَسْتُ مَسْتَقْرِفُوكَ
فَلَا يَنْشِي طَرِيقُكَ دِكْرِي وَنَهَارِي بِرَحْمَتِكَ سُبْحَانَ مَنْ لَا

یَعْقِدُونَ عَلَىٰ أَعْمَلِ مَلَائِكَةٍ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَأْخُذُ أَكْفَالُ الْأَرْضِ
 بِالْوَاوِ الْعَذَابِ سُبْحَانَ الرَّؤُوفِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ
 فِي قَلْبِي نُورًا وَبَصِيرَةً وَقَهْرًا وَعِلْمًا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ
 قَدِيرٌ طریقه دیگر هر روز بعد از نماز جمع پس از آنکه عرض کند
 بگوید یا حیی یا قیوم فلا یقوت سُبْحَانَ عِلْمِکَ وَکَلَمِکَ
 نوح در این قسم اول ادویه و عمد مایه شان در آن
 مزاج و طبیعت است اگر چه در بعضی از آن اثر مزاج نیز مرئی می شود
 باشد و آنچه چند روز گذر نایم اول تربت مقدس دواي الکبریت
 و بر هیچ مرضی نکند مگر آنکه آنرا دفع کند و دواي هر علت و مرض
 از غیر خوف است کسی از حضرت امام جعفر علیه السلام پرسید که بعضی
 مردم این تربت منتفع میشوند و بعضی نمی شوند فرمود و الله که
 هیچ کس را عفو داد آنکه خدا بقول این تربت او را شفا می دهد
 شاور نکند مگر آنکه التماس نماید دیگر می خدمت حضرت علی
 علیه السلام داشت که او را شفا شنیده ام که تربت مبارک بر هیچ علتی
 نکند مگر آنکه آنرا عظم تحلیل نماید فرمود بلی چنین است گفت
 شما و آن هم مشفع نکند تم فرمود این تربت دعاي دار که آنرا اگر
 بخوانند تواند بود که اثر نکند چون خواهی تربت مقدس برداری که

این تربت را
 در هر روز
 بعد از نماز
 جمع بخواند
 که بر هر مرضی
 اثر دارد

اللهم اني اسئلك بحق المليك الذي قبضها واسئلك
بحق النبي الذي خرقها واسئلك بحق ائمة الذين
حكمتها ان تضلني على محنته والحمد لله وان جعله
شفاعة من كل داء واما ما من كل خوف وحفظنا
من كل سوء بس دربارچيندم واما از لناه بران جوان وچون
خواهي شاول نمائي اول بوسه كن و بر هر دو بوسه كن و بش از
قدريان خود ستاول بكي كه هر كس بش از يك بخود بخي و چنانست
كه از گوشت و خون ما خورده باشد و روايت ديگري آمده كه اگر
كسي در حدود و انجور و چنانست كه از گوشت و خون ما بخورد
و اينكه در بعضي روايت كنند كه من بحضور امام محمد باقر عليه السلام
سكابت كردم از دعوت كه هر يك مندي بگوي بود كه هر يك
ازين دعوت را كه ما الحقه ميگرددم بديگري ضرر مي رسيد
فرمود چرا ترسيت امام حسين عليه السلام بخوري كه من بسيار
خوردم و نفع نيافتم چون اين سخن گفتم غصه بران حضرت
مشاهده كردم كه فرمود يا الله من غصه كن يا ابن رسول الله پس
حضرت برخاسته چنان رفت و بعد از خودي اوقات مقدس
آورد بمن داد و فرمود بخور چون خوردم هائ ساعت شفا يافتم

فرمود این همانست که گفتی بسیار خندم و متغایانم پس من کفتم یا مولی
بعد اقم که دروغ نگفتم لیکن مگر شمار اعدان علی هست اگر این احسان
فرمائی دوست تر دارم از هر چه آفتاب بران تابیده و در حق فرمای
ترت مقدس را بر دلاری باید که در آخرت غسل کنی و جامه پاک
پوشیده و بی خون بکاری پس بشنید مبارک است حضرت روی
و در بالا کسب مبارک چهار رکعت نماز گذاری در رکعت اول بعد از حمد
یا نده یا قل یا ایها الکافرون و در دوم یکبار یا انزلنا
و این قنوت بخوان لا اله الا الله حقاً حقاً لا اله الا الله
عز و جده و ورقاً لا اله الا الله و جده و جده و جده
و نص عیده و هرگز الا کفر اب و جده سبحان الله
السموات السبع و الارض السبع و ما فیها و سبحان
رب العرش العظیم و صل الله علی محمد و آله و سلم تسلیماً
و سلام علی المرسلین و الحمد لله رب العالمین
پس دو رکعت را تمام کن و بگو لا اله الا الله و دو رکعت دیگر بگذارد و بگوید
بعد الحمد یا زده مرتبه قل هو الله احد و در دوم یا زده مرتبه لا اله الا الله
نصرا و همان قنوت را بخوان و چون سلام دهی سجده کن
و هر بار مرتبه بگوی شکر الله پس سیزده بار لا و دستها را بر ترتیب

مقدس ثلاثه بدي يا مولاي يا بن رسول الله انا اخذ من
 ربك يا ذاك اللهم اجعلها شفعا من كل داء
 وعرضا من كل ذل واما من كل خوف ونهي من كل فقر
 لي وجميع اخواني المؤمنين يس سر ته قبل ان
 ترب بردار خود در خرقه مالک بيند لا يا در شيت کن و سر آرد
 بانغا کن که کنش عفو باشد و اين کلمات بر لب نقش باشد ما شاء
 الله لا قوة الا بالله استغفر الله منه کن و چون خدا چنان
 بدانکه نيت تو صادق است مجموع آن تربت که برداشته است
 منقطع گردد و نيزاده و ندم و چون چنين برداري شفاء و علاج
 از هر داء باشد و ايت ديگر شد مگر اگر اين کلمات را با تربت
 بر کاسي نريسد بکلاه يا غير آن شست بياشامد و از الله
 شفا يابد اگر چه شر و طرد کوره و عمل نيامده باشد بسم الله الرحمن الرحيم
 بسم الله الشافي بسم الله الکافي بسم الله المعافي
 بسم الله الافي لا يضر مع الله شئ في الارض
 ولا في السماء وهو السميع العليم و نزل من القرائن
 هو شفاء و رحمة للمؤمنين و در وقت خوردن تربت بگويد
 بسم الله و بالله اللهم رب هذا العرش العظيم للباک الطاهر

هر چه

وَدَبَّ النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ وَدَبَّ الْجَسَدَ الَّذِي سَكَنَ فِيهِ
وَدَبَّ الْمَلَائِكَةَ الْمَوْجِبَةَ لِيَنْبِرَ اجْعَلْهُ لِي شِفَاءً وَمِنْ
ذَلِكَ إِذْ أَوَانُ عَلْتُ رَأَيْتُ بِيْرَ بِيْرٍ جَرَّ آبُ بِيْرٍ بِرَأْسِهِ
وَكَبُرَ اللَّهُ اجْعَلْهُ رِزْقًا وَسَعَةً عَلَيَّ أَنَا وَفِي شِفَاءٍ
مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُئِمْتُ كَضَائِيهَا لِي بِرِكَتِكَ لَنْ تَتَبَعَهُ عِلْتُ وَلَمْ يَحْمِ
حُمِي رَافِعُ نَائِي وَوَدَّ ابْتِكَرْتُ كَدَابِرَ دَعَارِ اسْمِهِ تَجَوَّاهُ
وَبَرَّيْتُ بَدَمُ نَدَدُ تَرَاكُمُ لِي سُبْحَانَ اللَّهِ وَيَا اللَّهُ اللَّهُ اجْعَلْهُ
رِزْقًا وَسَعَةً عَلَيَّ أَنَا وَفِي شِفَاءٍ لِي مِنْ كُلِّ آفَةٍ أَنَا عَلَى
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ رُوِيَ عَنْ عَمْرِو بْنِ رَبِيعَةَ مَقْدُوسٍ وَقَدْ رَوَاهُ
وَقَدْ رَوَاهُ يَسْلُوكُ يَا أَبَا بَارِئِ مُحَمَّدٍ سَأَلْتُ عَنْ هَذَا
نَائِي بِدَسِيْعٍ عَرَفْتُ جَبَانِي رَبِّي مَقْدُوسٍ كَرَجَبٍ
بَعْدَ عَدِيٍّ بَاشَدٍ وَهَفْتُ دَانِدُ سِيَاهُ دَانِدُ هَفْتُ قَطْرُ عِلِّيٍّ
وَدَّ آبُ يَادِدُ رَفَعْتُ كُنْتُ وَالْجَدُّ وَمَعُوذَتَيْنِ وَقِيلَ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ
إِلَهٌ أَحَدٌ وَوَحْدٌ وَوَحْدٌ وَوَحْدٌ وَوَحْدٌ وَوَحْدٌ وَوَحْدٌ وَوَحْدٌ
الْقُرْآنُ مَا اخْرُجَ سُوْرَةٌ بِرَأْسِهِ تَجَوَّاهُ لِي سُبْحَانَ اللَّهِ
آبُ نَيْسَانَ مَرُودِيَّتِ اذْخَرْتُ بِخَيْرٍ مِنْهُ اذْخَرْتُ لِي سُبْحَانَ اللَّهِ
كَفَرْتُ وَشَارَدْتُ إِلَى مَا مَزِمْتُ كَمَا يَجُوزُ اذْخَرْتُ بِخَيْرٍ مِنْهُ

امیرالمومنین صلوات الله علیه وجمع دیگر از صحابه پیوسته اند که
ان کلام است فرمود آیت باران نیسان بگیرند و بران بخوابند
الحمد و آیه الکرمیه و قل هو الله هر یک از معونی قین و قل یا ایها
الکافرون هر یک را هفتاد مرتبه و روایت دیگر انا انزلناه
والله اکبر و لا اله الا الله و صاوة بر حضرت پیغمبر الله صلی الله
علیه و آله هر یک هفتاد مرتبه و هفت روز پی در پی و تمام و تمام
از ان آب پیاپی که آن خدائی که مرا بحق نبوت فرستاده
که جبرئیل گفت از جناب الهی که هفت و هفت که در جمیع کجا
و استغفارهای او باشد هر روز و در شفا یابد و اگر در لوح حق
نام او و علی نبی باشد محو شود و اگر فرزندش نموده بشود اگر چه
عقیم باشد و اگر عین باشد عافیت یابد و اگر زن بقصد یا بخیر
چیز را و دویا جمیع امر این است در هر حضوی که باشد حتی کوری
و لای و شلی و دیوانگی و امانت از همه مکاره و از ترول آبی
سیاه و چشم و از وساوس بن و شیطان و دلش پر نور شود
کرد و الهام الهی در دلش راه یابد و حکمت از دل بر زبانش جاری
شود و خوار داشت و هر چه غفرت بر او فرستد و غش و حسد
و خیانت و غیبت و کبر و فتن و حرص و غضب و عداوت و ظلم

از دوش برود پنجم آب یاران هر ران که باشد پیش از آنکه بر زمین
رسد بگیرند و الحید و توحید و معوذتین هر یک را احتیاج در تن
بر آن بخواند یکصد و بیست و یک شام پیاپی حضرت بنیامین علیه السلام
و الدوسم فرمود بخدای که را بنیوت احتضار فرموده که بر آن
علت و لکم پیاپی از انبیا و استخوان و عروق و پروان
برد و فضایل آب میزبان و ماست آب تلخ و کرم قبل ازین گذشت
قسم در غیر ادویه که تا پیش از جهت علاج و طبیعت است
و حسب اختلاف اعضاء و بلاد و فصول و احوال مختلف شود پس
در استعمال آنها مواظبت مناسبه باین نمود تا مگر در آن
و مضرت نشود و از آنجا چند و آذکر کنیم الحی و سنا و سیر
که اگر چیزی دفع حرکت تواند کرد سنا باشد و اگر مردم بداند که چیزی در
مکنت در و هست یکشال از ابد و مثقال طلا بفرود آید
از این جوی و چندام و جنون و قبالج و لقوه سنا و سیر و سیر
پی دانه و حله زنی و کاه و کابل اجزاء مساوی بخون ساخته
مقدار سه درم ناشنا و سه درم در وقت خواب تناول کنند
در غیر بقدر قطره تا اگر صاحب مقدار دو درم در شب اول
تناول کنند و آن وقت از هر جن سر سام این باشد سیر و سنا

مرویت که دوائی هر علت است که رویت را بوی برسد که چون عمل
کنم فرموده شب بپوش و بگذارد در پاره بسته در آب بخشاید و
روز اول در هر سوراخ دماغ یک قطره بچکان و روز دوم در جانب
راست دو قطره و در چپ یک قطره و روز سوم در راست یک قطره
و در چپ دو قطره چنانچه هر طرفی مرویت از حضرت صادق علیه السلام
که مری بن عثمان علیه السلام از رویت و بلیغ خداوندی شکایت کرد
فرمود علیه السلام و اما لایمزالای مساوی که گفته بود غنی کاو
چرا بکن و با غسل بچکان ساز و استعمل کنای پس حضرت صادق
صلی الله علیه و آله فرمود این همان معنیست که شما از فضل حضرت
که که نیکو شفا می دهد است که رویت پنجم کی از تبایع
شکایت کرد حضرت امام جعفر علیه السلام فرمود دای قند صلیه
که دود را کب ریز و بروم زن تا خوب شربت شود و صبح و شب
بیان شام شش مرتبه غسل مرویت که عمل دوائی هر کوفت است
اگر کسی همراه بکشد غسل بخورد از هر طرفی این شود هفت مرتبه
کمی که عطسه بسیار کند روغن بخر و بچکان در دماغ بچکاند
یا بد و مرویت که عطسه و زکام را معالج کند که اما است
از جندل و انباری که در سن و رویم رسد و زرد آب و صوفی نماید

در چشم و سده دعاغ و نیز مرویت که هر کس را یکی از جنام بزد
و یکی از برص در بدن باشد چون رنگ جنام همچنان آید خدا آنگاه
ز کام بر او مسلط گرداند تا ماده جنام دفع شود و چون رنگ
برص همچنان کند مثل را بر و کار تماماده برص را دفع کند
چون نکام یا مثل بمرسد خدا را حمد کنید هشتاد و چهار مرتبه
سقوطی و مرقا و کافور و ماسوی کوفه و از سر ریخته مثل
سر بر در چشم کشند بعد و در چشم و منقح با صبر و رافع
باشد و در روایت دیگر همین صبر و مرقا مذکور است بی کافور
و فرموده اگر ماهی بگریزد در چشم کشند و اگر ماهی بگریزد
ناید و هر مرویت از حضرت امیر المومنین صلوات الله
علیه که زعفران و سعد هریک قدری با اصل همچون ساخته
و روز دو منقال تناول کند از شدت حافظیم کن شود
که ساحر شود و هر حجامت و عضو مرویت که چون آثار
زیادی خون ظاهر شود بکن از بدن بیرون کنند که گاه باشد
که غافل طغیان کند و روادی به لاله شود و نیز مرویت که
که مردم هیچ چیز مداوان کنند بهتر از آن حجامت چون یا لایک
انگشت غسل و حضرت صادق علیه السلام فرمود که حجامت پس

دوای هر مرض است که مروت بجا آید بر وی خود و جبته و بانجا
که لجام رسیدن فرمود این موضع را حجامت کنید و چون حجامت
کنند باید چیزی خورده باشند که خون در موضع حجامت جمع شود
و کوفت و الم از بدن بیرون رود و اگر چیزی نخورده حجامت کنند
خون بیرون و کوفت بماند و بعد از حجامت قند بخورد که خون تازه
از آن متولد شود و حجامت روز شنبه و یکشنبه و شب یکشنبه
و عصر روز دوشنبه نافع تر باشد و مرویت که در روز یکشنبه
شفای هر علت است و پنجشنبه پیش از نوال حجامت کنند
که خون در موضع حجامت جمع شود و چون نوال شود مشرفی کرد
و یکشنبه آخر ماه کوفت را از پنج بر اندازد و مرویت که روز
سه شنبه اگر حجامت کنند خون نایستد تا آنکه بیرون آید آنچه خدا
خواهد شود و روز چهارشنبه حجامت مروت برین باشد
و دوازدهم کند که این برای کسیست که مادرش در ایام حیض بود
حامله شده باشد و روز جمعه وقت نوال اگر حجامت کند
و بعلتی مبتلا نشود غیر خود کسی را حجامت نکند و مرویت که
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که از اول ماه رمضان
ماه از حجامت احتراز کنید که هر روز مروت غلظت و مرض باشد

و از روز شازدهم تا آخر ماه حجامت کنید که هر روز شفا فی و مفتی
 باشد مگر شنبه و چهارشنبه که روزت بر حرام است و روایت
 دیگر آمده که اگر حجامت در روز چهارشنبه هضم می شود
 یا نیست و یک ماه اتفاق افتد و ای بیمار ای باند تا یک سال و نیز
 و روایت دیگر که چون طفل چهار ماهه شود هر ماه یک مرتبه حجامت کنید
 که برای محقق بهتر است و قصد نیز در اکثر احکام مثل حجامت
 و چون حجامت کنید و خون بیرون آید هنوز زایل نگردد بگوید
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اَعُوْذُ بِاللّٰهِ الْكَرِیْمِ فِي حِجَامَتِی
 هَذِهِ مِنَ الْعَيْنِ فِي الدِّمِ وَمِنْ كُلِّ سُوْءٍ لِّیْنِ بُوْدَ اَزَاکِ وَیَیْ
 طبعی که در احادیث مذکور است و بسیار از فواید و اشیای
 در فصل فضایل ما کولات گذشت و از حضرت امام جعفر علیه السلام
 روایت کرده اند که هر دو آلت نیست که قبیح مرضی نکند و هیچ دردی
 در بدن نفع ازین نیست که دست از خوردن باز داری مگر قیاد
 ضرورت و هم از آن حضرت علیه السلام روایت که تا بدن تاب
 مرض می آید استعمال نکنید و فصل در ازان
 در سایر جزییات عادات که روایت از آن حضرت علیه السلام
 ابتدای کارها بسم الله بگویند تا از شرکت شیطان ایمن شوید

روایت از آن حضرت علیه السلام
 و روایت از آن حضرت علیه السلام

در چمن روز قیامت نامه قیام و فضیلت اعمال بنده را بدست آورد
بحسب عادی که در دنیا داشته باشد بسم الله الرحمن الرحیم
گوید و نامه را گرفته بکشاید هر اسفید بیند و هیچ نوشته در آن
نیاید از آن حالت سوال کند مال که گویند این نامه را بود از
سینات و معاصی تو را بیکت این کلمه میا که هر عفو و محبت
و نیز در بیت که چمن روز قیامت بنده را امری بی رخ کند بسم الله
گوید و قدم در آن نهادش هفتاد ساله راه از او فرود و در
کارهای عظیم و غریب است الصلوة و دعا و استعاذه کند که اگر
ضرر باشد دفع کرد و شروع در کارها اول روز بهتر
که حدیث معده وارد شده که اول روز مبارک است و هر بیت
از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه که در هر ماه روزی است
که اگر کاری در آن روز شروع شود یا تمام نمیشد و اگر طفلی متولد
شود نماند و اگر کسی بچیناث روز طفر نیابد و اگر درختی بنشیند
نماند باین تفصیل محرم یا زده چهارم صفر اول
بسم رجب الاول دوم و بیستم رجب الثانی اول و یازدهم
جمادی الاول دوم و یازدهم جمادی الثانی اول و یازدهم
رجب یازدهم و سیزدهم شعبان چهاردهم و بیستم رمضان

سیوم و بیستم شوال ششم و هشتم ذوالقعدة ششم و بیستم
 ذوالحجه هشتم و بیستم و از حضرت امام جعفر علیه السلام روایت
 که در هر ماه یک روز نفس است که هر کس از آنجا احتساب کند
 این باشد و هر کس نکند از کرمی این نباشد باین تفصیل
 محرم بیست و دوم صفر نهم و بیست و اول چهارم و بیست و اول
 و جمادی الاوّل بیست و هشتم جمادی الثانی و بیست و اول
 شعبان بیست و نهم رمضان بیست و چهارم شوال و بیست
 ذوالقعدة بیست و هشتم ذوالحجه هشتم و بیست و اول از حضرت
 صادق علیه السلام روایت که در هر ماه هفت روز خیر است چنانکه
 مشهور است اما این حدیث در ماه قدیم است که ظاهر اولی این
 روز نوروز است و هر ماهی هفت روز تمام میسرند تا آخر سال
 روایت بسیار نیز در حضرت روز عاشوره و در شب چهارشنبه
 آنکه چنانکه بعضی از انشاء الله مذکور شود و روایت دیگر آنکه
 که در روز هفتاد و شش از سال تا آخر سال یا تا آخر شعبان یا تا آخر
 جعفر علیه السلام روایت که هر کس در روز یکشنبه
 جامه بپوشد و در آنجا نماز کند شود روز و شب یک
 میانش باشد و روز و شب یک در دیده شود یا بوی او بماند

ضایع گردان و چهارشنبه در آن جامه روزی یابد و مکر و حی نه بیند
و بخوشحالی بگذراند و پنجشنبه در آن جامه اورا علی روزی شود
و در پیش مردم مکرّم باشد و روز جمعه عمر و دولتش زیاد شود
و شنبه در آن جامه بپوشد مگر آنکه آنرا بکسی دهد اما چنانکه
از بسیاری احادیث معلوم است اینست که در هر کاری چون کمال
بر خیزد کند و متوسل بصدق و عدالت شود از هر ضررهای این کار
و مناسب این مقام است تحقیق عمل بخیر و آن چنانست که در احادیث
بسیار مذکور است از این رساله که در این حدیث حقانیت
در این عالم بقای مقتضای حکمت کامل و صفت شایسته
خلع صنعت خود هر کار را بکار و مایه مایه ساخته و برای نظام
هر امری امیری تعیین فرموده از این اخبار و جزئیات عالم
کون و قیام در این اخبار و شریک آنکه آنها که آنها را
ماه و کواکب و نجوم هر جنود و اعوان و خدام ایشانند مرجع
گردانیده و ایشان را بر نسق و نظام نشانیهای مقرر نموده و هیچ
جزئی از جزئیات دین عالم حادث نمیشود مگر بتأثیر و امر ایشان
یا ذی الله العزیز الحکیم و اینها را سبب اهل بیت نبوت و
حکمت است و از تعلیم و پروری آن منع فرموده اند اول آنکه

چنانکه بعضی نیز معتقدند با آن احکام تأییدات کوکب و حرکات
افلاک و خصوص نسب و اوضاع آنها با هم معامله کنند و با یکدیگر
مقاومت نمایند چه بسا باشد که در نظری و وضعی خاص مقتضی ازی
باشد و نظری و وضعی دیگر مقتضی خلاف آن باشد و با او مقادیر
مختلفی بلکه بیرونی نماید و همه ملائکه و کوکب را محصور عدد و
خصوص تأییدات و احکام ایشان از ایشان غیر اصلیت بود
دیگری نداند و اطلاع بر حقایق آنها غیر ایشان کسی نتواند و
اینچه از اختیار و نجوم مضبوط است عددی محصور است و آن
در عدد محدود است و از جمیع اشیاء و صنعت اسطرلاب و کواکب و غیره
از هر نوع غلط مضبوط نیست پس با وجود این همه مضبوط و آن
سوی حیثیت و تفسیر عمر حاصل ندهد و موتی نیست بلکه آن
حضرت امام علی علیه السلام فرمودند که عمل نجوم میکند و مردم منع میکند
اگر ضرر بدین من دارد ترک بکند فرمود ضرر بدین ندارد اما
علمیت که بسیار است و آنرا باید و کس نفع ندارد بعد از آن کوکبی
سکینه تمام و اسوال و کمال از بعضی احوال آن استفسار و نمیکند
نام این کوکب را که نشانی از کواکب و کتابی ندیدم فرمود و الله
اکبر این حساب را بعد از توانی دانست که می که در میان فی زار است

کدام است و در هر وقت چند عدد در دست تا آنکه میان فی احوال
بیرون تر شود و آنچه هر وقت که آنحضرت علیهم السلام می فرمود که
شما باطل را فرمایید بکنید چه قدر و چه باید ازین ترکان استیلا
و اما از این اخبار بسیار است و غیر آنکه آثار و حرکات الهی
و که کسی بحسب اختلاف باطل و موقوفه و محال است شود زیرا که نظر
شما باطل را می آفریند و باطل را می آفریند و دیگر تا دیگر تا دیگر
و کرانه از آن که چون چنان که در یک ساعت کاری است برای هر
بات از آن است باشد و حال آنکه بگویند تا آنکه بگویند و بگویند
آنکه هر یک از اینها علیهم السلام یکی از جزم و اهل کبر و بزرگو و بزرگو
میکنند چون در آنکه با هم ملاقا کنند و هر کدام بگویند که
برای ایشان اختیار و سعادت است و بگویند و چون هم میگویند
یکی منصور و دیگری مقهور گردند و این همه در اوقات بجا بود و بجا
فرمود این حدیث را کسی دانست که مولی و خلق را دانند سید و
و این احوال و دولت است بلکه مقصود از این حدیث همین است
که روی و خلق را از هر چیز خالص بکنند و از هر که بماند و بماند
و اعتماد در هیچ احوال بچند نیست و بماند و بماند و بماند
احوال الاسعد و غش ساعات خیر و نداشت باشد تا بماند

هر سیاب گشت و تثبیت بر جت خدا شود و از هر چیز که گشت
و اقامه برده توکل بر کند و دم به دم و لحظه به لحظه مقصد فضل و شرف
بر جت او باشد و از هیچ کس غیث و امید و توفیق نداشته باشد
و با وجود آنکه هر حق اصلیت متوصل بصدق است و او بی ادکار
و معترف بقصور و ذنوب و واسعه تقاضا شود و بفضایل ثواب
آفرانده که در پس کمال است بدو واقع سعد باشد و شری و دان
مهر که مقصود اوست مقدر باشد با وجود آنکه فضایل کارش
نیز بهمان بکلیسیست آن توهمات بسامانته معاد نیستند
باشد و اگر انسان است بدو واقع غرضی داشت باشد و اگر
اگر از امور محسوسه که گشت باشد به مقصد قنات و توسلات
مرفع گردد و آن فضایل و حصول طالب نیز غایب شود
اگر از امور محسوسه و غایب باشد و البته اگر کند فضایل و توسلات
فایز گردد و شری که از غرض است ساعت رود و هر چه زیاده
حسنات و محسوسه گشت و رفع رعیات که در دنیا که در دست
کنایه بیایه ثمن غرض که برای او جسته نیست شود یا سینه
محور کرد و مثال این روایات بسیار است بخلاف آنکه بعضی از
که که اطلاع بر سعد و غرض است داشته باشند اعمال و بر آن کار

بقدر آنکه می تواند کرد و عمل کند و انچه از این جناب الهی نقصان
پذیرد و قصور نماید و گاه باشد که نسبت به انچه از جناب الهی خواست
ساعت از فضایل خلاقه و در تمام سال از فضایل بالکلیه یا از بعضی
از آنها محروم گردد و اگر خواست در ساعت پند از هر یک از فضایل
محروم گشته از مطالب و از کرامت اخروی بر قدری تأثیر خواست
بی نصیب ماند و چون این جملة دانسته شده باشد که خواست بعضی ایام
و ساعت که در احادیث وارد شده که بعضی از آنها در مقام مذکور
شد و بعضی نیز در باب کتاب و انچه در انشاء الله ذکر شود
دو قسم است یکی آنکه تأثیرش در اوج طبیعت و خاصیت انسانی است
بلکه بسبب قیامی است که در آنوقت شده مثل روزه اشورا
و روز عرفه یا بسبب کمال عظیم آنروز و عمل آنروز است
مثل روزه جمعه و این قسم در خواست نظیر تربت مقدسه است
شق آخر آنکه گذشت و قسم دوم آنکه خواستش از جهت طبیعت
و خاصیت است مثل عیون و نایب الایم مثل نایب ارادیه
طبیعه است و بعضی نماید که این وجه که برای نفی عمل مجرم مذکور
شد درین قسم ساعت نیز خاصیت پیدا کند و در روز چهارشنبه
مثلا به طبیعت خود من باشد که اگر با سعادت دعا و صدقه یا شایسته

فلان روز چندم فلان ماه یا ساعت طالع مولود می شود
 مساوی شود بیک کلاه باشد که سعادت این عیال باشد و بدین
 که در اصل است طالع این عالم است هر امت را در این مخصوص بوده
 و اتمام خط است این طالع ظهوره اندیکه هر امری را
 صدقه و بسم الله و توکل بدین اتموده و فرموده اند این روزها
 عداوت مکنید تا روز هلاک اعداوت نکند و این الی آن که
 خوشی باشد بمرکت این وسایل رفع کرد و در سعادت قرار
 شود و جرح آن نباید که در شغل بگوید که اول و لا قوة
 الا بالله العلی العظیم که جمیع شئون از او است و هر
 عاجز بود در حلقه گفت بدین عشق انسان گشت چون کاری
 گوید میگویم یا بکنید و موقوف به شقیته الهی ساخته اند و بگو
 مرگیت انحضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم مسئله پرسید
 فرموده بود اجواب بگویم و انشاء الله گفت ده روز پیش تو می
 از انحضرت صلی الله علیه و آله و سلم عبوس شد تا آنکه تکذیب
 انحضرت کردند و غیاب کردند از رحمت برضا طریقت نیست
 پس اندهی تأدیب و تعلیم این امتوار گشت و لا تقولون
 الشیء الا فی عاقل ذلک عدا الا ان یدعاه الله و حضرت

اسلم الله علیکم گفت با هفتادون سباحت کم و هفتاد پیر
 سواد شود که در پادشاهان جدا کنند و انشاء الله گفت همچو
 سواد شد ندگر یکی که نصف طغی آورد و در ولایت که اگر کسی
 هر جوان میبود که جدا کند و در حکایت یقین بنی اسیر آید
 که در آن کشید انا انشاء الله له ما این مریت که اگر کسی کند
 تا ابد قضیه ایشان معلوم نیست و حضرت صادق علیه السلام
 یا صاحب فرموده کتابی برای مطالب چند یکی نوشته چون
 انحضرت رسید فرمود انا انشاء الله نوشته اند چون
 شد که کما هو از این فرموده هر طغی انشاء الله نوشته
 استخوان چون در کار میماند باشد استخوان کند طریقه
 متعده روایت شده از این چند طریقه ذکر کنیم اول
 استخوانه بالتبع ده مرتبه یا سه مرتبه یا یک مرتبه الحمد لله
 انا انزلناه فواءد و سه مرتبه بگوید اللهم انی استغفرک
 لعلک یغفر لی الامور و استغفرک لعلک یغفر لی
 فی الدنیا و الآخرة اللهم ان کان الامر الفلانی
 منافیاً بصلحتک یا الله فکون بخاره و بقاء دیر و حققت
 انا امرک یا الله فی فی خیرة ترد نموده دلوام

و در استخوان

وَقَفَّضْ يَا مَهْمُورُ اللَّامِ اِنَّمَا اَمْرُ قَائِمٍ وَنَهْيُ اَمْرٍ
فَاَنْتَقِي اللَّامُ اِنِّي اَسْتَغْفِرُكَ بِرَحْمَتِكَ خَيْرٌ فِي عَافِيَةٍ
وَعَاجِبَةٍ مَادِدٍ دَلِيلٍ اَنْتَ بِي اِيَّاهُ تَقْبَلُ اَنْتَ تَسْلُجُ بِكِبَرٍ وَتَقْبَلُ
اَنْتَ تَرُوحُ بِاَشَدِّ جَهْدٍ وَاَنْتَ تَرُدُّ بِاَشَدِّ تَرْتٍ نَافِدٍ وَاَنْتَ تَرُوحُ بِاَشَدِّ
نَافِدٍ شَائِدٍ وَاَنْتَ تَرُوحُ بِاَشَدِّ مَبَازِلٍ بِجِدِّ الْحَمْدِ وَانْتِ الْكَرِيمِ
وَعِنْدَهُ مَفَاتِيحُ الْغَيْبِ وَالْخُرُوجِ وَهُوَ بِرَبِّ صَلَوةٍ وَهَسْتِ
بِسْ بِكُوبِ اللَّامِ اِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ وَتَقَالَتِ
بِكُنْ اِيَّاكَ قَارِئُهَا هُوَ اَلْكَوْنُ فِي سِرِّكَ الْحَرْوُ
فِي عَيْنِكَ اَلْهُوَ اَلْحَيُّ حَقًّا حَتَّى اَتَبَّحَهُ وَكَوْنِي
اَلْبَاطِلُ بِالْاِلَهِ حَتَّى اَتَجَنَّبَكَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَتَمُّ الرَّحْمَنِ
بَعْدَ اَنْ مَصْصَفٍ بِكُنْ اِيَّاكَ وَارْصَفُهُ رَاسْتِ جَلَالُهُ بِشَرِّ
وَبَعْدُ جَلَالَاتِ اَنْتَ بِنِجْبٍ وَرَقِ بِشَرِّ بِسْ بِاَشَدِّ حَطَرٍ
اَرْصَفُهُ بِشَرِّ دُوْعِدَارِ سَطَرٍ مَضْمُونٍ لَيْتَهُ جَبَابُشْدِ
عَمَلِ تَائِدِ سَيِّحِ اسْتَغْفَارُهُ نَاتِ الرَّقَاعِ بِشَرِّشْ بِاَشَدِّ عَالِ
بِسْمِ اَللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ خَيْرٌ مِنْ اَللّٰهِ الْعَزِيْزِ الْحَكِيْمِ اَعْلَانِ
بِنِزْلَانِهِ بَعْدَ اَنْتَ بِرِسْكَ اَعْدِ اَقْصَلِ وَبِرِسْكَ اَعْدِ اَقْصَلِ
بِرِسْكَ وَكَأَعْدِهَا اَدْرِ بِرِسْكَ اَعْدِ كَلَارِ وَدُرُكْتِ نَاكَ اَسْتَدِ

چپه

بعد از آن حده کند و در تجلید صدر نیز بگوید استغفر الله تعالی
خیرة فی عالمین پس بنشیند و بگوید اللهم خر لی و اجتر لی
فی جمیع الصور فی زلزل منات و عاصف و پس طاعتها را
برم زند و باینکه تا شکا عذ چون آورد پس اگر هر فصل
یا هر سه لا انفصل باشد مقتضای آن عمل نماید و اگر مختلف
باشد تا پنج کا عذ چون آورد پس فصل یا لا انفصل هر کدام بیشتر
باشد چنان کند چهار مرتبه آنکه دعا کند و از خدا تعالی در آن
طلب خیر نماید پس توکل نموده متوجه در آن کار کند اگر کاری سهل
باشد مثل خریدن و فروختن و امثال آن هفت مرتبه دعا
باشد و اگر کاری عظیم باشد صد مرتبه یا هر عبارت که خواهد
اگر یکی از دعا عبارت کرد را استقاره ذات الرقاب گذشت بگوید
مستغنی باشد و در دست بگوید یا این دعا مضمون در زیر کلاه
البتة آخیر است خدا تعالی برای او اختیار فرماید یا البصر
الشامین یا السمع الشامین و یا الفرج الحامین و یا
انعم الراحمین و یا المحکم الخافین صلی علی محمد و آل محمد
و اقبل بیتی و غیره که گذشت و حضرت معلق علیه السلام فرمود
هر که از خدا تعالی بکتاب طلب خیر کند و استقاره نماید و یا آن

خدا تعالی برای او اختیار کند و اخی با عدالت این چنین است
بر این اختیار فرماید و هم آنحضرت علیه السلام فرمود چون استحقاق کنید
باعتبار و سائلت طلب کنید چه بسیار باشد که خیر کسی در قطع ید یا
مروت و لایطالبا و دیگر باشد بختی عسرت عسوت با عقلا مروت که
با عقلا در کارها مشورت نکنید و این اختیار کنند مخلوق آن کنند
که موجب ندامت باشد و مروت که هیچ جایی مشورت نکنند که
کسی در محبت یا احمد یا حامد یا محمد نام داشته باشد یا این
حاضر شود مگر آنکه خوب برای ایشان اختیار شود چشم فرستند
که این لباس از او چشم خود ویرد بگری که از چشم حق است و اگر
چیزی بر قد الحی پیش در حق توانی که چشم زدن است و چون اگر کسی
چیزی بپندد که نظر حق آید او را بگریا کند و عتاب دیگر
در گویند ما شاء الله لا قوة الا بالله العلی العظیم از چشم
این مکر و روایت دیگر گفته که چون از چشم زدن برسد و آن کلاه
بخواند یا سورت بگوید ما شاء الله لا قوة الا بالله العلی العظیم
ان این شود و بر مروت که در حق جاست فرستند که در آن وقت
وقت بیرون رفتن از خانه خود بین بخوانند که ان شاء الله از چشم
زخم این شود و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که اگر کسی

برای او که است چون خطه باران در سینه از آن خوش آمد فرمود الحمد
و قل هو الله اعظم و معونین و ائمه الکریمین و در غایت شکر
بکذا که اینهم محفوظ باشد بشارت چون خبری خوش
الحمد و روایت دیگر تکبیر آمده شکر چون نفق و یا انشا
یا فی کروی از خدای تعالی برسد بگو الحمد لله شکر کن که از انگاه
و اگر مرتبه دوم بگویند ثوابش تجدید شود و چون مرتبه سوم بگویند
که ثوابش از مرتبه دوم دو برابر گردد شکر کند چه حجت نوشته شود
و در خطه عظیم محو کرده و در جود و طهارت یافت شود و ولایت
که چون نعمتی که پیشتر باشد بیاید اگر کسی باشد که کسی بگوید
خجسته کند و اگر از پیش مردم باشد طهارت کبریه یافته باشد
کند و قصد سجده و تواضع خدای تعالی کند و اگر سواره باشد
فرود آید و سجده کند و اگر انداخته شهرت و ریا کند برقرار
زین سر بگذارد و اگر نتواند بر کعبه دست بگذارد و خدا کند
و اگر کروی یا غلافی خواهی ساخت شود بگوید الحمد لله و قل هو الله اعظم
و بگوید کاس چنین نمیشود و همچنین اگر از کس انعام و احسانی و مهری
واقع شود شکر و دعا و مدح او بگوید و حق او باید دانست هر وقت
که هر کس کلامی است که شکر خدا باشد کرده و کسی که شکر نکند

شکر خدا نکرد و نعمت هر چند که باشد خفته از جانب خدا و خواه از
 مردم و چون شکر را بیجا بدارند موجب زیادتی شود که اگر حقیر
 شمارد و شکر نکند از درجی که بر او زیاد شود و سبب عتاب
 گردد و چون مبتلا به بیهوشی و سرپیشتی است چنانکه او
 و دیگران نشود بگویند الحمد لله الذي عافاني مما ابتلا به
 و كرماء الله لفعل كل امرئ ان مبتلا شود و اگر خواهد
 بگوید الحمد لله الذي عافاني مما ابتلا به و
 فضلك على كل شيء من خلقي
 یا محمدا درین چند گویند الحمد لله الذي فضلك على كل شيء من خلقي
 یا ابراهيم نبيا و یا اسحاق نبيا و یا يوسف نبيا و يعقوب
 اماما و یا المؤمنين اجمعين اجمعين و یا الكعبة قبلتنا و یا ابا
 هرگز ایشان را در روزی با هم جمع نکند خالص بدین چیز
 پسند که بفال خوب بخواند و کل بخت کند و در آن روزی که آن
 سازد و هر چه مکر و بگوید از ضرر آن ایمن شود و در دست هر کس
 چنان شود که کسی با خود بکشد و اگر سخت گیرد سخت شود و اگر
 سهل گیرد سهل شود و اگر هیچ نکند هیچ نشود و وای آن که
 غضب چون غضب سولی شود بر زمین بیندند و بر کف خود

رفع شود که از شیطان استعاده کند و صیاده بفرستد و بگوید
وَيَذْهَبُ كَيْفَ قَالَ لَهُمُ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَأَذْهَبْ
فَيْضَ قَلْبِي وَأَجْرِني مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَلَا تُخَوِّدْ وَلَا
قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَكَرِهَ هَذَا مِنْ دَعَائِهِ وَانْد
اللَّهُمَّ أَذْهَبْ عَنِّي غَيْظَ قَلْبِي وَاغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَأَجْرِني
مِنْ مُضَلَّاتِ الْوَقْتِ أَسْأَلُكَ رِضَاكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ
سَخَطِكَ أَسْأَلُكَ جَنَّاتِكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارِكَ وَه
أَسْأَلُكَ الْحَيَاةَ طَيِّبَةً وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْقَبْرِ طَيِّبَةً اللَّهُمَّ
تَنَبَّهْ عَلَى أَمْرِي وَالْمَوْتِ وَأَجْعَلْ لِي رِجْلاً مَرِيضاً قَدِيرَ
عَالِيٍّ وَلَا تَقْصِلْ عَنْ صَلَاتِي وَنِيَّتِي بِكَ بِكَيْدِ شَيْطَانٍ قَدُورٍ
رَبِّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ سَبَقَتْ رَحْمَتُكَ غَضَبَكَ لَا إِلَهَ
إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ حَمْدٌ مُنْذُ وَجَدْتَ
نَفْسِي فَأَغْفِرْ لِي وَأَرْحَمْنِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ
جَنِّ صَدَى الْأَعْيُنِ وَصَلِّ بِشُورِ اسْتِعَاذَهُ كَذِبُونَ
خُذْهُ وَتَقَهَّرْ كَذِبُكَ اللَّهُمَّ لَا تَقْصِبْنِي مِنْ عَطِيَّةِ
كَرَمِكَ بِرَحْمَتِكَ وَبِجُودِ كَرَمِكَ رَبِّ الْعَالَمِينَ
الْحَمْدُ لِلَّهِ أَكْثَرُ أَهْلِهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ

والله وسلك طابرى كى بجانب تر از طبع و برنگد از گس از صبح و پیش
پروین آمده تا در عرش برود از گند و فانی و قیامت بر این است
کنند و است دیگر آمده که چون کسى عطسه کند و بگوید الحمد لله
ملائکین که بر او فرود کنند گویند رب العالمین کبریا الشرائف که
و اگر این را هم بگوید گویند صلی الله علی محمد و اگر این را هم
بگوید گویند علی الرضا و اگر این را هم بگوید گویند صلی الله
و اگر بگوید الحمد لله رب العالمین علی کل شیء از دندان و
کوش ایمن باشد و کسى در خدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام
عطسه کرد و الحمد لله گفت و صلواتی فرستاد و حضرت او
دعا کرد و فرمودی ما محتاج کردیم این را شنید صلوات فرستاد
بعد از آن دعا فرمود و چون عطسه دیگر را شنید و خدا کند
و صلواتی فرستاد از دوزخیم دندان ایمن شود و او را دعا کند
و بگوید یا رحمت الله یا سمری چند بگوید و اگر از سر بریده
پشت فرود بگوید یا شفاک الله که پشت از سر بریده انعطافیت
و اگر طفل عطسه کند بگوید یا شفاک الله و اگر مریض بگوید یا
شفاک الله و مریض که در خون و حیض و عجز است که اگر در این
تقصیر کنند روز قیامت طلب حق خود کند و خدا بقیه اعمال او

سبحم فرماید و از انجمله دعای عظمی است و جواب دعای عظمی
بگوید و یقیناً بگویند و یصلح بالکم نسیمان چون چیزی
فراموش کند و بیاد نیاید دست بر پیشانی گذارد و بگوید اللهم
عنی انساک یا مذكر الخیر و العبد و الامیر و ان
تصلی علی محمد و آل محمد و ان تدعیک فی ما انسانیة
الشیطان چون در هر طریقی گرفتار شود بگوید اللهم انی
الرجیم لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم
ایات نفسی و انک تستقیان من عبادک بدار الله فک
عمر و عمره و وف و غیران از حضرت محمد اذ علیکم مریت
که فرمود عجب دایم از چهار کس که پناه بجا اولی نبیند که کسی از حضرت
رسد چرا این ای نبیند و حسن الله و نعم الوکیل خدا بی خالی
بعد از آن و بعد سلامت و سرور و نعمت فرمود و کسی غمگین باشد
چرا پناه باین ای نبیند که الله الا انت یسبحانک لا اله الا انت
من الظالمین که خدا بی خالی بعد از آن و بعد نجات از غم فرموده
و کسی که از کفر و عتد و فرسود چراییه باین ای نبیند افریض افریض
که بعد از آن و بعد من و سلامت از کفر فرموده و کسی که مال
بخواهد باین ای نبیند ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله

که بخواران و عداوت مال و فرز خویش داده و دوستی دشمنان کرده برای
زوال غم من سوی آسمان کند و سه مرتبه بگوید **یا خیر الله**
که خدا تعالی گریست و غمش را فرج دهد و نیز ولایت کرده پس
در غم این دعا بخواند خدا تعالی غم را از فرج بدین فرماید **اللهم**
اِنِّی عَبْدُكَ وَاِبْنُ عَبْدِكَ وَاِبْنُ اَمَتِكَ فَاَصْبِرْ بِنِعْمَتِكَ
مَا صَبَرْتُ حَتَّی کُنْتُ عَدْلٌ فِی قَضَائِكَ اَسْأَلُكَ بِکُلِّ
اِسْمٍ هُوَ لَكَ سَمِعْتَ بِهِ نَفْسًا کَوْنًا اَوْ لَمْ تَسْمَعْ فِی کُنْیَاکَ
اَوْ عَلِمْتَ اَنْتَ اَعْلَمُ مِنْ نَفْسِکَ اَوْ سَمِعْتَ مِنْ فِی عِلْمِ
الْقَلْبِ عِنْدَکَ اَنْ یُجْزَلَ الْقُرْآنُ بَرَجَ قَلْبِی وَتَوَرَّعَ بَی
وَسَفَا عَصْدِی وَجَلَّ عَرْشُکَ وَذَعَابُ بَی وَتَحَنَّنْ
و اگر خواهی بگوید یا من بیکم **یا من بیکم** هر کس بخواند
یا من بیکم یا الله تعالی که حضرت صادق علیه السلام
بعد از موت این امر فرمود اندک زمانی نگذشت که وفات یافت
و اگر خواهی این اسات که منسوب به حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
علیه السلام تکرار کند که در روز قیامت حاضر شده و **یا من بیکم**
یا من بیکم یا من بیکم یا من بیکم یا من بیکم یا من بیکم
آی من بعد عشر و فرج کربة القلب الشح

وَكَلَّمَ لَمْ نَسْأَلْكَ حَبِيبًا : وَيَا نَبِيَّكَ لِلْسُّرَةِ فِي الْعَشِيِّ
إِذَا صَافَتْ بِكَ الْأَمْوَالُ وَمَا أَفْتَقَ بِالْوَاحِدِ الْفَرْعُ الْعَلِيِّ
نَشُوشِ خَاطِرُكَ وَكَوَيْهَ لَوْ كُنْتُ عَلَى الْوَقْفِ الَّذِي لَا
يُحْيِيكَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَخْذُلْكَ أَوْ لَمْ يَكُنْ لَكَ شَرِيكَ
فِي الْمَلَكُوتِ وَلَمْ يَكُنْ لَكَ وَفِي مِنَ الذُّلِّ وَكَرِهَ تَكْبِيرُكَ
حَضَرَتْ بِمَنْزِلِ الْهَيْعَةِ وَلَمْ يَكُنْ لَهَا حَبِيبٌ وَلَا وَفَى بِكَ
أَزْوَاجُ الْأَمْوَالِ وَبِإِلَافِ خَاطِرِكَ كَيْفَ يُوَدِّعُكَ وَتَعْلَمُ
فَرْدَ الْفَتَى بِإِلَافِ بَيْنِ تَكْدِشَتِ كَيْفَ تَكُونُ فَتَحْتَضِرُ بَعِثَ
خَاطِرُكَ كَيْفَ تَكُونُ تَكْدِشَتِ زَيْلُ وَبِإِلَافِ بَيْنِ تَكْدِشَتِ
مَدَامُ تَكُونُ بَيْنِ تَكْدِشَتِ زَيْلُ وَبِإِلَافِ بَيْنِ تَكْدِشَتِ
أَنْ يُبَدِّلَ لَنَا تَكْدِشَتِهَا أَلَا إِلَى تَكْدِشَتِهَا رَغْبَتُكَ وَرَغْبَتُكَ
يَسْتَلْكَ كَيْفَ تَكُونُ تَكْدِشَتِهَا مَسْأَلَةُ تَكْدِشَتِهَا بَيْنَ إِنْ تَكْدِشَتِ
لَحْزَةً لَنَا خَاطِرُكَ وَرَغْبَتُكَ وَرَغْبَتُكَ وَرَغْبَتُكَ وَرَغْبَتُكَ
يَسْأَلُ عَلَى الْحَمْدِ وَالْحَمْدِ وَرَغْبَتُكَ وَرَغْبَتُكَ وَرَغْبَتُكَ
بَيْنَ تَكْدِشَتِهَا وَرَغْبَتُكَ وَرَغْبَتُكَ وَرَغْبَتُكَ وَرَغْبَتُكَ
فِي الْوَقْفِ الَّذِي لَا يُحْيِيكَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَخْذُلْكَ
أَوْ لَمْ يَكُنْ لَكَ شَرِيكَ فَيَقُولُونَ أَفْضَلُ مِنَّا يَطْلُونَ وَأَعْقَرُ مِنَّا يَطْلُونَ
جَوْشَنُ كَيْفَ تَكُونُ تَكْدِشَتِهَا وَرَغْبَتُكَ وَرَغْبَتُكَ وَرَغْبَتُكَ

تَمَتَّتْ لِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَفْعَلَ صَلَاحًا
بِرَضَاكَ وَأَصْلَحَ لِي فِي دِينِي إِلَى تَبَوُّظِ كَيْفِكَ وَإِلَى مَرِ
الْمُسْلِمِينَ كَمَا بَدَأْتَ لِي فِي طَائِفَةِ دِينِهِمْ أَهْلَ جَنَّةٍ مَنَاسِقَ رَا
قِيْلَ نَجَامُ وَأَنْ سَيَأْتِيَنَّ بِمَا وَزَعَمُوا لِي وَأَنْ وَعْدُهُ صَادِقٌ
وَأَنْ شَأْنِي مَعَكُمْ كَمَا كُنْتُ جَدِيدِي كَمْ شُودُ وَوَكُفْتُ نَارَ كَلَامِ دِينِ
دَسْتِ بَارِئِ اسْتَبْكُوكَ يَا عَالَمُ الْعُيُوبِ وَالْقُرْآنُ يَا مَطْلَعُ
يَا عَزِيزُ يَا عَظِيمُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا جَبَّارُ يَا أَعْزَبُ
يَا حَكِيمُ يَا كَرِيمُ يَا مُجِيبُ دُعَائِي يَا مُجِيبُ حَاجَتِي مِنْ أَيْدِي
الْقُلُوبِ يَا مُخْرِجُ قَوْمٍ مَخْرُجٍ مِنَ الْعَرَفَةِ يَا أَرْحَمَ رَحِيمَةٍ
يَعْلَمُ الْغُيُوبَ يَا كَاشِفُ خَيْرِ أَيْوُبَ يَا مُجِيبُ دُعَائِي يَا مُجِيبُ
مِنْ الظُّلُمَاتِ السَّالِكِ يَا فَاعِلُ كُلِّ خَيْرٍ يَا فَاعِلُ كُلِّ
كُلِّ خَيْرٍ يَا فَاعِلُ كُلِّ خَيْرٍ يَا فَاعِلُ كُلِّ خَيْرٍ يَا فَاعِلُ كُلِّ
خَيْرٍ يَا فَاعِلُ كُلِّ خَيْرٍ يَا فَاعِلُ كُلِّ خَيْرٍ يَا فَاعِلُ كُلِّ
الْعُيُوبِ يَا فَاعِلُ كُلِّ خَيْرٍ يَا فَاعِلُ كُلِّ خَيْرٍ يَا فَاعِلُ كُلِّ
عَلَى صَلَاتِي وَأَكْرَمَ خِدْمَتِي يَا مَنْ لَا عِلْمَ مَكْنُونٍ وَلَا
يَسْتَعِينُ مَعْلُومٍ وَلَا يُعَالِجُ مَسْئَلَةَ وَلَا يُطَاوِلُ بِكَيْفِ
أُرْوَدُ بِقُدْرَتِكَ عَلَى مَا فِي قَبْضَتِكَ أَنْتَ أَهْلُ الْخَيْرَاتِ
بِأَيَّةٍ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ نَحْوَانِ وَبِهِ دَوَابُّ الْكَوْنِ يَا فَاعِلُ كُلِّ

عَدِيٍّ مِنَ الضَّالِّينَ وَجِيٍّ مِنَ الْعَوِيٍّ وَرَدَّ الضَّالِّينَ عَلَى عَدُوِّهِ
وَالِدُ وَرَدَّ ضَالِّينَ وَجِيٍّ عَلَى عَدُوِّهِ وَرَدَّ ضَالِّينَ عَلَى عَدُوِّهِ
وَالْعَوِيَّاتِ عَدُوِّهِمَا نَسَبَتْ جَمْعَ جَفِيٍّ لِمَنَاتٍ وَجَعَلَ كَلَامَهُ
وَالْأَمْرَ لِمَنَاتٍ بِرَأْسِ خِرَافَةٍ وَجَعَلَ لَهَا عَدُوًّا جَوْنًا لِي تَنْتَدِ
وَرَدَّ كَوْبَهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا هَاجَبَتْ الزُّلُمُ وَالْخَوْفُ
خَيْرَ مَا هَاجَبَتْ الزُّلُمُ وَخَيْرَ مَا هَاجَبَتْ أَعْيُنَ بَنِي مَرْثٍ
نَسَبَهَا وَخَيْرَ مَا هَاجَبَتْ اللَّهُمَّ لِمَنَاتٍ عَلَيْنَا رَحْمَةً وَجَعَلَ
أَكْبَرُ مِنْ عَدَايَا وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَكَتَبَ بِسْمِ اللَّهِ بِأَمْرٍ
بَلَدَ كَوْبَهُ أَنْشَاءً لَمْ يَكُنْ سَابِقًا بِأَمْرٍ مَقْرُونًا بِهَلْ
زَجَرَ عَدُوِّهِ كَوْبَهُ سُبْحَانَ مَنْ يَسْقِي الزَّعْدَ حَسْبَهُ
وَالْمَلَأَ كَلْبًا مِنْ حَيْضَتِهِ وَيَرْكَبُ اللَّهُمَّ لَا تَقْتُلْنَا أَنْفُسَنَا
وَلَا تَهْلِكْنَا بَعْدَ إِلَيْكَ وَغَافِلًا قَبْلَ ذَلِكَ مَا لَمْ يَكُنْ
كَوْبَهُ صَبَاحًا فِي خَوْفِ خَائِفَةٍ جَمْعَ الزُّبُرِ وَنَاسِ خَائِفَةٍ
نَوْبَهُ كَوْبَهُ دَسِبَ أَوْ شَلَفَ مَنْ دَسِبَ وَخَرَجَ فِي خَيْرٍ
صَدَقَ وَاجْتَمَعَ إِلَيْهِ مَنْ كَذَبَكَ سُلْطَانًا بَصِيرًا وَجَمْعَ
خَيْرٍ خَائِفَةٍ وَجَمْعَ كَوْبِهِ لِيَرْسُمَ اللَّهُ وَبِأَمْرٍ أَشْهَرًا
إِنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنْتُمْ تَدْعُونَ مُحَمَّدًا

عبد و رسول و صلوات الله علیه و آله پس کرد خانه گوی باشد بر او
 کند و هر کسی باشد بگوید السلام علی محمد و علی عبد الله و آله
 السنین السلام علی الاثنی عشر الهادین السلام علینا
 و علی عباد الصالحین تعظیم امر خدا که گفته اند
 از نامهای خدا بر این نوشته باشد در سراسر راه و جای هر چه افتاده
 باشد خدا تعالی هفتاد هزار فرشته بیرون می آید که در آن کلمات الهی
 خود را محفوظ کنند تا آنکه یکی از دوستان خدا شود و او را در
 خدا تعالی نام او را در غلبه بن ثبت فرماید و عقاب او را در پیش
 تحفه دهد اگر چه گویا باشد یا نباشد
 در خطبای اموی و عباسی احوال غیالی و این مجموع است و الله اعلم
 در فصل بیان شود فصل اول در وجود و جعل خدا تعالی
 در قرآن مجید فرموده می که از ذات بخدای منزه است اینان و کما
 و اصل بخانند و نیز فرموده کسی که مال و ظلم و راه خدا صریح کند
 منیل و انما الیت که هفت خورشید از آن بر وی در هر خورشید
 در آن باشد و خدا بر او هر که خواهد مضاعف می گرداند و از آن
 تمام بر ملاوات اسم علیهم مرتبت که کلمی سلطان و در زمین
 محبوب و از طبیعت پاک و آب چشمش از نور خالص است و جعل

در آسمان و زمین مبعوض و از طاعت شوی و آب چشم از خاک بچکان
و سخن در دنیا و آخرت بچکان تا آنکه داخل بهشت شود و کسی را که
خدا تعالی امید نگیرد با و ندارد و بچکان مبتلا گردد اندوختنی از بچکان
بچکان او نزدیک است به ملکوت و مساوت در حقیت و حقیقت
هر کس بشاخی از آن در این دوزخ داخل بهشت شود و بچکان از نزدیک
و از اشی در دوزخ و بچکان در حقیت خود دوزخ هر کس بشاخی از آن
در او بر دوزخ داخل بچکان در دوزخ مساوت بهشت یا امانت بهشت
و در قیامت سخن را بیاورند و کوی بچکان که بچکان و در دوزخ
گوید خدا یا امر از دیدی و هدایت فرمودی و وسعت عباد کردی
من نیز نعمت تو را بر عباد منتظر ساختم یا امید آنکه امر از من
نشد و حجت فرمائی پس خدا تعالی فرماید بندگان من راست بگو
او را داخل بهشت کند و بچکان سخن مفرط در کمال بهشت خداوند
تر است از پیر عالم بچکان و بهترین مردم است یا الله و بهترین نام
بچکان و از جمله اولو ایمان تر از آن و وسیع در جای ایشانست و بد
از آن موجب محبت حق و عصمت شیطان و دوری از بران
و حجت ایشانست و بچکان که صدیق با او کند که خدا تعالی
بکند و صدق از بهشت عوان میدهند و حج اراده نکند که بچکان

میسر کند و هر کس بخلاف این باشد هیچ شری را دارد و کند که آنکه
میسر شود و روز قیامت در دوزخ مقام کند و هر کس در صرف مال
برضای خدا بجهل کند مبتلا شود و صرف اموال آن در مصیبت خدا
و از حضرت امام جعفر علیه السلام از تقسیر آیه و کذاک بریم الله
اعمال حسرت سؤال کردند و فرمود کسی که مال خود را طاعت
خدا صرف نکند و بگذارد تا بعد از خود بکوان صرف کنند پس اگر
طاعت صرف کنند حسرت برسد که ثواب مال خود از دیگران
ایشان و خود را محروم بیند و اگر در مصیبت صرف کنند حسرت
که مال از ثواب محروم کرده و اعانت مصیبت و گری کرده و روزی
حضرت امیرالمومنین عجلت علیه شعیب که هر می گویند
بخیل عقور است اظلم بود دروغ میگوید ظلم کار باشد
که توبه و استغفار کند و در ظلم نماید و بخاست باید و بخیل
منع زکوة صدقه و صلوات و صیافت و سایر حقوق کند و سزا
که بخیل داخل جهنم شد فصل در حق و غیر در فضایل زکوة و
عقوت منع آن مرویت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر کس
زکوة مال خود از روی طمع و حبست بکشد خدا بخیل و سزا
بدهد و نه بکفر طاعت و کی نفرد و کی بکشد و کی از جود و کی

و یکی گوهر و یکی از خردوب العزّة عطا فرماید و همچنان زکوة نهد
تا آنکه مالش زیاد شود و مر و بست که هجیات از طایفه رسید
تا آنکه در زکوة تسبیح مر و تقصیر کرده باشد و هیچ مایه
باقی نماند مگر آنکه در زکوة تقصیر زکوة باشد و معلومست
که زکوة آن نماند و خدا تعالی فرض زکوة را بر هر کس از هر
کس هر کس زکوة نهد نمازش مقبول شود و هر کس یک ویران کرد
مکه معظمه یا بیابان یا است و زکوة منع کند نه مر و یابد
و نه مسلم و چون ببرد و بپوشد یا بپوشد یا بپوشد
از دهای از آنش طوق کردنش شود و عطا بش کند تا او تمام از
حساب خارج شود و هر کس زکوة طلاق و نفقه را منع کند خدا تعالی
روز قیامت در سپایانی همیوس سازد و ماری عظیم که از بسیار
موی مر و شاربینه باشد بر او مسلط کند و اند و چون هر چند گزند
بجایات نیاید تا چار دست خرد را بپوشد تا با و ندان با و بپوشد
پس بر کوشش چند و عذابش کند و هر کس زکوة کو سفید یا غیر آن
از حیوان را منع کند در سپایانی همیوس کند و هر کس حیوان
از او مال کند و هر کس از او دار و ندان او را پاره پاره کند
و هر کس زکوة غله و خرما و مثل آن را منع کند دین ملکش با حق

طوبی که نرسد و در وقت که روز قیامت جمعی از قبر برود آید
درستها بگردن بسته و ملاک چند برایشان میگردانند
و ایشانرا سر زنجیر کنند و گویند ایان الله که خود را در انداخته
خود داده اند و چیزی را قلیل از کم برکتی محروم گشتند و چون
مردم منع زکوة اموال خود کنند زمین هم باطن خدا برکات
و خیرات خود منع کند و موجب قحط و تنگی و شود و ادای زکوة
و سایر از این لوازمات علانیه باید و صدقات و سایر
مستحبات بنما فی افضل اله و ثواب مستحبات بنما فی هفتاد
بر اهلانیه است فصل سی و چهارم در مکه اهل بیت طاهر
و ذرات طیبین و اتباع ایشان از مومنین سلام الله علیهم
مردیت از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و سلم منقول و در کتب
سیکی از اهل بیت من احسان کند من روز قیامت از امان کافان
کم و فرمود من در روز قیامت چهار کس را شفاعت کنم اگر چه
با کناه تمام اهل دنیا بیایند که آنحضرت ذریه من کرده و کسی
مال خود را در وقت تنگی بذل ایشان نموده و کسی را در روز
زبان بایشان محبت داشته و کسی که در حال ایشان میگوید
و حضرت صاحب عالم که فرمود در روز قیامت خداوندی ندا کند

ای خلاق حق تعالی باشد که حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم با شما
تلف نمیکند پس آنحضرت برخواستند و بای معشر خلاق هر کس را
پیش من انصاف و منق و احسان باشد بر خیزد تا آنرا ملاقی کنم همه
گویند چه درودها خدای تعالی کرد که احسان که نعمت و منت و احسان
بر تو داشته باشد بلکه نعمت و طریقت و احسان و شفقت همه خدا
و رسول خدا است بر جمیع خلاق پس آنحضرت گوید بل هر کس یکی از
احلیت مرآتیه داده و یا با ایشان یکی کرده یا بر همه ایشان پیش
یا کشته و سب کرده یا بدت که کافانم آن کم پس جمعی که این کارها
کرده باشند بر خیزند پس از جنایاتی نمایند که ای حبیب من کافان
ایشان را توبه جمیع داشتم در هر جای بهشت که خواهی این از کتب
ده پس ایشان را در وسیله که درجه است حضور آنحضرت و اهل
بیتش جای دهند تا او خدمت ایشان باشند و در میان ایشان
و ما حق نباشد و هم آنحضرت صلوات الله علیه و آله و سلم که هر کس قادر
بر صلوات باشد یا صلواتی او شیعه را صلوات بجا آورد ثواب صلوات
باشد **مصلحت چهارم** در تفکیک معروف و احسان معروفیت
از اهل بیت صلوات الله علیهم که بهشت را در دست دارند معروفیت
از آن در داخل شود که اهل معروف در دنیا و اول کج که داخل بهشت

و وارد حق گویشود معروف و اهل معروفند و سرچراست که
موجب زیاده و غم و غمناکی است کی طریقی و چنانچه دیدیم
طریقی را بر سر قوس میوم اصطلاح معروف و اهلان و صاحب
معروف از مهالک و در طریقی است و چون اهل نیست
داخل نیست شوند خدا تعالی بادی خوشنوی را امر فرماید که اهل
معروف ملاصق شود که هر یک از ایشان یکی یکی از اهل نیست کنند
از ایشان نباشند که صاحب معروف است و هر یک بومی احسان
معروفی کند خدا تعالی بجهت آن فرماید برو و هر یک را تو
معروفی بجا آورد که اگر در دفع باشد بیرون آری بر دو طرف
آرد و در سترین بندگان پیش خدا کیست که معروف را دوست
دارد و هیچ چیز را از معروف نیست مگر نوازش و فروتنی مگر که
باشد اصطلاح معروف کنند که اگر اهل آن نباشد شما اهل
آن باشید و اگر کسی در جاست شما را دوستی دهد و شما
چپ آمدن خدا را بگویند قبول کنید و در برابر احسان اگر کسی
قد احسان کنی غلامی کرده باشی و اگر زیاد کنی شکر آن بجا آورد
باشی و چون شکر بجا آری کریم باشی و هر یک بجا آید چون یکی یکی
و احسان کند در واقع با خود کرده توقع مدح و شکر زیاد نیست

از و داشته باشد و چه جای توقع که احسان خطه برین خود و
نواب و قضاایل برای خود نموده و کسی که ایستد و سعی برای خیری کند
مثل فاعل آن خبر است و مراد است که برای یکدیگر عهد و پیمان
که سبب محبت و اصلاح و عین و عداوت شود و کار که ضررش
باینکس نباشد و آن نقش بدست می آید که باشد و چون یکی از اینانی
کندی اگر توانست لای کند و کند و شکوای کند و که نه آن کرد
باشد و حضرت طایفه علیکم السلام فرمود خدا تعالی این کرد و فاعل
سبیل مهر و عهد و پیمان که کسی که ایستد و سعی برای خیری کند
کند و نه آن کند و سبیل این شود که دیگر گشت و بنیاد است
که احسان و نیکی از تنالی و غیر مال داخل مهر و پیمان است
در فضایل و صدقه و ریت از اصل است ظاهر این است که نه ایست
فرمایند این مهر چنانکه مقدر فرموده اند بهر صدقه که آنرا خود
بگیرد حتی آنکه اگر کسی خردمال یا نصف خردمالی صدقه دهد از آنجا
او ریت کم و زیاد کرد و تمام ثواب و ریت است که او صدای بزرگتر
است از این و بلا از بلاهای دنیا دفع کند و غیر اینی که در آخرت
همینا است و از چنانکه مقصد شیطان بیرون آید که هر
مانع باشد و هیچ چیز که شیطان توان از صدقه ریت و هر کس از او

صدقه بعد سخن و شر و آرزو را دفع شود و اگر اول شب دهد
خوش و خوش و آتش دفع کرد و بخوری خود بخورد و دست بخت
صلی الله علیه و آله وسلم گذاشت حضرت فرمود امر و ما رسیاهی
قضای این بخوری را بفرمود و او را یکسایس بخوری گذاشت و پشت
همه بر دوش بست و مرا بخت که حضرت فرمود هفت روز این زمین
گذاشت ما رسیاهی بر سر پیچیده بود و بر نیلای بخوری امروز
چرا که گفت و زمان دهم کی را آوردیم و یکسان تصدیق کردم پس
حضرت صلی الله علیه و آله وسلم فرمود برکت این تصدیق شراب و
از دهن شد و حضرت اسلام حضرت علی اکرم فرمود میان من و شما
قسمت زمینی بود و این خواست که من حد ساعت بخش و خوش درگاه
سعد بر وقت ریم چون الفیتم و تقسیم کردم قسمت خرفین اما این
دست بردست زدن روی صحبت و صحبت گفت هر که خدای بخوری
ندیده بود من تقسیم بل در وقت با وقت آمدن تصدیق کردم و آن
بعد از آن بخورم تو بود و هم از ایشان عالمم که مر و صحبت که در زمان بی
اسرائیل چند سال قحطی عظیم شد روزی زنی از یافانی داد و در
و من گذاشت که بخور و سالی سوال کرد آن که در آن روز و آن روز
بنا بر و آن زن را طلقی صدقه بود و در هر گزوت او را بود طفل

نواید که هر مادی که خیر یافته در بی او و دانست خیرش را آمد و فعل را
 از زمین کرانه کوه و یا داد و گفت این امر حق آن قدر است و هم
 از ایشان بدیدم که هر دینست که مردی از بی آنرا بپسید و دانست که بی
 از اولیاد اله با و خیر و آنکه هر دینست و شیب و زفات خواهد کرد
 چون خیر غیری رسید پس بر یکم عاجز او دید و هم کرده طعنه اش
 داد بر گفت مرا از آنکه مردی خدا را از نده دارد پس کسی در خواست
 کرد گفت که خدا بطلیب آن تصدیق و حاکم را از هر دین دفع نمود
 و نیز مردیست که هیچ کس چندان او را در دنیا خوب کند که خدا ایشان را
 بعد از وفات او از خوش ناخوب کند و مردیست که هر چه مقدور
 شود تصدیق کند اگر چه نصف غریبی پاشد و از او داد و گرفت
 کند و هر چه که از آنست و چون بند و با آنچه مقدور شد و با آنچه
 کند پیش خدا بزرگم بود اگر چه نباشد بکمال ملام و زبان خوش
 جراب بکشید و روز قیامت خدا بطلیب نماید من بشما انعام و
 احسان نفرمودم مال و فرزندانم و چشم و گوش عطا نکردم گویند
 پس گوید بر پند که برای من امری از چه می کرده این یوم چند
 باطل است نظر کنند و بیایند که آتش را از ایشان دفع کند و
 زمین آتش است که ساینده من که صد قاتل بر این سایه کند و آنرا

منع نماند و گویا صدقه را برای محتاجی بیرون مثل قراب کسی دادند که
صدقه را داده و مرز نیست که آنقدر صدقه بدهند که گویند پس
گویم اما السرافت کرده باشید و بی ضرورتی که آنقدر صدقه
بدهید و از بی نیازی مقرر نیست که هر کسی از صدقه دادن بر نیان
نشود و صدقه مال زیاد کند و در آن ادا نماید و کسی جز برای نام و بی
علیه السلام شکایت کرد که بی نیازی من بعدی رسیده که فلانی دو بار
از بدن خرد پرونی کرده یعنی دوازده روز دیگر و قصدی کن گفت
اگر آخر مردم بمن میدهند بهم فرمود هر چه بدهد و میشود بدهد اگر چه
خود آن حاجت داشت گواهی و هر صافی و صافی که یکی کند
صدقه بدهد حق آنکه یا گری سخن گوی حرف را با او بشنوی و بیجا
او را بر این و با فضل صدقات لغت که بهمان باشد که صدقه
پنهان آتش غضب خدا را بستاند و صدقه شب سحر از غضب الهی
ساکت کند و گناه عظیم را محو گرداند و حساب قیامت را سالک کند
و صدقه روز مال و عمر را زیاد کند و خطاهای عظیم را بکند از او
چنانکه آب نماند و حضرت عیسی علیه السلام بجا آورد یا گذشت و بعد
دانی در آب انداخت و در آن گفت دیار رحمت این نان گویا
بود و موجودات آب بخورند و تو نیز از خدا عظیم است و فصل

صدقات است که در آن یکی و در آن یکی است و در آن یکی و در آن یکی است
و اگر عیال بعد از آن خویشان بعد از آن همسایگان محتاج باشند
صدقه بیکری نشاید داد و هر چند کسی نزدیکتر و خوشتر
صدقه را افضل باشد و نیست که افضل صدقات نیست که خوشتر
دهند که عداوت ایشان در دل کشیده باشد و صدقه کی بدو
عوض یابد و صدقه درستان یکی بدست و صدقه خویشان یکی بدست
و چهار روز صدقه در دست نیاید که گفته است و عیال را نباید زیاده
که فرایش باطل شود و بیکل خوش جوانی که در آن است که صدقه
دهد و بیضا نهد و افضل آنست که از صدقه دور شود و هر چند صدقه
و عداوتی با آن نمکند که این صدقه دیگر است و افضل آنست که
بهرای منتهی در خاندان باشد که با آن صدقه و عیال را
و صدقانه بسیار و عداوت از آن ها و از آن عداوتی که در آن
و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که حقیر او را این
شناسید که از ایشان غیر من و محمد و ابی محمد را درین فضیلت و ثواب
صدقه در آن یافت و در آن بلاها چون بیکر و در آن چیزی را
خدا در بری صدقه و عداوت از آن که در آن حال و در آن عداوت
کرد بلکه اگر آن سالی رفته باشد تا قبول نکند دیگر یابد و در دست

که کسی بخواهد برای صدمه جدا گردد و بپایان خود برگردد و مانند مثل کسیت کردی کند
و آنرا بگوید قصه ششم در مذمت سوال و در سال اول است
از اهل بیت ظاهرین علیهم السلام که در خیال را در میکنند اگر چه بر استیلا
باشد که کفر آن می بود که سالان دروغ گویند سخات می یافت که
ایشان را بکنند و اگر چه بی مقدار نشود بلکه است عذر را بدخواست
که بسیار باشد که سال که برای امتحان بصورت انسان سوال کنند
و هر چه پیش از سوال بپایان است تمام بعد از آنکه با دل و زبان
و اعضای از زبان و نشو و نشان میان یأس و امید بروی خود بریزد
سوال کند هر چه در حقش آرد و قنوتش اوست و احتیاج
است به نیستی از پیش و بعد از پیش بنده آن هر کس آنرا بپایان دارد
غراب اگر کسی بگوید که در دنیا باشد و اگر افقای آن کند که در دنیا
لا اله الا الله و محمد رسول الله و اگر چه بپایان است که خطا بگوید
خوب است هر که در سوال بکشد و اگر بپایان است که سوال بپایان
هر که در سوال بکشد و در دنیا نیست که در سوال بپایان است که بپایان
در دنیا نیست که در سوال بپایان است که در سوال بپایان است که در سوال
سوال کند خداوند را و احتیاج کند تا خطا بپایان است که در سوال
وقت سه روز و داشت باشد و سوال کند روز قیامت کوشش در

رویش نباشد و در جمیع آن حضرت خیر صلی الله علیه و آله و سلم الهام
 می شود که برای ایشان بهشت شرف رود. ششم بشر طاعتها از کسی
 سوال کنید ایشان ترش سوال کرد و نه ناصدی که در انشا طعام اگر آفت
 یکی نزدیک می بود نمی طلبید و خود بر میخواستند و اگر دوری
 باز نماندندست میان ایشان و فرمودی آمدند که بروند سوال نمی
 کردند فصل هفتم در رعایت حال عیال و تربیت از اول
 طاعت حق عیال هم که چون خداوند عالم که نعمت دهد واجب است برو
 که بر عیال خود تو سر کند و عیال مرد او بیرون او بیاید اگر ^{نعمت} بر
 بر اینان خود تو سر کند نیک باشد که نعمتش زایل شود و چون
 نعمتی زایل شود روزی تو سر کند و ملعونست کسی که عیال را
 بر دیگری یا کند و ملعونست کسی که عیال را محض کند و در ^{نعمت} حاج
 دیگری شوند و همین گناه نیز است هر که عیال را محتاج گذارد
 و چون باید چنانکه خداوند تعالی با او معامله میکند او نیز با عیال
 معامله کند هرگاه خداوند تعالی او را وسعت دهد او نیز عیال را
 وسعت دهد و هرگاه تنگ کند او نیز چنان کند و بهر نی خدای
 و احتیاج آنست که بعد از آنکه عیال باشد و هر کس تربیت
 با اهل خود نیکو باشد رزقش زیاد شود حضرت امام جعفرین العبدین

علیه السلام فرمود و حق که خیال من رغبت بگوشت کشته بسیار از روم و
 برای ایشان گوشت بخرم دوست دارم که بنده از او کم و کسی دو
 دنیا بطلا بخرد است حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم برده
 میگویند که باین مری بخرم که بران سوار شوند و در ده خدا بجا
 کنند فرمود و الدین داری صفت ایشان کن که افضل است از
 ایشان کن که و باز دو دنیا دیگر آورد فرمودن داری صفت کن
 که افضل است رفت چنانکه باز دو دنیا دیگر آورد فرمودن
 داری صفت کن که افضل است چنانکه و دو دنیا دیگر آورد
 گفت باین مری بخرم فرمود و بخر اما باینکه این افضل از آنها است
 و بدین که در حق خواهش اصل خود چیزی می خورد و ضایع خوا
 شد **گفت** در احسان ثمن بطعام و یا مروت
 از اهلیت احسان علیکم السلام هر کس عیون احسان کند چنانست
 که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم از ده پخته و دهی ضایع
 طعام دهد بهتر است از آنکه ده بنده از او کند و ده حج گذارد و اگر
 باین می تقیر از طعام دهد چنانست که بایشان از او بخرند
 است **صلی الله علیه و آله و سلم** از ده حج بخانت داده و اگر من فقیر
 طعام دهد چنانست که بایشان از او بخرند **صلی الله علیه و آله و سلم**

دهد و هر کس بابت نعمتی که از خدا تعالی از میوه های بهشت می
دهد و بهتری از آنست که بابت نینده او آید کند و اگر سه شوی و طعام
از خدا تعالی او را در ملکوت معنات از بهشت فردوس و
طوبی و جنات عدن طعام دهد و از روضی که خدا تعالی از او جنان
عدن بدست خود نشانده و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرموده
بیچ کدام دوست تر دارم از آنکه عصا دینده او آید کم و اهل بابت خانه
از مسلمین را اعیال خود کم کرد گرسنه ایشان را سیر کرد نام و برهنه را
پوشانم و ایشان را از حاجت مردم برهانم دوست دارم از آنکه عصا
بیچ کدام و هر کس خوشی در معیشت اعانت کند یا برهنه را پوشانم
خدا تعالی هفت هزار ملک موکل کرد آنکه در وقت صبح بر سر همه
گناهان او استغفار کنند و در وقت عصر بر سر همه از ملک آمده
و هر کس خوشی را جامه بپوشاند خدا تعالی او را از جامه های بهشت
پوشاند و سکرات موت بر او آسان گردانند و قبرش را وسیع کنند
و چون از قبر بیرون آید ملائکه استقیان او کنند و پیش از حق دهند
و در جناتی که نام بهشت در او پوشند و تا از آن جامه رسته باقی
باشد ملائکه بر او فرود فرستند و در زمان خطباتش و نیز در روز
که هر کس سخن برهنه را در میان خود بگوید خدا تعالی او را از استیلا و جنت

پوشاند و اگر خوشی می رانند و در صورت رحمت خدا باشد تا از آن بجا آید
مانده باشد هر وقت که لسان شایسته نگوید و مکر به خصلت می کند
آنرا سهل و حقیر بخاری ندارد نظر کن ختم شود و می آید چنان که
تا بروی کو را شود و می آید در لای ان تخمیل کنی تا تمام شود
چون این سخاوت مر لای شود احسان در پیش خدا عظیم گردد
فصل نهم در فضایل قرض دادن و احکام متعلق بآن مرست
از اهل بیت ظاهرین علیهم السلام که بواسطه قرضی بدها می باشد و ثوابی
در این یکی بچیده و هر کس غرضی قرض دهد تا وقتی که قدرت بر رد آن
آن یا بکار نکند و نماند و برای بصدق حساب شود و بین
مرست که هر کس غرضی قرض دهد بمرست درم مثل کوه احد
و طور سینا و صفای کوهیت در مدینه حسانات عطا فرماید
اگر در مطالب مدارا و ملائمت کند بپس آب و عذاب چون قرض
خاطف اخضر لای بکنند و نه مرست که هر کس در ماند و راقی
دهد و در مطالب مدارا کند خدا تعالی بکند و هم هر راقی عطا فرماید
عطا فرماید و هر کس غرضی قرض دهد و قضای حاجتش کند و بگوید
مسئره که در آن حضرت بنابر اصلی الصلوات که و سلم عسیر که در میان
و چون و جزام و برص از دفع شود و اگر مقدر باشد و ندهد

بهشت بر حرام شود و مر و نیست که قرص دادن خیر و مان و انشرو
امثال ان از جمله حکاوم اخلاق است و جلیه رزق کند و صفات
در ان صورت فقر باشد و هر کس قرص دار بریشانی رصه ملت دهد
یا چیزی از حق خود یا بچشت دهد سایه رحمت خدا باشد روزی که
همگی را سایه و پناهی نباشد و از حرارت و خشم جهنم این باشد
و چنانست که هر روز مثل ان تصدق کند و اگر مسیقی را سالک کند
هر روزی را بد و در هم توای باید فصل در هر دو سایر و جو
خیر و بر از انچه معلوم است و حق معلوم است که کسی از مال خود
قدی معین بقدر وسع خود مقرر کرد آنکه که هر روز یا هر هفته یا هر
ماه یا هر سال و جملا مدتی معین بقدر اوساکن دهد و یا اتفاقا
در قریب مجید فرموده روز قیامت دوزخ اولانکه کنه و بیایست
طایفه کسی ماکه از انکه راست و کرد ایستاده و طایفه ابرس هم جمع
و ذخیر کرده مگر چند طاقت را یکی آنکه در مال خود حق معلوم مقرر
کرده باشد و از جمله و جو خیر بنای مساجد است و رعیت از
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که هر کس در دنیا مسجیدی بنا
کند خدا مال بقدر ریاضت و جیب از ان یا هر یک که دلخ تر و دارا و دست
بنا کند در بهشت شهری که چهل فرساده راه باشد از طلا و نقره و در

و با قوت و زور و بزرگوئی و در هر شهری چهل هزار هزار قصر در هر
 قصری چهل هزار هزار راسی و در هر شهر چهل هزار هزار خانه و در
 هر خانه چهل هزار هزار سریر بر هر سریری یک کجوری و در هر خانه چهل
 هزار هزار قلام و چهل هزار هزار کتیبه که در او این بوالی و کمال
 خوبی و چهل هزار هزار رخسار بر هر رخسار هزار هزار کاسه و بر هر
 کاسه چهل هزار هزار نوع از اطعمه و نعم باشد و احادیث متذکره آمد
 که گاهی مردم در اطراف آبادی سناک چنین میکردند برای مسجد از
 اشعه طاهرین عالم که می رسیدند که این نیز از انجمن است میفرمودند
 بی و از انجمنهای سناک است در راهها جویت از هم آنحضرت
 سلی علیها و آله و سلم که هر کس در راهها پناهی و مغزی بسازد
 که قافله شریف و زاینده چون روز قیامت معروف شود و هر کس
 از دروازه باشد و نور و روشن بر تمام اهل محضر طایان باشد و از حضرت
 ابراهیم خلیل علیه السلام که در مکان فراموش نماید و اهل محضر گویند
 این فرشته است که مثل او در میان فرشتگان نیست و چهل هزار
 هزار کس بشصاعت او داخل بهشت شوند و از انجمن حق رقبه است
 و رویت از اهل بیت طاهرین عالم که هر کس بنده مؤمنی آزاد کند
 خانه در بهشت برایش ناسود و بجز عصبی از عصبی اند و از انجمن

چهل

از او شود حتی بفرج و کاف و مشرک نشاید آزاد کردن و اگر
طفل یا پیر یا عاجز را آزاد کنند باید نفقه اش بدهند تا وقتی که
خودش قدرت بر تحصیل معاش بیابد و بنده که در حال غنی
باشد آزاد کردنش سودمند نیست **باب بیستم هفتم**
در فضایل روزه و احکام متعلق بآن از ادب و فضل و احکام
و متعلقات آن از ادب و ثواب و این جمیع ان شاء الله
در ده فصل بیان شود **فصل اول** در فضایل مطلق روزه
بریت از اهل بیت طهر بن علی **علیه السلام** که هر چه بیز از زکویت و
زکوة بدن روزه است و روزه سه بریت از اثنی عشر و روزه
هشت در عبادت است اگر چه در خواب باشد مادام که غیبت
مسلم نکند و خدا تعالی فرموده روزه مخصوص است **بر اهل بیت**
سین عبادتهاست و از یاد و در دست پیوسته بر منبت
و بوی هفت روزه دانه **پیشین** چهار است از بوی شان و یک روز
روزه که خالص برای خدا تعالی باشد برابر است با یک سال و هر
روزه خورد در اینها در خدا تعالی فرماید ای ملائکه بنده من
از این پناه میجوید پناهش دهید و ملائکه را فرماید که برای این
روزه مندان دهانکند و دهانهای ایشان را **الیترا** اجابت فرماید

و هر کس یک روز روزه گیرد در بندت کرم او نشیند و خدا تعالی
 هزار ملک هر کس فرماید که با او ملاطفت کنند و بشارت دهد
 تا وقتی که افطار کند و فرماید چه خوش یکدم از بوی قوای ملائکه
 گواه یابید که کناهاش را امر فرماید و حضرت پیغمبر صلی الله
 علیه و آله و سلم روزی فرمود میفرماید شما را چیزی تعلیم کنم
 که شیطان را از شما دور کند مثل دوری شرق از مغرب گفتند
 بلی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود روزه و پیش از سیاه
 کند صدقه بپوشش بپوشد و دوستی برای خدا و معاشرت
 بر کارهای خیر بخش ازجا بکند و استغفار از دلش قطع کند
 و خواب روز در عبادت و نقش تسبیح و عملش مقبول و دعا
 مستجاب شود و هر کس روز روزه گیرد که بر او واجب نباشد
 مغفرت کناهاش از خدا واجب شود و بسبب اینست که کسی که روز
 روزه گیرد یا دو رکعت نماز کند خدا تعالی قهای بعد از آن هرگز
 تو را عذاب نکند و بیست و دو واجب که نام و چون روزه در پیش
 جسی دارد شود که چیزی نخورد و هر کس که در پیش باشد بر او
 تسبیح کند و ملائکه برایش استغفار نمایند و سه چیز است که
 بلفظ قطع کند و حافظه زیاده کرد اند روزه و مسواک و تلاوت

قرآن فصل دوم در فضایل روزه ماه رجب حرمت

از اصل بیت طاهر علیهم السلام که رجب نام حریت در بهشت سفید

از شیر و شیرین تر از عسل هر کس یکروز دین ماه روزه گیرد

از آن نهر بیاورد و آنرا دوزخ صد ساله راه آرد و در شود روزه

دیگر آمده که هر کس یکروز دین ماه روزه گیرد و غلصه غضب

الهی را نباشاند و میان او و دوزخ خدا تعالی هفتاد خندق فاصله

گشاید هر خندق مثل مایه این زمین و آسمان باشد و بهشت

او را واجب شود دوم از ایشان علیهم السلام که هر کس روز اول

این ماه روزه گیرد بهشت او را واجب شود و اگر روز دهم یا نهم

روزه شفیق گناه کاران شود بعد از قیله رجب و مضحک در

قیله آمده از اعظم فیاض العرب و اگر یکروز روزه بگیرد از پادشاهان

بهشت شود و شفیق بر پدر و مادر و برادر و خواهر و اولاد و عم و

عمه و خاله و خاله و اشقائیان و مسایگان خود شود که هر چه مستحب

انسان باشد و نیز هر چه روزه یکروز دین ماه یکروز از اول و

یکروز از میان و یکروز از آخر روزه گیرد گناهان گذشته

هر امر زنده شود و اگر سه روز روزه بگیرد گناهان گذشته

هر امر زنده شود و اگر چهار روز روزه بگیرد گناهان گذشته

هر امر زنده شود و اگر پنج روز روزه بگیرد گناهان گذشته

ازین ماه روزه گیرید یا در پنج ماه باشد و وقت شام او روزه دعا
مستجاب باشد اگر برای دنیا دعا کند خدا تعالی عطا فرماید و اگر طهر
از آنکه هر کس از او بپا و اعتقاد دعا کرده اند برای آخرتش ذخیره کند
و اگر دو روز روزه گیرد در زمین حصاد حق محسوس شود و بپایش
سیهفت رود و هیچکس از احدی ایمان و زمین نتواند بیان کرد آنچه
از فضل و کرامت دیش خدا تعالی برای او مهیا است و کند ایمان
کند ششدهایش هر امر زیاده شود و اگر ستر روز روزه گیرد کند ایمان
کند ششدهایش هر امر زیاده شود و هر کس از دوستان و اشقیان
را که خواهد شفاعت کند و محبت حق او بر خدا تعالی واجب شود
و اگر چهار روز روزه بگیرد از جنونی و جذام و زهر و از قنطاریه
و عذاب و بلی و غیره مثل اجر تو این اولین او این برایش نویسد
و نامه اعمالش از دست راست در او ایل عابدین یا و دهست
و اگر پنج روز روزه بگیرد روز قیامت رویش مثل شمس چهارده ماه
و بعد در یک پایان عالم حسنات دهند و بچهارویست
برند و گویند هر چه میخواهی از خدا طلب کن و اگر شش روز روزه
بگیرد از اعتبار بر او آید رویش از انقلاب روشن تر باشد و غیر این نور
دیگر باو عطا فرماید تا محشر این نورانی شود و از اهل قیامت

این باشد و چنانچه هفت رود و اگر هفت روز بکشد هفت
در روز از ویست شود و نقش بر و سحر کم کرد و اگر هفت روز
یک روز هفت در هفت بروک شود و اگر یک روز بکشد روز
قیامت او را نوری عطا کنند که اهل محشر همان کنند که هر آن که
اینجا است و کمترین توان اینست که چنانچه هفت روز و اگر
ده روز بکشد خدا تعالی دو بال یا دهد و منظم بدو یا قوت
که چون برق از صراط بگذرد و سیئاتش بچسبات مبدل شود و
از جمله معجزات نوشت شود و چنانکه کفر و اسباب عبادت که با
و اگر یا زده روز بکشد روز قیامت همچون مثل او نباشد بلکه یکی باشد
یا بیست که گفته باشد و اگر ده یا زده روز بکشد و ده که از سبب
و است بر قیامت در پوششند که اگر یکی از اینها باشد از آن
از مشرق تا مغرب را روشن و بوی خوشی ترازد مشک و گلاب
و اگر سی و ده روز بکشد روز قیامت که هر کس بچست و بایده
باشد برای او ده سائیر بنی خوالی گذارند که قوت سبز هفتاد
و سی و سیع تر از تمام دنیا که در آن کاسها و صحنها باشد و از در
یا قوت و در هر کدام هفتاد نوع نعمتها باشد که چنانچه در
شبهه نبود و او در کنایه بعیش و نعم مشغول باشد و اگر چنانچه

روز یکروز نقد رقصها و بوالهلبا و دهند که هیچ نمی ندید و هیچ
 گویی نشنیده باشد و اگر بازده روز یکروز و روز قیامت و رفت
 امین بایستد و هیچ بگیری و فرشته برو نکند مگر که گوید
 خورشید باد که تو از جمله مقرانی و اگر شانه روز یکروز از اول
 جماعت باشد که بر مرکبهای نوز سوار باشند و در عهد هفت
 سیر کنند و اگر هفت روز یکروز و روز قیامت هفتاد هزار
 شمع از نور بر سر طرک دارند که در روشنی آنها برود و ملاطفت
 و ملاطفت مشایختش کنند و اگر هفت روز یکروز در جنت
 خلد بر سر روز و یا قوت یا حضرت ابراهیم علیه السلام را بیاورد
 و اگر نوزده روز یکروز در جنت عدن برای حضرت بنی کانداز
 و ملوک و در جنت حضرت ابراهیم علیه السلام که بر سر سلام کنند و
 با هم صحبت دارند و هر یک روز که روزه کوفت باشد مثل هر ساله
 روزه باشد و اگر روزه روز یکروز چنانست که یکپشت هر سال
 عبادت کرده باشد و اگر روزه یکروز یکروز و بعد از یکروز
 و مضرت کفاه کار از استغفار باشد و اگر روزه و در روز یکروز
 حاکم از انسان ندانند که ای ولی خدا خرده باشد که یکروز امتی
 عظیم از خدا و رفاقت بنین و صدیقین و شهدا و مومنان

و آدم علیه السلام

و اگر سبت و سه روز بگذرد از آسمان نفا کنند که خوشه باد اندک
 منقشی کشیدی و در روز اسلام همسایه و هفتین حضرت الهی
 عالمی گشتی و اگر سبت و چهار روز بگذرد وقت رحلت
 ملک الموت بصورت خرافی صاحب جمال آید در یکدست حریری
 سبز بمشاک انفر معطر و در دست و یک قدح طلا هم از شراب
 از آن شراب باو دهد که سگرات موت آسان شود با آن حریر
 قبض روحش کند و ملائکه هفت آسمان بر وی او استغاث
 کنند و سیاراب در بر بفرمایند و سیلاب بیرون آید تا او در حوض
 کوشد و اگر سبت و پنج روز بگذرد و چون از قبر بیرون آید هفتاد
 هزار ملک استقبالش کنند و با علمهای دنیای اوت و جامها
 و زینتهای بهشت و پوششند و کوفتهای طلا و نقره
 پیش خدا او را بجا عقوبت باشد که با او در این دنیا عفت بود و اگر
 سبت و شش روز بگذرد در سایه عرش برایش صد قبر از روی اوت
 بنا کنند و بر سر هر قبری نیمه از هر بهشت در اینجا هر اعت است
 و هر دم هنوز مشغول حساب نباشند و اگر سبت و هفت روز
 بگذرد بر وی و بقعه بجا دهد سلاطین و سیم کنند و از شام عت
 بکنند و اگر سبت و هشت روز بگذرد میان او و قریح هفت خدا

فاحاصل کند که هرگز هریک با نصد ساله را به باشد و اگر سب و در روز
یکبار دیگر گناهانش آمرزیده شود هر چند عظیم باشد و اگر کسی روز
تمام یکبار خدا تعالی از او اخصی شود و هر کس خدا از وی اخصی شود هرگز
عذاب نکند و بد نیست چهل هزار هزار قصه طافه یابد و در هر
قص چهل هزار هزار خانه و در هر خانه چهل هزار هزار روان و در
هر خان چهل هزار هزار اکاسه در هر کاسه چهل هزار هزار
نوع نعمت و در هر خانه چهل هزار هزار سریر که طول هر سریر دو
خزار ذراع باشد بر هر سریری حوی غنمت هر یک را سیصد
کیسو آویخته و در هر یکی از آن کیسو دست استاده فصل
سی و چهارم در فضایل رفته ماه شعبان مرویت از حضرت شهاب
صالح علیه السلام که فرمود ماه شعبان ماه منتهی کردن کارهاست
این ماه رفته گیر و من نشویم و باشم و اگر در روز بزرگ گناهان
گذشته اش آمرزیده شود و اگر سه روز روزه بگیرد مشکلی ندا کند
که حالتش از سر گیرد که گناهاتش آمرزیده شد و جمیع انقضات معلوم
از فضل روزه واجب ثوابی که دهند فرمود چراغ شعبان بخار سپید
که انقضای است از وجوب و عمر از حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم
مرویت که هر کس یکروز از این ماه روزه بگیرد گناهانش آمرزیده شود

و نیز بدینست که روزه شعبان ذخیره روز قیامت است و هر کس در این
روزه بسیار بکشد خدا تعالی بهشتش را اصلاح فرماید و نیز بدینست
که عبادت فرماید و کمتر از ثواب کسی که یک روزه از این ماه روزه بگیرد
اینست که او را بهشت واجب شود و نیز بدینست که هر که در اول ماه روزه گیرد
بهشت او واجب شود و خدا تعالی برای او عطا احسنه نویسد که
هر یکست بر این یکسال عبادت باشد و اگر در روز دیگری که عظمی
که موجب عداوت باشد محو شود تا در دنیا باشد هر شبانه و در دنیا
بر وجهت نظر کند و در بهشت هر یک نظر از دنیا ندارد و اگر سه روز بگیرد
در بهشت هر روز خدا تعالی را بر عرش نیابت کند و عطا دهد و در روز
در دنیا وقت برایش بلند کند مانند اگر چه در روز بگیرد و در قیامت
وسیع کند و اگر پنج روز بگیرد خدا تعالی محبت او را عطا دهد و در
جا دهد و اگر شش روز بگیرد این عطا دوزخ با او ایمن شود
و اگر هفت روز بگیرد از ابلیس و جنودش محفوظ گردد و اگر هشت
بگیرد از دنیا رود تا از حوضهای قدس این دهد و اگر نه روز
بگیرد بیکه و منکر را در وقت سوال با او مهربان گرداند و اگر نه روز
بگیرد قبرش را عطا دهد و در عطا دوزخ وسیع گردد و اگر نه روز
و اگر یازده روز بگیرد یازده مستحق نور از قبرش وضع نماید

و اگر دوازده روز بگیرد هر روز در هفتاد هزار سال زیارتش
کند و اگر سی و نه روز بگیرد ملائکه هفت آسمان برایش استغفار
کنند و اگر چهارده روز بگیرد هر چه بختی ماهیان دریا برایش
است تقاضا کنند و اگر پانزده روز بگیرد خدا بقای فرمایند جزئی
و جان خودم قسم که تر لایش غذای نکند و اگر شانزده روز بگیرد
هفتاد و بیایانش از خوشی شود و اگر هفده روز بگیرد هر درخت
دراز از بوست کردد و اگر هجده روز بگیرد هفتاد هزار نفر
از دنیا فوت دهند و بیاد دهند و اگر نوزده روز بگیرد هر
دهای بهشت برو کشوده گردد و اگر بیست روز بگیرد هفتاد
هزار روح العین برایش ترویج کنند و اگر بیست و یک روز بگیرد
ملائکه الهی بر او ملاطفت نمایند و اگر بیست و دو روز
بگیرد هفتاد سال از ستمی و استیغی درویشند و اگر بیست
و سه روز بگیرد چون از قبر برون آید بر مرکبی از نور سوار شود و به
بهشت رود و اگر بیست و چهار روز بگیرد شیخ هفتاد هزار کس از
اهل توحید باشند و اگر بیست و پنج روز بگیرد از عناق بری شود
و اگر بیست و شش روز بگیرد از صحرای لکزد و اگر بیست و هفت روز
بگیرد از آتش برافوت یابد و اگر بیست و هشت روز بگیرد روشن گردد

و فشان باشد و اگر نیست و نه روز بکیر بر صیاب اگر لطف فایز
 شود و اگر سی روز تمام بکیر و خطای تعالی فرماید که اگر گناه تو بعد
 ستاره آسمان و قطرات بیلان و برکت در خدای و خالق زمین
 و دیار پلایان باشد که هر روز از هر روزم و نیز هر روست که هر یک ماه
 شنبان را متصل کند که هزاره گناهان گذشته و آینده اش باشد
 و نیز هر روست که هر یک سه روزه از آخرین ماه روزه گیرد و بیست
 مبارک رمضان متصل کند چنانست که دو ماه متوالی روزه گرفته
 باشد و هزاره گناهان باشد فصل چهارم در فضایل
 روزه ماه مبارک رمضان هر روست از حضرت خیر علی که
 وسلم که فرمود که شما فضایل این ماه را بداند خدا تعالی انکه بسیار
 کند که این فضل شما فرموده و هر یک این ماه از روزه بکیر در روز
 اول که آنکه از روزه شود و در هر روز از روزه در جبرایش باشد کند
 و بخواهد که روزه بکیر بنام کند و روزی که بکیر و روزه بکیر یکساله
 و روزه یکساله نویسد و روز میم یکساله هر موی که در بدن
 دارد بکیر و در هر روز عطا فرماید از در سفید که بکیر و روزه
 و در روزه و روزه خانه از روزه باشد و در هر خانه هزاره
 سیری حوری نشسته و هر روز هزاره ملکهای با تحفه و

ماه رمضان

پیشتر آید روز چهارم در جنت خلد فرار قصر عطا فرمایند
در هر قصر هفتاد هزار خانه و در هر خانه یک سر بر هر سر بری حوری
نشیند در شدت حرارت فرار کنند از آن که مقتدر حرارت از دنیا
بجاست است اتمام دنیا و ماینها و روز پنجم در جنت الماوی فرار
فرار شهر در هر شهر هفتاد هزار خانه و در هر خانه هفتاد هزار حور
در هر حور هفتاد هزار کاسه در هر کاسه شصت نوع طعام که
همگی یک نام بدیگری شبیه بود روز ششم در جنت التالام فرار
شهر در هر شهر هزار سر در هر سر صد هزار خانه و در هر خانه صد
هزار سر بر هر سر هزار حور باقی ماند بر هر سر بری حوری
نشیند از هر حور یک کاسه و یک کاسه با دریا قوت یافته و
کسی از حرارت را که یک کاسه در دست گرفته و روز هفتم چهل هزار شهید
و چهل هزار صید بن جفا فرمایند و روز هشتم در جنت
فرار جادو شصت هزار نعل و روز نهم توایب هزار عالم و هزار
مغفک و فرار از لطف بی بی الله و روز دهم چنان باشد
که هفتاد هزار حور بر آورده باشد و آفتاب و ماه و ستارگان
در هر لحظه و آن حق بود و صیاح و سنک و کلوخ و دلهایان
در آواز و بعد از آن برایش استغفار کنند و روز یازدهم توایب

بج و چهارم که هر پنج با پنجمی و هر یک با صدین یا شصت
باشد و روز دوازدهم سببانش بدل به سببش شود و سببش
مضاعف گردد که هر یک بر ابرها و سینه باشد و روز بیستم
مثل عبادت اهل کعبه و مدینه و بعد در سنگ و کلوخی
در میان مکه و مدینه شفاعتی عطا فرمایند و روز چهاردهم
چنانست که یا حضرت آدم و نوح و ابراهیم و موسی و داود و
سلیمان صلوات الله علیهم همین ملاقات کرده و صحبت داشته
باشد و چنانست که یا هر چیزی دو شب سال عبادت آن باشد
و روز پانزدهم جمیع حوائج دنیا و آخرت و مثل ذاب حصنها یارب
عالیه که عطا فرمایند و دعایش سجاب باشد و محله عرض برایش
استغفار کنند و روزه قیامت چهل روز عطا فرمایند در هر
چهارشنبه که روزه نشاء از دم چهل روز هر روز یک آید شصت حله
از هیئت در پوشند و بر روی لبت سوار شود و برایش
از حرارت آن روز سایه بکشد و روز هفدهم گناهان او و
گناهان انبایش آمرزیده شود و از شایده روز قیامت ایمن گردد و
روز هجدهم خداوند او را بیکه جبرئیل و میکائیل و اسرافیل
و جبرئیل و میکائیل و اسرافیل استغفار کنند تا سال دیگر و روز قیامت

ثواب اینست که او عطا فرماید و روز قیامت جمیع ممالیکه آسمان و
زمین از خدا تعالی اذن خواسته هر روز زیارت قبرش آید هر یک
با هدیه و شری از بهشت روز پستیم هشتاد هزار ملک بر او مکمل
شوند که از شیاطین محافظت نمایند و بعد از هر روز که روزه
گرفته ثواب صد ساله روزه عطا فرماید و میان او و روز قیامت
فاصله کنند و ثواب هر کسی که توبه و انجیل و زبور و فرقان خواند
و بعد از هر پری از بال جبرئیل عبادت یک ساله و ثواب در هیچ حال
عمرش و کسی عطا فرماید و بعد از هر آیه از قرآن حوری بر او فرستاده
گردد و روز پستیم و یکم خدا تعالی قبرش را هزار فرسخ وسیع گرداند
و رحمت و طاعت قیامت و برگرد و قبرش را مثل قیامت نهاد اگر فانی
و یونس را مثل یونس حضرت یوسف علیه السلام کند و روز پستیم و یکم
ملک الموت و طاعت قبرش را که خوش جهان آید که در دنیا باقی ماند و هر
منکر و نیکور و هموم دنیا و عذاب آخرت از او برخیزد و روز پستیم
و سیم با نبیین و صدیقین و شهدا و صالحین از صراطی که بگذرد و
جنانست که هر یک و امیر و پسر و پسر و پسر و پسر و پسر و پسر و پسر
و پسر و پسر از دنیا آید که جای خود در بهشت یابد و ثواب هزار
مریض و هزار غریب که بطاعت خدا از وطن رفته باشند یابد و چنان

باشند که هزار بنده از اولاد حضرت اسماعیل علیهم السلام اند که در روز
 بیست و پنجم خدا تعالی در زیر عرش بر ایشان هزار رقیب از نور سب برینا فرستاد
 بر سر هر قبیله خیمه از نور و فرماید ای بنده من در پناه عرش من دین
 قبیله پاسای و از نعمتهای بیشت تمام نمای و از هر چه بخواهی واده در دنیا
 باش و هزار تاج نور بر سرش بگذارد و بر هر یکی از نور سوار شود که در پیش
 از نور باشد و بر هر نهامش هزار حلقه از طلا و بر هر حلقه ملک و ملک
 در دست هر ملک عمودی از نور تا داخل جنت شود و اولین و آخرین
 از حال او تعبیه باشند و در روز بیست و پنجم خدا تعالی بظهور جنت
 بر او نظر کند و همه کنهاتش را بیاورد که خون و مال مردم و روز
 بیست و هفتم چنانست که هر مؤمن و مؤمنه را نصرت کرده و بشارت
 هزار بر بند را بپوشانیده و هزار بر را بطریق میل الله با خود است
 کرده و بجهنم گشت الحقی را خوانده باشند و در روز بیست و هفتم تو سزا
 و در جنت نعم صد هزار خانه از عنبر اشوب و در جنت فردوس صد هزار
 شهر در هر شهر هزار حجره و در جنت النجاة صد هزار امیر از شداد
 در دوزخ هر بن بر هزار خانه و در دوزخ صد هزار خانه و در دوزخ
 از دوزخ و با قوت بر هر سدری می نشیند عطا فرماید و روز
 بیست و نهم هزار هزار منزل و در هر منزل یک بنده از هر قبیله

در جنت کلید صراط از شهر اندر و در جنت النجاة صد هزار امیر از شداد

سیری از کافور و بره سریر و سندان سندان مسی بر سر میزند
هریشت هفتاد هزار ساله پوشیده و هشتاد هزار کیس کلان
و بافت او بخت عطا فرماید و چون می بخت تمام شود بعد از روز
که روزه گرفته نواب هزار شهید و هزار صدیق و عبادت خواه
عطا فرماید و هر روز که روزه داشته باشد بر او روز هزار روز
باشد و بعد از درخت و گیاه که از آب و روغن بل است درخت
باشد که چاند و از عذاب قبر این باشد و بر سر او یکصد روز بهشت
و ادبیت ریان نام که تار و قیامت کشود و نشود از او بکشانند
و رضوان و صلوات بهشت گوید ای روز و دان ماه مبارک و روز
از امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم ازین در داخل بهشت شوید
پس حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود کسی که درین ماه
امر زنده نشود در کلام خدا خواهد شد و تفصیل را بعد از این
مستحب هر يك در جای خود باید ان شاء الله تعالی فصل پنجم
در ادب صیام و رویت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که روزه گرفتن
همین از خودین و انشاء میدن نیست بلکه چون روزه گیری باید چشم
گشود و موی و پوست و هر چه راجع و اعضا است از حرام و قبح در روزه
باشد و روز صیام مثل سایر ایام نباشد با هر چه مجادل و مشاغل

مکن و در سجده و شکر و ستنام مده و قیم خود و مردم را حتی خاتم
مؤمنان و آزار مکن حضرت پیر صلی الله علیه و آله و سلم را
دید روزی که گفتین خود را ستنام دادان حضرت آن روز
طلبید و طعام طلبید گفت خبر گفت من روزه دارم فرمود چون
روزه داری که ستنام میدی روزی که عین از طعام و شراب
نباشد چون کسی روزه دار را ستنام دهد او بگوید من روزه
دارم و مثل خود ستنام غیبه هم خدا تعالی فرماید بندگان من روز
پناه برد او را از آتش پناه دادم و بگوید که در روزه و در
شبانه روز جمعه و در شب مطلقا و در شبانه روز ماه مبارک
رمضان و کسی که محرم و در محرم مکه معظمه سفر خواندن نشاید کرد
در مدایح اهل بیت علیه السلام باشد و مراد از این شعر آنست که مثل
بر کذب و محرم و طعن یا بی خیالات و غفایات و در اهای
باطل و غیر واقع و امثال این باشد چنانکه در میان شعر اشک
اگر چه موضوعش این باشد مثل مدح اهل بیت علیه السلام و اگر چه
شان ایشان ارفع از آن باشد و اما اگر معانی حق باشد
و موضوعش نیز حق باشد مثل مناجات و تضرع و مدح اهل
علیه السلام قصوری ندارد چنانکه از منبع کلام محبوب و اخبار و اقا

اصل بیت **علیهم السلام** ظاهر و مبین است و روزه دار افضل نیست
که مضامنه و استنطاق نکند مگر برای نماز فریضه و با حوب تر
مسواک نکند و اما اگر حوب خشک باشد و آب ترکند و حرکت دهد
تا آبش هم بریزد و قصور ندارد و سه مرتبه که مشاک داشته باشد
یا طعمش در کالو محسوس شود در چشم نکشد و جامه تر نشود
مگر بعد از نشستن اما در آب نشستن قصور ندارد مگر زنان را
و مشاک و ترکی و ریحان و هر گیاه خوشبو بنویسد که این جماعه
برای حیایم مکروه است اما سایر عطرها و کلهها و بخور و قصور
ندارد بلکه تعطیر و بخور برای حیایم مستحب است و حرولیت که
روزه دارد اول روزه تعطیر کند عقلش زایل نباشد و قصور
در حرولیت از اصل بیت ظاهر **علیهم السلام** که در ماه مبارک
رمضان افضل نیست اگر چه سحر نکند و در غیر این اگر سحر
سحر نکند و اگر نخواند نکند و هر کس همیشه سحر نکند اگر چه
انظار آب تنها کند که قوت بر صوم دهد و خدا تعالی
بر سحر کننده صلوات و رحمت فرستد و هر کس در وقت
سحر و افطار از آن گناه بخواند چنانست که در راه خدا درون
خرد عظیمه باشد و فصل هفتم در انظار و حرولیت

از اصل بیت طاهر بن علی السلام که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم
 افطار بجاوایم فرمود و اگر حالو انقباض بوده یعنی یا خرم یا اگر بجهل
 نمی بوده بآب نیم گرم و افطار بآب نیم گرم معده و جگر را پاک کند
 و بوی دهن خوش کند و دندان محکم گرداند و چشم و اخوت دهد
 و کتاهان از دل بشوید و رگهای چندی را تسکین دهد و صغیر
 بشکند و ببلغم قطع کند و حرارت معده و صدمه زایل گرداند و
 افضل اینست که اگر کسی اسهال را نکشد افطار بعد از نماز شام
 کند که روزه نماز تمام شود و بعد از روقت افطار واجب شود
 و فضل قرائت انا انزلناه در وقت افطار در فصل باین گذشت
 و اگر در وقت افطار بگوید یا عظیم یا عظیم یا عظیم
 اَنْتَ اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اغْفِرْ لِي الذَّنْبَ الْعَظِيمَ
 اَنْتَ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ اَلَا أَنْتَ يَا عَظِيمُ از کناه
 پاک شود مثل روزی که انما در متولد شده و ایضا در وقت
 افطار بگوید بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ اَنْتَ تُمْسِكُ عَلَيَّ رِزْقِي
 اَقْطِرْ نَافَقَتِي مِنْ اَنْتَ اَنْتَ التَّوَكُّلُ الْعَظِيمُ فصل
 هشتم در تقطیع صایم مرویت از اهل بیت طاهر بن علی السلام
 که هر کس صایم را افطار نماید مثل نواب ایستاد باشد و هر عیادت

و حننه که بقول آن طعام کنند و در فوائش شربت باشد و افطار فرمود
صایم افضل است از هر چه که خورد و اگر در ماه رمضان افطار فرمایند
چنانست که بپزند و از آن کنند و نهاره کنایه آن گذاشته اند باشد و حضرت
امام محمد باقر علیه السلام یکی از اصحاب فرمود میتوانی که در ماه مبارک
رمضان هر شب ده بنده از اولاد حضرت امیر علیه السلام ازاد کنی گفت عالم
باین قدر وفا کند پس بگفت که میفرمود و می گفت نمیتوانم تا در این
رسیده و گفت نمیتوانم پس فرمود میتوانی هر شب یک مسلم را افطار
فرمائی گفت بلی ده مسلم را نیز فرمود و مقصودم همین بود که افطار
فرمودن مؤمنی مثل ازاد کنی بنده ایست از اولاد حضرت امیر علیه السلام
فصل نهم در فضایل افطار کردن برای سرور و خوشی و عزت
از اهل بیت ظاهر و باطن علیهم السلام که در خانه برادر مؤمن افطار کردن هفتاد
مرتبه افضل است از روزی که در خانه و چون کسی روزه غیر واجب داشته
باشد و بر مؤمنی وارد شود و تکلیف افطار بر او کند افطار کند و او را
مسرور سازد اگر چه بعد از عصر باشد برابر است جاده روز روزه
و اگر افطارها در وقت صبح باشد که گذاشته افطار کند مثل یکساله روزی
و ازین حدیث و سایر روایات بسیار که در سر و مؤمن وارد شده
توان دانست که چه وجه افطار کردن سبب خوشی و بار خیر و لذت است

باید که اگر چه در خانه نباشد فصل در ایام احکاف
مرویت از اهل بیت ظاهر علیکم السلام که افضل اوقات برای احکاف
ماه مبارک رمضان است حتی آنکه مرویت که احکاف نباشد
مگر در عشر آخر ماه رمضان و در روز احکاف در ماه رمضان بر آب
بادیج و دو عسکر و احکاف که از سه روز نباشد و بیشتر هر
قد خواهد تواند حاصل احکاف مستحب است اما چون در روز
بگذرد روز سیم واجب شود و همچنین هر روز سیم واجب باشد
مثل ششم و نهم و دوازدهم پس در روز اول و دوم با اختیار تواند
فتح نموند و بیرون رفتن و در روز سیم بی ضرورت بیرون
نمواند رفت و شرط است در احکاف روزه داشتن پس کسی که روزه
نمی تواند داشت یا در وقتی که روزه نتوان داشت احکاف صحیح
و هر روزه که باشد بخیری بود خواه واجب و خواه غیر از آن نیز
شرط است که در مسجدی باشد که امام عادل در آن ناکند از دنیا
و افضل مسجد برای احکاف مسجد الحرام و مسجد رسول الله ص
علیه السلام و مسجد کوفه است و در ایام احکاف بی ضرورت بیرون
نماید رفت و جایز است بیرون رفتن بر کسی که نماز جمعه یا حضور
جانه یا عیادت مریض و غیره از حقوق این کار ضرر ندیده

و چون برای حاجتی بیرون رود در جای نشیند تا آنکه مسجد بخیزد و برون
 کند و نماز بخواند و آن مسجد نکند و اگر نماز جمعه باشد و مسجد منقطع
 که در هر موضع از آنکه نمازگذار و صحیح باشد و حرام است در ایام
 اعتکاف باشد و اگر رفتن خواه روز و خواه شب و درین ایام اگر
 در یاسین و مجادل یا هر دم و بیع و شتر احتیاز نماید و در وقت
 که وقت رفتن با اعتکاف باشد شرط کند که اگر امری ساخت شود
 بیرون رود که چون این شرط کرده باشد هر وقت امری عارض
 شود بیرون آید و آن وقت و هر چه بیرون باشد و خولیش از روز
 سیوم و خواه بعد از آن **باب هشتم**
 در اعمال شهر و اعیان و ایام و مقصود ازین باب در
 دو نوزده فصل افتاد و الله بیان شود **فصل اول در ایام**
 روز و شب و نوزده فصل است از اهل بیت ظاهر و غایب
 که عهد و ولایت و خلافت امیر المؤمنین علیه السلام در فدی خ
 دین روز بود و درین روز حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه
 ظاهر خواهد شد و در کات دین و در ایام و اوقات شده
 و مستحب است دین روز و روز عاشورا و غلبه کون و جاهل های
 با کین پوشیدن و مظهر و نمودن و خواندن هرات از آیه الکرسی

واین دعا بعد از تسبیح الهی هفت و ستمین است و آنست
مَلَأْتُ قَدِيمَ آسَافَ خَيْرَهَا وَخَيْرَ مَا فِيهَا وَأَجْوَدَ بِكَ
مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا وَأَسْتَسْكِنُ خَيْرَ مَا فِيهَا وَأَسْتَغْنِي
بِإِذْنِ الْجَلَالِ وَأَكْرَهُ وَهَرَكُنْ دَرِينِ رُزْدَعْدَانِ عَصْرَ كَهْدَانِ
نماز گذارد در رکعت اول بعد از الحمد ده انا انزلناه و در دوم
قل یا ایها الکافرون و در سیوم ده قل هو الله احد و در چهارم
ده معوذتین بخوانند و بعد از تراخ سجد شکر کند و در سجد
این دعا خواند بخواند سالک کتاهن الهی و شود اللهم صل علی
محمد و آل محمد و آل محمد و آل محمد و علی جمیع انبیاء و
رسلک یا فضل صلواتک و بارک علیهتم یا فضل بکمالک
و صل علی ارواحهم و اجسادهم اللهم بارک علیههم
یا فضل بکمالک و صل علی ارواحهم و اجسادهم
اللهم بارک علی محمد و آل محمد و بارک لنا فی دیننا
هذا الذی فضلتک و کرمته و شرفته و عظمتک
قد ره اللهم بارک فی ما انعمت علی محمد و آل محمد
أحمد و غیرک و صل علی فی دیننا یا ذا الجلال و الاکرام
اللهم ملأ قلبی من شئک فلا یغیب عنی شئک و حفظک

وَمَا أَفْقَدُ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَفْقِدُ فِي عَوْنِكَ عَلَيْهِ صَلَواتُ
الْإِلهِ كُلِّهَا مَا لَمْ يَخْشَ الْكِبَرُ بَأْذَا الْجَلَالِ وَلَا كَرَّ الْحَرِّ
وَلَوْ شِئْتَ لَمَلَأْتَ بِأَمْنِكَ وَزَعْفَرَانَ وَكَلَابَ أَشْأَمِ
أَنْ أَمْسَتْ تَأْخُذُ وَتَذَكِّرُ أَعْلَالَ وَأَمْرًا مِنْ جَنَانِكَ مَهْوَ رَأْسِ
وَرَجْعًا مِنْ عَيْنٍ تَقْطُرُ رَيْسِيدهُ مَرُوءِي أَرَضْتِ لِمِثْلِهِ
صَلَوَاتُ أَصْغَرِيهِ وَخَوَانِدِينَ يَا مَحْمُولَ الْكَوْلِ وَالْأَكْثَرِ
خَالِكًا إِلَى كَيْفِ الْحَالِ بَعْدَ حَيَاةٍ سَالِةٍ مَهْوَ رَأْسِ
بِظَرْفِ رَيْسِيدهُ فَصَلِّ وَغَيْرِ دَعْوَاهُ مَهْوَ رَأْسِ
فَارِدِ مَهْوَ رَأْسِ أَرْهَلِي بِتَعَالِيهِمْ عَلَيْهِمْ صَلَواتُ الْإِلهِ
عَلَيْهِمْ وَكُلِّ سَلَامٍ مَا وَفَّقَ يَدَهُ أَنْ يَكْفِيهِمْ كَيْفَ الْمَطْبُوعِ
الَّذِي شَبَّ الشَّرِيعَ الْمُتَصَرِّفِ فِي مَكَادِ الْخَيْرِ
بِالْقُدْرَةِ فِي وَرَثَاتِ اللَّهِ أَلْهَمْ أَهْلَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ
وَالْإِيمَانُ وَالسَّلَامُ وَالسَّلَامَةُ وَالْإِحْسَانُ وَكُلُّ مَا
بَلَّغْتَنَا أَوْ كَرَّمْتَنَا أَوْ رَحِمْتَنَا وَبَارَكْتَ لَنَا
فِيهِ السَّعَادَاتِ وَتَنْفِيَتْ كُنَا فِيهِ الْخَسَارَاتِ وَتَرَفَعَتْ كُنَا
فِيهِ الدَّرَجَاتِ يَا عَظِيمَ الْفَرَائِدِ يَا أَرْوَاحَ دَعَائِي
صِفْ كَلَامَكَ الْجَمْلَ أَمْ وَأَحْمَلُ اسْتِوَاهُ فِي وَقْتِ دُونَ مَا هُنَا

مَهْوَ رَأْسِ

مرتبه الحمد بخواند در آن ماه چشمت از مدام باشد و هر کس این ماه را سپرد
 بخورد امید است که در آن ماه دعا و حاجتش روا شود و اول هر ماه
 دو رکعت نماز گذارد در رکعت اول بعد الحمد سوره مرتبه قل هو الله
 و در دوم سوره تبارک انما اتزلنا به بخواند و آنچه مقدوم شود تصدق
 کند و سلامت آن ماه را از خدا بخواهد بخورد و هر کس در ماه حضرت
 امام حسین علیه السلام را زیارت کند ثواب صد هزار شهید دارد
 شهید او بدو یاد و سنت است در هر ماه سه روز و سه شب و آن
 پنجشنبه اول و آخر ماه و چهارشنبه میان ماه که برابر است
 با صوم و هر دو سوسه ظاهر را دفع کند از آئینه ظاهرین علیهم السلام
 از سبب این روز شوال نمودند فرمودند پنجشنبه برای آنکه
 اعمال در پنجشنبه بر خدا بخواهد عرض میشود خوبت یا روزه نما
 شود و چهارشنبه میان ماه روزه است و اگر آن اقرب
 در چهارشنبه آفریده شده و خدا بخواهد جمیع ائمه سابقه را در چهار
 میان ماه عذاب کرده و روزه امانت از عذاب و اگر در اول ماه
 در پنجشنبه باشد اول الفضل است و اگر آخر در پنجشنبه باشد
 آخر الفضل است و اگر سبب فقر یا مشقت روزه گرفتن دشوار
 باشد قضا کند یا یکدفعه تخمین هفتاد و یک روز یا یک ماه بگذرد

در این چهار روز

یا غیر این اعلامها که تخمینا باین تیرین یکاری است تصدیق
 و روایات بسیار آمده که تصدیق افضل است و در یکای این روایات
 آمده که اینقدر تصدیق در نظر دایم نمود امام علیه السلام هر روز
 مؤمنی را طهارت دادن افضل است از یکماه روزه گرفتن و نیز هر روز
 که هر کس در یکی از ماههای حرام که رجب و ذوالقعدة و ذوالحجة
 و محرم است بختیغنه و جبهه و شنبه روزه گیرد عبادت
 سال برایش نوشته شود و فصل سی و چهارم در اعمال ماه محرم
 الحرام این ماه اول سنه هجری است و حرولیت از اهل بیت علیهم السلام
 علیهم السلام در هر سال روز این ماه دو رکعت نماز ندارد بعد از
 سلام سه مرتبه بگوید اللَّهُمَّ أَنْتَ أَكْبَرُ الْقَدِيمِ
 الْعَقُورُ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ وَهَذِهِ سَنَةُ حَبَدَدِهِ
 فَأَسْأَلُكَ الْعِصْمَةَ فَتُخَالِفُ الشَّيْطَانَ الرَّجِيمَ وَالْعَوْنَ
 عَلَى هَذِهِ النَّفْسِ الْأَمَّارَةِ بِالسُّوءِ وَالْأَشْتِغَالِ بِمَا
 يُقَيِّضُ إِلَيْكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَالْفَضْلِ
 وَالْإِعْظَامِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ خداوندی دو مالک بر و مومنان
 گرداند که در بقیه شیطان از دفع کند و اینها بعد از
 اشاره بروی هر دو می نماید و بر طاعت و حسن

اعانتش کند و روز دهم این ماه قضیه غمی که بار واقع شده بر بنی امیه
 و اتباع ایشان لعنهم الله درین روز تبرک کردند و روزی که رفتند
 و هر کس درین روز روزه گیرد و بآن تبرک کند بآن زیاد لعنهم الله
 در جهنم باشد و هر کس درین روز خیر گذارد خدا تعالی کفایت در روز
 اندازد برکت از او و از اهل و اولاد او اهل بیتش بر دارد و سلطان
 شریف شود و اگر شکی کاری از کارهای دنیا کند ساخته نشود
 اگر شود مبارک نباشد و هر کس درین روز دست از حرام دنیا
 باز دارد خدا تعالی حرام دنیا و آخرت را بر او اعظم مستجاب است
 درین روز مشغول مصیبت حضرت امام حسین و اهل بیت و اقربا
 و اصحاب و علیهم السلام که اعظم و اشد بلا یا ایست بودن و طغیان
 مصیبت نیکان محزون و گریان نشستن و بیامردگی بمان کشودن
 و تا یک ساعت بعد از عصر دست از طعام و شراب و لذات و شهوات
 کشیدن و بعد از آن باندک تربت مقدس افطار نمودن که هر کس
 امروز را روز گیرد و مصیبت خود کرد اند خدا تعالی روز قیامت را
 بر او فرج و مسرت او گرداند و هر کس مصیبت عالم الکرم یا یاد کند و بگوید
 و بگوید یا اکر یا اند روز قیامت با ایشان در درجه ایشان باشد خوش
 کردید در روزی که هر شکی که آن نباشد و هر کس یا الله یا الله بریزد

زیارت کند و بخت او با او باشد و حضرت امام علی علیه السلام
فرمود هر کس روز عاشورا اگر یان زیارت قبر حضرت کند تا اربعه
روز و چهار وعده و در هر روز که در حضرت حضرت نه و
الحمد لله من صلوات الله علیهم من کرد و باشد برایش بخت شود
و اگر نماند مکان ده باشد و شویان باغها حاضر شدن چون روز
بلند شود پیش از روز و لا اله الا الله و یوم یاری باشد برای و بران
حضرت سلام کند و گوید و نوحه کند و در وقت نماز گذارد و بر
قائم و شایسته باشد کند و اهل بیت خود را بر کعبه دارد و در
خانه خود مصیبت بر تری دارد و یکای کند انحراف کند و بگوید
اعظم الله احوالنا عذابنا یا احسن علیکم و جعلنا و
انما کم من الظالمین بشاره مع ولایت الامام المهدي
من آل محمد من خاتم که چون چنین کند هر روز اهل بیت را بجا
مصیبت و رسول و وصی و شهید را اول دنیا تا روز
قیامت برای ایشان نوشته شود راوی برسد که هر چه نیکم
مرا که از دور و نزدیک زیارت کنم فرمود این جمله زیارت کن
اول تکبیر بگو بعد از آن چنین سلام کن که کند که همیشه بعد از آن
دو رکعت نماز گذارد که خدا تعالی صد هزار روز از عمر او ببرد

چنانچه در بعضی از نسخه‌ها آمده است که یاسی و یاسی و یاسی و یاسی
درجه ایشان شریک یاسی همیشه که هر از ایشان عصاره یاسی و یاسی
زیادتر می‌باشد و در سوره مالت و هر که زیادت از بعضی کرده از روی
شهید شده برای تو نوشته شود اگر هر روز بخوانی زیادت کنی
همین توبه داشته باشی السلام علیک یا ابا عبد الله السلام
علیک یا بنی عبد الله السلام علیک یا بنی عبد الله
و این سید الوصیین السلام علیک یا بنی عبد الله
سائر العالمین السلام علیک یا ابا عبد الله و این توبه و
التوبه الموقر السلام علیک و علی الاخوان الی حاکمه
بفنائک و ناخست و صلوات علیکم منی جمیعاً سلام الله
ما عینت و بقی اللیل و النهار یا ابا عبد الله انما عظمت
الرزقه و جرات و عظمت المصیبه بک علینا و علی جمیع
اهل السموات لقد عظم مضایبک فاسأل الله الذی
اکرم مقامی و اکرم منی بمقامی هذا ان یرزقنی طلب
فانک مع لایام منصوب من اهل بیت محمد و علی و اله
الله انعمت علی عندک و جعلنا بائسین فی الدنیا و
الآخرة یا ابا عبد الله انی اتقرب الی الله و الی رسولہ و الی

أَمْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَلِذِي ظَاهِرٍ وَإِلَى الْحَسَنِ وَالْيَاسَنِ بِمَوْلَانَا
وَبِالْبِرَاءَةِ مِمَّنْ قَاتَلَتْ وَنَصَبَتْ لَكَ الْحَرْبَ وَالْبِرَاءَةَ
وَمِمَّنْ أَسَسَ أَسَاسَ ذَلِكَ وَبَنَى عَلَيْهِ بُيَانَهُ وَجَرَى عِلْمَهُ
وَجُودَهُ عَلَيْهِكُمْ وَعَلَى أَسْيَابِكُمْ بَرَسْتُ إِلَى اللَّهِ وَ
إِلَى رَسُولِهِ وَلِلْيَكُم مِّمَّا لَكُمْ وَمَوْلَاكُمْ وَلِيَّتُكُمْ وَبِالْبِرَاءَةِ
مِمَّنْ أَعْدَاكُمْ وَالنَّاصِبِينَ لَكُمْ الْحَرْبَ وَالْبِرَاءَةَ مِمَّنْ
أَسْيَابُهُمْ وَأَتَابِعُهُمُ الْإِسْلَامَ لِمَنْ سَأَلَكُمْ وَحَرَّبَ لِمَنْ
حَارَبَكُمْ تَوَدَّى لِمَنْ وَهَلَكَكُمْ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَكُمْ فَأَسْأَلُ اللَّهَ
الَّذِي أَرْزَقَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ وَمَعْرِفَةِ أَوْلِيَائِكُمْ وَرَزَقَنِي
الْبِرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
وَأَنْ تُنْشِئَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَامَ صَدَقٍ فِي الدُّنْيَا وَ
الْآخِرَةِ وَأَسْأَلُهُ أَنْ يَتَقَبَّلَ الْمُطْعَمَ الْحَنُوءَ الَّذِي لَكُمْ
عِنْدَ اللَّهِ وَأَنْ يَرْزُقَنِي حَلَبَ نَادِيٍّ مَعَ إِمَامٍ هُدَى طَاهِرٍ
نَاطِقٍ بِكُمْ وَأَسْأَلُ اللَّهَ بِحَقِّكُمْ وَيَا شَاهِدَ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَهُ
أَنْ يُعْطِيَني بِصَافِي يَكُمُ أَفْضَلَ مَا يُعْطَى مُصَابِيهِ مُصِيبَةٍ
مُصِيبَةٍ مَا أَعْطَاهَا وَأَعْظَمَ رِزْقَهَا فِي الْإِسْلَامِ وَفِي
جَمِيعِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي مُقَامِي هَذَا

مِنْ نَسَائِكَ مَكَاتٍ وَرَحْمَةً وَمَغْفِرَةً اللَّهُمَّ اجْعَلْ
 حَيَاةِي حَيَاةَ مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ وَمِمَّا فِي مَمَاتِ مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ
 اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا يَوْمٌ تَبَدَّلَتْ فِيهِ أُمِّيَّةٌ وَأَبْنَاءُ أَكَلَةٍ
 الْأَكْبَادِ وَالْقِيَمُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى لِسَانِكَ وَلِسَانِ بَنِيكَ
 فِي كُلِّ مَوْطِنٍ وَمَوْقِفٍ وَقَفَ فَيَذَرُكَ بَعْدَ إِيَّاهُ
 يَكُونُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي سَلَتْ
 بِفَيْئَاتِكَ وَأَنَاخَتْ بِرَحْلَتِكَ عَلَيْكَ مِنْ سَلَامِ اللَّهِ مَا عِشْتَ
 وَبِقِي السَّلَامِ وَالسَّهَابِ لَا يَجْعَلُهُ اللَّهُ إِلَّا خَيْرَ الْعَهْدِ بَيْنِي وَبَيْنَكَ
 السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَصْحَابِهِ
 الْحُسَيْنِ بَعْدَ إِيَّاهُ مَنْ يَكُونُ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَسْبَكَ
 الشَّكْرُ لَكَ عَلَى مُضَاهَاةِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى عِظَمِ رُزْقِي
 اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ وَأَصْحَابِ الْحُسَيْنِ الَّذِينَ
 بَدَلُوا مَقْبَحَهُمْ بِرُوحِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ فَصَلِّ
 جِهًا أَوْ دُونَ ذَلِكَ مَا مَعْرِضِي عَنْهُ عَلَى أَدْنَى مَا تَقْدِرُ
 رَحِمَهُ اللَّهُ وَتَرَى مَا دَعَا بِهِ أَوْ دَعَا بِهِ أَوْ دَعَا بِهِ أَوْ دَعَا بِهِ
 مَا مَنَّا لَكَ خَدَائِعَ كَرِهَ دِيَارُكَ يَدُ الْقَوَى يَا سَيِّدَ الْخَلَائِقِ
 يَا عَزِيزَ الْعِزِّ يَا عَزِيزَ الْعِزِّ يَا عَزِيزَ الْعِزِّ يَا عَزِيزَ الْعِزِّ

بِرَحْمَةِ اللَّهِ
 وَبِقِي السَّلَامِ
 وَالسَّهَابِ لَا يَجْعَلُهُ
 اللَّهُ إِلَّا خَيْرَ الْعَهْدِ
 بَيْنِي وَبَيْنَكَ
 السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ
 وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ
 وَعَلَى أَصْحَابِهِ
 الْحُسَيْنِ بَعْدَ إِيَّاهُ
 مَنْ يَكُونُ اللَّهُمَّ
 لَكَ الْحَمْدُ حَسْبَكَ
 الشَّكْرُ لَكَ عَلَى
 مُضَاهَاةِ مُحَمَّدٍ
 وَعَلَى عِظَمِ رُزْقِي
 اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي
 شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ
 وَأَصْحَابِ الْحُسَيْنِ
 الَّذِينَ بَدَلُوا
 مَقْبَحَهُمْ بِرُوحِ
 الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ
 الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ
 فَصَلِّ جِهًا أَوْ
 دُونَ ذَلِكَ مَا
 مَعْرِضِي عَنْهُ
 عَلَى أَدْنَى مَا
 تَقْدِرُ رَحِمَهُ
 اللَّهُ وَتَرَى مَا
 دَعَا بِهِ أَوْ
 دَعَا بِهِ أَوْ
 دَعَا بِهِ أَوْ
 دَعَا بِهِ

بِرَحْمَةِ اللَّهِ
 وَبِقِي السَّلَامِ
 وَالسَّهَابِ لَا يَجْعَلُهُ
 اللَّهُ إِلَّا خَيْرَ الْعَهْدِ
 بَيْنِي وَبَيْنَكَ
 السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ
 وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ
 وَعَلَى أَصْحَابِهِ
 الْحُسَيْنِ بَعْدَ إِيَّاهُ
 مَنْ يَكُونُ اللَّهُمَّ
 لَكَ الْحَمْدُ حَسْبَكَ
 الشَّكْرُ لَكَ عَلَى
 مُضَاهَاةِ مُحَمَّدٍ
 وَعَلَى عِظَمِ رُزْقِي
 اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي
 شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ
 وَأَصْحَابِ الْحُسَيْنِ
 الَّذِينَ بَدَلُوا
 مَقْبَحَهُمْ بِرُوحِ
 الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ
 الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ
 فَصَلِّ جِهًا أَوْ
 دُونَ ذَلِكَ مَا
 مَعْرِضِي عَنْهُ
 عَلَى أَدْنَى مَا
 تَقْدِرُ رَحِمَهُ
 اللَّهُ وَتَرَى مَا
 دَعَا بِهِ أَوْ
 دَعَا بِهِ أَوْ
 دَعَا بِهِ أَوْ
 دَعَا بِهِ

خَلَقْتَ يَا مُجَلِّدُ يَا مُنْقِضُ يَا إِلَهَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ بِمَا أَنْتَ
إِلَى لَسْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجِبْ لَكَ وَجْهَنَا مِنْ الْعَشَمِ
وَلَا تَكُنْ نَجَى الْمُؤْمِنِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ
وَمُحَمَّدٍ صَدِيقِ بْنِ مَاءٍ كَرِيمِينَ عَاشُورَ اسْتَزَارَتْ زَوَارِدُ حُرِّ
أَمَامَ حُسَيْنٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبَسِيتَ أَرْحَضَ فَمَامَ مِنْ عَسْكَرِي عَلَيْهِ
وَمَخْرَجَ حِزْبَ أَهْلِ بَيْتِ مَنْ تَسَاتُ صَالُوةَ أَحَدِي وَحُسَيْنٍ وَنِيَادَاتِ
أَرْبَعِينَ وَتَحْمُومِ حُسَيْنٍ وَتَعْصِيَةِ حُسَيْنٍ وَجَهْرِ بَيْتِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِإِذْنِ خَواهدِ نِيَادَاتِ كَنْدِ وَقْتُ ارْتِفَاعِ رُؤْيَا كَوْنِ السَّلَامِ
عَلَى وَلِيِّ اللَّهِ وَجْهِيهِ السَّلَامِ عَلَى خَلِيلِ اللَّهِ وَجْهِيهِ
السَّلَامِ عَلَى صَفِيِّ اللَّهِ وَابْنِ صَفِيِّهِ السَّلَامِ عَلَى الْحُسَيْنِ
الْبَطِينِ عَلَيْهِ السَّلَامِ عَلَى أَسِيرِ الْكُرْبَاتِ قَتِيلِ
الْعَبْرَاتِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ وَلِيُّكَ عَمَامُ
وَلِيَّتِكَ وَصَفِيَّتِكَ وَابْنُ صَفِيَّتِكَ الْغَائِثُ بِكَرَامَتِكَ
أَرْقَمُهُ بِالسَّهَادَةِ وَخُصُونَهُ بِالسَّهَادَةِ وَاجْتَبَيْتَهُ
بِطُوبَى لَوْلَا رَحْمَةُ جَدِّكَ سَيِّدِ السَّادَةِ وَفَائِدَا
مِنْ الْقَادَةِ وَذَلِكَ مِنْ الزَّامَةِ وَأَعْطَيْتَهُ مَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ
وَجَلَلَتْ عَلَى خَلْقِكَ مِنَ الْأَنْوَارِ فَاعْلَمْ بِبَيْنِ اللَّهِ وَالْوَلِيِّ

مع الشجر ويدك مسجود فيك يستغفر عبدك من
 الجهالة وحيرة الضلالة وقد نادى عليهم من عرشه الدنيا
 والخطيئة ولا يزالون في شربهم وبشرى آخرته بالشمن الآ
 كس وتخطون وترى في هواه وأخطاك وأخطيتك
 وطاع من عبادك أهل الشقاق والفتاق وحكمة الأوزار
 المستوحين للشارع فها هم فيك ضارر كحسبنا
 سقت في طاعتك دمه واستيقح حريمه اللهم فالهم
 لنا وبنا وعبدك يا أليها السلام عليك يا ابن
 السلام عليك يا ابن سيد الأوصياء أشهد أنك
 من الله وابن أمية عنت سعيدا وصيت حميدا
 ومحمد مظلوما شهيدا وأنا أشهد أنك وفيت
 بمحمد مظلوما شهيدا وبسبيله حتى أتاك اليقين
 قلن الله من قلاك ولعن الله من ظلمك ولعن الله
 أمة سمعت بذلك فصدت به اللهم في أشهد لك
 أني وفي لمن والاه عدو لمن عاداه بكلمة أنت وأبي وابن
 رسول الله أشهد أنك كنت نوراني الأعلام الشاهدين
 والأرواح الظاهرة والنجسات الخاطئة

أشهد الله ما وعدك ومعاذك من حدك
 بعد ذلك وأشهدك

وَكَلَّمَ نَبِيَّكَ لِلدُّعَاءَاتِ مِنْ نِيَابِهِنَّ وَأَشْهَدَاكَ مَرْتَبَةً
دَعَايِمِ الدِّينِ وَالْكَانِ لِلْسَّالِمِينَ وَأَشْهَدَاكَ الْإِمَامَ
الْبَرَّ الشَّعْبِيَّ الرَّحْمَنِيَّ الْوَكِيلَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ وَأَشْهَدَاكَ
الْأَمَّةَ مِنْ وَلَدِكَ كَلِمَةَ الشَّقَوِيَّ وَأَعْلَامَ الْهُدَى
وَالْعُرْوَةَ الْوُثْقَى وَالْحُجَّةَ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَأَشْهَدُ
أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِأَيَّامِكُمْ مُؤَقِّنٌ بِسِرِّهِ دِينِي وَجَوَائِزِي
عَلَيَّ وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ كَمَا سَلَّمَ وَأَمْرًا لَا مَرَكَةَ مُنْشِعٍ
وَلُصْرَتِي لَكُمْ مَعَهُ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ
مَلَأَ مَعَكُمْ عَذْرَكُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَرْوَاحِكُمْ
وَأَجْسَادِكُمْ وَشَاهِدَكُمْ وَغَايِبِكُمْ وَظَاهِرِكُمْ وَ
وَبِأَيَّامِكُمْ لَمْ يَنْفُذْ لَدَيْكَ الْعَالَمِينَ بَعْدَ إِرَادَانِ دَوْرَكَتِ تَارِ
كَدَارِ دَوْرِهِمْ مَا كَرِهُوا أَنْ يَخْلُفُوا فِي مَجْلِسِ خَلْفِهِ وَأَعْلَامِهِ
رَبِّهِ الْأَوَّلِ الْكَرِيمِ شَيْعَةً بِرَأْسِهِ كَدَرْتُمْ إِنْ مَاءَ فَضْلِ حَضْرَتِ
عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَاقَعَ شَدْنُ وَاهِلِ الْوَلَدِ فِي
أَزْوَاجِهِ شَيْعَةً بِرَأْسِهِ كَدَرْتُمْ إِنْ مَاءَ فَضْلِ حَضْرَتِ
رَوَابِطِ شَدْنِ الْوَلَدِ فِي مَضْنُونِ كَدَرْتُمْ إِنْ مَاءَ فَضْلِ حَضْرَتِ
رَوَابِطِ شَدْنِ الْوَلَدِ فِي مَضْنُونِ كَدَرْتُمْ إِنْ مَاءَ فَضْلِ حَضْرَتِ

اصحاب امام علی النقی بود و محمد غسل کرده از خانه بیرون آمد و هنوز
از ارگ نشوده بود و اعضای خود را خشک میکرد مآرا از وضع او
تعجب روی داد گفت نه چنانست که شما گمان کرده اید بلکه امری است
عجیب است من غسل کرده ام کفتم شعبان را بفیاضی و فطر و عید
نزد و چون در کوهست گفت بلی پس ما را اینجا برده نشستم بگویند
من یا جماعتی شعبان در همین روز که نیم ربیع الاول است رفتم
بخند مت مولای خود حضرت امام علی النقی علیه السلام و آنحضرت
هر یک از ملازمان و خدام را فرموده جامهای نپوشیده بودند
و حجر در پیش آنحضرت بود و تخمیر میفرمود ما کفتم بد و مراد ما
فدای تو باد مگر اهل بیت را فرج و عیدی تازه شده فرمود کام
روز نزد اهل بیت هر شش عظم تر است از امر من و خندیدند
ایمان در همین روز بخندم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم
رفت آنحضرت با امیر المومنین و حسن و حسین علیهم السلام طعام
تناول میفرمودی و آنحضرت در روی ایشان بنشینم و گفتن می
نمود با احسین میفرمود و بنمودید و نشان بیاورید من چقدر است حضرت
امیر المومنین صلوات الله علیه و سلم فرمود ای خاندان بادی آری
از روزی که خندمت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم از این

امروز را پانزدهم بی فرمود و آنکه هر روز همان دو رکعت و درین
 ایست احادیث دیگر در فضل این روز روایت شده مثل آنکه هر کس
 درین روز صدقه و احسانی کند عزیز شده شود و نیز بعضی علمای اهل
 کربه اند که مستحب است درین روز اطعام مؤمنان و احسان و بیوش
 با ایشان و توسع در نفقه و پوشیدن جامه های نیک و عبادت
 کردن اما روزه درین روز روایت نشده و هفتادم این ماه مولد
 حضرت خجریات سلام الله علیه و آنکه ستم و روزه این روز برابر
 یکسال روزه است و مستحب است درین روز صدق کردن و زیارت
 مشاهد مقدسه بخوندن فصل ششم در اعمال ماه رجب
 مرغیست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که ماه رجب اهمیت عظیم
 ایشان فیج المیزان و منسوب بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
 خدا تعالی درین ماه حسنات مضاعف کند و سنناتی مجرب اند
 و مستحب است احیاء اشیای شب اول این ماه و مردیست که هرگز نکشید
 درین ماه احیاء دارد آتش دفع بر و حرام شود و شفاعتش برای
 هفتاد هزار کس آنکه کاران مقبول باشد و مردیست که حضرت
 پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بر مقبره میکند شش ماه توقف فرمود
 پس از آنکه از آنست از سبب توقف سوال نمودند فرمود اهل این مقبره

این روز را پانزدهم بی فرمود و آنکه هر روز همان دو رکعت و درین
 ایست احادیث دیگر در فضل این روز روایت شده مثل آنکه هر کس
 درین روز صدقه و احسانی کند عزیز شده شود و نیز بعضی علمای اهل
 کربه اند که مستحب است درین روز اطعام مؤمنان و احسان و بیوش
 با ایشان و توسع در نفقه و پوشیدن جامه های نیک و عبادت
 کردن اما روزه درین روز روایت نشده و هفتادم این ماه مولد
 حضرت خجریات سلام الله علیه و آنکه ستم و روزه این روز برابر
 یکسال روزه است و مستحب است درین روز صدق کردن و زیارت
 مشاهد مقدسه بخوندن فصل ششم در اعمال ماه رجب

این روز را پانزدهم بی فرمود و آنکه هر روز همان دو رکعت و درین
 ایست احادیث دیگر در فضل این روز روایت شده مثل آنکه هر کس
 درین روز صدقه و احسانی کند عزیز شده شود و نیز بعضی علمای اهل
 کربه اند که مستحب است درین روز اطعام مؤمنان و احسان و بیوش
 با ایشان و توسع در نفقه و پوشیدن جامه های نیک و عبادت
 کردن اما روزه درین روز روایت نشده و هفتادم این ماه مولد
 حضرت خجریات سلام الله علیه و آنکه ستم و روزه این روز برابر
 یکسال روزه است و مستحب است درین روز صدق کردن و زیارت
 مشاهد مقدسه بخوندن فصل ششم در اعمال ماه رجب

معدب بود برایشان رحم کرد و از خدا تعالی خواست که عذاب
از ایشان تخفیف فرمود و اگر ایشان یک روز از ماه رجب روزه می
گرفتند و یک شب عبادت بر میخواستند ازین عذاب ایمن بودند
و هر مومن و مومنه که یک روز از این ماه روزه دارد و یک شب عبادت
برخیزد خدا تعالی ثواب یکساله روزه و عبادت هزار حج و هزار
و هزار حج و هزار عقیقه رقیبه از او لایزال است و هر که اینها
نصدا عطا فرماید و چنانست که سیران امت هر یک خود را آزاد
کند و هزار گوسفند بکشد و از عذاب قبر و هر آنکه و بکیر این شش
کسی تعب بخشد گفت اینهمه ثواب برای کس است که یک روز روزه بگیرد
یک شب عبادت بر خیزد و این ماه فرمود بی برای کسی که انکار رفت
خدا نکند بر اینکه اینقدر عبادت را اینهمه ثواب تواند داشت فرمود که
کسی که در این ماه است و شب بگذارد بعد از نماز عشاء قبل از او برود و گوشت
نار نکند و هر چه در دهان خواهد بخورد از خدا تعالی امید داریم که این همه
ثواب با و عطا فرماید و نیز هر کس در این ماه تصدق کند
برای جدای و امید ثواب خدای تعالی در بهشت انقدر و ثواب عطا
فرماید که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و هیچ اندکی نرسیده
باشد و مستحق این همه ثواب این ماه خوانند این دعا را بخوانند

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ لِمَا نَكَتَ فَطَلَّ وَأَنَا عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
مُقْتَدِرٌ وَأَسْأَلُكَ لِمَا نَاثَرْنَا مِنْ أَمْرِ يَكُنِ اللَّهُمَّ فِي الْوَجْهِ
إِلَيْكَ نَبِيَّاتُ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي أَتَجَبَّرُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رِيَاكُ
وَرَبِّي يُسَخِّرُ كُلَّ بَشَرٍ لِلَّهِمَّ نَبِيَّاتُ مُحَمَّدٍ وَالْأُمَّةُ
مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ أَتَجَبَّرُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رِيَاكُ
وَمِنْ رِوَايَاتِ ابْنِ مَاهُ رَوَيْتَ لِمَا حُسِّنَ عَلَيْهِ كُنْتُ
كَذَا هَاتِفٌ أَمْرٌ بِهِ شَوْذُ الْبَتَّةِ وَفِيهِ مَرِئِيَّةٌ كَذَرِكُ رِوَايَاتُ
وَمِيَانِ وَفَرِيقَيْنِ مَا حُسِّنَ كُنْتُ كُنْتُ بِالنَّبِيِّ مِثْلِي رِوَايَاتُ
مُتَوَلَّدَتُهُ وَبِطَانِ فَارِسِي رَحِمَهُ اللَّهُ رَوَيْتَ كُنْتُ رَضِيَتْ
بِغَيْرِ صَلَواتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَكَذَلِكَ سَلَّمَ فَرَمُوهُ كَرِيمٍ مَاءِ سِي رَكْعَتِ
لَمَّا رَكَعَ رَدَّ دَعْوَةَ رَكْعَتِهِ بَعْدَ أَنْ جَلَسَ مَرَّةً قَلْبُهُ إِلَى بَعْضِ
وَسِعَ مَرَّةً قَلْبُهُ إِلَى الْكَافِرِينَ بَعْدَ أَنْ جَلَسَ دَعْوَةَ رَدَّ رِوَايَاتُ
بَعْدَ أَنْ فَرَّغَ مِنْ سِتْمَا بَرَفَاشَتِهِ بِكَوَيْدِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ
لَا شَرِيكَ لَهُ اللَّهُ تَعَالَى وَكَذَلِكَ لَمْ يَكُنْ يُجِبِي وَيَمْنَعِي وَهُوَ سَيِّدُ
لَا يَمْنَعُ سَيِّدُهُ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَظِيمُ لَا تُنْفَعُ إِلَّا بِكَ الْغَنِيُّ لَا يَنْفَعُ إِلَّا بِكَ الْغَنِيُّ

[illegible]

یکشنبه نویسد و هر روز بعد از نماز دوم از حضرت عجلای الله
 علیه و آله و سلم که ثواب هر روز این ماه را پان فرموده چنانکه
 در باب سابق گذشت بتفصیل بعد از آن سوال کردی که اگر کسی اند
 روزه گرفتن تا این ثواب دریابد فرمود هر روز درین ماه یکصد
 تصدق کند بخدا قسم که هر آن ثواب بهایه و پیشتر از آن و اگر هر
 خلق انسان و زمین جمع شوند عشر ثواب آن ثوابند و شصت سودمند
 که اگر قادر برین تصدق نباشد چه کند فرمود هر روز صد مرتبه بگوید
 سُبْحَانَ إِلَهِ الْجَبَلِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْفِي التَّسْبِيحُ
 إِلَهِ سُبْحَانَ الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ سُبْحَانَ مَنْ تَقَطَّعَ
 بِالْحَبْدِ وَكَتَمَ بِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ الْعَرَّ وَهُوَ كَهْ أَهْلُ
 و نیز هر وقت که خدا تعالی فرموده هر کس در رجب هزار مرتبه بگوید
 اسْتَغْفِرُ اللَّهَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ مِنْ جَمِيعِ الدُّنُوبِ
 و الاثم اکر او اینها مرا می پس من خدای شایانم و سه مرتبه
 چنین فرمود و مستجاب است هر روز درین ماه خواندن این دعا
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ صَبْرًا لِمَا كُنْتُ لَكَ وَعَمَلًا لِمَا هُنَّ
 مِنْكَ وَبِقِيَّتِ الْعَابِدِينَ لَكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ
 وَأَنَا عَبْدُكَ الْبَائِسُ الْفَقِيرُ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْحَمِيدُ وَأَنَا

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَرْسَلَ إِلَيْنَا مُحَمَّدًا عَبْدَهُ وَوَلَّهُ أَمْرَنَا بِضَاكَ عَلَى
 نَفْسِي وَجَلِيلِكَ عَلَى جَهَنَّمَ وَيَقْوِيكَ عَلَى الصَّغْفَرِ يَا قَوْحِي
 يَا عَزِيزُ اللَّهُ سُبْحَانَكَ عَلَى عَمَلِي وَإِلَهِي أَلَا تُؤْتِي مَا تُرِيدُ الْمُرْتَضِينَ
 وَالْقَهْرُ مَا أَهْلَقْتَنِي مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
 وَيُغْفِرُ ذُنُوبَ مَا هَلْ مِنْ دَعَاؤِكَ كَرِهْتَ ارْحَمْنِي
 الزَّمانَ صَلَوَاتُكَ لِعَلِّيهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمِطْعَمِي بِمِجْنِ
 مَا طَعَنْتَ بِهِ وَوَلَّاهُ الْخَيْرَ لِلْمُؤْمِنِينَ عَلَى سِرِّكَ السَّيِّئِينَ
 يَا مُرْتَدِّ الْأَوْصِيَاءِ لِقُدْرَتِكَ الْمُتَعَلِّقُونَ كَعِظَمَتِكَ
 أَسْأَلُكَ بِمَا تَقْطَعُ بِهِ مِنْ مِثْقَلِكَ فَجَعَلْتَهُمْ مُعَادِينَ
 لِكِبْرَتِكَ وَأَكْبَرْنَا لِقِيَّتِكَ وَلِإِثْمِكَ وَمَقَامِكَ إِنِّي
 لَا تَطْغِيلُ مَا فِي كُلِّ مَكَانٍ يَعْرِفُكَ بِمَا مِنْ عَمَلِكَ
 وَلَا تَفْرُقُ بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَخَلْقُكَ
 فَتَقْطَعُ وَتَقْطَعُ بِأَيْدِيكَ بَدْوًا مِنْكَ وَعَوْدًا إِلَيْكَ
 أَعْضَادًا وَأَشْهَادًا وَأَمْنَاءًا وَأَذْوَاءَ وَحَفَظَةً وَرِوَادًا
 فِيهِمْ مَلَأْتَ سَادَتَكَ وَأَرْضَكَ حَتَّى ظَهَرَ أَكْبَرُ اللَّهِ إِلَا
 أَنْتَ فَيَذَلُّكَ أَسْأَلُكَ بِمَوَاقِعِ الْعِزِّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَمِنْ
 بِمَقَامِكَ وَعَلَامَاتِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَنْ تَرْحَمَنِي

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين

أما أنا وسيدنا يا باطن في ظهوره وظاهره في ظهوره
يا مظهره بين النور والظهور يا مظهره في غير مظهره
يا غير شبيه بما ذكر محمد في شاهد كل شهود وموجود
كل موجود ومحمود على معبوده وفاعله كل مقصود ليس
دعائك من معبوده أمك الحكيم يا باطن والظهور يا مظهر
يكفيك وكيف ولا يؤمن يا باطن يا محضيا عن كل عين
يا ديم يا قديم وعالم كل معلوم صل على محمد وآل محمد
وعلى عبادك للنجيبين ولبيك المطيعين وملاكك
المقربين والسموات العاتية والحقائق والبارئ كذا في
شعرنا هذا المربك للناجيكين والمخلصين من النار
الحرم وأسبغ علينا نبي النعم وأجر لنا نبي النعم
وأبرئ لنا نبي النعم يا حي يا قيوم لا اله الا انت
جل الأكرام الذي وضعه على النهار فأصابه وعلى
الليل فأظلم وأغشى لكنا ما نعلم منا ولا تعلم ولا تعلم
من الذنوب حير العصم وألفنا الكواقي قد ربك وأمن
سلكنا حين نظرنا ولا نعلم إلا غيرك ولا نعلمنا
من حيرك وألفنا الكعبة لنا من أعمارنا وأصل لنا

صبيحة

حَسْبُكَ اسْمُكَ اَنَا وَاعْطَاكَ اَمْنُكَ اَلْاَمَانُ وَالْحَقُّ اَلْحَقُّ
 اَلْاَهْمَانُ وَبَلَّغْتَ لِسْمَكَ الصِّيَامَ وَمَا بَعْدَهُ مِنْ اَلْاَيَامِ
 اَلْاَهْوَامِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ وَنَحْمَدُكَ يَا
 جَوَانِدَ الْاَلَمِ اِنِّي اَسْأَلُكَ يَا مُؤَلِّمِي فِي رَجَبٍ مُؤَلِّمِ
 عَلِيَّ الشَّافِي وَابْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُتَّقِي وَاقْتَرَبَ
 هَذَا الْيَوْمُ خَيْرَ الْقُرْبِ يَا مَنْ لَيْسَ لِمَعْرُوفٍ طَلِبُ
 وَقَدْ لَدَّيْكَ رَغَبُ اسْأَلُكَ سُؤَالَ مَعْتَقٍ مُذْنِبٍ قَدْ
 اَوْفَقْتَهُ ذُنُوبُهُ بِالْعُتْبَةِ وَحَسَنَ الْاَكْوَابِ وَالْمُزْنِ
 عَنِ الْعُتْبَةِ وَمِنْ النَّارِ فَكَالِدَ رَقَبَتِهِ وَلِلْعَفْوِ عَمَلِي
 رَقَبَتِهِ قَامَتْ يَا هُوَ لَا يَ اَعْظَمُ لِعِلْمِكَ وَقَسَمَ اَللَّهُمَّ
 وَاسْأَلُكَ بِمَا لَدَّكَ الشَّيْءُ يَفْتِيهِ وَوَسَّاسُكَ الْمُسْتَفْتِي
 اَنْ يَتَقَرَّرَ لِي فِي هَذَا الشَّهْرِ بِرَحْمَةٍ مِنْكَ وَاسْعِدْهُ
 نِعْمَةً وَارْزُقْهُ وَقَسِّ عِيَارَ قَائِمَتِهِ لِي نَزْوِ الْخَافَةِ
 وَمَحَلِّ الْاَبْرَةِ وَمَا فِي الْيَدِ صَافِرَةٌ وَمَكْرَمِ دِيْمَا حَبِ
 وَشَبَابِ وَرِضَانِ هَرُورِ هَرَبِ مَرْكِ اَتَا لِحْدِ دَانِ الْكَرِي
 وَقَالَ اَنْ اَرْجِعَ سَهْرَتِهِ وَسُجُودَ اَنْ اَللَّهُ وَلِلَّهِ اَللَّهُ
 اَلْاَلَهُ وَاللَّهُ اَكْبَرُ وَلَا تَحْمِلُ وَلَا تَحْمِلُ اَلْاَلَهُ الْعَلِيِّ

وَاقْتَرَبَ هَذَا الْيَوْمُ خَيْرَ الْقُرْبِ
 يَا مَنْ لَيْسَ لِمَعْرُوفٍ طَلِبُ

مبين

[illegible]

عشاء در مرتبه اول فرستاده بعد از آن سجده کند و عشاء در مرتبه بگوید
 سُبْحَانَكَ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ وَبِالْحَمْدِ وَالتَّوَكُّلِ بعد از آن سر بردارد
 و عشاء در مرتبه بگوید رَبِّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْ وَبِحَبْلِ الرَّحْمَةِ
 أَنَا كُنْتُ الْعَلِيُّ الْأَعْظَمُ بعد از آن مرتبه دیگر سجده کند و همانکه
 در سجده اول گفت بود عشاء در مرتبه بگوید و حاجتی که داشته باشد در
 سجده دوم بگوید مستجاب شود اگر چه مثل گفت و بگوید و وزن کوهها و
 برکت و رختان و ریش پیاپی باشد و شمع هفتصد کبریا را اهل بیت
 خدا باشد که هر مستوی آنی باشند عمل او امر مضی هر کس تمام
 این ماه روزه گیرد و شبهایش بعبادت بخیزد و شب پانزدهم
 صد رکعت نماز کند در هر رکعت ده مرتبه قل هو الله بخواند و پانزده
 فاتحه شود عشاء در مرتبه استغفار کند من اهل البیت و زمین و شب
 اربعین و غیره درین باره فرغ شود و اگر در آن ماه عید شهادت باشد
 و غیره حاجتش برآورده شود یا نقد در دنیا یا نقد در آخرت
 و نیز هر دویست که هر کس درین شب صد مرتبه رکعت را بخواند و در
 در هر رکعت بعد الحمد سوره قل هو الله احد بخواند بعد از فراغ
 صد مرتبه استغفار و تحمید و تکبیر کند و اگر این عبارت که در
 بود استغفر الله ذا الجلال و الاکرام یا ذا النور و النور و النور

بروز نهند و بعد از ظهر طهر کند و در آن سال از آنکه آن حضرت توبه کند
و بعد از ظهر طهر کند و سجود کند و در پشت قصری از تبرجد سبزه
و بعد از هر حرف قرآن که خوانده مشغول از یاد قوت هیچ عطا فرماید
و تاج کرامت بر سرش نهند و مستجاب است در روز بابت این ماه بابت
حضرت امام حسین علیه السلام عمل استغفار حکایت این عمل در کتب
ادعیه بلخاء مختلفه مذکور است و مستند به صحیح از اهل ادریس
معلوم نیست و احتمال دارد که مناجات رحیم الله علیه و کبریا که هر یک
علیه السلام برای روز بابت هر روایت شده باشد عمل استغفار بخند
که ذکر شده باشد و بسبب اختلاف و تشویش گشته باشد اما کیفیت
آن بخوبی که در احادیث روایت شده آنست که غافلانه قوی بود از
زیر دست غیر عمل الله علیه و السلام از اهل امام حسین علیه السلام حضرت
امام جعفر علیه السلام را دیده بودند پس او را در آنصورت مشاهده
مندی عجیبی کرده اند و قتل جاشسته رفتی فاطمه زهرا است حضرت
صادق علیه السلام تکلیف و محزون رفت آنحضرت فرمود ماه رجب نزدیک است
ایام حین این ماه روز یکم و روز یازدهم اول طهر غسل کن و هفت گشت
خواب طهر را بگذار و گفت اقبل بعد الحمد لله الم نشرح و در دویم
خوابها را بفرست و در سیوم اقا انزلناه و در چهارم اقبل از آن

و در کتبهای دیگر مثل این سوره های کتاب بخوان و بیاور تا ظاهر شد
 یکصد و یک بار در اول بعد از هر وقت که خواهد بود و در دوم قبل از هر
 رب العالمین و در سوم قبل از هر وقت که خواهد بود و در چهارم قبل از هر
 بخوان و رکوع و سجود و قنوت نماز و در پنجشنبه یا در روز جمعه از
 اتمام هشت رکعت دو رکعت دیگر بگذارد و هر رکعت بعد از آن بیست و پنج
 مرتبه یا نه شهادت و صد مرتبه یا نه تسبیح و اربع التالیین بخوان و
 یا یکصد و بیست و یک مرتبه یا نه تسبیح و در جای پاکیزه باشی که کسی نباشد
 و حرف زنی و مشغول نشوی بعد از آن نماز عصر در اول وقت بگذارد
 و چون سلام دهد تسبیحات اربع و الحمد و آیه الكریمه و قول هر چه
 و صلاه بر پیغمبر و آتش هر یک صد مرتبه بعد از آن سوره انعام و حق تعالی
 و کثرت و همان و پس و صلاهات و حمد و سجده و تمسک و درختان و
 انما خصلت اوله فی نعمت و سوره الماعون و اقلیم و اذ الله ان شئت
 تا آخر قرآن بخوان و اگر از خواندن قرآن عاجز باشی بجا یان الحمد
 صد مرتبه و آیه الكریمه ده مرتبه و قول هر چه خواهد بود هزار مرتبه بخوان و
 بعد از آن رویت که این دعا بخوان که اسم اعظم درین دعا است و قوی
 این دعا را دعای استفتاح باین سبب نام شده که هر کجا خواند
 شود خواننده شود درهای آسمان گشوده گردد و همان است حاجت

باین بنواهند مستجاب شود تا آنکه بدین احوال بجا آید و هر چه
 جمیع انبیاء و ملایک و کرام دین دعا کنند و در دعا برای ایشان فرستاد
 در خواب دیدم که میگویند یا محمد و یا زید و یا هر که ما هر برای تو دعا
 کردیم و حاجتت مستجاب شد بیدار شدی آنند و حق سبحانک است
 که در خواب آمد و گفت در بند و زندان بودم که نصف رجب خواب
 دیدم ترا که جماعتی بسیار در اطراف تو ایستاده بودند یکی از ایشان
 با من گفت ای داد و بدای مادرت خدا تعالی ترا بخت داد
 بر خیز بیدار شدی رسول منصور ایستاده بود مرا از جنس پیران آمد
 و بفرمودم بن داد روانه خدمت شدم و علی بن ابی طالب
 الْعَظِيمُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَهُ الْكِبَرُ
 الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ الَّذِي لَا يَمُوتُ
 وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ الْبَصِيرُ الْطَّيِّبُ الْغَنِيُّ الرَّحِيمُ
 لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْكَلَامُ الْكَلَامُ الْكَلَامُ الْكَلَامُ
 الْإِلَهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ الرَّحِيمُ الْكَرِيمُ
 وَالْقَاهِرُ الْمُتَكَبِّرُ الْمَلِكُ الْمَلِكُ الْمَلِكُ الْمَلِكُ
 وَالْقَاهِرُ الْمُتَكَبِّرُ الْمَلِكُ الْمَلِكُ الْمَلِكُ الْمَلِكُ
 وَالْقَاهِرُ الْمُتَكَبِّرُ الْمَلِكُ الْمَلِكُ الْمَلِكُ الْمَلِكُ
 وَالْقَاهِرُ الْمُتَكَبِّرُ الْمَلِكُ الْمَلِكُ الْمَلِكُ الْمَلِكُ

[illegible]

مِنَ الْإِنْسِ الْمَذْبُورَةِ وَمِنَ عَمَالِ الْقَبْرِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى هَاشِمٍ
وَشَيْثٍ وَأَدْرِيسٍ وَنُوحٍ وَهُودٍ وَمُصَارِحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ
وَيَعْقُوبَ وَيُوسُفَ وَالْكَسْبِيَّ وَكُوطٍ وَغَيْبٍ
وَأَيُّوبَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَنُوحَ وَمِيثَا وَابْنِ خَصْرٍ وَذِي
الْقُرَيْنِ وَيُونُسَ وَالْيَاسَ وَالْبَسْعَ وَذِي الْكَلْبِ وَطَالُوتَ وَ
دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَنَعَرَيا وَنَعْبِيَا وَبَحْيِي وَفَدَحَ وَ
مَتَّى وَارْمِيَا وَجَعْفَرَ وَدَاوُدَ وَغَيْرِهِمْ وَغَيْرِهِمْ
وَجِبْرِيسَ وَالحَوَارِيِّينَ وَالْأَنْبِيَاءَ وَآلِهِمْ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَأَبَا مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَرَحَّمْتَ وَبَارَكْتَ عَلَى
إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ جَمِيدٌ جَمِيدٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
أَكْرَمِيَاءِ السَّعْدَاءِ وَالشَّهَدَاءِ وَأَهْلِ الْبَيْتِ الْهَدْيِ اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْدَادِ وَالسَّيَاحِ وَالصَّيَادِ وَالْخَاصِمِينَ
وَالْأَعْدَاءِ أَهْلِ الْحَيْدِ وَالْأَجْنَهَادِ وَأَخْصِ مُحَمَّدًا وَأَهْلَ
بَيْتِهِ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَأَجْزَلِ كَرَامَاتِكَ وَبَلِّغْ رُوحَهُ
وَحَدَّثَهُ بِمَنْحَتِ رُوحِهِ وَسَلَامِكَ وَرِزْدَةِ فَضْلِكَ وَسُرُورِكَ وَكَرَمِكَ
حَتَّى تَسْلِمَهُ عَلَى دَرَجَاتِ أَهْلِ الشَّرَفِ مِنَ الْبَيْتِ بْنِ وَلِيِّهِ

[illegible]

إِلَى الْمَدِينَةِ

تجلی

مُكَافٍ يَا ذِي الْعَرْشِ يَا مُهَيِّمُ يَا غَرِيْبُ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا مُسَكِّنُ يَا سَلَامُ
يَا مُؤْمِنُ يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ يَا قَرِيْبُ يَا مُدَبِّرُ يَا قَرِيْبُ يَا وَثِقُ يَا قَدُوْسُ
يَا مُصَرِّفُ يَا بَاعِثُ يَا وَارِثُ يَا عَالِمُ يَا حَكِيْمُ يَا بَارِيُ يَا مُنْعِمُ يَا
يَا مُصَرِّفُ يَا مُسَكِّنُ يَا مُجِيبُ يَا قَاهِلُ يَا دَاشِمُ يَا عَزِيْزُ يَا حَكِيْمُ
يَا حَمْدُ يَا بَارِيُ يَا بَاقِيُ يَا سَاقِيُ يَا عَدْلُ يَا فَاعِلُ يَا دَيَّانُ يَا حَنَّانُ
يَا سَكِيْنُ يَا سَمِيْعُ يَا خَبِيْرُ يَا مُبِيْنُ يَا فَانِيْ يَا غَافِرُ يَا قَدِيْمُ يَا كَرِيْمُ
يَا سَمِيْعُ يَا مُبِيْرُ يَا مُجِيْبُ يَا مُجِيْبُ يَا نَافِعُ يَا رَافِعُ يَا مُنْعِمُ
يَا مُسَيِّبُ يَا مُغِيْبُ يَا مُغْنِيْ يَا مُغْنِيْ يَا خَالِقُ يَا وَاحِدُ يَا رَحِيْمُ
يَا حَاضِرُ يَا جَابِرُ يَا خَالِقُ يَا مُدَبِّرُ يَا قِيَامُ يَا عَالِمُ يَا فَاعِلُ
يَا مَنْ عَلَى الْفَأْسَعْلَى الْكَانَ يَا مُسْطَهْلُ الْكَافَى يَا مَنْ قَرُوْبُهُ
قَدْ نَافَعُوا قَنَاطِي وَحُلُمُ اللَّيْلِ وَأَنْفَى يَا مَنْ كَلِمَةُ الْقَدِيْرِ
وَكَلِمَةُ الْفَقْدَانِ يَا مَنْ الْعَبِيْرُ عَلَيْهِ سَبِيْرُ يَا مَنْ هُوَ عَلَى مَا يَشَاءُ
قَدِيْرُ يَا مُرْسِلُ الرِّجَالِ يَا فَالِقُ الْوَسْطَانِ يَا بَاعِثُ الْأَمْوَالِ يَا
ذِي الْخُودِ وَالسَّيَاحِ يَا رَازِقُ مَا تَدْفَعُ يَا فَانِيْ الْأَمْوَالِ يَا بَاعِثُ
الشَّمْسِ يَا رَازِقُ مَنْ يَشَاءُ وَفَاعِلُ مَا يَشَاءُ كَيْفَ يَشَاءُ
يَا ذِي الْحُلَاوِ الْأَسْكَرِ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا حَيُّ يَا حَيُّ لَا
يَا حَيُّ يَا حَيُّ يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِدَعِ السَّمَوَاتِ

وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ۚ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ
 وَبَارِكْ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ
 وَرَحِمْتَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ تَجِدُ مُحَمَّدًا
 وَارْحَمْ دُلِّي تَوْفَاقِي وَتَغْيِرِي وَانْقِرَادِي وَوَحْدَتِي وَ
 خُصُونِي بَيْنَ يَدَيْكَ وَاعْتِمَادِي عَلَيْكَ وَتَغْيِرِي إِلَيْكَ
 أَوْ مُوَلِّكَ دُعَاءَ الْخَاضِعِ الدَّائِلِ لِلْخَاضِعِ الْخَاضِعِ الْمُسْتَقِرِّ
 الْبَائِسِ الْمُهِنِ الْحَقِيرِ الْجَائِعِ الْفَقِيرِ الْمَائِسِ الْمُسْتَقِيرِ
 الْمَقْرِبِ بِرَبِّهِ لِمُسْتَقِيرٍ مِنْهُ لِلْمُسْكِنِ لِرَبِّهِ دُعَاءُ مَنْ
 اسْتَلْتَهُ نَفْسَهُ وَرَفَضْتَهُ رَحْمَةً وَعَظَمْتَ فِيْعَتَهُ
 دُعَاءَ حَرَقٍ مِنْ مَحْفِظٍ مَهِينٍ بِأَمْرِ مُسْكِنٍ بِأَمْرِ
 مُسْتَقِيرٍ اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِأَنَّا لَكَ مَلِكٌ وَأَنَّكَ مَا تَأْتِي
 مِنْ أَمْرٍ تَكُونُ وَأَنَّكَ عَلَى مَا تَأْتِي قَدِيرٌ وَأَسْأَلُكَ بِحُجْرَةِ
 هَذَا الشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْبَيْتِ الْحَرَامِ وَالْبَيْتِ الْحَرَامِ وَالْأَرْكَانِ
 وَالْقَامِ وَالْمَقَامِ الْعَظِيمِ وَبِحَقِّ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ
 يَا مَنْ وَصَّيَ لَكُمْ شَيْئًا وَيَا إِبْرَاهِيمَ وَيَا نَحْشَ وَيَا مَنْ رَدَّ
 يُوسُفَ عَلَىٰ يَعْقُوبَ وَيَا مَنْ نَقَضَ بَعْدَ الْبَلَاءِ حُرْ أَوْيَةَ
 يَا رَأْسَ نَسْلِ عَلِيٍّ أُمِّهِ وَرَأْسَ الْخَضِرِ فِي عِلْمِهِ وَبَارِكْ

إِسْمَاعِيلُ ٣

لَا دَاوُدَ سُلَيْمَانَ وَلَا ذِكْرَ يَاحْيَىٰ وَلَمْ يَمِ عَيْنِي بِالْحَافِظِ بِنْتِ
سَعِيدٍ يَا كَافِلَ الْوَدُوعِ أَتَشَاءُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
مُحَمَّدٌ وَأَنْ تُغْفِرَ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا وَتُغْفِرَ لِي مِنْ عَذَابِكَ
وَتُوجِبَ لِي رِضْوَانَكَ وَأَمَانَتَكَ وَإِحْسَانَكَ وَغُفْرَانَكَ
وَعَنَانَكَ وَأَتَشَاءُ أَنْ تُفْعَلَ عَنِّي كُلُّ خَلْقٍ مِنِّي وَبَيْنَ
مَنْ يُؤْذِيَنِي وَيَنْفَعَنِي بَابٍ وَتَلَانَ لِي كُلُّ صَغِيرٍ وَتَهْوَلَ
لِي كُلُّ عَبِيرٍ وَتُخْرِسَ عَنِّي كُلُّ نَاطِقٍ بِسُوءٍ وَتَكْفِكَ عَنْهُ
كُلُّ بَاغٍ وَتَكْتِبَ كُلَّ عَدُوٍّ وَتَسَارِبَ وَمَنْعَمِي كُلَّ ظَالِمٍ
تَكْتِبُنِي كُلَّ عَائِقٍ يَحُولُ بَيْنِي وَبَيْنَ سَاجِدِي وَيَحَاوِلُ أَنْ يُفَرِّقَ
بَيْنِي وَبَيْنَ طَاعَتِكَ وَيُسَبِّطَنِي عَنْ عِلَاقَتِكَ يَا مَنْ أَلْجِئُ
إِلَيْهِ الْمُسْتَغِيثِينَ وَكَلِمَةُ عَنَاءِ النَّسَبِ الْبَاطِلِ وَأَذَلُّ رِقَابِ
الْمُجْتَبِينَ وَرَدَّ مَكْنِيَةِ السَّاطِعِينَ مِنَ الْمُسْتَضْعِفِينَ أَتَشَاءُ
مَنْزِلَتَكَ عَلَى الْمَافِقَاءِ وَتَسْهِلَكَ لِي أَيْدِيَ كُفَّاءِ
أَنْ يَجْعَلَ قَضَائِي سَاجِدِي قِسْمًا لِقَضَائِي بَعْدَ ذَلِكَ يَجْعَلُ
مِنْ دُرُوبِ بَرِّكَ بَرًّا لِي وَبِكُورِ الْإِسْمَةِ لَكَ يَجْعَلُ
لِي مِنْ أَسْتِغْنَاءِ قَوْمِي دَلِيلًا وَطَائِفِي وَاجْتِهَادِي وَتَقَرُّرِي
وَمُسْتَكْنَى الْقَفَرِ أَلَيْكَ يَا رُبَّتِ وَجْهَكَ مَا شَدَّ أَرْجَمِي

كُلُّ

بیاید اگر چه بقدر سرخوئی باشد و علامت ایستاست و روز
میشت و پنجم این ملا روزه داشت کفار و دینست ملا کفایت
علی شبانه روز میشت هر دینست که شبست و عظم و بیکشت
حضرت پنجم علی علیه السلام بنیوت بصوت شد بعد از آن
از هر چهار آفتاب بر خاسته و بنظر دینست که در ماه رحمتی است
که هر کس در ان شب خواب بر خور کند و مشغول عبادت باشد پاک است
چندین بار از آن عرض آمد کند و عضا در احوال با او مصافحه نماید
و بر این استغفار کند ان شب از سال دیگر محتاج نیست درین شب
صلوات بسیار بر آن حضرت علی الصلیه و آلهم غفر الله عنهم هر کس از
کعبه در شب که از آن حضرت با عبادت یابد کمی از حضرت امام محمد
تقی علیه السلام پرسید که درین شب چه عمل کنیم و در چون بعد از نماز
بخوابیم و پیش از آنکه بخوابیم چه گفت که بیدار شو و دو از دو رکعت
نما بکن از این بعد از هر دو رکعت نشسته الحمد و سوره قل و قل هدی
احد و قل یا ایها الکافرون فاما انزلناه و اما لکرم فی هر یک را
حرف هر چه خوانید بعد از آن بگویند اللهم تعالی لم یخف و لا یخف و لا یخف
و اما کون که تفریق فی الملک و کم یکن که کون فی الملک
و کون و کون فی الملک و کون فی الملک و کون فی الملک و کون فی الملک

عزيت وسمي الزعيم من كماليت وباريت الا عظم الا عظم
الا عظم وذكرك الا على الا على الا على الا على الا على
ان تصلي على محمد وآله وان تفعل لي ما انت آخذ به وان
خارجك عند مصيبتك وان ابن عمارين سب الله الى
استلك بالبحر الا عظم في هذه الليلة من الشهر الكريم
ان تصلي على محمد وآله وان تفعل كما انت بهم ما اعلم
لا من يعلم ولا يعلم الله ياربط لنا في كلفنا هذه التي
تصرف الزلازل فصلتها وكرمت اجالها وبارك
الشريف استلها اللهم وانما انت لك بالمبعث الشريف
والسيد الطيف والعصر العفيف ان تصلي على محمد
والله وان جعل الخلق في هذه الليلة وفي سائر الليالي
مقبولة وذويا مقبولة وحسانا مقبولة وسنانا
مقبولة وقلوبنا بحسن القول مسرورة وارزاقنا من
لذلك باليسر مقدورة اللهم انك تری ولا تری
وانت بالمشهد الا على ان اليك الرجى والتمنى وان
لك المات والحي وان لك الامعة والاولى اللهم انا
نعوذ بك ان نزل ونحزى وان ناتي ما عنة شئنا اللهم انا

لَسْتَ لَكَ الْجَنَّةُ مِنْ دَعَاكَ وَتَسْتَعِذُّ بِكَ مِنَ النَّارِ فَاعِذْ نَا
وَسْتَطِيعُ دَعَاكَ وَلَسْتَ لَكَ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ فَارْزُقْنَا بِغَيْرِ كَدٍّ
فَأَجْعَلَ لَوْحَ آدَمَ قَرْنًا عِنْدَ كَبِيرِ عِزِّهِ لَوْ أَحْسَنَ أَهْمَالِيَا عِنْدَ
أَقْرَابِ آبَائِنَا وَأَهْلِي لِيُفْطِنَ عَلَيْكَ وَمَا يَقْرِبُ إِلَيْكَ وَ
يُحْطَى عِنْدَكَ وَيُرْفَقُ لَدَيْكَ أَهْمَارُنَا وَآخِرِينَ فِي مَجْمَعِ أَمْوَالِنَا
وَأَمْوَرِنَا مَغْرَقَتَنَا وَلَا تَكْهِنُ إِلَّا أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ فَقَدْ عَلِمْنَا
وَلَقَدْ عَلِمْنَا بِمَجْمَعِ حَوَائِجِنَا الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَابْتِغَاءِهَا لَنَا
وَأَبْنَائِنَا وَمَجْمَعِ أَرْوَاحِنَا الْمَوْتِينَ فِي مَجْمَعِ مَلَأَتْنَا لَكَ لَا
نُعْسِنَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنْ فَاتَكَ لَكَ بِإِسْمِكَ الْعَظِيمِ
وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُعْظِرَ
لَكَ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ أَمْ لَا يَخْفَى عَلَىكَ الْعَظِيمُ لَا الْعَظِيمُ
وَهَذَا رَجَبُ الْكَرِيمِ الَّذِي أَكْرَمْتَنَا بِهِ أَوَّلَ شَهْرِ الْحَرَمِ
وَأَكْرَمْتَنَا بِهِ مِنْ بَيْنِ الْأَكْرَمِ فَكَانَ الْحَمْدُ يَا دَا الْبُحُورِ وَالْكَرَمِ
فَأَسْأَلُكَ بِهِمْ وَبِأَسْمَائِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الْأَهْلِي الْأَكْرَمِ الَّذِي
خَلَقْتَهُ فَاسْتَفَرَّ بِفِطْرَتِكَ فَلَا يَخْشَى مِنْكَ إِلَّا غَيْرَكَ
أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِبَيْتِ الْعِزِّ وَالْإِخْلَاصِ وَأَنْ تُجْعَلَنَا مَعَ الْأَكْرَمِ
فِي رِطَائِعِكَ وَأَكْلَامِكَ فَهَذَا كُتُفَاعُكَ اللَّهُمَّ أَهْدِنَا إِلَيْكَ

سُبْحَانَكَ يَا رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمِثْلَهُنَا أَتَيْنَاكَ بِعَبْدٍ مِثْلِنَا
خَلِّصْهُ يَا رَبِّ خَلِّصْهُ يَا رَبِّ خَلِّصْهُ يَا رَبِّ خَلِّصْهُ يَا رَبِّ
أَقِلْنَا مَغْلِبِينَ مُخْجِنِينَ غَيْرَ مَعْضُوبٍ عَلَيْهِمْ وَلَا أَصْلَابِينَ
يَرْجُمُونَ يَا رَبِّ أَلَمْ يَأْتِ الْفُلَّانَ الْفُلَّانَ إِلَى أَنْتَ لَكَ بِعَبْدٍ
مَغْلُوبٍ لَكَ وَكَوْا حَبِيبَ رَحْمَتِكَ السَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ أَسَمٍ وَ
الْقَنِينَ مِنْ كُلِّ رِيْقٍ الْفَوْزَ بِالْحَقِّ وَالْجَاهُ مِنَ الشَّرِّ وَاللَّامِ
وَمَا لَكَ الدَّاعِينَ وَدَعْوَتَكَ وَسَأَلَكَ الشَّاكُونَ وَسَلَّاتَكَ
وَطَلَبَ الْيَاكِ الظَّالِمُونَ وَطَلَبَكَ الْيَاكِ الْفُلَّانَ أَنْتَ
الْبَقِيَّةُ وَالرَّجَاءُ وَالْيَاكِ مَسْجِدُ الرَّعْبَةِ وَالْذُّعَاءِ اللَّهُ
فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلِ الْبَقِيَّةَ فِي قُلُوبِي وَالْمُورِثَةَ
يَصْعَقِي وَالْبَقِيَّةَ فِي حُدُودِي **ذِكْرُكَ الْكَلِيلِ وَالشَّهَادَةِ عَلَى**
السَّائِقِ وَبِذَلِكَ أَسْعَلُهُ مَمْنُونٌ وَلَا يَعْطُورُ فَإِنْ شِئْتَ فَابَارِكْ
لِي فِيهَا لَذَّتِي وَاجْعَلْ غِيَايَ فِي قَنَتِي وَرَغْبَتِي فِيهِمَا
وَعِزَّتِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بِعَدْلِكَ بِمَجْدِكَ وَكَوْنِ
أَجْمَعُهُ قَوْلَ الَّذِي هُوَ أَهْلُ الْمَعْرِفَةِ وَخَصَّصُوا لَنَا مِنْ رَحْمَتِكَ
الطَّاعَةِ وَصَدِّقْ بِكَ شُكْرَ أَعْبَادِكَ سَرُورُ لَدُنْكَ
وَكُفْرُهُ لَأَعْلَمُ بِأَنِّي فَضَّلْتُكَ بِحَاجَتِي وَأَعْتَمَدْتُ عَلَىكَ

يَسْتَكْفِي وَيَجْعَلُ الْيَاثَ يَأْتِي وَيَسْأَلُ فِي الْفَلَمِ الْفَتَا
يَجْعَلُ وَأَوْفَى الْفَتَا وَيَسْأَلُ الْفَتَا وَيَسْأَلُ الْفَتَا
فِي الْفَتَا وَيَسْأَلُ الْفَتَا وَيَسْأَلُ الْفَتَا
سَبْ وَدِينِ رَوْفَ وَرَوْفَ الْفَتَا وَيَسْأَلُ الْفَتَا
وَيَسْأَلُ الْفَتَا وَيَسْأَلُ الْفَتَا وَيَسْأَلُ الْفَتَا
بِالْحَمْدِ هَرُونَ وَبِالْحَمْدِ هَرُونَ وَيَسْأَلُ الْفَتَا
لِلْحَمْدِ هَرُونَ وَيَسْأَلُ الْفَتَا وَيَسْأَلُ الْفَتَا
الْمَلِكِ وَكَانَ كَذَلِكَ مِنَ الدَّلِيلِ وَكَانَ كَذَلِكَ
عَدَدِي فِي مُدَّتِي يَا صَاحِبِي فِي شَيْءٍ يَا وَلِيِّي فِي غَيْبِي يَا
غِيَابِي فِي رَغْبِي يَا صَاحِبِي يَا حَافِظِي فِي غَيْبِي
وَيَا كَارِثِي فِي وَغْدِي يَا أَنْوَلِي وَكَانَ كَذَلِكَ
فَلَاكُ الْفَتَا وَأَنْتَ الْفَتَا وَأَنْتَ الْفَتَا
صَرَخِي فَلَاكُ الْفَتَا وَأَنْتَ الْفَتَا وَأَنْتَ الْفَتَا
وَأَمِنْ رَوْفِي وَأَقْلِي عَشِيرِي وَأَصْلَحْ عَمْرِي وَجَاهُ عَمْرِي
سَيِّدِي فِي أَصْحَابِ الْفَتَا وَكَانَ كَذَلِكَ
وَيَسْأَلُ الْفَتَا وَيَسْأَلُ الْفَتَا وَيَسْأَلُ الْفَتَا
وَيَسْأَلُ الْفَتَا وَيَسْأَلُ الْفَتَا وَيَسْأَلُ الْفَتَا

خولنا بعد ان حلت موت بكريلا اله الا الله والله اكبر وسبحان
 الله والمحمد لله ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
 وحسنت موت بكريلا الله ربي لا اله الا انت سبحانك ورحمتك
 دعاك وسبحك ستدين روضنا من بين دعايا من امرنا العفو
 والتمنا وريالنا على انما وراعت عمتي ونجاوزيا كرسيم
 اللهم وقد اكسدي الطلب واعيت الحيلة والمك
 ودرست الامال وانقطع الرجاء الايمانك وحدك
 لا اله الا انت اللهم اني اجد سبيل المطالب اليك من عنة
 ومن اهل الرجاء اليك من عنة واواب واجابة لمن
 دعائك مفعلة ولا اله الا انت استعيا بك مباحة
 واعلم انك لله اعلم مني اجابة وارضى اليك
 من صيد اعانته وان في الهفت الماحولة والظمان بعد
 عوصا من منع الباطلين ومنذ وحرة عاني ايدي للسائر
 واياك لا يستعجب عن خلفك الا ان يحجبهم الامهات
 دونك وقد علمت ان افضل زاد الراجل اليك غم
 اراد ويختارك بها وقد نال اليك بعزم الا اذا قد قلبت
 فاستلكت بكل دعوة دعائك بها راج بلكنته امسكه

دعاء من دعا الله
 في حاجته

س

أَوْ صَاحِبِ الْبَيْتِ أَجَعَلْتَ صِرَاجَهُ أَوْ مَاهُوتَ مَكْرُوبَهُ
عَنْ قَلْبِهِ أَوْ مَدْنَيْتَ خَاطِمِي عَفَرْتِ كَرَامَتِي أَوْ مَعَانِي أَضْمَنْتِ
نِعْمَتَكَ عَلَيَّ أَوْ قَفَيْتِ أَهْدَيْتِ غِنَاكَ إِلَيَّ وَلَيْسَ لَكَ
الدُّعْوَةُ وَتَعْلِيكَ عَنْ وَعِنْدَكَ مَنْزِلَةُ الْأَصْلَابِ عَلَى الْعَهْدِ
وَالْمُحَمَّدِيَّةِ وَفَضَّلْتِ حَوَاشِي حَوَاشِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَهَذَا
رَجَبُ الْمَرْجَبِ لِلْحَكِيمِ الَّذِي أَرْمَتْنَا بِهِ أَوَّلَ أَشْهُمِ
الْحَكِيمِ وَأَرْمَتْنَا بِهِ مِنْ بَيْنِ الْأَشْهُمِ بِأَدِّ الْجُودِ وَالْكَرَمِ
فَقَالَ لَكُمْ بِمِثْلِ مَا بَيْنَكُمْ لَمْ تَعْظِمُوا الْعَظِيمَ أَلَمْ تَعْظِمُوا الْعَظِيمَ
الْكَرِيمَ الَّذِي خَلَقْتَهُ فَاسْتَقَرَّ فِي ظِلِّكَ فَلَا يَبْصُرُ
مِنْكَ إِلَّا غَيْرَكَ أَنْ تَقْصِلَ عَمَّا مُحَمَّدٍ وَأَهْلُ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ
وَيُخَلِّسُوا مِنَ الْعَامِلِينَ فِيهِ بِالْأَعْيُنِ وَالْأَلْمَلِينَ فِيهِ
لِيُخَالِعَكَ اللَّهُمَّ وَاهْدِنَا إِلَى سَوَادِ السَّبِيلِ وَاجْعَلْ
مَقِيلًا عِنْدَكَ خَيْرَ مَقِيلٍ فِي ظِلِّ ظِلِّكَ وَأَنْتَ حُسْنُ
وَقِيمُ الْكَرِيمِ وَالْإِلَهِ عَلَى عِبَادِهِ لِلصَّالِحِينَ وَصَلَاةُ
عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ اللَّهُمَّ يَارَبُّ كُنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا الَّذِي
فَضَّلْتَهُ وَبَكَرْتَهُ جَعَلْتَهُ وَبَلَّغْتَهُ الْكَرِيمِ أَرْزَقَهُ
وَصَلِّ عَلَى مَنْ فِيهِ إِلَى عِيَالِكَ أَرْسَلْتَهُ وَبَالَغْتَ الرَّفِيعِ

انما الله الله من علمه واليه صلوة والتمتع تكون لك نكاح
 ولنا ذكره و اجعل لنا من امرنا يسرا و اختم كتابنا بالحق
 الى ائمتنا ابا الحسن و قد قبلت اليه من اعمالنا و بلغنا
 برحمتك افضل ما لنا انك على كل شيء قدير و صلى الله
 على سيدنا محمد و آله الطاهرين و سلم فصل هفتم
 در اعمال شهر رمضان للعظم و ثبت از اهل بيت طاهرين عليهم السلام
 كه اين ماه منسوب است بحضرت پير محمد صلى الله عليه و آله و سلم و چون ماه
 اعمال عبادت بالا برند و حسنات عبادت بر ابرمضاعف شود و
 سيئات محو گردد و گناهان آمرزیده شود و از راق مؤمنان درويش
 قوت شود و زياده شود چنانكه در ماه رمضان و طهت را از عتيد
 و خدا تعالى از عرش نظر بر جهان و روز كبر اين ماه و بايشان
 با حجاب عرش مباهاه مكنند و فتايل روزه اين ماه بتفصيل ديگر
 بيان كند و هر كس دين ماه صدقه دهد خدا تعالى آن را تربيت
 نوايد و زياده كند تا روز قيامت مثل كوه بلند باشد و روايت
 ديگر آمده كه هر كس دين ماه صدقه دهد اگر چه بخت خرماني باشد
 جسدش بر آتش حرام شود و هر كس هر روز دين ماه حنفا و صبر استغفار
 كند گناهاتش آمرزیده شود و اگر چه بديدستان دشمنان باشد و در صرة

حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم وانشاء الله تعالیٰ محشور شود و هر کس
 دین ماه هفتاد مرتبه بگوید استغفر الله و اسأله التوبه خداوند
 برکت آید و جواز بر صراط و دخول دارالقرار عطا فرماید و هر کس
 هر روز دین ماه هفتاد مرتبه بگوید استغفر الله الذی لا اله الا
 هو الرحمن الرحیم فالحق القیوم و اکوب الیه خدایتعالی آید
 در اقی مبین ثبت گرداند و رسیدن کافق مبین کلام است حضرت
 امام علی علیه السلام فرمود و هر ایشیت در پیش هر کس که در آن شهرهای جاریست
 انبثت و محبت در هر روز این ماه وقت ظهر و در شیفت ماه
 نیز خواندن این صلوٰه اللهم صل علی محمد و آل محمد بقدر
 النبوة و موضع الرسالة و تحملت الملائكة و موفون العلم
 و أهل بیت النبی اللهم صل علی محمد و آل محمد الطاهرات
 الجارین علی الحج الناصرة فامن من ربها و یغفر من
 ربها المتقدم کم مارق و المستأخر منهم ذاهق و اللهم
 صل علی محمد و آل محمد و آل محمد الکاف
 المحصین و غیبات القسطه للسنین و علی الطاهرات و
 عصمة النبیین اللهم صل علی محمد و آل محمد صلوٰه
 کثیره کما فی رضاء و تحقیر اداء و قضاء و جود

مِنْكَ وَقُوَّةَ يَدَيْكَ الْعَلِيِّنَ اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
الطَّيِّبِينَ الْأَبْرَارِ الْأَخْيَارِ الَّذِينَ أَوْجِبَتْ حَقُوقُهُمْ وَكَرِهَتْ
طَاعَتُهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمُ اللَّهُمْ وَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعْمُرْ
قُلُوبِي بِطَاعَتِكَ وَلَا تَحْزَنْ لِي بِمَعْصِيَتِكَ وَأَذِقْنِي مَوَاسِكَاتَ
مَنْ قَدَّرْتَ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ بِمَا وَسَّعْتَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ
وَأَسْرَرْتَ عَلَيَّ مِنْ عَذَابِكَ وَأَحْيَيْتَنِي تَحْتَ ظِلِّكَ وَهَذَا
عَهْدِي بِكَ يَا سَيِّدِي رَسَلْتُ شُعْبَانَ الَّذِي حَقَّقْتَ نِيَّتَهُ
بِالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ الَّذِي كَانَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَالْآلِ وَسَلَّمَ فِي صَلَاتِهِ وَقِيَامِهِ فِي لَيْلَتِهِ وَأَقَامَهُ بِجُودِكَ
لَكَ فِي أَوَّلِ أَمْرِهِ وَأَعْظَمِهِ إِلَى عَمَلِ حَامِيهِ اللَّهُمَّ فَاعْنَا
عَلَى الْإِسْتِثْنَانِ بِرِسْمَةِ قَبْرِكَ كَيْدَ الشَّعَاةِ لَعَنَهُ اللَّهُ
وَأَجْعَلْهُ لِي سَبِيحًا مُسْقًى وَطَرِيقًا لِي إِلَى مَقْصُودِي
كَجَسَدِي لَكَ مُسْتَعِظًا حَقَّ الْقَالِكِ عَنِّي رَاضِيًا وَبِحَسْنِ دُؤُوبِي
عَاجِزًا فَأَوْجِبْ لِي مِنْكَ الرَّحْمَةَ وَالرِّضْوَانِ وَأَنْزِلْنِي
دَارَ الْقَرَارِ وَجَعَلِ الْأَخْيَارَ وَرِوَسِيْعِي بِنِهَايَةِ
أَمَامِ حَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَوْلَا سَلَامَةِ مَحَبَّتِ دِينِ رَوْزِ رَوْزِهِ
وَعَوَاضِلِ ابْنِ دَعَا اللَّهِ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فِي هَذَا الدِّينِ

الْمَوَدَّةَ بِنَهَادِهِ قَبْلَ اسْتِهْلَالِهِ وَلَا يَدْرِي بِكَيْفَةِ السَّلَاحِ
مِنْ دِيْنِهَا وَالْأَرْضِ وَمِنْ عَلَيْهَا وَلَكِنْ لَا يَتَقَالَبُهَا قَبْلَ
الْعَبْرَةِ وَسَيِّدُ الْأَنْسَاءِ الْمُسَدَّدُ بِالْمُصْرَةِ يَوْمَ الْكُرَّةِ
الْمُعْتَرِضِ مِنْ قَتْلِهِمْ أَكْثَرُ الْأَهْمَةِ مِنْ يَسْلَبِهِمْ وَالْأَوْصِيَاءِ
مِنْ عَتَرَتِهِ وَالشَّفَاعَةِ فِي رُسُلِهِ وَالْفَرَسَةِ فِي أَوْصِيَاءِهِ
بَعْدَ فَايَمِهِمْ وَتَحْيِيَّتِهِمْ يَدْرِكُوا الْأَوْتَارَ وَتَبَارَكَ
الْثَّارُ وَيَرْضَى الْجَبَّارُ وَيَكُونُ أَحَدُ أَنْصَارِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
مَعَ أَتْلَافِ السَّيْلِ وَالنَّهَارِ اللَّهُمَّ يَعْظِمُ إِلَيْكَ أَوْسُلُكَ وَ
أَسْأَلُ سُؤَالَ الْمُفْتَرِفِ مُفْتَرِفٍ مُسَوِّدٍ إِلَى نَفْسِهِ مِمَّا
قَطَعَتْهُ يَوْمَهُ وَأَمْسَتْهُ بِكَ أَلَكِ الْعِصْمَةَ إِلَى الْحُلِّ مِمَّا
الْأَهْلُ فَضَّلَ عَلَى تَقْوَاهُ وَعَدْلِهِ وَأَحْسَنَ مَا فِي رُؤُوسِهِ وَوَجْهِهِ
مَعْدَدُ أَطْلَافِكَ وَكَلِمَةٍ وَحَلِّ الْأَهْمَةِ اللَّهُمَّ وَمَا أَمْرُ
بِعَمْرِ قَتْلِهِ مَا كُنْ مَنَابِرُ نَفْسِهِ وَأَرَادَ أَنْ أَمْرَ نَفْسِهِ وَمَا بَلَّغَ
وَأَجْعَلْنَا مِنْ يَسْلَبِهِمْ وَأَحْسَنَ مَا فِي رُؤُوسِهِ وَوَجْهِهِ
عِنْدَ ذِكْرِهِ وَعَلَى أَوْصِيَاءِهِ وَأَهْلِ أَصْفِيَاءِهِ الْمُسَدَّدِ
مِنْكَ بِالْعَدْوِ وَالْمَنْعَةِ عَشْرَةَ الْعُزْمِ الزُّمَرِ وَالْحُجَّ عَلَى الْجَنَّةِ
الْبَشِيرِ اللَّهُمَّ وَصِبْ لَنَا فِي هَذَا الْيَوْمِ خَيْرَ مَوْجِبَةٍ وَكَرِّحِ

کتافیه کل طلب و محامدیت الحسین لمحمد و جده و
 حماد و قطرس و محمد و فخر عالم و من یقره من بعد
 کشف کربته و تنتظر اوبته امین رب العالمین
 عمل ایام و لیالی بعض مرویات که هر کس ایام بعض ماه شعبان
 روزه کیر خدا تعالی برایش فراموشه نویسد و فراموشه از خود
 کند و فراموشه بلند کرداند که خانه و هر کس شب نصف شعبان
 و عید فطر احیاء او دلش بند و روزی که دهامرد باشد و
 نصف شعبان بعد از شب قدر بهترین شبهاست درین شب
 کتاهان کیر امرزیده و حوائج برآورده و دعا مستجاب شود و هر
 درین شب زیارت حضرت امام حسین علیه السلام کند کتاهان کشته
 و ایندیش امرزیده شود و این روایت که هر کس نصف شب شعبان
 و شب فطر و شب عرفه در یکسانی زیارت حضرت علیه الصلوة
 و السلام کند خدا تعالی برایش فراموشه و فراموشه از خود و فراموشه
 حاجتش را برآورد در دنیا و آخرت و هر کس درین شب سبحان الله
 و الحمد لله و الله اکبر و لا اله الا الله مرثیه را
 صد مرتبه بگوید کتاهان کشته اش امرزیده شود و حوائج
 دنیا و آخرتش برآورده گردد و خواه آنچه سوا کند و خواه آنچه کند

وحضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود هر کس درین شب بعد از نماز
 دو رکعت نماز گذارد در رکعت اول بعد از حمد قل یا ایها الکافرون
 و در دوم قل هو الله احد بخواند و بعد از سلام میفرماید سبحان الله
 و میفرماید مرتبه الحمد لله و میفرماید چهار مرتبه الله اکبر بگوید الله
 بگوید یا من الیه تمسک فی الیسار فی المهمات والیسار فی الیسار
 فی المهمات یا عالم الجواهر والحقایب یا من لا یضیی علیک
 سواط الاوتار و الخطرات یا رب الملائکة والبریات یا من
 یدبر ملکوت الارضین و السموات أنت الله لا اله الا انت
 أنت الذی لا اله الا انت فیا اله لا اله الا انت اجلی
 فی هذه اللیلة فتمن نظر الیه فرحت و جمعت علیه
 فاجبت و علقت استغاثت فقلت و تجاوزت عن
 سائر حقیقتیه و عظیم حرزیه و بعد از سجده یک مرتبه
 درونی بگفت ای کذا فی ستر عیونی اللهم قد علی
 بکرمک و فضلت و احفظ خطای عیالت و عیوالم
 و تمکن فی هذه اللیلة بسلام کرمک و اجلی فیها
 من اولیایک الذین احببتهم بطاعتک و اخذتهم
 بر ادبک و جنتهم بالصبر و صفقت الهمم

اجعلني ممن سعد جدهم وكوثر من الخيرات حظه واجعلني
ممن سلم قعرهم وفاز نعمهم واكفي شر ما اسلفوا ليصني
من الاكزياد في معصيتك وحسب لي طاعتك وما
يقدرني منك ويؤلفني عندك سيدني اليك يلجأ اليك
رب ومينك يلتمس الطالب وعلى كرمك يقول
الستقيل الثائب اذيت عبادك بالكرم وانت
اكرم الاكومين وامرت بالعفو عبادك وانت القفور
الرجيم اللهم فلا تحرمني ما رجوت من كرمك ولا
تؤنسني من ما يبع قبحك ولا تمنعني من جليل قيسك
في هذه اللب كبريا على طاعتك واجعلني في جنتك
من سرور برئيتك رب **رب** لعلني اهل ذلك فانت
اهل الكرم والعفو والمغفرة جدد علي ما بلغت اهلك
لعلني اسحقه فقد من علي بك وتحقق رجائي اليك و
كلفتني بكرمك فانت اكرم الراحمين واكرم
الاكومين اللهم واخصني من كرمك بجزيل قيسك
واجود بعقولك من عفوئك واغفر لي اللب الذي
يجس في الخلق ويصير على الرزق على اكرم يصلح رضاء

وَالْقَمِيمَ بِذِي عِظَامِكَ وَأَسْعِدْ بِسَائِرِ نِعَمَاتِكَ وَقَدْ
لَذْتُ بِحُرْمَتِكَ وَتَعَرَّضْتُ لِكُرْمِكَ وَاسْتَعَدْتُ
بِعَقُولِكَ مِنْ عَقُوبَتِكَ وَبِحِيلَتِكَ مِنْ فَضْلِكَ قَدْ نِعِمَّا
سَاءَ لَنَّاكَ وَأَكْبَلُ مَا أَلْقَيْتَ مِنَّا أَشْرَكَ بِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا
هُوَ أَكْثَمُ مِنَّا بِعَدَا زَانِ حَيْدِ مَلَكُوتِهِ وَبِثَرْتِهِ بِكَ وَبِأَمْرِ
وَعَفْوَتِهِ بِكَ اللَّهُ وَدَهُ مَرْتَبَةً لَا تُحُولُ وَلَا تُقَوِّمُ إِلَّا بِأَمْرِ
بِعَدَا زَانِ صَلَوةٍ بِفَرْسَتِهِ حَاجَتُهُ كَمَا خَوَّاهُ شَوْلُكَ وَاه
كَمَا كَرِهَ دَقِظُهُ إِيَّانِ حَاجَتُهُ كَمَا خَوَّاهُ كَيْفَ تَقْبَلُ دَعْوَتَهُ
هُوَ أَهْلُ الْوَعْدِ وَهُوَ كَرِيمٌ دِينُ رَبِّهِ دَعْوَتُهُ تَأْذِنُ لَهُ دَعْوَتُهُ
بِعَدَا زَانِ دَعْوَتُهُ قَوْلُهُ هُوَ اللَّهُ اسْمُهُ جَوَانِدُ وَجْهِهِ فَارِغْ شَوْهَ حَيْدِ
وَدَعْوَتُهُ بِكَ اللَّهُمَّ لَكَ سَجْدٌ سَوَادِي وَخِلَافٌ وَبِأَمْرِ
يَا أَكْثَمَ لِي بِكَ عَظِيمَ رَغْبَتِي ذِي الْعَظِيمِ قَائِمَ الْكَفَرَةِ
غَيْرُكَ هَذَا دَعْوَتُهُ رَغْبَتُهُ هَذَا دَعْوَتُهُ دَعْوَتُهُ دَعْوَتُهُ
نُورُهُ شَوْهَانِ الدِّينِ هَذَا دَعْوَتُهُ رَغْبَتُهُ دَعْوَتُهُ دَعْوَتُهُ
حَضْرَتُ حَاجِبِ الزَّمَانِ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِ مُتَوَلِّدُهُ وَإِنْ
دَعَاكَ مَرَّةً بِتِ أَرْخَضْتُ دِينِي شَيْءُ جَوَانِدِ الْهَمِّ صَلَواتُ
مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَجَاءَ النَّبِيِّينَ وَنَجَّيْتَهُ مِنَ الْغَالِقِينَ

فِي مَبْنَى الْمُصْطَفَى فِي الضَّلَالِ الْمَطْمَئِنِّ مِنْ كُلِّ أَفْرِ الْبَرِّ
مِنْ كُلِّ عَيْبٍ أَلَوْ مَثَلُ النَّجَاةِ الْمَرْجَى الشَّفَاعَةِ الْمَقْبُولَةِ
الْبَيْتِ بَيْنَ اللَّهِ وَالْعَالَمِينَ وَشَرِيفِ بَنِيَانِهِ وَعَظِيمِ رِجَالِهِ
وَأَفْخَجِ حُجَّتِهِ وَارْتَفَعَ دَرَجَتُهُ وَأَمَّا قُورَهُ وَسُفْرُ وَجْهِهِ
وَأَعْظَمُ أَنْفَعِلِهِ وَالْفَضِيلَةَ وَالْوَسِيلَةَ وَالذِّكْرَ
الزَّيْفَةَ وَابْنَتَهُ مَقَامًا مَعْنُودًا يَنْصِبُهُ الْأَوَّلُونَ
وَالْآخِرُونَ وَصَلَّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ
وَقَائِدِ الْعَرِّ الْجَمَلَيْنِ وَسَيِّدِ الْوَصِيِّينَ وَحُجَّةِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ وَصَلَّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ
الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ
عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ وَصَلَّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ
وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ
بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ وَصَلَّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ
الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ
إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَصَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ
وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْوَلَدِ
وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلَى
عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ
وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ اللَّهُمَّ
عَلَى خَلْفَتِ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ
الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَأَصْلِ بَيْتِهِ الْأَشْمَةِ الْهَادِينَ الصَّالِحِينَ الصَّادِقِينَ
الْكَرِيمِينَ الْمُتَّقِينَ تَحَاتُّمِ مَسَلَّتْ وَأَرْكَانِ تَوْحِيدِكَ
وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَخَلْقَاتِكَ فِي أَرْضِكَ الَّذِينَ
اخْتَرْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَاصْطَفَيْتَهُمْ عَلَى عِبَادِكَ وَأَقْبَلْتَهُمْ
لِدِينِكَ وَخَصَصْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ وَجَعَلْتَهُمْ بِكَ أَحْسَنَ
وَعَشِيَّتَهُمْ بِرَحْمَتِكَ وَرَبَّيْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ وَعَلَيْتَهُمْ
حِكْمَتِكَ وَالْبَسْتَهُمْ نُورَكَ وَوَفَعْتَهُمْ فِي مَلَكُوتِكَ
وَحَقَّقْتَهُمْ بِمَلَائِكَتِكَ وَتَرَفَّقْتَهُمْ بِبَنِيكَ مَا كُنَّا
عَلَيْكَ وَعَلَيْهِمْ صَلَوةٌ كَثِيرَةٌ دَائِمَةٌ طَلِبَتُهُمُ الْخَطِ

لِمَا إِلَّا أَنْتَ وَلَا يَسْعَى إِلَّا عِلْمُكَ وَلَا يَحْصِيهَا
أَحَدٌ غَيْرُكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ الْحَبِيبِ مُحَمَّدٍ
وَالْفَاتِمَةِ بِأَمْرِكَ الدَّاعِي إِلَيْكَ الدَّلِيلِ عَلَيْكَ مُحَمَّدًا
عَلَى خَلْقِكَ وَخَلْقَاتِكَ فِي أَرْضِكَ وَشَاهِدِكَ عَلَى
عِبَادِكَ اللَّهُمَّ أَعِزِّ نَصْرَهُ وَمُدِّ فِي عَمْرِهِ وَزَيِّنْ
لَهُ الْأَرْضَ بِطَوْلِكَ بَقَاءَهُ اللَّهُمَّ أَكْفِ عَنِ الْخَائِبِينَ وَ
أَعِزِّ مَنْ شَرَّ الْكَائِبِينَ وَأَزْجِرْ عَنَّا أَرَادَةَ الظَّالِمِينَ وَ
خَاصَّةً مَنْ أَيْدَى الْبَيِّنَاتِ اللَّهُمَّ أَغْطِ فِي قَبْرِهِ وَ
أُورِثْهُ وَشِعْبَتِهِ وَرَحْمَتِهِ وَغَافِقَتِهِ وَعَاقِبَتِهِ وَعَدِيْقَ
وَجَمِيعِ أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ بِرَحْمَتِهِ وَسُرِّهِ نَفْسَهُ
وَبَلَدِهِ أَفْضَلَ مَا تَحْكُمُ بِهِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ إِلَيْكَ عَلَى
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ جَدِّهِمَا أَعِزِّ مِنْ دِينِكَ وَأَخِي
بِهِمَا أَبْدَلِكِ مِنْ بَنَاتِكَ وَأَقْرَبِيهِمَا غَيْرِي مِنْ مُحْكَمِ حَقِّي بِقُوَّةِ
إِلَهِيكَ وَعَلَى يَدَيْهِ غَضَّاجِدِي أَخَا صَلَاةٍ فَتِيْرَةٍ وَلَا
شُبُهَةٍ مَعَهُ وَلَا بَاطِلٍ عِنْدَهُ وَلَا يَدْعُهُ لَدَيْهِ اللَّهُمَّ قَرِّ
بِسُورِهِ كُلِّ ظَلَمَةٍ وَهُدِّ بِرُكْنِهِ كُلِّ بَدْعَةٍ وَاهْدِهِمْ
وَافْدِهِمْ بِغَيْرِهِ كُلِّ ضَلَالَةٍ وَأَقْصِمِ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ وَأَخْذِ بِسَيْفِهِ

كُلُّ نَارٍ وَأَمَّا لِكَيْ يَسْخَرُوا مِنْ كُلِّ جُورٍ وَأَخْرِجَكَ عَلَى كُلِّ حَكِيمٍ وَ
أَذَلَّ بِسُلْطَانِهِ كُلَّ سُلْطَانٍ اللَّهُمَّ أَذَلَّ كُلَّ مَنْ نَادَاكَ
وَأَهْلَكَ كُلَّ مَنْ عَادَاكَ وَأَمْسَكَ كُرْسِيَّ مَنْ كَادَكَ وَاسْتَأْمَلَ
مَنْ حَجَّدَ حَقَّهُ وَاسْتَهَانَ بِأَمْرِهِ وَسَمِعَ فِي أَلْفَاءِ نُورِهِ
وَأَرَادَ إِخْلَادَ ذِكْرِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَعَلَى
أَلْوَيْتِهِ وَفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَالْحَسَنِ الرِّضَاءِ وَالْحَكِيمِ
الْمُصْطَفَى وَجَمِيعِ الْأَوْصِيَاءِ مَصَاحِبِ الدُّجَى وَأَعْلَامِ الْفَتْحِ
وَمَنَارِ السُّقَى وَالْعَزِيزِ الْوَلِيِّ وَالْحَبِيبِ الْمُبِينِ وَالضَّرَاطِ
الْمُسْتَقِيمِ وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَوَلَاةِ عَهْدِكَ وَأَهْلِ كِتْمَتِكَ
مِنْ وَلَدِهِ وَمَنْ فِي أَعْمَارِهِمْ وَزِدْ فِي أَسْبَابِهِمْ وَبَلِّغْهُمْ
أَقْصَى مَا لَيْمَ دِينًا وَدُنْيَا وَآخِرَةً أَمَّا أَنْتَ فَكُلُّ نَبِيٍّ وَمَوْلَا
إِيضًا مَخْلُوقٍ بَيْنَ شَيْءٍ حَقٍّ وَدَعَا إِلَهُمَّ بِحَقِّ لَبَنَاتِنَا
وَمَوْلَانَا وَجَنَّتِكَ وَمَوْعُودِنَا الَّتِي قَرَنْتَ إِلَى أَقْصَى
فَضْلِكَ قَسَمْتَ كَلِمَتَكَ صِدْقًا وَعَدًا لَا تُسَدِّدُ كَلِمَتَكَ
وَلَا تُعَقِّبُ لَا تَأْنِثُ تُوْرِكَ لِلْمُسْلِمِينَ وَضِيَاءُكَ لِلْمُسْلِمِينَ
وَالْعِلْمُ النُّورِيُّ فِي مَعْنَاءِ الدُّجَى وَالْغَائِبِ لِلْمُسْتَوْجِبِ
مَوْلَانَا وَكُرْسِيِّ مُحَمَّدٍ وَالْمَلَأَ كُلُّ شَيْءٍ وَاللَّهُ بِأَمْرِهِ

حُرِّدَهُ إِذَا انْ مِيعَادُهُ وَالْمَلَأَ ثَنَّهُ أَمْدَادُهُ سَيْفُ اللَّهِ
 الَّذِي لَا يَنْبُو وَتَوْرَهُ الَّذِي لَا يَنْبُو وَذَوُ الْعِلْمِ الَّذِي لَا يَنْبُو
 مِيعَادُ الدَّهْرِ وَتَوَاقُتُ الْعَصْرِ وَوَلَاةُ الْأَمْرِ وَالْمَنْزِلُ الْعَلِيمُ
 مَا يُزِيلُ فِي لَيْلَةِ الْقَدَرِ وَأَخْطَابُ الْحَيَةِ وَالشَّعْرُ الرَّاحِمُ
 وَحَبِيبُ وَوَلَاةُ الْأَمْرِ وَهَبِيبُ اللَّهِ فَصَلِّ عَلَى خَائِمِهِمْ وَقَائِمِهِمْ
 الْمُسْتَوْرَيْنِ عَوَالِمِهِمْ وَأَذِلَّةِ بَنَاتِ قِيَامِهِ وَظُهُورِهِ وَقِيَامِهِ
 وَجَلَانِ أَفْئَادِهِمْ وَأَقْرَبِ قَارِنَاتِ بَاشَرِهِ وَالْكَتَبَاتِ فِي أَكْوَانِهِ
 وَخَلْقَاتِهِ وَأَجْنِسَاتِ دَوْلَتِهِ قَائِمِينَ وَبَعْضِيَّةِ غَائِبِينَ
 وَبَحْقَةِ قَائِمِينَ وَمِنْ السُّوءِ سَائِلِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
 وَأَتَمِّدْ يَدَيْكَ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ
 وَالْمُرْسَلِينَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الصَّادِقِينَ وَغَيْرِهِمُ النَّاطِقِينَ
 وَأَحْكَمْ بَيْنَهُمْ يَا أَهْلَ الْكَوَاكِبِ وَدِدُّوهُ نِصْفَ إِنْ مَاءِ
 أَرْوَاحِ أَنْبِيَائِ الْعَالَمِينَ إِذَا خَاسَتْهُ بَرِّيَاةُ فَرَحِ حَضْرَتِ إِمَامِ
 حَبِيبِ عَلَيْهِ السَّلَامُ آيَنَدُكُمْ كَيْسَ دِينِ رُؤُوسِ زِيَارَتِ قَبْرِ اخْتِصَرَتْ كُنْدُ
 صِدْقِ وَبَسْتِ زَهْرَ رِيحِهَا أَوْ مَضْلَعُهَا كُنْدُ وَكَيْسَالِ كُنْدِ بَرُو مُنْزِلِ
 كُنْدِ كُنْدِ دَعْوِمْ تَعْرِيفِ زِيَارَتِ كُنْدِ كُنْدِ هَاشِمِ أَهْرِ زِيَادَةِ سُودِ رُؤُوسِ
 دُكْرِ كُنْدِ كُنْدِ كُنْدِ كُنْدِ كُنْدِ كُنْدِ كُنْدِ كُنْدِ كُنْدِ كُنْدِ كُنْدِ كُنْدِ

وَالْعَيْنِ الْعَالَمِينَ

كُنَّا هَٰنِئِذٍ مُّشْرِكِينَ وَشُوِبَا لَنَّا دَرْ شَيْبٍ خَرَسِيَانٍ وَشَيْبٍ أَوَّلٍ
 رَمَضَانَ ابْنِ دَعَا جَوَادُ اللَّهُمَّ إِنَّ هَٰذَا الشَّهْرَ الْمُبَارَكَ الَّذِي
 أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى
 وَالْفُرْقَانِ قَدْ حَضَرَ قِسْمُنَا فِيهِ وَسَلَّمَ لَنَا وَسَلَّمَهُ
 مِثَاقِي بِسُورَتِكَ وَعَافِيَةٍ يَا مَنْ أَخَذَ الْقَلِيلَ وَشَكَرَ
 الْكَثِيرَ أَقْبَلْ مِنِّي الْبَسِيرَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ
 لِي إِلَى كُلِّ خَيْرٍ سَبِيلًا وَمِنْ كُلِّ خَيْرٍ سَبِيلًا وَمِنْ كُلِّ مَالٍ
 حَقِّبْ مَا بَيْنَنَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا مَنْ عَفَى عَنِّي وَعَن عَٰمِلِي
 خَلَوْتُ بِرَبِّي التَّيَّابِ يَا مَنْ كَمْ يُؤْخَذُ فِي بَوَارِكِ كَابِ
 الْمَعَامِي عَفْوُكَ عَفْوُكَ عَفْوُكَ يَا كَرِيمُ الْحَمْدُ وَتَعْظِي
 فَلَمْ أَعْظُ وَتَجَرَّعِي مَنْ عَمَّاسِي فَلَمْ أَتَجَرَّعْ فَمَا عَزَّي
 فَا عَفْ عَنِّي يَا كَرِيمُ عَفْوُكَ عَفْوُكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
 الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَالْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ عِظَمَ الدَّيْنِ
 مِنْ عِبْدِكَ فَلْيَصِّنْ الشَّعَاوُزَ مِنْ عِنْدِكَ يَا أَهْلَ الْقُوَى
 وَأَهْلَ الْغُفْرِ عَفْوُكَ عَفْوُكَ اللَّهُمَّ إِنِّي عِنْدَكَ وَأَبْنُ
 عَيْدِكَ ابْنُ أَمَتِكَ ضَعِيفٌ قَعِيرٌ إِلَى رَحْمَتِكَ وَأَسْتَعِ
 مُزِلُ الْغَمِّ وَالْهَرَكَةِ عَلَى الْعِبَادِ فَاهِرٌ مُّقَدَّرٌ أَحْصَيْتَ

أَعْلَمُ وَفَعَلْتُ وَأَفْعَلْتُ وَجَعَلْتُ وَخَلَقْتُ وَكَذَلِكَ
خَلَقَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ لَأَسْأَلَ الْعِبَادَ لَا يَقْرَأُوا الْقُرْآنَ قَدْ رَكَعَ
وَكُلُّهُ أَفْعَالٌ كَمَا أَنَّ كَلِمَاتِ الْكُفْرَانِ وَجَعَلْتُ وَأَخْلَعْتُ
مِنْ هَالِكِ الْخَلَائِكِ فِي الْعَالَمِ الْأَكْبَرِ وَالْقَطَاةِ وَالْقُدْرَةِ اللَّهُ
أَفْعَلُ خَيْرَ الْفَعْلَاءِ وَأَفْعَلُ خَيْرَ الْأَعْمَالِ عَلَى جَمِيعِ الْأَعْمَالِ
وَسَاءَ أُولَئِكَ أَعْدَاءُ الْغَيْبِ الْأَكْبَرِ وَالْأَكْبَرِ مِنْهُمْ
الْمُشْرِكُونَ وَالْكَافِرُونَ وَالْمُتَكَبِّرُونَ وَالْمُتَكَبِّرُونَ
وَالْمُتَكَبِّرُونَ وَالْمُتَكَبِّرُونَ وَالْمُتَكَبِّرُونَ
سَاءَ أُولَئِكَ أَعْدَاءُ الْغَيْبِ الْأَكْبَرِ وَالْأَكْبَرِ مِنْهُمْ
أَوْفِيَاءُ أَوْفِيَاءُ أَوْفِيَاءُ أَوْفِيَاءُ أَوْفِيَاءُ
أَوْفِيَاءُ أَوْفِيَاءُ أَوْفِيَاءُ أَوْفِيَاءُ أَوْفِيَاءُ
يَا رَبِّ أَنْ تُبْدِيَ لِي مَكَانَكَ الْأَكْبَرِ وَالْأَكْبَرِ
وَيَعْنِي بَعْضُكَ وَقِيَامُ الدُّنْيَا وَبَعْضُ بَعْضِكَ
وَالْكَرَّةُ وَالْكَرَّةُ وَتَوْبَةُ نَفْسِكَ أَنْ تَكُونَ ذَلِكَ يَلْزَمُ
لِلْمُتَكَبِّرِينَ لَمْ أَتُفَكِّرْ مِنْ حَيْثُ تَقْضَى وَمِنْ كَرَمَاتِ وَجْهِكَ
طَلَعَ مَكَانَكَ كَرَمُكَ وَكَفَارَتُكُمْ كَرَمُكُمْ بَعْضُكُمْ كَرَمُكُمْ
أَرْضُكُمْ تَكُونُ عَلَيْكُمْ بِالْعَقْلِ حَرَامٌ وَأَوْفِيَاءُ حَرَامٌ

یا ارحم الراحمین بحسب علی بن ابی طالب و الله صلوٰه لا تقصی
ولا تغفل ولا یغفل عن قضاها غفرک یا ارحم الراحمین
فحسب هشتاد و دو سال ما با طه و صاب و صاب و صاب
طاهرین علیکم السلام که این ماء شریف و پاک است اولی صفت است
و میانی مغفرت و آخرش اجابت دعوت و انبای از آتش
و حضرت خضر صلی الله علیه و آله و سلم در مقابل این ماء عظیم
فرمود و عمل مصلحت است که این ماء عظیم را بنام است و بکار
طبیخ و دغنیهای این ماء مثل از عشاء و آب است در بارانها
و اجود طویع و تصدیق و سایر اهل خیر دین ما مثل این امر
فرمود است و در این ماء و فریضه دین ما مثل عشاء و
است در غیر این و دین ماء و عمل صالح و اعمال و از آن مردم
نوشته شود و از آن مؤمنان دین ماء زیاد کرد و هر کس دین
ماء مؤمنی را با نظر فرماید چنانست که بنده از او کند و کلمات
که نوشته اند از او بنده شود کسی که ماء و قادیان بنده فرمود
خود از آتش نجات دارد اگر چه بنده خود را با بر نفس است
و هر کس که بنده مشقت انعام خود تخفیف دهد خدا تعالی
روز قیامت حساب او را تخفیف دهد و مؤمنان در نماز

مهان خدا و اهل کرامت او و توفیق ایشان به پیوسته و خوان
 عبادت و دعایشان متعاقب و عایشان محزون پس درین ماه
 بر نیتهای صادق و طهای پاکیزه انگناه و توفیق روز و شب تلاوت
 قرآن مشغلت کنید و مجموع و عطش این ماه طوع و عطفی روز و شب
 یاد آید و بر فقر و تصدق بر که چکان نرم و حریف کار و توفیق و
 کرامت ناپسند و صلوات بر ارحام بی آریه و ذریای پیورده و بی حاصل
 بر نیاید و چشم از حرام پرشاید و کوشش از آن بگریزد و بر تمام حرام
 رحم کند و در اوقات صلوات که افضل اوقات است از کناهان
 استغفار کند و دستهای باردارد که خدا تعالی بر بندگان رحمت
 نظر کند چوین او را بطلیبند بسبب گوید و چوین مناجات کنند بگفت
 نماید و چوین دعا کنند عطا فرماید نفوس شاد گردد و عیالست چوین با
 سلام کند و فتنهای شما از کناه مستلکین است پس بطول در کعبه
 موجودی از دوش خود سبک کرد ایند و درهای بهشت و رتبه
 بخشوده است سوال کنید تا بر شما بنهند و درهای جوی و بهشت
 تضرع نمایند تا بر شما بکلیند شما را این محبوب و محبوب شوند
 استغفار کنید تا بر شما مسلط شوند و شقی کیست که درین ماه
 از عفت و استخار و هم ماند و کسی که درین ماه اهر زنده نشود کی

تا بر تمام حرام ناپسند

امر زنده شود هر که بگویند بگویند حاضر شود و هر که درین ماه شرف در
 از مردم باز گیرد خدا تعالی غضب خود را از او باز گیرد و هر که
 تطوعی بجا آورد از آتش بری شود و هر که بیستی را اگر کام کند خدا
 روز قیامت او را اگر کام کند و هر که صلاه بخواند فرستد میزانش را
 سنگین گردانند روزی که میزانش سبک باشد و هر که آیه اقرار
 بخواند چنانست که در ماه دیگر ختم قرآن کند و هر شب درین ماه
 سیصد مرتبه یا انا شوقه مکرری که اخطار بر مسکری کند یا صاحب
 بخت یا صاحب طرح باشد و در شب آخرت کند در تمام ماه آزاد
 شوند و هر که این ماه روزه گیرد و قدری از شیهایش بخلد کند
 و مواظبت بر کارهایش نماید و بعضی نماز عید نماید و بطن و
 فرج خود از حرام حفظ کند و بطنش از مردم باند دارد لیکن الله
 دیار و اگر با اهل بیرون رود چنانکه از امام بیرون می رود و
 جایزه و صلواتی بجا نرود و نیز روایت دیگر کرده که هر که در
 روزه گیرد و فرج و زبان حفظ کند و مردمان را نیازیارد و بخت
 خدا تعالی بکنش امان کند شتر و اینده اش را بیاورد و از آتش
 آزادش گرداند و بختش نزدش فرماید و شفقتش بر اهل
 لوح بعد از این علی قول فرماید این بود محلی از کارم است

[illegible]

قد شرفها وحلف بلا وقد علمتها الحمد لله الذي لم يجد
 صاحب ولا ولد أو لم يكن له شريك في الملك فلم يكن له
 ولي من الدن وكثرة تكبيرها الحمد لله بجميع عباد
 كلها على جميع نعمه كلها الحمد لله الذي لا يخطئ في
 ملكه ولا ينزع له في كرمه الحمد لله الذي لا يسهو في
 خلقه ولا ينسى له في عظمته الحمد لله العاني في الدين
 الحرة وحمده الظاهر بالكرم بحمد الباطن الحمد
 لله الذي لا ينقص من شدة ولا يزيد من كثرة الصلاة
 الاكرام وجود الله هو العزيز الوهاب القهار اسلمك
 قلبه من كثرة معاجير في اليد عظمته وعناك عنه
 قداسم وهو عندي في كثرة عظمته اسلمك الله
 ان عظمته عن ذي وعناك له عن عظمته وصلى
 عن علي وسرتك على ابيس علي وعناك من كثرة عظمته
 عندما كان من خطائي وتعدني عظمته في ان اسلمك
 مثالا استوجه منك الذي رزقتني من فضلك واكرمني
 من قدامك وعزفتني من اجابتك فصررت اذ عرفت
 امنا واسلمك مستاتر الانا انا لا اوجعك امدا

كرم

عليك فها تصدق فيك اليك فان ابط اعني عنتي بجهل
عليك ولعل الذي ابط اعني هو خير لي لعلك بغايرة
الاستغفار فلم اذموني كذريا اضرب على اعنيدك لست بم
منك على ياد ربك انك تذاقوني فاذوني عنك واهتيت
ان فاعترض اليك ريقه ذاك فلا اقبل منك كان
لي المشغول عليك ثم لم يمنعك ذلك من الرحمة
لي والاعلان لي والنقص لي على محمودك وكرمانك
فانعم عندك بالاحسان ووجدت عليك فضل احسانك انك
جواد كريم المهدى ليدل اليك لئلا تخرجي الفلك
من روض الوجاج فاقب الاحسان فليكن الذين رب العالمين
الحمد لله على جلله بعد جلله والحمد لله على عظيم
بعده قدرته والحمد لله على طول اقامته في عظيمه ووهن
القاد على ما يريد الحمد لله على خالق العالمين وباسط الرزق
ذي الجلال والاهلك واهل الفضل والامارات
الذي في بعد فلا يرى وروى مشهد القوي تبارك و
تعالى الحمد لله الذي ليس له منازع في عبادته ولا
شبيهة في ملكه ولا نظير في عبادته فهو ربنا ربنا

لا يحزنه ولا يواسع لقطمته العظام فيبلغ بقدرته ما يشاء
 الحمد لله الذي جعلني من أنادير ويتع على كل غيرة
 وأنا أغصيه ويعظم النعمة على قلا أجازيركم من
 موهبة منية قد أعطاني وعظمته عظم قد
 كفاني وجبت مؤنفة قد أداني فأثني عليه حامدا
 وأذكره بمحبة الحمد لله الذي لا يهلك حجاب ولا
 يخلق بانه ولا يورد ساعته ولا يخلق أماله كماله
 الذي يؤمن الخائفين ويحيي الضالين ويرفع المستضعفين
 ويضع المتكبرين ويهلك ملوكا ويخلق آخرين
 الحمد لله قاصم الجبارين مبير الظلمة ومدرك الظالمين
 الخالق الظالمين صانع المستصرخين موضع الحاجات العالين
 معتمد المؤمنين الحمد لله الذي من شيبته ترفع
 السماوات كماها وترجف الأرض وغمازها وموج البحار
 ومن يسبح في قعرها الحمد لله الذي يخلق ولم يخلق
 ويرزق ولا يرزق ويظعم ولا يظعم ويميت الأحياء
 ويحيي الموتى ولا يموت سيده السيد وهو على كل
 شيء قدير اللهم صل على محمد عبدك ورسولك وأعبدك

وَصِفَاكَ وَجَبَانِكَ وَجَبَانِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَحَافِظِكَ
وَمُخْلِجِكَ رَسَالَاكَ أَفْضَلَ وَأَحْسَنَ وَأَجْمَلَ وَأَزْكَى
وَأَعْلَى وَأَجِيبَ وَكَلِمَةً وَأَسْنَى وَالْكَرَّمَاتِ وَأَكْرَمَ
وَرَحْمَتِكَ وَجَدِّدْتَ وَسَلَّمْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ وَأَنْبِيَاكَ
وَرُسُلِكَ وَصَفَّقْتَ وَأَهْلَ الْكَرَامَةِ عَلَيْكَ مِنْ
خَلْقِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَجْهِ رَسُولِكَ
رَبِّ الْعَالَمِينَ وَعَلَى الصِّدِّيقِ الطَّاهِرِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ
سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلَى سِبْطِ الرَّحْمَةِ وَامْرِئِ الْكَرَمِ
الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَصَلِّ عَلَى
أَهْلِ الْبَيْتِ الْمُجْتَمِعِينَ عَلَى مِثَابِكَ وَأَمْنَاءِكَ فِي بِلَادِكَ
صَلَاةً كَثِيرَةً دَائِمَةً اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ
أَفْقَاةِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْعَدْلِ الْمُتَنَظِّرِ أَحْقَقَهُ بِمَا تُكَنِّتُ
الْمُفْرَقِينَ وَأَيُّدِهِ بِرُوحِ الْقُدُسِ يَا رَبُّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ
الدَّائِمِي إِلَى كِتَابِكَ وَالْعَالِمِي بِدِينِكَ وَاسْتَحْلِفْنِي بِالْأَمِينِ
كَمَا اسْتَحْلَفْتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مَكَّنْ لَهُ دِينَهُ الَّذِي ارْتَضَيْتَ
لَهُ أَبَدَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ حُرْفَ آمَنَّا لَعَنَّاكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا مُنْتَبِهَا
اللَّهُمَّ أَهْرَهُ وَأَعَزَّهُ وَانْقُصْهُ وَانْقُصْهُ انْقُصْ لَعَنَّا

وَأَمَّا كَلِمَاتُ فَتَايَسِّرْ أَقْرَبِي اللَّهُمَّ أَطِيعِي بِرَدِّيكَ وَمِلَّة ۝
نَبِيِّكَ حَتَّى لَا يَنْتَفِي إِلَيَّ مِنْ لِقَائِكَ عَاقِبَةُ أَحَدٍ مِنْ
الْمُتَّقِينَ اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تَعْرِفُ
بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَمْلَهُ وَتُنْذِرُ بِهَا التَّفَاقُ وَأَمْلَهُ
وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدَّعَاوِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ إِلَى
سَبِيلِكَ وَتَرْفَعُنَا بِكَرَامَةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
اللَّهُمَّ مَا عَرَفْنَا مِنَ الْخَيْرِ فَجْعَلْنَاهُ وَمَا قَصُرْنَا عَنْهُ
فَبَلِّغْنَا اللَّهُمَّ أَلْسُنَ بِي شِعْرَتِنَا وَأَتَعِبَ بِي صَدَقَاتِنَا
وَأَتَقَرَّ بِي قَرْنَانَا وَكَرِّمَ بِي قَلْبَانَا وَاعْزِزْ بِي دَوْلَتَنَا وَ
اعْزِزْ بِي عَالَمَتَنَا وَأَقْضِ بِي عَنْ مَقْرَمَتِنَا وَاجْعَلْ بِي
تَقَرُّنَا وَسُدُّ بِي شُكْلَتَنَا وَبَسِّرْ بِي عُسْرَنَا وَبِقِصْ بِي
وَبُخْسَنَا وَفَلَسْ بِي أَسْرَنَا وَأَخْرِجْ بِي طَلِبَتَنَا وَأَخْزِرْ بِي
مَوَاجِدَتَنَا وَانْجِبْ بِي تَعَوُّسَنَا وَأَعْطِنَا بِرَفَقَتِنَا
يَا خَيْرَ الْمُسْتَوْجِبِينَ وَأَوْسَعَ الْمُعْطِينَ اسْقِ بِي صَدْرَنَا
وَأَذْهِبْ بِي غَيْظَ قُلُوبِنَا وَأَهْدِنَا بِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ
مِنَ الْخَيْرِ يَا ذَا نَيْلِكَ كَلِّمْ بِي نَشَاءَ الْعَالَمِينَ الْمُسْتَقِيمِ
وَأَنْصُرْنَا عَلَى عَدُوِّنَا وَعَدِّدْنَا إِلَيْكَ الْحَقَّ آمِينَ اللَّهُمَّ

إِنَّا نَشْكُرُكَ يَا رَبِّ قَدْ عَلِمْنَا وَعَيْبَهُ إِمَامُنَا وَكَثْرَ عَدُوِّنَا
وَقَلَّةَ عَدُوِّنَا وَسَيِّدَةَ الْفَقْرِ يَا وَلِيَّ طَائِفَةِ الزَّمَانِ عَلَيْنَا
فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعِزَّنَا عَلَى ذَلِكَ بِفَتْحِ مُحَمَّدٍ
وَصِيْرِ كَيْفَتِهِ وَتَصَرُّعِهِ وَسُلْطَانِهِ فِي تَطْهِيرِهِ
وَرَحْمَةِ مَنَاتِ بَحْلِ النَّاسِ مَا وَغَارَ فِيهِ مِنْكَ تَلْبِسَاتُهَا
بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَهَرَجَ عَدُوِّنَا مَا مِنْ دَعَائِهِمْ
يَا عَدُوِّي فِي كَرْتِي وَيَا عِلَاجِي فِي شَكْلِي وَيَا وَلِيِّي فِي نَجْثِي
وَيَا خَلِيقِي فِي تَقْصِيَّتِي أَنْتَ الشَّارِعُ قَوْنِي وَالْمُؤَيِّدُ رَوْعِي
وَالْمُفْضِلُ عَمْرِي قَاغِي غِيَايَ مَطْطِيئِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
خُشُوعَ الْإِيمَانِ قَبْلَ خُشُوعِ الدُّلَى فِي النَّارِ يَا وَاحِدِيَا أَحَدُ
يَا حَمْدُ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ يَا مَنْ
يُعْطِي مَنْ سَأَلَ يَهْدِي مَنْ ضَلَّ وَخَمْرُ وَبَهْدِي بِالْخَيْرِ
مَنْ تَلَبَّاهُ فَتَبَلَّاهُ مِنْهُ قَوْلُ مُبَكِّدِ مَا يَسْأَلُ الدُّعَاءُ حَسْبُكَ عَلَى
عَمِّي وَالْخَيْرُ عَمِّي وَحَسْبُكَ رَحْمَةُ وَاسْتَعِزَّ بِمَا مَعَهُ الْخَيْرُ بِلَهِّ
حَسْبُكَ الدُّعَاءُ لَدُنَّ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ يَا مُبَسِّئِي الْيَمِينِ
مِنْهُمْ عَمْرِي قَدْ غَفَرْتُ لَكَ كُلَّ حَسْرَةٍ كَذَبْتَ بِوَجْهِكَ
فِي الطُّغْيَانِ فَتَرَاهُ لَيْسَ بِكَ سَبِيلُ عَلَى عَمْرِي وَالْإِغْفَارُ كَرَامَتُكَ

[illegible]

اَيُّ رَبِّ اَيُّ رَبِّ مَاتَن سَلَتْ شَوْصُفِي وَفَلَّ حَلَايِي وَ
 رَقَّ جِلْدِي وَتَبَدَّدَ اَوْصَالِي وَتَنَاقَزَ لَحْيِي وَصَحِي وَجَدِي
 وَوَحْدَتِي وَوَحْشَتِي فِي قَبْرِي وَجَحْتِي مِنْ مَغِيرِ الْبِلَادِ
 اَسْأَلُكَ يَا رَبِّ قَرَّةَ الْعَيْنِ وَالْاَفْسَادِ يَوْمَ الْحَشْرِ
 وَالْاَسَادَةِ يَوْمَ تَنْفَخُ نَوْفُكَ فَيُخْرِجُ الْمَوْتُوهَ اَمَّا مَنْ
 اَلْفَدَحَ اَلَا سَكْرًا اَسْأَلُكَ الْبَشْرَ يَوْمَ تَقْلُبُ فِيهِ
 الْقُلُوبَ وَالْاَهْوَاءَ الْبَشَرُ عِنْدَ رَأْيِ الدُّنْيَا الْمَلَّةِ
 لِلَّذِي اَرْجُوهُ غَوْرًا فِي حَيَاةِي وَاعْدَاءُ وَخَرَّ الْمَيِّتُ
 فَاَتَى اَلْحَقُّ الَّذِي اَرْجُوهُ وَلَا اَرْجُو غَيْرَهُ وَلَوْ رَجَوْتُ
 غَيْرَهُ لَخَلَفْتُ بِجَانِي اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
 زِي الْجَلَالِ وَالْاَهْكَارِ وَلِي كُلِّ نَفْسٍ وَمُصَاحِبِ
 كُلِّ حَسْرَةٍ وَمُنْتَقِي كُلِّ رَغْبَةٍ وَمُضِي كُلِّ حَاجَةٍ اَللّهُمَّ
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْقُطْنِي الْيَقِينِ وَخَسِّنِ الْفَلَقَيْنِ
 وَانْمِيتْ رِجَاءَ لَدُنِّي قَلْبِي وَاقْطَعْ رِجَائِي عَنْ سِوَاكَ
 حَتَّى لَا اَرْجُو غَيْرَكَ وَلَا اَقْرُبُ اِلَّا بِكَ يَا اَلطِّيفُ يَا اَنْسَاءُ
 اَلطِّيفُ يَا اَلْمُجْتَمِعُ اَمَّا اَنْتَ يَا اَلْحَبِيبُ وَرَحْمَتِي يَا رَبِّ اَلْحَمْدُ
 نَسَبْتُ عَلَى التَّامِّ اَلْحَمْدُ لَكَ يَا اَلْمُتَعَلِّقُ بِالْمُتَارِكِ اَرْحَمُ رُغَائِي

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 وَارْقُطْنِي الْيَقِينِ وَخَسِّنِ الْفَلَقَيْنِ
 وَانْمِيتْ رِجَاءَ لَدُنِّي قَلْبِي وَاقْطَعْ رِجَائِي عَنْ سِوَاكَ

لَعَلَّ

وَصَرَّحِي وَخَوَّيْ وَذَلِّي وَسَكَنِي وَتَعَوِّذِي وَتَأْوِيلِي
 يَا رَبِّ اَلْحَقْ بِصِفَتِي مِنْ مَلَكِبِ الدُّنْيَا وَانْتَ وَلِمَنْ كَرِهْتَ
 اَسْأَلُكَ يَا رَبِّ بِعَرْسِكَ عَلَى ذَلِكَ وَقَدْ رَزَقَ عَلَيْكَ
 وَغِيَاكَ عَنِّي وَحَاجَتِي إِلَيْكَ أَنْ تَرُدَّ قِيَّ فِي عَامِي هَذَا
 وَتَهْمِي هَذَا وَتَهْمِي هَذَا وَسَاعِي هَذَا وَتَقَاوِيسِي
 تُفْسِدُنِي بِمَنْ تَكَلِّفُ مِلْفِي أَيْدِي الشَّامِرِينَ وَرُفْعَتِي
 الْحَمْلَانِ الطَّيْبَةِ لَيْلِي رَبِّ مَنَاتِ الْخَلْقِ وَالْيَدِ
 أَدْبُ وَأَلَاكَ أَيْدِي وَأَنْتَ أَهْلُ ذَلِكَ لَا أَوْجَعُكَ وَتَكُنْ
 لَا أَلْقَى إِلَّا بِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي
 فَاعْفُ عَنِّي وَأَهْبِشْ عَنِّي يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ وَيَا جَامِعَ
 كُلِّ قَوْمٍ يَا بَارِي السُّمُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ يَا مَنْ لَا تَنْفَاهُ
 الظُّلُمَاتُ وَلَا تَنْفِيهِ عَلَيْهِ الْأَكْمَرَاتُ وَلَا تَنْفَعُهُ
 شَيْءٌ عَنْ شَيْءٍ وَأَعْطِ عَمْدًا أَفْضَلَ مَا سَأَلَكَ وَأَفْضَلَ
 مَا سَأَلْتُكَ كَمَا أَفْضَلَ مَا أَنْتَ مُسْتَوْفٍ لَهُ إِلَى الْوَقْتِ
 الْقِيَمَةِ وَهَبْ لِي الْخَافِيَةَ عَنِّي هَيْبَتِي الْمَعْلِيَّةَ
 وَأَخْتِمْ لِي بِصِيْرَتِي لَا تَقْصُرْ لِي الذُّؤُوبُ اللَّهُمَّ رَضِي
 بِمَا قَسَمْتَ لِي عَنِّي لَا أَسْأَلُكَ أَسَدَ مَشِيئَتِكَ إِلَّا عَلَى عَهْدِكَ

وَالْحَمْدُ وَالنَّحْمُ فِي خَيْرِ الشَّيْءِ رَحْمَتُكَ يَا مُصَنِّفَ رَحْمَةٍ لَا تُقَدَّرُ
 بَعْدَ هَذِهِ الْبَاقِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ وَبِأَمْرِ نَفْسٍ مِنْ فَضْلِكَ الرَّابِعُ
 رَفَعًا لِلْأَكَلِيبَةِ لَا تُقَرَّرُ فِيهِ إِلَى أَحَدٍ بَعْدَهُ سِوَاكَ
 تَزِيدُ فِي يَمِّكَ شُكْرًا وَبِالْيَدِ فَاقَةٌ وَطَعْنٌ بِكَ عَنْ
 سِوَاكَ عَنِّي وَتَعَفُّفًا بِأَعْيُنٍ لَا يُجْعَلُ بِأَمْنِهِمْ يَا مُفَضِّلَ
 يَا مَلِكِي يَا مُقَدِّرَ رُفْعِي عَلَى أَعْيُنِهِ وَالْعَمَلُ وَالْهَيْئَةُ لِمَنْ
 تَحْكُمُ مَا خِصَّ بِكَ بِمَجْمَعِ حَوَائِجِ الْأَهْلِ لَسْتَ بِمَا خَافَ قَبْرُ
 وَأَنْ يَتَبَيَّرَ مَا خَافَ تَعَبِيرُ عَلَيْكَ سَهْلٌ لَسْتَ بِمَنْ
 مَا خَافَ حُرُوفَتَهُ وَوَقَفَتْ عَنِّي مَا خَافَ صِدْقَهُ وَوَقَفَتْ
 مَا خَافَ عَمَّةً وَأَصْرَفَتْ عَنِّي مَا خَافَ بَلْوَتَهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
 اللَّهُمَّ إِنَّمَا أَقْبَلُ بِحَبْلِكَ وَخَشْيَةِ مَنَّاكَ وَتَقْدِيرِ نِعَمِكَ
 بِكَ نَابِكَ وَإِنَّمَا نَابَكَ وَفَقَامَتِكَ وَشَوْقِ الدُّنْيَا يَا ذَا الْجَلَالِ
 وَالْإِكْرَامِ اللَّهُمَّ إِنَّ لَكَ عَلَى حَقِّكَ قَصْدًا جَاهًا عَلَى
 حَقِّكَ نَاسٍ فِيكَ تَبَاعَاتٌ فَخَالَهَا عَنِّي وَقَدْ أَوْجَبَتْ لِكُلِّ
 ضَعْفٍ قَبْرِي وَأَنَا ضَعْفٌ فَاجْعَلْ لِي إِلَى اللَّهِ لِمَا لَمْ يَجْعَلْ
 يَا وَهَّابُ الْجَنَّةِ يَا وَهَّابُ الْغَفَرَةِ وَلَا تَحُولْ وَلَا تَقْوَى
 الْأَمَانَةُ بِرُوحِ أَوْلَادِ بْنِ مَاهٍ إِنَّهَا الرُّوحُ شَرُورَتُهَا

وافتهما من ربي قد غفلوا عن ان يحاسبوا الله انما سالوا
 الله اني استسلمت لما بين يدي وان كل شيء عتقك
 اني وسعت كل شيء ويجب ان ياتك اني جمع ما كان
 شيء ويجب ان ياتك اني علمت كل شيء ويعلمك الذي
 احاط بكل شيء وما نور ما قد نوري يا اولئك قبل كل شيء وما يات
 بعد كل شيء يا الله يا رحمن صل على محمد وآل محمد واغفر
 لي الذنوب التي تغفر النعيم واغفر لي الذنوب التي
 تزين النعيم واغفر لي الذنوب التي تقطع الرجاء
 واغفر لي الذنوب التي تزيد الاخذاء واغفر لي
 الذنوب التي تزيد اللذائذ واغفر لي الذنوب التي
 يستحق بها زوال السعادة واغفر لي الذنوب التي
 تحجب عني السعادة واغفر لي الذنوب التي تكثف
 الخطايا واغفر لي الذنوب التي تعطل الفناء واغفر
 لي الذنوب التي تؤخر النعم واغفر لي الذنوب التي
 تمسك بالعصم واليبس في دعوات الحبيب التي لا
 تروم وما في من غير ما احاط به السيل والسماء في شغل
 سبني هذه اللهم رب السموات السبع ورب الارضين

السَّعِيدِ وَمَا فِيهِمْ وَمَا بَيْنَهُمْ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَرَبِّ
السَّعِيدِ الْمُسَائِي وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَرَبِّ إِبْرَاهِيمَ وَ
يَسْمَاعِيلَ وَجِبْرِيلَ وَرَبِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
الْمُرْسَلِينَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ أَشْهَدُكَ بِكَ وَعِيَا سَمِعْتُ
بِهِ تَقَاتُ يَا عَظِيمُ أَنْتَ الَّذِي تَمُنُّ بِالْعَظِيمِ وَتَدْعُ
كُلَّ مُحَمَّدٍ وَتُعْطِي كُلَّ جَبْرِيْلٍ وَتَضَاعِفُ الْحَسَنَاتِ
بِالْقَبِيلِ وَالْكَثِيرِ وَتَفْعَلُ مَا تَشَاءُ يَا هَدِيدُ
يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ بِسْمِهِ وَه
الْبِسْمِيِّ فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي هَذِهِ سَعْدًا وَنَجْدًا وَبِحَبْلِ
يُورِكَ وَأَحِبِّ بِي مَحَبَّتِكَ وَبَلِّغْنِي رِضْوَانَكَ وَكَرَمَكَ
كَرَامَتِكَ وَجَبِّ كَرَمِ عَطِيَّتِكَ مِنْ خَيْرِ مَا أَنْتَ مُعْطِيهِ
أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ وَالْبِسْمِ فِي ذَلِكَ خَافِيَتِكَ يَا مُنِجِ
كُلِّ شَكْرِي وَسَائِدِ كُلِّ حُجْرِي وَعَالِمِ كُلِّ حُضِيَّةٍ وَدَافِعِ
مَا لَيْسَ مِنْ بَلِيَّةٍ يَا كَرِيمُ الْعَفْوِ نَاحِيَةَ الْجَلْدِ
تَوَقَّيْ عَلَى أَمَلٍ إِبْرَاهِيمَ وَفَطْرَتِهِ وَعَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ
وَسُنَّتِهِ وَعَلَى اخْتِيَارِ الْوَفَاءِ فَتَوَقَّيْ مُرَايَا لَوْلِيَا هَذِهِ
مُعَادِيَا لَأَعْدَائِكَ اللَّهُمَّ وَجِّهْنِي فِي هَذِهِ السَّنَةِ

كُلِّ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ يَأْتِي عِدِّي عِنْدَكَ وَلَجَلْبِي إِلَى كُلِّ
عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ يَقْرَأُ مِنْكِ هَذِهِ الشَّعْرَةَ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ وَاسْتَعْنِي بِمَنْ كَلَّمَ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ لَمْ يَكُنْ
مِنْهُ لُحَافٌ صَرَعٌ غَافِقِيهِ وَأَخَافُ مَقَامَكَ أَيُّهَا عَلَيْهِ
حِذَا رَأَى تَصْرِفَ عَوْنِكَ الْكَرِيمَ عَنِّي فَاسْتَجِبْ بِهِ
عَصَا مَنْ حَوَّلَ عِنْدَكَ يَارَافُوتُ يَا رَحِيمَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ
فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي هَذِهِ فِي حِفْظِكَ وَفِي جِوَارِكَ وَفِي
كَنْفِكَ وَجَلْبِي سِتْرَ غَافِقِيهِ وَهَبْ لِي كَرَامَتَكَ
عَرَّ جَارِكَ وَجَلْبِي عَنَاؤَكَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ
فِي بَيْتِي الصَّالِحِ مِنْ مَعْنَى مَنْ أَوْلَيْتَ نَاثِكَ وَالْحَقِيقِي هَيْمَ
وَاجْعَلْ بِي مَسَلًا لَمْ يَكُنْ فَاتَكَ بِالْقِدْقِ عَلَيْكَ فَنَهَمَ وَأَخُوذُ
بِكَ اللَّهُمَّ أَنْ يَحْطَبَ بِي حَظِيصَتِي وَطَلِي وَأَسِيرَ لِي فِي
عَلَى نَفْسِي وَأَتْبَاعِي هَوَايَ وَأَسْرَعَالِي بِي هَوَايَ فِي هَوَايَ
ذَلِكَ بَنِي وَبَنِي رَحْمَتِكَ وَبُخْرَانِكَ فَاتُكُونُ مِنْسِيًا
عِنْدَكَ مَسْعُومًا لَسَعَطَاتِكَ وَنِعْمَتِكَ اللَّهُمَّ وَتَقُولُ لِكُلِّ
عَمَلٍ صَالِحٍ تَرْضَاهُ عَنِّي وَقَرِّبْ بِي إِلَيْكَ زُلْفَى اللَّهُمَّ كَمَا كُنْتَ
نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا مَلَكًا أَنْتَ عَلَيْهِ رَأَى هَوَايَ عِنْدَكَ وَفَرَحْتَ

هذه وكنت غمة وصدقته وعذتك وأجرت لك
عزتك اللهم فذلك فافهمي هؤلاء هذه السنة والها
واسفامها وفنتها وشروها وأزها وصوت
المعاش فيها وبلغني رخصتك بحال العافية بتمام
دوام النعمه عندي المنة هي أجلى أشك سؤال
أساء وظلم وأعتوت وأشك أن تغفر لي ما مضى
من الذنوب التي حصرها حفظك وأحسنها كرام
ملائكتك على وأن تعصمني من الذنوب فإني
من مخزي إلى مشتهى أجلى يا الله يا من صل على محمد
أهل بيت محمد وأتني كل ما سألتك ورغبت إليك
غير قالك أمرني بالدعاء وشككت بي لاجابة يا أرحم
الراحمين وأيضاً دعاني دخول صلياً رب ارحمهم كما ارحم
هم ورحمنا اخرين ما بين وعلينا من الله وملائكته
يصطوبون على النبي يا أيها الذين آمنوا صلوا عليه وسلموا
سلفاً النبيك يا رب وبعثك اللهم صل على محمد
والمحمد وبارك على محمد وال محمد كما صليت وبارك
على إبراهيم وآل إبراهيم أنك حميد مجيد اللهم

ارحم محمد وآل محمد عما رحمت ابراهيم وآل ابراهيم انك محمد
 حبيبه الله سلم على محمد وآل محمد كما سلمت على نوح
 في المدين اللهم امنن على محمد وآل محمد كما امننت على
 موسى وهرون اللهم صل على محمد وآل محمد كما صليت على ابراهيم
 صل على محمد وآل محمد كما صليت على ابراهيم اللهم صل على محمد
 وآل محمد وانعم عليهم مثلما انعمت عليهم ولا
 تزلزلهم على محمد وآل محمد واليه السلام كل ما طلعت الشمس او غربت على
 محمد وآل محمد كل ما طرفت عين او دقت على محمد
 وآل محمد كل ما ذكر السلام على محمد وآل محمد كل ما
 سبح الله ملك او قدسه السلام على محمد وآل محمد في كل
 وقت وجيز السلام على محمد وآل محمد في الاولين السلام
 على محمد وآل محمد في الاخيرين السلام على محمد وآل محمد في الدنيا
 والاخرة اللهم رب السالكين والراحمين والرحمن والمغاثين
 ورب الجبل والحرام ابلغ محمد وآل محمد من الله عز وجل
 اللهم اعط محمد وآل محمد من السماء والارض والسرور والكرامه
 والعظمة والوسيلة والمنزلة والمقام والمزاج والشفاعه
 عندك يوم القيمة افضل ما تقضي احد من خلقك و

أَعْظَمُهُمْ أَفْوَقًا مَا تُعْطَى الْخَلَائِقُ مِنَ الْخَيْرِ أَصْعَافًا كَثِيرَةً
لَا يُحْصِيهَا غَيْرُكَ اللَّهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ طَيْبٍ وَأَطْهَرِ
وَأَزْكَى وَأَعْنَى وَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى الْأَكْوَابِ وَالْأَهْلِ
وَعَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ يَا أَدَمُ الرَّاحِمِينَ اللَّهُ صَلِّ عَلَى
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَالِدِهِمُ وَالْأَمَّةِ وَعَلَدِهِمْ غَاوَاهُ وَمُطَاعِهِمْ
الْعَذَابِ عَلَى مَنْ شَرَّكَ فِي دَمِهِ اللَّهُ صَلِّ عَلَى خَاطِبَةِ
بَيْتِكَ مُحَمَّدٍ صَلِّ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِمْ مِنْ أَقْبَى
بَيْتِكَ يَا اللَّهُ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ إِمَامَيْهِ
الْمُسْلِمِينَ عَدَالَتِهِمُ وَالْأَهْلِ وَعَادَتِهِمْ غَاوَاهُ وَمُطَاعِهِمْ
الْعَذَابِ عَلَى مَنْ شَرَّكَ فِي دَمِهِمُ اللَّهُ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ
الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ
وَعَلَى بْنِ مُوسَى وَعُمَرَ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحُسَيْنِ بْنِ
عَلِيٍّ أَشْهَةِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِدِهِمُ وَالْأَهْلِ وَعَلَدِهِمْ غَاوَاهُ
وَمُطَاعِهِمْ الْعَذَابِ عَلَى مَنْ شَرَّكَ دَمَهُمُ اللَّهُ صَلِّ عَلَى الْكَافَّةِ
مِنْ تَحِيَّاتِهِمْ إِمَامِ الْمُحِبِّينَ وَوَالِدِهِمُ وَالْأَهْلِ وَعَلَدِهِمْ غَاوَاهُ
وَمُطَاعِهِمْ اللَّهُمَّ وَجِّهْ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الظَّاهِرِ وَالْقَائِمِ
وَأَزْوَاجِهِمْ أَجْمَعِينَ بَيْتِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى رُفَقَتِهِ وَأَهْلِ كَلْبَتِهِمْ

يَسْتَبِيحُ نَبِيَّكَ وَالْعَرَضُ ذَا نَبِيَّكَ فِيهِمَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
الْخَيْرِ وَكَرِّمْ دُرِّيَّةَ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ اخْلُفْ نَبِيَّكَ فِي
أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَاسَمُ وَكُنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا
مِنْ مُؤَدِّيهِمْ وَمُؤَدِّيهِمْ وَالْقَارِيَةِ عَلَى الْحَقِّ فِي الْبَرِّ وَ
الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ اطْلُبْ بِخَيْرِهِمْ وَوَرِّعْهُمْ قَدِيمًا نَهْمُ
وَكُنْ عَنْهُمْ وَكُنْ كُلِّ مَوْثِقٍ وَمَوْثِقٍ بِأَسْوَاطِ الْمَلَأِ
وَطَلَحَ أَنْتَ اخْذِي بِأَصْلِهِمَا إِنَّكَ أَكْبَرُ الْأَسْمَاءِ وَأَكْبَرُ
الْأَسْمَاءِ وَنَزَّهْتَ عَنْ بَعْضِ الْأَسْمَاءِ اللَّهُمَّ هَذَا شَهْرُ رَجَبٍ
الَّذِي أَكْرَمْتَ فِيهِ الْفُرْقَانَ هَذَا شَهْرُ النَّاسِ وَبَيْنَا بَيْنَ
الْمُدَى وَالْفُرْقَانِ وَهَذَا شَهْرُ الصِّيَامِ وَهَذَا شَهْرُ الْحَيْثُ
وَهَذَا شَهْرُ الْإِنَابَةِ وَهَذَا شَهْرُ التَّوْبَةِ وَهَذَا شَهْرُ
الْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ وَهَذَا شَهْرُ الْعِشِيِّ مِنَ النَّارِ وَالْفَوْزِ
بِالْجَنَّةِ وَهَذَا أَشْهُرُ فِيهِ كُنْتُ الْقَدِيرُ الْقَوِيُّ شَرِيفُ
الْعَيْنِ شَهْرُ اللَّهِ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ
عَلَى صِيَامِهِ وَقِيَامِهِ وَسُكُوتِهِ وَسَلَامَتِهِ فِيهِ وَأَعْمَلِهِ
بِأَفْضَلِ عَوَامَاتٍ وَدَقِيقَاتٍ فِيهِ لَطَائِعَاتٍ وَمَطَاعَاتٍ رِجَالٍ
وَأَوْلِيَاءِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَآلِهِمْ فِيهِ لِحَاثِكَ وَوَدَاعِكَ

وَيَا دُونَ ثَمَانِينَ عَظِيمًا فِيهِ الْبَرَكَةُ وَآخِرُنِي فِيهِ الْعَافِيَةُ
وَأَوْصِيَنِي بِدِينِي وَأَوْصِيَنِي بِدِينِي وَأَكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي وَأَكْفِنِي
فِي دُعَائِي وَيَكْفِنِي فِيهِ رَجَائِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَالْحَمْدُ وَأَوْصِيَنِي فِيهِ النَّعَاسَ وَالْكَسَلَ وَالْإِلَامَةَ
وَالْفِتْرَةَ وَالْقِسْقَةَ وَالْعَفْكَ وَالْفِرَّةَ وَجَمِيعَتِي فِيهِ
الْعِلَالَ وَالْإِسْقَامَ وَالْهُمُومَ وَالْأَهْزَانَ وَالْأَهْزَانَ
وَالْأَهْزَانَ وَالْخَطَايَا وَالذُّنُوبَ وَأَصْرِفْ عَنِّي فِيهِ
الشُّوْبَةَ وَالْفُحْشَاءَ وَالْجَهْدَ وَالْيَأْسَ وَالنَّحْبَ وَالْهَلَاكَ
إِنَّا نَسْتَعِذُّكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ
وَالْعِزَّةُ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَكَفِّرْهُ وَمَكْرِهُ وَتَقْبَلْهُ
وَقَبْلِهِ وَتَقْبَلْهُ وَتَقْبَلْهُ وَتَقْبَلْهُ وَتَقْبَلْهُ
حَيَاتِهِ وَخُدْعِهِ وَأَمَانَتِهِ وَغُرُورِهِ وَفَقْدِهِ وَشَرِّهِ
وَأَحْزَانِهِ وَأَحْزَانِهِ وَأَشْيَاعِهِ وَأَوْلِيَانِهِ وَشَرِّكَائِهِ
جَمِيعَ مَكَايِدِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ وَأَرْفُقْنَا
فِي الْمَوَدَّةِ وَبَارِكْ أَمَلَنَا فِيهِ وَفِي قِيَامِهِ وَنَسْتَعِذُّكَ
مِنْ رَضَاكَ عَنِّي حَبِيرًا وَأَحْسَنًا وَأَيْمَانًا وَبَقِيَّةً أَشْمَ
تَقْبَلُ نَالَكَ مِنْ بِلَا سَقَامٍ الْكَثِيرَةِ وَالْأَكْبَرِ الْعَظِيمِ

يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْقُطْ
فِيهِ النَّجْمَ وَالْعُسَّةَ وَالْأَجْمَادَ وَالْقُوَّةَ وَالنَّشَاطَ وَالْأَلَابَةَ
وَالْتَوْبَةَ وَالْقُسْرَةَ وَالْخَيْرَ الْمَقْبُولَ وَالرَّهْبَةَ وَالرَّغْبَةَ
وَالنَّصْرَ وَالْخُسُوعَ وَالزَّفَةَ وَالْبَيْتَةَ الصَّادِقَةَ وَصِدْقَ
اللَّسَانِ وَالْوَحْلَ مِثْلَ وَالرَّجَاءَ لَكَ وَالْقَوْلَ
عَلَيْكَ وَالزَّفَةَ لَكَ وَالْوَدَّ عَنْ تَحَارِيكَ مَعَ صَلَاحِ
الْقَوْلِ وَمَقْبُولِ السَّعْيِ وَمَرْفُوعِ الْعَمَلِ وَمُسْتَجَابِ الدُّعْوَةِ
وَالْحَصْلَ بَقِيٍّ وَبَيْنَ لَيْلٍ مِنْ ذَلِكَ يَرَى وَلَا مَرَّ مِنْ بَوْلٍ
يَتِمُّ وَلَا عَمٍّ وَلَا سَمٍّ وَلَا عَقْدَةٍ وَلَا اسْتِيَانٍ بَلْ بِالْعَالَمِ
وَالْعَقْدِ وَالْمَنَ وَالرَّغَايَةِ لِحَقِّكَ وَحَقِّ أَوْلِيَاءِكَ
وَالْوَفَاءِ بِعَهْدِكَ وَوَعْدِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْقُطْ فِيهِ أَفْضَلَ مَا تُؤْتِي
لِعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَأَعْطِنِي فِيهِ أَفْضَلَ مَا تُعْطِي أَوْلِيَاءَكَ
الْمُقَرَّبِينَ مِنَ الرَّحْمَةِ وَالْمَقْرَبَةَ لِلدَّائِمَةِ وَالْحَقِّ
وَالْإِحْبَابَةِ وَالْعُسْفُورَ الْمُتَغَيَّرَ وَالْعَارِفَةَ وَالْمُعَافَاةَ
الْعُشْقَ مِنَ النَّارِ وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَخَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ دُعَائِي فِيهِ الْبَرَكَةَ

وَأَجْلًا وَرَحْمَةً وَخَيْرَكَ إِلَيَّ نَازِلًا وَعَمَلِي فِيهِ مَقْبُولًا
 وَسَعْيِي فِيهِ مَكْتُورًا وَدُعَائِي فِيهِ مَقْضُورًا سُبْحَانَ مَنْ يَكُونُ
 لِقَائِي فِيهِ الْأَمْسَ نَزْوَاجِي فِيهِ الْأَكْبَرُ اللَّهُمَّ صَلِّ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَوَقِّفْهُ لِقَاءَ الْقَدَرِ عَلَى الْفَضْلِ
 خَالِي خَيْرٌ أَنْ يَكُونَ عَلَيْهِمَا أَحَدٌ مِنْ أَوْلِيَاءِكَ وَأَنْصَلَا
 لَكَ ثُمَّ اجْعَلْهُ لِي خَيْرَ امْنِ أَلْفِ شَهْرٍ وَأَزْوَاجِي فِيهِمَا
 أَفْضَلَ مَا أَرَزْتُ أَحَدًا مِنْ بَلْعَتِهِ أَيْهَا أَوْ أَكْرَمَتِهِ لِي
 وَأَجَلِي فِيهِمَا مِنْ عَتَقَاتِكَ مِنْ جَسَدِهِ وَمُلْكِهِ الْبَاقِ
 النَّارِ وَسَعْدَاءِ عَقْلِكَ بِمَغْفِرَتِكَ وَوَضْعَانِكَ يَا أَرْحَمَ
 الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَزْوَاجِي فِيهِمَا
 هَذَا الْجَدِّ وَالْأَجْمَعِ قُوَّةَ الشَّلَا وَمَا حُبُّ وَرَحْمَةُ
 اللَّهُمَّ رَبِّ الْجَبْرِ وَكَيْلِ الْغَنِيِّ وَالشَّفْعِ وَالْوَرْدِ
 شَهْرَ رَمَضَانَ وَمَا أَرَزْتُ فِيهِ الْقُرْآنَ وَرَبِّ جَبْرِ جِبْرِيلَ
 وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَجَمِيعِ الْمَلَائِكَةِ الْمُرْسَلِينَ
 وَرَبِّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَرَبِّ مُوسَى
 وَهَارُونَ وَجَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالرُّسُلِ وَرَبِّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ
 أَشْهَدُ بِحَبْلِكَ عَلَيْهِمْ وَبِعَقْدِكَ عَلَيْهِمْ وَبِحَقِّكَ الْعَظِيمِ

كَسَاكَتِ عَلَيْهِ وَالِدٌ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَنَظَرَتْ إِلَى الظُّرَّةِ
 رَحِيمَةً وَنُصِيهَا بِعَقْرِ رَحْمَى لَا تُخْطِ عَلَى بَعْدِهِ أَبَدًا وَاعْطِيَتْ
 جَمِيعَ سُؤْلِ وَرَغْبَتِي وَأَمْنِيَّتِي وَإِرَادَتِي وَصَرَفَتْ عَنِّي مَا
 أَلَمْتُ وَأَحْذَرْتُ وَأَخَافُ عَلَى نَفْسِي وَمَا لَا أَخَافُ وَعَنْ أَهْلِ
 وَمَالِي وَآخِرَاتِي وَدِينِي اللَّهُمَّ فَرِّدْنَا مِنْ دُونِنَا قَوْلًا
 ثَابِتًا وَسُبْحَانَكَ مُسْتَعِزِّينَ وَأَعِزَّنَا مُتَعَوِّذِينَ
 أَعِزَّنَا مُسْتَعِزِّينَ وَكَلِّمْنا مُسْتَسْلِمِينَ وَلَا تَقْضُ لَنَا رَاحَةً
 قَامَةً رَافِعِينَ وَسَقِّمْنَا سَائِلِينَ وَأَعْطِنَا آتَاكَ جَمِيعَ
 الدُّعَاءِ وَرَبِّ جَبِّبِ اللَّهُمَّ أَتَيْتُ رَبِّي وَأَنَا قَدِيرٌ
 أَوْ مِنْ شَأْنِ الْعَبْدِ وَتَدْرُكُ بِقَالَ الْعِبَادُ مِنْكَ كَرَمًا
 وَجُودًا يَا مُوَسِّعَ مَسْكُونِ السَّالِقِينَ وَمُسْتَسْجِةَ حَاجَةِ
 الرَّاغِبِينَ وَيَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ وَيَا حَبِيبَ دَعْوَةِ الْمُسْتَغِيثِينَ
 وَيَا مُجِيبَ الْهَارِبِينَ وَيَا صَرِيحَ الْمُسْتَضِيعِينَ وَيَا رَبَّ الْمُسْتَغِيثِينَ
 وَيَا كَاشِفَ كَرْبِ الْكَرْوِينَ وَيَا فَارِجَ بَلَمِ الْمُتَعَوِّذِينَ
 وَيَا كَاشِفَ كَرْبِ الْعَظِيمِ يَا أَلَهَ يَا رَحْمَنَ يَا رَحِيمَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعِزَّنَا بِدُونِنَا
 وَإِسْلَامِنَا وَطَلَبِنَا وَخَيْرِنَا وَاسْتِرَاقِنَا عَلَى نَفْسِي وَآدَتِنَا مِنْ

فَصَلِّ وَرَحِمَكَ فَإِنَّ لَهَا الصَّغِيرَاتِ وَأَعْنِي
وَأَغْفِرْ لِي كُلَّ مَا سَلَفَتْ مِنْ ذُنُوبِي وَأَعِظْهُنَّ فِيمَا بَقِيَ مِنْ
عَمْرِي وَأَسْتَرْ عَلَى وَعَلَى وَالَّذِي وَوَلَدِي وَوَرَأَيْ وَأَهْلِي
خُرَاجِي وَمَنْ كَانَ مِنِّي بِسَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَإِنَّ ذَلِكَ كُلَّهُ بِيَدِكَ وَأَنْتَ وَاسِعُ
الْمَغْفِرَةِ فَلَا تُضَيِّقْنِي بِأَسِيدِي وَلَا تَرُدُّ دُعَائِي وَلَا تَدِينِي
إِلَى أَحَدٍ مِنِّي فَتَفْعَلَ ذَلِكَ بِي وَتَجْعِبَ الْجَمِيعَ مَا تَشَاءُ
وَتَزِيدَ مِنِّي فَضْلَكَ فَإِنَّ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
وَهِيَ إِلَيْكَ رَاغِبُونَ اللَّهُمَّ إِنَّا أَلْطَمْنَا الْخُسْفَى وَ
الْكُفْرَ وَالْإِسْلَامَ وَأَشْكَتُ بِإِسْمِهِ أَمْرَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
إِنْ كُنْتُ قَضَيْتَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ تَزُولُ الْمَلَائِكَةُ
وَالرُّوحُ وَفِيهَا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ يَحْجَلَ
أَسْمَى فِي السُّعْدَةِ وَرَوْحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَأَخْبَانِي فِي عِلِّيِّينَ
وَأَيُّهَا فِي مَعْقُورَةٍ وَأَنْ تَهَبَ لِي يَفِيَّتَ ثَابِتٍ بِرَقْلِي وَ
إِنَّمَا لَا يَشُورِي شَيْءٌ وَرَوْحِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَأَتَى فِي الدُّنْيَا
حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقَفَى بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ
وَأَنْ لَمْ تَكُنْ قَضَيْتَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ تَزُولُ الْمَلَائِكَةُ

والتَّوَجُّعَ فِيهَا فَأَعْرِضْ عَنِّي إِلَى ذَلِكَ وَأَذِقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَتَقَرُّكَ
وَطَاعَتَكَ وَحُسنَ قِيَادَتِكَ وَصِلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا أَحَدَ يَا صَمَدًا يَا رَبَّ
مَعْنَى أَغْضَبِ الْيَوْمَ لِحَسْبِهِ وَلَا تَزِرْ عَثَرَتَهُ وَالْحَمْدُ لِعِزَّتِهِ
يَدُدُ أَحْصَهُمْ عَدَدَ أَوَّلِ نَدْعٍ عَلَى لُطْفِ الْأَرْضِ مِنْهُمْ كَسَدًا
وَلَا تَقْصِرْ كَسَدًا يَا أَحْسَنَ الْخَصِيصَةِ يَا خَلِيقَةَ الْبَيْتِ
أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ الْبَيْدِيُّ الْبَيْدِيُّ الَّذِي لَيْسَ كَيْدُهُ شَيْئًا
وَالْقَائِمُ عَنِ الْغَائِبِ وَالْمُحْيِ الَّذِي لَا يَمُوتُ أَنْتَ مَلَكُ
يَوْمِي فِي شَأْنِ أَنْتَ خَلِيقَةُ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ أَنْتَ لَكَ كُنْ مَقْصُودِي وَصَلِّ عَلَى خَلِيقَةِ مُحَمَّدٍ وَالْقَائِمِ
بِالْقِطْعِ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْكَ وَعَلَيْهِمْ أَطْلُفْ
عَلَيْهِمْ تَصَرُّكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقٌّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ فِي مَقَرِّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَوَصِّلْ
عَاقِبَةَ أَمْرِ آلِ الْغُرِّ يَا رَبِّ وَصَلِّ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَكَذَلِكَ
سَمِعْتُ أَهْلَكَ يَا سَيِّدِي بِالْطُّوفِ بِأَنَّكَ تَطْلُعُ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَالطُّفُفُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
مُعْتَدٍ وَارْتَقِي الْحُجَّ وَالْعُمْرَةَ فِي هَذَا مَسَاحِدَ أَوْ تَطَوُّعًا عَلَى كُنْ

سأرجو للدين والآخر بعد ان شه منتهى بكوه استغفر الله
ربي واؤوب اليه ان ربي قريب مجيب استغفر الله ربي
واؤوب اليه ان ربي رحيم ودود استغفر الله ربي
واؤوب اليه انه كان عشار الله اعظم اعظم انك ارحم
الراحمين ربي اني فعلت سوء وظلمت نفسي فاغفر لي
ذنوبي انه لا يغفر الذنوب الا انت استغفر الله
الذي لا اله الا هو الحي القيوم العظيم الكريم
القهار العظيم واؤوب اليه استغفر الله
ان الله كان عفوا غفورا رجيتا بعد طاعتك بكوه الله المنة
استلمك ان تصل على محمد وآل محمد وان تحصل
فيما تريد من الامر العظيم للصوم في ليلة القدر من القاء
الذي لا يرد ولا يسد ان تكسني من بجاه ربنا
الحرام المبرور رحمك المشكور سعة لهم المغفور ذنبهم
للحكيم عنهم سيئاتهم وان تحصل فيما تقضي وتلذ
ان تسلك عمري وتوسع رزقي وتورني عني امانتي وديني
امين رب العالمين اللهم اصل اليك فرجك ورحمتك وانك
من حيث لا يحتسب ومن حيث لا احسب واهم من حيث

آخر من ومن حيث لا يحتسب وصل على محمد وآل محمد
 وسلم كثيرًا أو ايقض هر روز بن ماه اين دعا بخوان خدا بخالت
 بجل ملك كناهش را يا مريد الله رب شهر رمضان اورد
 انزلت في العشران واقترحت على عبادك في القيام
 اورد في سجده الحرام في هذا السلام وفي كل عام
 واقترحت في الدعاء في العظام فانه لا يعرفها غيرك يا
 ذال الال والاسكندر وهر بن دين ماه بعد از نماز
 فريضه اين دعا بخوان تا روز قيامت امرزيد من الله اقبل
 على العمل القبول الشرف اللهم اغفر كل خطيئة اللهم
 اسبغ كل جامع اللهم انك كل غرابي اللهم اغفر دين كل
 مدين اللهم فرج عن كل مكروب اللهم رد كل غريب
 اللهم فاك كل اسير اللهم اصلي فاسيد من كسوف الليل
 اللهم اشفي كل مريض اللهم سد فقرنا ايضا لك
 اللهم غير سوء حالنا احسن حالنا اللهم اغفر عنا الذنوب
 واغننا من الفقر انك على كل شيء قدير وروز شنبه
 روزا قواش در اعمال ماه رجب گذشت وهر بن در شب
 صد و هفت نماز اورد و در هر رکعت ده مرتبه قل هو الله احد بخوان

انفیا مرود تا آنکه صد فقره از سرده بهشت دهند و بنظر امین
از دوزخ وی فقره خطا و گناه بکاهش دارند و ده فقره بکند و بکند
کامبدان و کاروان از کوند و مستحب است غسل کردن در شب یازدهم
و نوزدهم و بیست و یکم و بیست و دوم و در شب بیست و سوم
صدقه و نماز و غیره را در دوم و تیرگی اول شب و یکی آخر شب و اول
بوقت غروب آفتاب بهتر است اعمال شب قدر هر روز
درین شب برابر است با عمل هزار ماه که شب قدر و طاعت باشد
و روز قدر نیز در فضل و شرف مثل شب قدر است و احکام
حادث هر سال از خیر و غیر طاعت و طاعت هر شب قدر
تقدیر میشود و اخبار آنهمه بر امام زمان علیه السلام نازل میشود
و در شب قدر از افاضل شب تا طلوع صبح ملائکه و روح بر امام
عالیه السلام نازل میشوند و اخبار و احکام تمام سال را از جانب الحق
یا امام علیه السلام از وی و هر چه در شب تقدیر شود محسوس باشد و
خلاف آن واقع نشود و آنچه از احادیث مفهوم میشود اینست
که مجموع احکام و تقدیرات شب قدر در ستره تمام میشود
شب یازدهم و بیست و یکم و بیست و دوم ابتدای آن در شب
نوزدهم میشود و تا مشرب شب بیست و یکم و مستحب است در هر یک

الصدقه و نماز و غیره را

این سبب صد رکعت نماز در رکعت بعد از نماز کبریاست یا سبب حاجت
یا در هر یک قیام راه احد بخواند و نیز مستحب است ایستادن شب
بست و یکم و بیست و یکم که شبین و حتم احکام دین و دست بند و
زیارت امام حسین علیه السلام در شب قدر مفقوت گناهانست
و مستحب است که در شب است و بیست و یکم نشسته و ایستاده و در سجود
همراهی بلکه در مدت عمر خود همیشه مکرر گوید اللهم ذا الجلال
الشامخ والسطوات البازخ صل على محمد و آل محمد و سلم
و لیلت محمد بن الحنفیة هذه الساعة وفي كل ساعة
و لیلتا حانظا و فاشدا و فاحرا و کلیل و عینا و کثیر
أرضات خلوجا و قیامت فیها طویل و حضرت امام حسن علیه السلام
فرمود هر کس در شب بیست و یکم اینها مسوره عنکبوت و روم بخواند
که از اهل بهشت باشد و انشاء الله غفر لکم و فی قریب هم که درین قسم گناه
درستند یا شوم و نیز فرموده هر کس درین شب هزار مرتبه لا اله الا الله بخواند
اعتقاد و یقینش بر کلاست ما شداید تر شود و اگر هزار مرتبه در هر
پنجاه که سبب این شود و نیز هر بیست که هر کس در نیت اینها
خصوصا در شب نوزدهم قرآن را بکشد و بگوید اللهم انی استغث
بکنا لک الذل و العافیة و فی استغاثک الا عظم

لَا تَكْبُرُوا سَأُولَ الْخُسْفَى وَمَا جَاءَتْ دِرْجَى أَنْ تَجْعَلَ كُنَى
 مِنْ عَمَّا أَتَتْ وَطَلَقَا فَلَمْ يَنْتَهِ مِنْ النَّارِ مِنْ مَرَجَتْ كَرَاهَةٍ
 بِجَوَاهِدِ الْبَيْتِ مَسْجَابِ شَوْهٍ أَلَى عَيْسَى لِيَا لِي عَشْرَ أَعْرَابِيٍّ
 كَرَضَتْ حَارِقَ عَلَيْهِمْ دَرْدَ شَيْبِ أَخْرَجُوا بِأَوَّلِ رَمَضَانَ بِعِدَارِ
 فَرَاغِ وَنَوَاطِلِ مَبَكَّتِ الْقَمَرُ أَوْ عَمَّا نَسَى مَا مَهْنَى مِنْ شَرْهٍ مَهْنَانِ
 وَأَعْفَرَ لَنَا الْقَصِيرَ نَافِيزَ وَتَسْلَمُهُ مِنَّا مَقْبُولًا كَوَلَا لَوَالِغًا
 بِأَسْرَافٍ عَلَى أَنْفُسِنَا وَاجْتِنَانِ مِنَ الْمَرْجُومِينَ وَلَا يَجْعَلُنَا
 مِنَ الْخُوفِ مَيِّتِينَ وَفَرَضَ كَرَامِ بْنِ دَعَابٍ أَنْدَرُهَا كَيْدَ دَرَجَاتِ
 مَا كَدَّ شَتْرُ كَرْدِهِ أَمْرِيهِ شَوْهٍ وَدَرَجَاتِ مَاهِ أَزْكَاهِ مَحْضُوطَاتِ
 وَالْبَيْتِ دِينَ دَرْدَ شَيْبِ ابْنِ دَعَابٍ بِجَوَاهِدِ شَيْبِ أَوَّلِ يَامُوجِ
 الْمَيْلِ فِي السَّمَاءِ وَصُورِ الْجَنَّةِ فِي السَّيْلِ وَخُجْرَ الْحَيِّ مِنْ
 الْمَيْتِ وَخُجْرَ الْمَيْتِ مِنَ الْحَيِّ وَدَرَجَاتِ مَنْ لَيْسَ لَهُ مَعِيرُ
 جَنَابِ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا أَدَبُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا
 الْأَسْمَاءَ الْفُسْفَى وَالْأَكْشَالَ الْعُلْيَا وَالْأَكْبَرِيَّاءَ
 وَالْأَلَاءَ أَنْتَ أَنْتَ أَنْ تَنْصَلَ عَلَى عَمْرٍو وَالرَّحْمَةَ وَأَنْ
 تَجْعَلَ أُنَى فِي هَذِهِ الْبَيْتِ فِي السَّعَادَةِ وَدَرْجَى مَعَ
 الشَّهَادَةِ وَالْحُسْنَى فِي عِلِّيَّيْنِ وَإِسَاءَةٍ فِي مَحْضُودَةٍ

وَأَنْ هَبْ لِي هَيْبَةً تُبَايِعُنِي بِهَا عَلَى وَائِي مَا يُذِيبُ الشَّكَّ
عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَأَنْتَ فِي الدُّنْيَا حَسَنٌ وَفِي الْآخِرَةِ
حَسَنٌ وَمِنَ الْعَذَابِ الْثَّأِرِ الْخَرِيقِ وَأَنْتَ فِيهَا ذِكْرٌ لَكَ
وَتُشْكِرُكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِثَابَةَ وَالنُّوْبَةَ وَالنُّوْبَةَ
يَا وَفَقْتُكَ كَذِبٌ مُعْتَدٍ أَوْ أَلْهَمْتُكَ صُلُوكًا لَكَ عَلَيْهِمْ شَيْءٌ
يَا سُلُوحَ الْفُتُوحِ وَاللَّيْلِ قَادِ الْغَنَمِ الْمُطْلُوعِ وَمُجَرِّجِ النَّفْسِ
الْمُسْتَقْرِهَا بِقُدْرِكَ يَا غَرِيبَ الْعَالَمِ وَمُقَدِّمَ الْقَمَرِ
مِنَازِلِكَ عَنِّي عَادَكَ الْخُرُوجِ الْقَدِيمِ يَا تَوَكُّلَ الْفُرُوقِ وَمُنْقِ
كُلِّ دُعَاءٍ وَكَوْنِي كُلِّ خَيْرٍ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا اللَّهُ يَا مُدْرِكُ
يَا مُرْجِدُ يَا وَاحِدُ يَا قُدْرُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ
الْمُحْسَنَاتُ يَا آخِرَ شَيْءٍ يَوْمَ يَارَبَّكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ
يَا عَالِمَ الْخَيْرِ آمِينَ أَلْفَ شَعْرَةٍ وَنَدَى اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَاللَّيْلِ
وَالنَّهَارِ وَالْقَلَمِ وَالْأَقْوَارِ وَالْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ يَا بَارِئُ
يَا مُصَوِّرُ يَا حَنَّانُ يَا مُسَانِّدُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا اللَّهُ يَا قَيُّوْمُ
يَا مُدَبِّرُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا آخِرَ شَيْءٍ يَوْمَ يَارَبَّكَ
الْأَصْبَحَ وَجَاعِلَ اللَّيْلِ سَكَنًا وَالنَّهَارَ قَمَرًا حَسْبُنَا
يَا غَرِيبُ يَا عَلِيَّةُ يَا دَالِمُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْقَوَى وَالْمَوَلَى وَالْمَوَلَى

وَالْأَعْلَامُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا اللَّهُ يَا جَنَّ يَا اللَّهُ يَا
قَرُّو بَاوَر يَا اللَّهُ يَا ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يَا أَرْشِدُ يَا جَمْعُ الْقَبِيلِ
لِبَاسُ الْقَهَّارِ مَا عَمَّا وَلَا مِنْ مَهَادُ الْفَيْيَالِ أَوْفَاكَ
يَا اللَّهُ يَا ظَاهِرُ يَا جَبَّارُ يَا اللَّهُ يَا مُنِجُ يَا اللَّهُ يَا قَرُّ
يَا اللَّهُ يَا مُجِيبُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى
يَا أَرْشِدُ يَا جَمْعُ الْقَبِيلِ وَالْقَهَّارُ يَا سَيِّدُ يَا
يَا أَيْدِي اللَّيْلِ وَجَمَلُ أَيْدِي النَّهَارِ مُبْصِرَةٌ لِنَبْعِ الْفَلَاحِ
مِنْهُ وَضَوْأُهَا مُفْقُولُ حَسْبُكَ لَيْلٌ وَنَهَارٌ يَا مُنِجُ
يَا قَهَّارُ يَا اللَّهُ يَا جَبَّارُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا أَرْشِدُ
يَا مَا دَا الظِّلِّ مَا كُنْتَ جَعَلْتَ سَاكِنًا وَجَعَلْتَ
النَّاسَ عَلَيْكَ لَيْلًا كُنْتَ قِصَّةُ الْيَمِّ قِصَّةُ الْبَرِّ
يَا دَا الْجَمْدِ وَالظُّلْمِ وَالْحِكْمِ يَا دَا الْإِلَهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
أَلَا أَسْتَعِظُ بِالْقَبِيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا إِلَهَ
إِلَّا أَنْتَ يَا اللَّهُ وَمَنْ يَسْلُكُ الْيَمِينَ يَا مُهَيِّمُ يَا جَبَّارُ
يَا جَبَّارُ يَا مُتَكَبِّرُ يَا اللَّهُ يَا سَلَامُ يَا بَارِئُ يَا مُصَوِّرُ يَا اللَّهُ يَا
اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا أَرْشِدُ يَا جَمْعُ الْقَبِيلِ يَا سَيِّدُ

وَحَارِيقُ النَّوْرِ فِي السَّمَاءِ وَمَالِجُ السَّمَاءِ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ
الْأَيُّامُ بَيْنَهُمَا أَنْ لَوْ لَمْ يَأْتِ عَلَيْهِمْ مَا أَفْقَرُوا بِأَدَائِهِمْ
يَا اللَّهُ يَا رَيْثُ يَا بَاوِعُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ يَا اللَّهُ يَا آسَفُ
يَا اللَّهُ يَا خَبِيرُ يَا مُكْرِمُ السَّيْلِ عَلَى السَّمَاءِ وَمُكْرِمُ السَّهْلِ
عَلَى الْقَيْلِ يَا عَلِيمُ يَا حَكِيمُ يَا اللَّهُ يَا رَبُّ الْكَرَّابِ
وَسَيِّدُ السَّالَكِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا غَرِيبُ الْخَلْقِ مِنْ جَبَلِ
الْقُرْبِ يَا اللَّهُ يَا أَشْيَا اللَّهُ يَا خَلِيبُ عَمْرِو السَّيِّدِ
الَّذِي لَا شَرِيكَ لَهُ يَا مُنْجِي الْعَالَمِينَ يَا حَكِيمُ وَجْهِهِ وَغَيْرُ
جَلَالِهِ وَجَاهِ وَهَبِهِ يَا مُدَوِّنُ يَا نُورُ الْقُدُّوسِ يَا مُنْجِي
يَا مُنْجِي السَّيِّئِ يَا خَيْرُ يَا قَائِلُ الرَّحْمَةِ يَا اللَّهُ يَا عَلِيمُ
يَا اللَّهُ يَا حَكِيمُ يَا لَطِيفُ يَا جَمِيلُ يَا اللَّهُ يَا جَمِيعُ يَا بَصِيرُ
يَا أَعْبَدُ يَا أَعْلَى الْأَعْرَافِ يَا مُنْجِي عَمْرِو كَرِيمِ وَبَيْنَ مَا
دَوَّاهُ رَحْمَتُكَ يَا كَادِبُ رَحْمَتِكَ يَا ذَا الْحُجْرَةِ وَتَحْتِهَا
قُلُوبُ السَّاجِدِينَ وَجْهٌ لَا تَمُوتُ وَتَعْلَمُ رَحْمَتُكَ خَائِفٌ شَدِيدُ
هَمَّتْهُ مَرِيضَةٌ كَوْنِي سَيِّئًا اللَّهُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
وَأَمَّا أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِالْحَمْدِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
وَهَذَا مَرْتَبَةُ اسْتِغْفَارِ اللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ

التَّوْبَةُ إِلَى الْعِزِّ وَالْغُفْرَانِ وَالْغُفْرَانِ وَالْغُفْرَانِ
 بر زبان گشوده شود و قدرانش بحکمت گوید و از اوقات دنیا
 و آخرت ایمن گشتن چون از دنیا بیرون رود بدست داخل
 بهشت شود و هنوز سر از سجده اخراج نکرده باشد که گویا
 آمرزیده شود و ثواب عفت صد قلم اللیل صائم النهار و عفت
 هزار حج و عفت صد هزار عمره عطا شود و اگر در آن سال میرد ثواب
 در روز عید مبارک دعا می خیزد کامل بخواند فصل نهم
 در اعمال شبانه روز و عید نظم و نیت از اهل بیت طهری علیهم السلام
 که شب عید نظم در فصل و شریف که از نیت دعا نیت هر کس
 زیارت حضرت امام حسین علیه السلام کند که یا هان گذشته و این
 آمرزیده شود و محفل احیاء داشتن این شب در اعمال و شایان
 گذشته و محتاج است فصل کردن در اول و آخر این شب و بعد از
 نماز شام و تا طلوع فجر سجده کند و در سجده بگوید یا ذا الجلال
 و الاکرام یا ذا الطول یا مصطفی محمد اوصیه
 صل علی محمد و آل و اغفر لکل ذنوب الذین قد نبت و نبت
 انا و هو صد گشت فی کتاب مبین بعد از آن صد مرتبه بگوید
 اوب الى الله پس حاجتی که خواهد خواهد از الله مستجاب شود

وهم دین شب و صحره بگوید یا اثم الفصل الحاشیه چنانکه
اعمال شیخ جلد شد و بعد از چهار نماز گفت این تکبیر مستحب است
مغرب و عشاء و صبح و نماز عید و بعضی از علما واجب دانسته اند
الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله والله اكبر
الله اكبر و لله الحمد الحمد لله على ما هدانا لهذا
على ما اولانا و هر کس دین شب ده رکعت نماز کند و در هر
رکعت بعد الحمد در هر سه رکعت اول الله واحد و در رکعت وجود
بگوید سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر
و بعد از فراغ نماز در هر سه رکعت بگوید استغفر الله و بعد از آن
بجده کند و بگوید یا ارحم الراحمین یا ذا الجلال و الاکرام
یا خیر الدنیا و الاخر و رحمتهم بها اکرم الاکرمین
یا ارحم الراحمین یا ذا الاولین و الاخرین اغفر لی
و لی و تقبل صومی و صلوای و قیامی هنوز سه رکعت
بر نایسته باشد که گفتن اعرزید شود و اعمال نماز مبارک
از و از جمیع اهل یلده او و از جمیع اهل توحید و ائمه شریقا
مغرب قبول شود و عاشقان مستجاب گردد و گفتا من اعرز
شود و خدا تعالی اگر گناهانش عجاوین فرماید اگر چه هفتاد گناه

کرد ما باشد که هر یک غنیمت از ذنوب جمیع عباد باشد و نیز هر کس
 که هر کس دین شب شش گفت نماز گذارد و در هر رکعت بعد الحمد
 بخیرت قل هو الله احد بخواند شفع هزار اهل بیت خود کرد اگر چه
 مستوجب و فسخ باشد و در روز عید زیارت حضرت امیر
 حسین علیه الصلوة والسلام مثل صبح و عصر و صبح و عصر
 یا بنیر مرسل یا امام معصوم و سنت است دین روز غسل کردن
 و وقت غسل از طلوع شمس است تا وقت نماز عید و نماز عید
 اگر جماعت و قد و زین باشد مستحب است تنه کف کردن و آداب
 کیفیت او چنانست که چون نیت نماز کند و مقربه معالاف شود
 بگوید اللهم من غفیرنا اخر دعائنا که در آداب میگوید
 و چون شروع در نماز کند بعد الحمد سبح اسم بخواند بعد از آن
 شش تکبیر بگوید بعد از هر تکبیر این قنوت بخواند اللهم
 انت اهل الکبریا و العظمة و اهل الجود و
 البر و انت اهل العفو و الرحمة و اهل التقوی
 و المعیفة انت یحیی هذا الیوم الذی جعلته للسلین
 عبد او یحیی صلاتک عالیه و اهل ذخر او شرفا و عزیزا
 ان تصلى على محمد و آل محمد و ان تدخلني في كل خير

أَدَخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا أَوْ أَلِ مُحَمَّدًا وَأَنْ تَعْرِضَ مِنْ كُلِّ سَوَاءٍ أَخْرَجْتَ
فِيهِ مُحَمَّدًا أَوْ أَلِ مُحَمَّدًا صَلَوَاتُكَ عَلَيْكَ وَعَالِيهِمُ السَّلَامُ
إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِلْوِكَ الصَّالِحِينَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ السَّعَادِ
فِيهِ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ بَعْدَ أَنْ تَكْبِيرَ هَفْطًا كَوَيْدَ وَرُكُوعَ
وَجُودَكَ وَدَعَاكَ بِكَ دُعَاءِ بَعْدَ الْحَمْدِ وَالشُّرُوحَاتِ بَعْدَ الْحَمْدِ
يَا تَكْبِيرَ كَوَيْدَ وَبَعْدَ أَنْ تَكْبِيرَ هَفْطًا ثَمَّ تَعْرِضَ بَعْدَ ذَلِكَ
تَكْبِيرَ خَمْسَ كَوَيْدَ وَرُكُوعَ وَجُودَكَ شَهْدَ وَسَلَامَ كَوَيْدَ
بَعْدَ أَنْ تَسْتَقْبِلَ شُخُوفَ الَّذِينَ دَعَاكَ اللَّهُ فِي الْحُجَّةِ الْكُبْرَى
مُحَمَّدًا وَمَنْ عَلَى مِنْ خَلْفِي وَأَتَمُّ مَنْ يَنْتَهِي وَنَحْنُ إِلَى
أَسْتَبْرِيهِمْ مِنْ قَدَامِكَ وَأَقْرَبُ بِهِمْ إِلَيْكَ رُفْقًا لَا
أَجِدُ أَحَدًا أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْهُمْ فَهَمُّكَ أَكْبَرُ قُلُوبِهِمْ
خَوْفِي مِنْ عَذَابِكَ وَخَطَايَاكَ وَأَذْخَلْنِي رَحْمَتِكَ الْبَشِيرَةِ
فِي عِلْوِكَ الصَّالِحِينَ أَصْبَحْتُ بِإِذْنِهِ مِنْ مَوْفِقٍ مُخْلِصًا
عَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ وَسُنَّتِهِ عَلَى دِينِ عَلِيٍّ وَسُنَّتِهِ وَعَلَى دِينِ
الْأَنْصَارِ وَسُنَّتِهِمْ أَمْسَتْ بِسِرِّهِمْ وَعَالِيَهُمْ وَارْتَفَعَتْ
إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فَمَنْ عَرَفُوا فِيهِ وَأَعُوذُ بِإِذْنِهِ مِنْ مَرَمَا
سَعَادَتِهِ وَأَمْسَتْ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ وَلَا مُنْقَذَ إِلَّا بِاللَّهِ

حضره صاحب المصنف

الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ حَسْبِيَ اللَّهُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ
 فَهُوَ حَسْبُهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُكَ قَارِدِي وَأَطْلُبُ مِنْكَ
 فَيْتَرَهُ لِي اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِكَ لِلَّذِينَ
 وَقَالُوا الْحَقُّ وَوَعَدْتَ الصِّدْقَ سَهْلٌ مِمَّا نَزَّلْنَا
 فِيهِ الْقُرْآنَ هَدَى لِلنَّاسِ فَطَلَمْتَ بِهِمْ نَهْضَانِ عِيسَى
 أَنْزَلْتَ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَخَصَصْتَ بِهِ أَصْحَابَكَ
 فِيهِ كَلِمَةُ الْقُدْرَةِ وَالْإِسْمِ كَمَا انْقَضَتْ أَيَّامُهُ وَكَلَامُهُ
 وَقَدْ حَزَبْتُ مِنْهُ إِلَى مَا أَنْتَ أَغْلَمُ بِهِ مِنِّْي فَأَسْأَلُكَ وَالْإِلَهَ
 عَمَّا لَكَ بِهِ مَالٌ أَتَكُنُّكَ لِلْمُعْتَبِرِينَ وَأَنْبِيَاءُ أُولِي الرِّهَانَةِ
 وَعِبَادُكَ الصَّالِحُونَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ
 تُقْبَلَ مِنِّي كُلُّ مَا اقْتَرَبْتُ بِهِ إِلَيْكَ فِيهِ وَتَقَبَّلَ عَلَيَّ
 تَضَعِيفَ عَمَلِي وَتَقْبُولَ تَقْدِيرِي وَتُرِيَانِي وَأَسْجُدُ بِرُفْعَتِي
 وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَاعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ الشَّارِبِ أَمْرِي
 يَوْمَ الْخَوْفِ مِنْ كُلِّ فَرْعٍ وَمِنْ صَكْبِ قَوْلِي أَعْدَدْتُ لِيَوْمِ
 الْقِيَامَةِ أَعُوذُ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَبِحُرْمَةِ بَيْتِكَ
 وَبِحُرْمَةِ أَلْفِ بَيْتِكَ أَنْ يَنْصَرِمَ هَذَا الْيَوْمُ وَلَكِنْ قَبْلِي
 سَبْعَةٌ تَرِيدُونَ أَنْ تَوَالِدَنِي لَهَا أَوْ تَخْلُصَنِي مِنْهَا أَنْ تَقْصَحَهَا

مَنْ تَعَفَّرَ مَا لِي أَشْأَلُكَ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا إِلَهَ الْأَلَمِ أَنْتَ أَنْتَ أَنْ تَرْضَى عَنِّي وَإِنْ كُنْتَ قَدْ رَضِيتَ عَنِّي فَزِدْ قِيَمًا بَقِيَتْ مِنْ عَمَلِي رِضًا وَإِنْ لَمْ تَرْضَ عَنِّي فَمِنْ أَلَا لِي قَارِضٌ عَنِّي بِأَسْتَيْدِي وَمَوْلَايَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ الْتَاعَةَ الْتَاعَةَ وَاجْعَلْ لِي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي هَذِهِ اللَّيَالِي مِنَ عِتْقَاتِكَ مِنَ النَّارِ عِتْقًا لَا رِقَّ بَعْدَهُ اللَّهُمَّ إِي سَلِكْ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَنْ يَجْعَلَ لِي مِنْ هَذَا خَيْرٌ يَوْمَ عَيْدِكَ فِيهِ مَعْدُ اسْتَكْنَتِي الْأَرْضُ أَغْطَلُ الْبُحْرَ وَأَعْمَدُ نَهْرًا وَعَاوِيَةً وَأَوْسَعُ يَدْفَأُ وَأَسْتَكْنِي عِتْقًا مِنَ النَّارِ وَأَوْجِبْ مَغْفِرَةً وَأَكْسِلْهُ رِضْوَانًا وَأَقْرِبْهُ إِلَى مَا يُحِبُّهُ وَرَضَى اللَّهُمَّ لَا يَجْعَلَ لِي مِنْ هَذَا شَرٌّ رَمَضَانَ صُغْمَةً لَكَ فَإِنِّي الْعَوْدُ فِيهِ لَمْ الْعَوْدُ فِيهِ عَنِّي رَضَى عَنِّي وَرَضَى كُلٌّ مِنْ لَدُنِّي قَبْلِي تَبِعْتُ وَلَا تَفْرُقْ عَنِّي مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مَا أَنْتَ عَنِّي رَاضٍ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي مِنْ حَاجَتِكَ الْحَرَامَ فِي هَذَا الْعَامِ لِلْيَوْمِ حَرَامَ الْمَلَكُوتِ سَعْيِهِمُ الْمَغْفُورَةِ بِهِمْ الْمَسْجُودِ لَكَ وَتَمَّ الْمُصْطَفَى طَلَبِي فِي أَنْفُسِهِمْ وَأَدَانِهِمْ وَفَدَارِهِمْ وَلَقَوْلِهِمْ وَجَمْعِهِمْ

أَعْتَصَمْتُ بِرَبِّكَ عَلَيْهِمُ اللَّهُ أَقْلِبْنِي مِنْ عَجَلَتِي بِذَلِكَ وَفِي يَوْمِي هَذَا
وَفِي سَاعَتِي هَذِهِ مُطْلَعًا بِمُحَاجَاةٍ مُسْتَجَابًا دُعَائِي مَرْغُوبًا مَوْقُوفًا
مَغْفُورًا أَدْنَى اللَّهِ وَأَجْمَلَ فِيمَا شِئْتُ وَأَرَدْتُ وَ
قَضَيْتُ وَصَلَّيْتُ وَأَتَقَدَّتُ أَنْ تُطِيلَ عَمْرِي وَأَنْ تُعَوِّدَ
شَفَقِي وَأَنْ تُخَبِّرَ قَافِي وَأَنْ تُعِزِّدَنِي وَلَوْ لَمْ تَخْبُرْ
وَأَنْ تُدْرِكَ كَلِمَتِي وَأَنْ تُكَوِّرَ رُفْقِي فِي عَالَمِيهِ وَيُسِيرَ
وَيُخَفِّ عَنِّي وَيُخَفِّ عَنِّي كُلَّ مَا أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ أَعْرَضَ عَنِّي وَلَا
يَكُنْ لِي إِلَى النَّفْسِ فَاتَّخِذْ مَعَهَا وَلَا إِلَى النَّاسِ فَيُفَرِّقُونِي
وَعَارِفِي فِي بَيْتِي وَأَهْلِي وَوَلَدِي وَأَهْلَ مَوْلَدِي وَجِيرَانِي
وَلِجَمْعِي وَدُرِّي وَأَنْ تَنْزِلَ عَلَيَّ بِأَلَا مِّنْ أَبَدٍ أَمَا أَتَيْتَنِي
اللَّهُ إِنْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ فَتَحَنَّنْ وَإِلَى مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ
عَلَيْهِمْ وَقَدِّمُهُمُ إِلَيْكَ أَمَامِي وَأَمَامَ حَاجَتِي وَطَلِبَتِي
وَقَضَائِي وَمَسْئَلَتِي فَاجْعَلْنِي بِهِمْ وَجْهًا فِي الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ وَمِنْ الْقَرَّابِينَ فَإِنَّكَ مُنْتَفِعٌ عَلَى بَعْدِهِمْ
فَاخْتِمْ لِي بِالسَّعَادَةِ وَالْإِثْمَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ فَإِنَّكَ
وَلِيٌّ وَأَمْرٌ لَا يَسِيْدُنِي وَرَبِّي وَأَلْهِمْنِي وَلَقِّنِي وَرَجِّئْ لِي
مَعْدُنَ مَسْئَلَتِي وَمَوْفِقَ سَكَاةِي وَمُنْتَهَى رَغْبَتِي وَلَا

يَحْيِيَنَّ عَلَيَّ دُعَائِي يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَلَا يَبْطُلَنَّ
لَكَ يَاكَ طَمَعِي وَرَجَائِي فَقَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ يَحْيِيَّ وَالْ
مُحَمَّدُ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ وَقَدْ مَتَّعَهُمُ الْإِلَهِ أَمَانِي وَأَمَانُ
سَاجِدِي وَطَلِبَتِي وَتَضَرَّعِي وَمَسْتَلْقِي فَأَجَلْنِي بِهِمْ وَهَمَّ
فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُفَضَّلِينَ فَأَيُّكَ مَنَنْتَ عَلَيَّ
وَتَعَرَّفْتَهُمْ فَأَحْمَدُكَ يَا السَّعَادَةَ أَتَانَتْ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مَهَابُكَ
اللَّهُ لَا يَبْطُلَنَّ عَمَلِي وَطَمَعِي وَرَجَائِي يَا إِلَهِي وَمَسْتَلْقِي
وَأَحْمَدُكَ يَا السَّعَادَةَ وَالْإِسْلَامَ وَالْإِيمَانَ وَ
الْمَعْرِفَةَ وَالرِّضْوَانَ وَالشَّهَادَةَ وَالْحِفْظَ يَا مَوْلَايَ
كُلَّ حَاجَةٍ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ أَنْتَ وَلِيَّ كُلِّ حَاجَةٍ فَوَيْلٌ
عَاقِبَتَهَا وَلَا تَنْسَ إِطْعَامِي أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ شَيْءًا وَلَا
طَائِفَةً كُنَّا بِهِ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَفَرَعْنَا أَمْرَ الْآخِرَةِ يَا ذَا الْقُدْرَةِ
وَالْإِكْرَامِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَسَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَحَنَّنْ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَرَحِمْتَ وَتَحَنَّنْتَ
وَتَحَنَّنْتَ وَتَحَنَّنْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ
أَقَامَ مُحَمَّدٌ مُحَمَّدٌ وَالضَّالُّونَ دُعَايَ حَافِلَةٍ كَامِلَةٍ

[illegible]

—

وكانت الكربة انكسرت في هذا اليوم وممن انكسرت
التي انكسرت عنها او اقامت سبقها ووجدتها عند الموت
ودبعت في اليك ذريعة وتعلمت الولي وان يفتي
على محمد بن عبد الله النقيب في الميثاق المذهب يوم الثلاثاء
فان كل رتب والداعي المسكن في وعلى اهل بيتهم
الكلها والعداء المشاورة غاية العتابة وولاية الجنة
والنار واعطيت في يوم الثلاثاء من عطاياك الفزون
غير مقطوع ولا يمتنع جميع كتابه المروية وحسن
الا وبيتا خير مدعو واسكنهم من خير يا اباي يا اوتي
يا من لطفه يخفي الطوفان بالطلقات واسعدني
يعفوك وايدني بنصرتك ولا تشني كمالهم ذكرك بولا
امرك وحفظه بترك احفظني من شواشب الداهية
الي يوم العشرة والف شهر واشهدني اولياءك عند
مخرجي مني وحلولي مني وانقطاعي مني وانفصال
يحيى الله واذكرني على طول السبل اذ تسالك بين
الطابق الذي وتبين الناس من ابدى واخطى
واذا المقامة وتوفي من ذكر الكرامة واجعلني من

مَرَفَعِي أَوْلِيَاءَكَ وَلَعَلَّ اجْتِنَاءَكَ وَاصْطِفَاكَ وَبَارَكَ
 لِي فِي لِقَائِكَ وَأَنْفَعِي حَسَنَ الْعَمَلِ قَبْلَ سُلُوكِ الْكَسْبِ
 مَعَرَاتِ الدَّلَالِ وَسُوءِ الْفُطْرِ اللَّهُمَّ وَأَوْزِدِي حَوْصَتِ
 نَيْتِكَ حَيَاتِي وَأَمْلِي بِبَيْتِهِ صَلَاتِكَ عَلَيْهِمْ وَأَسْقِي مِي
 مَشْرِ بَارُوِيَا شَاغَا حَقِيقَتِ الْأَخْلَاءِ بَعْدَهُ وَلَا تَكْثُرْ
 وَزِدْهُ لَا حَسَنَةً أَزَادُوا وَاجْعَلِي خَيْرَ زَادِي وَأَوْفِي
 شِعَارِي وَيُصِفُوا لَأَشْهَرِ اللَّهُمَّ وَالْعَن جِبَابِي الْأَوَّلِيَّةِ
 وَالْأَخِيرَةِ الْحَاجِبَةِ بِحَقِّقِ أَوْلِيَاءَكَ لِنَسَائِرِ نَيْتِ
 اللَّهُمَّ وَأَقِمْ دَعَاءَهُمْ وَفَعْلَكَ أَسْيَأَهُمْ وَأَعْلَامَهُمْ
 وَجَعَلِي لِحُجْجِ أَوْلِيَاءِكَ وَأَزِدْ عَلَيْهِمْ مَطْلَبَهُمْ وَطَلْفِ
 بِالْحَقِّ قَائِمَهُمْ وَاجْعَلِي لِدِينِكَ مُصْغِرًا أَوْ بَارِكْ فِي
 أَعْدَائِكَ مُؤَقِّرًا اللَّهُمَّ اخْفِ بِمَلَأْكَ النَّصْرَ وَبِعَا
 الْقَيْتِ الْبَاهِرِينَ الْأَكْمَرِينَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَسُقْمَا لَكَ حَقِّي
 عَمِّي وَيَعُوذُ دِينًا نَوْمًا وَعَلَى يَدَيَّ جَهَنَّمَ أَعْصَا وَتَحْصَنُ
 لِقَى عَصَا وَتَرْفَعُ الْبَاطِلَ وَفَضْلُ اللَّهِ سَلَامِي وَعَلَى
 جَمِيعِ الْبِلَادِ وَجَلَّتْ أَمِنْ حَصْبِهِ وَأَسْرِيَةٍ وَابْعَثْنَا فِي
 كَرَمِهِ حَقِّي نَكُونُ فِي زَمَانِهِ مِنْ أَعْوَانِهِ اللَّهُمَّ أَدْرِكْ بِإِقَامِ

مَا كَسُوهُ لَكُمْ
 وَتَسْتَوِي لَكُمْ وَالْعَن
 سَائِرَهُمْ وَسَائِرَ كَمِ
 اللَّهُمَّ وَجَعَلِي

وَاشْهَدْنَا أَنَّمَا مَنَّ اللَّهُ عَلَيْكَ وَالسَّلَامُ وَارْدُ
 الْكُنُفَا سَلَامُهُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ
 فصل باخر در اعمال شهر ذی الحجه الحرام در رست از
 اهل بیت صلوات الله علیهم که روز اول این ماه حضرت ابراهیم
 علیه السلام تولد نموده و درین روز ترویج حضرت فاطمه علیها السلام
 بوده است درین روز نماز حضرت فاطمه علیها السلام
 و آن نماز ادین مقام چنان سردست که مانند که چهار رکعت است
 و هر رکعت بعد الحمد لله بخانه مرتبه قل هو الله احد بخواند و بعد از
 نماز تسبیح حضرت بگوید پس بگوید سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الْمُنَافِعِ
 الْمُنِيفِ سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَارِعِ الْعَظِيمِ وَهُوَ
 الصَّخِرُ الْقَدِيمُ سُبْحَانَ مَنْ كَسَى الْكَبَّةَ وَالْجَمَالَ سُبْحَانَ
 مَنْ تَرَدَّى بِالْثَوْرِ وَالْوَقَارِ سُبْحَانَ مَنْ رَأَى أَقْرَبَ الْعُقَاةِ
 فِي الصَّفَا سُبْحَانَ مَنْ رَأَى وَفَعَ الْقَلْبِيرَ فِي الْمَوَا
 سُبْحَانَ مَنْ هُوَ كَذَّاءٌ لَا هَكَذَا غَيْرُهُ وَرَوْهَ حَقٌّ
 هَكَذَا نَصْتِ سَالٍ وَمِثْلُ رَوْهَ هَكَذَا مِثْلُ رَوْهَ وَرَوْهَ وَرَوْهَ
 كَرَوْهَ وَرَوْهَ كَرَوْهَ كَرَوْهَ كَرَوْهَ كَرَوْهَ كَرَوْهَ
 وَرَوْهَ وَرَوْهَ وَرَوْهَ وَرَوْهَ وَرَوْهَ وَرَوْهَ وَرَوْهَ وَرَوْهَ

[illegible]

الحمد لله فاطر السموات والأرضين الحمد لله الذي كرمنا في
السموات وما في الأرض الحمد لله الذي خلق السموات
والأرض وجعل الظلمات والنور ثم الذين كفروا بربهم
يعبدون الحمد لله عن قضي ما كنتم به جاهولا وكولا
يعرفه إنا أي كنتم ما كنتم إذا قال وقوله الحق قل لا
أشركم بالله إني أخشى الله الموقر العز في قبيل إلى
القداسة فقال سبحانه إنا أنزلنا القرآن أنزلنا
الرحيم لعل البيت ويعطى حكمه يظهر الحق
في أهل البيت بعد القرابة كنتم قال من قبل عن الصادق
الذين أمرنا بالكون معهم والتمسوا بهم يقولون سبحان الله
وسلام على المرسلين آمين انقلوا الله وتوكلوا مع الصادقين
فأوضح منهم وأبان عن صفيتهم يقولون جعلنا آية وقال
لعلنا نذكر أبناءنا وأبنائكم كبروتنا وأبنائكم
وأنفسنا وأنفسكم منتم بغيره فيحصل لغير الله على
الكل الذين قلت الشكر يا رب والكل لمن حيث هدوني
وأرشدوني حتى لم يخف على الأهل والبيت والعائلة
فقرنتي ربكم وأولادكم ورب العالمين اللهم

أَقْدَبُ الْبَيَاتِ بِهَذَا الْقَامِ الَّذِي لَا يَكُونُ أَكْثَرُ
مِنْهُ فَضْلًا لِلْمُؤْمِنِينَ وَلَا أَكْثَرُ رَحْمَةً لَهُمْ بِتَعْرِيفَاتِهِ
إِنَّمَا نُمْنَانُهُ وَإِنَّمَا تَنَاسُلُ فَضْلِهِ أَهْلُ الَّذِينَ بِهِمْ أَكْثَرُ
بِطِلَافِ أَهْلِكَ وَتَبَيَّنَتْ بِهِمْ قَوَاعِدُ بَيْتِكَ فَكُلُوا
هَذَا الْقَامَ الْحَمْدُ الَّذِي أَنْفَقْتُمْ عَلَيْهِ وَكَذَلِكَ عَلَى
أَتْبَاعِ الْحَقِّ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ بَيْتِكَ الصَّادِقِ
عَنْكَ الَّذِينَ عَصَمْتَهُمْ مِنْ مَوَاقِلِ الْمَقَالِ وَمَكَائِرِ
الْإِغْوَالِ كَيْفَ أَهْلُ الْإِسْلَامِ وَطَهَّرْتَ كَلِمَةَ أَهْلِ
الْإِيمَانِ وَفَكَرَ أَوْفَى الْعَوَادِ فَكَالْحَمْدُ وَلَكَ الْمُنَى
وَكُلُّ شَيْءٍ عَلَى نِعْمَاتِكَ وَإِنَّمَا بَيْتُكَ اللَّهُمَّ
فَضَّلَ عَلَى عَسَدِ كَوْنِ الْبَيْنِ أَمْرًا وَصَلَتْ عَلَيْكَ أَلِهَتُهُ
وَعَقَدَتْ فِي رِقَابِنَا وَلَا يَتَّخِذُهَا كُنْزًا مَشَاهِيرُ
وَشَرَفَاتُ بَيْتِ بَيْتِ بَيْتِ بَيْتِ بَيْتِ بَيْتِ بَيْتِ
الَّذِي عَرَفُوا مَا فَاعِلُهُ أَهْلُ الْإِيمَانِ بِمَا بَصُرُوا مَا وَجَّهَ
مَعَهُ أَعْلَى الْفَضْلِ الْجَزْءُ بِمَا فَصَّلَ لِقَاكَ وَبَدَلِ
وَسَعَرْتُ فِي رِجَالِ رِسَالَتِكَ وَأَخْطَرْتُ فِيهِ فِي رِجَالِهِ
أَهْلِكَ وَبَدَلِ عَلَى أَحْيَا وَوَصِيْبِهِ وَأَهْلَاؤِي إِلَيْهِ

دِينِهِ وَالْقِيمِ صَفِيَّةً عَلَى آمِنِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ عَلَى الْأَمْرِ
ثُمَّ مِنْ بَنَاتِهِ الصَّالِحِينَ الَّذِينَ وَصَلَتْ طَاعَتُهُمْ
بِطَاعَتِكَ وَلَوْ خَلَّتْ أَسْفَافُهُمْ وَأَرْكَرَ أَمْتَاكَ يَا اللَّهُ
الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَصْحَابُ الْإِسَاءِ وَالْعِيَالِ
يَوْمَ الْمَبَاهِلَةِ اجْعَلْهُمْ شَفَعَاءَ نَاسِكَ لَكَ يَحْيَ ذَلِيلَتِ
الْمَقَامِ الصَّغِيرِ وَالْيَوْمِ الْكَبِيرِ وَدَانِ تَعْفُودِي وَتَوْبِ
عَلَى إِنْكَ أَنْتَ الثَّوَابِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ
أَرْوَاحَهُمْ وَأَجْسَادَهُمْ وَجَنَّتُهُمْ وَاحِدَةٌ فِي الشَّجَرَةِ
الَّتِي طَابَ أَصْلُهَا وَفَرْعُهَا وَأَغْصَانُهَا طُورُ الْقُدْسِ
اللَّهُمَّ ارْحَمْنَا بِحَقِّهِمْ وَاجْعَلْنَا مِنْ مَرَاتِقِ الْحَرِيِّ سِيفِ
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَوْمَ لَا يَنْفَعُهُمْ وَأُورِدْنَا مَوَارِدَ الْأَمْرِ مِنْ
أَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيَمَةِ حَقِّهِمْ وَاقْرَأْنَا بِفَضْلِهِمْ وَأَتْبَعْنَا
أَنَارَتَهُمْ وَاهْتَدَيْنَا هُدَاهُمْ وَاعْتَقَدْنَا مَعَارِفُونَاهُمْ
مِنْ تَوْحِيدِكَ وَتَقَوْنَا عَلَيْكَ مِنْ تَعْظِيمِ شَأْنِكَ وَتَعْلَمُ
أَسْمَاءُكَ وَشُكْرُ الْأَمَانَةِ وَتَقِي الصَّفَاتِ أَيْ تَحْلَلُكَ
وَالْعِلْمُ أَنَّ حَيْضَتَكَ وَالْوَعْدُ أَنَّ يَنْقُصَ حَيْضَتَكَ فَإِنَّكَ
أَقْتَضَى حُجَّاتُكَ خَلْقَكَ وَدَلَّاهُ عَلَى تَرْجِيدِكَ وَهَدَاةً

نُسِّدَ عَلَى أَمْرِكَ وَهَدَيْتَنِي إِلَى دِينِكَ وَفَرَّجَ مَا اسْتَكَلَّ
عَلَى عِبَادِكَ وَيَا بَا لَلْعِزِّ زَاتِ الْبَقِي يُعْجِزُ عَنْهَا قُدْرَكَ
وَلَهَا شَيْئٌ جُحْتُكَ وَتَدْعُو إِلَى تَعْظِيمِ السَّعَادَةِ بِسْمِكَ
وَبَيْنَ تَطْلُقُ فَانْتَ لِلْفَقْرِ عَلَى عِلْمِهِمْ حَيْثُ قَرَّبَهُمْ
مِنْ مَلَكُوتِكَ وَاخْتَصَّصْتَهُمْ بِسِرِّكَ وَاصْطَفَيْتَهُمْ
لِوَحْيِكَ وَأَوْفَيْتَهُمْ نَوَاصِي قَاوِمَاتِكَ رَحْمَةً خَلَقْتَ
وَأَعْطَا عِبَادَكَ وَحَنَانًا عَلَى بَرِيَّتِكَ وَعَلَى الْعَالَمِ قُلُوبِ
عَلَمِهِ خَائِرُ لَهْزَانِكَ وَمَا يَكُونُ مِنْ شَأْنٍ يَجْعَلُكَ
وَطَهَّرَهُمْ وَأَمْسَكَتَهُمْ نَافِثٍ مِنْ نَفْسٍ وَبَسَّطَهُمْ وَحَرَّمَ
الْأَشْهَادَ وَأَرْبَعَهُمْ بَرَاهِمًا عَلَى مَنْ عَرَفَ بِسُوءِهِمْ لَمْ يَنْجَحُوا
لَا تَمُرَّكَ وَتَخْلُو أَلْفَهُمْ بِطَاعَتِكَ وَمَلَأَ الْبَرَاءَةَ
مِنْ ذِكْرِكَ وَتَمَرُّوا أَقْلُوبَهُمْ بِتَعْظِيمِ أَمْرِكَ وَخَرُّوا أَلْفَانَهُمْ
فِي تَابِئِضِيَّتِكَ وَتَخْلُو أَدْنَاهُمْ مِنْ مَعَارِضِ الْخَطَرَاتِ
الْمُتَاغِلَةِ عَنْكَ لِحَالَتِ قُلُوبِهِمْ مَكَانٍ لَا يَرَاؤُكَ
وَعَقُولُهُمْ مَنَاصِبَ لَأَمْرِكَ وَطَبَقَاتِ أَلْسِنَتِهِمْ زَاوَجَ
لَوْحَاتِ كِتَابَتِكَ لَعَنَ أَلْفَهُمْ بِزُورِكَ حَتَّى قَطَعَهُمْ
مِنْ بَيْنِ أَجَلِ زَمَانِهِمْ وَالْأَفْرَاقِ الْيَوْمَ فَخَصَّصْتَهُمْ

يُوحِيكَ وَأَنْزَلْتَ إِلَيْهِمْ كِتَابَكَ وَأَمَرْتَنَا بِالْمَسْكِ بِمِ
وَالرَّحْمَةِ وَالْهَيْمَةِ وَأَلْهَمْتَنَا لِحُكْمِهِمُ اللَّهُمَّ إِنَّا قَدْ تَشَكَّلْنَا
بِكِتَابِكَ وَبِعِزَّةِ مَنِّيكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمُ الَّذِينَ
أَقَامُوا لَنَا دَلِيلًا وَعِلًا وَأَمَرْتَنَا بِاتِّبَاعِهِمُ اللَّهُمَّ فَإِنَّا
قَدْ عَشَقْنَا بِهِمْ قَارِفْنَا شَفَاعَتَهُمْ حِينَ يَقُولُ الْغَائِبُونَ
عَمَّا لَنَا مِنْ شَائِعِينَ وَلَا مَهْدِينَ وَلَا سَبِيحِينَ فَاجْعَلْنَا مِنَ
الصَّادِقِينَ لِلصَّادِقِينَ أَلَمْ الْمُشْتَدِّينَ لَا يَأْمَهُمُ
الْمُطَاطِرِينَ إِلَى شَفَاعَتِهِمْ وَلَا تَضِلَّنَا بَعْدَهُ هَدْيُنَا
وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ دَرَجَةً أَنْتَ أَعْلَى الْمَوَاقِبِ
أَمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَعَلَى أَحَبِّهِمْ وَصَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَفِيكَ الْمَآرِفُ
وَعِلْمُ الْمُتَّقِينَ وَثَابِي الْخَشْيَةِ لِلْيَاسِينَ الَّذِينَ تَقَرَّبُوا
الرُّوحَ الْأَمِينُ وَكَأَمَلِ أَعْدَاءِ الْبَاطِلِينَ فَتَالَى وَهُوَ أَضَدُّ
الْعَالَمِينَ مَنْ سَالَتْ مِنْ بَعْدِهِ جَاءَ لَكَ مِنَ الْعِلْمِ
تَعْلَمُ لَمَّا أَوَّلَ دَعْوَى أَيْتَاءِ قَاوِ أَيْتَاءِ كَرُورِ أَيْتَاءِ وَشَاءِ
كُرُورِ أَيْتَاءِ وَأَمْسَ كُرُورُ بَقِيَّةِ الْجَنَّةِ
أَعْنَدَ اللَّهُ عَلَى الْكَافِرِينَ ذَلِكَ الْإِمَامُ الْحُجَّةُ بْنُ عَلِيٍّ

الحسين

يَوْمَ الْإِشَاءِ وَالْمَوْتِ بِالْقُوَّةِ بَعْدَ خَيْرِ الطُّلُوعِ وَمَنْ
شَكَرَ اللَّهَ سَعْيَهُ فِي هَذَا يَلِيهِ وَمَنْ شَهِدَ بِفَضْلِهِمْ شُكْرًا
وَأَقْرَبَ عِيَانًا فِيهِمْ جَاهِدُوهُ مَوْتِي الْأَنَامِ وَمَكْسَدُ الْإِنْسَانِ
وَمَنْ كُنَّا نَأْخُذُهُ فِي أَهْلِ كَوْمَةٍ الْأَلَامِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ مَا
كَانَتْ تَسْمُنُ النَّهَارَ وَأَوْدَقَتْ الْأَشْجَارُ وَعَلَى الْجُوفِ
الْمُشْرِقَاتِ مِنْ عَشِيرَتِهِ وَأَيُّهَا الْأَوَائِيَاتِ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ
رُودِ الْخَرَابِ مَا هُوَ كَيْفَ يَكُونُ نَاكَدًا وَرُودِ الْأَوَّلِ
بَعْدَ الْحَيِّ وَهَبَهُ قُلُوبُ اللَّهِ أَحَدٌ وَرُودِ عَمِ وَهَبَهُ بَابُ الْكَلَامِ
يُحَوِّثُ بَعْدَ الْأَسْلَامِ كَوَيْدَ اللَّهِ مَا عَمِلْتُ فِي هَذَا
لِلْمَكْرُومِ عَمِلَ عَمِلَ فِي حَنَنِهِ وَمَنْ تَرَضَّعَ لِي وَطَيْتُهُ
وَمَنْ تَنَسَّهَ وَدَعَا بِي إِلَى الشَّيْءِ بَرِيئَةٍ بَعْدَ جُرْأَتِهِ
عَلَيْكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ مِنْهُ فَأَغْفِرْ لِي اللَّهُمَّ
وَمَا عَمِلْتُ مِنْ عَمَلٍ يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ فَأَقْبَلْهُ مِنِّي وَلَا
تَقْطَعْ كَلَامِي مِنْكَ يَا حَكِيمُ كَيْفَ تَعْلَمُ مَا جَاءَكَ كَيْفَ عَانَ
إِنَّا نَشْرِبُ بِأَمْرِ زَيْدٍ بِيَطْلَانِ فَرَاكَ لَسْتُ كَمَا أَعْلَى جَبْرِ
بَعْدَ سِتْرٍ سَلَاكَ شَيْعِمُ فَصَلِّ رُودِ الْخَرَابِ وَرُودِ
حَدِي رَضَا بِالْعَمَلِ لِمَا جَاءَ بِهِ مِنْهُ رُودِ الْخَرَابِ رُودِ الْخَرَابِ

مریدیت از امام همام حسن بن علی العسکری علیهما السلام که حضرت
صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که چون روز قیامت خدا تعالی
بندگان را همگی محشور سازد و در این زمین جمع گردانند و بیافکند
اما کن روزها و شبها و اوقات و شبنمای جمعه و ماهها و
سالها را محشور سازد و از ایشان بر اعمال عباد شهادت طلبد
پس برای هر کس بطاعت و عمل صالح شهادت دهد بمعادت
ابد فائز گردد و در غیر سدا منکالت شود و برای هر کس معصیت
و عمل شر شهادت دهد بمعادت شهادت ابد محذوب شود پس
قیمة روز قیامت کنید و در این معاضی نمایند که در آن روز بفر
امید خلاص و بطاعت خدا پیش نهاد شهادت بکند
و هر کس در مت ماه رجب و شعبان بشناخند و این دو ماه را
بطاعت و عبادت بجهاد مبارک رمضان متصل گرداند این
سه ماه شاهدان او باشند و روز قیامت منزلی ندا کند
او کو ای رجب شعبان و رمضان چون بود مصاحب یک یک خدا
خدا را بشناختن که طاعت خدا را در شما بر ایشان گویند خدا را
این بنده تو چون با ما و بجهاد میکرد و طاعت تو بهیچ وجه
رضای تو نمید و عبادت و طاعت محبت و رحمت تو محبت

پس از ملائکه که برین مکه موکلند شهادت طلبید ایشان گویند
خدایا حبیب و شعیان و رفیعان راست گفتند ما این بنده را
ندیدیم مگر در طاعت و عبادت تو و تحصیل رضایت تو و پرو
احسان بانبیاء کان تو اینها همه را از روی فرح خوانند حاج بازو را
رحمت و امید و غفور و مغفیر است که تو را ایضا تواند امسح
ز روی بودی استوار از صفت تو و غیر تو و حبیب رحمت و سبب مغفرت
تو بودی شرافت و عبادت تو کرد و باطن و بیرون و صیقل
و سایر بروج روز میداشتند و روزها را به نشانی روز
میکند و ایند شبهای رنج عبادت روزی آید و نفقه
مالک و صدق و احسان بفقرا و مسکین بسیار و رحمت
این سرماه را غریب طشت و صاع ایشان را غریب و دهر از آن
نیز بر طاعت و عبادت باقی بود و غایت رحمت ابروی تو
میسوزد پس خدای تعالی آن بنده را از محبت تو مایه و مالا یکبار
تو عطا عطا یا و کرامت استقیانش کنند و بر تختی از نورش
نشاند و مرکبهای برای برایش مهیا گردانند و نعمتها را بآ
و مسکنی بدهد که هرگز از آنجا بیرون نیاید و چون آنرا
هر پیری نبود و سرورش را نعم و عقیب نباشد و نورش از کفکی

این باشد از کذب و بیعت حسانت و مأمون و شفقت از غلامان
 و در مقام شریعت و در جاف و فرج مکر و منیع باشد و هم نصرت
 صلی الله علیه و آله و سلم و چون روز اول شعبان شود طایفان
 لشکر خود را در اطراف زمین متفرق سازد و گوید بکنید و بجا
 خوار بکوبید و از دامنهای گردانیده و خدا بطلای ملائکه را بر زمین
 زمین منتشر سازد و فرماید نیکان حرامی و کینه و عداوت
 نایند مگر کسی که یا او سرگشته باشد یا طغیان ورزد که او را غل
 جنود بلیس شود و در قتال اشعیان فرماید در رخسار طوبی بکند
 شاخهایش بلخیا آویخته شود بعد از آن مملکتی را بستاند
 کند و کویهای نیکوکاری خدایان شاخهای طوبی است حکم کند
 و خوشایان را داد و آویز و طلا بستاند و این شاخهای
 زخم است از آن بگریزد تا شام را بچشم بپزند بعد از آن هر روز
 پس هر کس امروز روزه گیرد یا شاخهای طوبی چسبند و هر کس
 منظمه از کسی عفو کند یا شاخهای چسبید و هر کس میان خدا و خود
 یا والد و والد یا خویش و خویش یا عاید و عاید یا پیکانه و پیکانه
 اصلاح و بخشش و کلد و دت کند یا شاخهای چسبید و هر کس
 وار بر شانی را اهدا کند دهد یا چیزی از حق خود را بختل

این روز در روز دهم شعبان است و در روز دهم شعبان است
 و در روز دهم شعبان است و در روز دهم شعبان است

این روز در روز دهم شعبان است و در روز دهم شعبان است
 و در روز دهم شعبان است و در روز دهم شعبان است

بشایسته رسید. و هر کس ادای دین کند که صاحب دین نماید و
باشد که بشایسته رسید. و هر کس که عملی احوال بقی خود بشایسته
و هر کس که بی و با اهل انصاف و حق و موافق که بشایسته
و هر کس که خود را و سرگشته ای او کند بشایسته رسید. و هر کس
جاری کند بشایسته رسید. و هر کس بر والدین یا یکی از ایشان
آورد بشایسته رسید. و اگر ایشان یا یکی از ایشان از اولاد
عند زوجه کند و دایه ای ایشان تحصیل نماید بشایسته رسید.
و همچنین هر کس کاری انکارهای بخشد بشایسته از طریق رسید
و هر کس علی احوال شرکت بشایسته از اشخاصی از قوم چسبیده
و هر کس در تاز فیه تقصیر کند و حق از احوال کرد بشایسته
چسبیده. و هر کس که در حق او کینه و بغض باشد
و قادر بر حاجت او باشد و او را و اگر از دامنش کند و
باشد بشایسته رسید. و هر کس که اندک تقصیر و بدی خواهد
و چون کند بلکه بر شایسته بشایسته رسید. و هر کس میان
زن و شوهر یا والد و دایه خویش یا دو همسایه یا دو دوست
یا دو بیکدیگر افتاد که بشایسته رسید. و هر کس بر قضا پرستان
رحالتش را داشته شد که بشایسته رسید. و هر کس که در

دکتر نسیم خانہ کندی نیایشی چیمبرہ و دھرم
 صہبہ شہیدی و انورہ کندی نیایشی چیمبرہ

و از صاحب حق چیزی کم کند و حقش بپوشاید و هر کس بی
برهانند و بر ظلم کنند بیانشی چسبیده و هر کس غیبت موشی کند
و همت از حق نماید بیانشی چسبیده و هر کس غناء حق کند بیانشی
چسبیده و هر کس قیاح اعمال حق و ظلم خود را افکند و بیانت
نفا کند بیانشی چسبیده و هر کس از روی کبر بیادانت مرصع
زود بیانشی چسبیده و هر کس از باب استغناء حق را از تشیع
جنانده یا از کفر به صاحب حق بیانشی چسبیده و هر
عقوق والدین و کفر از یقین کنند ایشان از او زرده باشند
و تحصیل ضایع و عذر خواهی ایشان نکند و حال آنکه قادر باشد
بیانشی چسبیده و همچنین هر کس ترکیب فعلی از افعال نکند
بیانشی از لغوم چسبیده باشد و از صاحب حق باشد تا با هم
بعد از آن مدتی نگاه با آسمان میکرد و اظهار سرور و شگفتی
میکرد بعد از آن نگاه بر زمین کرد و اظهار از روی و دلگیری
نمود و بعد از آن متوجرا صاحب کشته فرمود و بعد از آن که در راه
حق بنیوت اختیار فرمود که دیدم درخت طوبی را که بوی
بیانشی آن آویخته اند و مرا بهشت میدید و بوی آن
شاخ آویخته و بوی بد شاخ و بعضی چند شاخ هر کس چسبیده

موشی

بوی

خاک بکرده و دیدم زین حادثه را که پیش می افتاد. آنحضرت بود
شاخهای جلوه چسبیده بود و او را از هر کس بالا تر برد از جهت
خفای شدم و چون نگاه بر زمین کردم دیدم دهشت زووم را که
بشاخهای او چسبیده بودند هر رافرو بر دهنم و بعضی را دیدم
بیک شاخ چسبیده و بعضی بد شاخ و بعضی بچند شاخ هر که بچسب
قیامی که کرده و بعضی از منافقین را دیدم که بر شاخهای زووم
چسبیده بود و او را فرو بردند با اسفل در کات جهنم و از جهت
و لیک شدم بعد از آن باز نگاه با آسمان که خفای شدم و نگاه زمین
کرد و لیک کات پس خود را که از زمین دیدم شای دیدم روز
چند که می شنیدم که سر برهنه می کنند و شبها را دیده
و مشقت عبادت بر من می آید و شاخهای خود را بصدقه تمام
می کردند و جانهای خود را در جهاد می باختند گفتند پسر ما در
و اصل و فرزندانمان فدای تو باد چه دیدی و زووم چون شاخهای
جهنم بود و منادی می شنید که ای پسر ما که گدای سالامه
بر رسید هر کس امروز بشناختن طریق او نمیرسد و اگر شاخهای
از جهنم است و قصصها و نعمتهای جهنم باو دیدی پس بعضی
از ایشان را از اینها خبر فرستادند و اعطای کنند و بعضی را دور آرد

و بعضی راسته بر آید و بعضی با چاه و بر و همچنین هر کس ابقدرش
و چون شاخهای زرقم به صدمه و زور قد منادی از جانب خدا
ندا کرد ای خزان جهنم و پندید هر کس امروز دنیا را از زرقم پند
بقدر حرارت فطرت آن شاخ از هر جانب برای او از آتش خدا
و منازلی تا کشید و مارها و عقربها و زنجیرها و علیها و عذابها
بر آتش مهیا گردانید پس برای بعضی یکساله راه و بعضی دو ساله
و صد ساله و بیشتر و کمتر هر کس و ابقدرش عذاب عقر کردند
بعد از آن بر اطراف و قیغ نگاه میکرد و کاهی مسرور و کاهی
دلگیر میشد پس فرمود خوش آنانی که اطاعت خدا میکنند و خوش
طوبی آنی که خدا را بخوانند و با ایشان اگر ای و شفقت کند و ایشان
شیاطین متوجر ایشان شده اند که ایشان را که کند و خدا را
ملاکه را فرمود که با شیاطین بجای و مقاتله میکنند و ایشان
میکشند و دور میسازند و بعد آنانی که صمیمت میکنند و شیاطین
ایشان را که که جهنم میفرستند بعد از آن فرمود پس عظیم
امروز کنید و قدرش را بداند و حرمش بشناسند که بسا
هر کس که امروز سعید شوند و بسا هر کس که امروز شقی
باشند

و مقصود از این باب الفنا و الله در دو روزه فصل پان شوم
فصل اول در فضایل ترویج و کراهت غریب مزیت انان
 طاهرین صلوات الله علیهم حسین که چون کسی ترویج کند نصف دین
 محفوظ نگردد پس در نصف دیگر احتیاط و ملاحظه خود نماید
 و در وقت نماز صاحب اهل و عیال افضل است بانه خدا در کعبه
 عزیز و هیچ بنای در اسلام پیش خدا دوست تر از کجاست نیست
 و هیچ خرابی دشمن تر از وقت و طلاق منو خدا تعالی از عفت است
 دشمن طلاق ذکر آن در قرآن بسیار فرموده و اکثر خبر در آن است
 و حضرت علی علیه السلام فرمود چه مانع است من را که
 ترویج کند و تحصیل اولاد نماید که روز قیامت من را
 بر سایر ائمه مفاخرت بسیار است هم می علی از آنکه ساقی
 غضبت است و خشم او بر در غیبت ایستاده یا گویند داخل
 گویند داخل خشم تا اولی والدین من داخل شوند پس خدا تعالی
 حکمی را بر ما بگذارد و الدین را آورده داخل غیبت نکند و ما را
 در زیر عرش در مکانی از مثل نوعی و عظمی برای الهی
 استغفار کند و عظمی و عظمی و عظمی و عظمی و عظمی و عظمی
 عزیز بپزند و حضرت امام جعفر علیه السلام فرمود دوست ندارم

نماز اولاد را بر سر کسی که در عفت است
 و ترویج را بر سر کسی که در غیبت است

که تمام دنیا و مافیها ازین باشد و بدین شیعه زیاده بخوانم بعد از آن
دو رکعت نماز من ترویج بهتر است اما آنکه عزیمت نماز کند و در
روزها روزه گیرد و هر کس خواهد بآلت و پاکیزه پیش خدا رود با آن
برود و کسی که از تقوی پیشانی تر است ترویج کند خدا بدو کمال باشد
که فرموده اگر پیشانیان باشید کجاست تا شمار افشای کرد انهم
و هر کس از ان برای خود برای رضا خدا و صله هم ترویج کند خدا بآلت
تاج مملکت و پادشاهی بر سرش دهد و بدو که خدا تعالی خواهد
خیر دنیا و آخرت بر او حق جمیع که اندکی خاشع و بیانی ذاکر و
جسدی بر بلا صابر و روزه بخور و نموند که هرگاه نظر بر او کند هر چه
شود و چون خدمتی نماید لطافت کند و چون از او غایب شود
و مالی او را حفظ نماید و بر او بیست و یک مرتبه دعا بخواند
اینست که میان دو کس کوفت ترویج بهر چه و هر کس این سعی کند
هر گاهی که بر دار و در هر حال که گوید خدا تعالی بر این سعادت یکساله
نویسد که شبها پیش نماز و روزههایش روزه باشد و هر چه از او
فرماید هر کدام در قصری اندر بیا قوت و هر کس غریب را از ترویج کند
از جمله کس باشد که خدا تعالی روز قیامت نظر بر ایشان
دارد و از جمله سعادت مهربانست که در حقش دوازده شهر آید

بسم الله الرحمن الرحیم

و هر کس در عمارت میان زن و شوهر سنی نماید غضب و استغنا
گرفتار شود و بدو نفع معذب گردد و هر کس در اصلاح میان ایشان
سعی کند اجر فرا شهید یابد و هر کس کبر دارد و کلمه گوید یا
عبادت نویسد یا روزه روزها و نماز شبها **فصل**
در فضایل متعه و سرچر و بیعت از اهل بیت **طاهرین علیهم السلام**
که هر کس متعه کند برای رضای خدا و خیر الفت منکرین بر کلام او
محکم کند و هر مرتبه که دست بجا نباشد و بر دینش حسنه نویسد
چون نزدیکی کند کنایه از اقرار زینده شود و چون غسل کند بعد از نماز
که در به نش آید و بیدار کند آنها را از اقرار زینده شود و هر مرتبه
بجهت **محمد صلی الله علیه و آله و سلم** گفت که خدا تعالی میفرماید
که هر کس از امت تو متعه کند ما هفتاد هزار سال عمر او را از حضرت
امام جعفر علیه السلام از متعه و مال که در فرمود دوست ندایم که کسی
از دنیا برود و غنی از من رسول الله صلی الله علیه و آله باشد که بجا
نیارده باشد و دیگری با حضرت گفت قم خورده ام که متعه نکند
فرمود که عهد کرده که اطاعت خدا کنی و الله که اگر اطاعت کنی
معصیت از کعبه ای و مردی بخندست حضرت امام محمد باقر
علیه السلام عرض داشت که دختر عم من مال بسیار دارد و می بخرد

اگر چه که می طای که بسیار مردم را خواستگاری کردند و ارضی شدند
 و بقیه بگردان ندارم اما چون شنیدم که خدا تعالی و رسول
 صلی الله علیه و آله وسلم منتظر احلال کرده اند مرا منتظر می حضرت
 فرمود برو منتظر کن که خدا تعالی بر هر دو صلی و رحمت فرستد
 و نیز هر ویت که از این زن طالب اولاد کند که در هم ایشان
 خیر و برکت است و نیز هر ویت که چون کسی کنیزی بگیرد یا بیک
 هر چهل روز یک مرتبه یا او میا شربت کند یا بیکری حلال کند
 پس اگر نکند پس اگر نکند که اهن بر او باشد و نیز وایت
 آمده که منتظر حلال است بر کسی که خدا او را روجه مستغنی کند
 باشد یا آنکه بسوی رفته اند و خود رفته باشد یا آنکه بسوی آن
 انچه طاهرین علیهم السلام بجوای خود نوشته اند که اگر در منتظر کنید
 و از آنان خود دوری نماید که ایشان از ما آزرده نشوند
 حضرت امام جعفر صادق علیه السلام با صاحب خود فرمودند که
 خدا تعالی بر زن مستغنی از منتظر کرد و چشم می آید و عار و حیا
 ندایه از نیکه دیباهای نامناسب بر می خیزد و نهان نماید
 فصل سی و چهار در اختیار روزه و صیامت و آن است
 از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که زمان را قیمت نباشد که در

و آنچه بر این اسم کرده بخیر تمام طاعت آید
 و غافل بر این

غیر از این

عنه است از طلا و نقره و وزن بدخاک از جلد تراسته و هم ایشان
و ایلام که هر روز که زان نجیب مناسبه است یا کند که قرصه خالو
شبهه میشود و کس که زنی برای مال یا مال خواهد داد و آن
و اگر از برای دین و ایمان اختیار کند از مال و جلاله و خیر
و حضرت میرزا ابونورین در این باب میفرمود که هر که
بزرگ سرین میباشند اختیار کند که اگر از او اخراج باشد
بزرگ باشد که ایشان نجیب و خیر باشد و بزرگ زان باشد
که عیفت و عیفت باشد و در میان قوم خود عزیزند و بزرگ
بود و اگر شورش از او آید باشد خراب کند تا او را بکشند
و برای شورش بخت کند و از آن هر مان بوسه دهد یا باند و چون
با او خلوت کند و بخت کند و بخت کند و بخت کند و بخت کند
زان آنست که زمین صفات خلاق این باشد که بخت و بخت
حضرت میرزا ابونورین و اگر و بخت هر که بخت کند و بخت کند
و بخت کند و بخت کند و بخت کند و بخت کند و بخت کند
و اگر و بخت کند و بخت کند و بخت کند و بخت کند و بخت کند
و السلام که هر که از دین بخت کند و بخت کند و بخت کند
دخند و این زن از جلد ایشان است و او را نصف از شهید بخت

و بر کندن آفت و ضیف المونته باشد و ولا دیش اسان و
 سنگین باشد **فصل چهارم** در اوقات ترویج
 نماز و این حرکت از اصل بیت طاهرین علیهم السلام است
 که ترویج در وقت باشد که شب از برای استراحت و لذت
 ازین باشد و اگر ترویج در وقت الشجاع و افحش و خل
 از ساقط کشیدن این نباشد و اگر قدری مضرب باشد از آن
 ترویج غیر نیست و اگر در وقت که رمای روز باشد زود بخواب
 انجامد تا که بیدار شود و در وقت روز باشد که در ایام باشد
 و چون اراده ترویج کند اول دو رکعت نماز کند و بعد خدا
 کند و بعد از آن بگوید اللهم انی اريد ان اترجح اللهم
 فقد ربي من النساء احسن من خلقك خلقا واعف
 فرجا و اعف عنهن في انفسها و مالي و او سمن
 رزقا و اعف عنهن برحمتك و اعف عنهن ما و كذا
 طبع بخصه الله خلفا في موالني و عبد موسى
 و مقبله است ابتدا کردن ترویج بخطبه مثل بر خطبه صلوة
 و موعظه و خطبه بکاخ و این خطبه مخصوصه خطبه السلام
 افضل الخطب این باب است الحمد لله الذي جعلني

السلام

الكتاب بفضله وافتتح بالحمد كفاية وجعل المسند
أول جزء وجعل بغيره وآخر وقضى أهل بيته والشهد
أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له شهادته الخلفها
كروا ذكرها عنه وصلى الله على محمد وآله الطيبين
وتحيا البرية وعلى إله الوجود ونعمه النعمة و
معدين الرسالة ومختلف الملائكة وأشهد
بأن الذي كان في جليل السابقين وكنايته الشايط
وبما هو الفاضل أن أجمع الكتاب في الصلاة والآخرة
وأولى الأمور بالعبادة فيه والتقديم سبب وجب
حسبا وأمر أعقب في مقال جليل وعمر وهو الذي
خلق من الماء وغيره من سببها وصيها وكان
ربك قديرا وقال لا تكفوا عما يأمر منكم والصلحين
من ما ينهاكم وأما ما ذكر أن يكونوا فقد أجمعوا
من فضله وأما ما ذكر عليه من كونه في المصاهرة
والنكاح أمة محكمة ولا مسنة متبعة فلا أثر
مستفيض كان فيما جعل الله من البر القريب والتقرب
البيوع والتأليف القلوب وتثبيت الحقوق

وكثير العدد ووفير المال لنواشب الدهور ومواريث
الأمور ما رغب في دونه العاقل اللبيب ويصلح إليه
المراحم المصنوب ويحرم عليه الأرباب الأبرص خاف
الناهي من تبع أمره وأفتد حله وأمنى قصاده
وحتى تبرز آؤه وفلان بن فلان من قدرهم خالوا بطلان
دعاه رضى نفسه وأتاكم إشاركم واختيار الخطبة
ولأنه بنت فلان كرمكم ويدل لها من الصدوق كذا
لذا أفضى بآله واجابة وأجبت به بالرغبة والرهبة
الله في أمركم بغير ما كنتم تشكروا الله
تشكروا الله أن لم يمت ما بينكم ما بينو القوي ويؤلف
بالحب والهيوي ويحكمكم بآله كغيرهم الرضا الله شيع
الدعاء لطيفة لما يشاء فصل في خبر درواري زفا
مرويت از بعض بيت طاهر بن عليهم السلام كدوشب حرقاق في قفا
دلهاموس بن ميم آينه دلهام دفرمت نازكاد بعدا ان حمد
خدا كند وصاوة بفرستد ويكوي اللام اذ في القفا ووقفا
ورضا طاهري واجمع بشتا با حزن اجتماع وانعرت بطلاوف
فانك تحت ليلان ونكره الحرام وجموعا حاضرا يستد

امین بگویند عروس نیز چنین کند تا اول دعا را چنین بگوید اللهم
اذا رزقنا القدر و رزقه و رزقنا القدر و رزقنا القدر و رزقنا القدر و رزقنا القدر
روقیله دست بر پیشانی عروس گذاشته بگوید اللهم علی قلبک
تزوجنا و فی اماناتک اخذناها و بیکل انک استخلفتها
فان قضیت فی ریحها استخلفتها فاجعلها عیال مسکینا
سویا و لا تجعله شیء الشیطان و اگر خواهی بگوید
اللهم یا امانات اخذناها و بیکل انک استخلفتها فان
قضیت لم نشفها و کذا فاجعلها عیال مسکینا
شیء الشیطان و لا یفعل الشیطان فی ریحها
و اگر عروس بگوید و انشود و ان کب را از دستها جدا
آخر خانه بیاورد و در آنجا بگذارد حاجت او بخانه برسد و رود و
قیم برکت داخل شود و عشاء در دست بر سر عروس فرو بآید
که برکتش بچرخانده و کشیده و عروس از جنون و جلال و بر سر
امین که عشاء را خانه باشد و در عشاء اول عروس از خوردن
شیر و سرکه و کشنیز و سیب ترش احتراز کند که در هم را شیر
و عقیق گردانند و اگر سرکه خورده باشد که مایه می شود هرگز از این
مالک نشود و کشنیز و لافیت را در هوا بکند و سیب ترش را

قطع کند فصل ششم در توفیق میاشرت و آوایه اوقات
مرویت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که در توفیق و توفیق عطا و توفیق
حضرت خیر علی الصلوات و السلام رفته اند و خود شکایت
کرد و نمود که فضایل میاشرت و ایالات تقصیر نخواهد کرد گفت
کلام است آن فضایل فرمود هر گاه متوجه شود چنانست که در
خدا شش یکشنبه و باشد و چون جماعت کند که گاهان از و
برین مثل بیک از درخت و چون غل کند از گناه و بال شود
و هم از حضرت علی الصلوات و السلام مرویت که بایرون
فرمود با اصل خود مقاربت کن تا از آیه باری **الفرقت** یا
اهل خود صحبت و لازم و قوای میباشند با شرم فرمودی **ای**
سرام گناه دارند حلال بر تمام **دک** و غیره مرویت که هر کس
زمان و کنیزان زیاد از آنکه با ایشان توانا جماعت کرد جمیع
کند و ایشان را نکند گناهان بر و باشد و **و** ایام
میاشرت مرویت که در وقت جماعت اگر سحر آید و گوید
شیطان و جماع با او شرابی شود و طه که است و شیطان
در آن با او شراب بود و شرکت شیطان موجب کفر و فساد
و بعد از آن اهل بیت علیهم السلام و لا اهل سبب فوق و معاصی و غیره

باید

باشد و اگر بسم الله بگوید از شر و شرک شیطان ایمن گردد و اگر
عبارت که مرویست از حضرت امام جعفر علیه السلام بگوید انقلبت
بسم الله الرحمن الرحیم الذي لا اله الا هو يدفع الشیطان
و لا یخفی الله ان یخفیته منی فی هذه الملیکة فلیفت
ولا یفعل الشیطان فی ذنوبی و لا یضرب و لا یخطئ
و ابعده مؤمنا فلیصا صلی من الشیطان و رجیه
جلی نسا و لت و یخبر و یست اگر بگوید بسم الله و یا الله
الله جنتی الشیطان و جنتی الشیطان ما اذنی
اگر فرزند باشد که از غیر الله شیطان با و رسد و اگر
مرد و زن حمامت بگوید الله اذنی و لدا و اجعله
تبیار یکا الی غیره و لدا و لا نقصا
و اجعل لما یقتله الی غیره و در انشای حمامت عرفان
موجب الی و رفتن زبان فرزند و نگاه کردن بفرج زن و
کوی فرزند باشد و اگر نود و نفاغ شود باید صاحب گفتار زن نیز
حاجت خود بر او نگاهداری باشد که زن صالتی از شوهر بریزد
که اگر بخلام سیاهی بریزد در آویزد و هر کدام غرق و جارید
و هر دو یک غرق استماع کنند که اگر آب مرد و زن بر سر هم افتد

مردت عبادت میاتان شود و در آن خانه که ایشان را بیدید
یا صدای ایشان بشنو و خواه طفل و خواه غیر آن نباشد که سبب
دورزند شود و واپست بقوله نباشد و اگر محتمل شد می باشد
تا عمل نکند جماع نکند که سبب جنون دورزند باشد اما اگر در
جماعت سر نیزه دیگر آید و صوفی بود و در وقت حیض جماع کرد
مردت خدام یا برص باشد دورزند و اینهم روایات بسیار
آمد که هیچکس نفی و صداقت اهل بیت عالم نمی داند مگر کسی که
والد الزنا یا شرع شیطان باشد یا در ایام حیض طهه اش باشد
و حضرت امام جعفر علیه السلام فرمود اگر تمسک بمسکین آید و در
پاییده او خود بسیار دعا کند که او پدر را حیا است نکرده است
که سرچین بدتر بسیار شود و نکند و نکند که موجب عیال آن کرد
نشم بر جماع رغن و شکم بر جماع کردن و این بد جماعت نمودن
و حریت که ایستاد و جماع کردن سبب بون و راش دورزند
باشد و بنیام خانه جماع کن که فرزند منافق و صاحب بدعت
و عرافی شود و در افضال نکند که فرزند دغاب و عریان باشد
و در زیر دخت میوه دار نباشد که فرزند جلا و خوریز شود
و اگر زن حامله باشد بی وضو یا او جماعت نکند که فرزند کوفی

و بخیل شود و اگر از زن قبری شدت بگریست آید با آن شهر
یا زن خود جماع نکند که فرزند مختل یا دیوانه شود و اگر در کشتی
نشست باشد جماعت نکند و اگر جنب باشد با زن در میان
جای خواب قرار نگیرد که همان برود که انشی انسان آید و هر دو را
بسوزد و اگر زن جنب باشد و از جای خود برخیزد تا آب بپوشد
و بگری برانجام نرشد و اما ارواح جماعت چند وقت مختل
جماعت کردن شب هجرت بسیار غار خفق که فرزند ناقص را عالم
و اگر برین شود و در روز جمعه بطلان عصر که فرزند از جماعت ناهیر
علا شود و شب و شب که فرزند ناقص قرآن و راضی است
خود باشد و شب سید شنبه که فرزند حق در رحم دل و حق ناله
وز بانش از غنیمت و هیئت انالجه و شب پنجشنبه که فرزند
از جمله عالم آگاه بر شود و روز چشنبه وقت ظهر که فرزند
کامی از مرد می باشد و دین و دنیایش بسیار است بعد و شیطان
از وی کنش شود تا آنکه بر شود و شب اول ماه مبارک رمضان
نیز مختل است جماعت که در وقت و چند وقت که هست میان
اذان و اقامت که فرزند ناهیر می شود و هر یک از این طلوع
صبح و طلوع آفتاب و از غروب آفتاب تا دهان مغرب

وقت طلوع و غروب آفتاب زده باشد و روزی که آفتاب گرفته
باشد و شبی که مکمل گرفته باشد و شبانه روزی که زلزله شود یا
سرخ وزند و سیاه گرددین اوقات فرزندی عیبی نباشد و
اول و میان و آخر ماه که زن یا فرزند را بم جنون و عذاب باشد
و در بخت الشعلی عمار که فرزند ساقط شود و بعد از ظهر که فرزند
احول شود و در شب عید قربان که فرزند شش انگشت یا چهار
انگشت باشد و در بخت ماه شعبان که فرزند بگوم و میو و بیا
و در آخر ماه شعبان که فرزند سخن بدین و معین ظالمین باشد
و اول شب که فرزند سحر شود و در آخر شب که فرزند
شبانه روزی که فرزند بفرزند بدین و در که فرزند معین ظالمین شود
و شبی که فرزند آتش بفرزند بفرزند مال خود آید باطل
جرام صورت کند فصل در حق فرزند طلب فرزند
ان اهل بیت طاهری عالم کم که چون کسی را فرزند نشود هر صبح شام
هفتاد مرتبه بگوید سبحان الله بعد از آن ده مرتبه تسبیح
تعالی آن فرزند بگوید سبحان الله بعد از آن یک مرتبه استغفر الله
و بگوید هر روز نیت نماید این طریقه عمل نمود اولاد بسیار
و بسیار مرد و اندک کم هر روز بسیار شد طریقه دیگر

میجده کند و در سجده بگوید رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً
طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ
خَيْرُ الْوَارِثِينَ راوی گوید من چنین کردم و پسر خردی شد
طریقه دیگر بر آنکه فرزند نقش کند که رب لا تَذَرْنِي فَرْدًا
وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ راوی گوید چنین کردم یکسال گذشت
که پسر بی عطاشد و اگر خواهد فرزند پسر شود پیش از آنکه از حمل
ایستاده راه تمام شود و زنی را بقیه بدینسان داد و آنرا الکرمی خوانند
و دست بر بالای او گذاشته بگوید خدایا این را عهد نام کردم
او را پسر کند پس چون متولد شود اگر پسر شد خود وفا کند و عهد
نام کند خدای تعالی او را میراث کند و اگر نام دیگر کند پسر خوانند
اگر خواهد بگوید آرد و گرنه پسر بگویند و دیگر مرگ نیست هر کس
عزم کند که فرزندی با علی نام کند البته پسر شود و طریقه
دیگر در وقت جماعت که مسیای آن کار شده باشد دست را
بر جانب راست ناف زن گذاشته هفت مرتبه انا انزلناه بخواند
بعد از آن صحبت بخند و چون حمل ظاهر شود منبها هر سه از جای
حرکت کند دست بر جانب ناف زن گذاشته هفت مرتبه انا انزلناه
بخواند راوی گوید من چنین کردم هفت پسر را زنی یکبار آمد

[illegible]

طریقی دیگر از لذت را بنویسد و بنویسد و زن پاشا آمدند
 آفتاب طبع او نیز پاشا شد طریقی دیگر و پیش او اما از لذت
 بنویسند نزد وضع حال شود طریقی دیگر بر پشت جانکه کوفت آن
 کمال کنند این صورت بنویسد و بر سر بنویسد

| | | | |
|-----|---|---|---|
| الف | ب | ج | د |
| ه | و | ز | ح |
| ط | ث | ث | ث |
| ث | ث | ث | ث |

 فیه سیل نهم در آداب تولد طفل و نام گذاشتن و حقیقت و
 ختنه کردن مردیت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که بچهره طفل
 متولد شود پیش از آنکه نافش را ببرد بچهره عدی و شیرین
 خطا کنند و در قطع دماغ راستش و بقطع دماغ
 چپ آن و در کوشش و دست ایشان و در چپ آنهاست بگویند از نویسنده
 و از شرم المصطفیان این خود نویسنده است که اذان و اقامت
 گفتن امانت از حضرت جعفر و شیطان و کام طبع را با ابرت
 حضرت امام جعفر علیهم السلام و آب فرائد و اگر نباشد آب باذان
 بر داند و در پیشینه که کس را با آب فرائد کام می برد و دست
 اهل بیت علیهم السلام باشد و حضرت امیر المومنین علیهم السلام
 و هر که گویان کام اطفال محمد با آب فرائد بر روی داشته اند
 شجاعتی می یابند و در صورتی که کام طفل را با خرمای و
 کوهن و غیره علیهم السلام و کوهن کام حضرت امام حسن و حضرت

طبع
 در

امام حسین علیه السلام را با خرمایا برداشت و مرویت از طفل
هنوز متولد نشده باشد که نامش گذارید که اگر بی نام باشد قطعه شود
روز قیامت از پدیده که کند که هر نامی که باشد شوق و محبت است
که چون طفل متولد شود طاعت روز او را محمد و اگر دختر باشد
فاطمه گویند بعد از آن اگر خواست نام دیگر که از پدر و مادر بدو
بروزند اینست که او را نام محمد بگذارند که روز قیامت هر کس را
نام خود او را نکند و مرویت کرده است که بی نام باشد که
بندگی در عیادت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و آتشالان و اهل
آسمان است و انبیا و اولاد علیهم السلام است و هر خانه که نام محمد را یکی
از انبیا علیهم السلام باشد خداوند تعالی هر چه بخواهد بفرستد
تا اهل انظار و اعتبار که در آری ایشان دعای خیر و برکت کند
و حضرت امام محمد باقر علیه السلام از طفل پرسید چه نام داری
گفت محمد فرمود که نیست چیست گفت علی فرمود آن شیطان
در بنای عظیم رفته چون شیطان نشین و که کسی را محمد و علی
او را نکند بلکه از مثل قالی و لاش و اگر بشنود که نام یکی از
اهل بیت است که در خوی بالد و مسو و شود و بی مرویت که
از طفل خانه نشود که در آن خانه نام محمد یا احمد یا علی یا حسن یا حسین

یا طالب یا عنایت یا فاطما باشد و مرویت که حضرت عقیقه علی
 علیه السلام فرمود که در پنجاه روزه و نام مرا بگویند و در
 جفا کردن باشد و مرویت از حضرت علی علیه السلام که فرمود
 بر سید که هر چه باشد چنانکه نامم فرمود و هر که دوست دارد
 نامم را بگوید و مرویت که چون طفل را نام و فاطما نام
 کنند عاقبت طوبی و اکرام با الوعیا الودید و فرزندی و دستانم
 مدعی و موصیانند و در این است بسیار از حدیث کبری و احباب
 که در وقت طفل را طایفه کنند و اگر عقیقه باشد هر وقت و هر
 روز و هر ماه پس باشد و هرگاه در شش ماه باشد عقیقه است
 عقیقه کند اگر چه پس آید و اگر کسی را عقیقه نکرده باشد و خوا
 عقیقه کند هر وقت که بخواهد از هر و افضل است که عقیقه
 پس از یک ماه عقیقه دختر داده و از عیوب بسیار است باشد
 و اگر عقیقه نشود هر چه مقدور شود مجزی بود و هر چند قدر را
 افضل است و در وقت ذبح بگوید بسم الله و یا الله و الحمد لله
 اکبر یا قاضیا و یا علی رسول الله صلی الله علیه و آله
 و العزیز و الاکرم و الشاکر و الرزاق و المعز و المعز
 بفضلهم علفنا اهل البیت اللهم اغفر لنا و لهم

بِدَمِهِ وَعَظْمِهَا يَعْظُمُ وَشَمْرُهَا يَنْصَرِفُ وَيَسْلُهَا يَجْلِدُ اللَّهُ
 أَجْسَامَهُمْ وَأَقْلَامُهَا يَنْفُلَانِ بَيْنَ فُلَانٍ وَكَرِيمٍ بَشَرًا بَشَرًا يَكُونُ
 اللَّهُمَّ أَنْتَ وَهَيْتَ لَنَا ذِكْرَ أَوَانَتِ أَغْلَافِهَا وَهَيْتَ خِيَارَ
 مَا أَعْطَيْتَ وَكُلَّ مَا سَمِعْنَا أَمْسَقْتَهُ مِنَّا عَلَى سَمْعِكَ وَ
 سَمْعَةِ نَسَائِكَ وَصَوْنِكَ عَلَى أَعْيُنِكَ وَإِلَهُ وَأَخْسَأْنَا
 الشَّيْطَانَ الرَّجِيمَ لَكَ سُبْحَاتِ الدَّمَاءِ لَا تُشْرِكُ لَكَ
 وَالْحَمْدُ لِقُدْرَتِكَ الْعَالِيَةِ وَكَرَمِهَا جَنِينَ يَكُونُ بِسْمِ اللَّهِ
 وَبِأَمْرِ اللَّهِ عَقِيقَةً عَنْ فُلَانٍ كَتَمَهَا بِالْحَبِيبَةِ وَدُمُهَا بِدَمِهِمْ
 وَعَظْمُهَا يَعْظُمُ اللَّهُمَّ أَجْسَامَهُمْ وَأَقْلَامُهَا يَنْفُلَانِ عَمَّا كَانُوا
 عَلَيْهِمْ وَدَمُهَا يَنْصَرِفُ بِقَابِلِهِ دَعْدُوهُ أَوْ قَابِلُهُ بَشَرًا يَكُونُ
 مَا دَرُوسْتَ بِهَرِيسٍ نَوَاحِدٍ دَعْدُوهُ أَوْ قَابِلُهُ دَرُوسٌ يَكُونُ
 عِيَالُ أَوْ بَشَرًا لَوْ أَنَّ الْحَقِيقَةَ جَعَلَ خُورِدًا بَقِي كُوشَتِ عَقِيقَةً
 بِزَنْدِ عَوْنِ أَجْمَعٍ أَوْ مَوْنَانِ كَمَا أَهْلُ دَعْدُوهُ بَشَرًا يَكُونُ
 وَهَرِيسٌ بِهَرِيسٍ تَكُونُ أَفْضَلُ أَسْتِ وَأَفْضَلُ أَسْتِ كَرِيسٍ
 مَوْلُودٍ وَهَرِيسٍ أَفْضَلُ أَفْضَلُ أَفْضَلُ أَفْضَلُ أَفْضَلُ أَفْضَلُ
 أَفْضَلُ أَفْضَلُ أَفْضَلُ أَفْضَلُ أَفْضَلُ أَفْضَلُ أَفْضَلُ أَفْضَلُ
 أَفْضَلُ أَفْضَلُ أَفْضَلُ أَفْضَلُ أَفْضَلُ أَفْضَلُ أَفْضَلُ أَفْضَلُ

این دعا را هر روز بخواند
 و در هر روز بخواند
 و در هر روز بخواند
 و در هر روز بخواند

در روز هفتم خسته کنند که گوشت بدنش زودتر بپزد و درین
از بول گاو که خسته نشده باشد چهل روز بخور شود و بخور آنکس
کند و در وقت خسته کردن بگوید اللهم هده سننک و صلاتک
نیتک محمد صلی الله علیه و آله و اتباع منک و نیتیک
سننیک و لایک ذلک و قضااتک و لا یحررک و قضا
حقته و آمر انفسه نه فادقه حر الحدید فی خیاره
و حیاتیه و لا یحررک انت اعرفک به اللهم طهره من الذنوب
و زنی غیره و ادفع الالفات عن بدنه و اکو جاع
عن جنبه و زده من الغنی و ادفع عنه الفقر فانک
تعلم و لا تعلم و اگر در آنوقت نکته باشدش از آنکه بچشم شود
هر وقت باشد برو بخواست خدا تعالی او را از بیزی اهر بقی
و غیر آن محفوظ دارد و مستجاب است کوش راسته و لود و اسوداخ
کردن و اضل است که مادر خرد شیر بد هد که شیر مبادره
مبارکتر است و هر ویت که شیرده باید صاحب خون و پاکیزه
و متوق باشد احمق و دبی و فاسق نباشد که شیر و طفل از کند
و هر ویت که کله از دست بویگاه شیر دهن علم است و طفل
و نهایت شیر دو سال تمام است و بیش تر ازین نشاید

در روز هفتم خسته کنند که گوشت بدنش زودتر بپزد و درین

فصل فی هر در مقابل اولاد و تربیت ایشان هر بیت از
اصل بیت ظاهرین علیکم السلام که چون خدا تعالی برای بند خود
خواهد و در آن دنیا غیر دنیا خلافت صالحی عطا فرماید و فرزندان
در جانیست از بهشت و کردار افعال مومنان تا هفت سال
تحلیل است و بعد از آن تا حد بلوغ استغفار است برای
والدین و بعد از آن هر چه که کنند والدین در ثواب ایشان
باشد و اگر سینه کنند خورش با ایشان نرسد و گرفت افعال
کفار کناه والدینست و اگر فرزندان بدین والدین و اذن نوب
و درجات باشد حق الله سقط بر در بهشت ایستاده باشد
و داخل نشود تا دست والدین خود را گرفته داخل بهشت کند
و اگر بماند برای ایشان دعا و استغفار کند و هر چه که کند
سبب بهشت درجات برای ایشان باشد و هر بیت که
حضرت عیسی علیه السلام بر قبری گذاشت که صاحبش معذب بود
سال و یکصد و یکصد گذشت عذاب امان بر خانه بود منجاب است
که از سبب آن سوال نمود و می آمد که این شخص را فرزند می
ساخته است که تقی را پناه داده غمخواری کرد عذاب از او برداشتم
در هر بیت که کبر بهشت است و در هر چه از نعمت سؤال کنند و

بر حقه ثواب دهند و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که
 کسی که سه دختراست و خواهرهایش باشند هفتاد و او را و پنج
 کسی پرسید که دو تا هم باشد چنین است فرمود بلی گفت اگر کم
 باشد فرمود بلی اگر یکی کم باشد و نیز هر هفت که هر کس دو دختر
 یا دو خواهر یا دو عمه یا دو خاله عیالش باشد او را از دوزخ نگاه
 و هر کس بیفرزند خود احسان و مهر بانی کند چنانست که بوالدین
 خود کرده باشد و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود انما
 دوست دارید و بر اینان رحم کنید و چون باینان عهد کنید
 وفا کنید و هر کس بیفرزند خود بسیار محبت داشته باشد خدا تا
 برود رحمت کند و اگر فرزندی بود برایش حقه نویسد اگر
 مسروبی کند و غنیاست مسروبی کند و هر کس از نازا و بی
 گرفته برای اطفال و عیال پاره چنانست که برای حق محتاج صدقه
 بدهد باشد و افضل آنست که اول چیزی بزیان و خسران دهند
 و هر کس دختری را مسروید کند چنانست که بندگان او را بخت
 استغییل از او کند و اگر پسری را مسروید کند چنانست که از
 ترس خدا اگر نیست باشد و هر کس از ترس خدا بگریزد از اهل بیت
 باشد و هر کس زنی را که یا او فرات و غرضی داشته باشد مسروید

در حدیث
 در حدیث

خدا تعالی روز قیامت او را کسر نکند چون والدین فرزندان را
قرآن تعلیم کند و بهشت ایشان را و حله پوشانند که بر تو قرار
روی اهل بهشت را روشن کند و مرویست که مروی روزی در شد
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم گفت من هرگز فرزند خود را
نبوسیده ام بعد از آنکه اوقات حضرت فرمود این مرد از اهل
دفع است و مرویست که طفل را لا اله الا الله و آیه آخری
است این قل الحمد لله الذي لم یخذلنا و لانا اخر سورة بقره
کنید و بانش فصیح شود و نیز مرویست که چون پسر است سال
تمام شود اگر کنید تا هفت مرتبه لا اله الا الله بگوید و چون
سال و هفت ماه و سیست روز تمام شود بگوید که هفت مرتبه
بگوید محمد بن رسول الله و چون چهار سال تمام شود هفت مرتبه
بگوید صلی الله علی محمد و آل محمد و چون پنج سال تمام شود دست
راست و چپ از او بپایند چون بگوید رویش بقیه بکنید و
باید که بگوید و چون شش سال تمام شود یکبار و بیست و یکبار
دهید و چون هفت سال تمام شود بگوید دست و رویش
بکین تا بکند و چون نه سال تمام شود وضو نماز بپا دهن
و گاه تقصیر و گاه اهل کند بزنید و چون وضو نماز یاد کرد

والله انشأ امرئ به شود و نیز رویت که طفل و هفت سال بگذارد
بازی کند و هفت سال دیگر قرآن و کتاب و خط یادش دهد
و هفت سال دیگر ملازم خود گردانید که ادب و اخلاق یادش
و شریع دین از حلال و حرام تعلیمش کند بعد از آن اگر آثار
صلاح و رعیت بدین و ایمان و دیبا بیدارد و در پیش پادشاه
و کوفه دست او ببرد و در فصل یازدهم در حقوق و
بریکان که رویت از اهل بیت ظاهرین علیهم السلام حق زنج بر زنج
اینست که خدمت و اطاعتش کند و خلایق امر و مضایقش کند
و از خانه او بی اذن تصدق نکند و یکی چیزی ندهد و اگر دهد
کندارش از و نهانش از شوهر باشد و بی طعنه و خطا عالی او
کند و اگر زن و خانه شوهر برای خود و محبت خانه چیزی را
از جای بجای دیگر گذارد خدا تعالی بر او نظر هست که هر کس
خدا بر او نظر هست نکند بعد از آن هر که خدا بر او نظر است و از جمله
حقوق باینکه خدا از ذیقت خلق ندارد و هر چه بدو رسد
دست بلبی خانه گذارد و اگر چه چون بالیدن خانه برونست با
و بی اذن شوهر از خانه بدد و زود و اگر رود ملاک آسمان و زمین
و ملائکه هست و غضب بر او لغت کنند تا وقتی که بر او جسد

زنی خدمت حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم فرستاده شهرم
بفرستاده و مرا کف از خانه بیرون زدم تا او بیاید و دیدم بپار شده
اگر رخصت قوما می دیدم را حیات کم فرمود در خانه نشین و کما
شهرت کن مرتبه دیگر فرستاده همین جواب فرمود تا آنکه به درخت
شد فرستاده اذن خواست که بخان او حاضر شود فرمود بنشین
الحاح سوهر بن تا آنکه پیش را دفن کردند حضرت صلی الله علیه
و آله وسلم پیش او فرستاده که ضایع الی تعالی ترا و بددت را امر زیاده
آنکه الحاح شهورت کوی و لذت جلد حق و آنکه روز غیر تو
نماید و این شهرت و نکند و قلم خود و یکس چیز می دهد
و تصدیق نکند و بنده از آن نکته اگر چه از اول خود نمی باشد و از جمله
حق و آنکه از ویلذت خارج اگر چه بر کعبه سوار است حضرت
صلی الله علیه و آله وسلم زنی فرمود که او را از جمله مسووفاتی گفت
مسووفات کیاست فرمود زنی که چون شهرت باشد از اجلاوت
بطلب و بجهان و مدامه کند تا شهرت بخوابد و پس ملائکه
بر آن زن است که خداوند حق که شهرت بر پیدا شود و از جمله حق
آنکه اگر شهرت از اول خود باشد می تواند که با عفت و پاکیزگی و از
آنکه اگر شهرت از اول خود بر نگیرد که با عفت و پاکیزگی و از

راضی کند بخوابد هیچ طاعت از او قبول نشود و روزی که شوهر بگوید که من
هرگز از تو خدایت ندارم اما التماس هر باطل شود و روزی که شوهر بگوید که
و از ده کند هیچ حسنه از او قبول نشود و اگر صوم در هر یک روز و همیشه
نماز کند و بپوشد و از او کند و ملأ الله الله خدا صاف دهد
تا آنکه او را از خود راضی کند و اگر شوهر بدین طاعت کند و او را بپوشد
مثل این که با او عذاب بر او ناپسند شود و هر کس بر این طاعت
هر یک مرتبه که صبر کند مثل ثواب صد مرتبه حضرت ابرو علیه السلام را
نویسند و بر آن هر شصت و نه روز مثل یک حج و یک عمر نماز و سوره
و اگر روزی که شوهر بگوید که ای خدا او را تکلیف چند کند و روزی
کند و بر مشقت و تعب و هر چه حسنه از او قبول شود که او را از
آتش نگاه دارد و او را ای که برین حال باشد در غرض خدا علی
و جهادین است که شوهر داری خوب کند و بر آن از او مشقت او
صبر کند و حضرت خضر علی الصلوات علیه و السلام فرمود ای زن آن
کسی که اگر چرا از زینت خود بگذرد و اگر چه نصف رویش را بگذرد و ثواب
شوهر آن کند که اگر شصت و نه روز و پنج باشد چون نماز این سخن
شنیدن هر که بگوید که ای زن آن بختی است که گفت یا رسول الله
صلی الله علیه و آله و السلام ما با آنها در ده من بخ یا سیم و اصرار

ما کما ونبشیم فرمود شما که هر آن حق شوم را آن کنید زنی دیگر گفت ای اول
ما با این مشقت و بیخ و بمل و ضایع و بیالینکه خزان منفق صالح
از ما بوجود آرند بدین معنی بودیم بر حضرت در وقت غم و شوا
با این گفتند که شوهر را از این غایتیه و غار گذارند یکی از شما بدین
نمود و این معنی از آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم پرسید که
که بچه عظیم است فرمود حق بدید پرسید بر زن فرمود حق نوب
و اگر غیر خدا را بجهه کردن جایزه بود امر میکردم که زنان
شوهر را بجهه کنند پرسید حق زن بر شوهر چیست فرمود از
مدی نیست و زنی خدمت آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم
معروض داشت که شوهر با من بی التفات بود من چیزی ساختم
که او را با من همراهان کنم فرمود لا یکله منوات و ارض بر تو نیست
که ندی این زن رفته روزها رفته میگرفت و میشه عبادت میکرد
و سر خود تراشید و با من پوستید این خبر را آنحضرت رسید
فرمود بچه بگوید حق از خود بر تو نیست که نفقه و کس و ایش
دهد و اگر نفقه را بایشه عینیت بر او تو سعه کنی و او را محتاج
نیست که کار و خود را بر او بپارند که سبب عفتش باشد
چنانکه او را ایش زن داد و دست داد و زن نیز از ایش او را داد

و جعل تقصیر ایشان را عفو کند و اگر ابره را اندک خطا و تقصیر
نکیرد و عتاب نکند و ترغیبانند و ترش و عصبی
نکند و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود بدترین مردان
کسیست که بارتقش سلوک باشد و بدترین مردان کسی که
زن را بپنجاند و بزند و از حقوق آنکه خداوند حرام و آداب
و احکام دین تعلیمش کند و بدیدها حق است و محبت
سر و بقدر عقده و برایش نماید فصل درون زن
بعضی نواد و ناسبها را یا بهر دلیل از اهل بیت طاهر علیهم السلام
که خدا تعالی غیرت را بر ایشان عطا فرمود و از غیرت است که بزرگ
زیاده از دیگر حرام است و زنان را غیرت نباشد بلکه غیرت
ایشان خداست و خدا اصل کفر است و از غیرت است که زنان
مومن برای مقهور و زن دیگر غیرت نکنند و زنان غیر مومن
غیرت کنند و نفی مری و بدست حضرت امام علی علیه السلام زن
خود را بفرقت بسیار کرد فرمود هیچ امتحان که از او گفت و گفت
بر امتحان کن مرد رفت خون دیگر کرد و زن اول همان حال خود
نابت بود و طهری و از او می نکرد و چند است حضرت آمده و حکایت
کرد فرمود حال از است میگوئی و نیز مر و نیست که در کارها با زن

مشور و مکنید و اگر کنید خلاف ایشان کنید که بکت در مخالفت
ایشانست و از بدان ایشان بگریزد و از نیکیان بپرهیزد و باشد
و در غیر اطاعتشان مکنید تا در شر طبع نکند و ایشان را بفرما
و عروسی و غرائی رخصت مدهید و بچون بگذارد که هر وقت
و بچه را خواهند روند که موجب فساد عظیم باشد و مردی که
نه خورد بفرما رخصت دهد سر از بر در روز خوش افکند
باب سیم در آداب سفر و احکام متعلق

بآن و این مجموع افشاء داده در ده فصل بیان شود فصل اول
در بعضی مقدمات سفر و نیست از اهل بیت ظاهرین علیهم السلام
که عاقل را شاید سفر کردن مکروه و مجرای تحصیل زاد و لغت
یا مرتبت شریف یا لذتی که حرام نباشد و نیز مروت که سفر
تا محبت بپاید و حج مکنید تا محقق گردید و نیز مروت که چون
خدا بطلب روزی کسی را در جانی تقدیر کرده باشد حاجتی برای او
در اضطرار یا بیکدیگر بفرستد یا اجازت کند و نیز مروت
که هر کس بی عیارت سفر در یافتن خود را در مروت نکند
و در تحصیل حاجت و در نیاید و فصل دوم
در اختیار ساعت برای سفر و نیست از اهل بیت ظاهرین علیهم السلام

که سفر و سایر مجالس در جمیع شنبه و پنجشنبه مبارک است
 و روز شنبه اگر سنگی از جای خود حرکت کند خدا تعالی آنرا باز
 بجای خود برساند و روز پنجشنبه روز است که خدا تعالی
 رسول و اولاد اوست و ملائکه عالم کمالات را دست دارند
 و حضرت خیر صلی الله علیه و آله و سلم اکثر غزوات در روز ^{پنجشنبه}
 متوجه میشده و ظفر میبافته و روز شنبه خدا تعالی ^{پنجشنبه}
 برای حضرت داود علیه السلام تاجی را میگردانید که در ده ساخت سفر
 درین روز باستانی گذرد و احادیث بسیار آمده که روز چهار ^{شنبه}
 روزی خصلت است و خدا تعالی اکثر ائمه سابقه را درین روز خلق
 کرده و ارکان ائمترا درین روز افریده اما حدیث دیگر روایت
 شده که روز چهار شنبه عید شکایت گردید که نیکوکاران ^{پنجشنبه}
 میدانند فرمود تو خشنی بر کاران و سعدی برای مژمان و روز
 دیگر آمده که کوا از حضرت امام موسی علیه السلام پرسید که در چه روز
 در چهارشنبه غمرو انوم میدانند فرمود که در پنجشنبه غم
 که فالهای بد میزنند و چیزهای اناشوم میزنند و در چهارشنبه
 افراسر کنند از افات و طغیان و بلامت رعایت
 حواصی و حاجت کند و نیز روایت که هر کس روز جمعه پیش از نماز

بسفر و در ملک نما کند که خدا را ایمان گرداند و از حضرت پیر
 علیه السلام هر یکست که فرمود روز دوشنبه برای دشمنان
 از جهه شده و بی دین روز دین برآمدند و من دین روز
 از مکه هجرت کردم و دین روز رحلت خواهم نمود و علی دین روز
 شهید خواهد شد و حسن دین روز بیستم شود و دین روز رحلت
 که روز دین است که بی دین روز عز و سفر که روز رفتن که
 حضرت امام جعفر علیه السلام را وداع کنند فرمود شما از امر روز
 چون امید خیر و برکت دارید کدام روز بپاسد امر و فایده
 که حضرت پیر علیه السلام علیه السلام دین روز از میان مار رفت
 و دین روز و حی از مانع قطع شد و در وایع و یک وقت که بیلا
 دین روز و آن شده و بر وایت دیگر اهل بیت را هیچ مصیبت
 روز ندارد مگر دین روزی امر و دین روزی که سر شنبه است و روز
 که آن در شنبه نرم شد و وصف انسان کنند و هم از حضرت
 علیه السلام هر یکست که فرمود دوشنبه سقوت کند و از بی کاری
 مر وید و شرح غریب روز عاشورا در فصل اعمال ما مجرم گشت
 که گشت روز یکشنبه چنانکه مشهور است و بیضی که گشت علیا
 مظهر است اما حدیثی بنظر رسید و در وایت دیگر آمد

که با روزها دشمنی میکنند تا با شما دشمنی کنند و روایات بسیار
 آمده که تصدق کنید و هر روز خواهید بخیر بود که بعد از هر
 بلاها دفع شود و هر وقت که هر کس قرآن عقرب بخیر دهد و در
 سفر خیزد بخیرد و اگر در تحت الشعاع سفر کند مفروض و
 دشمنان نکند و تحقیق علم نجوم در فصل جزئیات عادات گذشت
 فصل سیم در تحصیل یقین و طایفه اسباب و بعضی
 مناسبات این باب است از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که
 اول تحصیل یقین گشت بعد از آن عزیمت سفر نمایند و نیز هر وقت
 که سر سفره لغو نشد کسی که تنها غرور و کسی که تنها خواند و کسی که
 تنها ایستاد و در حق شیطان انسان را تنها یابد در سفر با
 در جحر اقصی ناید شود و هر وقت که یک تن میان شیطان است
 و یک تن دو شیطان و سر کس صاحب حق و چهار کس رفیقند
 و نیز هر طایفه که بدترین رفقا چهار است و نیز هر طایفه که
 جمیع زیاده از نصف نباشند که اگر کمال تحصیل و محققان
 میانشان بسیار باشد و اگر کس در سفر مضطرب بقیه ای شود
 بگوید یا ایها الله لا حول ولا قوة الا بالله اللهم ارحمنا
 و عافنا و اجمعنا فی علی و حدی و اذ علی بنی و اهل البیت

طاهرین

سفر که آنکس تحقیق و تربیت مقدس با خود یاد بر میان رختها
و آستیده باشد تا از ذر و اوقات محفوظ باشد چنانکه در حاش
سابقه گذشت و سالیح و مسوالت و آینه و شان و سر و سر
با خود بداند و نیز هر وقت که از جمله شرف مراد نیست که بر لبی
سفر شود و از وقت خوب تهیه کند و حضرت به امام زین العابدین
علیه السلام در کبابیج ظهر میفرستد کند و صلوات و امثال اینها
بر میداشت و حضرت صادق علیه السلام فرمود از جمله وصیت این
باب بر این بود که چون سفر روی شمشیر و موزه و حمامه و خمر
و خلیج آب و سوزن و دیسان و ادویه یا آنچه ترا در فقیان را
در کار باشد و یا رفقا و کبابها موافقت کنی نکرد و معصیت
و نیز هر وقت که هر کس در سفر هست یا امام تلخ با خود دارد زمین
برایش می شود و اگر در وقت بیرون رفتن عصای یاد ام بگیرد
و این آیه از سوره قصص بخواند و لما توجه تلقاء مدين ما
واظلمنا بكم لئلا یفرحوا وکیل از هر سببی درند و حیوانی کردند و
در روی برنده این باشد تا آنکه بخواهد از حاجت کند و غنا و
حاجت ناوقت حاجت با او باشند و برایش استغفار کنند
و عصا در دست داشتن نفوذ کند و شیطان و اود و کرد اند

وهرس باعانت مومن ماسوی که در حاجتی از حاج خدا تعالی
هفتاد و سه مرتبه از او بردارد و از غموم و هموم دنیا و آخرت بجا
دهد و گویند وقت قیامت از او برگیرد که هر کس حال خود در ساله
یا کشت حسرت بدندان ندامت کند و روایت دیگر آمده که بخواند
چهار و سه مرتبه در دنیا و هفتاد و سه مرتبه در آخرت از او برگیرد و راست
که هر مومن سفر کند یا نه اسب که در میان راه بماند و بپوشد
کنند بدین آیت فصل چهارم در افتاح سفر و عبادت
مرویت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که میفرماید بگوید
اللهم خلّ سبيلنا و احسن مسيرنا و اعظم عافيتنا و اجعل
که مسافر و حج جانشینی برای اهل خود نگذارد و بهتر از آنکه در وقت
پروین زخم دور هست نماز کند بعد از آن بگوید اللهم اني استودع
اليوم ديني و نفس و مالي و اهلي و اولادي و خير لي و اهل
خزائي الشاهد و الشاهد و الغائب و جميع ما اوتيت علي
اللهم احصلنا في كنفك و متعك و عافنا و لا تزل
و عز جارك و جعل لنا ولك و امتنع عاينك و لا يزل
غيرك و صك على الحي الذي لا يموت و الحمد لله
الذي لم يخلف و لم يزل و لم يكن له شريك في الملك

و الحمد لله الذي لم يخلف و لم يزل و لم يكن له شريك في الملك

كُلُّ صُغُوْبَةٍ وَالْخَطِيئَةِ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهَا أَكْثَرُ مِنْ أَرْجُو وَأَصْرِفْ
 عَنْكَ مِنَ الشَّرِّ أَكْثَرُ مِنْ أَسْتَوْفِي عَاقِبَتُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
 وکبریا حضرت امام علی (ع) علیه السلام عرض نمود که از حضرت
 صادق علیه السلام در هر ماه چند روز غرض روایت نموده و بسیار باشد
 که در آن ایام حاجت یا سستی ضرور شود و چون شیعیان با او
 اعتماد و وثوق بر خدا کنند و از روی اخلاص و یقین محاسن را
 بگویند عاصی و نافرمانی را که در دنیاها و مروج بر طوفان و صحرایان
 اشام و در میان سیاح و اعدای التوحیدان روند که خدا تعالی
 ایشان را محاطت نماید و هیچ ضرر یا آفتان نرسد و شام سه
 روز بگوید **أَسْجُدُ لِلَّهِ مَعْقُودًا** انا خرجنا نكده و لوداد
 صبح و شام کند نیت از هر خوف و محذور و در حصص حسین (ع)
 و اگر در یکی از روزهای غرض غم سفر کنی و فی کمالی روانه شو
 الحمد لله احد و صغورین و آت الکریم و لا اله الا الله و این
 پنج آیه از سوره العنقران ان فی خلق السموات و الارض انما انما
 لا تخلف الميعاد و این دعا بقول اللهم يا خير بصولي
 الضائل و يقدر تات لي طول الضائل و لا حول لي
 و حولي الا بك و لا قوة الا بك يا بصير من خلقك

در هر روز و در هر وقت
 و در هر حال
 و در هر مکان
 و در هر حال
 و در هر حال
 و در هر حال

وغيرك من برئتك بخير نبيك وعقيدته وسلامته
اللهم صل عليه وعليهم وألفني شرف هذا اليوم وصبره
وإزديني صبره واقض الحرج مني منصرفا في عين العافية
وبلوع العصب والظفر بالأمسية وكفاية الظافية
الغوية وكل ذي قدر على أركية حتى أكون في بقية
وعظم من كل بلاد ونقمة وأجمل من الخاوية في
أما ومن العوالي غير شمس حتى لا يحصل لي صلاح عن
المراة ولا يحصل لي طارئ من أذى العباد إليك على كل
شيء قد ير ولا تستدركك نصير يا من ليس كسند حتى
وهو السبع البصر والضمير وقت بر من رغن هر چه بقدر
شود تصدق كند وكوبه اللهم إني أشتريت سدا لفتي في هذا
بهذا الكائنات لمن كره وحضرت جواد علي السلام حين سبغ
من كدای مبارک در کتاب میگذاشت تصدق میکرد
و چون بنامت هیچ می نمود بشارت آن تصدق دیگر میفرمود
و اگر سبغ می نمود چون از خانه بیرون آمد بگوید لا اله الا الله
والله أكبر الحمد لله الذي لا اله الا الله العلي العظيم سبحانه
رب السموات السبع ورب الارضين السبع وما فتن

نعم

سفره

وَمَا يَسْمَعُونَ وَبِذَلِكَ اللَّهُمَّ الْعَظِيمُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَكَّلَ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ اللَّهُمَّ لَنْ يَجَارَ مِنْ كُلِّ جَبَّارٍ عَصِيٍّ وَ
مِنْ كُلِّ مُنْطَلِقٍ مَرِيدٍ بِسَمِ اللَّهِ تَعَالَى وَلَسِعَ اللَّهُ حَرْجَتِ
اللَّهُمَّ لَوْ أَنَّ قَدْرَ بَيْنَ يَدَيْكَ نِيفَافٍ وَبَعْدَكَ نِيفَافٍ بِسَمِ اللَّهِ
وَمَا يَجَاءُ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ فِي سَفَرِي هَذَا كَرِهْتُ
أَوْ كَيْفَ تَعْلَمُ اللَّهُ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ عَلَى أُمُورِكُمْ أَوْ
الطَّاهِرِينَ فِي الشَّرِّ وَلَكِنْ لِنَقَرُ فِي أَهْلِ اللَّهِ مَمْنُونٍ
عَلَيْنَا سَفَرًا وَأَطْوَلَنَا الْأَرْضَ وَسَيَّرَنَا بِطَاعَتِكَ وَ
طَاعَةِ رَسُولِكَ اللَّهُمَّ كَسَلْنَا نَفْسًا وَتَوَارَكْنَا نَفْسًا
رَقَسْنَا وَقَفَّاعًا يَا اللَّهُمَّ إِلَى أَعْوَدِكَ مِنْ وَهْدِ
الشَّرِّ وَمَا بِي مِنَ التَّقْلِيلِ وَسَوْفَ لَنُظْفِرَ فِي أَمْرِ جَلَالِ
وَلَوْلَا اللَّهُمَّ أَنْتَ حَصْدِي وَفَاصِي اللَّهِمَّ اقْطَعْ عَنِّي
بُعْدَهُ وَمَسْقَهُ وَأَصْحَبِي هَيْدٍ وَأَخْلَفِي كَيْدٍ
يَعْنِي لَأَحُولَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي وَهَذَا
عَمَلًا لَكَ وَجُحًا لَكَ وَالشَّرُّ إِلَيْكَ وَمَعْلَمُكَ عَلَى
مَا لَمْ يَطْلُعْ عَلَيْهِ أَحَدٌ غَيْرَكَ فَاصْبِرْ سَفَرِي هَذَا
فَهَادِي لِمَا قَبْلَهُ مِنْ دُونِي وَكُنْ عَوَاظِي عَلَيَّ وَكَهْنِي

وَعَنْهُ وَمَشَقَّةُ وَلَقِيْنِي مِنَ الْقَوْلِ وَالْعَمَلِ بِرِضَاكَ
فَأَيُّمَا أَفَاعَيْدَكَ وَبَلَدَكَ وَكَانَ فَصَلِّ بِحَسْبِ دَعْوَاكَ
وَمَعَارِفَتِ مَوْلِيَّتِ أَهْلِ بَيْتِ طَاهِرِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ
مَسَافِرُ أَوْدَاعِ كُنْدُ كُونِدِ رُودِ كُفْرِ اللَّهِ التَّقْوَى وَوَدَّ
إِلَى كُلِّ خَيْرٍ وَتَقَى الْكُلَّ خَاسِرٍ وَسَلَّمْ بِدِينِكُمْ وَدُنْيَاكُمْ
وَكُلِّكُمْ سَالِمِينَ إِلَى سَائِلِينَ وَإِنْ رَغِبْتُمْ بِكُونِدِ عَمَلِكُمْ
لَكَ التَّحَابُّ وَتَحَمُّلُكَ لَكَ الْمَعُونَةُ وَسَهْلُكَ لَكَ الْخُرُوجُ
وَقَرَبُكَ لَكَ الْبَعِيدُ وَكَفَالَةُ الْفَقِيرِ وَحِفْظُكَ لَكَ دِينَكَ
وَأَمَانَتَكَ وَخَوَاتِيمَ عَمَلِكَ وَدَبْحَتَكَ لِكُلِّ خَيْرٍ عَلَيْكَ
يَتَّقَى اللَّهُ أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ نَفْسَكَ يَوْمَ عَلَى بَرَكَةِ اللَّهِ
عَزَّ وَجَلَّ وَجِدْ مَسَافِرُ وَأَنْتَ شَوْلُ رَحْمَتِي أَيْدِ الْكَرِيمِ
بِحِرَاتِهِ وَأَذَانِ وَأَقَامَتِ بِكُونِدِ بَعْدَانِ بِكُونِدِ اللَّهُمَّ
بِهِ فِي تَنْبِيهِ كُلِّ عَصِيٍّ فَإِنْ تَبَيَّنَ الْعَصِي
عَلَيْكَ بِكَ أَسْأَلُكَ الْيُسْرَةَ وَالْعَاقِبَةَ وَالْمُعَافَاةَ
الَّذِي أَمَّا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَجِدْ مَسَافِرُ أَهْلَانِ بَعْدَ
شَوْلِ بِكُونِدِ اللَّهُمَّ أَعِزَّنِي عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
وَصَبِّحَاتِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَكَفَّنِي شَرَّ مَا يَحْتَمِلُ

الظالمون في الآفاق فصل شعر در آداب سوار شدن و راه
رفتن مرویت از اصل بیت طاهر بن علی هم چون باد رکاب گذار
بکوی بسم الله الرحمن الرحيم بالله والله أكبر و
سایر آداب سوار شدن در فصل خود گذشت و چون سوار
شود بر پشت مرکب قرار گیرد بگوید بسم الله ولا قوة الا
بالله الحمد لله الذي هدانا لهذا الا كنا لنهتدي لولا
رحمة الله عليه و الله سبحانه الذي سخر لنا هذا
وما كنا له مقرين و انا الى ربنا المنقلبون و الحمد لله
رب العالمين اللهم انت الحامل على الظهور المستعان
على الامر اللهم بلغنا بالاعمال نيلك الى الخير بلا عا
صمناهم الى رحمتك و رضوانك و مغفرتك اللهم
لا تخير الا طيرك و لا خير الا خيرك و لا حافظ
غيرك و چون مرکب روانه شود بگوید خرجه
و قوته بعد جود مني و قوه و لكن يحول الله امره
اليك يا رب من الجود و القوه اللهم اني اسئلك
بركة سفری هذا و بركة أهلي اللهم اني اسئلك من
ضلك الواسع رزقا حلالا طيبا تسوده النى و انما اعطى

فِي عَافِيَةٍ يُؤْتِيكَ وَتُعْطِيكَ اللَّهُمَّ إِنِّي سَأَلْتُ فِي سَعَرِي
هَذَا الْبَلَاءَ يُقَيِّرُ وَرَبِّهِ لَسَوْدَ مَا زِلْتُ فِي ذَلِكَ تُكَرِّكُ
وَعَافِيَتَكَ وَتُؤْتِيَنِي لِعَافِيَتِكَ وَعِزَّكَ حَتَّى تَرْضَى
وَتُعْطِيَ الرِّضَا وَجِدْتَ أَرْسَلَهُ بِكَ يَسُودُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
بِنَبِيِّ وَنَبِيِّ وَمَالِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَعَافِيَةِ عَمَلِي
فَاخْفِظْنِي مِنْ كُلِّ آفَةٍ وَعَافِيَةٍ وَأَعِصْنِي مِنْ كُلِّ زَلِيلٍ وَ
خَطَافٍ يَا سَمِيعُ يَا قَرِيبُ يَا حَفِظَ أَحَبِّ دُعَائِي يَا كَرِيمُ يَا
كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ اللَّهُمَّ اكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي وَ
وَمَا أَهَمَّ لِي وَمَا أَتَتْ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي اللَّهُمَّ زَوِّدْنِي الْقُوَّةَ
وَأَعِظْنِي الْوَحْيَ وَنِيْلَ بَكْرِي بِسْمِ اللَّهِ مُحَمَّدٍ وَ
يَا ذِيهِ حُجَّتٍ وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ أَخْرَجَ خُرُوجِي وَقَدْ
أَخْضَى لِعَمَلِي فِي تَغْرِي رَجَبِي وَكَلَّتْ عَلَى إِلَهِ
الْعَالَمِينَ كُلِّ مَفْقُوحٍ مِنَ السَّيْرِ أَمْرُهُ مُسْتَعِدٌّ بِهِ عَلَى شُؤْنِهِ
مُسْتَعِدٌّ بِهِ مَسْئَلُهُ مُبْتَغَى لَهُ مِنْ كُلِّ قُوَّةٍ الْإِلَهِي
خُرُوجَ خُرُوجِي بِصُورَةِ الْإِيمَانِ بِكَيْفِهِ وَخُرُوجَ قَدَرِهِ
خُرُوجَ بَقَرِهِ الْإِيمَانِ بِسُكْنِهِ وَخُرُوجَ فَائِلِهِ خُرُوجَ بَقِيَّتِهِ
إِلَى أَمْنٍ يُقَيِّمُهُ خُرُوجَ مِنْ زَيْلِهِ أَكْبَرُ نَفْسِهِ وَأَعْلَى

بِسْمِ اللَّهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
وَعِزَّتِهِ وَتَعَالَى
عَنْ كُلِّ ذَلِيلٍ وَخَطَافٍ
وَأَعِظْنِي الْوَحْيَ وَنِيْلَ
بَكْرِي بِسْمِ اللَّهِ مُحَمَّدٍ

رَبَّانِي وَأَفْضَلُ أَمْنِيَّتِي إِلَهُ نَفْسِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي كُلِّهَا
يَهْدِيهَا لِي بِجَمِيعِ اسْتَعِينٍ وَلَا شَيْءَ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ فِي عَمَلِي
أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْخَيْرِ وَالْمَدْحَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَالسَّيِّئَ
الْمَصِيرَ وَيَرْبِكُوكَ اللَّهُمَّ إِنِّي حَرِيتُ فِي وَجْهِ هَذَا بِالْإِغْوَاءِ
مَنْ يَغِيْرُكَ وَلَا رَجَاءَ إِلَّا بِكَ وَالْإِلَهَ إِلَّا إِلَهُكَ وَلَا تَقْرَ
أَكْبَلَ عَلَيْهَا وَلَا حِيلَ إِلَّا بِكَ إِلَهُمَا أَسْأَلُكَ رِضَاكَ
وَأَبْغَاءَ رَحْمَتِكَ وَتَعَزُّرَ مَا لِي بِرِزْقِكَ وَسُكُونًا لِي إِلَى
عَالَمِكَ وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِمَا سَبَقَ لِي فِي عَمَلِكَ فِي وَجْهِ هَذَا
مِنَ الْحَبِّ وَالْكُرْهِ اللَّهُمَّ فَاصْرِفْ عَنِّي مَقَادِيرَ كُلِّ بَلَاءٍ
وَمَقْصُوفِ كُلِّ أَلَامٍ وَأَنْصِبْ عَلَيَّ كُنْفًا مِنْ رَحْمَتِكَ وَ
لَطْفًا مِنْ مَقُولِكَ وَخِرْزًا مِنْ حِفْظِكَ وَسَعَةً مِنْ رِزْقِكَ
وَمَا مِنْ نِعْمَتِكَ وَجَمَاعًا مِنْ مَغَافَلَتِكَ وَوَقْفًا لِي بِغَيْرِ
يَا رَبِّي جَمِيعَ فُضَائِلِكَ عَلَى مَوَاقِفِهِ هَوَايَ وَخَوَافِي
وَأَذْيَعِي مَا أَحْدَرُوا مَا لَا تَحْدُرُ عَلَى الْقَبْرِ لِي وَمَا لَمْ
يَمْنَأْكَ أَعْلَمُ بِمَنْ يَاجِدُ ذَلِكَ خَيْرَ الْخَيْرِ وَوَعْدًا
بِمَا أَسْأَلُكَ أَنِّي خَلَقْتُ فِيمَنْ خَلَقْتُ وَرَأَيْتُ مِثْرَ
خَلْقِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَخَوَانِي وَجَمِيعَ خَرَائِشِي بِأَفْضَلِ

مَا تَلَقَّيْتُمْ بِهِ غَاثِيًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَحْصِينِ كُلِّ عَوْدَةٍ
 خَطَّ كُلِّ نَفْسَةٍ وَدَفَاعِ كُلِّ مَسِيئَةٍ وَكَفَايَةٍ كُلِّ عَجْدَةٍ
 وَصَرِّ كُلِّ مَكْرُوفٍ وَكُلِّ مَا اجْتَمَعَ فِي يَدِ الرِّضَاءِ وَالشُّرُوفِ
 فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ثُمَّ ارْتَفَعُوا بِشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ وَمُطَاعَتِكَ
 وَعِبَادَتِكَ حَتَّى رَضِيَ وَلَعَدَ الرِّضَاءُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوِدُّكَ
 الْيَوْمَ دِينِي وَنَفْسِي وَمَالِي وَأَهْلِي وَوَلَدِي وَذُرِّيَّتِي
 وَبَيْتِي وَبَنِيَّ اللَّهُمَّ احْفَظْ الشَّاهِدَ مِنَّا وَالْعَائِلَةَ
 عَنَّا اللَّهُمَّ احْفَظْنَا وَاحْظُمَا مَقْنَا اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا
 فِي جَوْزِكَ وَلَا تَكِلْنَا وَلَا تُغَيِّرْ مَا بَيْنَا مِنْ نَفْسَةٍ
 وَعَاقِبَةٍ وَفَضْلٍ وَمِنْ جُودِ اللَّهِ اسْعِدْنَا بِهَيْدِهِ
 الْمُرَكَّةَ وَأَمْدُدْنَا بِالْمِنْ وَالْبَرَكَةِ وَقِنَا سُوءَ الْقَدَرِ
 وَأَكْثِرْ لَنَا مِنَ الشُّكْرِ وَوَرِّثْ لَنَا الْيَعْدَ وَالْمَقِيَّةَ
 اللَّهُمَّ إِنَّا الشَّرَّ وَالشَّرَّيَّ وَوَقْنَا لَطْفَ الْمُرَاحِلِ
 وَبَيْنَنَا وَالْأَزَلِ وَاحْفَظْ حَقْلَيْنَا وَاجْمَعْ بَيْنَنَا
 وَبَيْنَهُمْ يَا كَرِيمُ أَمَّا لَنَا وَأَمَّا بَيْنَنَا سَائِلِينَ غُلَامَيْنِ
 يَا شَهِيدَ الْيَمِينِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَجْهَ بَرِيَّةٍ
 رَسَدَ هَتِّ عَدَدِ سِتِّ رِزْقٍ بَرْدًا وَبَرْدًا وَبَرْدًا

خَيْرٌ وَنَامَ كُلٌّ

قُلْ مَنْ يَكْلُو كَذِبًا لَيْلٍ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَنِ بَلْ لَمْ يَكُنْ ذِكْرُ
رَبِّهِمْ حُجْرًا وَنُورًا وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ يَتَوَكَّلُ وَيُخَوِّدُ نَحْوَهُ وَارْتَدَّ
أَقَابَتُهُ مَحْفُوظٌ كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو
بِكُو كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو
مِنْ ذَلِكُمْ وَبِهِ يَكْبُرُ كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو
بِكُو كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو
الْكَرِيمُ وَالْحَكِيمُ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَكَ الشُّكْرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
هَرَجِدْ رَهْبَتِ سِرِّهِمْ كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو
وَهَرَجِدْ رَهْبَتِ رُوحَانِ كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو
رَسَدُ كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو
وَكَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو
عَلَيْكَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ كُلِّ أَسَدٍ وَأَسْوَدٍ وَحَيْثُ
وَعَقْرُ رَبِّ مِنْ مَلَكٍ أَلْبَسَ كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو كَرْدُو
أَفْعِدْ دِينَ اللَّهِ يَتَعَوَّنَ وَكَلَامُكَ مَنْ فِي الْمَلَكَاتِ وَالْأَرْوَاحِ
كَلَامًا وَكَرْهًا وَالْمَرْءُ يَصِفُ الْحَمْدَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ
بَلَاءٌ عَلَيْنَا اللَّهُمَّ مَا بَيْنَنَا فِي الشُّعْرِ وَالْحَمْدِ عَلَيْنَا
كَرَامَةُ الْحَمْدِ وَالْحَمْدُ الْإِبْرَاهِيمُ بَعْدَ أَنْ سَوَى الْحَمْدِ الْكَرَامَةَ

بخواند از تسبیح و همام و حیات و عقاید این شود و اینها از
 حضرت صادق علیه السلام مرویست که اگر در صحرای این یا آن خوف
 داشت تا شش دست راست برفیق سر بگذارد و با او از بلندای
 این بخواند **اَنتَ یَیُّزِیْنِ اَللهُمَّ اَلِیْهِ رِجْعُونَ** و اگر از خول و جن و
 پریس و با او از بلندای آن بگوید و اینه اگر کسی بخواند و بعضی علی ادب
 کسی خود ذکر کرده اند که اگر کسی در محلی خوفناک باشد یا در
 واقع شود چهار سنک ریزه بردارد یکی را بجانب راست
 و دوم را بجانب چپ و سوم را از بالای سر و چهارم را از پایش
 اندازد و هر مرتبه بگوید **وَقُلْ اَلْحَقُّ وَكُلُّ الْمَلٰٓئِكِ بِسَلٰتٍ**
 از آن و در طریقات باب و آن لشکر شکست یابد انشاء الله
 و اینهمه و اگر در راهی خوفناک باشد پنج سنک ریزه بردارد و این
 طریق اول را بردارد بگوید **اَللهُمَّ دِیْمِ جِبْرِیْلَ مِیْمِ وِیْ حَیَّامِ**
 و اینهمه و یا خود نگاه دارد انشاء الله امن شود و جز
 در تسبیح و حمد و ثناء و تعویذ نکند و اگر را کم کند
 بگوید **یا صَاحِبَ اَبَا صَالِحٍ اَرْسَدْنَا اِلَی الطَّرِیْقِ بِحَکْمِ اَللهِ**
 و اگر در دیار باشد بگوید یا حمزه مرویست که صالح بر صحرای حمزه
 بر دریاها بود گشت و اگر خواهد بگوید **بِسْمِ اَللهِ ذِی الشَّأْنِ**

برکت سرور

عظیم اینها شد بدین سلطان کل یوم مونی شایست
 ما شاء الله کان و عالم یثلم یکن ولا یکن ولا قوه
 الا باذن و اگر کسی پیاده باشد اما از قیام بجوانه از مادی که
 این شود و هر فرصت که در آنجا جمعیت برید که اگر کسی بدین
 از رفیق افتد و جدا شود که از نظر غایب شود اعانت کشتن او
 کرده باشد و در غرض شریک بود و احادیث بسیار آمده که در اول
 اول شب را برای استراحت آفرید خود چهار پیمان در اول
 استراحت کنید و آخر شب راه روید که راه در آخر شب بود
 و آداب و حقوق و آداب در فصل خود گذشت فصل هفتم
 در آداب خلق بمنزل رویت از اهل بیت ظاهر بن علیهم السلام
 که چون منزل نمایان شود بگویند اللهم انی اشدک خیرها
 و اقود بک من خیرها اللهم جیبنی الی اهلها و حبیب
 صلی الله علیها و آله و چون بمنزل نزدیک شود که
 ربکم التما و مما اظلمت و ربکم الا نورها و ما اظلمت
 و ربکم التما و مما اظلمت و ربکم الا نورها و ما اظلمت
 عرفنا خیر هذه القویه و خیر اهلها من خیر و فی
 فی ما کان فیها من یسر و اعی فی حاجتی یا ابا عبد الله

و بعد از آن شوق در دل نمایان آید
 که میگوید یا ابا عبد الله

اینها را در زیر خطها نوشته اند
 و در بعضی جاها خطها را بریده اند

وَيَا حَبِيبَ الدُّعَاةِ أَذْخِلْنِي مَدْخَلَ صِدِّيقٍ وَأَخْرِجْنِي مَخْرَجَ صِدِّيقٍ
 وَأَجْعَلْ لِي مِنْ كُدُّكَ نَكْطَةً تَصِيرُ لِي كَأَنَّ فِرْدَوْسَ بَكْرِي
 رَبِّ أَنْزِلْنِي مُتَرَدِّدًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ وَأَكْبِرْ لِي
 بِمَا أَقْدَرْتَ بِهِ الظَّالِمِينَ وَهَبْ لِي السَّلَامَةَ وَالْعَافِيَةَ
 فِي كُلِّ وَاقْتٍ وَحِينَ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفِتَنِ مِنْ شَرِّ مَا
 خَلَقَ وَذَرَهُ وَبِرَّكَ خَدَّيْكَ خَيْرَ بَنٍ مِنْكَ رَاوِزِينَ كَرَامَةً
 وَشَرِّ رَاوِزٍ مَعْنَايَ وَبِحَبْلِ كَفِّ اخْتِيَارِكَ تَبَسُّمُ لَكَ فَتَسْتَبْسِمُ
 دُونَكَ فَارْكَدْ أَوْ بَعْدَ ذَلِكَ يَكُونُ رَبِّ أَنْزِلْنِي مُتَرَدِّدًا
 وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ وَابْعَثْ لِي الْوَيْلَ مِنْ خَيْرِ هَذِهِ
 الْبُقْعَةِ وَأَعِزَّنَا مِنْ شَرِّهَا اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْ جَاهِلِي
 وَأَعِزَّنَا مِنْ وَبَاطِلِي وَجَنِّبْنَا إِلَى أَهْلِهَا أَوْ حَبِّبْ لَنَا إِلَى
 أَهْلِهَا الْيَتَامَى حَيْرَاتِ لَنْ خَلَقَ مَعْنَايَ وَشَرِّ رَاوِزٍ مَعْنَايَ
 كَرَامَةً وَبِرَّكَ خَدَّيْكَ خَيْرَ بَنٍ مِنْكَ رَاوِزِينَ كَرَامَةً
 مَعَ اسْمِهِ خَيْرَ لِي لَا يَرْضَى وَلَا فِي السَّمَاءِ وَكَأَنَّ دَرَمَ لَكَ
 حَوْفَ سَبِيلِي مَا شَدَّ يَكُونُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ
 لَا شَرِيكَ لَهُ الْمَلِكُ وَكَهُنَّ الْمَعْدُودِ الْعَبْدُ وَهُوَ عَلَى
 كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ سَبْعَةٍ تَلِدُ

[illegible]

[illegible]

نوایی که همیشه دست احسان تو بر سر ایشان باشد چنان کن که در وقت
 بقدر و وقت و مؤنث بقدر و مؤنث و صبر بقدر و صبر و انانیت
 و کسی که انصاف علیکم سؤال کرد که در سفر ای چو رفیق می شود
 و با ایشان تو شعر و ماحسان بخت یا دیگر کم فرو با چنانچه در محال
 و مضایح با حق بکار ایشان غرضش تو سلوک کند و انچه
 بر نیاید و که در میل تو نو کلمه اشال غیبه و طاعت کن و حمد
 باش یعنی اوضاع و سر انجام شما در میان هم نباشد بلکه همیشه آنکه
 در شغای خود در حضور می باشید و انچه در وقت و وقت و حضور
 و اطعام کنید و نیز در وقت که با آنکه در وقت و وقت و مال از شما
 زیاد باشد عمل طاعت و وفات کنید که موجب مذلت شما
 شود و با آنکه مقدور شما اینانکه شما قدر آور امید دارند و انچه
 کنید فصل در عمر و در رجوع از سفر و ریت از اهل
 طاهرین علیکم که روز در ایام سفر برای خصلت و در حال
 و حاجران یا یا ایما بین اصل الحکم قلی تا کیف
 القلوب و ویدة و واصل الیم فی الحکم و یا یا ایما بین
 طاعیه و بین خلقها یا مقدر جرن کل هنر و ریت
 و یا مستعد کل غریبه یا از رحم الزاجین از چینی و غیره

عَنِ الْخَفِطِ وَالْكَلاَةِ وَالْمَعُونَةِ وَفَرَجَ مَا بَيْنَ مِنَ الضِّيقِ
وَالْحَزَنِ بِالْمَجْعِ بَيْنِي وَبَيْنَ أَهْبَائِي بِالْمَوْكَلَةِ بَيْنَ الْأَحْبَةِ
مَلِكٍ عَلَى الْمُحْتَدِ وَالْمُعْتَدِ وَلَا تَقْعَبْنِي بِأَنْ تَقْطَعَ رُؤْيَايَ
أَهْلِي وَلَا تَقْعَبْ أَهْلِي بِأَنْ تَقْطَعَ رُؤْيَايَ بِكُلِّ مَسْتَكْبَرٍ
أَسْلَمْتُ وَأَذْعَلْتُ فَأَخْبَيْتَنِي وَذَلِكَ مُهْلِكُ الْإِنْسَانِ فَارْتَدَّ
رَيْفَتُكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَرَبِّكَ كَرِهُتَ قَطْعَ رِجْلَيْكَ بَيْنَ
دَرْسِ قَضَائِي حَاجَتُكَ كَرِهْتَ رُؤْيَايَ حَاجَتُكَ كَرِهْتَ رُؤْيَايَ
سَبَّحَ دَاخِلُ جَانِدِ خِيَالِي بِسَبِّكَ تَضَرَّعْتُ وَفَارَقْتُ دَاخِلُ شَوْدِ
جَدْنِ دَاخِلُ شَوْدِ بَكْوِي أَيْتُونْ عَالِدُونْ رَاكِبُونْ الْمَرْجَلُونْ
لَوْ سَأَلْتُ الْمَدُونِ اللَّهَ لَسَأَلْتُكَ عَلَى خَطِّكَ وَطَائِفِي فِي
سَفَرِي وَخَصْمِي اللَّهُ مَا أَجْتَمَعُ لَوْ بَقِيَ هَذِهِ لِمَا رَحِمْتَ
مَنْ مَعُونَةٍ مَقَرُّ مَقَرِّكَ بِكَ وَفَوْقَ مَقَرِّكَ بِكَ يَا الْكَافَّةَ
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَجِئْتُكَ بِالْكَافَّةِ شَوْكِ كَارِي شَوْدِ مَكْرَمَتِ
كَرَامَتِكَ دَاخِلُ جَانِدِ خِيَالِي بِسَبِّكَ تَضَرَّعْتُ وَفَارَقْتُ دَاخِلُ شَوْدِ
بَكْوِي دَرْسِ قَضَائِي حَاجَتُكَ كَرِهْتَ رُؤْيَايَ حَاجَتُكَ كَرِهْتَ رُؤْيَايَ
سَبَّحَ دَاخِلُ جَانِدِ خِيَالِي بِسَبِّكَ تَضَرَّعْتُ وَفَارَقْتُ دَاخِلُ شَوْدِ
بَكْوِي دَرْسِ قَضَائِي حَاجَتُكَ كَرِهْتَ رُؤْيَايَ حَاجَتُكَ كَرِهْتَ رُؤْيَايَ

عذابش کند و چون در مقام ابراهیم در دوزخ است باز گذارد و فراراج
برایش فرستد و چون سقوی صفای و مرقی کند چنانست که هفتاد و
بنده ثوابی نماید و کند و چون وقوف عرفای بجای آورد که گناهانش
از مرتبه شود اگر چه مشایخ و علما قطره ایمان و ستاره ای
باشند و چون از حج برانست کند بطریق حرم حرمه و مسجد نبوی و چون
قدبان کند بطریق طوره و خون حرمه و نبوی و چون از هر نماز سابق
شود از هر نماز احسان باشد شود و چهار ماه بعد از آن گناه بر او نیست
مگر آنکه کبیره کند و علاج و معقر در جوار خدا احسان او باشد
اگر بپزند سیست و دهنه و اگر بپزند از گناه و پاک باشند
اگر دعا کنند احیا باشد کند و اگر شوال کند عطا فرماید و اگر
خوش باشند ابتدا نماید و اگر شفاعت کنند قبول کند و
سیکد و هم که صرف کنند هزار بار هر روز دهد و روایت
که اگر در وقت روشن بپزند امر زیاده شوند و اگر
در شب بپزند بیست و یک بار و اگر در وقت
بپزند از هر نماز احسان پاک باشند هر کس درین راه در وقت
یا بعد از آن بپزند از هر کس بپزند این باشد و نیز هر کس
که در وقت که هفتاد مرتبه بگوید کند خدا ایامی هزار مالک را

کواه کیرد برای قنات او و آن نفاق و اراقتی و چون بجرم رسد
و فرامد غسل کند و کفش را در دست گرفته از روی تواضع پا
بر خیزد و غسل جرم شود خدا تعالی صد هزار حسنه برایش فرستد
صد هزار سیئه بکشد و صد هزار عجز بپنداند و صد هزار رقتش
را بر او بچرخد و این را مکتوبه با خشوع و تسلیم کند و هفتاد بار
چون داخل مسجد الحرام شود و نظری بر کعبه اندازد و گناهانش را
پا برزد و کفایت مرمانش نماید و چون بی صفای او می کشد
هزار یکبار برایش شفاعت کند و خدا تعالی قبول شفاعت آن
فرماید و نیز عروبت که اهل حج سه مرتبه اند اول آنکه گناه نکوشد
و اینده هایش آید و نه شود دوم آنکه گناهش را بر زمین نهد
سیم آنکه اهل و عالتش از حادث محفوظ بگذرد و این قسم گیت
در مجلس قبول شود و هر کس بیعت حاضر شود و عالتش را بیعت
شود و مؤمن و خواهر محالمت مؤمن و او در دنیا و آخرت
در دنیا و آخرت نصیب است که چون مؤمن و عفت عیال باشد و در دنیا
و امانت که باشد اهل ان و امانت از مؤمنان هر امر زیاده
و کمی آن حضرت مانند حدیثکم بر سید که گناه که عیال تراست
از هر دو که مناسبت حج بجا آید بعد از آن حجتان را بجا باشد

داشتند باشد که کنا هاشم از زبده نشده و چون اهل حج در منازل
 خود بمی نزل کنند منادی ندا کند که اگر بدانید که بچه در گاه
 آمده اید یقین کنید که هر چه درین سفر صرف کرده اید بخدمت
 باید بامقصدت هر کنا هان و نیز عروست که یکدوم در حج
 افضل است از دوفرا هزار دریم و بخیران از وجوه بزرگوار
 حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم برسید که مال بسیار دام
 علی بنیرم ای یکم که ابرج بام فرمود که اگر که یوقین تمام حلال
 باشد و هر دو را خدا صرف کنی ابرج نیایی و عروست و کنا
 که اگر کسی نیست غرض العی و تفقه خیر طیب و کنا هاشم
 پاس از دو خلق را ازور اعنکند و اگر نیست و خالص و خیر طیب
 حج گذارد او را در حق اعلی در سفره انبیا و شهدا و صالحین
 جای دهند و نیز مصلحت که هر کس چهار حج گذارد از هزار حج
 شوی و غیر دجه ها ای که گذارد با بهترین صورتی داخل قبر
 شود و تبارک و تعالی است نماز کنند و خواب نماز ایشان هرگز باشد
 و یک رکعت نماز بواب است با هزار رکعت نماز آدمی و اگر حج گذارد
 خدا تعالی هرگز لغزش نکند و اگر حج گذارد هر کس نماز نکند و هر
 یکبار حج گذارد و هر یک حج شهری در بهشت برایش بنا کنند و هر شهر

در هر یک از اینها که از کتب معتبره است
 دنیا و آخرت را با این حج بی در

خاندان و غریبای بسیار که در آنها احیاناً باشند در خدمت هر یک
سیصد کتیر است که بحسن و جمال ایشان هیچ چینی ندیده باشد و هر یک
از حج مراجعت کند در خاطر داشته باشد که یا در کعبه یا در مسجد
زیاد شود و اگر در خاطرش باشد که در کوفه یا در اجلاس نزدیک و عدالت
مها که در خدمت امام جعفر علیه السلام از کوفه رسید که بر اثر حال
بیخوابی گفت شغل عیال مانع است فرمود چون تو بیای بگویم که
ایشان باشد بزرگ و ذریعت فراغت کنید و هر سال ایشان را حج
پادشاه و رعیت که هر کس مستطیع باشد و هر سال یک مرتبه حج کند
مهر و مهر باشد و هر کس بسبب حاجتی از حواجج دنیا ترک کند اصل
از مناسک فارغ شوند و هنوز حاجت او بر نیامده باشد و هر کس
از حج باز نماند که بسبب کساهی که کرده و هر کس بجهت اسلام نکرده
پیشتر مدتی عظیم یا مری یا مانعی از سالین عبیر و یهودی یا
نصرانی محسوس شود و در رعیت که اگر کسی هیچ مانع کسای
از اقامت این نبود با عقوبتی که در آخرت برایشان عیب شود و کسی
جعفر علیه السلام گفت مری یا من مشوره حج نمودم و کفتم تو بر نشانی
بر تو دشوار است و مانع شدم فمود مشقه یک سال جاری باشی کیان
جاری کشیدم اما آداب و ادعیه مناسک حج چون طریقی عظیم

از این حضرت

ذکر آن درین مختصر مناسب بود لهذا از کتابی بنویسم فصل در ذکر
زیارت حضرت پیر علی علیه السلام و آنکه در سوره ایست که فرموده که
مرا زیارت کند روز قیامت در جوار من باشد و غایت من اوقات
شود و هر که استغاثت من واجب غوثیست واجب شود و هر که
در کمیندیند بیدار صاحب این باشد و هر که بر ایستاد زوفا
زیارت کند چنانست که با من محبت کرده باشد و اگر استطاعت داشت
طاعت باشد سلام من فرستد که من میرسد و من انحضرت
علیه الصلوٰۃ والسلام حضرت امام حسین علیه السلام فرمود ای ای
هر که مرا زیارت کند در ایام ابدت زیارت کند بر من کارم باشد
که روز قیامت او را زیارت کنم و از کناه پاکش کردم و بهشت او را
واجب شود و در روایت دیگر فرموده و او را از احوال و شداید
قیامت خلاص کنم و در حدیثی خود ذکر فرماید و نیز در روایت دیگر
انحضرت زیارت کند چنانست که خدا داد در عرش زیارت کرده باشد
و در حدیثی دیگر زیارت سایر اهل بیت صلوات الله
علیهم از ایشان علیهم السلام روایت کرده ام ای ای که در اولیا و شایسته
خود عهدی ثابست و آنچه تمام و فایان عهد زیارت عبور
اینان است پس هر که زیارت ایشان کند ایشان شفیع او باشند

و هر کس یکی از ایشان را زیارت کند چنانست که رسول الله اصل او علی السلام
 زیارت کرده باشد و نیز هر کس یکی از ایشان را زیارت کند
 و در رکعت در آن روز صد کبار و بیست و یکبار و نه مرتبه شود و حضرت
 حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه بر او علی الهما الطاهرین
 فرمود یا علی قبر تو را و کلاه تو را بیست و یک مرتبه بپوشان
 از صفای خود و ای ایشان مایل گردد که در محبت ایشان تجاوز کنند
 کنند و قبر ایشان را تمیز نمایند و زیارت ایشان کنند یا علی السلام
 اهل شفاعت و اهل جوارحند و ایشان همگی کمان مستند
 در محبت یا علی هر کس قبر خود را که زیارت کند در بنای بیت
 المقدس انعامت سلیمان علیه السلام کرده باشد هر کس زیارت
 قبر شما کند و بر او است عافیت حاج عبد از حجة الاسلام و اکرام
 پاک شود مثل آنکه از مادر متولد شد و غیر محبت بر او اولیا
 و محبان شامه میاست که هیچ چیزی ندیده و هیچ کس نباشد
 و هیچ خطری ترسیده و از حضرت ظاهر علیه السلام که در محبت
 که هر کس سه روز بر پیام و بر من سلام کند در ایام حیره تا بعد از
 وفات بیست و نه روز واجب شود فصل چهارم در زیارت
 حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه بر او علی الهما الطاهرین

خداوند

علیه السلام که هر مومنی که زیارت آنحضرت کند خدا بخالد برایش اجر صد سال
شهریان نویسد و گناهان گذشته بخاندان او را بپسرد و در روز قیامت
محشور شود و صاحبش المیزان کرد و در وقت ربان ملائکه استقبالی
کنند و در وقت مراجعت مشایختی کنند تا بخانه او رسانند و اگر
چار شود هیأتش کنند و اگر عیور و تشییع بخانه او نمایند و اگر
استغفار کند که آنحضرت امام جعفر علیه السلام گفت از کوفه
خبر دمت تو آمدیم و زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام نکردم فرمود که اگر
اگر نه اولیای مای روی نگاه بر تو نمی کردم و زیارت غیبی کنی
که خدا و انبیاء و اولاد که در میان زیارتش میکنند و بعضی است
که چون کسی بخانه زیارت آنحضرت رود و هر کس که بگوید یا حسین یا
نویسند و اگر بپاوه مراجعت کند هر کس که دو سجده و یا تضرع نویسد
و زیارت دیگر آمد و هر کس زیارت آنحضرت را در هر کس که بگوید
یا حسین یا علی یا محمد یا محمد و خدا تعالی بایشان بفرماید یا که
در زیارت آنحضرت چهار کوفه خواهد خواند و بپاوه و فصل خیمه
علیه السلام که هر کس زیارت آنحضرت کند و آخر امام مضاف الطافه
و آنکه در این امر نیست که گناهان گذشته و آید از او آفریند شود

و زیادت اخضریت قریب است به رسول و حضرت صادق علیه السلام
از کسی پرسید که چند حج کرده گفت هفت و فرمود اگر هفت تمام مبارکی
بلك زیادت حضرت امام حسن علیه السلام کرده بودی و دعا هست دیگر
که زیادت اخضریت برابر است با سیست حج و عمره و دعایت دیگر
برابر است با سیست و پنج حج و نیز روایت که حضرت صادق علیه السلام
فرمود زیادت اخضریت مثل حج و عمره است فرمود و چون عمره کنیم صد
فرسخه می شود و آن عمره که هر روز فرمود پیشتر بعد از آن فرمود نهفت
خدا را هر چند بشماري تمام نشود و نیز روایت که زیادت اخضریت
برابر است با آنکه هر روز ده بار گوی و خدا را سی بار ازین و بی نام و در
را خدا بی نام فرستی و اما است از هدم و عرق و عرق و عرق
و موجب در آن عمره و زیادت از دست و اما زیادت اخضریت مثل
ایام عمریت و ترک زیادت اخضریت سبب ضمان عمرت است
و حضرت امام علیه السلام فرمود اگر بگویم کسی که ترک زیادت اخضریت کند
سی سال پیش از اجل خود میرد راست گفت یا شمس و گوئی زیادت
اخضریت کرده عیون ایمانی ناقص باشد و اگر به هفت روز در این
از مؤمنان نیست تمام شد و نیز روایت که اگر کسی زیادت اخضریت
روز خدای نام و شهرت و غرض دنیا از گناه پاک شود و می باشد

از کثافت و بیهوشی که بگذارد و بچ و چون برود یکباره فاش شده شود
و شفاعتش برای چاه کسی از گناه کاران مقبول است و هیچ چیزند
روضه از خدا خواهد که آنکه عطا فرماید و بگوید رحم کردین را بخت
کند و ده هزار برابر بهشت عیش دهد و چهار هزار نفرشته و بوی
دیگر عشاء هزار نفرشته با موهای ژولیده و خیار آلود برقیله حضرت
موسا کند و گریه میکند تا از قیامت و چون کسی زیارت رود
مشایختش کنند و اگر بیمار شود هر چه عیادتش نمایند و چون برود
روز نماز گذارد و از قیامت برایش استغفار کند و غیره زیارت
که هر کس زیارت حضرت دهد هزار سال از دست و چپ با او
رفاقت کند و خدا تعالی فراموش و هزار عمر برایش بخشد که با
پیری یا صبی هر جا کرده باشد و ایضا مرویست که چون کسی شمشیر
زیارت حضرت کند اهل آسمان و ملک و امرا شتره دهند و چون از
خانم برین آید خواه سوار و خواه پیاده خدا تعالی چهل هزار هدیه
حضرت مکتبی فرماید که بر وصاله فرستند تا بروضه مقدسه برسد
و چون برود روضه ایستاده بگوید السلام علیات یا وارث آدم
سفوة الله تا آخر بخواند در فصل آداب زیارت انشاء الله سپاید
نعمت آن بجانب قبر عقیص روان شود بیکرام که بگذارد و برود

ثواب آن در یک درخت است و در آن حدیثی است که فرموده است که هر که
 بر قبر مبارک گذاشته بگوید السلام علیک یا ابا عبد الله تا آخر
 چنانکه باید بعد از آن یک ناری زعفران مشغول نماز شود خدا تجلی
 و ملائکه بر او صلاه فرستند تا وقتی که فارغ شود و هر یک وقت نماز
 کرد در آن صفت گذارد و ثواب فراوان و عفو گناه و عفو غرر رقیبه و
 هزار ایستادن در معرکه جهاد یا سحری بر سر عطا فرماید و چون
 از ایام خیر و مملکتی نداشت که ای پندیده من خوشتر باد که کلاه
 گذاشتن است هر آنکه بپوشد و اگر در آن سال ببرد خدا تجلی خود مژده
 فیض روش شود و چون روانه خانه خود شود ملائکه با او رفاقت کند
 و بر او صلوات فرستند تا آنجا که خود رسید پس بر در خانه او مقام نموده
 تسبیح و تحلیل و تقدیس خدا میگرداند باشند تا وقتی که اجازت ببرد
 و ثواب آن هزار ثواب باشد بعد از آن در تحسین و تکمیل و نماز و
 حاضر باشند بعد از آن در قبر او میهم شوند و ذکر و تسبیح و تقدیس
 میگرداند و بعد از آن تا روز قیامت و ثوابش هر برای او باشد و بخیر
 رواست دیگر آمده که نماز فرموده و پیش قبر مقدس آنحضرت بر او است
 باج و ناله بر او است با همه این بود و فضایل زیارت مطلق آنحضرت
 و فضایل زیارت مخصوصه دیاربعلی همان بود که گذشت و حسن شریف

در زیارت حضرت امام رضا علیه السلام که حضرت امام محمد باقر علیه السلام
بر سید که زیارت حضرت امام حسین علیه السلام افضل است یا زیارت
امام رضا علیه السلام فرمود زیارت پدرم افضل است که حضرت امام
سکین را هر کس زیارت کند و زیارت پدرم مخصوص شیعیان و
دوستان ما است و نیز مرویست که هر کس زیارت آنحضرت کند
و معروف به امامت او باشد که همان یکشنبه و آینده اش همراه زیاده
اگر چه بجهت دستبندگی آسمان و قطره باران و برك دستان باشد و
روزی قیامت در باب منبر حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم میری
برای او نصیب کند تا او بگوید که خدای تعالی از حساب خلق فارغ شود
آنحضرت علیه السلام خود فرموده هر کس مراد و غرضم زیارت کند ثواب
صد هزار نهدی و صد هزار صدوقی و صد هزار حج و صد هزار جهاد خدا
او را عطا فرماید و پلها محشور و درجات رفیع طریقت و فی سبیل
و مریدان من شفیع او باشیم و هر کس ما شفیع او باشیم خجاست و باید
اگر چه پیش از کنه این و آن دانسته باشد و هم آنحضرت صلی الله علیه و آله
اگر مسلم فرزند هر کس زیارت کند و قیامت سر وقت او آید ایم
و از اهرال باشد یا پیش از آن که من و منی که نامهای افعال در چوب دست
منبری باشند و وقتی که افعال خلق را بجز آن بخت و وقتی که در آنها

در صراط مستقیم باشد و نیز در هر روز زیارت من برابر است با هزار حج
 و هزار نماز وادی گوید که از حضرت امام محمد باقر علیه السلام از وی
 پرسیدم که چنین حدیثی از پدرت رواست گفتند فرمود بی و ده
 با هزار حج برابر است برای کسی که حق او بشناسد و بداند که امام معتمد
 الطایفه است و نیز بدست که هر کس زیارت آنحضرت کند و یک شب
 بدان روضه بگذرد و چنانست که خدا و ابرویش زیارت کند و نیز آن
 که زائران آنجا ظاهرین صلوات الله علیهم در هشت و پنجاه و بیست و یک
 صحبت ایشان باشند و نیز از حضرت امام رضا و جانش از هر
 بلند تر باشد و هر کس داخل آن روضه شود و در آنجا بماند تا اذان ایستد
 و حضرت محمد سلیمان علیه وآله وسلم و فرزندی ازین در خراسان
 مدفون شود هیچ مومنی او را زیارت نکند مگر آنکه خدا تعالی بدانش
 بر آن امر کند و بیست برای او واجب گرداند و هیچ کس و هیچ
 نکند مگر آنکه کریش و افراج دهد و هیچ کس او را زیارت نکند
 مگر آنکه کلاهش و لباسش و حضرت امام جعفر علیه السلام فرمود
 فرزند کاظم در طوس کشته شود و هر کس او را زیارت کند من در روز
 قیامت بیست و یک بار او را زیارت کنم اگر چه آنجا کسی را نباشد
 بخند که زیارت آن حضرت کند و پیش سر مبارک او بکشد

کذا وده ودفعت حاجت خود اطفاله و بچاری خود و بکر و صبیح و طلوع
رحم نباشد و فصل هفتم در آداب و کیفیت زیارت
اهل بیت عالمین علیهم السلام و غسل کردن و دست گرفتن اللهم
طهر قلبی و طهر قلبین و اشرح لی صدق و افر علی قلبی حقیقه
و علی المساکین و عیالک و ائمتنا و علیک و علی آلک و عترة آلک
ان و قد علمت ان قوه بین التسلیم لا یفرق و لا یفترق
السنه و تبارک و الشهاده و علی جمیع خلفک اللهم ارحمنا
طهورا و شفعا و نور و ائت علیک فی حق و قد روى
على محمد و آلهم و علیهم و علیهم و علیهم و علیهم
و باق و سکنه و ذکر و تسبیح و صلوة و ائمتنا و ائمتنا
در زیارت حضرت امام حسین علیه السلام مستجاب است و در
بند های جامع کثیف و از لذت های دنیوی و دنیاوی و
بیشتر و غیبت زدگان و متبرکتان و چون بر روز و شب و وقت
رسد اولیای طایف اذن جلیسین اللهم ارحمنا و ارحمنا
یا رب من یومیت نبیک و قد امرت الناس ان لا یقولوا
الا ما ذاک قطعت یا لها الذین امنوا لا تتخلوا بیوت
النبیین الا ان یؤذنکم اللهم و انی اعتقد حرمه و حرمت

فِي غَيْبَتِهِ مَا أَغْنَىٰ عَنْهَا فِي مَضَرَّتِهِ وَأَعْلَمَ أَنَّ رَسُولًا وَمِنْ
 خَلْقِكَ أَهْلًا عَزِيدَ رُزُقُونَ فِي حِينٍ بِمَا أَيْتَنَهُمْ
 مِنْ ضَلَالِكَ وَتَسْبِيحُكَ يَا أَلَدِينَ أَنْ يَكُونَ عَوَارِثُ مِنْ خَلْقِهِمْ
 أَكْثَرُ مِنْهُمْ وَلَا تَكُنْ بِعَرُوفِينَ وَأَنْتُمْ بِرُؤُوفٍ فِي عَمَالِكُنْ
 وَيَقْعُونَ كَلَامِي وَيُؤَدُّونَ عَلَى سَلَامِي وَأَنْتَ تَحْتِ
 عَنْ نَفْسِي كَلَامُكُمْ وَسَلَامُكُمْ وَتَحْتِ تَحْتِ يَدَيْكُمْ مَا
 وَأَنْ أَسْتَأْذِنَ رَسُوْلَاتِ وَخَلْقَاءُ لَكَ الْكَرْمُ عَنْ
 طَاعَتِهِمْ وَأَسْتَأْذِنُ الْمَلَائِكَةَ الْمَوْجِدِينَ فِيهِ
 الْبَقَرَةَ السَّلَامَ عَلَيْهِمْ أَيُّهَا الْمَلَائِكَةُ الْكَرْمُ كَلَامُكُمْ
 هَذَا الشَّهَادَةُ أَنْتُمْ هِيَ يَا ذِي الْإِلَهِ وَأَذِنَ رَسُوْلِهِمْ
 وَأَذِنَ خَلْقَاءُ أَدْخُلْ هَذَا الْبَيْتَ فَكُونُوا أَمْلًا
 أَنَّهُ أَهْلًا وَكُونُوا الْكَرْمُ حَتَّى أَدْخُلَ وَلَدَعُوْلَهُ
 ضَوْنُ الدَّعْوَةِ جَاعِلٌ فِيهِ بِالْعَبْدِ دَنِيَّةً فَطَنِي
 لَا أَشْهَدُ بِالطَّاعَةِ وَدَرْوَقَ وَأَخْلَشَ دَرْوَقَهُ بِسْمِ اللَّهِ
 وَبِأَمْرِ عَلَى مِلَّةِ رَسُوْلِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَشْهَدُ
 أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُوْلُهُ وَأَنَّ عَلِيًّا أَمْلُهُ لَيْسَ بِهِ
 بَصْرٌ مَقْدُوسٌ بَشِيَّتٌ بِقَبْلِ الْإِسْتِادَةِ زِيَارَتِ كَنْدِيدِ الْفَتَنِ

نماز نیت بکند و در وقت اولی است آنقدر که تواند برانجا
 و در وقت دوم و آخر یا در میان سوره ناید و در وقت سوره ناید
 که نماز در بالای سر باشد کند اما در وقت سوره ناید از حضرت علی علیه السلام
 صلوات الله علیه کسی پرسید که نماز در چه موضع بکند فرمود و پیش
 روی قبر و بالای سر و پلین یا نشانی یا ایستاد و بکوش روی امام
 جلوی او خوان ایستاد بلکه در پشت قبر نماز کنید و ذکر زیارت
 نامه های این علی علیه السلام بتفصیل از مصلحت این رساله بیرون است
 مزار آن مشعور است لیکن ترجمه آنکه این رساله از فضل ذکر
 یکبار و هر روز نباشد بزم است مختصری از آن مشرف شود
 زیارت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
 که مرعیت از حضرت امام رضا علیه السلام السلام علیک
 یا رسول الله السلام علیک یا حبیب الله السلام
 علیک یا صیقه الله السلام علیک یا امیر الله
 السلام علیک یا حجة الله استهدا انک قد اقصیت
 بفضلت و یا مهدی فی سبیل الله و عبده مخلوقا
 حق انی انک الباقین بحجرات الله افضل ما جری نبیا
 حق انی انک افضل من علی و ان محمد افضل من اهل بیت

عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَالْإِسْمَاعِيلَ إِنَّكَ جَمِيدٌ مَحْمُودٌ وَرَبُّكَ أَصَدُّ
صَادِقٌ حَلِيمٌ كَيْدًا إِنَّكَ سَلَامٌ كَرِيمٌ وَبَارِكْ مَوْلَاكَ وَرَبُّكَ
بِقُدْرَتِهِ إِدَّةً وَجَبَلُهُ بِكَرَمٍ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ
أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ رُسُلَاتِ رَبِّكَ وَفَضَّلْتَ مَوْلَاكَ
وَيَا هَذَا شَيْءٌ مِنْ بَيْنِ اللَّهِ وَعِبْدِهِ اللَّهُ غُلَامٌ سَاحِقٌ
أَتَيْتَ الْيَقِينَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْطِئَةِ الْحَكِيمَةِ وَأَذَيْتَ
الَّذِي عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ وَرَوَيْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ فَطَلَقْتَ
عَلَى الْكَافِرِينَ فَبَلَغَ اللَّهُ بِكَ أَفْضَلَ شَرِكٍ عَمَلِ الْمَلَكِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَنْقَذَ بَلْوَةً مِنَ الشِّرْكِ وَالضَّلَالَةِ
وَأَجْمَلَ مَوْلَاكَ وَأَتَاكَ صَلَوةً مَلَأَتْكَ الْمَقَرَّةِينَ
وَأَنْبِيَاءَكَ الْمُرْسَلِينَ وَعِبَادَكَ الصَّالِحِينَ وَأَهْلَ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ وَفِي سَجْوَتِكَ لِمَوْتِ الْعَالَمِينَ
مِنْ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ
وَبَيْنَ يَدَيْكَ وَأَمْنِكَ وَبِحَبْلِكَ وَجَبْنِيكَ وَصَفْوِكَ
وَحُضْنِكَ وَصَفْوِكَ وَخَيْرِكَ مِنْ مَنْظُورِكَ
اللَّهُمَّ وَأَعِظْهُ الدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ وَأَنْزِلْهُ الْوَسِيلَةَ

مِنَ الْجَنَّةِ وَابْتَدَأَ مَقَامًا عَمُودًا يَغِيظُ بِرُكُودَهُ
وَالْأَحْرُونَ اللَّهُمَّ أَنْتَ قُلْتَ وَكَوْنَتْهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ
لَمَّا ذُكِّرُوا فَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا
اللَّهُ تَوَّابًا رَحِيمًا اللَّهُمَّ فَقَدْ آتَيْتُ بِنَبِيِّكَ مُسْتَغْفِرًا
تَأْتِيهِمْ ذُرِّيٌّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْتَظِرْهُمَا
فَلَيْسَ بِي إِفْرَاجٌ بِإِثْنَيْ عَشَرَ نَبِيًّا وَإِنِّي لَأَتُوبُ إِلَيْكَ
وَرَبِّي لَيْسَ بِي إِفْرَاجٌ وَرَبِّي بِمَا دَانَ بِيَاءَ بَعْدَ مَقْدَسِ بِيَاءِ
أَزِيدُ خُضُوعًا وَاحْتِمَادًا وَإِنِّي بِأَنْ يَكُونَ بِيَاءُ بِيَاءِ
رَوَى بِقَوْلِهِ اللَّهُمَّ الْكِبَارُ لَمَّا أَتَى أَمْرِي وَبَقِيَ
نَبِيِّكَ اسْتَنْدْتُ ظَهْرِي وَفِي ذَلِكَ الْيَوْمِ رَضِيَهُمَا لِحَمْدِهِ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اسْتَقْبَلْتُ فِيهِ الْأُمَّةَ لِمَا تَبَدَّلَ
إِنْهُمَا وَلَا تَغْيِرْ مَعِي وَلَا تَسْتَبْدِلْ لِي عَيْدِي أَصْبَحْتُ
وَأَصْبَحْتُ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي حَذَرَ أَرْجُو أَوْ لَا أَصْرِفُ
عَنْهَا شَيْءًا أَحْذَرُ إِلَّا بِكَ وَتَحُولُ لَأَسْتَرْزِقَ لَكَ اللَّهُمَّ
رَبِّي خَيْرٌ فَإِنَّهُ لَا رَأْيَ لِي بِمَا تَقْنَأُكَ اللَّهُمَّ ذُرِّيَّ بِيَاءِ
بِالتَّقْوَى وَبِحِلَّتِي بِالْعَافِيَةِ وَأَعْمَرْنِي بِالنِّعَمِ وَأَزِدْنِي
بِعَمْرِ الْعَافِيَةِ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَهَذَا جِ

کرداشت و این بدین معنی طلب کند که مرا در این عالم احسان
این مکان است زیارت حضرت امیر المومنین علیه السلام
بگوید السلام عليك يا امين الله في ارضيه و تحته على
عليهم السلام عليك يا امير المؤمنين اسعدك انك
جاهدت في الحق جهادهم و طغيت بكناهم و انتجت
سنة نبي صلى الله عليه و آله و دعاك اضر الى جوارهم
و قضيت اليهم اختيارهم و اذنتهم اعدتكم الحجة
مع ما امكن من الحجج الباطنة على اجمع خلقهم اللهم
فاجعل نفوس مطمئنة بقدرتك رحمة تفضلها
مؤمنة تذكرك و تعاليت محبة لصفوة اوليائك
محبوبة في ارضك و سماواتك صابر على اعدائك
بلائك مشتاقة الى فرجة لقائك متزوجة
التقوى ليوم حرائك مستعدة بسنة اوليائك
مفارقة لافلاك اعدائك مشغولة بحج الدنيا
بجهدك توفيا لك بعد ان روي قبره من كذا
بگوید اللهم ان قلوب الغيبين اليك و الهمة و سبل
الراغبين اليك شائعة و اعلام الفاصدين اليك

وَإِصْرًا وَأَفْئِدَةً الْعَارِفِينَ مِنْكَ فَارِقَةً وَأَضْوَآتِ
الْإِذْنَ الْبَيَّاتِ طَاعِدَةً وَالْأَوَّابِ السَّمَاءِ لِلْإِحْيَاءِ كَمِ
مُفْصَلَةٍ وَدَعْوَةٍ مِنَ الْجَانِّ مُنْقَابَةً وَتَوَكُّلَةً مِنَ الْغَابِ
الْبَيَّاتِ مَقْبُولَةً وَعِزَّةً مِنْ كُلِّ أَمْنٍ خَوْفَكَ مَرْجُومَةً
وَالْإِحْيَاءِ لِمَنْ اسْتَقَاتَ بِكَ تَوْجُوهَهُ وَالْإِعْلَاقَةَ
لِمَنْ اسْتَعَانَ بِكَ مَبْدُوءَهُ وَعِدَائِكَ لِجَارِكَ
مُخَصَّرَةً كَالَّذِينَ اسْتَعَالَ بِكَ مُعْلَقَةً وَأَعْمَالَ
الْعَامِلِينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةً وَأَرْوَاقَ الْخَلَائِفِ
مِنْ كَذَنَاتِ الْوَزَائِدِ وَخَوَائِدِ الْمَرْبِ الْيَهْمَةَ وَالْمُسْلَمَةَ
وَالْوُزْبَ لِلْسَّعْفَةِ مَقْشُورَةً وَحَاجِجَ كَلَامِكَ غَدًا
مَقْطُوعَةً وَجَوَازَ السَّائِلِينَ حَيْثُكَ مَوْجِدَةً وَخَوَائِدَ
الْمَرْبِ مُتَوَلِّدَةً وَمَوَازِدَ لِلْسَّعْفَةِ مَعْدَةً
وَمُحَاصِلَ الْقَلَمِ وَمُرْعَةَ اللَّحْمِ فَاسْتَجِيبْ لِي
وَأَقْبِلْ قَسَائِي وَاجْعَلْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي بِحَبْلِ
وَعَلَى وَفَاطِمَةَ وَالْحُسَيْنِ وَآلِهِ بِمَا بَيْنَ
وَسْتَيْهِمْ قَسَائِي وَخَاطِبِي بِجَانِّي فِي مُنْعَكِبِي وَفَرَاغِي
خَشَعْتُ لِمَامِ عَهْدِ بَاقِرِ الْمَلِكِ فَرَزْدَكِ مِنْ زَمَنِجِيَانِ كَرِ حَضَرِ

ابراهیم و یسوع و یحیی و ائمه اطهار علیهم السلام باین طریق زیارت کنند زیارت
 در حقه ازین کلمات و دعا و دعا ای از اتمام محمد صلی الله علیه و آله
 محموم سازد و حضرت یسوع علیه السلام بسیار دعا و فرمود که با محبت
 و کرامت و ثبات بصاحبش رسانند و باید دانست که گویان
 طریقه کی دیگر از ائمه اطهار زیارت کنند بجای لفظ ابراهیم
 نام از اهل علم و ایمان گفت و درین صریح مقدس حضرت آدم و نوح
 علیه السلام این دعا میگویند و در زیارت حضرت آدم
 علیه السلام بگویند السلام عليك يا صفي الله السلام عليك
 يا حبيب الله السلام عليك يا نبي الله السلام
 عليك يا امين الله السلام عليك يا خليفة الله
 في ارضه السلام عليك يا ابا البشر آدم صلوات
 الله عليك وعلى روحك وعلى ابدنك وعلى
 الطاهرين من اولئك وذريتك صلوة لا يضرها
 الاثم ورحمة الله وبركاته و در زیارت حضرت نوح
 علیه السلام بگویند السلام عليك يا نبي الله السلام عليك
 يا صفي الله السلام عليك يا ولي الله السلام عليك
 يا امين الله في ارضه صلوات الله وسلامه عليه

۱۸
 د

وَعَلَى رُوحَاتِ قَوْمِكَ وَعَلَى الظَّالِمِينَ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ وَ
رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ يَا زيارت حضرت فاطمة عليها السلام
السلام عليك يا بنت رسول الله السلام عليك
يا بنت نبي الله السلام عليك يا بنت جيب الله
السلام عليك يا بنت خليل الله السلام عليك يا بنت
أمين الله السلام عليك يا بنت خير خلق الله السلام
عليك اللهم المصنومة للظالمين السلام عليك
أيها الصديقة العالمة ورحمة الله وبركاته اللهم
اللهم ورسوله وصالحاته أني ذا من عمن رضيت
عنه ساخط من تخلفت عليه متبرئ من برئت
منه موكل من واليت معاد من طارسي منقض من
انقضت محبت من أحببت مكلف يا الله شهيداً وصيماً
وجازياً ومثيباً زيارت حضرت امام حسين عليه السلام
سدد روحه مقدسه الاستاذ بكريه السلام عليك يا وارث
آدم ميقوة الله السلام عليك يا وارث نوح نبي الله
السلام عليك يا وارث موسى كلم الله السلام
عليك يا وارث عيسى روح الله السلام عليك

يا قارون انزلناك من قبل الله السلام عليك يا وارث محمد
سيد رسل الله السلام عليك يا وليك اخيه الحسن
الركي الظاهر الرضي الموفق للسلام عليك ايها
الوصي الباقر السقي السلام عليك وعلى الملائكة
الماضين بك اسعد الله قلوبنا فاقمت الصلوات
الركية واكثرت بالمعروفات واهملت عن المنكرات
عبدت الله غايصا خالصا حتى آتاك التوفيق
والسلام عليك قد حرم الله وبركاته بعد ان
جانب منج مقدس بعد دست بران كدشته كوي
السلام عليك يا ابا عبد الله السلام عليك يا
حجة الله على خلقه وبركاته بعد ان انكر
لكن الله امة فقلتك ولكن الله امة مملكتك
ولكن الله امة سمعت بذلك فوضعت يدي
يا ابا عبد الله اسعد الله قلوبنا فاقمت
ووسلة ابيكم مؤمن ويا اباكم مؤمن يسوع بن
وخو ايم على فصلوات الله عليكم وعلى اولادكم
وعلى التبارك وعلى ملائكتكم وعلى غاشيكم

وَقَالُوا كَرُّهُ بِمَا لَمْ يَكُنْ لَهُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ بَعْدَ
دُشِّي بَابِ الْمُحَضَّرَةِ عَلَى كِبَرِ الزَّيَادَةِ كُنْدُ وَيَكُونُ السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا بَنِي رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
أَيُّهَا الشَّهِيدُ لِلظَّالِمِينَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً فَكَلَّمَتْكَ
وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً تَحْتِ يَدَيْكَ فَحَضَيْتَ بِهَا
شَهَادَةَ اللَّهِ رَفَعْتَ كُنْدُ وَيَكُونُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلِيَاءَ
اللَّهِ وَآحِبَّاءَهُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَصْفِيَاءَ اللَّهِ
وَأَوْدَاءَهُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ وَأَنْصَارَ
نَبِيِّهِ وَأَنْصَارَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْصَارَ الْحَكِيمِ وَالْمُسَيِّ
طِينَ وَطَائِفَةِ الْأَرْضِ الَّتِي فِيهَا دَفَنْتُمْ وَفُزْتُمْ
فُوزًا عَظِيمًا قِيَامَ الْيَتِيمِ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ مَعَكُمْ وَجِبَ
ارْتِمَازُ وَدَعَا فَوْخِ شُورٍ بِزِيَارَتِ عِبَادِ رَفَعْتَ بِكَ السَّلَامُ
عَلَيْكَ كَيْفَا الْعَبْدِ الصَّالِحِ الْمُطِيعِ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَ
لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحُسَيْنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ
وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ أَشْهَدُ
أَنَّكَ مَقْبُولٌ عَلَى مَا مَقْبُولٌ عَلَيْهِ الْبَدْرُ تَوَنُّنُ الْجَاهِدُونَ

فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَمَّا صَحَّوْا كَفَّ فِي جِهَادِ الْأَعْدَاءِ لِلْبِالِغُونَ
 فِي نَصْرِهِ أَوْلِيَاءُ يَمْجُزُكَ اللَّهُ أَفْضَلَ وَأَوْفَرَ حِزْزًا
 أَحَدٌ وَفِي بَيْعَتِهِ وَأَسْجَادِهِ لِيُفَوِّتَهُ وَحُشْرُكَ
 مَعَ النَّبِيِّينَ وَالْقِدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالْمُتَّقِينَ
 وَحُشْرُكَ أَوْلِيَاءُكَ بِفَقْرٍ وَمُرُوسَةٍ كَرِهَتْ لِمَامٍ حَسْرَةً
 اِرْكَمِي بِرَسِيدٍ كَرِهَتْ لِمَامٍ حَسْرَةً اِرْكَمِي بِرَسِيدٍ
 فَمُرُوجُ جَنَانٍ مِثْلُكَ بِأَخْضَرِ بَعْدَانِ فَمُرُوجُ جَنَانٍ
 كَفْتُ نَدْمَ فَمُرُوجِ سَلَامِكِي كَفْتُ كَامِي مِثْلُكَ بِأَخْضَرِ
 مِثْلُكَ بِأَخْضَرِ جَرِ شُودِ أَكْرَهْ رُوزِ كَرِهَتْ لِمَامٍ
 كُنَيْدِ كَفْتُ مَحَانِ مِثْلُكَ بِأَخْضَرِ مَقْدُورِ نَيْدِ
 بِرَامِ خَانَةِ بَلْغِي وَجَانِبِ رَاسِ نَكَاهِ كُنْ بَعْدَانِ جَانِبِ
 نَكَاهِ كُنْ بَعْدَانِ سِرِّ بِلَا كُنْ بَعْدَانِ مَتَوَجِّهِ رُضْهِ
 مَقْدُورِ شَدِيدِ بَكْوِي السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْعَظِيمِ
 عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ يَا شَيْخَ وَدَائِعِ عِلْمٍ رَايَ تُو
 نَوَاشَةِ شُودِ زِيَارَتِ جَامِعَةِ كَرِهَتْ لِمَامٍ حَسْرَةً
 عَجْزِي بُوْدِ مَرُوزِ انْصَرَفَتْ لِمَامٍ رَضَا عَلَيَّكُمْ عَلَيَّ وَبَارَكَ
 وَأَحْفِيَاءُ السَّلَامِ عَلَيَّ أَمِينًا وَهُوَ أَحْيَا السَّلَامُ

عَلَى النَّصَارَةِ وَخُلَفَائِهِمُ السَّلَامُ عَلَى عُمَّالِ مَعْرِفَةِ اللَّهِ
السَّلَامُ عَلَى مُعَادِينِ حِكْمَةِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى مَسَاكِينِ
رُكْنِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الْكَرِيمِينَ الَّذِينَ لَا
يَسْقُونَ إِلَّا قَوْلَ اللَّهِ وَمِنْ بَارِعِهِ يَعْلَمُونَ السَّلَامُ عَلَى
مُظَاهِرِ أَمْرِ اللَّهِ وَحَقِّهِ السَّلَامُ عَلَى الْأَوْلَادِ وَالْعَلَمِ عَلَى اللَّهِ
السَّلَامُ عَلَى الْمُسْتَقِرِّينَ فِي مَرْضَاتِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى
الْمُعْتَمِدِينَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى الْبُدِينِ مِنَ وَالْأَنْفِ
فَقَدْ وَاللَّهِ مَنْ غَدَاكُمْ فَقَدْ غَدَا لِي اللَّهُ وَمَنْ عَرَفَكُمْ
فَقَدْ عَرَفَ اللَّهُ وَمَنْ جَعَلَكُمْ فَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ وَمَنْ
اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ وَمَنْ عَنَى لَكُمْ فَقَدْ
عَنَى لِي اللَّهُ أَشْهَدُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
لَنْ سَأَلَكُمْ مَرْثَى عَنَّا أَعْتَصَمَ بِكُمْ كَافِرٌ بِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ
يُحِبُّ لِمَا حَقَّقْتُمْ مُبْطِلٌ لِمَا أَبْطَلْتُمْ مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ
وَعَلَا نَيْتِكُمْ مُقْوَمٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ لَعَنَ اللَّهُ
عَدُوَّكُمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ وَصَغَفَتْ فَلَيْتُمْ الْعَذَابَ
الْأَلِيمَ وَابْتَغُوا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ
وَبَرَكَاتُهُ وَرَوَى عَنْ هَذَا إِذَا بَانَ عَلَيْهِمْ كَيْدُهُ أَلَا

[illegible]

بگوید اللهم اشرك في حجتی و تسبی و صلواتی و اگر زیارت
 باشد گوید فی زیارتی آنی و آمی و قلاتا و قلاتا و هر که را
 خواهد تمام برد و جمیع اهل بکری حرم و عید و هم
 و آنی ضرورت و آنو و هم و حرم و عید و هم و اگر بنیات
 حج یا طواف کند بگوید اللهم تقبل حجتی یا طوافی و
 صلواتی عن غلات و غلات هر که خواهد و اگر زیارت
 بنیاست که بعد از فراغ از کارهای خود بگوید السلام علیک
 یا مولای من کنی و اگر حج هر که خواهد پس بفرمان از ایشان
 اگر بگوید برای حج یا طواف و زیارت و نماز کردم راست
 گفته باشد فصل بیستم در فضایل ایمان عقد شده
 که در واقع است و رویت از اهل بیت ظاهرین علیهم السلام
 که هر کس نظری بگوید و حق ما را بشناسد چنانکه حق گفته
 میخاسته بکنایه از این شریف شود و صفات دنیا و آخرت
 کفایت شود و ملازمی که نظری بگوید باشد حسن بر او
 و سبب محو گشتن غلات و اعمال و کفر و عیب و بیست و شش
 شصت طواف کند مکان و چهل زما کند کاران و بیست و از
 بجای کند مکان و هر کس در یکی از همین ببرد و روان صاحب

از اهل بیت است
 و اگر در میان این بیست و شش

بر این کشود نشود و اگر در حرم خجریه و از قریع البرزین باشد
 و این صفتان احکامش در مکة معظمه افضل است از خارج تمام
 عراق که در آنجا حیرت کشند و هر کس در مکة معظمه قرائت کند از
 دنیا تر و لذایع خود در پشت بریند و چیزی خوردن در
 منقل روزه نیست و بجای دیگر باشد روزه در آنجا افضل است
 روزه است و بجای دیگر و خوب و بد آنجا افضل است
 در جای دیگر و هر کس کیسای مجاور باشد که نه آنجا او را
 او و هر کس برای او استغفار کرده و قیامت آنجا و هر کس آنجا
 امروید شود و هر کس در آنجا سجده کند چنانست که در آنجا
 و در غلطید و باشد و یکتا از آنجا بر ابراست با صدقه
 در هر کس که از آنجا بگذرد و نمازهای گذشت
 و اینها تا وقت اجابت هر صفتی شود و هر چه بخواند کعبه
 از آنجا افضل است و در مسجد منی و عتصمیه و بکرا
 دیگر هر از آنجا بگذرد و هر کس در آنجا صدقه بگذارد
 بر ابراست با صدقه و سالها و صدق و در آنجا بر ابراست
 با عتق و صدقه بکبیر و آنجا ایام و صدقه و صدقه و صدقه
 عراقین که در آنجا صدقه دهد و یکتا از مسجد رسول الله

علیه السلام و آله و سلم در مسجد کبریا است باده را نواز و می‌کند
 صدقه باده خوار و هم در دست خاکی می‌دهد مسجد قیام ابراست باید
 عمر و کفر حرم امیر المؤمنین است و قیود اینده و طین و ادویه
 و مغویین در اینجا بسیار است در مسجد اعظم کوفه هزار تنی و هزار
 و صی نان نگذاشته و حضرت پیغمبر علیه السلام در شب
 معراج در مسجد نمانگذاشته و یکما از فریضه در اینجا ابراست بخوار
 نماز و کعبه و قافله در اینجا ابراست باده را نواز و یکما از فریضه
 در اینجا ذکر و تلاوت می‌نمودند و در مسجد سیدان پیغمبر
 و صحابه نگذاشته و دهانه حضرت ابراهیم و حضرت ادریس علیهما
 السلام در این مسجد است و در این مسجد سنگیست که طیفه همان باده را
 از اینجا برداشته اند هر کس کسی که در این مسجد در میان تمام نشین
 و رکعت نمانگذاشته و دهانه خدا تعالی از آن غم خفاش دیگر
 فصل پنجم در فضایل زیارت طبرین و صلوات و مرثیه
 مرثیه از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر کس اسامی را بخواند
 در دنیا زیارت کند چنانست که امام حسین علیه السلام را زیارت کند
 و هر کس فاطمه زهرا علیها السلام را زیارت کند و هر کس زینب کبری
 را زیارت کند و هر کس علی اکبر علیه السلام را زیارت کند و هر کس

ما باشد مطهری شیعه ما را از آنکه ثواب زیارت نماید و معنی
نماید که بسیار احادیث که در فضیلت زیارت معصومان در باب اول این
کتاب گذشت از حضرت در امام عصر و بعد از وفات و آداب زیارت
مؤمنان بعد از این باشد که باید با سبب و از آنکه
در احکام متعلق با موات و زیارت قبر مؤمنان بعد از وفات
این مجموع انشاء الله در دو فصل بیان شود **فصل اول**
در وصیت و وصیقه شهادت و وصیت در اصل و طاهرین عالم
که وصیت چیست لازم بر هر مسلم و هر کس که بر وصیت کند غری
که ظلم و جور و ضرر و جور فرزند و رساند چنانکه که کلمه خود شده
که میباشد و هر کس را مال باشد و برای خویشانی که میباشد
چیزی وصیت نکند اعمالش بر وصیت تمام شود و حضرت امام
جعفر علیه السلام فرمود که حضرت جعفر علیه السلام فرمود
که هر کس وقت وفات وصیت را خوب کند مروت و عقلش
ناقص باشد پس بداند که وصیت بخوان باید که هر مرد و زن و عالت
مروت داشته باشد و وصیت جمع شوند بگوید اللهم فاطمه و
السقوت و الارض عالم الغیب و الشهادة للشخص و
اللهم انی اعهد علیک باین امر الدنیا انی استشهد ان

بما شئت من الدنیا و الآخرة
لا اله الا الله

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ
وَرَسُولُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَأَنَّ
الْبَيْعَةَ حَقٌّ وَالْحِسَابَ حَقٌّ وَالْقِسْطَ حَقٌّ وَالْمِيزَانَ حَقٌّ
وَأَنَّ الدِّينَ كَمَا وَصَفْتَ وَأَنَّ الْإِسْلَامَ كَمَا شَرَعْتَ وَ
أَنَّ الْقَوْلَ كَمَا حَدَّثْتَ وَأَنَّ الْعُقُودَ كَمَا أَنْزَلْتَ وَ
أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الَّذِي جَزَى اللَّهُ مُحَمَّدًا عَنْتَا خَيْرَ
الْجَزَاءِ بِهَيْبَةِ اللَّهِ مُحَمَّدًا أَوْ أَلِيٍّ مُخْتَارًا بِالسَّلَامِ أَللَّهُمَّ
يَا مُدَبِّرَ عِلْمِكُمْ رَبِّي يَا سَاحِبِي عِلْمِي يَا مُدَبِّرَ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي
يَسِّرْ لِي الْيُسْرَى يَا إِلَهَ الْوَالِي لَا تَجْعَلْنِي إِلَى قَوْمٍ مُتَوَلِّينَ عَنِّي
أَبَدًا أَقْرَبَكَ إِنْ تَجَلَّيْتُ إِلَى قَوْمٍ طَرَفَهُ عَيْنُكَ فَتُنْتَ أَقْرَبَ
مِنَ الْبَيْتِ وَأَقْرَبَكَ مِنَ الْخَيْرِ وَابْنِي فِي الْقَبْرِ وَخَشَنِي
وَأَجْعَلْ لِي مَعَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَشْفُوعًا بِعَدْلِكَ وَكَرَمِكَ
كَرَامَتِكَ كَرَّمَ وَفَعَلَ بِكَ شَهَادَتِي شَيْخِ طَرِيْقِي وَرَبِّ صَاحِبِ دَعْوَتِي
عَزَّ وَكَلَّمَ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ أَشْهَدُ
أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا
عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ
وَأَنَّ النَّارَ حَقٌّ وَأَنَّ الْيُسْرَى حَقٌّ وَأَنَّ الْيُسْرَى حَقٌّ

فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ بَعْدَ أَنْ يَمُوتَ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ شَهِدَ الشُّهُودُ الْمُسَوِّغُونَ فِي
هَذَا الْكِتَابِ أَنَّ الْغُرَّاءَ فِي اللَّهِ فَلَانُ بْنُ قُلَانٍ أَشْهَدُهُمْ
وَأَشْهَدُهُمْ وَأَقْرَعُهُمْ أَنَّهُ لَشَهِيدٌ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا
اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَنَّ عَلِيًّا أَوْلَى اللَّهِ وَلِيًّا وَأَنَّ
الْأَشْجَةَ بَيْنَ وَبَيْنَ وَلَدِهِ أَثَمَّتْهُ وَأَنَّ أَقْرَبَهُمُ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمِينَ
وَعَلَى بَنِي الْحَسَنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ
جَعْفَرٍ وَعَلَى بْنِ مُوسَى وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلَى بْنِ حُجْرٍ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ
وَالْقَائِمُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَأَنَّ النَّارَ حَقٌّ
وَأَنَّ اللَّهَ أَكْرَبُ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ وَأَنَّ
مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَآلُهُ سَائِدُ الْخَلْقِ وَأَنَّ عَلِيًّا أَوْلَى
وَالْخَلِيفَةُ مِنْ بَعْدِ رَسُولِ اللَّهِ وَمُتَخَلِّفُهُ فِي أَمْرِهِ
مَرَّةً بَعْدَ مَرَّةٍ بَارَكُ وَتَعَالَى وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ
أَبْنَاهُ الْحَقُّ وَالْحَقُّ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ وَسَيِّدُهُ أَسْلَمَ اللَّهُ
وَقَائِدُ الرِّجَّةِ وَأَنَّ عَلِيًّا وَجْهًا وَجَعْفَرًا وَمُوسَى وَعَلِيًّا وَجْهًا
وَعَلِيًّا وَالْحَقُّ وَالْحَقُّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَفَادَةُ دَعَاةٍ لِلَّهِ

سنة
١١١

وَجَلَّ عَلَى عَجَائِدِهِمْ جِدَارَانِ كَبِيرَيْنِ تَامَّتْ شَهَادَتُهُمَا وَخُذِلَتْ
جِدَارَانِ شَامُوكِهِمَا تَشْتَوِي عِلَالُهُمَا وَالشَّهَادَةُ وَالْإِخْلَاقُ
وَالْإِحْسَانُ كَوْدُوعُهُمَا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ
نَفَرَهُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ بِعَدَدِ
صِيْفَةِ الرَّجِيدِ شَهْرٍ وَهُوَ مِثْرُ خَمْسَةِ أَشْهُارٍ رَاتِيهِ يَلَانِ
كَدَارُهُ وَيَا جَرِيدَهُ دَنَابَرُ رَاسَتِ كَدَارُهُ وَصِيْفَةُ رَا
كَافُورِ نَسَبِهِ وَكَرْبَانِ نَسَبِ مُقَدَّسٍ نَوَيْسِنْدِ چنانكه درین
زمان متعارف است قوله بود که افضل باشد فصل در
در آداب حال احتضار و نماز بعضی اوقات و احوال و قیام
در آن اتفاق افتد مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که
در حالت احتضار میت در کلمات فرج و شهادتین و اقرار
بائمه طاهرین علیهم السلام ملحق کنند که اگر میت چنانچه از اقرار
کنند آن در وجه طبع نکند و از امهات بظانیت یابند و هر
آخر کلامش لا اله الا الله باشد از اهل بیت باشد و نیز
این دعا را بخوانند و بگویند که کنا مشر امر پیدا شود
يَا مَنْ يَسْكُنُ الْيَسِيرَ وَيَعْقُوقُ عَنْ الْكَبِيرِ اِقْبِلْ مِنِّي
يَا اَلِهِيْمِ رَاغِبٌ عَنِ الْكَبِيرِ اَتَاكِ اَنْتَ الْعَفْوُ الْعَفْوُ

و مر و نیست که اگر در این بین پیش پا نیفتد بعد از هر وقت از آن
دو حالت ظاهر شود که پیش از آنکه گشت و تفتیش خانه
نمایند و بر آن گذارند و چون حالش مستقر شود پیش از آنکه برین
روشن شود و بعد از آن بخوابد چنانکه گفت پای عین قبله باد
که چون چنین کند خدا تعالی رحمت متوجه او شود و ملائکه متوجه شوند
تا آنکه قیض روشن شود و اگر نوع روح دشوار شود بر جای نماند
که بر آن نماند و اگر بعضی باشند زود خلاص شود و نیز مر و نیست
که درین حال پیش از هر چه که در صاف است خواند که اگر آنکه زود بخوابد
یابد و در وقت احتضار و حایض حاضر نباشد که ملائکه متوجه
شوند و چون قیض روشن شود دستهایش را دراز کنند و در
پیشانی و پیشانی بپوشند و در وقت پوشیدن چشم بپوشد
اللهم اغفر لقائله و ارفع درجته فی المجدین و ارفع
فی تعقیبه فی العارین و اغفر لنا و له یا ارحم
العالین و یا ارحم الراحمین اللهم اغفر لنا و له و ارفع
عقبته فی عقیبه حسنه و میت راته انما انما ارد
که شیطان در وقت کذب و مر و نیست از او بر او متوجه
نماند که چون مر و در پیشانی بعد از ظاهر فار و زعفران

1992

ظهور نمود از فشار این شعله صفا بخش برای کلاه کاروان
تعیین نمود و در آن وقت که باشد و اگر در وقتیکه میبرد و در آنجا
نماید و در آن وقت که نکند و اگر در وقتیکه میبرد و در آنجا
این چیز نکند و اگر در وقتیکه میبرد و در آنجا
رفیق اینها باشد و اگر در وقتیکه میبرد و در آنجا
این باشد و اگر در وقتیکه میبرد و در آنجا
تعداد تمام کند که از هر یک وقت که باشد و در آنجا
مردن در هر حال و در هر وقت که میبرد و در آنجا
باشد و اگر در وقتیکه میبرد و در آنجا
دنیای و همین مردن تمام از هر یک وقت که باشد و در آنجا
جلیل خود و در هر وقت که میبرد و در آنجا
که در هر وقت که میبرد و در آنجا
باقی و هر یک از هر یک وقت که میبرد و در آنجا
با هر یک وقت که میبرد و در آنجا
الایه و هر یک از هر یک وقت که میبرد و در آنجا
تبریر و هر یک از هر یک وقت که میبرد و در آنجا
چونست از هر یک وقت که میبرد و در آنجا

[illegible]

خدا فرستاد و اگر حق در حق تمام بگویم خدا بجزم فیصله سیم
در حقیر نیست و در حق از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که اگر اوست
که خود و قش است و خدا طاهر و غریب از ارباب نکستند
و هر کس و هر کس غسل دهد و در اوقات بگوید اللهم کن عبدك
المؤمن وقد آخرتك و قد آخرتك و قد آخرتك بطنها
عقوبك عقوبك بکماله که هر کس را بر او میزد و شود و اگر
خواهد هر کس را بگوید عقوبك عقوبك و هر کس را بگوید
نیز و نیست که هر کس را بگوید غسل ده و هر کس را بگوید که انو میبند
بنهان طهر و هر کس را بگوید از کما و بک شود چنانکه انما در مورد
شد و هر کس را بگوید حق رقیب را و هر کس را بگوید بر این
بلند شود و اگر هر کس را بگوید از کما و بک شود چنانکه انما در مورد
و آخرت و سوا شود و هر کس را بگوید که چنانکه انما در مورد
او را که بگوید و هر کس را بگوید که چنانکه انما در مورد
تا روز قیامت او را که بگوید و هر کس را بگوید که چنانکه انما در مورد
بر این حق را که بگوید و هر کس را بگوید که چنانکه انما در مورد
تر باشد افضل است که زینت است و اگر چه هر کس را بگوید که
فعلی که بگوید و هر کس را بگوید که افضل است و اگر کس را بگوید

تسبیح برای خود کند هر مرتبه که نظر بر آن کند اجر باشد و در جریده از
چوبی قریب است که در آن دو انگشت خرد باشد افضل است و اگر نه چوب
نار و اگر نه چوب که طاهر و درخت کوه طریقت در جریده بامیت
عذاب و هر گاه از بامیت دفع شود و غیره بامیت که عذاب و صاحب
در یک ساعت باشد که بامیت طاهر شود و در هر مرتبه که بامیت
جریده بامیت باشد ان عذاب بالکمالین باشد فصل چهارم
در شنیدن خبر وفات و دیدن جنازه و تشییع و تلمیع آن است
از اصل است ظاهر علیکم که چون خبر وفات کسی بشنود بگوید
إِنَّا فِیْهِ وَآلِهِ الرَّحْمَةُ الرَّحِیْمُونَ اللَّهُمَّ اَنْتَ اَعْلَمُ بِمَنْ لَمْ یُخْبَرِ
وَاجْعَلْ کُتُبِیْ فِیْ عَمَلِیْتِیْ وَلا تَخْلُفْ عَلٰی عَقِیْبِیْ
فِی الْعَمَلِیْنَ اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْ نَاسَ آخِرَةِ وَلا تَقُتْ اَبْعَدَهُ
وَاعْمُرْ لَهَا وَلَوْ مِنْ جَنَازَةٍ یَسْنَدُ بِکَوْنِ اللَّهِ اَکْبَرُ هَذَا
مَا وَعَدَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ اللَّهُمَّ
زِدْنَا اَیْمَانًا وَتَسْلِمًا لِّهَذَا الْحَسَنَةِ الَّذِیْ نَعْمَرُ بِاَهْلِهِ
وَقَهْرُ الْعِبَادِ بِالْمَوْتِ مَعَ فَرْسَتِهِ دَانِیَ نَافَعُ مَكْرُوْرًا
أَوْ زَاوِ بِکَوْنِهَا بِصَاحِبِ جَنَازَةٍ یَسْنَدُ بِکَوْنِ اللَّهِ اَکْبَرُ
لَمْ یُخْلَقْ فِیْهِ مِنَ الشَّرِّ اِلَّا الْخَطِیْءُ وَهَرِکِ جَنَازَةٍ رَاوِیْهَا رَجُلًا

بجای کبیره از او آید و بشود
و دولت دیگر کند که هر کس
چون چنانچه در این کتاب است

بکبر و بخت و هیچ کبیره از او آید و بشود و اگر هر چهار طرف را
بکبر و بخت کند و با او شود چنانکه اینها و شود شده و در وقت
رضای بگوید بسم الله و یا هدی و صلواتی علی محمد و آل
الله عزیز المؤمنین و المؤمنات و الله جان چپ
تا بوقت رهایی شود است خود بخیز و همچنین به ترتیب از
پشت تا بوقت رسیدن تا جان چپ را بخت تا بوقت رهایی چپ
بکبر و بخت و مثل هر یک از ملک و نیکو که اولی و حقیر
بخت است و اولی و حقیر که با جان چپ آید و الله جان چپ
کنا و ایشان که شمع جان چپ که چهار و قریب اطراف برایش
زیست که برای رعایت و یکی برای ناز و یکی برای احتیاج
تا وقت خارج شدن و یکی برای تعزیر و دعایت و برآمدن که
شمع جان چپ که در صید کند تا در کشت و غایب و برین
یکجا حکم کند و بکفر اطراف زیست که هر قریب مثل که
احد با آن و معاند است و بر و مکرل شوند که شمعش کنند
برایش استغفار کند تا از گذر قیامت و تهنیت بچشم
در نماز است و است از اهل بیت ظاهر و علیهم السلام که هر کس
تا از گذر حیرت با معاند هر از شسته و روانه گذارند و کناه

گذاشته و اینده را از دیده خود دور گردانیده است که چنانچه
بگوید میان هر دو یکدیگر را ازین بگوید و صلوات بر سرش و بر
مسرت دعا کند و ظاهر است که شخصی عیال و اجزینت که
بهر حاجت میفرماید بخیر است و افضل نیست که اگر میت خون
باشد میان هر دو یکدیگر را بگوید اَسْمُهُ لَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ و آن محمد اعبده و رسول الله
وَأَنَا عَبْدُهُ و اجنون الحمد لله رب العالمین وَبِطَوْلِكَ
وَالْحَيَّةِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ و اینست که هر کس که بخندد
عاشق غیر از خود و یا صانع بآیت و صانع عالم و رب العالمین
و بگوید اللَّهُمَّ هَذَا عَبْدُكَ و اینست که هر کس که بگوید
بیدار خدایم دنیا و آخرت را به تو سپردم و تو را
عن عنایه اللَّهُمَّ اِنَّا نَعْلَمُ مِنْكَ الْخَيْرَ و آنست که بگوید
اللَّهُمَّ اِنْ كَانَ مُحْسِنًا و در حق ایشانه و تقیلت
و اینست که هر کس که بگوید اللَّهُمَّ اِنْ كَانَ مُسِيئًا و در حق او
و بختت اللَّهُمَّ لِقَعْرِ بَيْتِكَ و بختت با حق و احد
الثابت فی الحیوة الدنیا و فی الآخرة اللَّهُمَّ اَسْأَلُكَ
سنا و به سبیل آمدن و اهدا و امانه و حسن ملک

المستقيم عقولاً عتقوا من ذنوبهم ومن جعل من رحمتنا نارا
 وكونوا للهام لا تقسم منه الا سيرة اخا تعلقوا به ما يشاهد
 شانهما قولهم وكنتم ان اولادكم من سيرة اخا تعلقوا به ما يشاهد
 وكنتم من سيرة اخا تعلقوا به ما يشاهد
 براي مومنان دعا كنديمان بكوني اللهم المحقر للذين كفروا
 واسحق اسديك وقم عذاب الجحيم وكنهم وكنهم
 يعني مومنان دعا كنديمان بكوني اللهم المحقر للذين كفروا
 ان ظنوا انهم انتم احببتهم واقتلتمهم اللهم
 اعطهم ما تولى احببتهم واقتلتمهم
 بكوني اللهم المحقر للذين كفروا واسحق اسديك وقم عذاب الجحيم
 وكنهم وكنهم
 نماز مستحب است و چون بالغ شود واجب شود فمجلس ششم
 در مكان قبرا و در وقت غروب و استاز اهل بيت عالمين عليهم السلام
 كه احوال خود را از اهل بيت بگويد و در كنند و مكان شريف بگويد
 اختيار نمايند كه هياض غريب چنانكه در ذنوب نفع ميرساند
 بعد از آن نفع ميرساند و در وقت كه ميت را بگويد و نشان
 داخل قبر نميكنند بلكه دوسر ذراع دور تر از قبر ساعتی بگذارد

و در وقت نماز است و چون بالغ شود واجب شود فمجلس ششم
 در مكان قبرا و در وقت غروب و استاز اهل بيت عالمين عليهم السلام
 كه احوال خود را از اهل بيت بگويد و در كنند و مكان شريف بگويد
 اختيار نمايند كه هياض غريب چنانكه در ذنوب نفع ميرساند
 بعد از آن نفع ميرساند و در وقت كه ميت را بگويد و نشان
 داخل قبر نميكنند بلكه دوسر ذراع دور تر از قبر ساعتی بگذارد

که خیر جواب و سوال بکند و گوید که من قبر میرزا محمد مهدی و
 زانهم نباشد و بر پاره خاک و بندهای چاه که کشاید است
 اگر چه باشد از اینجا بجای قبر داخل کند و در آنجا مقام
 و اگر نه بکند از آنجا بجای قبر برهنه داخل کند و اگر داخل
 میشود وقت داخل شدن بگوید بسم الله و یا الله و علی امیر
 رسول الله صلی الله علیه و آله اللهم انی ارجو ان
 لا ال عذابک اللهم افحکم فی قبری و قلبی و حجته
 و نبیته بالقرآن الثابت و قیاد انا اجد اب القبر
 پس استعاذ کند و الله و قل هو الله احد و معوذتین
 و آیه الکرسی چون دفن بگذارد بگوید بسم الله و الله
 سبیل الله و علی امیر رسول الله صلی الله علیه و آله
 اللهم ارب رب عبدک و ان عبدک قد جلت و انت
 خیر من ذل یه اللهم و ان کان محسینا قد زیفه
 اخرجناه و ان کان محسینا فجامعنا و الحق یهینه
 محمد صلی الله علیه و آله و علی حشینه و اخی
 و اناه الی امیر المستقیم اللهم عقولک حقولک
 اللهم اجمعها و روضه من ریح الجنة و لا یجمعها

خُفْرَةُ مَنْ خَفِيَ الْقُرْآنَ وَكَرِهَ لِيَسْتَسْتَفَارَ كَذُوبًا
وَقَضِيَّةً بِرَهْلَوِي رَأْسَتْ عِزَّ الْبُزْجِ وَبَنَافِيسَ الْأَسْرُوبِ
بِكُنْيَاكِ وَرَوَى رَأْسُكَ دَابِرَ عَمَلِكُودَهِ بِضَاكُ كُنْزِ وَفَقْدِ
تَوْبَتِ مَقْدِسِ بَابِ كُنْزِ كُنْزِ الْأَنْزَانِ دَسْتِ بَحْرِ الْبَارِزِ
بِحَبِيبَتِ كُنْزِ وَوَحْلَتِ خُدَيْدِشِ وَهَبِ وَبُكُودِ الْوَلَا
بِحَدِّ الْأَرْسَالِ كُنْزِ بَكُورِ اللَّهِ تَبِيِّ مُحَمَّدٍ كُنْزِ
وَالْمُسْلِمِ الْوَحْدِيِّ وَالْقُرْآنِ كُنْزِ وَعَلَى الْأَمَامِ
وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلَى مُحَمَّدٍ وَجَعْفَرٍ وَصِيَّ
وَعَلَى مُحَمَّدٍ وَتَحِيَّةٍ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَالْحُجَّةِ الْقَائِمِ أَمْتِي
وَبِكَرْتِهِ وَبِكَرَمِهِ الْمَعَادَةِ كُنْزِ بَدَانِ بَكُورِ دَانِ
وَبَنِيَانِ رُوحِ خَمَاهِدِ كُنْزِ بَلِيٍّ بِرُكُودِ تَبِيَّتِكَ اللَّهُ
بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ هَذَا اللَّهُ إِلَى أَصْرِهِ الْمُسْتَقِيمِ
تَعَرَّفَ اللَّهُ بِنَسَبِكَ وَبَيْنَ أَوْلِيَائِكَ فِي مُسْتَقَرِّ
مِنْ رَحْمَتِهِ بِعَسَلِ الْبُزْجِ اللَّهُ تَبَاتِ الْأَرْضِ
وَحَبِيبَتِهِ وَأَصْعَدَ رُوحَ الْبَلَدِ وَلَقَدْ مَنَّكَ
بُرْهَانًا اللَّهُ بِعَقْلِكَ وَعَقْلُكَ وَدُرُوقِ خَشْتِ جِدَنِ
بِكُورِ اللَّهِ مِلَّ وَحْدَتِهِ وَأَنْتَ وَخَشْتُهُ وَأَسْكِنَ الْبَلَدِ

مِنْ خَشَلِك رَغْمَةً تُغْنِيهِمَا عَنْ رَغْمَةٍ مِنْ شِوَاكِ بَدْوٍ

خواهد پرسید آید بگویند انا بیولو وانا الی نیر راجعون و الحمد لله

يُؤْتِي الْعَالَمِينَ أَلْهَمَ أَرْبَعَ دَرَجَاتٍ فِي أَعْلَى الْعِلْمِينَ

وَأَخْلَصَ عَلَى عَقِيدَةِ الْغَايِبِينَ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ

و اطروک پای فیر پرین آید چون خاک بر فیر برینند

مدرسه عالی کمالیه در دست ارفیه بود ایمان ایت و نصیحت

سورة التوبة

وَأَمَّا أَنْ جَاءَ الْوَيْلُ لِلْمَلِكِ وَأُتِيَ الْمَلِكُ

داشت دست و پایش را در میان خالها فروخته و فریاد می‌زد:

قلب شود و پدر آن خالک که از همان قبر مردن آمده داخل

نکند که بر میت سنگین شود و غیر ابعاد چهار انگشت از

زمین بلند کنند و مربع بیازند و آب پرورینند استیلا

پیش سر از جانب قبله کند و از پیش روی او یک کلاه انداخته اند و می پاشند

بکردن لب داران پوستی که تا غی الزمان آب را می

باشد از عذاب قبر این باشد بعد از آن دسته بر قبر گذارند

چنانکه انکشتان کشوره باشد و در خاک فرو پزند و بکوبند

[illegible]

علیه السلام یاد آرد که عظیم تر از مصیبت ها است و صبر کند
و استغفار کند یعنی بگوید انا لله وانا الیه راجعون و صبر خدا
کند که چون چنین کند خدا بقضای خدا تعالی داده و قدرش
خدا را بخشنده و اگر صبر نکند خدا او را عذاب کند و اگر صبر
ماطل شود و در پیش خدا نماز هم نبرد و هر کس در بار او مصیبت
صبر کند خدا تعالی سینه صبر در جگرش بلند کند و اگر کمال
هر دو صبر و شکی نیست و زمین باشد چون صبر کند
و انا لله و انا الیه راجعون بگوید خدا تعالی او را عذاب
و عتق بفرستد و از عتق هدایت یابد و اگر این شهادت
و صبر هم نبرد و اگر بگوید و اگر این عتق و هدایت یابد
و اگر این علی مصیبتی و اگر خلاقیتش بگویند
خدا تعالی بهتر از آن عطا فرماید و هر مرتبه مصیبتی یاد آید
اگر صبر بعد از معنی باشد بگوید انا لله و انا الیه راجعون
و الحمد لله رب العالمین و اگر صبر نبرد و اگر این عتق
و اگر خلاقیت علی افضل مشایخ همان ابراهیم است
باشد و اگر صبر نبرد و اگر خلاقیتش بگویند و اگر این عتق
شد و هر وقت که چون فرزندی غیر خدا تعالی از آن یاد کرد که

که از بنده من فرزند دینده من را که رشید چه گفت گویند استرجاع
و چون پس فهمید که در بهشت خانه برایش بنا کنید و خانه محمد
نام کنید و فرزند و ولایت که یکفرقه کسی بیشتر از او بود و دختر
برای او از نهاد دیگرمانند و هر دو را در خانه آگاه کند و نیز
مرویت که خواستگار غیر از او است که فرزند من را از او
بسطان هر که او را عذاب کند و لطف آن که بیشتر بر او عذاب
و از دوزخ که در گشتن و دست ایشان که در داخل بهشت کند
کسی برسد که کسی وافر که نباشد ازین فصل هر چه
بود و در این **فصل** بی جای فرزند یکدیگر است و مرویت
که اگر مردی در مصیبت دست بر داند و ندانند که حکامه و خمر
ساز کند احرش باطل شود و فصل هشتم که نواب
آداب تعزیر و اکرام و تیم مرویت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که گوی و تعزیر که در و تسلی دادن مورد بهشت است و هر که
حاجت مصیبتی را تعزیر کند مثل ابر او یا بد یا آنکه از او بیشتر
که سوره و هر که مصیبت رسیده و تعزیر کند خدا تعالی
او را و سایر تعزیرات و هر که در تعزیرات او باشد از
بهشت بر شاند باز نیست و بهجت تمام و مرویت که مردی پیش

وفات کرده بود جریح ویی تابانی میکرد حضرت صادق علیه السلام
تغذیه او فرستاد و فرمود خود را جمعیست رسول الله صلی الله علیه
و آله وسلم نسلی داد که اعظم صایب است گفت ای سرور و بطون و معانی
بود جریح کن از بختی است فرمود بپشت سر حیز در پیش دارد و نه
ان لا اله الا الله و رحمت بی نهایت خدا و شفاعت رسول الله
صلی الله علیه و آله و سلم علی ازین حد اثناء الله از فوق و خد
شد و حریفیت که هر کس تکفل احوال یثیمی شود او را خدا رکب او را
مستحق گردانم بهشت او را اولی بر شود و هر کس از روی احترام
بر سر یثیمی ناله بعد دهم می نالد و این بختی و یثیم و روز
قیامت بعد از یک روز از آن موافق خطا کنند و چون یثیم کرد
کنند عرش خود ببارزد پس خدا تعالی فرماید که یثیم که این بنده
حر اگر در کوچکی بد و نما و دشمن را گرفتارم میکرد ایانه بعزت و جلال
و ارتفاع مقام که هر موی که او را تسلی بعد هشت برای جلال
و احب کرد انم فصلی تمام که بعد برای است و اهل
با واقع رسانده و یثیم از اهل بیت ظاهرین علیهم السلام که یثیم
بر میت تخت تراند شب اول نکند پس در شب اول بر میت بعد
رحم کنید و اگر مقدر نشود دو رکعت نماز کنید و در رکعت اول

بعد از نماز تکبیر میگویند و در دعای انا انزلناه و غیره بخوانند و
بعد از سلام بگویند اللهم صل علی محمد و آل محمد و ابعت
تو نبیا ای خداوند فلان که همان است خدا تعالی هزار ملک بفرست
زنده هر کدام با جلال و عظمت و قهرش را وسیع گرداند تا روز قیامت
و برای کسی که این نماز گفته باشد و عمل در پی بند کند و بعد از هر
لقب بر وی باشد حسنات عطا فرماید و هر کس بصدقت
تصدق کند که خدا تعالی امر فرماید که هزار ملک هر یک طبقی از خود
در دست بگیرد و در این دو بر مسلم کند و گوید این هدیه
فلانیت که مستقیم ستاره و انکس را در بهشت هزار شهر
و هزار جوی و هزار حلقه طاف نماید و هزار جامه حسن را بر آرد و
هر کس برای میثاق علی خیر مثل نماز و روزه و حج طواف
زیارت و صدقه و دعا و رقیه و تلاوت قرآن و غیر آن
کند هر وقت باشد خدا تعالی اجر او را به برابر بیشتر
نماید که با آنکه کسی از آنان نفع رساند و عذابش تخفیف
گردد که با آنکه باشد و اگر گناهش کمیت در شکنای عذابی
باشد که خدا تعالی او را از آن عذاب دهد و بآلودند این بخت
در بهشت و فلانیت و میت از هدیه و دعا و استغفاری که

که برین کند خصال شود و چند کس را بلکه هر مؤمن را و دیگر کما از
جمع یا غیر این شریک توان کرد و بیکر هم نواب آن عمل می‌کند
و میت خود هر عمل که خیر و ایام بخیر کرده باشد مثل تقیض
و صدقه و کتابت مصحفی یا کتابت یا هر حق باشد ایا چاه ای
بکند یا کس را تسلیم چیزی یا هدایت بود و دالت چیزی یا غیر این
از اعمال خیر کند تا اثری ادا باقی باشد نفعتش باور شود
هر کس بر تقسیم و دالت او عمل کند مثل آن نواب برای او نیت
باشد یا آنکه از صاحب عمل چیزی کم شود و نیت او است که از
جمله حقوق مؤمن اینست که بعد از موت و یا کما خیر کند و
عیوب و عیبتش را پوشیده دارد و بر هر نیت که اولی صفت
مؤمن همانست که بعد از موت برایش گویند که خیر است خیر
و اگر نیتش فصل است در زیارت قبر و رویت
از اصل بیت طاهرین علیهم السلام که زیارت قبر بروید که با عیبت
قلب و اشک چشم و یا در آخرت است و چون کسی بزیارت حق
رود اصل قبر خیر در او شوند و او این کبر و نیت
و مضر و شوند چنانکه در زندگانی بدیداش روند و چون از اینجا
برود این اثر او حجت رود دهد و مفارقت اثر کند و هر کس نیت

قبر و الدین ایلی از شان و تدویر جمع کند توابع کج مقبول
برایش فرستند و بعد از زیارت و دعای والدین حاجتی که او
باشد بخواهد که انشاء الله مستجاب شود و چون خواهد بود
مقابر سلام کند بگوید **السلام علی اهل الدیار من المؤمنین**
والمسلمین رحم الله المستقیدین و المعبودین و انما
نستغفر الله بکما لا یحقون و بعد از این دعا کند
بگوید **اللهم انزلنا من جنوبهم وصاعدنا لیک**
انوارهم و کبرهم منک رضوانا و اسکن الیههم من
رحمتک یا کاسیم و صلهم و ثوبین و خشتهم
انک علی کل شیء قلیل و اگر خواهد که این اللهم از غم
غریبهم و صل و صلهم و انزل و خشتهم و امن
روعتهم و اسکن الیههم من رحمتک ما یستغفون
یا عین رحمة من سواک و الحقهم بمن کانوا یقولون
یا ایها الله لا اله الا الله من اهل الدیار من المؤمنین
والمسلمین رحم الله المستقیدین و المعبودین و انما
نستغفر الله بکما لا یحقون و بعد از این قول **لا اله الا الله**
یا ایها الله لا اله الا الله کیف و بعد از قول لا اله الا الله
یا ایها الله لا اله الا الله بحسب الله بحسب الله اعظم

لَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَخَشَعَتِ فِي نَفْسِهِ مِنْ خَلْقِ الْإِلَهِ
إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُوْلُهُ خَدَّاهُ أَوْ أَوَابُ عِجَاهُ سَالَهُ
عِبَادَتِ عَطَا فَمَا يَدُ وَنَجَاهُ سَالَهُ سَعِيَاتِ أَوْ أَوَابُ عِجَاهُ
نَايِدِ وَهَرَسَ دَلِيلِ مَقْبَرِ شَوْكِي كَوَيْدِ اللَّهِ رَبِّ هَذِهِ الْأَرْوَاحِ
الْأَلْمَانِيَةِ وَالْأَكْثَرِ الْأَلْمَانِيَةِ وَالْعِظَامِ الْخَرَّةِ الَّتِي
خَرَجَتْ مِنَ الدُّنْيَا وَفِي بَابِ مُؤَمِّنَةٍ أَدْخَلَ عَلَيْكَ
وَعَمَامَتِكَ وَسَلَامًا مَاتِيًّا بَعْدَ هَرَسِ الْأَرْوَاحِ أَمَّ تَارَةً
قِيَامَتِ بِرَأْسِ خَدَّاهُ نَوَيْسَتِ وَهَرَسَ دَلِيلِ
أَبَةِ الْأَرْوَاحِ خَدَّاهُ خَدَّاهُ أَوَابُ عِجَاهُ عَطَا فَمَا يَدُ
هَرَسَ بَرَاءِ أَوْ هَرَسَ أَوْ هَرَسَ دَلِيلِ أَوْ هَرَسَ دَلِيلِ
وَعَمَامَتِكَ دَاخِلِ لَهَبِ شَوْكِي وَكَرْدِ مَقْبَرِ شَوْكِي خَدَّاهُ
أَهْلُ الْآنِ مَقْبَرِ بِرَأْسِ حَسَنَاتِ نَوَيْسَتِ وَعَذَابِ الْآنِ
تَخْفِيفِ دَهْدِ وَكَرَايَةِ الْكُرْسِيِّ خَدَّاهُ وَفَرَاشِ رَايَا هَلِ مَقْبَرِ
هَدِيكَ كُنْدِ بَعْدِ دَهْدِ خَرَفِ الْأَرْوَاحِ مَكَلِّ بِرَأْسِ أَوْ شَوْكِي كُنْدِ حَلْدِ
بِقِيَامَتِ هَا كَرَايَةِ مَقْبَرِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ خَدَّاهُ وَهَرَسَ
أَهْلُ مَقْبَرِ قَرِيْبِ هَدِيكَ كُنْدِ بَعْدِ الْأَرْوَاحِ حَسَنَاتِ يَابِدِ
وَكَرْدِ بَرَقِ كَلَامِ دَهْدِ مَقْبَرِ الْأَرْوَاحِ خَدَّاهُ

فزع آید قیامت ایمن باشد و او صاحب قبر مرد و امر زنده شود
 و خدا تعالی ملکی را فرستد که در پیشان قبر عبادت کند و نورانی
 برای صاحب قبر نوشته شود و چون از قبر بیرون آید بر هیچ حرف
 و حرفی نگردد مگر آنکه خدا تعالی از او دفع کرده اند تا آنکه در
 جهنت شود و مردیست از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
 که فرمود اگر کسی بر سر اشک آتش نشیند و بیاطاعتش بسوزد تا
 آتش بیدار گردد دوست تر دارم که بر سر قبری نشیند
 اما بر سر جسم راه رفتن یا گذشتن قصور ندارد که اگر صاحب
 مومن باشد یا مستطیع و اگر نه الم یا یا اما ظاهر نیست که قبول
 و کار و الدین و عمل را مایهت ادب با خود مردیست که
 حرمت مومن بعد از تعزین مثل حرمت اوست در زندگی
 خاتم در مواظب و ضایع و فواید متفرقه مردیست از
 حضرت صادق صلوات الله علیه که فرمود حضرت پیغمبر صلی
 الله علیه و آله و سلم نه شب مراجع از جناب الهی سوال نمود که خدایا
 مرا از هر چیزی که مرا از حق دور کند یا از حق دور کند یا از حق دور کند
 از توکل و رضا بقسمت من نیست یا احمد یا احمد یا احمد یا احمد
 جمعی را که در طاعت من بام دوستی کنند و در معصیت من از من

دوای نمایند و برین توکل کنند و محبت من علت و غایت و نهایت
نهاد بر لای دوستان خود هر علم عزت و قرب که در پیش خود دارند
علی یاز آه آن در پیش خلق هست که قائم ایشانند بجای که حاجات خود را
مخلوقین برین بطون شان از جلال خفیه است و لذت نیست
در دنیا که محبت و مصاحبت یا اخلاص که خواهی اوج ناس با شی
دنیا زاهد و باختر راغب بای گفت خدا یا در دنیا چون زاهد
چون راغب با شرم خود از طعام و شراب و لباس دنیا
سبکی را در دل جمع و قیود دنیا مدار و از کسب دنیا غافل
مباشند گفت دوام ذکر ترا چون تحصیل کنی بعد از موت از ناس
و بعضی ترش و بعضی دنیا و فراغ شک و گناه از دنیا با احمد
پرهیز از آنکه مانند لطفال هر سرخ و زرد که بنوعی کفر و شرش
و شریک که با بی خرافیه شوی گفت خدا یا بعملی دلالت فرماید
که بتو نزدیک شوم فرمود شبست را بنماز بیدار دار و روز ترا بجمع
ی شب اگر عزت و جلال خودم که هیچکس بر ای من خلل من حجاب
نشود مگر آنکه از اهل بهشتش که قائم زبانش و انصاف او
دلش و لذت جلالهای باطل برینند و بدانند که من احوال ای می
و میدانم و روشها چشمش جمع باشد که لذت و صلاوت که سبکی

و خاتمونی و خلوت و تنجید از ادبایی هر چه بر این اختیار نکینی
گفت پنجه اینها چیست فرمود حکمت و معرفت و حفظ دل از
خیالهای باطل و نزدیکی خدا و زهد در دنیا و حزن و ایم و خست
موت و کلام حق یا احمد بنیاد فی جبر و قوت بنده عین نزدیکی
شود گفت ند گفت و قی که کوسه بنیاد در جوده باشد یا احمد
عج و ارم از سه کس کس که در نماز میاید که در پیش کرباستاده و
با که در دنیا کرباستاده و با این حال خواب آلود می باشد و کسی که
قوت برایشان قوت دارد و فکر فرو می کند و کسی که نمیداند که
از روز اضمیم یا نه خنجر و کجی یا احمد در بهشت قصر است
از تو که هیچ منفصلی ندارد خواص بنده کسان میزدانی باشند که
هفتاد مرتبه بلیشان نظر کنم و تکلم نمایم در هر نظر هفتاد برابر
با دشاهی و قریب ایشان را بقرام و قی که اهل جنت بطعام
و شراب ملالت و مستم باشند ایشان محو لذت ذکر و محو
می باشند گفت ایشان یکسانند فرمود آناست که زبان از فضل
سلام و شکال انصاف طعام پیسته اند یا احمد محبت با خدا
یکفر است و نزدیکی با ایشان گفت فقر آید اند فرمود آناست که
همینا اقلیل را می باشند در محبت شکور و در شدت صبور باشند

و با کسی شکایت نکند و در روغ نگوید و بدینا فرزند و بفقیری
غنا نگوید یا احمد دوستی با من دوستی با فقر است اگر خواهی
من نزدیک شوی ایشان را بخود نزدیک کن و اگر خواهی از من دور
باشی ایشان را از خود دور کن که ایشان دوستان منند یا احمد
خود را با سباهای نازک و طعنه های لذیذ و بیاطهای نمر
میاری که نفس ما و ای هر غمزدین هر سوخت است اگر کن طاعت
میخوانی ترا بمعصیت میخوانی و طاعت مخالفت و در معصیت
مواظقت میکند اگر گرسنه شود شکوه میکند اگر سیر کرد
سرسختی از سیر کرد و اگر فقیر شود غصه پیدا کند و اگر سستی
شود متکبر شود و اگر از حوادث این گریه و از خدا غافل شود
نفس قرین شیطانست نفس مثل شتر مرغست بسیار میخورد
و باربری دارد و مثل دیو است ز کفش خوش آید و طمعش
لحمت یا احمد دنیا و اهل دنیا و آدمی و آخرت و اهل آخرت
را دوست و اناقت خدا یا ایشان کیستند فرمود اهل دنیا
کسی که غضب و خردن و خنده و خفتن بسیار باشد و
بقسمت خود اکتفا شود و چون با کسی بد کند عذر خواهی نکند
و چون کسی از او عذر خواهد قبول نکند و طاعت کامل و ناست

و در مصیبت ندید و توانا داشتند و بوی و اجناس و قریب بحاسبت خود
نگذارد و نه پند چه میکند قلیل العلم کثیر الکلام بر عاقبت خود
تیرید و از حال خود نیندیشند نه در نعمت شکور و نه در شدات
صبور و خود را بنا کرده مستایند و کمالی که ندارند دعوی کنند
و عیوب فاس کوینند احمد عیب فعل دنیا بسیار است اهل
جهل و حماقت و صاحب تکبر و فساد است در پیش مردم عقلا و در پیش
عارفین جهل و احماد اهل معرفت روی شان تبارک و حیایان
بسیار و عمل حکیمان قلیل و نفعشان کثیر مردم از ایشان در دنیا
و ایشان از خود در هیچ کمالشان بنحیدر عقل و همیشه در حق
نفس چشمتان در حق خود نشان پندار چشمتان بکران و دنیا
بند که خدا در کار حق که مردم را از قافلان نویسند ایشان را از
ذکران نویسند و در اول نعمت جدا شیوه و در آخر ترک پیشه
و عیالشان در پیش خدا مرفوع و کلامشان محبوب و مسموع و ملائکه
با ایشان سخن شنوده مانع ذکر خدا از ایشان مفعول علی را با ملتفت
بجوی کنند **بجای** را بمرحمت هدایت نمایند مرفوع هر کوی که پیشتر
کایان از دنیا مجاهد نفس و مخالفت هر روزی محض از مزه
میرند از ضعف و ناتوانی هر باری باز زنند و در وقت عبادت چون

ستون محکم بایستند دلشان خالی از هر ثقل بغیر خدا نبوت و
خدمت که چون روحش از بدن مفارقت کند بزرگه کی خوشی زنده باش
که نام و مملکت الموت را بر و مسلط نکند بلکه خود متولی بعضی روحش شود
و درهای استاز برای درش بکشایم و جواهر از پیش خرد و لو
بر داریم و هیئتها را در فرجام تا زینت بکند و حرر العین راستا
مهیای تماشا شوند و ملائکه را بر ایشان خلوات فرستند
و در مختار آقا پادشاه و میوه ها را تا خور اسباب و زینت و یاد از
بادهای زیاده اش را فراهم که کوههای مشاش کوه برای او
بی آتش چور کنند و در میان من و انزعاج پرده و مانعی نباشند
و از روی خلایق و اگر ارام و رحمت و در خوان بدش خرد خزانم
ای کاش بدی که ملائکه چون او را دوست بدست میکردند
یا احمد اصل لغت را طعم کواران باشد تا خدای خود را شناسند
و از معصیت بفرمان شوی تا سنیات خود را دانسته اند همیشه
بر کنایان خود که بان باشند و از عبادت خواست مستراحت
نیابند و ایشان را در تیار و احیای نباشند و چون بعضی را حاجت
رسند و نوازشان است که چنانست که در شیخا بر روی شای
ایمان شود و هم نشینان ملائکه باشند و هم از ایشان خدا را

بر کشان و نشان در سینه انعامت حرف و لطم عروج همیشه
آخرت یا اجدیداتی که زاهدان در پیش من چه رنجه دارند
نه وجود روز قیامت که خلائی هر کفر و حساب باشند ایشان
از این اعم باشند و که ترین عطیه که بایشان عطا کنم ایست
که کلید های بهشت هر را بایشان دهم تا از هر در که خواهند
رفتند و ایشان را در مقام خوشی در پیش خود بشانم و انواع لذت
از مکالمه خرم بایشان عطا کنم و چهار در برایشان بگشایم یکی
آنکه هدیه کلمات و عطایا از پیش من برایشان داخل شود
و یکی آنکه هر وقت خواهند بی مشقت و تعب و قشای من
گشتند و یکی آنکه تماشای عارفین و سالکین کنند و رجعت
که چون با انواع عقاب معدیتند و یکی آنکه حورالعین و خدام
برایشان داخل شوند گفت خدایا این زاهدان کیانند
فهمید انا که دل بسته اند بخانه که از خرابی تمکین شوند
و نه بقرنطی که از خمر و شراب کردن و نه عالی که از شرف
مجموعه باطن و کمال استنایند که با شکر ایشان
مکن خود از خجالت و زیاده قوت دارند که از ایشان سوال کنند
و بجای آنکه فاخر نازل می نازد یا احمد روی زاهدان

ز دوست از تعب عبادت شب و روزه روز و با نشان گفت
مکر ز کرم خدا و هایشان در سینه از کثرت مخالفت از دها
پاره پاره و بد نشان از کثرت مجاهدت و از غنای روح و کمال
سعی در عبادت بی آرام و بیقرار لیکن نه از شوق جنت و نه
از خوف نار بلکه چون خدا را شناخت و اهل عبادت یافت
بیقرار عبادت گشته اند گفت خدا یا آیا از امت من
کس در این رتبه عطا فرموده فرمود یا احمد این درجه اولیا
و صدیقین است از امت تو و غیر امت گفت خدا یا ام
زها و کدام امت بیشتر آمد فهمیدند بنی اسرائیل در میان
زهاد امت تو مثل یکوی سمیاست در کاوش و سفید خشت
پس صلی الله علیه و آله و سلم بعد از آن خدا را حمد و شکر بسیار
نمود و ایشان را دعا کرده گفت خدا یا بر ایشان رحم کن و ایشان را
سکندر ایشان بآن راضی گشته حفظ کن و ایشان را ایمان عطا
نمای که بعد از آن شایسته گشت و در حق که بعد از آن بدین
رغبت ننمایند و خوفی که بعد از آن غافل نشوند و علی که بعد از آن
جمل نداشتند باشند و عقلی که بعد از آن باز حق این باشند
و نزدیکی که بعد از آن دوری نه بینند و خوشی که قساوری

در عقبش نباشد و ندکری که نسیان در پی خود و غری که بعد از
خواری نه بپزد و صبری که بعد از آن جوع نکند و حلی که
بعد از آن بپتاب نشوند و لسان محلو حیا کرد آن تا همیشه
از ترصیا کنند و ایشان را با فایده و اوقات نفوس خود و
و سوس شیطانی بپاگردان تا از غمته آن ایمن باشند
بعد از این فرمود یا احمد از ملازمت و ریح غافل باش که اول
و میان و آخر و بین هر و رعیت و ریح زینت می و عبادت
و ریح مثل است چنانکه از دریا کی بشتی شوا که گذشت
همین زاهد پی و ریح ملذذ دنیا شوا و عبادت یافت یا احمد و ریح
هر درهای توفیق برینده کشوده شود و ریح در پیش هر یک
و در پیش خدا غریبی و عظیم گردد یا احمد غموشی پیش کن که معهود
ترین و طهارت و صلحان و خاموشان است و خراب ترین
دلی بوده که یافت یا احمد عبادت در حرقه است نه زنی
طلب حلال است مگر طعام و مشرب خود را از حرام پالایی
در حفظ و نگاهداری بپشتی گفت خدا یا اول عبادت روزه و شکست
یا احمد سیدانی پنجاه روزه چیست گفت نه فرمود که خورید
و می شوی چه کم کوشی حکمت و پنجاه حکمت معرفت و تحقیق معرفت

یقین و چون بنده صاحب یقین شود پروا از سخت و گداز نیست دنیا
نکند و چون چنین شود از من و کرده من را خیر باشد و چون بر
من حال کند من صفت یا و عطا فرمایم شکری که عطا و حاصل
نباشد و ذکری که عطا و بنسیان نبرد و محبتی که بر من نبرد
هر اختیار نکند پس چو مراد دوست فلان من او را دوست
دارم و خلق را دوست او کرده ام و چو دشمنش را دشمن
خود گشایم پس علم خاص خلق خود را از او پوشیده ندارم و در
روز هم زبان و هم از او یا شتم تا آنکه صحبت **هوا** گشتن از غیر
قطع شود و کلام خود و کلام ملائکه خود با و بشنوا و سر
خود آنگاه خلاق بنده ان داشته لم با و بشنایم و لباس و جای
در و پوشا شتم تا خلق از او حیا کنند و گناهانش و یا حرم و
خرنیزه اسرار حکم و پرده از احوال بخت و دوزخ و احوال
روز قیامت برای او بر دارم تا حور امثال بکند و بهشت
منور که با هم و شدت محبت و عظمت قیامت و قیامت
نپسند و نصیب میزان و نشر دیوان بر این کنم **الحمد** از آن که
می افتد و گاهی بر می خیزد تا آنکه از صراط بگذرد و ممالک
بنده خود را با کلا از همه ملوک کرده ام و چون ملوک الموت

مازل شد که در حشمت باد که خدای عز و جل مشتاق است ای تو
خدا در جای بسیار که افعال تو از آن بالا میرفت و هر این و هر آن
تو خود بودی و گوید می کنند و در آن یکدیگر بر سر طاعت ایستاده باشند و در
جای از گوشه بجای از شرب طبعی در دست چمن از حیث ازین
بیرون آید از آن آب قلم رایب با و دهنگ تا سکر است و طبعی است
نمایند و مشهور است از دهنش از دهنش سالیکه بر تو کند و خوش
خدا رود که ترا چشم بر عمر دینی میان او و خدا هیچ عیب صانعی
نباشد پس در جانب راست عرش نشیند پس خدا جلالت از او شکر کند
که دنیا را چون گذاشتی بگویند بعزت و جلال تو که ازین خوف از تو
داشتیم از دنیا خود نداشته پس خدا تعالی تو مایه را هست می کردی
که چه بداشتند و دنیا بود اما در حشمتش این بود من از ظاهر باطن
خبر دایم هر چه خواهی و لکن تا عطا نمایم و در جوار من ساکن باشی
و در حشمت من بخرام پس از تو که که تو معرفت خود مرا عطا کردی
که با آن همه چیز حشمتی شدم بعزت و جلال تو که اگر مرا بد
بند جانم که در دنیا و دنیا دین می کشند بخت ترین افعالشان
که غای تو پیش من از همه چیزها جلالتی چون بخود مغرور باشم
که چه دارم از تو دارم اگر تو مرا اگر لم نمیکردی دلیل می بود و اگر تو

نصرت نمیدادی مخالف بودیم و اگر تقویت نمی نمودی حرف
می بودیم اگر چه بماند که خردمند، نمیکردی هستی بین مردم و اگر
مرا بر جسته نمی پوشیدی اول مرتبه که مصیبت کردم و صولیع گفتم
چون رضای تو خواهم که عقل مرا تمام کنی تا او را شناختم و حق از
باطل جدا کنم و امر از نفی و علم از جهل و حق را از طاعت تمیز کنی
پس خدای تعالی فرماید بعزیز و بیاد خودم که میان من و تو هیچ حاجت
نیاشد تا هر وقت خواهی پیش من آئی و با دوستان خود چنین کنم
یا احمد میدانی کدام زندگی که او را از کدام حیوانی ترا گفست
خدایا شنیدایم فرمود اما از نهنگی که او را آتش که صاحبش از دگر من
مانده نشود و قیمت مرا فراموش نکند و از من غافل نگردد و حق
مرا بشناسد و شب و روز مطالب رضای من باشد و اما حیوة
مانی کسی دارد که طاعت من نکند تا دنیا را بنظرش زایل شود و آخر
عظیم کرد و خواست مرا برخواهد خواست را کند و بی روی تو حکم
من نماید و مرا چنانکه حق تعظیم نیست تعظیم کند و جانفش کند از او
غافل نیستم و شب و روز مرا بنظر داشته باشد و اما تا آنکه
من گریزان باشد و دلش را از صفات ذمیه و عیباهای باطل
بالا نکند تا مشیطان عدلش راه نیابد و شیطان از دشمن دور

و لطافتش کند چون باین طریق عمل نماید دلش از بهجت خود لبریز
گردد تا هیچ چیز بر این اختیار نکند و هر چه کند و بگوید برای کسی کند
و چشم و گوش و دلش را بیکشایم تا چشم دل جلالت و عظمت مرا پند
و بکوش دل اسرار این ستود و دنیا را بر و تسلیم کرد تا دایم و لذت
دنیا را از دلش ببرد و کم و از دنیا و مایهها او را بترسانم چنانکه بشنا
کند از همه که او را مطلع کرد که بترساند و چون چنین شود از
خبرم گریزان گردد و از دنیای غافل که خانه مشیطانست دل بهار
و مشیت و شخصیت که خانه دین است شود و بخلعت و عیبت
او را ازین کم اینست زندگی کو را و حیوة باقی یا سعادت کسی که عقل
ندارد و غنی نیست و کسی که محصل ندارد و فقیر نیست یا اسیر هیچ میدانم
چیز جز ترا اضل از سایر انبیاء که هم گفت غیبا هم فرمود ب
یقین و حسن خلق و بضاوت و هم بر خلق همین موصوفی که
بما بایشان محکم است باین صفات این رتبه یافتند یا الله یا احمد
فعلی عقلت و باطری من نبود نیست و استواضع کرد آن تلو که ازین
غافل نیاست که حکم ازین غافل شود از و پر و آنکم هر که هلاک
شود یا احمد عقلت را پیش از آنکه از دست رو کار فرماید که
هم عقلت را کار فرماید خطا نکند و بعلی که تو را عطا کرده ام

علی بن ابی طالب اولین و آخرین برای تو جمع شود و چون چنین کنی اهل
صرفت در دولت اندازم که هیچکس وصف آن نتواند کرد مگر به راه
خیر و راه هدایت کم و قوت عبادت دهم و عبادت را چشم
دست شیرین گردانم تا جمیع سزایان دوست ترطاری یا احمد اگر
خواهی عبادت ایمان و فیای کرسنگی **بکش** کن و غمخوی را بپوش
زبان و خوف را ملازم بدل گردان اگر چنین کنی نجات مایه روز
علازم شوی یا احمد بعزت و جلال خودم که اول عبادت مایه این
و توبه ایشان و فقر ایشان نیست مگر روزه و کسنگی و غمخوی
تنهایی از اصل دنیا و اول محبت سیری و پیایه کوی ملت
اصل دنیا یا احمد چون بنده کرسنگی و غمخوی بشه کند حکمت او را
عطا کنم اگر چه کافر باشد اما اگر کافر باشد آن حکمت بر محبت
باشد و محال شود و اگر مومن باشد نور و برهان و شفا و رحمت
شود پس آنچه نمیدانست بداند و آنچه نمی دید ببیند و اولی آن
بسته **بکش** غمخوی باشد تا آن مشغول خود باشد و چه دهم
قانع گردد و در قیام و هیلهای شیطان و هیلهای شیطان
پناه کنم تا نفس و شیطان را بر او راهی نباشد یا احمد هیچ عبادی
بیشتر از کرسنگی و غمخوی نیست پس گوید روزه گیرد و زیاده

از پیرو و نیریند مشکل کسی است که نماز ایست و قنوت نکند یا
نیمه ای بخند و چه وقت حاجت باشد گفت غیبی نام فرمود و می گوید
صفت دنیا باشد و می گوید از حرام باز دارد و نمی گوید که او را از
کلام بفهمد و بفرماید و غنی که روز بروز بگوید این دنیا را
چرا می که در ریاضت این می کند و کم خوری که بقدر ضرورت
و دنیا را دشمن دارد که آنرا دشمن دارم و خواب را دوست دارد
که من ایشان را دوست دارم یا احمد همین که کسی گوید من خدا را دوست
دارم هر چه دوست ندارد و ملائکه را از غیبا بقوتی و با حق تعالی
شود و عمر خود را از عبادت من گذراند و غموشی را پیشه کند
و گوید بسیار خوشد و کم کند و غافل از حق و اولیای خود و میسر
خانه اش و علم صاحبش و زهد محققین از جمله اوست
و فقر این فقایش باشد و مطالب رضای من باشد و از غضب
من بگریزد و از اهل دنیا غافل باشد و غریبان باشد و خود را
مشغول کند و تکلیف من دارد و در حد و مایه و بگوید
و فکند و پیش از صفته او او را فکرها و فکلهای باطل باشد
و نمازش از کمال و دریا و قصور پالت باشد و در فراغ من می کند
و عاقبت بنواب و عذاب از عذاب من باشد و رفیق و همسایه

دوستان من باشد یا احمد اگر بند و مثل تمام اهل آستان و زمین
روز و کبر و مثل ایشان نماز کند و مثل او بگوید یا احمد یا
یکسازد و مثل او بدین لباسهای درشت و پهل پرشید و با
این خرد و دلش بقدر روز و شب و یا یا حبیب ریاست یا امام یا اولاد
یا زنجیر دنیا باشد و در هر روز راه دنیا بطاعت محبت خود را از دست
برد ارم و دلش را از این کم نام افروزش کند و جلالت محبت خود را
با و خفا نعم و بر بباد رحمت و سلام من و ایضا از حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله وسلم روایت که خدا بخواهد فرود آید بر آدمی و او توانا
ندارد و سر و گردن او را همیشه درین باور بقیقت و رحمت بقیقت
روست و در میان خود بگویم و تو با من عهد و پیمان و معاشرت خالصت
میکنی همیشه و نیز در رحمت من برفتار نماند و هر وقت که
پیش من می آید هر شب و روز فرشته گویم از تو عمل نسیج تر و
می آید اگر تو صفت خرد و زکیستی و نوری و طهارتی که تو را میگوید
هر اینها که است گوی خود شوی مرا در وقت غصبت یا اگر گفتم
ترا در وقت غصبت یا اگر گفتم و هم از حضرت صلی الله علیه و آله
روایت که فرمادی از عمر بن خطاب که ای بنی آدم خدا بخواهد
شار اسلام میرساند و میگوید من شار استنفاق خود میگویم

و شما مشتاق من نمیشوید و شمارا از خود میترسانم و می ترسید
شما را بفرستد و روزها را بگذراند و بگذرد و اینها را این راه
در خدمت خداوند بگذراند و بگذرد و بگذرد و بگذرد و بگذرد
و بگذرد و بگذرد و بگذرد و بگذرد و بگذرد و بگذرد و بگذرد
چندین یکم را داده که اگر اصل غفلت که همیشه در خیر یا بی اعلی
بهترین جهان است که چون هیچ بر نشود غلام و ضابطه داشته
باشی هر کس درم از دنیا من ترسید و از اصل دروغ باشد و بفرستد
مردم چیست که از تریس شریک را بفرستد و بفرستد و بفرستد
مردم چیست که از تریس را بفرستد و بفرستد و بفرستد و بفرستد
خود را بفرستد و بفرستد و بفرستد و بفرستد و بفرستد و بفرستد
راست و خوشه دروغ بفرستد و بفرستد و بفرستد و بفرستد و بفرستد
برهمنش هر که که از هر چه که بفرستد و بفرستد و بفرستد و بفرستد
خارج بسیار که نیست و بفرستد و بفرستد و بفرستد و بفرستد
از خطای که حاصل می شود و بفرستد و بفرستد و بفرستد و بفرستد
من گفتم و بفرستد و بفرستد و بفرستد و بفرستد و بفرستد و بفرستد
مکر و خفای که از هر کس که بفرستد و بفرستد و بفرستد و بفرستد
و بفرستد و بفرستد و بفرستد و بفرستد و بفرستد و بفرستد

از طلاق و خشی فقره امیریه دیوارش را از یاقوت و سقش با
از برید و یکش و از زرد و لیمو و کافور را از عسل و مشک از
که دایند بعد از آن غرض کمال کن گفت لا اله الا الله
القیوم سعادت یافت هر که در اقبال شد فرمود عزت
و جلالی که در فضل تو ظهور شراب غدا روغن عین و دیو
و اعوان عالمه و غنیمت خویش و غنای قاطع و اعلی
چنانکه ازین امت کافر اند من عین و کس که پیروی اسلام
مردم کنند و بیست و یک که از زلف را بحد ام یا زنی محرم را یا محرم
کجاست کند و یک که در صراط جنات یا اهل حرب و عین فرود شد
و مانع کوه و مستطیع کج نکرده میبرد یا اعلی و عین از کمال
اشراق نصرت و هدایت و عزت و غفران و کرم و کرم و کرم
و صلوات بر کس که از آن قطع کند و علم و دین از کس که یا تو
ناخوش کند یا اعلی یا از کس که قبول شود بنده که از صاحبش کرم
و زنی که کرمش را بپذیرد و از او و در کمال علم و کرم
یا اعلی که کرمش و کرم و کرم و کرم و کرم و کرم
کامل بوده و در های همیشه برایش کسور و شور و مهر را
سازد و مانند وقت با حقوق الله و زکوة مال دهد و غرض

خور و راختن کند و زیارتگاهها را در دوازده ماه استغفار کند
 و نیز برای اهل بیت طاهرین علیهم السلام کند یا علی عباس است سید
 و سرور باشد اغنیاء و ابدال و زنان یا علی سید پدر از حقیقت ایمان است
 صدقه و وقت پریشانی و انصاف بچنین و بدو علم معتدل یا علی
 سید پدر است که هر کس بخواند باشد علمش تمام شود و هر کس که از
 معاصی نکاهد و از الله و خلقی که با مردم مدارا کند و حکمی و جعل
 یا هلال را بخواند یا علی دو ساله راه بروی بر والدین و
 ساله برای صلوات و یک میل عبادت مریض و دو میل به شیع
 بخانه و سه میل به حاجات دعوت و چهار میل به زیارت خرمین و
 پنج میل به در راه و شش میل به عبادت مظلوم و هفت میل به
 یکن یا علی چون کسی بخواند و میگویند چقدر است و ملائکه که نیندیش
 آورد یا علی سید پدر است قناعت است غنید و فقرا و صید
 کردن با هر دو و در خانه سالها بر رشتن یا علی هر کس خلق نیکو برورش
 و عبادت بخواند و عبادت و انصافش پیشتر از هر کس ^{سبیه}
 و هم انصاف علی علیه السلام و اگر دست کم با یوزر و هزاره فرمود یا
 ابا ذر و سبیت هر آنجا و غلبت نهای تا در دنیا و آخرت نجات یابی
 چهار ایچان عبادت کن که گویا اوردی پی که اگر تو او را نه پی

او ترا پسندید یا با در لعل پست مندا گشتی نو چند هرگز نپناه باقیان
بر درختان یا بید و هرگز از نشان باز ماند هلاک شود و یا با در
خ چید زنا پیش از پنج چیز غنیمت دان جوانی پیش از پیری محبت
پیش از بیزاری و بغضا پیش از فقر و فرصت پیش از بفرقه هستی و
زنده گشتن پیش از مرگ یا با در چون کار خیر و عبادت در دست تا خیر
مکن که غنیمتی بعد از این چه شود اگر بعد از این جوانی کار دیگر توان
کرد و کردن از این کار محروم نباشی بسیار کسی که روزی بیدار شد
و بعد از آن رساند یا با در در دنیا خود را غریب شمار یا مثل
مسافر آنکار و آنجا هر کجا بنده که چون هیچ بر خیزی در فکر
شام مباش و چون بشام رسی خیال هیچ مدار یا با در هر روز
غنیمت شمار و بر عجز خلیل ترا از دم و دنیا با پیش و با با در
مستحق خدا پیش از آنست که توان داشت و نعمتهای او کرد
پیش از آنکه توان شمر و غیر این موارد نیست که هیچ و بشام در
استغفار و توبه را پیش یا با در در من از خطی که بگردان تو باشد
که صبی از لعل یا با در آدمی گناه کند و باین صیبه از روزگار
محروم شود یا با در کار کفری که نفی ندارد ممکن و چه که گویا دیده
ندارد معلوم و زیاده را پیش از آن خط که کمال را حفظ میکنی

بالآباد از چو به طریقت نگاه کنند و چو داد و دیات بلا آید
 بپسند و کزین عیال با و ایشان و عیال با هم می بودیم هر چند که
 هر طایفه از مردمی بود و هر هفت ایشان کورسند و نشند
 می بود و شاسیر و خیر آب می بود و این عیال و دیگران
 و شای خواهد دید ایشان مسفت یکشنبه باشند و شای رفت
 میگردید با آباد از چشم من جان روشن است چنانکه چشم کورسند
 و نشند با طعام و آب کورسند و نشند با طعام و آب می نشند
 و من از طعام و آب می نشنوم و با آباد خوشایم که روز غایت
 علیهای شای اگر اشتد بهشت مسفت کند ایشان که
 در هر ما و غیر آن مسفت کنند با آباد و ایشان که
 می نشنوم کافراست و عیال با شای که هر قرن چون
 عیال با شای که از آفاق بیست و چون از دنیا بروند
 رحمت رسد با آباد هیچ عیالی مثل آن نیست که عیال عیال
 با شای که عیال و کورسند و دل با عیال دار و کورسند
 کورسند از عیال و شای با آباد که عیال کورسند و عیال
 از عیال کورسند و عیال با شای که عیال با شای که عیال
 کورسند و عیال با شای که عیال با شای که عیال

تشریف یافت و خود را از زمین قریب دهنه ایا در دنیا و هر دو دنیا
مستقر داشت مگر آنچه برای قتل ایا در عالمی با هر کس از اید و هر دو
اورا در دین و دنیا و دنیا را هر دو جهان و هر دو دین و دنیا را
یا ایا در دین و دنیا و دنیا را هر دو جهان و هر دو دین و دنیا را
براستی یا ایا در دین و دنیا و دنیا را هر دو جهان و هر دو دین و دنیا را
کفایت کند و اعلای جهان را ایا در دین و دنیا و دنیا را هر دو جهان و هر دو دین و دنیا را
و هر دو دین و دنیا و دنیا را هر دو جهان و هر دو دین و دنیا را
هر چه میگوید حق و هر دو دین و دنیا و دنیا را هر دو جهان و هر دو دین و دنیا را
ثواب نیایی یا ایا در دین و دنیا و دنیا را هر دو جهان و هر دو دین و دنیا را
همیشه بر مشروط و ایا در دین و دنیا و دنیا را هر دو جهان و هر دو دین و دنیا را
میکنیم و هر دو دین و دنیا و دنیا را هر دو جهان و هر دو دین و دنیا را
و هر دو دین و دنیا و دنیا را هر دو جهان و هر دو دین و دنیا را
خداوند ترک زغیت دنیا کند چون کنی از اهل دوستی دنیا را
یا ایا در دین و دنیا و دنیا را هر دو جهان و هر دو دین و دنیا را
از نو طلعت او تمام دین و دنیا و دنیا را هر دو جهان و هر دو دین و دنیا را
بعد و تمام اهل دین و دنیا و دنیا را هر دو جهان و هر دو دین و دنیا را
طیبت را و دنیا را کند و هر دو دین و دنیا و دنیا را هر دو جهان و هر دو دین و دنیا را

یا ایها الذراری که برای خدا ترانه لذت و شهوات دنیا کند و بجا
دوامت بر روی رساند احرص باشد و صدیق داشته باشد
یا ایها الذراری که چون فانی باشد شریف و نجابت کند و بساجد را
خوب بدارد که غفلت از او باشد و شایسته عبادت مسجد کما ام
گفت آنکه مسجد او را بگذراند و مشی و اخلاص و عبادت و
نشوی و گریه و جگر و بر قامت خوابد و حسرت نکشی یا ایها
یا مسجدی باشی ملاک بر تو صلوات فرستند و هر نفسی که کنی در
بلند کنند و ده حسنه نویسند و ده سیه بکشند یا ایها الذراری
متقی باشد تا در کمال و شرب و لباس قینه جلال و عزام کند
و آنجا سینه نفس خود کنی مثل آنکه با کمال و عبادت و شرب
و تقوی و کندی یا ایها الذراری که فرو رفته و جلال خودم فرج
بنده رضای بر رضای خود اختیار کند که آنکه نفسش را خفی
که نام و قصد و فکرش را صرف آخرت کند و آسمان و زمین و آفتاب
و قمر و کواکب را بر او بجای تمام است یا ایها الذراری
که آدمی از ذوق خرم بگوید چنانکه از کرم میگوید و ذوقش باو برسد
چنانکه کرم باو می رسد یا ایها الذراری که نظرم بال و جمال کند
بلکه نظر عدل و اعمال کند یا ایها الذراری که فرج و زیارت حفظ کنند مثل

بهشت شود گفت مکر را با جود یکدیگر تو هم موافقه کنند فرمودم
سر این بیفتد بخانه اندازند مکر حاصل نیاید یا با دزد کسی نخواهد که
مردم ندیده پیش او بر سر پا ایستند جای خود را با پیش و بعد اند
یا با دزد کسی که بقیه رزقه کین در دلقش بپوشد بوی بهشت نشود
تا فریاد کند یا با دزد کسی که با دزد باشد اما برای تو با حق خدای تو
زینت کند و خود را در پیش خدای تو میل و محبت گرداند و مال
خود را در غیر و مصیبت هر وقت کند و بر فقرا و مساکین رحم ناید
و با اهل علم و دانش مخالفت کند بهترین است من باشد
خوشا کسی که ظاهر و باطنش خوب باشد و شتر خود را از مردم باز
دارد و با اهل علم و فضل کند و هر چه زما که از معوض طعمیال باشد
در طاعت صورت کند و حرف بیفکند و نگردد از حضرت امیر
المومنین صلوات الله علیه و است که فرمود و عجب از کسی که بگوید
بر من میخورد تا آزاد کند چرا آزاد از احسان نمیخورد تا بنده کند
و عجب از کسی که بگوید رحمت از بالا است و از خداوند و عجب از
پایین تر از خود و هم تکلم و عجب از کسی که بگوید سرخ از خدا
پرهیز کند از ترس عذاب از کتاب پرهیز نکند و جهل است امام
علیه السلام بجمع شیعیان میفرمود ای معاشر شیعه شما زینت ما

معاشر شیعه

باستید و تا آنکه ما میباشید با مردم خوب بملوک کنید و زبان خود
نگاه دارید از فضل کلام و قیام افعال استراحت و کم آنحضرت
علیه السلام بعد از آنکه منسوب کرد از اصحاب آنحضرت بود و فرمود یا
عباد الله ایس وادهای خود را برای اولیادین خود و از خود گذشت
و حال آنکه آنحضرت در نظر ایشان چنان جلوه کرده که هیچ چیز را
اختیار نکنند بعد از آن فرمود آه آبروهای که از نور الهی بهره
شد و موفقیات و نظراتشان مثل ما را رقم باعد و بیایم آمد و جدا
افتن گرفته و از اصل دنیا و حشر کرده ایشان اولیای منند
حق و سید ایشان رفت و رفت و بلا از اصل دنیا خایه باین
بر هر کس ما را شناخت و چیست که هر روز در هر یک شماست
خود کند اگر حشر کرده باشد خدا را شک کند و طلب زیادی نماید که
سیده کرده باشد استغنا کند و در هر یک باشد تا روز قیامت
دلیل نماند خوشایند که چشم بر اصل آنست دنیا و یکی از علل
نداشتند با خدا و در شک نیست و خوشایند که مشغول آنحضرت
باشد و آنهمهای بطل دنیا از او بزد و باین جذب اگر شیعیان
بر او راست کردند و اطاعت میکنند ملائکه ایشان منزه کنند
و هیچ چیز از آنها طلب نکنند مگر که عطا فرماید باین جذب اگر کار را

کینه بدید میگوید و چند برای توین و تیه ایشان تضرع و استغاثه
کنند که هر کس که توکل نماید و از اخذای ماجرانه ای و اگر چه در دنیا
بکوبد و آنچه نماند یا بر و مشکوفا باشد ساکت شود از اهل بیت باشد
این چند عجب تکیه بر عقل کنند که در این شریعه و اعتماد بر رحمت خود
جرات بر کشد که کثافات نیاید که هم نمی که کثافات باشد و هر که
دلش در میان خوف و جفا مضطرب باشد بجای ثواب و خوف
عقاب مثل کوه ترند چنان باز و عقاب و این چند هر کس خواهد که
خدا تعالی با خود توفیقش کند و تاج و تیر بر سرش دهد اذلال هر روز
بمؤمنان نماید و این چند بشت خوار می کنند و روز جزا می گویند
حضرت کوش کلان چشم و زبان بنیست مبادر سلمان بن داود
سلمان گفت ای ذریه ثواب که هر کس که ثواب بسیار از حق
شود و روزی که هر کس محتاج اهل بیت باشد و این چند بشت
و آنها است که در میان فریب و عداوت که کند از آنها بر حذر
کنند که در ادرام میان که است باین رسول الله صلی الله علیه و آله
آن کلام است فرمودی که هر کس بر و احسان بنو عثمان کند و اگر آن
صالحات و قرائت غافل که در هیچ عبادتی مثل ادرام با احسان و بر او
و زیارت ایشان نیست و ای بر جوی که نازها و افرامش کنند و در شان

آن مشاهده نمایند از اوقات خود بگذرد و بعد از آنکه آن امر ضایع
شود که آیات و احکام خدا است هرگز نمیکند و اگر مرا غلط ضایع بود
پروا ندارد ایضا که خدا در قرآن فرموده که در آخرت ایشان انصافی
نباشد و با ایشان سخن نگویم و از سستی آن پاک نگویم و بعد از آن ایلم
معتدب که غم باین چندین هرگز باین میگویش و نند و تحقیق می کند
و با او عبادت نماید و مالش بجهنم باشد و هرگز بر مومن حسد برد
ایمان در دلش چون مالش در آفت بگذارد باین چندین هرگز باین می
سوی کند چنانست که سو میان خدا و هر که کند باشد و هر که
حاجت مری کند چنانست که در بدو واجب و حق و غلط است و با
خدا و خلق هیچ اعتدال نکرده و هر که در حق و غلط است و با
کرده انصافی چندین میان من برسان و بگوئی که چنانها ای ایلم
میکند و واحد که ولایت ما دست زین نباشد که بر روح و عبادت
و مراساة احوال و موثران و مشیبه از ما نیست که بر روح و عبادت
کند باین چندین شیعیان ما را اخذ و مفت توان شایسته است
و بدین با قرآن و قراین و فو اخل است با هر روز شیعیان ما مثل آن
زاری نمیکند و مثل کمال فو طامع نباشند و با عدای ما متعلق و اندیش
سوال کنند که چه از کوسنکی بدین و متعلق وقت زوال کنند

و هرگز نیکو نباشد گفت ایشان که با جویم فرود در کوهستان و کوهستانها را
داخل شهری شوی بی نام و نشان از مردم گذار و کوه مردم از تو گذار
کرده که با بی او تو نباشی یا این جزو قبیله که با ما هرگز نباشد و هرگز
عقوق اصل و ولایت ما و هر یکی مقبول شود و کوهانیکه بر سبیل
و نجات و مسوولیت کنی یا این جزو قبیله که با ما هرگز نباشد و هرگز
ابراهم طویل باشی باید مصیبات دنیا را بر عهد آسان کنی و همیشه
حکمت و نظر داری و انقدر بر دنیا بی اعتماد باشی که برای فرو انداختن
تکی و با آنکه افعال دنیا هر چه دوستی مالی تو باشد و هر چه بگذاری
بر آن حسرت بری یا این جزو قبیله که با ما هرگز نباشد و هرگز
برای دیگران هم که با ما نباشد و هرگز بری که با ما نباشد لطافت
خود که با ما نباشد و هرگز بر عهد آسان کنی و همیشه
باشد در نعمت مشغور و در مشقت صبور باشی نعمت ترا غفلت
و لذت ترا موجب جزع نشود انقدر دایم در محبت دار که سبب اعتقاد
بر آن معصیت کنی و انقدر در خوف و عقاب دار که در رحمت
نمیدانوی در شست و ناخوش میباشی که مردم از تو دوری میکنند
و حقیر و بی باکی که ذلیل و خفیف شوی با پیش از تو میدی و هرگز
و با آنکه از خود محرومتر و استمنز آکن و با مردم دیگر را حاضر و غایب

و در هیچ سخن یا مباحث و خود را در پیش هر که خفیت کرد آن و در کارها
تا اهل آن و خیر و شرش را تعیین نای تا اوردن نانی و پنهان نشود
طبیعتش و خود با شرف و غیره شرف و پیشترش و اگر کسی احسان کنی
بکثرت ذکر و منت یا طبل کردن بکده هیزان آن بانی نعم کن و
خوش بشیر کن که اگر عالمی در نیست کنایه کند و اگر جاهلی بشود
عبادت او بدین جناب حضرت عیسی بن مریم صلوات الله علیها
یا صاحب خود گفت اگر شایکد گیر اید بپیشیند که صاحب خود گفت
کنشود ایا هر دو بکشاید یا کنشود و اینو شد گفت هر دو را
پوشیم فرمودی بلکه هر دو بکشاید و بگوید یک دیگر ای بپند
و بپوشید تا ترک شهوت نکند آنچه بخواهد بپوشاید و اصرار
بر کاره نماید آنچه بخواهد بپوشد و رسید چشم او فرمود و نیست ای
پوشید که حاصل آن صورت و عاقبتش و امانت مثل اکلان
نظر بر عیوب مردم نکنید بلکه مثل اید کانی مشغول عیوب خویش
مردم و قنصلد مبتلا و معافی و مبتلا مردم کنید و عیوب
شکر نایید یا بن جناب چون تصدیق می علانیه که مردم قریب
مدح کنند که اگر چنین کنی یا بخود رسیدی یا بشی بلکه اگر او نیست
راست می باید چپ را جزیان شد یا بن جناب خیر و شر هر دو پس

تمام غیر در بهشت است و تمام شر در دوزخ که هر دو بهشت است یا برین
چند بهشت است یا یکی در بعضی وجهها فرمود که نماز کنی یا بگوئی آم
که در پیش من عظمت ترا وضع کند و خود را برای من از مشغولیت
باز دارد و روزی خود را برای من بگذراند و بر من مقرر کند
و گشتن را بر من بگذراند و بر من بگذراند و بر من بگذراند
رحم کند و غریب را بر من بگذراند و بر من بگذراند
مثل انصاف تا بیان باشد و عظمت فرزند دهم و دهم
و علقه عطا است که در میان او بسیار است و بعضی
خود را عطا کند که در میان او بسیار است و بعضی
و چون سوال کنند عطا انعام و چنین بنده در پیش من مثل
فرز است که میوه اش از دست من میوه اش از دست من
محفوظ است یا بر چند بهشت روز قیامت میان اولیا و
اعضای ما و براری نصیب کنند محفوظ و برین بهشت
و برین بهشت است و برین بهشت است و برین بهشت است
قیامت مقصود و ما آنها را برین آید و در آنها بسیار آید
و بیکر ها بخت شود و اولیا را داخل این حصار کنند
و در امن و امان باشند و هر چه از او بکنند بر ایشان صحب

باشند و بعدا بقوت عظیم و عذاب الیم گرفتار باشند و از روی
حسرت گویند که ای خدا انا نکر ما اینسانرا همراه می داشتیم و
او میبایست اینان را همراه و بر حالشان خند و گستاخ (ولی ای

ما را بکاشه اعانت کند در این روز
چسباید بهشت رو در وقت هر روز
جمال الصالحین و الحمد لله
و علیهم و علیهم و علیهم
و آلهما

اگر منتر بخواند و کسی در عمل نیارد هر
دست هر کس یکگاه داده از هر جا که
تمایز رو پیدا آنچه بگوید می برآیند
اگر منتر بخواند به هر چه خواند خواه
مرد باشد و یا زن بخواند هر چه
دین باشد کمال میشود و الله اعلم
و صلی الله علی محمد و آله اجمعین بر
حمدك يا ارحم الراحمین که ماه و ماه